

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ

وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ
آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ مَا تُنْفِقُوا
مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ



فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات جنگ ایران و عراق

سال ۱۸، شماره ۶۳ / پاییز ۱۳۹۹

صاحب امتیاز:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: علی محمد نائینی

سردبیر: علی شجاعی صائین

دبیر تحریریه: محمدباقر شمس‌پور

تحریریه این شماره:

اسدالله احمدی، حسین احمدی، بیژن اشتري، یدالله ایزدی، علی بروجردی، یعقوب پناهی، نورالله جعفری، زهرا جودکی، محمد درودیان، فرهاد درویشی، شیما دنیادار رستمی، سیدهادی زرقانی، علی شجاعی صائین، محبوبه شمشیرگرها، حسن علایی فعال، حسین علایی، مجید کریمی، زهرا گل محمدی، محمد محمدپور، لیلا نعمتی، یعقوب نعمتی وروجنی، یحیی نیازی

ویراستار: ثریا جهانبانی

طراحی گرافیک: مصطفی گودرزی

لیتوگرافی و چاپ: مرکز چاپ سپاه

ناظر چاپ: محمد بهروزی

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید دستگردی (ظفر)، بعد از تقاطع شهید

تبریزیان، پلاک ۷۷

تلفن و دورنگار: ۰۲۱۲۲۹۰۹۵۲۵-۳۰

رایانامه: Neginiran@gmail.com

نشریه در شیوه نگارش و ویرایش مطالب رسیده، آزاد است.

مقالات، نمودار آرای نویسندگان است و فصلنامه در این زمینه، مسئولیتی ندارد.

هر گونه استفاده از مطالب این نشریه با کسب مجوز کتبی و ذکر منبع بلامانع است.

نحوه فروش:

(۱) از طریق تارنمای مرکز به نشانی defamoghaddas.ir.

(۲) از طریق نشانی مراکز تهیه در صفحه پایانی.

قیمت: ۳۰ هزار تومان

۵	■ آغاز سخن
۵	مدتی این مثنوی تاخیر شد! / علی محمد نائینی
۷	■ یادداشت
۸	غافلگیری‌های «معادله‌ساز» - احتمالات «سرنوشت‌ساز» / محمد درودیان
۱۰	■ پرونده‌ای برای آغاز جنگ
۱۱	جنگ هشت ساله و ضرورت ارتقای قدرت ملی / علی شجاعی صائین
۱۴	آغاز تهاجم از نگاه عراقی‌ها / یدالله ایزدی
۳۰	صحنه‌های سیاه دیپلماسی آمریکا
	مقدمه‌ای بر کتاب «اتحاد شوم»؛ اسناد آرشیو امنیت ملی آمریکا درباره همکاری با صدام حسین (۱۹۸۰-۱۹۸۴) / مجید کریمی
۵۲	بررسی امکان جلوگیری از وقوع جنگ / حسین علایی
۷۲	پیدا و پنهان یک تهاجم هماهنگ
	تاریخ شفاهی سرلشکر محسن رضایی / یعقوب پناهی و زهرا گل محمدی
۹۰	فرصتی برای جبران حقارت (روندشناسی و انگیزه‌شناسی حمله صدام به خاک ایران) / حسین احمدی
۱۰۰	جنگ قبل از جنگ
	جنگ در منطقه مرزی استان کرمانشاه-بخش اول / اسدالله احمدی
۱۲۰	نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق به روایت تحلیل‌گران غربی / محبوبه شمشیرگرها
۱۲۵	کتاب‌هایی که از آغاز جنگ گفته‌اند / شیما دنیادار رستمی
۱۳۳	ده منبع خارجی در باره آغاز جنگ تحمیلی / علی بروجردی
۱۳۹	■ مقالات
۱۴۰	قدرت ملی ایران و عراق در جنگ تحمیلی
	با تاکید بر قدرت نظامی و اقتصادی / سیدهادی زرقانی
۱۶۱	مبانی حقوقی دریافت غرامت جنگ تحمیلی از عراق / یعقوب نعمتی و وروجنی و لیلا نعمتی
۱۸۳	فهرست نویسی حوادث جنگ / حسن علایی فعال
۱۸۸	■ گزارش کتاب
۱۸۹	شکل‌گیری و توسعه یگان جنگ الکترونیک سپاه
	گزارشی کوتاه از چگونگی تدوین تاریخ شفاهی جنگ الکترونیک سپاه / یحیی نیازی
۱۹۶	تداوم اشغال و بحران
	مروزی بر روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۱۳ (نیمه اول) / فرهاد درویشی و محمد محمدپور
۲۰۸	■ در آستانه نشر
۲۰۹	دو زندگی‌نامه از صدام حسین / بیژن اشتري
۲۱۲	■ تازه‌های نشر
۲۱۳	از قدرت متعالی تا طبیب زندان دوله‌تو
	معرفی آخرین آثار منتشره مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس / نورالله جعفری
۲۱۹	■ گزارش یک نشست
۲۲۰	مرکز اسناد و روایت‌گری جنگ / زهرا جودکی
۲۲۶	■ هنر و جنگ
۲۲۷	عکس‌های ماندگار [۱]



marshaz.ir



مدتی این مثنوی تاخیر شد!

بسم الله الرحمن الرحيم

آینده این سرزمین و نیز ملت‌های مظلوم و انقلابی جهان معاصر است. راهی تازه برای زیست انقلابی و مقاومت عاشورایی ملت‌های مسلمان منطقه است.

نگین عزم آن دارد تا ترجمان این اندیشه دفاعی برای نسل‌های آینده این سرزمین باشد؛ نگین بر آن است تا اندیشه سامان‌بخش این تجربه بزرگ تاریخی و جهاد بزرگ نمایان‌شده در آن را برای تاریخ ثبت نماید. نگین باید در کلیت خود و نیز در یکایک موضوعات انتخابی‌اش، بیانگر ابعاد راهبردی دفاع مقدس و آموزه‌ها و عبرت‌های کلان برآمده از آن باشد.

هدف اصلی، انتشار نشریه‌ای پژوهشی و مرجع در حوزه جنگ تحمیلی هشت‌ساله، مبتنی بر مطالعات تاریخی و اسنادی و تولید روایت‌های معیار، مستند و مستدل، با ادبیات علمی و رویکرد تحلیلی است. حفظ و ثبت آموزه‌ها، تجربیات، دستاوردها، فرهنگ و ارزش‌ها، به عنوان یک کلیت تجزیه‌ناپذیر و انتقال آن به نسل‌های بعدی انقلاب، پاسخ‌گویی علمی، تحلیلی و اسنادی به مسئله‌ها، شبهات و پرسش‌های اساسی مطرح، مقابله با تحریف واقعیات جنگ هشت‌ساله و مهم‌تر، تلاش برای برقراری نسبتی اندام‌واره میان این تجربه با راهبرد ملی و نیازهای احتمالی در رویارویی با

پس از وقفه‌ای ناخواسته و نه چندان کوتاه، به یاری خداوند علیم سر آن داریم تا دور تازه‌ای از انتشار فصل‌نامه «نگین» را شروع کنیم؛ با این امید که در این کوشش دوباره، از دیدگاه و همکاری تمامی پژوهش‌گران جنگ هشت‌ساله بهره ببریم و حضور تاثیرگذارشان را احساس کنیم.

اما در آغاز این دوره جدید، بر خود فرض می‌دانیم نگاهمان به جنگ هشت‌ساله را با مخاطبان نشریه در میان بگذاریم و مسیر پیش رو را تبیین نماییم. از نگاه این مرکز، جنگ تحمیلی هشت ساله، اقدامی راهبردی از سوی جبهه گسترده دشمنان برای نابودی انقلاب اسلامی و سرکوب ملت انقلابی ایران و نیز گامی راهبردی در مسیر تاریخ این ملت و این سرزمین بود. جنگ هشت‌ساله با همه فراز و فرودها و کامیابی‌ها و ناکامی‌های خود، سند هویت ایران و نظام اسلامی است. این تجربه بزرگ تاریخی و این اندیشه مقاومت و جهاد، سرمایه بزرگ ایرانیان برای دهه‌ها و سده‌های پیش رو خواهد بود. گنج بزرگ جنگ هشت‌ساله، فرصتی تاریخی برای امنیت کشور و سربلندی ملت به‌شمار می‌رود. جنگ هشت‌ساله الگویی زنده برای نسل‌های

حفظ و ثبت آموزه‌ها، تجربیات،

دستاوردها، فرهنگ و ارزش‌ها،

به عنوان یک کلیت تجزیه‌ناپذیر و انتقال آن

به نسل‌های بعدی انقلاب، پاسخ‌گویی علمی،

تحلیلی و اسنادی به مسئله‌ها،

شباهات و پرسش‌های اساسی مطرح،

مقابله با تحریف واقعیات جنگ هشت‌ساله

و مهم‌تر، تلاش برای برقراری نسبتی اندام‌واره

میان این تجربه با راهبرد ملی و نیازهای

احتمالی در رویارویی با تهدیدات و جنگ

احتمالی آینده، راهبرد فصل‌نامه در دوره

جدید خواهد بود. ۶۶

هشت‌ساله و اقدامات راهبردی ایشان در این عرصه و

نقد آن‌ها باشد. نشریه باید به همه حوزه‌های نظامی-

عملیاتی، جغرافیای نظامی، سیاسی-تاریخی و حقوقی،

فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی کلان جنگ بپردازد تا

فرصتی برای تاملات راهبردی در حوزه جنگ فراهم آورد.

فصل‌نامه تا جای ممکن به صورت «مسئله‌محور» و

در قالب موضوعی-پرونده‌ای، و با گونه‌های مقاله،

گفت‌وگو، اقتراح، یادداشت، سندپژوهی، معرفی و

نقد آثار، شامل تازه‌های نشر در ایران و جهان، رساله/

پایان‌نامه، آثار دردست انتشار و کتب برگزیده دفاع

مقدس، رویدادها، اخبار مهم پژوهشی دفاع مقدس و

عرضه دیدگاه خوانندگان، تدوین و منتشر خواهد شد.

دست‌یاری ما به سوی همه پژوهش‌گران این عرصه بلند

است؛ باشد تا از این رهگذر و البته در مرز توش و توان

ناچیزمان، نگاهی هوشمندانه به افق‌های تازه داشته

باشیم.

به یاری قادر حکیم

رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

علی محمد نائینی

تهدیدات و جنگ احتمالی آینده، راهبرد فصل‌نامه در

دوره جدید خواهد بود. باید بکوشیم در کنار مطالعات

و نگاه‌های «فرهنگی _ ارزشی-اجتماعی» به جنگ،

به مثابه «امری مقدس»، «تاریخی» با هدف اقناع

کنجکاوی‌های علمی، «سیاسی» با هدف دفاع از کارنامه

انقلاب و نظام، نگاهی «راهبردی» هم به جنگ داشته

باشیم. باید از توصیف جنگ، به تحلیل آن راهی بیابیم

و از این تحلیل گذشته‌نگر، چشم‌اندازی به حال و آینده

پیدا کنیم. فروکاستن مطالعات جنگ هشت‌ساله به

روایت رفتارهای فردی و حوادث تاریخی، کشور و نظام

را از فهم و درک درست آموزه‌های جنگ و پاسخ‌های

نهفته در بطن آن‌ها برای نیازهای راهبردی انقلاب و

نظام در رویارویی با تهدیدات زنده راهبردی باز خواهد

داشت. توصیف و تبیین نظام معنایی و منظومه ارزشی

و رفتاری جنگ هشت‌ساله باید در مسیر تقویت قدرت

ملی و بازدارندگی همه جانبه، تعریف و عملیاتی شود.

از این‌رو، نشریه می‌کوشد با نگاهی راهبردی، تاریخی،

با روشی تحلیلی و توصیفی، مستند و مستدل، عهده‌دار

ارائه دیدگاه‌های مهم‌ترین نقش‌آفرینان عرصه جنگ

An aerial photograph of a dry, hilly landscape. A winding river or stream flows through the center of the image, surrounded by dry, brownish-yellow vegetation. The terrain is uneven with small hills and valleys. The sky is not visible.

پاداشت ۱۵۵۱



جنگ ایران و عراق؛ غافلگیری‌های «معادله‌ساز» احتمالات «سرنوشت‌ساز»

محمد درودیان

■ ۱- در برابر حمله سراسری و غافلگیرانه عراق به ایران، در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹، قدرت رهبری امام خمینی (ره) برای مدیریت جنگ با اعلام بسیج عمومی و واکنش فراگیر جامعه ایران برای دفاع در کنار نیروهای مسلح، موجب غافلگیری عراق در برابر ظهور مولفه‌های جدید قدرت دفاعی در جامعه ایران شد. در واقع برخلاف تصور عراق، نه تنها شوک روانی ناشی از حمله عراق موجب فروپاشی سیاسی-اجتماعی و تسلیم ایران نشد، بلکه بر اثر انسجام اجتماعی و واکنش دفاعی، عراق در تأمین اهداف نظامی شکست خورد و موازنه سیاسی در جنگ به سود ایران تغییر کرد. شاید اگر عراق به پیدایش واقعیات جدید در ایران پی می‌برد و آن را مورد محاسبه قرار می‌داد، از حمله به ایران خودداری می‌کرد.

تلاش برای تغییر موقعیت‌ها و کسب برتری، با هدف تأثیرگذاری بر اراده طرفین درگیر در جنگ، نتیجه بازتولید «قدرت غافلگیرکننده و معادله‌ساز» در وضعیت‌های مختلف است. با فرض این‌که سرنوشت جنگ حاصل تغییر در فرآیند معادلات و موازنه نیروها در جنگ است، این پرسش وجود دارد که؛ قدرت موازنه‌ساز و غافلگیرکننده در جنگ ایران و عراق چه بود و چه تأثیری بر روند جنگ داشت؟ در پاسخ به پرسش مورد بحث، از نظر روش‌شناختی ابتدا در هر دوره «متغیر موازنه‌ساز» توضیح داده خواهد شد. سپس به یک احتمال اشاره می‌شود که تحقق آن می‌توانست به نتیجه دیگری غیر از آنچه واقع شد، منتهی شود. اشاره به احتمالات در واقع ناظر بر «گزینه‌های راهبردی» است که به دلیل رویکرد دفاعی و تاریخی به جنگ، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

■ ۲- در حالی که ایران از آغاز جنگ در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ و در نیمه اول سال ۱۳۶۰ در اختلافات سیاسی و بحران امنیتی غوطه‌ور بود، عراق کشورمان را فاقد قدرت نظامی برای آزادسازی مناطق اشغالی ارزیابی می‌کرد. در چنین شرایطی حضور قدرتمندانه سپاه در جنگ، با سازماندهی و به‌کارگیری نیروهای مردمی، موجب غافلگیری عراق و تغییر در موازنه قدرت شد. ظهور صورت جدیدی از قدرت نظامی در ایران، متکی

قدرت رهبری امام خمینی (ره) برای مدیریت جنگ، با اعلام بسیج عمومی و واکنش فراگیر جامعه ایران برای دفاع در کنار نیروهای مسلح، موجب غافلگیری عراق در برابر ظهور مولفه‌های جدید قدرت دفاعی در جامعه ایران شد.

از تجزیه قوای دشمن شد. ضمن این که تلفات و هزینه ارتش عراق در جنگ، با حمایت منطقه ای و بین المللی جبران شد. واقعیت های یاد شده اگر مورد ارزیابی قرار می گرفت، شاید ایران به جای «مقاومت در زمان» با استفاده از زمان، برای خاتمه دادن به جنگ استفاده می کرد.

■ ۵- نبرد فاو برجسته ترین پیروزی نظامی و غافلگیرکننده ایران در خاک عراق بود که سپاه در سال ۱۳۶۴ آن را طرح ریزی، فرماندهی و اجرا کرد. با وجود آن که در کربلای پنج استحکامات دشمن در منطقه شرق بصره در هم شکسته شد، ولی این پیروزی نتایج تعیین کننده برای پایان دادن به جنگ با پیروزی نظامی بر عراق نداشت؛ هر چند نگرانی از برتری ایران موجب تشدید رویارویی ها در خلیج فارس و تصویب قطعنامه ۵۹۸ شد. واقعیت های یاد شده اگر پیش از این برآورد شده بود، شاید ایران به جای در پیش گرفتن راهبرد تصرف یک منطقه سوق الجیشی برای پایان دادن به جنگ، راهبرد دیگری را انتخاب می کرد.

■ ۶- با تغییر منطقه نبرد از جنوب به شمال غرب و انباشت قدرت نظامی عراق، زمینه تغییر راهبرد آن کشور از دفاعی به تهاجمی و در نتیجه غافلگیری ایران در مناطق جنوب ایجاد گردید و منجر به بازپس گیری مناطق تصرف شده پس از فتح خرمشهر شد. در این شرایط ایران گزینه دیگری جز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای پایان دادن به جنگ نداشت. در صورتی که اگر واقعیت های یاد شده پیش بینی شده بود، شاید ایران از تغییر منطقه نبرد خودداری می کرد و با شکست عراق در فاو و تداوم جنگ در استان بصره و حفظ موازنه نظامی، شرایط را برای خاتمه دادن به جنگ، بدون ازدست دادن مناطق تصرف شده، فراهم می کرد.

بر مردم و در عملیات مشترک با ارتش، در محاسبات عراق پیش بینی نشده بود و عراق به سبب غافلگیری و وادادگی در برابر پیدایش این قدرت، شکست را پذیرفت و از مناطق اشغالی عقب نشینی کرد. اگر احتمال پیدایش واقعیت های یاد شده از سوی عراق مورد محاسبه قرار می گرفت، شاید ارتش عراق به جای استقرار در مواضع اشغالی و پافشاری بر خواسته ها و آمالش، به مرزهای بین المللی عقب نشینی می کرد.

■ ۳- پس از فتح خرمشهر، با تغییر در ماهیت جنگ از طریق تغییر راهبرد عراق از تهاجمی به دفاعی و ضعف پشتیبانی دولت از نیروهای مسلح ایران، دسترسی به نیروهای دشمن و تصرف زمین در خاک عراق، دشوار و پرتلفات شد. پیش از این، نقایص خطوط دفاعی عراق، همچنین شناخت از مواضع دشمن و بهره گیری از راهکارهای تصورناپذیر در تهاجم به نیروهای عراقی و برخی عوامل دیگر، امکان اجرای مانور غافلگیرکننده را برای قوای نظامی ایران فراهم کرده بود. ضمن این که دشمن شناخت دقیقی از تاکتیک های نظامی ایران نداشت. اما پس از فتح خرمشهر، با افزایش شناخت دشمن از نیروهای خودی و تغییر در تاکتیک دفاعی، عبور از مواضع دفاعی عراق و تثبیت آن بسیار دشوار و پرهزینه شد. جنگ طولانی و فرسایشی در خاک عراق حاصل شکل گیری وضعیت جدیدی بود که به گسترش جنگ به شهرها و زیرساخت های اقتصادی ایران منجر شد. شاید اگر پیش از این، احتمال پیدایش این وضعیت که موجب غافلگیری ایران شد، مورد بررسی قرار می گرفت، مانع از تصمیم گیری ایران برای ادامه جنگ در خاک عراق می شد.

■ ۴- محدود شدن قدرت غافلگیرکننده و ابتکاری ایران پس از فتح خرمشهر به تغییرات تاکتیکی و زمین منطقه نبرد، همراه با تشدید اختلاف نظر میان ارتش و سپاه برای طراحی مانور عملیات و فرماندهی نیروها، مانع

پروندای برای آغاز جنگ

جنگ هشت ساله و ضرورت ارتقای قدرت ملی

علی شجاعی صائین

در ابتدای جنگ و حتی عملیات‌های ناکام اولیه ایران ضد دشمن، مشخص می‌سازد که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه آمادگی برای یک جنگ سراسری و گسترده نداشته است. در آستانه شروع تجاوز عراق، اولین و بزرگ‌ترین اهتمام ایران انقلابی، تثبیت انقلاب و نظام نوپای اسلامی بود. «ایران در شرایطی درگیر مسئله جنگ شد که فاقد آمادگی دفاعی و قدرت بازدارندگی بود. مهم‌تر آن‌که ادراک مناسبی از مسئله جنگ نداشت.» (درودیان، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۵۴)

۲- عراق تجاوز را آغاز کرد؛ اما اهداف اعلامی این کشور در جنگ، با قدرت ملی و توان راهبردی آن سازگاری نداشت. ایران به لحاظ جمعیت، وسعت سرزمینی، مرزهای گسترده و دسترسی بهینه به دنیا برای واردات و صادرات، به ویژه صدور نفت خام و نیز نیروی هوایی و دریایی کاملاً مجهز و آموزش‌دیده، بر عراق برتری آشکاری داشت. عراقی‌ها این اندازه خام‌اندیش نبودند که احتمال ندهند تهاجم خارجی، دیر یا زود به انسجام ملی ایرانیان می‌انجامد؛ به‌ویژه آن‌که شخصیت تزلزل‌ناپذیر رهبری انقلاب نیز در اوج محبوبیت بود و نفوذی تمام بر آحاد مختلف مردم داشت. فرهنگ شهادت و نیز خاطرات زنده ایرانیان از دوران شکوه و اقتدار تاریخی‌شان، مانع از پذیرش سلطه عراق بر بخش‌هایی از کشور می‌شد. لذا آن‌ها با آگاهی از این موازنه قدرت، به تنهایی وارد این نبرد سرنوشت‌ساز نشدند. عراقی‌ها با هماهنگی‌های گسترده نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و

۱- جنگ هشت ساله ایران و عراق، در نخستین روزها و ماه‌ها، به سختی و شدت در درون مرزهای ملی ایران آغاز شد و ادامه یافت. این ارتش عراق بود که به خرمشهر و آبادان حمله می‌کرد؛ در حالی که هیچ یک از نیروهای مسلح ایرانی پیرامون بصره نمی‌جنگید. این جنگ در سراسر مرزهای مشترک ایران و عراق با همین سرشت جریان داشت.

در میدان واقعیت نیز این عراق بود که از ایدئولوژی تهاجمی، رهبری جاه‌طلب و ماجراجو، ادعاهای گراف ارضی، تسلیحات و زمان کافی برای تدارک چنین تهاجمی برخوردار بود و از فرصت دشمنی و مخالفت ابرقدرت‌ها و دیگر بازی‌گران منطقه‌ای با ایران انقلابی سود می‌جست. در حالی که ایران پسا انقلاب، با فروپاشی سامانه‌های دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی خود و تنش‌های گسترده سیاسی، اجتماعی مواجه بود و از پشتیبانی تسلیحاتی، اطلاعاتی و سیاسی غرب و آمریکا دور مانده بود. در بحبوحه تجاوز دوازده لشکر عراقی، ایران شکافی بزرگ در بدنه مدیریتی و اجرایی خود در عالی‌ترین سطح را تجربه می‌کرد. بسیاری از مولفه‌های سخت قدرت ملی دچار فروپاشی و تزلزل جدی شده بود. افزون بر این، ایران از اساس هیچ ادعای ارضی فراتر از معاهده ۱۹۷۵م علیه عراق نداشت.

سرعت و گستردگی نفوذ ارتش عراق در سراسر خطوط مرزی، نشان از فقدان آمادگی حداقلی ایران برای رویارویی با این تهدید داشت. غافلگیری راهبردی ایران

«نولته» [Ernst Nolte]

**پژوهشگر برجسته آلمانی بر این باور است
که انقلاب اسلامی ایران نیز مانند
انقلاب‌های فرانسه و روسیه،
«مجبور بود در برابر حملات
دشمنان مرتجع از خود دفاع کند.»**

اقتصادی جبهه مخالف انقلاب وارد این جنگ شدند. در غیر این صورت، آنان هرگز جنگی پرهزینه و دراز مدت با بزرگ‌ترین همسایه خود را آغاز نمی‌کردند.

۳- عراق تجاوز را آغاز کرد؛ اما تصمیم آن را خود راساً نگرفته بود. عراق به نیابت از دیگران و با هدایت راهبردی آنان، وارد بازی مرگ خود شده بود. این جنگ برای بازسازی نظامات قدرت و ترتیبات امنیتی از دست رفته منطقه‌ای و احیای هژمونی ضربه‌خورده قدرت‌های جهانی، به‌ویژه آمریکا طراحی و اجرا شده بود.

از نگاه نویسنده امریکایی، «گیل گورو»، با پیروزی انقلاب اسلامی، «ایالات متحده با فروپاشی دولتی که از آن پشتیبانی کرده بود، وارد مرحله دشواری شد... فروپاشی رژیم شاه برای ایالات متحده غیر قابل باور بود... اطمینان و اعتبار ایالات متحده به روشنی متزلزل شده بود» (گیل گورو، ۱۳۹۸: ۲۴۱) ضمن این که «بحران گروگان‌گیری، تبدیل ایران از مهم‌ترین دولت نماینده آمریکا در خاورمیانه به مهم‌ترین دشمن آمریکا در منطقه را برجسته نمود. همچنین بر "فروپاشی سیاست دوستونی" نیکسون تأکید داشت که به دستور آمریکا پس از کناره‌گیری بریتانیا از منطقه، در سال ۱۹۷۱م، امنیت خلیج فارس را به ایران و عربستان سعودی واگذار کرده بود. وقتی ایران دیگر نه دولت موکل بود و نه پلیس غرب در خلیج فارس، واشنگتن مجبور بود برای دفاع از منافعش در منطقه، بیش‌تر بر خود و عربستان سعودی تکیه نماید. مدت کوتاهی پس از تهاجم شوروی به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹م، دکت‌ترین کارتر اعلام شد؛

دکت‌ترین که خلیج فارس را به عنوان منطقه منفعت حیاتی ایالات متحده برجسته جلوه داد که امنیت و ثباتش می‌بایست در نهایت و در صورت لزوم، با مداخله نظامی آمریکا تضمین شود... مرکز فرماندهی ایالات متحده (سنتکام) که در ۱۹۸۰م بنا نهاده شد، به سرعت به فعال‌ترین فرماندهی نظامی آمریکایی در جهان تبدیل گشت. مدت زمان کارتر، پایان یک دوره را در خاورمیانه مشخص کرد. ایالات متحده دیگر نمی‌توانست منطقه را از راه دور، یعنی به واسطه شاه ایران کنترل کند... سردمداری آمریکا با فروپاشی نماینده منطقه‌ای‌اش، به شکل فزاینده‌ای می‌بایست به توانمندی و خواسته‌اش برای دخالت مستقیم‌تر تکیه کند.» (همان: ۲۴۴-۲۴۵) لذا «رویکرد واشنگتن نسبت به خاورمیانه ... با اهداف "درب‌گرفتن ایران انقلابی" طراحی و بازسازی شد و در این میان، «عراق صدام می‌توانست خلاء به جا مانده از ایران شاه را پر کند... ایالات متحده به طرز موفقیت‌آمیزی از عراق برای پیش‌گیری از پیروزی ایران استفاده کرد. (همان: ۲۴۶-۲۴۷)

«نولته» پژوهشگر برجسته آلمانی نیز بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران نیز مانند انقلاب‌های فرانسه و روسیه، «مجبور بود در برابر حملات دشمنان مرتجع از خود دفاع کند.» (نولته، ۱۳۹۹: ۲۹۸) به داوری این نویسنده پرآوازه، «انقلاب اسلامی به گونه‌ای اصولی و بی هیچ پرده‌پوشی، انقلابی بین‌المللی بود و ... معادلات را در کل خاورمیانه به چالش می‌کشید و حتی تهدیدی سنگین برای موجودیت اسرائیل بود... بنابراین، این بدگمانی که صدام حسین با حمله خود به سرزمین انقلاب اسلامی در سپتامبر ۱۹۸۰م، به‌طور عینی به آمریکا و اسرائیل خدمت می‌کرد و حتی امکان داشت به‌طور مستقیم از جانب آن‌ها ترغیب شده و کمک‌هایی گرفته باشد، بعید بود بدگمانی بی‌دلیلی باشد.» (همان: ۲۹۰-۲۹۱)

اقدام دشمنان در تحمیل جنگ بر ایران، گامی برای حل و فصل اختلافات مرزی و تاریخی دو کشور نبود؛

برنامه‌ای راهبردی برای مهار انقلاب اسلامی بود.

■ ۴- درک هوشمندانه امام خمینی(ره) از ماهیت واقعی جنگ، به عنوان "جنگ حق و باطل" و مشاهده دست امریکا در وادار ساختن عراق به آغاز جنگ، به زودی معادلات دشمنان را از اساس دگرگون ساخت. ایشان با تبدیل "هراس عمومی" به "انگیزه جمعی" و تبدیل "جنگ حرفه‌ای" به "جنگ توده‌ای" از طریق پیوند زدن آن با انقلاب و شعائر دینی و دشمنی آمریکا(افضلی و محسن‌زادگان، ۱۳۹۷: ۲۹۲) "اندیشه مقاومت" را بنا نهاد و ترازوی نوین از "قدرت ملی" را به این مرز و بوم عرضه کرد. نه صدام و نه حامیان پنهان و آشکار او، هیچ یک در محاسبات خود به این ظرفیت بی‌انتها توجه نداشتند؛ در غیر این صورت، چنین خام‌اندیشانه وارد این میدان عبرت‌آموز نمی‌شدند. «آیت‌الله خمینی نیز از ابتدا مطمئن بود این حمله‌ای به نفس "حکومت عقیدتی" اش است و باید با تمام توان دفاع کند. بنابراین، به فراخوان‌هایی تبلیغاتی نیاز نبود تا این گفته آیت‌الله خمینی به دستوری تبدیل شود: جنگیدن در راه خدا بالاترین فریضه هر مسلمان واقعی است.» (نولته: ۲۹۱)

■ ۵- واقعیت این است که جنگ تنها با برنامه‌ریزی دشمنان کینه‌توز انقلاب و اسلام اجتناب‌ناپذیر نشد. افزون بر بازی‌گران بیرونی، بازی‌گری در محیط ملی نیز در وقوع جنگ موثر بود. فضای عمومی کشور، تصویری نادرست از واقعیت قدرت ملی ایران به دشمنان عرضه و تصویری ناپخته مبنی بر موفقیت در آنان ایجاد کرده بود. در جهان مبتنی بر موازنه قدرت و زور متبلور در فناوری، اسلحه و اقتصاد، کم‌ترین کوتاهی در ارتقای قدرت ملی و حتی هر اقدامی، بیان‌گر شکاف در انسجام ملی، دعوتی است از دشمنان برای تجاوز و کشتار.

به عنوان یک تجربه تاریخی از شروع جنگ، هرگز نباید "بود" و "نمود" ما در لحظه آغاز تجاوز دشمنان، تکرار

شود. ایران با موقعیت برجسته جغرافیایی، تاریخی و اقتصادی خود، در طول تاریخ با تهاجمات ویرانگر بسیاری روبه‌رو بوده و حتی سیاست بی‌طرفی آن، مانع از تجاوز و اشغال نبوده است. در دوره معاصر نیز رقابت قدرت‌های اروپایی و ادامه آن در شرق، نگاه‌ها را متوجه اهمیت ژئوپلیتیک ایران کرد و کشور را وارد بازی قدرت اروپاییان نمود. «سرپرسی سایکس» با بیان نقش شاهراهی بین‌المللی ایران در اتصال اروپا به هندوستان، همسایگی‌اش با روسیه و عثمانی و همجواری‌اش با خلیج فارس، می‌نویسد: «ایران با داشتن یک چنین موقعیت جغرافیایی، مسلماً مورد توجه دولتین انگلیس و روس می‌باشد.» (سایکس: ۱۳۶۶، ۴۳۸-۴۳۹) ایران قابل چشم‌پوشی نبوده و نیست. ایران از دوره پیشا مادها تا امروز، همواره از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی مورد تجاوز قرار گرفته است. ایران تنها در دوره دولت‌هایی در تراز جهانی توانسته با این تجاوزگری‌ها مقابله موفق‌تری داشته باشد. الزامات جغرافیایی و اقتضائات ژئوپلیتیک ایران و تجربه تاریخی، گویای این گزاره‌هاست. ایران یا باید یک دولت بزرگ در رده جهانی باشد یا همواره زیر نفوذ قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد. رسیدن به این هدف، جز با نیروی بزرگ جهانی ممکن نخواهد بود. ایران با چشم‌پوشی از اهداف منطقه‌ای و جهانی و مهم‌تر از آن، غفلت از تقویت قدرت مرکزی، همواره در معرض دست‌اندازی‌های ویرانگر قرار داشته و خواهد داشت. "بازدارندگی حداکثری"، اولین و برجسته‌ترین آموزه جنگ هشت ساله است.

■ منابع

- ۱-افضلی، رسول و محسن‌زادگان، امیر؛ (۱۳۹۷)، بررسی مواضع نظامی امام خمینی(ره) در جنگ ایران و عراق، چاپ اول، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران.
- ۲-درودیان، محمد؛ (۱۳۹۶)، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، چاپ دوم، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران.
- ۳-سایکس، پرسی؛ (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ج ۲، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ هفتم، افسون، تهران.
- ۴-گیل‌گورو، خاویز؛ (۱۳۹۸)، دولت کارتر و سقوط سلسله پهلوی ایران، ترجمه آریتا صالحی، چاپ اول، نگارخانه، اصفهان.
- ۵-نولته، ارنست؛ (۱۳۹۹)، اسلام‌گرایی سومین جنبش مقاومت رادیکال، ترجمه مهدی تدینی، چاپ اول، ثالث، تهران.

آغازتهاجم از نگاه عراقی‌ها

یدالله ایزدی

کلیات

جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی بزرگ و سرنوشت‌سازی بود که در بستر مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌های متنوع و متفاوت شکل گرفت.

دلایل و اهداف رژیم بعث از آغاز جنگ علیه ایران را بسیاری از تحلیلگران، نظریه پردازان و رسانه‌ها کاویده‌اند و موضوعات مختلفی از جمله اختلاف دیرینه مرزی میان ایران و همسایه غربی وقوع انقلاب اسلامی در ایران و وقایع پس از آن به عنوان عوامل رخ دادن جنگ بر شمرده شده است.

مؤلفه‌های دیگری نیز در بروز این واقعه مطرح گردیده است که از جمله آنها برهم خوردن توازن نظامی به سود عراق پس از انقلاب اسلامی، احساس تهدید از ناحیه جمهوری اسلامی ایران، تمایلات توسعه طلبانه رژیم بعث و بهره برداری از فرصت جدیدی که بر اثر تحولات ناشی از انقلاب ایران فراهم گردید و همچنین رقابت منطقه‌ای بین ایران و عراق و خواست رژیم بغداد برای استیلای سیاسی بر خلیج فارس از جمله آنهاست.

در بررسی دیگر علل وقوع جنگ مواردی همچون برهم خوردن شالوده مناسبات منطقه‌ای و پیوندهای منطقه ناپایدار و حساس غرب آسیا با قدرت های بزرگ نظامی و اقتصادی جهان موثر قلمداد شده و سقوط شاه علت تغییر موازنه عنوان می‌شود.

عده‌ای نیز بر اساس نظریه به هم پیوستگی انقلاب و جنگ معتقدند که وقوع جنگ نامنتظره نبوده‌است؛ زیرا در طول تاریخ همواره به دلیل تغییرات وسیع ناشی از انقلاب در حکومت‌ها و تأثیر آن بر همسایگان و برهم خوردن توازن و ثبات، وقوع جنگ محتمل خواهد بود. اینان می‌گویند جنگ مولود انقلاب است و نفس وقوع انقلاب اسلامی و پیامدهای خواسته و ناخواسته آن عامل وقوع جنگ بوده است. (درویشی سه‌تلانی ۱۳۹۳: ۹۷ و ۱۰۰)

انقلاب و جنگ رابطه علت و معلولی دارند و بر اساس این نظر همه حوادث که در فاصله زمانی پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ در مناطق مختلف ایران، نظیر گنبد و ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان، خوزستان و کردستان رخ داد، مقدمات و زمینه وقوع جنگ بود؛ اما برخی نیز درباره تأثیر انقلاب در شروع جنگ اعتقاد دارند که اصل انقلاب عامل جنگ نبود، بلکه آشفتگی ایجاد شده پس از انقلاب رژیم عراق را به طمع انداخت و تحریک کرد تا به ایران حمله کند.

برخی پژوهشگران از جمله «آنتونی کوردزمن» بر عوامل پیچیده تاریخی، فرهنگی و استراتژیک تأکید دارند. وی معتقد است جنگ ایران و عراق برآیند عوامل تاریخی و نظامی متعددی بود که برخی از آنها در اختلافات تاریخی طولانی بین دو فرهنگ و دو ملت عرب و عجم (فارس) ریشه دارد.

شطالعرب به عراق فراهم ساخته است.

نویسندگان کتاب صدام حسین و بحران خلیج فارس ترکیبی از جاه‌طلبی و ترس صدام را عامل تجاوز عراق به ایران دانسته‌اند. بدین معنی که جاه‌طلبی برای تبدیل عراق به قدرت برتر خلیج فارس و ترس، به سبب هراس از شیعیان، منجر به تجاوز علیه ایران شد. البته آنان علاوه بر انگیزه‌ها و اهداف عراق به نقش ژنرال‌ها و سیاستمداران تاکید دارند؛ زیرا آنها به صدام گفتند که ایران هدفی آسان است و ضربات سخت هوایی به هدف‌های مشخص به همراه یک حمله وسیع زرهی برای به زانو درآوردن ارتش ایران کافی خواهد بود و حتی ممکن است موجبات فروپاشی حکومت انقلابی را فراهم کند و صدام این نظریه را پذیرفت. (درویشی سه‌تانی ۱۳۹۳: ۱۲۰ و ۱۲۱)

■ پیشینه تاریخی اختلافات ایران با همسایه غربی

برای درک بهتر زمینه‌های اختلافات ایران و عراق، اشاره به پیشینه تاریخی مشکلات مرزی دو همسایه ضروری است.

از سال ۱۴۷۳م که عثمانی‌ها سرزمین بین‌النهرین (عراق فعلی) را تصرف کردند، تا سال ۱۹۷۵م، حدود ۱۶ قرارداد به منظور رفع اختلافات مرزی بین دو کشور ایران و عثمانی/عراق منعقد شده و هیچ‌گاه به‌طور دقیق مرزها تعیین نمی‌شد.

مهم‌ترین قرارداد دوجانبه، در زمان قاجاریه و عثمانی‌ها در سال ۱۸۴۷ میلادی (۱۲۶۳ هجری قمری) بسته شد. در زمان محمدشاه در ایران و سلطان عبدالحمید در عثمانی، مذاکرات با حضور نمایندگان از روسیه و انگلیس به چهار سال طول کشید

نکات مهم قرارداد که به قرارداد «ارزروم دوم» معروف است:

از زمان قرارداد آماسیه بین ایران و عثمانی تا سال ۱۹۷۵م یعنی طی یک دوره ۴۲۰ ساله، ۱۶ قرارداد رفع اختلاف مرزی بین ایران و همسایه غربی‌اش منعقد شد. توافق‌های به عمل آمده تا قبل از انعقاد عهدنامه ۱۹۷۵م به گونه‌ای بود که رضایت متقابل و همزمان طرفین را در بر نداشت و لاجرم ناپایدار ماند.

از سوی دیگر اختلافات مرزی با تأکید بر ضعف‌های جغرافیایی عراق از جمله قراردادن بغداد در فاصله ۱۰۰ کیلومتری مرز ایران و نداشتن عمق جغرافیایی برای دسترسی به خلیج فارس در عراق بود. البته تصورات رژیم بغداد درباره ضعیف‌شدن ایران به سبب وقوع انقلاب اسلامی و در نتیجه ایجاد یک فرصت طلایی و تاریخی برای عراق در آغاز جنگ موثر بوده‌است.

در کنار این دیدگاه‌های متنوع و متکثر، تعدادی نیز مانند «ریچارد بولت» به عوامل بیرون از منطقه، از جمله به منطق مخالفت اروپا و غرب با انقلاب اسلامی توجه کرده‌اند و تحمیل جنگ از طریق عراق را ناشی از موضع خصمانه ایدئولوژی سیاسی اروپا در برابر ایدئولوژی سیاسی نوین اسلام و ضرورت کنترل آن عنوان کرده‌اند. (درویشیان ۱۳۸۲: ۹)

از سوی دیگر محدودکردن موضوع به اختلافات مرزی ایران و عراق و ادعای صدام حسین در تصرف مجدد شطالعرب (اروند رود) که منجر به لغو یکجانبه قرارداد ۱۹۷۵م الجزایر شد، از جمله نظریه‌های موجود در این ماجراست.

طبق این نظریه احتمالاً رژیم بعث به این نتیجه رسید که تحولات ناشی از انقلاب ایران، زمینه را برای اعاده

**بی‌تردید شخص صدام حسین،
اصلی‌ترین نقش را در تصمیم‌گیری برای
حمله به ایران داشته است.
از نظر صدام، سقوط محمدرضا پهلوی و
هرج و مرج سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی
در ایران فرصت مناسبی برای او بود تا
علیه ایران اقدام کند.**



نشست الجزایر: محمدرضا پهلوی و صدام حسین با میانجیگری هواری بومدین.

۵۲ ادامه یافت. در این سال، به پیشنهاد عراق و موافقت ایران و وساطت شورای امنیت، در ۱۶ اسفند ۱۳۵۲، میان دو طرف آتش‌بس برقرار شد. (ولایتی: ۱۳۷۶: ۳۵-۱۵)

وضعیت نابه‌سامان داخلی عراق باعث شد حاکمان رژیم بغداد برای حل مشکلات خود با کردهای این کشور که از سوی ایران حمایت می‌شدند، پیغام دهند که اگر تهران دست از پشتیبانی کردها بردارد و پای میز مذاکره بیاید، عراق نیز از ادعای حاکمیت در تمام اروند دست برمی‌دارد. این موضوع باعث شد تا در حاشیه اجلاس سران اوپک در الجزایر (اسفند ۱۳۵۳) با میانجی‌گری «هواری بومدین» رئیس‌جمهور الجزایر، صدام حسین به عنوان معاون رئیس‌جمهور عراق با شاه ملاقات کرد. پس از این دیدار موافقتنامه‌ای بین شاه و صدام حسین به امضا رسید و بیانیه‌های ۴ گانه‌ای منتشر شد که مبنای معاهده ۱۹۷۵م به حساب آمد. انعقاد این قرارداد به همه اختلافات دو طرف پایان داد. (علایی: ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۱۶)

بدین ترتیب از زمان قرارداد «آماسیه» بین ایران و عثمانی تا سال ۱۹۷۵، یعنی طی یک دوره ۴۲۰ ساله، ۱۶ قرارداد رفع اختلاف مرزی بین ایران و همسایه غربی‌اش منعقد شد. توافق‌های به عمل آمده تا قبل از انعقاد عهدنامه ۱۹۷۵م، به گونه‌ای بود که رضایت متقابل و همزمان طرفین را در بر نداشت و لاجرم ناپایدار ماند که نقش قدرت‌های خارجی به‌ویژه انگلیس و روسیه در

• واگذاری بندر خرمشهر و آبادان و لنگرگاه و اراضی سواحل شرقی اروند به ایران و صرف نظر ایران از ادعای خود بر سلیمانیه؛

• آزادی کشتیرانی ایران در اروندرود.

در این قرارداد، نخستین بار مرزهای زمینی ایران با همسایه غربی به‌طور دقیق معلوم شد. این قرارداد قرارداد بعدی (پروتکل استانبول ۱۹۱۴م) درباره تعیین محدوده دو کشور به تصویب مجالس دو کشور نرسید و شکل قانون نیافت.

• امضای عهدنامه بعدی ۱۹۳۷ میلادی (۱۳۱۶ شمسی) نتیجه رفت‌وآمدهای متعدد نمایندگان دولت ایران و عراق پس از شکایت دولت عراق از ایران به جامعه ملل. در این عهدنامه که اعمال نفوذ انگلیسی‌ها در آن مشهود بود به مالکیت ایران در شط‌العرب اشاره‌ای نشد، اما برای ایران و عراق در اداره اروندرود (شط‌العرب) و مسیر کشتیرانی حقوق برابر شناخته شده است.

• دولت ایران در فروردین ۱۳۴۸ (۳۲ سال بعد) بعد از کودتای حزب بعث در عراق، رسماً آن را بی‌اعتبار اعلام کرد و خطر برخورد مسلحانه پیش آمد.

• دولت ایران دو کشتی تجاری ابن سینا و آریافار را با حمایت واحدهای نیروی دریایی و نیروی هوایی وارد شط‌العرب کرد و دولت عراق هم به صورت دسته‌جمعی ایرانیان مقیم عراق را از این کشور اخراج کرد.

سال ۱۳۵۰، عراق به بهانه موضوع حضور ایران در جزایر سه گانه، رابطه خود را با کشورمان قطع کرد که تا سال



ملاقات دکتر ابراهیم یزدی با صدام در نشست غیرمتمعهدها در هاوانا، ۱۰ شهریور ۱۳۵۸/۱۹۷۹ م.

و افکار عمومی جهانیان چه مطالبی را مطرح کردند؟

اظهارات مسئولان و نهادهای رسمی عراق، ادراک و نیت این رژیم را از آغاز جنگ بیان می‌کند. عراقی‌ها در مواضع خود از خطر وقوع انقلاب و مداخله ایران در امور عراق و ضرورت پیش‌گیری از آن، تا مرز تجزیه ایران و سقوط نظام تازه‌تاسیس در ایران سخن گفته‌اند. به تعبیر آنان، انقلاب اسلامی در عین این‌که منافع قدرت‌های بزرگ را به خطر انداخت و دولت‌های منطقه در معرض تهدید قرار گرفتند، از نظر اوضاع داخلی، فرصت مناسبی را در اختیار عراق گذاشت تا به عنوان ابزار و عامل سیاست‌های آمریکا به جمهوری اسلامی ایران تجاوز کند. (درویدان ۱۳۸۲: ۲۸۶)

هرچند برای پاسخ به این سوال منابع نسبتاً محدودی از موضوع‌گیری مسئولان عراقی در دسترس است، اما همین مقدار نیز برای درک واقعیات کفایت می‌کند.

■ نقش صدام حسین در آغاز جنگ

بی‌تردید شخص صدام حسین اصلی‌ترین نقش را در تصمیم‌گیری برای حمله به ایران داشته‌است. از نظر صدام، سقوط محمدرضا شاه پهلوی و هرج و مرج سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی در ایران فرصت مناسبی برای او بود تا علیه ایران اقدام کند. به علاوه، عده‌ای از

دامن‌زدن به اختلافات و درگیری‌ها مشهود است. (ولایتی ۱۳۷۶: ۳۵ - ۱۵)

■ عزم مسئولان عراقی

برای جنگ با ایران

در این میان آگاهی از علل حمله عراق به ایران از نظر مسئولان عراقی اهمیت به‌سزایی دارد که در ذیل به آن پرداخته می‌شود. بخشی از این اظهارات از سوی افرادی بیان شده که در زمان حمله عراق در سطوح مختلف رژیم بعث دارای مسئولیت بودند.

آنچه در این نوشتار مورد نظر است، علل حمله ارتش بعث به ایران و آغاز جنگ از نظر مسئولان سیاسی و نظامی عراق است. چه عللی باعث شد تا رهبران و تصمیم‌سازان حزب بعث که زمام امور این کشور را در دست داشتند، چنین اقدام مخاطره‌آمیز و پرخطری را انجام دهند و منطق حاکم بر تصمیم آنها چه بود؟ آنان درباره توجیه این کار در سطح محافل داخلی کشور خود

» صدام حسین در جلسه با فرماندهان

نظامی در ۲۵ شهریور ۱۳۵۹: «بر ماست

که سر ایران را در گِل فرو کنیم و اراده

خودمان را بر ایران و ایرانیان تحمیل

می‌کنیم، این امر جز با حمله نظامی

به دست نمی‌آید.»

» وفیق السامرای: «[مدت‌ها قبل از

جنگ] "کمیته مطالعات" چند ماه به صورت

مستمر تلاش‌هایی درباره شناخت اسرائیل

و ایران دست زدند و برنامه‌ریزی برای

رویارویی نظامی با ایران را آغاز کردند.»

امور خارجه عراق در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۰م، تصریح کرده بود که دولت عراق در نظر دارد به موضع قبل از سال ۱۹۷۵م بازگردد و حاکمیت کامل اروندرود را در دست گیرد. صدام حسین نیز در سخنان خود در جلسه فوق‌العاده مجلس ملی عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰م، در این باره گفته بود:

«من در برابر شما اعلام می‌کنم که موافقتنامه ۶ مارس ۱۹۷۵م از نظر ما، کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. بنابراین، وضعیت حقوقی شط‌العرب [اروندرود] باید به وضع قبل از مارس ۱۹۷۵ برگردد. این رودخانه با تمام حقوقی که از حاکمیت مطلق عراق بر آن ناشی می‌شود، جزء تمامیت عربی عراق است، همان‌طور که در سراسر تاریخ در نام و در واقعیت چنین بوده است.»

۱. روایت مسئولان سیاسی رژیم بعث

این بخش مربوط به مطالبی است که صدام حسین و سایر مسئولان عراقی قبل از آغاز جنگ دربارهٔ حمله به ایران مطرح کرده‌اند.

الف) صلاح عمر علی

از مهم‌ترین اسناد درباره نقش صدام حسین و تصمیم وی برای حمله به ایران روایت «صلاح عمر علی» (صلاح‌الدین عمر العلی) از اعضای ارشد شورای رهبری حزب بعث است. وی که سال ۱۳۵۸ نماینده دائم عراق در سازمان ملل بود؛ در چند نوبت، در جاهای مختلف ماجرای ملاقات دکتر ابراهیم یزدی با صدام حسین و گفت‌وگو در درباره رابطه دو کشور، در حاشیه اجلاس دوره ششم کشورهای غیرمتعهد در هاوانا پایتخت کوبا را پس از انقلاب اسلامی ایران نقل کرده و «دکتر ابراهیم یزدی» نیز آن را در کتاب خاطرات خود آورده است.

«صلاح عمر علی» می‌گوید:

«از هیئت ایرانی با من تماس گرفتند که وزیر خارجه ایران تمایل دارد ملاقاتی با صدام داشته باشد. مطابق

افسران عالی‌رتبه بعثی که صدام قبل از جنگ در مناصب بالا گمارده بود، معتقد بودند که فروپاشی ظاهری ارتش شاه به این معنا است که می‌توان به راحتی به سمت ایران هجوم برد و صدام مایل بود از جنگ با ایران، «پیروزی بر فارس‌ها» را به دست آورد. (درویشی سه‌تلانی ۱۳۹۳: ۱۲۱؛ مهاجرانی: یادداشت پنجم و ششم)

در این مسئله ظاهراً دو انگیزه وجود دارد که صدام را به جنگ با ایران وادار کرد: اول، فسخ قرارداد [به‌زعمر عراق] ناعادلانه ۱۹۷۵م الجزایر که عراق با شاه در مورد آبراه شط‌العرب (اروندرود) به خلیج فارس منعقد کرده بود؛ دوم کسب پیروزی بر فارس‌ها با کمترین هزینه تا عراق جایگزین مصر به عنوان رهبر جهان عرب شود. انگیزه دوم با اقدام انور سادات که قرارداد صلح را با اسرائیل در کمپ‌دیوید امضا کرده بود همزمان شد. با این قرارداد، مصر به نوعی از گردونه رهبری اعراب خارج شد. به عبارت دیگر، صدام به دنبال آن بود که جای جمال عبدالناصر مصری را بگیرد. (ام. وودز ۱۳۹۳: ص ۳۳) رهبران عراق بارها اعلام کرده بودند که قصد دارند حاکمیت مطلق بر اروندرود را به دست بگیرند. وزیر

صدام حسین (سال ۱۳۵۸): «ما الآن با

یک فرصت طلایی روبه‌رو هستیم، ممکن

است در هر صد سال یک بار چنین فرصتی

دست دهد، می‌توانیم سر ایرانی‌ها را به

سنگ بکوبیم. اهواز و محمّره [خرمشهر] را

آزاد کنیم.»

صدام حسین: «من می‌روم ضربه‌ای به

ایرانی‌ها بزنم که صدایش در تمام کره زمین

شنیده شود و تمام حقوق‌مان را پس

می‌گیریم.»



«حسن العلوی»

نویسنده و روزنامه‌نگار و شخصیت سیاسی بعثی نزدیک به صدام

نماینده عراق در سازمان ملل - من می‌روم ضربه‌ای به ایرانی‌ها بزنم که صدایش در تمام کره زمین شنیده شود و تمام حقوق‌مان را پس می‌گیرم.»

«صلاح عمر العلی» درباره موضع صدام حسین توضیح می‌دهد که صدام در واقع سال‌ها منتظر چنین فرصت طلایی بود تا خود را از زیر بار مسئولیت امضای معاهده سال ۱۹۷۵م الجزایر نجات دهد. فرصتی پیش آمده بود که او رهبر قدرتمند منطقه‌ای و چنان که آرزو داشت «صلاح الدین ایوبی» جدید و یا «جمال عبدالناصر» شود. (درویشی سه‌تلانی ۱۳۹۳: ۱۳۵ - ۱۳۳)

ب) حسن العلوی

«العلوی» نویسنده و روزنامه‌نگار و شخصیت سیاسی بعثی نزدیک به صدام در زمان «حسن البکر»، در کتاب اسوار الطین به خاطره بسیار مهم و حساسی اشاره می‌کند که تاریخ تصمیم صدام برای جنگ علیه ایران به شهریور ۱۳۵۸ می‌رسد. «حسن العلوی» ماجرای را تعریف می‌کند که در تاریخ هفته آخر بهمن ۱۳۵۷، یعنی هفته اول پیروزی انقلاب اسلامی اتفاق افتاده و

رسم تشریفات و رعایت سلسله مراتب، پیشنهاد را با «سعدون حمادی» وزیر خارجه وقت عراق مطرح کردم، موافقت نکرد. موضوع را با صدام در میان گذاشتم، پذیرفت، «ابراهیم یزدی» و هیئت ایرانی به محل اقامت صدام در هاوانا آمدند. ملاقات بسیار مثبت و خوب بود. یزدی پیشنهاد کرد که از طرف عراق و ایران هیئت‌های علنی یا سری تبادل نظر داشته باشند. صدام پذیرفت. من ابراهیم یزدی را مشایعت کردم. احساس من این بود که این انسان علاقه‌مند است بحران بین دو کشور همسایه تمام شود. وقتی بازگشتم، دیدم صدام وارد محوطه باغ محل اقامت شده است. باهم قدم زدیم، روی صندلی‌های کنار استخر نشستیم. سکوت بود. صدام گفت: صلاح توی فکری؟! من احساس خودم را، همراه با امیدواری به این‌که بحران دو کشور تمام شود، بیان کردم و گفتم: ملاقات بسیار مثبتی بود. ما با ایران می‌بایست روابط دوستانه و صلح‌آمیز داشته باشیم. سرمایه‌های دو کشور صرف توسعه شود. توسعه آموزشی و علمی و... صدام سکوت کرده بود. ناگاه رو به من کرد و گفت: ببین صلاح، متوجه باش! ما الان با یک فرصت طلایی روبه‌رو هستیم، ممکن است در هر صد سال یک‌بار چنین فرصتی دست دهد، می‌توانیم سر ایرانی‌ها را به سنگ بکوبیم. اهواز و محمّره [خرمشهر] را آزاد کنیم. در شط‌العرب اعمال حاکمیت کنیم. هر صد سال یک‌بار چنین فرصتی دست می‌دهد. دیگر نشنوم از صلح با ایرانی‌ها صحبت کنی. سپس صدام پرسید: «چند سال است کار دیپلماسی می‌کنی؟ و تو چه می‌دانی دیپلماسی یعنی چه؟ چه چیزی مغزت را خراب کرده‌است؟ چه صلحی؟ چه مشکلی میان ما و ایران حل شد؟ اینها (ایرانی‌ها) اهواز را از ما گرفتند، شط‌العرب را از ما گرفتند، حالا فرصت برای ما دست داده، کشورشان از هم پاشیده است. ارتش آنها از هم گسیخته است. بین خودشان جنگ و دعواست. گروهی، گروه دیگر را می‌کشند. الان فرصت تاریخی ماست تا بتوانیم تمام حقوق‌مان را به‌طور کامل بازگردانیم. این موضوع را فقط به تو می‌گویم - خودت را آماده کن به عنوان

بسیار قابل تأمل بوده است. «العلوی» نوشته است:

(العلوی ۱۹۹۵: ۱۱۱)

«در همان هفته که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شده بود، «جورج براون»، وزیر خارجه سابق انگلستان و رابط صدام با دولت انگلستان، «شاپور بختیار» و ژنرال «غلامعلی اویسی»، به بغداد آمدند و با صدام ملاقات کردند. روز بعد همراه صدام به منطقه جنوبی مثلث مرزی عراق، کویت، ایران رفتیم. صدام از فرمانده نظامی منطقه خواست که نقشه مرزی را بیاورد. فرمانده عذرخواهی کرد که هنوز نقشه‌های جدید به دست‌شان نرسیده و نقشه موجود قدیمی است. نقشه را روی میز باز کرد. صدام پرسید: از کدام نقطه می‌توانیم به ایران حمله کنیم؟ فرمانده نقطه‌ای را روی نقشه نشان داد.»

البته «حسن العلوی» در این کتاب، درباره نیت صدام حسین هم مطالبی را مطرح می‌کند، از جمله این‌که: صدام پس از مرگ «جمال عبدالناصر» سودای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند و راه انداختن جنگ با ایران در بعد جنگ روانی و تبلیغاتی و مقایسه‌کردن جمهوری اسلامی ایران با رژیم اشغالگر قدس و القاء دشمنی ایرانی‌ها با اعراب و القاء جایگزینی جنگ با اسرائیل به جنگ با ایران در همین راستا بوده است.

او در جای دیگری می‌نویسد:

«در جلسه با فرماندهان نظامی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۰م/ ۲۵ شهریور ۱۳۵۹، یعنی ۶ روز قبل از حمله به ایران، صدام می‌گوید: بر ماست که سر ایران را در گِل فرو کنیم و به آنها بگوییم حقیقت را بگویید! ایرانی‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهیم که به ما (بله) بگویند، دماغ ایران را به خاک می‌مالیم، اراده خودمان را بر ایران و ایرانیان تحمیل می‌کنیم، این امر جز با حمله نظامی به دست نمی‌آید.» (العلوی: ۲۴۰)

«حسن العلوی» می‌گوید:

«صدام گمان می‌کرد جنگ با ایران همانند جنگ شش‌روزه اسرائیل با اعراب، یا حداکثر هفت‌روزه خواهد بود. به همین خاطر در فکر تشکیل دولت رژیم جدید در تهران بود. بختیار در واقع نامزد صدام برای ریاست دولت بود. بختیار بارها به بغداد آمد. صدام تامین مالی جدید دولت را تا استقرار برعهده گرفت و پول حسابی به بختیار و اویسی داد.»

(ج) «سید حسین نصر»

«سید حسین نصر» در خاطرات خود به ملاقات فرح با صدام حسین در بغداد اشاره می‌کند و می‌گوید:

«۲۸ آبان سال ۵۷ بود که به همراه فرح رفتیم عراق در بغداد بودیم که گفتند صدام می‌خواهد با فرح ملاقات کند. از تهران اجازه گرفته شد، صدام با ماشین به دیدار فرح آمد. صدام گفت می‌خواهم حرف‌هایی بزنم و نمی‌خواهم هیچ مترجمی باشد. (من)، شما (حسین نصر) و ملکه [باشیم].»

حال و احوال اخی‌الشاه را پرسید. بعد گفت: «من این پیغام را برای برادر خودم شاه دارم. به شاه بگویید: تانک‌ها را بیاورند در خیابان و فقط آنجا نگه ندارید، بهتر است که ۳۰۰ نفر الان بمیرند تا این‌که یک میلیون ایرانی و عراقی بعداً کشته شوند!»



السید صدام حسین يزور صاحبة المجلدات ملكة ايران

زار السيد صدام حسين نائب رئيس مجلس قيادة الثورة
صباح امين صاحبة المجلدات الملكة فرح بهلولي ملكة ايران

دیدار صدام با فرح پهلوی و سفارش به او برای تأکید به شاه بر لزوم قلع و قمع مخالفان و تظاهرات‌کنندگان

دفاع سابق عراق روایت کرده است. هیئت آمریکایی نخست با احمد حسن البکر ملاقات و دو موضوع مهم را مطرح کردند:

اول: برنامه اتحاد عراق با سوریه و اعلام نگرانی آمریکا در این باره نسبت به امنیت اسرائیل.
دوم: موقعیت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خطر ایران برای کشورهای منطقه.

البته آنها به حسن البکر پیشنهاد می‌کنند عراق می‌تواند با مداخله نظامی خطر ایران را متوقف کند. حسن البکر که نظامی با سابقه بود و توان نظامی عراق و ایران و مختصات دو کشور را می‌شناخت، نسبت به پیشنهاد جنگ نظر منفی داد. هیئت آمریکایی با ناخشنودی جلسه را ترک کردند. جلسه دوم هیئت در دفتر صدام حسین که فرد شماره ۲ عراق بود برگزار می‌شود. صدام با هر دو پیشنهاد آمریکایی‌ها موافقت می‌کند. می‌گوید برای عملی شدن پیشنهادات نیاز به برکناری حسن البکر دارد و آمریکا باید از او [صدام] کاملاً حمایت کند. مدتی بعد، در ۲۵ تیر ۱۳۵۸ حسن البکر مجبور به استعفا می‌شود. صدام کودتای درون حزبی را در روز بعد آغاز می‌کند. در محاکمه و دادگاه حزبی، ۲۲ نفر از رهبران حزب و شورای فرماندهی به اتهام تبانی با سوریه به اعدام محکوم می‌شوند. گفته می‌شود، پیش از ابلاغ حکم اعدام، همگی کشته شده بودند.»

تفسیر «حامد الحمدانی» به صراحت این است: سازمان سیا و آمریکا از جاه‌طلبی صدام برای برافروختن جنگ بین عراق و ایران بهره برد.

هـ) صدام حسین در دوران بازجویی

صدام حسین که تا پیش از حمله به ایران به روایت «صلاح عمر العلی» می‌خواست سر ایرانیان را به سنگ بکوبد و خوزستان را با نام عربستان از ایران جدا کند، بر شط‌العرب حاکم شود و در ایران دولت دست‌نشانده تشکیل بدهد، در جلسات بازجویی آمریکایی‌ها از او،



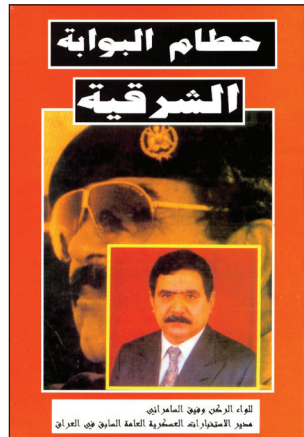
امضا و لغو قرارداد الجزایر

من این حرف صدام را برای فرح ترجمه کردم. بعد هم به هم نگاه کردیم. یعنی چه؟ آمدیم ایران به شاه گفتیم. این اظهارات صدام حاکی از نگرانی او از اوضاع داخلی ایران و بیم از حوادث پس از سقوط احتمالی رژیم شاه است. هرچند که ضعیف شدن ایران برای او امری خوشایند بود.»

د) «حامد الحمدانی»

«حامد الحمدانی»، نویسنده و مورخ معاصر عراقی در کتاب سنوات الجحیم (سال‌های جهنمی) به نقل از نزدیکان صدام حسین درباره تصمیم قبلی او برای حمله به ایران طبق هماهنگی با آمریکایی‌ها نوشته است: «احمد حسن البکر در ماه‌های پایانی دولتش در فکر وحدت با سوریه بود. هیئت‌های سیاسی و نظامی و امنیتی و اطلاعاتی طرح اتحاد را دنبال می‌کردند. هیئت به سرپرستی معاون وزیر خارجه آمریکا در اوایل سال ۱۹۷۹م یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به بغداد آمد. اطلاعات مربوط به جلسات گفت‌وگوی معاون وزارت خارجه آمریکا و احمد حسن البکر و صدام حسین را لیث الراوی؛ از نزدیکان حماده شهاب وزیر

چهره‌ای صلح‌طلب از خود نشان می‌دهد. در جلسات بیست‌گانه بازجویی که از ۱۸ بهمن ۱۳۸۲ تا ۸ تیر ۱۳۸۳ انجام شده است. یکی از سرفصل‌ها، بازجویی درباره جنگ بین ایران و عراق است. صدام در جلسه دوم بازجویی که در واقع گفت‌وگوی دوستانه است می‌گوید:



«ما با ایران جنگیدیم تا از دخالت در امور عراق جلوگیری کنیم. جنگ با ایران برای بازپس‌گیری سرزمین‌های عربی و حاکمیت بر شط‌العرب بود. جنگ با ایران از ۴ سپتامبر شروع شد که ایران به عراق تجاوز کرد، نه ۲۸ سپتامبر که ارتش عراق حمله کرد. او در پاسخ به بازجو که پرسید علل حمله به ایران را بگویید، می‌گوید: باید از تهران بپرسید. آنها جنگ را آغاز کردند، ما می‌خواستیم از دخالت ایران جلوگیری کنیم.» (مهاجرانی، نقد تحریف مدرن، اندیشه و سلوک امام خمینی(ره))

۲. روایت نظامیان عراقی

الف) سرلشکر وفیق السامرائی

مسئول اطلاعات ارتش عراق در دوران صدام، به روشنی و صراحت قصد و تصمیم صدام و آمادگی ارتش عراق را برای حمله به ایران توضیح داده‌است. او به‌عنوان افسر ستاد و مسئول اطلاعاتی امور ایران در ارتش عراق در کتاب حطام بوابه الشرقیه که در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با نام ویرانه دروازه شرقی ترجمه شد، می‌نویسد: «در زمانی که عدنان خیرالله طلفاح، پسر دایی و برادر زن صدام، با درجه ارتشبدی معاون نخست‌وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح و وزیر دفاع عراق بود، به اداره عملیات ریاست ستاد ارتش فراخوانده شدم. معلوم شد که یک کمیته عالی‌رتبه به منظور انجام

ارتشبد عدنان خیرالله طلفاح (۱۹۳۹ - ۱۹۸۹) برادر ساجده خیرالله (اولین همسر قانونی صدام حسین)، پسر دایی صدام حسین و همچنین وزیر دفاع حکومت صدام حسین و امیر ارتش عراق بود. وی یکی از اعضای بلندپایه و اصلی رژیم بعث عراق و وزیر جنگ عراق در زمان جنگ ایران و عراق بوده‌است.

عدنان پسر خیرالله طلفاح یکی از اعضای بلندپایه حزب بعث عراق بود. خیرالله طلفاح از نظر نسب، دایی و پدر همسر اول صدام بود. وی برای مدتی مسئولیت شهرداری بغداد را نیز بر عهده داشت که به علت فساد مالی توسط صدام کنار گذاشته شد.

خیرالله طلفاح در سال ۱۹۴۰ میلادی برای حزب بعث عراق جزوه‌ای ۱۰ صفحه‌ای نوشت با عنوان سه چیز که خدا نباید می‌آفرید: ایرانیان، یهودیان و مگس. این جزوه با آغاز جنگ ایران و عراق به عنوان کتاب درسی در مدارس عراق تدریس شد. خیرالله طلفاح در زمان جوانی با دستگاه اطلاعاتی انگلستان ارتباط داشت و صدام بغض و کینه نسبت به شیعیان را از وی به ارث برده‌است.

«سه چیز که خدا نباید می‌آفرید: ایرانیان، یهودیان و مگس» (به عربی: ثلاثة كان على الله ان لا يخلقهم: الفرس، اليهود والذباب) نام یک اعلامیه دولتی عراقی بود که در دوره حکومت صدام حسین به‌طور گسترده منتشر می‌شد.

خیرالله طلفاح نویسنده آن که از اعضای بلند پایه حزب بعث عراق بود، نخستین نسخه این جزوه را در ۱۰ صفحه در سال ۱۹۴۰ نوشت. در سال ۱۹۸۱ در جریان شروع جنگ ایران و عراق، انتشاراتی دولتی عراق به نام دارالحرّیه (خانه آزادی) این جزوه را بازچاپ کرد و وزارت آموزش و پرورش عراق این پروپاگاندا را به عنوان قسمتی از کتاب درسی بین دانش‌آموزان دبستان کشور عراق توزیع نمود.

در این نوشتار، ایرانیان به «حیواناتی که خداوند در قالب انسان آفریده‌است» و یهودیان «مخلوطی از کثافت و پس مانده‌ای از انسان‌های گوناگون» و مگس‌ها موجوداتی دون مایه درک نشده «چیزهایی که ما هدف خداوند را در خلق این‌ها درک نمی‌کنیم» توصیف شده‌اند. این نوشتار بر سیاست صدام حسین در قبال ایران و اسرائیل تأثیرگذار بود؛ به‌طوری‌که وی پلاکی آهنین از این عبارت را بر روی میز کاری خود حک کرده بود.



عدنان خیرالله طلفاح



خیرالله طلفاح

سرلشکر علوان العبوسی: «از روزی که
[امام] خمینی به قدرت رسید تا زمانی که
جنگ آغاز شد، ایرانیان به نوعی عراق را
تحریک می کردند.»

هم‌زمان با کوبیدن مسئولان رژیم
بعث عراق بر طبل ستیزه با ایران،
رسانه‌های این کشور نیز با شدت بر طبل
جنگ و کینه‌توزی می‌کوبیدند.

ایران و از هم پاشیدن دولت ایران فراهم شده است. این
فرصت تاریخی برای صدام، قدم برداشتن در راهی بود که
او را به رهبری کل منطقه سوق می‌داد.

سامرایی هدف صدام از حمله به ایران را در سه بخش
تبیین کرده است:

اول: لغو معاهده ۱۹۷۵م الجزایر که صدام باور داشت
این معاهده در دوره ضعف بر عراق تحمیل شده است؛
دوم: تجزیه ایران و الحاق خوزستان (از دید صدام؛
عربستان) به عراق؛

سوم: سرنگونی حکومت انقلابی ایران و تشکیل دولت
دست‌نشانده صدام در تهران. به همین خاطر، هم‌زمان با
طراحی حمله به ایران، مقدمات تشکیل دولت در تبعید
از همان هفته‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی آغاز
شده بود. «لرد جرج براون» وزیر خارجه سابق انگلستان
و «حسن العلوی» واسطه‌های تماس با فعالان سیاسی
و نظامی ایران از جمله «شاپور بختیار» و «غلامعلی
اویسی» بودند. (السامرایی ۱۳۹۱: ۴۸، ۴۹، ۷۵)

ب) ژنرال راعد مجید الحمدانی

از فرماندهان سپاه گارد ریاست جمهوری عراق در
مصاحبه با پژوهشگران نظامی موسسه مطالعات
استراتژیک ملی، به تفسیر جنگ ایران و عراق پرداخته



سرلشکر وفاق السامرای

مطالعات لازم برای تهیه طرح‌های پدافندی و یا آفندی،
در صورت بحرانی شدن اوضاع و یا بروز جنگ تشکیل
شده است. اعضای این کمیته که «کمیته مطالعات»
خوانده می‌شد از جمله افسران برگزیده فارغ‌التحصیل
دانشکده جنگ و دارای توان‌مندی‌های نظری و علمی
قابل توجهی بودند. چند ماه به صورت مستمر و با
پشتکار قابل توجه به تلاش‌هایی درباره شناخت اسرائیل
و ایران دست زدند و برنامه‌ریزی برای رویارویی نظامی
با ایران از این‌که آفندی باشد و یا پدافندی، از جمله
وظایف اصلی این کمیته بود. ما اطلاعات خوب و
کاملی راجع به ایران در اختیار این کمیته قرار دادیم.
این اطلاعات شامل اوضاع سیاسی، پراکندگی جمعیتی،
به‌ویژه قومیت‌های مختلف ایران، سرویس‌های امنیتی
و اطلاعاتی، اوضاع اقتصادی و وضعیت نیروهای مسلح
ایران بود.»

سامرایی درباره شرایط ایران که در اثر انقلاب آشفته و
غیر مستقر به نظر می‌رسید، این‌گونه توضیح می‌دهد:
«رژیم عراق به این نتیجه رسیده بود که فرصت طلایی
لازم برای رهایی از نفوذ ایران در عراق و زمینه‌های لازم
برای باطل کردن معاهده ۱۹۷۵م الجزایر و بازگرداندن
حاکمیت و سلطه کامل بر شط العرب، بر مبنای معاهده
۱۹۷۵م و تعدیل خط مرزی و پشتیبانی از عرب‌های
اهواز، به منظور شروع یک انقلاب و آزاد شدن از تابعیت
ایران و برانگیختن آتش فتنه‌های قومی در بلوچستان و
کردستان و آذربایجان به منظور سرنگونی رژیم جدید

است. نخستین تفسیری که در اظهارات حمدانی درباره علل رخداد جنگ عراق با ایران مطرح شده است، همان تفسیر و دیدگاهی است که صدام در شهریور ۱۳۵۸، در هاوانا به صلاح عمر العلی گفته بود: فرصت تاریخی و طلایی با سقوط شاه پیش آمده است. ایران به سبب تزلزل سیاسی و بحران در نیروهای مسلح آمادگی دفاعی ندارد. کشور دچار آشوب است. صدام و عده‌ای از فرماندهانی که به تازگی ژنرال شده و در فرماندهی لشکرها منصوب شده بودند، باور داشتند، به آسانی می‌توان به شرق رفت! صدام گمان می‌کرد می‌تواند پیروزی آسانی بر فارس‌ها به دست آورد و با اتکا به یورش نظامی و شکست ایران، معاهده ۱۹۷۵م را لغو کند.

حمدانی به سه موضوع اصلی اشاره می‌کند: اول: در فضای سرخوردگی ناشی از شکست نظامی اعراب در برابر اسرائیل و پس از آن خیانت انور سادات به امت عربی و افول مصر از رهبری کشورهای عربی، صدام پس از به دست گرفتن قدرت گمان می‌کرد فرصتی برای او فراهم شده که با راهاندازی جنگ با ایران و سقوط جمهوری اسلامی و ضمیمه کردن خوزستان به عراق، تبدیل به رهبر امت عربی شود.

دوم: سرعت گرفتن تقویت ارتش عراق پس از وقوع انقلاب اسلامی، از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی قبلی رژیم بعث و شخص صدام برای آماده‌شدن حمله به ایران حکایت دارد. توسعه روابط سیاسی و تسلیحاتی عراق



ژنرال راعد مجید الحمدانی



کتاب «جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام» دومین مجلد از مجموعه کتاب‌هایی به‌شمار می‌رود که با حمایت شورای اطلاعات ملی آمریکا تهیه شده تا برخی مسائل مربوط به عراق در زمان صدام را از طریق گفت‌وگو با مقامات رژیم سابق عراق روشن کند. این کتاب، با محوریت گفت‌وگو با چهار نفر از افسران عالی رتبه عراقی درباره عملیات‌های دریایی، هوایی، اطلاعات نظامی و توسعه توانمندی‌های نظامی ارتش سابق عراق تالیف شده است. سرلشکر میسر رشید الطرفه العبیدی، افسر ارشد و یکی از فرماندهان اطلاعات عراق در بخش مرتبط با ایران در طول جنگ، سرلشکر بازنشسته علاءالدین حسین مکی خمس، رئیس ستاد سپاه سوم و فرمانده اداره توسعه رزمی عراق در زمان جنگ با ایران، سپهبد عبید محمد الکعبی فرمانده نیروی دریایی ارتش عراق در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸ و سرلشکر علوان حسون علوان العبوسی فرمانده اسکادران و تیپ هوایی در جنگ با ایران افرادی هستند که در این کتاب سخن گفته‌اند.

نگرانی‌های زیادی نسبت به این دگرگونی وجود داشت. خلاصه این‌که ارتش شاه که در طی سالیان طولانی ساخته شده بود مانند فروریختن یک بهمن متلاشی شد. هیچ کس انتظار این را نداشت. به این دلیل، صدام برای متلاشی کردن آن شروع به طرح‌ریزی کرد. او این زمان را بهترین لحظه می‌دانست که عراق به آن نیاز داشت؛ زیرا ایرانی‌ها تجهیزات لازم را نداشتند و آموزش‌های کافی نمی‌دیدند و نمی‌توانستند بجنگند. بنابراین او قادر بود تهدید ایران را به کلی از میان بردارد.»

فرمانده لشکر گارد جمهوری عراق، درباره اقدام صدام حسین برای آماده کردن ارتش عراق در حمله به ایران می‌افزاید:

«رهبری حزب بعث عراق در ششم جولای ۱۹۸۰م/ ۱۵ تیر ۱۳۵۹، در ابوغریب با فرمانده ارتش ملاقات و تصمیم خود را برای شروع حمله علیه ایران اعلام کرد. در هفتم جولای، فرماندهان نظامی از تصمیم برای شروع جنگ مطلع شدند. اما به آنها تاریخ شروع عملیات گفته نشد. به آنها فقط گفته شد که برای جنگ آماده باشند. بنابراین تاریخ دقیقی برای شروع جنگ اعلام نشد.»

هرچند حمدانی تلاش دارد در بیان علل حمله ارتش عراق به ایران، ایران را مقصر جلوه دهد؛ اما نمی‌تواند به بخشی از انگیزه رژیم بعثی اشاره نکند. او می‌گوید: «در سال ۱۹۷۵م، پیمان دیگری میان ایران و عراق برای تقسیم مرز و شط‌العرب (اروند رود) منعقد شد. شط‌العرب (اروند رود) از محل عمیق خود یعنی خط تالوگ میان دو کشور تقسیم شد. عراق با این پیمان بازنده شد. مشکل بعدی وقتی بروز کرد که انگلستان جزیره بویان را به کویت داد و تقریباً مسیر عراق به خلیج فارس را محدود کرد. دوباره درگیری قدیمی بر سر مسیر عراق به خلیج (فارس) شروع شد. این نکته یکی دیگر از عوامل راهبردی [در حمله به ایران] است.»

او همچنین درباره مقدمات حمله به ایران، در خصوص این نکته که تنها راه عراق برای برخورد با ایران این

با سایر کشورها برای پشتیبانی لجستیکی نیز در همین راستا قابل بررسی است.

سوم: تحریک کردن عراق از سوی جمهوری اسلامی با شعار صدور انقلاب.

«حمدانی» توضیح می‌دهد که شکست در جنگ‌های اعراب و اسرائیل باعث گردید که کشورهای عربی از حمله عراق به نوسازی و ارتقاء توانمندی ارتش‌های خود اقدام کنند و رژیم بعث هم‌زمان به حل و فصل مسائل خود با همسایه شرقی (ایران) از طریق قرارداد ۱۹۷۵م الجزایر همت گماشت. اما وقوع انقلاب اسلامی اولویت عراق را تغییر داد و متوجه جبهه شرق [ایران] کرد. او می‌گوید: «حقیقت آن است که ما یک سپاه کامل و مجهز زرهی برای جنگ با اسرائیل آماده کرده بودیم. پیش‌بینی ما این بود که جنگ در سمت غرب آغاز خواهد شد. بنابراین، تغییر در اهداف از غرب به شرق به تغییر گسترده در کل ارتش انجامید. تجربیات، تمرینات و درگیری‌های ما با اسرائیل به موفقیت‌های نسبتاً سریع اولیه در جنگ با ایران منجر شد.»

حمدانی با مطرح کردن ادعای تهدید از ناحیه جمهوری اسلامی برای کشورهای همسایه نیز گفت: «اختلاف‌های تاریخی عراق با ایران با قطعنامه ۱۹۷۵م الجزایر فروکش کرد، اما مجدداً با وقوع انقلاب اسلامی تشدید شد.» او در عین حال وحشت مسئولان بغداد از انقلاب و تصمیم صدام حسین برای مقابله با این پدیده نوظهور را این‌گونه توضیح می‌دهد: «وقتی [امام] خمینی در ایران ظهور کرد، تمام شناخت ما از ماهیت رژیم و توانایی‌های نظامی او بیشتر بر پایه شناخت رژیم و ارتش شاه استوار بود. زمانی که رهبران مذهبی ایران توده‌های مذهبی را تحریک نکرده بودند، هیچ مشکلی با ایران وجود نداشت، ولی تحریک مردم یک پدیده وحشتناک بود که کشورها و منطقه را تهدید می‌کرد. نمی‌توانستیم باور کنیم که ارتش شاه با آن سبک و پشتیبانی آمریکا حتی نتوانسته بود از موجودیت رژیم شاه حمایت کند.

حمله به ایران می‌گوید:

«صدام ابتدا از سقوط شاه خوشحال بود. ما فکر می‌کردیم موانعی که از زمان شاه بین دو کشور وجود داشت از بین می‌رود، ولی تنها چند ماه پس از به قدرت رسیدن [امام] خمینی اوضاع به کلی عوض شد و هنگامی که تهدید ایران را احساس کردیم، شروع به جمع‌آوری اطلاعات کردیم. برای این کار از جست‌وجوی منابع انسانی، بازرسی مناطق مرزی، بررسی مطبوعات ایران، شنود رادیوی ایران و دیدن برنامه‌های تلویزیون این کشور آغاز کردیم و به تدریج گزارش‌هایی را که در این زمینه تهیه می‌شد و بیانگر اقدامات خصمانه ایران علیه عراق بود، به فرماندهی عالی عراق تحویل می‌دادیم. سرانجام آنچه را انتظار داشتیم و پیش بینی می‌کردیم اتفاق افتاد.» (ام. وودز ۱۳۹۳: ۱۶۶ و ۱۶۷)

د) سرلشکر علاءالدین حسین مکی خمس

مسئول ستاد سپاه سوم ارتش عراق نیز تحریکات ایران را عامل حمله عراق اعلام می‌کند و می‌گوید:

«صدام و شاه در سال ۱۹۷۵ میلادی/ ۱۳۵۴ شمسی، قرارداد الجزایر را امضا کرده بودند که در آن نیمی از آبراه شط‌العرب (اروند رود) به ایران و نیم دیگر آن به عراق واگذار شده بود. با وجود از دست رفتن بخشی از سرزمین عراق، صدام این قرارداد را پذیرفت، تا ایران کمک‌هایش به کردهای شمال عراق را متوقف کند. اما ایران دست به تحریک عراق زده بود. ایرانیان آشکارا اعلام می‌کردند که می‌خواهند انقلاب‌شان را صادر کنند. صدام نیز نگران بود که ایرانیان انقلاب‌شان را از طریق مناطق مرزی به عراق صادر کنند. تعداد زیادی از مردم عراق شیعه هستند و [امام] خمینی فکر می‌کرد می‌تواند طرز فکرش را به شیعیان عراق منتقل کند. وقتی حکومت ایران این مسیر را دنبال کرد، رژیم عراق دیگر چه کاری (به جز جنگ) می‌توانست انجام دهد؟»

سرلشکر مکی می‌افزاید:



بود که مردم را از رژیم جدا کند، چون بخش بزرگی از جنگ، جنگ روانی برای تضعیف محبوبیت رژیم است، می‌افزاید: «به عنوان یک گام مقدماتی مجبور بودیم از نفوذ ایران خلاص شویم. ما باید از یک پایگاه امن و مستحکم عملیات را آغاز می‌کردیم. باید به سختی کار کرد تا مشکلات عدیده‌ای در داخل برای ایران به وجود آید. عرب‌ها در عربستان (خوزستان) جمعیت زیادی در حدود ۳ تا ۴ میلیون نفر هستند و این منطقه به عراق نزدیک است.

اکراد در طول مرزهای شمالی عراق عامل درگیری هستند. مشکل بعدی بلوچ‌ها در شرق ایران هستند که [این اقوام] مشکلاتی برای ایران به وجود می‌آورند.»

ج) سرلشکر میسر رشید الطرفه العبیدی

این افسر ارشد اطلاعاتی ارتش عراق نیز همانند ژنرال حمدانی احساس تهدید از ناحیه جمهوری اسلامی را مطرح می‌کند و درباره آماده شدن ارتش عراق برای

صدام بنابر ملاحظات تاریخی و

همچنین آرزوهای قدیمی خود در زمینه

ثبت شدن نامش در تاریخ از طریق یک

اقدام بزرگ نظامی، مایل بود با ایران وارد

جنگ شود.

سرلشکر العبدی:

«صدام ابتدا از سقوط شاه خوشحال بود، ما فکر می‌کردیم موانعی که از زمان شاه بین دو کشور وجود داشت از بین می‌رود، ولی تنها چند ماه پس از به قدرت رسیدن [امام] خمینی، اوضاع به کلی عوض شد و هنگامی که تهدید ایران را احساس کردیم، شروع به جمع‌آوری اطلاعات کردیم.»

سرلشکر مکی:

«ما همواره نگران بودیم که روزی ایران (حکومت) ما را سرنگون خواهد کرد، هرگز جانب احتیاط را رها نکرده‌ایم. این تحریکات ایران موجب نگرانی رژیم عراق شد.»

اصلاح کردیم.» (ام. وودز ۱۳۹۳: ۳۲۸ و ۳۲۹)

۳. اقدامات و فضا سازی رسانه‌ای عراق علیه جمهوری اسلامی.

به موازات موضع‌گیری‌های مسئولان سیاسی عراق علیه ایران، عملیات‌های ایدایی ضدایرانی رژیم بعث و ایجاد فضای رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی در ماه‌های منتهی به حمله سراسری ارتش عراق شدت یافت. فعالیت‌های جاسوسی عوامل عراق در خوزستان مانند قاچاق وسیع اسلحه و بمب‌گذاری، ایجاد انفجار در محل‌های تجمع مردم و یا لوله‌های نفتی، عملیات‌های ایدایی در مناطق غرب کشور مانند حمله به پاسگاه‌های مرزی و حمایت لجستیکی از گروه‌های مسلح در این مناطق و همچنین عملیات‌های ایدایی علیه منافع جمهوری اسلامی در خارج از کشور مانند حمله عوامل رژیم بعث به سفارت



سرلشکر علوان حسون علوان العبوسی

«ایرانیان در دوران کودکی من هم عراق را تهدید کرده بودند. در آن زمان پدرم لشکر سوم عراق را در مقابل ارتش شاه (ایران) فرماندهی می‌کرد. من در هر دو مورد احساس می‌کنم که با (خطر مرگ و زندگی) مواجه بود. ایران و عراق هیچ‌گاه روابط خوبی نداشته‌اند و چون ما همواره نگران بودیم که روزی ایران (حکومت) ما را سرنگون خواهد کرد، هرگز جانب احتیاط را رها نکرده‌ایم. این تحریکات ایران موجب نگرانی رژیم عراق شد.» (ام. وودز ۱۳۹۳: ۳۲۸ و ۳۲۹-۲۱۰)

ه) سرلشکر علوان حسون علوان العبوسی

فرمانده اسکادران و تیپ هوایی عراق در جنگ با ایران هم ادعا می‌کند که جمهوری اسلامی رژیم بعث عراق را تحریک کرده‌است. او می‌گوید:

«نیروی هوایی اصلاً برای جنگ با ایران آماده نبود. ما حتی فکرش را هم نمی‌کردیم که داریم به جنگ با ایران می‌رویم. از روزی که [امام] خمینی به قدرت رسید تا زمانی که جنگ آغاز شد، ایرانیان به نوعی عراق را تحریک می‌کردند. اگر با نگاهی کلی به نیروی هوایی (عراق) بنگریم، متوجه می‌شویم که توان‌مندی‌های این نیرو دست‌کم نصف نیروی هوایی ایران بود. ما نیروی هوایی‌مان را از نظر همبستگی نیروها در مقایسه با نیروی هوایی ایران ارزیابی کردیم. البته در ارزیابی اولیه اشتباهاتی وجود داشت ولی در ارزیابی بعدی آن را

ایران در لندن و اشغال یک هفته‌ای آنجا و سوء قصد عوامل عراق به صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه ایران در کویت و تعرضات مرزی از جمله اقدامات عراق علیه ایران در این دوره است. در این میان رفتارهای تبلیغاتی و فعالیت‌های رسانه‌ای رژیم بعث و ایجاد جنگ روانی با هدف هدایت افکار عمومی جالب توجه است. علاوه بر عرصه سیاسی، عرصه رسانه و تبلیغات نیز از میدان‌های عمده ستیزه‌جویی عراق با ایران بود که با شدت روزافزون، ادامه یافت. هم‌زمان با کوبیدن مسئولان رژیم بعث عراق بر طبل ستیزه با ایران، رسانه‌های این کشور نیز با شدت بر طبل جنگ و کینه‌توزی می‌کوبیدند. نمونه‌ای مکرر در گفتارهای بخش فارسی رادیو بغداد چنین است:

«قیام کن! ملت ایران به پا خیز! روز رستاخیز است. ای سیستان و بلوچستان فقرزده و ای کپرنشینان فقیر اهواز! ای ترکمن‌صحرای جرجانی و توماج و واحدی و مختوم، به پا خیز! ای تهران! ای دربرگیرنده شصت هزار شهید و صد هزار معلول، به پا خیز! ای زحمت‌کشان ملت ایران، به پا خیزید! پیروز باد مبارزات پیگیر خلق‌های ایران!»

افراط در نشان دادن دشمنی با ایران و مورد خطاب قراردادن روحانیون متعهد و نیز احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های ملی و مترقی ایران و افسران و سربازان میهن‌پرست ایرانی و همچنین فارغ‌التحصیلان و کارگران بیکار در قیام علیه حکومت، به خصوص به کار بردن عبارات به شدت کینه‌توزانه و سراسر فحش و ناسزا و استمرار حرکت در این راه، هرچند تبلیغات عراق را کم‌تأثیر می‌کرد، اما نشانه عزم جدی سران دولت عراق در دشمنی با ایران بود.

در چارچوب فضا سازی ضدایرانی در عراق، یکی از مهم‌ترین محورهای تبلیغاتی در این کشور تبلیغات شدید و حتی خارج از عرف و نزاکت رسانه‌ای و

و فیک السامرای:

«رژیم عراق به این نتیجه رسیده بود که فرصت طلایی لازم برای رهایی از نفوذ ایران در عراق و زمینه‌های لازم برای باطل کردن معاهده ۱۹۷۵م الجزایر و بازگرداندن حاکمیت و سلطه کامل بر شط‌العرب فراهم شده است.»

ژنرال الحمدانی:

«صدام پس از به دست گرفتن قدرت گمان می‌کرد فرصتی برای او فراهم شده که با راه اندازی جنگ با ایران و سقوط جمهوری اسلامی و ضمیمه کردن خوزستان به عراق تبدیل به رهبر امت عربی شود.»

در چارچوب فضا سازی ضدایرانی در

عراق، یکی از مهم‌ترین محورهای تبلیغاتی در این کشور تبلیغات شدید و حتی خارج از عرف و نزاکت رسانه‌ای و دیپلماتیک، علیه شخص امام خمینی بود. این گونه ادبیات منحصر به رسانه‌های عراق نبود، بلکه از سوی شخص صدام رئیس‌جمهور عراق نیز به طور جدی دنبال می‌شد.

مرزوبوم.
درودیان، محمد؛ (۱۳۸۲)، اجتناب‌ناپذیری جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم.
درویشی سه‌تلانی، فرهاد؛ (۱۳۹۳)، تجزیه و تحلیل استراتژی نظامی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
السامرای، وفیق؛ (۱۳۹۳)، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ دهم ۱۳۹۹.
العلوی، حسن؛ (-)، الشرطه تسجیل صدام.
علایی، حسین؛ (۱۳۹۱)، روند جنگ ایران و عراق، جلد اول، تهران: مرزوبوم، چاپ اول.
مهاجرانی، عطاءالله؛ -، «نقد تحریف مدرن، اندیشه و سلوک امام خمینی(ره)» (یادداشت ششم).
نخعی، هادی؛ (۱۳۹۷)، طبس تا سنندج (روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب هفتم، جلد دوم) تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
ولایتی، علی‌اکبر؛ (۱۳۷۶) تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دیپلماتیک، علیه شخص امام خمینی بود. این‌گونه ادبیات منحصر به رسانه‌های عراق نبود، بلکه از سوی شخص صدام رئیس‌جمهور عراق نیز به‌طور جدی دنبال می‌شد. (نخعی ۱۳۹۷: ۵۹ - ۴۴)

جمع‌بندی

از سال ۱۹۲۰ میلادی که کشور عراق تشکیل شد تا ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ که صدام حسین روی کار آمد، ۱۳ کودتا در این کشور رخ داده است. با روی کار آمدن صدام، مسیر جنگ عراق با ایران به سرعت طی شد. با اقدامات صدام و توسعه درگیری‌های مرزی با ایران از تابستان سال ۱۳۵۸، آرام‌آرام احتمال رفتن عراق به سوی گزینه جنگ با ایران افزایش یافت. صدام بنابر ملاحظات تاریخی و همچنین آرزوهای قدیمی خود در زمینه ثبت شدن نامش در تاریخ از طریق یک اقدام بزرگ نظامی، مایل بود با ایران وارد جنگ شود. صدام درافتادن با کشور بزرگی مثل ایران را برای خود یک اعتبار می‌دانست. او می‌خواست با حمله به ایران خود را فردی مقتدر در بین اعراب نشان بدهد.

قریب به اتفاق مسئولان، نظامیان و رسانه‌های جمعی عراق در دوران حاکمیت صدام حسین، درباره آغاز جنگ از سوی ارتش این کشور اذعان می‌کنند سیاستمداران رژیم بعث با تکیه بر اختلافات تاریخی و طرح ادعاهای ارضی، حداقل بر خوزستان، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی بیست‌ماهه (حداقل وقوع انقلاب اسلامی تا وقوع جنگ) برای حمله به ایران را تأکید می‌کنند، اما نظامیان عموماً در اقامه دلیل درباره خطر صدور انقلاب اسلامی صحبت می‌کنند. وجه مشترک همه آنان تأکید بر شخصیت بلندپروازانه، ماجراجویانه و رؤیاپرداز صدام حسین برای به‌دست گرفتن رهبری امت عرب و احیای جنگ قادسیه در عصر جدید است.

منابع

ام. وودز، کوین، ویلیامسون مورای، الیزابت ناتان؛ (۱۳۹۳)، جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران:

صحنه‌های سیاه دیپلماسی آمریکا

مقدمه‌ای بر کتاب «اتحاد شوم»؛

اسناد آرشیو امنیت ملی آمریکا

در باره همکاری با صدام (۱۹۸۰-۱۹۸۴)

مجید کریمی

چکیده

اسناد آرشیو امنیت ملی آمریکا مجموعه‌ای از ۶۱ سند فوق محرمانه آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ میلادی و به عبارتی چهار سال نخست جنگ ایران و عراق است. این اسناد از دوایر گوناگون دولتی از جمله وزارت امور خارجه، پنتاگون و کمیسیون تحقیق کنگره و دیگر مراکز ایالات متحده تهیه شده است و در ۲۵ فوریه ۲۰۰۳ م بر پایه قانون آزادی اطلاعات آمریکا اجازه انتشار گرفت و منتشر شد.

ناشر این مجموعه، خانم جویس بتل کارشناس خاورمیانه، دانش آموخته دانشگاه هاروارد در آرشیو امنیت ملی امریکا است. همراه او گروهی دیگر از کارشناسان در کمیته‌ای گزینش این اسناد را بر عهده داشتند. این اسناد درست در زمانی که در آمریکا ماجرای عراق گیت بحرانی شده بود و رسانه‌های آمریکا و یا حتی کنگره در پی فشار به دولت وقت برای افشای حقایق روابط آمریکا و عراق در جنگ بود، منتشر شده است. زمان انتشار اسناد دقیقاً در آستانه حملات آمریکا به عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ م بود.

اگر چه ناشر [امریکایی] قصد و هدف‌هایی از انتشار این اسناد داشته است، اما محتوای اسناد که نخستین بار در ایران چاپ می‌شود دارای اطلاعات بسیار مهمی از پشت پرده جنگ ایران و عراق است. اطلاعاتی که برای پژوهشگران جنگ ایران و عراق در بعد سیاست

خارجی جنگ و ارتباطات میان آمریکا و رژیم وقت عراق اهمیت بسزایی دارد و روایتی دست اول و بدون واسطه از همکاری آمریکا با صدام در جنگ است.

آرشیو امنیت ملی آمریکا در سال ۱۹۸۵ م راه اندازی شد که بر اساس قانون آزادی اطلاعات هر ۳۰ سال یک‌بار اسناد تحت شرایطی اجازه انتشار می‌یابند. تاکنون ۱۰۰ هزار سند مرتبط با سیاست خارجی آمریکا در جنگ سرد، حملات تروریستی و تسلیحات هسته‌ای منتشر شده است. مرکز این آرشیو در کتابخانه گلن در دانشگاه جورج واشنگتن است. از همین آرشیو درباره ایران تاکنون بخشی از اسناد تاریخی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز منتشر شده است.

ایده کتاب

ایده اصلی کتاب و مجموعه اسناد پیش روی خوانندگان گرامی در سال ۱۳۹۶ و زمانی مطرح شد که نگارنده در پی بررسی برخی اسناد و گزارش‌ها درباره کاربرد سلاح شیمیایی بود. نگارنده به مجموعه دست اولی از اسناد دست‌چین شده آرشیو امنیت ملی آمریکا دست یافت که در نگاه نخست شگفت‌آور بود. این مجموعه اگر چه ناقص و گزینشی منتشر شده بود، اما در نوع خود برای پژوهشگران ایرانی دارای اهمیت بسزایی است و می‌تواند منبع خارجی مرجعی برای مطالعات جنگ باشد.

اگر چه می‌دانیم آزادسازی ۶۱ سند از ۱۰ هزار سند

وزارت خزانهداری، کشاورزی و کنگره و بانک صادرات و واردات آمریکا است. همین، انگیزه مهمی شد تا کاری که انجام نشده است به انجام رساند. نخستین بار است که مجموعه اسناد خارجی درباره جنگ ایران و عراق در ایران منتشر می‌شود و می‌تواند آغازگر کوشش‌ها و بررسی‌های آینده پژوهشگران جوان در این عرصه تحقیقاتی باشد.

با بررسی مجموعه اسناد کتاب پیش رو، پژوهشگران درک بهتری از پشت پرده حامیان ارتش عراق در جنگ با ایران را به دست خواهند آورد. مجموعه اسناد آرشیو ملی که اجازه انتشار یافته است، بینش عمومی را برای بررسی روندهای سیاسی و دیپلماتیک مربوط به جنگ بیشتر می‌کند و البته مناسبات سیاسی ظالمانه و ریاکارانه آمریکا را نیز آشکار می‌گرداند.

ناشر این مجموعه خانم جویس بتل در مقدمه خود معتقد است که این اسناد نشان می‌دهد که آمریکا در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ م به سوی صدام چرخید. خانم بتل برای تاکید بر این موضوع عنوان اسناد منتشرشده را «دست‌دادن آمریکا با صدام حسین: چرخش ایالات متحده به سوی عراق ۱۹۸۰-۱۹۸۴ م» گذاشته است.

■ معرفی بخش‌های کتاب

کتاب شامل پیش‌گفتار نگارنده و ۶۱ بخش است که بر اساس ترجمه و توضیح هر سند عنوان‌بندی و بخش‌بندی شده است. یعنی هر سند یا هر بخش سه عنوان «اصل ترجمه سند»، «توضیح ناشر امریکایی سند» و «توضیح نگارنده» دارد. پس از پیش‌گفتار، معرفی خانم جویس بتل ناشر اسناد و مقدمه وی بر ۶۱ سند آورده شده است. خانم بتل در پایان مقدمه خود بر اسناد آرشیو امنیت ملی آمریکا یک نتیجه‌گیری نیز دارد که به این بخش از کتاب اضافه شده است. پیش از آغاز کتاب، نقد برخی منابع خارجی بر اسناد مجموعه آمده است. آنگاه کتاب با ترجمه اسناد به ترتیب تاریخی و همان ترتیبی که ناشر

نشانه حذف اطلاعات زیادتری است، اما در همین حد نیز نگارنده کتاب با نگاهی اولیه به اسناد، دریافت که این مجموعه در صورت انتشار و تحلیل درست، می‌تواند برای پژوهشگران جنگ ایران-عراق بسیار ارزشمند باشد و زوایای پنهانی از جنگ را آشکار کند. به گمان نگارنده اگر چه برای محققان جنگ، مجموعه این اسناد روشنگر بسیاری از موضوعات خواهد بود، اما این اسناد برای دیپلمات‌های جوان و آیندگان، بسیار بیشتر از فرماندهان جنگ و نظامیان سودمند خواهد بود. بازی‌های سیاسی و پشت پرده دیپلمات‌ها را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که تا چه اندازه لابی‌های سیاسی در تغییر روند جنگ موثر بود و در پایان بخشیدن به آن تعیین‌کننده شد.

کتاب در پی اثبات موضوع خاصی نیست، بلکه در پی تبیین یک به یک اسناد مجموعه در چارچوب زمانی و محتوایی آن است. اسناد خود گویا و تکان‌دهنده هستند و خواننده می‌تواند ارتباط منطقی با اسناد برقرار کند. اما نگارنده در انتشار کتاب حاضر، بخش تحلیل و تفسیر اسناد را نیز افزوده است تا تمام اطلاعات و حواشی لازم برای درک بهتر سند آماده شود.

اگر چه منتشرکنندگان این مجموعه از اسناد در آرشیو امنیت ملی آمریکا، هدف‌های خاصی از انتشار آن داشته‌اند، اما اطلاعات اسناد این مجموعه در نوع خود کم‌مانند است و خواننده را به زوایای پنهان روابط آمریکا با عراق در یکی از حساس‌ترین دوران تاریخ جنگ ایران و عراق آشنا می‌کند. نگارنده پس از بررسی کلی این اسناد، دریافت که آنها شایسته ترجمه و بررسی در ایران است و مصمم شد تا این کار را به گونه‌ای که اکنون پیش روی خوانندگان ایرانی است، به پایان برساند.

این اسناد از زبان منابع امریکایی است. این مجموعه گزارش رسانه‌ای و مطبوعاتی نیستند. اسنادی از میان یادداشت‌های دیپلماتیک، تلگراف‌ها، کاخ سفید، شورای امنیت ملی، سازمان سیا، آژانس اطلاعات دفاعی پنتاگون،



جیمز ارل کارتر (James Earl Carter) (زاده ۱۹۲۴ در پلینز، جورجیا)، معروف به جیمی کارتر. سی و نهمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا.

امریکایی منتشر کرده است آغاز می شود.

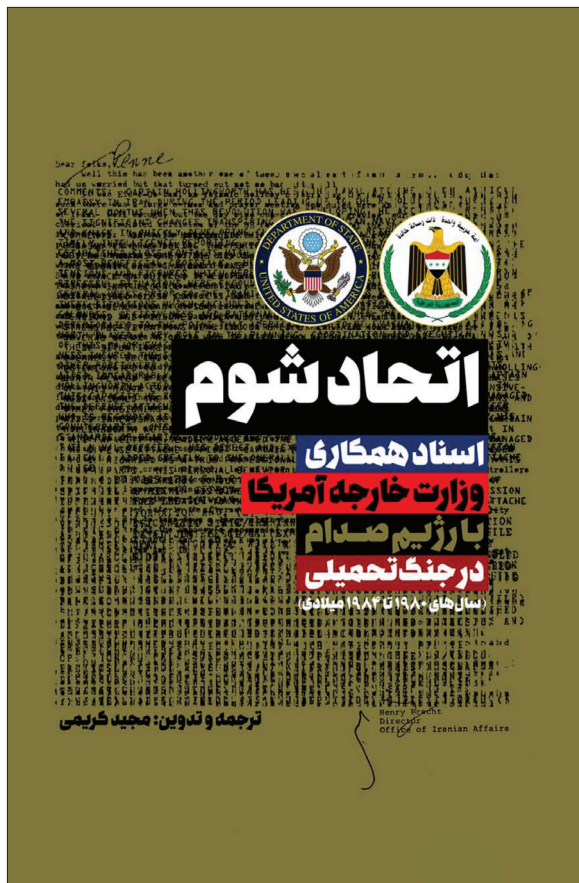
نگارنده برای تسهیل در مطالعه، فهرست موضوعی اسناد را نیز تهیه کرده است تا در اختیار خواننده جهت پژوهش قرار گیرد. در پایان کتاب، مجموعه اصلی انگلیسی اسناد به ترتیب شماره افزوده شده است. همچنین برای ارتباط بهتر خواننده با موضوعات و شخصیت‌های سیاسی مطرح در اسناد نیز مجموعه تصاویر به کتاب اضافه شده است.

■ موقعیت آمریکا در هنگام آغاز جنگ

جیمی کارتر در دی ۱۳۵۵ به ریاست جمهوری انتخاب شد و یک سال بعد، با توفانی از رویدادها در ایران روبه‌رو گردید که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، منجر به سرنگونی دودمان پهلوی در ایران شد. پیش‌تر روابط محمدرضا شاه ایران با ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر مشاور سیاست خارجی وی بسیار خوب بود، اما هنگامی که کارتر بر سر کار آمد تحت تاثیر سیاست خارجی مبتنی بر حقوق بشر و درهای باز قرار گرفت. روابط کارتر با شاه دوران انتقادی را سپری کرد تا این‌که شاه ایران سرنگون شد و انقلابیون در تهران مسلط شدند.

این شوک نخستین تا بدین‌جا پایان نپذیرفت و بسیار زود خشم انقلابیون از سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا منجر به رویداد گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران شد که شدیداً روابط خارجی آمریکا را با ایران تحت تاثیر قرارداد و همه امیدها را برای برقراری مناسبات بهتر دوجانبه از بین برد. کارتر در غرب خاورمیانه با بحران حل‌ناشده اعراب-اسرائیل و در شرق آن نیز با فروپاشی نظام پهلوی در ایران و روی کار آمدن اسلام‌گرایان انقلابی روبه‌رو بود. به عبارتی همه چیز در سیاست خارجی آمریکا می‌بایست با شرایط جدید منطقه تغییر کند. وحشت در پایتخت‌های عربی به کابوس هر شب شیوخ تبدیل شده بود و موج خروشان از امید میان گروه‌های تازه سازماندهی شده و جوانان اسلام‌گرا ایجاد کرده بود.

هنگامی که عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد، جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا تنها نظاره‌گر حملات بود و از هر دو طرف خواست که اختلافات خود را مسالمت‌آمیز حل کنند. اگر چه سیاستمداران و دست‌اندرکاران دستگاه حاکمه وقت آمریکا در خاطرات سیاسی خود گاه و بیگاه ادعای تحریک عراق



سفارت امریکا در تهران و سپس حمله نظامی ناکام امریکا به طبع برای آزادسازی گروگان‌ها روابط امریکا را با متحد نیرومند سابق خود در خاورمیانه بر هم زد. موج توفان‌های اسلامی به پیروی از انقلاب ایران منطقه را فرا گرفته و پادشاهی‌ها و شیوخ محافظه‌کار عرب منطقه را که بیشترشان از حمایت امریکا برخوردار بودند، تهدید می‌کرد.

از سوی دیگر محور جدیدی از مقاومت موسوم به جبهه پایداری در برابر روند صلح اعراب-اسرائیل با پیمان کمپ دیوید (محور سازش) شکل گرفت و کار جیمی کارتر برای حل مناقشه اعراب-اسرائیل با مشکلات تازه‌ای روبه‌رو شد. محور ایران-سوریه-لبنی (کشورهای خط مقدم مبارزه با صهیونیسم) معضل دیگری برای سیاست خارجی امریکا در منطقه بود. مهم‌تر از آن در لبنان جریان جدید شیعی با اتکا بر آموزه‌های اسلام انقلابی ایران در حال شکل‌گیری بود. وقوع انقلاب در ایران به‌راستی امریکا را

به آغاز جنگ با ایران را رد کرده‌اند، اما سال‌ها است که تحلیل‌گران سیاسی و رسانه‌ای این کشور درباره چراغ سبز دولت کارتر به صدام برای حمله به ایران بحث می‌کنند. البته هنوز سند و یا اظهار نظر جدی در خصوص این ادعا مطرح نشده است، اما گمانه‌زنی و تفاسیر مربوط به آن دوره سرشار از چنین فرضیه‌هایی است.

در حالی که عراق با نقض قوانین بین‌المللی آشکارا وارد خاک ایران شده بود، دولت کارتر امیدوار بود که حمله صدام به ایران، موجب آن شود که انقلابیون ایرانی به سوی امریکا بچرخند و با حل ماجرای گروگان‌ها مناسبات پیشین با امریکا از سر گرفته شود و از سوی دیگر این جنگ بتواند دامنه موج اسلام‌گرایی انقلابی را نیز مهار کند و موجب توقف آن گردد.

اما کارتر چالش‌های دیگری هم در سیاست خارجی جهانی خود داشت. او در پایان دوران ریاست جمهوری خود در منطقه خلیج فارس با مشکلات اساسی روبه‌رو بود. رویدادهای سیاسی-انقلابی-جنگی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ به سرعت روند جاری منطقه خاورمیانه را تغییر داده بود. خاورمیانه جدیدی در حال شکل‌گیری بود. حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان در سال ۱۳۵۷، انقلاب [اسلامی] ایران و برهم‌خوردن نظام شاهنشاهی و نظام دوستونی هنری کیسینجر در منطقه، شکست کوشش‌های کارتر برای حفظ محمدرضا پهلوی متحد کلیدی وی در خاورمیانه، کودتای نظامیان علیه اسلام‌گرایان در ترکیه؛ کشور عضو ناتو، رویایی دو ابرقدرت را در غرب آسیا تشدید کرده بود. با اشغال افغانستان در دوره‌ای حساس از جنگ سرد، پیمان تاریخی «سالت دو» میان کارتر و برژنف، ۶ ماه بعد از امضا فرو پاشید.

در این میان دو رویداد مهم در ایران بر رویکرد نهادهای سیاست خارجی امریکا در سال پایانی ریاست جمهوری کارتر تاثیر شگرفی گذاشت. ماجرای گروگانگیری اعضای

است. این اقدام در صورت ضرورت، با مقابله نظامی روبه‌رو خواهد شد. محور اصلی دکترین کارتر تقویت و حمایت نظامی از کشورهای محافظه‌کار و وابسته به آمریکا در منطقه بود.

در پی این اقدام، کارتر نخستین بار نیروهای واکنش سریع را برای مداخله در خلیج فارس تشکیل داد و عملیات پنهانی اسامه بن لادن را در افغانستان علیه نیروهای شوروی سازماندهی کرد. به دستور او چند ناو آمریکایی نیز وارد خلیج فارس شدند.

در ژانویه ۱۹۸۰م، چند ماه پس از آغاز جنگ عراق علیه ایران، دولت جدیدی در آمریکا با ریاست جمهوری رونالد ریگان بر سر کار آمد. او وارث بحران‌های فزاینده و ناکامی‌های دولت جیمی کارتر در سال‌های پایانی در دو بُعد سیاست خارجی یعنی مقابله با ابر قدرت شرق و تحولات جدید در خاورمیانه بود. همزمان با روی کار آمدن ریگان گروگان‌ها در تهران آزاد شدند، اما با توجه به خطر شوروی، جناح تندرو در دستگاه جدید حاکمه، شورای امنیت ملی آمریکا را در دست گرفتند و به تدریج سیاست‌های رونالد ریگان را در قبال دو طرف جنگ ایران و عراق طراحی کردند. در ایران هم شرایط هیچ‌گونه تعامل سیاسی با آمریکا وجود نداشت. سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴م، یعنی ۴ سال نخست جنگ که همزمان با دوره اول ریاست جمهوری ریگان است، دوره طراحی برنامه‌های پی‌درپی برای حل مشکلات سیاسی آمریکا با ایران است.

طی این دوره، سیاست آمریکا در قبال جنگ، برقراری توازن میان هر دو طرف جنگ بوده است؛ به گونه‌ای که رژیم عراق سقوط نکند. برای این منظور رونالد ریگان در شورای امنیت ملی آمریکا طی دوره اول ریاست جمهوری خود سه دستورالعمل مهم در قبال جنگ را اعلام کرد. دستور نخست در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳م با عنوان «سیاست آمریکا در قبال جنگ» موسوم به NSDD114

سردر گم کرده بود. نگرانی آمریکایی‌ها در شرایطی بود که در وقایع اشغال افغانستان کاملاً زمین‌گیر شده بودند و رویارویی تمام‌عیار در این کشور میان دو ابر قدرت رقم خورده بود. اوضاع منطقه به شدت به سوی رویارویی دو قطب جدید یعنی اسلام‌گرایان و امپریالیست‌ها پیش می‌رفت. نخستین کشمکش‌های نیروهای اسلام‌گرا با امپریالیست‌های آمریکایی و مرتجعان منطقه در حال بروز بود.

سه کشور همسایه مسلمان جنوبی اتحاد جماهیر شوروی، یعنی افغانستان، ایران و ترکیه در شرایط بی‌ثباتی سیاسی- نظامی قرار داشتند. کارتر آمادگی مقابله با رویدادهای پرشتاب منطقه و ساماندهی مجدد آن را در ارتباط با توسعه‌طلبی کمونیست‌ها به سوی آب‌های گرم خلیج فارس نداشت. وی در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰م دکترین جدید سیاست خارجی آمریکا در پاسخ به رویدادهای نگران‌کننده در خاورمیانه را اعلام کرد که به دکترین کارتر شهرت یافت. بر این اساس، از آن پس، اگر منافع ایالات متحده در خلیج فارس تهدید می‌شد، آن کشور در صورت ضرورت می‌توانست از نیروی نظامی استفاده کند.

در پی اعلام دکترین کارتر، مشاور امنیت ملی وی زیگنیو برژینسکی گفت که بگذارید صریح موضع‌مان را روشن کنیم؛ هرگونه تلاش نیروهای خارجی برای کنترل خلیج فارس به منزله حمله به منافع ایالات متحده آمریکا



دیدار رامسفلد و هیات آمریکایی با صدام

و شوروی سیاست نسبتاً یکسانی در قبال جنگ ایران و عراق داشتند.

اما در این جنگ، متجاوز و آغازگر آن یعنی عراق به نتیجه‌ای که می‌خواست نرسید. عراق را در دامی انداختند که بتوانند تا پایان جنگ یعنی سال ۱۳۶۷ با آن بازی کنند. به تدریج که از جنگ گذشت روشن گردید که منافع دو ابرقدرت به‌طور بی‌سابقه‌ای به این جنگ گره خورده است. اگر چه دکترین ریگان‌سم مبتنی بر ادامه جنگ بدون طرف پیروز بود، اما در دو سال آخر جنگ به‌طور مشخص به این نتیجه رسیدند که باید با مداخله مستقیم در جنگ، ایران را وادار به توقف عملیات گسترده زمینی کرد. از سویی آنچنان که در این مجموعه اسناد آمده است حامیان رژیم صدام نیز قصد آن را نداشتند که شرایط ایران را بپذیرند. جنگ در حال فرسایشی‌شدن بود و ایران هم می‌دید که به مرور فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی افزایش می‌یافت و صدام نیز مسلح‌تر می‌شد. چنان‌چه مقایسه‌ای از توان نظامی عراق در آغاز جنگ تا پایان آن داشته باشیم در می‌یابیم که عراق به همت کمک‌های همه‌جانبه و نامحدود مالی و نظامی توان نظامی خود را افزایش داده بود. نیروی زمینی در حال خدمت عراق حدود سه برابر ایران در سال ۱۹۸۵م شد و نیروی ذخیره عراق نیز دو برابر ایران در همین سال بود. عراق در زمان آغاز تجاوز با استعداد ۱۲ لشکر به ایران حمله کرد، اما در پایان جنگ ۵۹ لشکر آماده عملیات داشت. ارتش عراق را به‌طور کامل بازسازی و تجهیز کرده بودند و ایران را به دلیل این‌که آتش‌بس را نمی‌پذیرد، جنگ‌طلب و ناقض قطعنامه‌ها معرفی می‌کردند. بنابراین همان‌گونه که از متن اسناد این مجموعه می‌توان دریافت، شرایط سختی بر ایران تحمیل شده بود. عملاً همه تحرکات ایران به‌ویژه در مناطق جنوبی به وسیله آواکس‌ها و ماهواره‌های آمریکایی به بغداد ارسال و از آنجا به ارتش عراق داده می‌شد. تقریباً از سال ۱۹۸۲م این اطلاعات بر اساس اسناد آرشیو ملی آمریکا در هفته چند بار به عراق

و دستور دوم در ۵ آوریل ۱۹۸۴م با عنوان «اقداماتی برای تقویت موضع آمریکا و آمادگی برای واکنش به تحولات جنگ ایران-عراق» موسوم به NSDD139 و دستور سوم در ۲۵ مه ۱۹۸۴ با عنوان «پاسخی به تشدید مناقشه در جنگ ایران-عراق» موسوم به NSDD141 صادر شد. این سه دستور به‌طور مستقیم درباره جنگ ایران-عراق تصمیم‌گیری شده است. هر سه تصمیم زمانی گرفته شده است که ایران در جبهه‌های نبرد در عملیات‌های بزرگ به پیروزی‌هایی دست پیدا کرده بود و جنگ تشدید شده بود. بر پایه این سه تصمیم، نگاه کلی دولت ریگان به چهار سال نخست جنگ رویکردی شتابزده، جانب‌دارانه، فرصت‌طلبانه، دوگانه و منفعت‌جویانه است.

جنگی که به ایران تحمیل شد، یکی از جنگ‌های مهم تاریخ معاصر ایران و از جمله تاریخ قرن بیستم جهان و همچنین خاورمیانه است. این جنگ طولانی‌ترین جنگ تمام‌عیار قرن بیستم بود. در تاریخ بشری بیشترین میزان و انواع بمب‌های شیمیایی در این جنگ به کار رفته است. شگفت‌آور آن‌که برخلاف روند جنگ‌های دوران جنگ سرد، این جنگ به هیچ یک از دو قدرت شرق و غرب وابستگی نداشت. ایران در اردوگاه این دو قدرت نبود. افزون بر آن دو ابرقدرت وقت جهان به تدریج پشت سر عراق قرار گرفتند و بر خلاف جنگ دو کره، ویتنام و افغانستان که دو ابر قدرت در برابر هم صف‌آرایی کردند، در این جنگ هر دو در جبهه عراق ایستادند. از معدود مواردی بود که در پایان دوره جنگ سرد، آمریکا



دیدار ریگان و طارق عزیز

داده می‌شد.

■ روش ترجمه و نگارش کتاب

اسناد گردآمده در این کتاب، مجموعه‌ای از ۶۱ سند دست‌چین شده از آرشیو ملی امریکا است که بر اساس قانون آزادی اطلاعات این کشور در ۲۵ فوریه سال ۲۰۰۳ م منتشر شده است. این اسناد شامل نامه‌های شخصی، تلگراف‌های وزارت امور خارجه، گزارش کمیته‌های تخصصی و دفاتر گوناگون اداره وزارت خارجه، وزارت دفاع، پنتاگون و سازمان سیا، وزارت بازرگانی است. دوره زمانی این اسناد ۴ ساله است و از تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۸۰ م تا ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴ م را در بر می‌گیرد. یعنی نخستین سند حدوداً دو ماه پس از تهاجم عراق به ایران، متعلق به ۳۰ آبان ۱۳۵۹ است و آخرین آن نیز ۵ آذرماه ۱۳۶۳ است.

به عبارت درست‌تر، بازه زمانی اسناد گزیده‌شده از آرشیو ملی امریکا دقیقاً از زمان روی کار آمدن رونالد ریگان در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ م تا سند ماقبل آخر به‌شماره ۶۰، در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴ م است. یعنی زمانی که رونالد ریگان دوباره به ریاست جمهوری انتخاب شد و در این روز، همزمان با دیدار طارق عزیز از واشنگتن، روابط رسمی دیپلماتیک قطع‌شده دو کشور پس از ۱۷ سال از سر گرفته شد. تنها یک سند خارج از این دوره تاریخی اما مرتبط به آن است که متعلق به ۳۱ ژانویه ۱۹۹۵ م میلادی است. سند شماره ۶۱ به‌گونه‌ای که در کتاب بررسی خواهد شد، مهم‌ترین سند این مجموعه و حاوی نکات بسیار مهمی از جنگ ایران و عراق است.

اسناد این مجموعه به ترتیب تاریخی گزیده شده‌اند ولی پشت سر هم نیامده‌اند. میان بیشتر اسناد فاصله زمانی چند ماهه نیز دیده می‌شود و نشان می‌دهد اطلاعاتی که امریکا در این دوره داشته، قطعاً ده‌ها و صدها برابر آن بوده است. برخی از نامه‌ها و تلگراف‌ها از بخش حافظ منافع امریکا در بغداد به وزارت امور خارجه و یا برعکس است.

خانم جویس بتل به‌خوبی بخشی را، در حاشیه اسناد و برای توضیح بیشتر به خود اختصاص داده است. او گاه اطلاعات خوبی را افزون بر متن سند آورده است و یا موضوع اصلی سند را به‌طور مختصر در یک یا دو پارگراف شرح داده است. نگارنده این بخش را پس از ترجمه متن اصلی با عنوان «توضیح خانم جویس بتل درباره سند» آورده است. متأسفانه برخی کپی‌های اسناد ناخوانا است که در متن به همان صورت آمده است. در متن اسناد برخی پاراگراف‌ها و نام اشخاص نیز برداشته شده است.

در بخش برگردان متن اصلی، کوشش بر آن بوده تا به همان سبک و شکل کلی متن، ترجمه‌ها ارائه شود. در متن اصلی، گاه مشکلات ناخوانا بودن و یا حتی اشتباهات تایپی و مواردی جاافتادگی و همچنین در مواردی سانسور عبارات و یا بندهایی از سند وجود دارد. عنوان‌های اسناد کتاب پیش رو، بر اساس متن آورده شده و به‌جز مواردی چند، همه موارد مطابق با متن در عنوان سند به عنوان شناسه سند آورده شده است.

در این مجموعه اسناد، کوشش نگارنده بر آن بود که هر سند را در سه دسته‌بندی موضوعی جای دهد. در دسته‌بندی نخست ترجمه اصل متن و در دسته‌بندی دوم توضیح خانم جویس بتل و در دسته‌بندی سوم توضیح نگارنده کتاب آمده است. ویژگی کتاب حاضر، علاوه بر اهمیت فوق‌العاده اسناد، آن بوده است که نگارنده بخش توضیحی را بر اصل سند در کنار ترجمه اصلی آورده است و این توضیحات مبتنی بر مدارک و اسناد مکمل و برای روشن‌تر کردن اهمیت سند اضافه گردیده است. این ویژگی موجب شده است که درک سند با تحلیل و تفسیر سند و نظر نگارنده همراه باشد و زوایای پنهان و ابعاد گوناگون سند و موضوع آن برای خواننده قابل درک‌تر شود و سند با اطلاعات اضافی و تحلیلی، کامل‌تر شود. این امر، موجب شده است که در بخش توضیح نگارنده، در کنار سند، پژوهشی مستقل انجام



گورستان قربانیان حملات شیمیایی صدام در حلبچه

گیرد.

آزادسازی گرفته‌اند هدفمند منتشر شده‌اند. بنابراین نیاز بود تا نگارنده علاوه بر برگردان سند، به تفسیر سند نیز دست بزند و اطلاعاتی را نیز در توضیح سند بیافزاید. در بخش توضیح نگارنده، کوشش بر آن بوده است تا اطلاعات تکمیلی از جدیدترین منابع خارجی اقتباس شود و اطلاعات به‌روزتر و یا احیاناً دست‌اول‌تر باشد. بیشتر پژوهش در بخش توضیح نگارنده از منابع انگلیسی، شامل مقاله، کتاب، گزارش خبری، مصاحبه و درگاه‌های اینترنتی معتبر جهانی استفاده شده است. سرانجام آن‌که در پایان کتاب، تصاویر برخی از شخصیت‌ها به این مجموعه اضافه شده است. این بخش تصاویر آنهایی است که در این اسناد از آنها نام برده شده است.

■ چه نتیجه‌ای می‌توان از بررسی اسناد گرفت؟

مجموعه اسناد، این اهمیت را دارد که از جمله می‌توان آنها را اسناد دست اول امریکایی از دیپلماسی پنهان جنگ

در متن اسناد برخی پاراگراف‌ها و نام اشخاص برداشته شده است. نگارنده سربرگ سند را خلاصه کرده و برای طولانی‌نشدن، اصل انگلیسی سند را در پایان کتاب به ترتیب شماره‌ای که دارد به پیوست آورده است. شک نباید داشت که در انتخاب اسناد البته خانم جوینس بتل و گروه علمی و سیاسی همراه وی در آرشیو ملی هدف‌های خاصی را دنبال کرده‌اند و در گزینش این اسناد معیارهایی داشته‌اند.

سرانجام باید توجه داشت که بی‌گمان اسناد منتشرشده در این مجموعه به وسیله آرشیو ملی امریکا انجام گرفته است و خانم جوینس بتل و همکارانش در گروهی که باید برای گزینش اسناد اقدام می‌کردند، این اسناد را از میان هزاران سند دیگر جدا کرده‌اند و بخش مهمی از اسناد که ابعاد جزئی‌تر و پیچیده‌تر جنگ را نشان می‌دهد، به دست ما نرسیده است. شکی نیست این اسناد که اجازه

استفاده و یا آموزنده است.

در شرایطی که عراق در حال به زانو در آمدن بود، بهترین تیم دیپلماسی خود را راهی واشنگتن و نیویورک کرد تا در جهت منافع جنگی عراق، قدرت‌ها را با خود همراه کند. با وجودی که جهان می‌دانست عراق جنگ را آغاز کرده و ناقض معاهده الجزایر بوده است و دائم در حال کاربرد جنگ افزار شیمیایی است، به تدریج پشت سر صدام ایستاد و ایران را تنها گذاشت و به طوری که در این اسناد می‌خوانیم، امریکا با کمک‌های سرنوشت‌ساز به عراق جریان جنگ را تغییر داد. در نگاه کلی، اسناد این مجموعه نشان می‌دهد که جنگ‌ها در میدان نبرد رقم می‌خورند و این سیاسیون هستند که باید با استفاده از امتیازات نظامی در پشت پرده میز سیاست، چانه‌زنی کنند و آرایش سیاسی دشمن را بر هم زنند.

سند شماره ۶۱ کتاب حاضر، به درستی همه آنچه را که باید درباره جنگ ایران و عراق، در بعد سیاست خارجی امریکا و عراق دانست، آورده است. نگاهی کلی به این مجموعه از اسناد آرشیو ملی امریکا، نشان می‌دهد که رویکرد اصلی اسناد، نمایانگر همکاری امریکا با عراق در جنگ ۸ ساله با ایران است. به عبارت بهتر می‌توان گفت که این مجموعه «اسناد نجات رژیم صدام حسین» است. اسناد گزیده آرشیو ملی امریکا نشان می‌دهد که چرا و چگونه امریکا و عراق به یکدیگر نزدیک‌تر شدند و ایران و امریکا نیز همزمان از هم دورتر گردیدند. به عبارتی دشمن‌ها دشمن‌تر و دوستان دوست‌تر شدند.

اسناد آرشیو ملی امریکا به‌ویژه برای بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق می‌تواند منبع خوب و تازه‌تری باشد. در بخش توضیح نگارنده بر سند کوشش بر آن بوده است تا از منابع جدیدتر و به‌روزتر و یا ناگفته‌های بسیاری استفاده شود. بخش مهمی از ارزیابی اسناد به رویدادهای شیمیایی و دیپلماتیک مرتبط است. از ۶۱ سند این مجموعه حدود ۲۰ سند



نشان آژانس امنیت ملی



ستاد آژانس امنیت ملی در فورت جورج جی. مید، مریلند

ایران و عراق برشمرد. این اسناد در نوع خود گوشه‌های پنهان جنگ را آشکار می‌کند و زوایای تاریک‌تر جنگ را برای پژوهشگران این حوزه روشن‌تر می‌سازد. برخی از این اسناد آنچنان تکان‌دهنده و صریح است که ذهن خواننده را بارها و بارها میخ‌کوب می‌کند و تاسف‌آور است. از سوی دیگر باید اعتراف کرد که هنوز بسیاری از مطالب خارجی جنگ ایران و عراق افشا نشده است، ولی بررسی این اسناد خود یک گام به جلوست. اسناد این مجموعه اگر چه گزینشی و در بخشی هم سانسور شده است، صحنه‌های سیاه دیپلماسی امریکا و عراق را به نمایش می‌گذارد. از بُعد دیپلماسی و جریان‌های پشت پرده دیدارها و قول و قرارها و بندوبست‌های سیاسی، این اسناد برای دیپلمات‌های جوان ایران فوق‌العاده قابل

از عوامل موثر سرنوشت‌ساز بود که نتیجه جنگ را به نفع عراق تغییر داد. مذاکرات پشت پرده عراقی‌ها و امریکایی‌ها در دست‌کم ۲۰ سند این مجموعه نشان می‌دهد که به عراق اجازه داده شده بود که این مواد را وارد کند، بسازد و تشویق شده بود تا آن را در رویارویی با عملیات‌های بزرگ ایران به کار ببرد.

نکته مهمی که از روح کلی این اسناد می‌توان دریافت آن است که امریکا هرگز - چه در اوایل جنگ و چه در میانه و سرانجام پایان جنگ - بی‌طرف نبود و برخلاف ادعاهای خود، بر پایه این اسناد در مواجهه با رویدادهای جنگ ایران و عراق ریاکارانه و جانبدارانه عمل کرد و ناقض صریح بی‌طرفی بود.

فرانسیس بویل استاد حقوق بین الملل در کالج حقوق دانشگاه ایلینویز و دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد و منتقد سیاست خارجی امریکا، پژوهشی را با نام «بی‌طرفی امریکا در جنگ ایران و عراق» در یکم فوریه ۱۹۸۶م، به سفارش سازمان‌دهندگان سمپوزیومی در دانشگاه نیواورلئان بر سر موضوع «بی‌طرفی» انجام داد که دو هفته بعد به این کنفرانس تحویل داده شد. این پژوهش دو سال و اندی پیش از پایان جنگ ایران و عراق انجام شده است و در آن زمان هرگز رسانه‌ای نشد. فرانسیس بویل در این پژوهش آکادمیک، به جنبه حقوقی بی‌طرفی امریکا در جنگ و سیاست چرخش امریکا به سوی عراق اشارات صریحی داشت. او در این مقاله می‌نویسد که منشور سازمان ملل در جهان مدرن، سازوکار مشروعیت خشونت را در روابط بین‌الملل توضیح داده است. این منشور محدود، به قوانینی در دفاع مشروع فردی و جمعی از خود را در برابر حمله نظامی اشاره می‌کند. ماده ۵۱ از فصل هفتم منشور سازمان ملل این امر را تعریف کرده است. ماده ۵۳ از فصل هشتم، اقدام نظامی را در این وضعیت پیش‌بینی کرده است. فصل ششم از وظایف صلح‌بانی سخن گفته است.^۱



فرانسیس بویل استاد حقوق بین الملل در کالج حقوق دانشگاه ایلینویز و دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد و منتقد سیاست خارجی امریکا.

به‌طور مستقیم به کاربرد سلاح‌های شیمیایی به وسیله عراق و ۱۰ سند هم غیرمستقیم با موضوع جنگ‌افزار شیمیایی مرتبط است. در بخش توضیح نگارنده، کوشش بر آن بوده است که اطلاعات تازه‌تر و بیشتر و دست‌اولی در خصوص کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ ارائه شود.

بنابراین این مجموعه برای آن دسته از پژوهشگرانی که در پی مطالعات بخش شیمیایی جنگ هستند، با توجه به ضعف اطلاعات در این حوزه، قابل استفاده خواهد بود. در یک نگاه کلی به موضوع شیمیایی در این اسناد، می‌توان دریافت که کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ یکی



روابط صمیمی کارتر و شاه



الکساندر هیگ [Alexander Meigs Haig] وزیر امور خارجه آمریکا در دوران زمامداری ریگان. او در دوران ریاست جمهوری نیکسون، فرمانده ناتو بود.

آغاز حکومت ریگان، الکساندر هیگ وزیر امور خارجه وی به همراه آموزگار سیاسی اش هنری کیسینجر رویکرد ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی آمریکا را با نام «نظریه بزرگ» و یا «طرح استراتژیک» ترسیم کردند. آنها سیاست قدرت ماکیاولیستی را با ظاهر منطقی، در چارچوب مفهومی روابط بین‌الملل به اجرا درآوردند. هیگ در نتیجه به گونه‌ای وحشیانه بسیاری از مشکلات در خلیج فارس، خاورمیانه و جنوب غرب آسیا را به یک مبارزه برای کنترل جهان در برابر اتحاد جماهیر شوروی تبدیل کرد. هیگ نتیجه گرفت که در این مبارزه، ایالات متحده باید با اسرائیل، مصر، اردن، عربستان، شیخ‌های خلیج فارس، و پاکستان «توافق استراتژیک» برقرار کند و مانع تجاوز پیش‌بینی‌شده شوروی در منطقه شود. «توافق استراتژیک» در جنوب غرب آسیا همان نسخه تازه «دکترین نیکسون» و کیسینجر، مبتنی بر کمک نظامی آمریکا بود. شاه ایران محور این دکترین بود. آمریکا باید از پلیس منطقه حمایت می‌کرد. حمله اسرائیل به لبنان در پی طرح هیگ در منطقه بود. توصیف مداوم دولت ریگان از ماجرای گروگانگیری به عنوان «عمل تروریسم

فرانسیس بویل اعلام سیاست بی‌طرفانه دولت کارتر در جنگ و در آغاز حمله عراق به ایران را نیز نمونه روشن نقض حقوق بین‌الملل دانسته است؛ زیرا که تخلف از منشور سازمان ملل صورت گرفته بود و این که قرارداد الجزایر سازوکار رفع اختلافات از راه صلح‌آمیز را نیز پیش بینی کرده بود: «با این مقررات باید دید که آیا آمریکا در جنگ ایران-عراق بی طرف بوده است. اشارات متعددی از گزارش‌های همگانی در این باره که دستگاه حاکمه کارتر، اگر نگوییم که فعالانه تشویق کرد، به‌طور ضمنی از حمله عراق در سپتامبر ۱۹۸۰م به ایران چشم‌پوشی کرد؛ زیرا با کوتاه‌بینی فکر می‌کرد که فشارهای جنگی موجب آزادی دیپلمات‌های آمریکایی در تهران می‌شود که از ۲۸ نوامبر ۱۹۷۹م گروگان گرفته شده بودند.... کوشش‌های آمریکا برای تنبیه، انزوای ایران، و تضعیف رژیم [امام] خمینی به دلیل بحران گروگان‌ها به سادگی راه را برای حمله عراق به ایران هموار کرد. عقیده عمومی دیپلماتیک آن است که دولت آمریکا در طول جنگ پیوسته به سود عراق چرخیده است.»^۲

بویل سپس به مستندات نقض بی‌طرفی در جنگ پرداخته است و می‌نویسد: «برای نمونه از همان روزهای اول جنگ، هواپیماهای هشداردهنده آواکس (AWACS) ایالات متحده که در عربستان برای دفاع از خود مستقر بودند به عراق تحرکات نظامی ایران را انتقال می‌دادند. به‌وضوح این عمل بر اساس منشور سازمان ملل، اقدامی برخلاف سیاست بی‌طرفی و اقدامی دشمنانه در برابر ایران به‌شمار می‌رود. این اقدام تحت منشور، اقدامی معادل عمل جنگی (Act of War) به‌شمار می‌آید. این یک اصطلاح رسمی و عرفی منشور است. برنامه کمک نظامی آمریکا به عراق؛ همدستی با تجاوز غیرقانونی عراق بود. این سیاست خارجی آمریکا [منظور در نقض بی‌طرفی] پس از آزادی گروگان‌های آمریکایی، با روی کار آمدن ریگان در ژانویه ۱۹۸۱م، شدت بیشتری گرفت.»^۳

از نگاه حقوق بین‌الملل، فرانسیس بویل معتقد است در

عراق را گرفت. در آوریل ۱۹۸۴م، فاش شد که رئیس جمهور ریگان، دو دستورالعمل در شورای امنیت ملی آمریکا را صادر کرده است تا با اقدامات جنگی ایران مقابله کند. یکی از این گزینه‌ها صادرات اقلام با کاربرد دوگانه نظامی از جمله بالگرد نظامی به عراق بود. فراتر از آن، آمریکا به کشورهای دوست خود اجازه داد که جنگ‌افزارهای آمریکایی را به عراق بفروشند. چند ماه بعد، دولت آمریکا آشکارا اعلام کرد که آماده است تا در جنگ ایران و عراق برای جلوگیری از پیروزی ایران مداخله نظامی کند تا مانع تاسیس به اصطلاح «دولت شیعه تندرو» در بغداد شود. در فوریه ۱۹۸۵م، شرکت بالگردسازی بل تکسترون (Textron) ۴۵ بالگرد بزرگ آمریکایی را به عراق فروخت. مقامات ارتش عراق در این معامله نظامی شرکت داشتند. شش ماه بعد گزارش شد که ۴۵ بالگرد ساخت آمریکا که به عراق فروخته شده بود، مدل توسعه‌یافته بالگردهایی بود که قرار بود حامل نیروهای ایران شود. یک مقام دولتی ایالات متحده که این معامله را زیر نظر داشت گفته است که این بالگردها کاربرد دوگانه با توانایی نظامی داشت.^۵

بویل در این زمینه جمع‌بندی خود را بدین شرح توضیح می‌دهد: «با همه این مدارک که تاکنون در رسانه‌ها فاش شده است، می‌توان این نتیجه کاملاً منصفانه را گرفت که از هنگام روی کار آمدن ریگان در اوایل سال ۱۹۸۱م، آمریکا همه موارد بی‌طرفی ادعایی خود را در قبال جنگ به کناری گذارد و تصمیم گرفت کنار عراق در تجاوز به ایران باشد. بر اساس نص قوانین بین‌المللی حقوق بی‌طرفی، چنین اقداماتی، صریحاً «اقدام خصمانه» به‌شمار می‌آید و ایران این حق را دارد که با یک بیانیه رسمی، جنگ علیه ایالات متحده را اعلام کند. اگر چه ایران احتیاط کرد و از درگیر شدن با آمریکا پرهیز نموده است. خطر کاملاً از ناحیه عراق بود که با حملات به هدف‌های نفتی ایران و تاسیسات آن در خلیج فارس، دست به تشدید جنگ زد. عراق پیش‌بینی کرد که با این کار موجب مداخله مستقیم آمریکا در جنگ برای حفظ

بین‌المللی» مانع شکل‌گیری یک سیاست خارجی منطقی در برابر ایران شد. با ایجاد ترس پارانوئیدی مردم آمریکا در مورد گسترش «بنیادگرایی اسلامی» به وسیله [امام] خمینی، دولت ریگان کمک‌های پنهانی و هماهنگی آشکار آمریکا و متحدان اروپایی‌اش و دوستان خاورمیانه با تجاوز عراق به ایران را توجیه کرد. ظاهراً این درک، منجر به تهیه برنامه بی‌ثبات کردن دولت [امام] خمینی (جمهوری اسلامی) با استفاده از سازمان CIA و حمایت از حملات شبه‌نظامیان مخالف ایران گردید که در مصر و ترکیه و عراق جمع شده بودند. ریگان به «توافق استراتژیک» رسیده بود تا با دادن نقش کلیدی به عراق، جلوی ایران انقلابی را از اجرای نقش خرابکارانه در میان کشورهای ثروتمند همسایه هوادار غرب بگیرد.^۶

بویل در ادامه پژوهش آکادمیک خود، موارد کمک‌های آمریکا و نقض صریح بی‌طرفی در جنگ را یک‌به‌یک بر می‌شمارد: در سال ۱۹۸۴م این امر منجر به برقراری روابط دیپلماتیک آمریکا با عراق شد که ۱۷ سال قطع بود. پیش‌تر در ماه مارس ۱۹۸۲م، آمریکا نام عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم برداشته بود. با وجود این‌که شواهد کمی دیده شد که عراق دست از حمایت گروه‌های تروریستی برداشته باشد، عراق را واجد شرایط برای خرید اقلام با کاربرد دوگانه نظامی کرد. اقلامی که به‌راحتی می‌توانست کاربرد نظامی داشته باشد. این اقدام، راه را برای صدور مجوز صادرات ۶ هواپیمای لاکهید ال ۱۰۰ باز کرد. این هواپیمای غیرنظامی نسخه لاکهید سی ۱۳۰ هرکولس حمل و نقل نظامی و نیروهای نظامی بود. چهار ماه بعد وزارت بازرگانی آمریکا ۶ جت کوچک را به عراق فروخت. ۴ فروند از آنها کاملاً قابلیت نظامی داشت. افزون بر آن، دولت ریگان از دوستانش در ناتو و خاورمیانه خواست تا در زمینه نظامی، سیاسی و اقتصادی به عراق کمک کنند. در آغاز سال ۱۹۸۴م، دولت ایالات متحده به کشورهای دوست خود در خلیج فارس اطلاع داد که شکست عراق در جنگ با ایران، برخلاف منافع آمریکا است و باید جلوی شکست

جریان نفت از تنگه هرمز می‌شود. بغداد امیدوار بود که امریکا را درگیر جنگ با ایران کند و سرانجام عراق را از تسلیم‌شدن و یا شکست و افتادن در دست ایران نجات دهد.^۶

فرانسیس بویل معتقد است که حتی اگر فرض کنیم امریکا در جنگ ایران-عراق بی‌طرف بود این موضع نیز بر پایه اصول ابتدایی حقوق بین‌الملل تکان‌دهنده و دفاع‌ناپذیر است. پس از تصویب منشور سازمان ملل، ایالات متحده، در چه جنگی کاملاً بی‌طرف بوده است؟ امریکا باید در تاریخ غم‌انگیز خود درباره بی‌طرفی در برابر اقدامات گسترده فاشیست‌ها در دهه ۱۹۳۰ درس بگیرد. در دوران نسل جدید بمب‌های هسته‌ای، تجاوز خطرناک‌ترین عامل برهم‌زننده صلح است. ایالات متحده نمی‌توانست تجاوز شوروی به افغانستان را محکوم کند، در حالی که تجاوز عراق به ایران را محکوم نکند. امریکا در این موضوع ریاکارانه، خودش را احمق فرض می‌کند. ... برای جلوگیری از هرگونه حمله بالقوه شوروی به ایران به بهانه پیمان ایران و روسیه در سال ۱۹۲۱م، محتاطانه‌ترین راه برای دولت ریگان آن بود تا برای ایجاد یک دولت قوی، پایدار و مطمئن در تهران اقدام کند که بتواند جلوی تجزیه ایران و اتحاد با جماهیر شوروی و افغانستان را بگیرد. دولت ریگان باید پس از حل ماجرای گروگان‌ها بدون پیش‌شرط و اتلاف وقت، روابط دیپلماتیک طبیعی را با ایران برقرار می‌کرد. دولت ریگان می‌بایست برعکس دولت کارتر، به‌طور کامل ادعای بی‌طرفی را کنار می‌گذاشت. امریکا باید عراق را آشکارا به عنوان متجاوز در جنگ خلیج [فارس] اعلام می‌کرد و آشکارا از دو طرف می‌خواست تا آتش‌بس را بپذیرند. ریگان باید از اعضای ناتو و مصر، اردن و سودان می‌خواست تا برنامه کمک نظامی، ارسال سلاح و تجهیزات و قطعات و سرباز را به عراق متوقف کنند و میان متحدان خود با ایران ارتباط برقرار می‌کرد. ایالات متحده باید در شورای امنیت برای تصویب و پذیرش رسمی یک برنامه و اجرای آن برای اعزام پاسداران

صلح اقدام می‌کرد تا در مرز ایران-عراق مستقر شوند و نیروهای عراق را به مرزهای بین‌المللی برگردانند. این درست نیست که حمله عراق را یک حمله در پاسخ به حملات ایران بدانیم.^۷

بویل تاکید دارد که در عین حال ادعای ایران برای دریافت غرامت و برکناری رئیس‌جمهور صدام حسین درست و کاملاً منطقی است؛ زیرا جنگ عراق تجاوزکارانه است. ایالات متحده باید این نگرانی‌های ایران را به رسمیت می‌شناخت و در سازمان ملل و شورای امنیت به تصویب می‌رساند. اگر چه امریکا می‌تواند روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سر گیرد، اما این نباید به قیمت از بین بردن همه اصول حقوق بین‌الملل در محکوم کردن متجاوز و محروم کردن ایران از تعیین سرنوشت و حق قانونی‌اش تمام شود. اگر دولت ریگان واقعاً معتقد است که هدف عمده ایالات متحده در خلیج فارس، رویارویی با تهدید اتحاد جماهیر شوروی از راه ایران به سوی عربستان سعودی است، بهترین راه دفاع امریکا، نه از راه و مرزهای عراق که از مرزهای شرقی و شمالی ایران است که با درخواست دولت ایران و در چارچوب کمک به ارتش ایران انجام‌شدنی است.^۸

استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه هاروارد تاکید دارد که کمک‌های نظامی امریکا و کشورهای عربی خلیج فارس به عراق از نگاه حقوق بین‌الملل، «عمل دشمنانه» به‌شمار می‌آید. وی در ادامه می‌نویسد که درباره تهدید ایران به بستن تنگه هرمز در صورت حمله عراق به تاسیسات نفتی ایران، افکار همگانی جهان باید سیاست‌های غیر قانونی هواداران دولت ایالات متحده را در حمایت نظامی، سیاسی، اقتصادی به عراق مسئول بدانند که به این فاجعه منجر شده است. مادام که این مناقشه ادامه دارد، دولت ایران حق کامل دارد که بر اساس حقوق بین‌الملل کشتی‌های تجاری را در تنگه هرمز برای جلوگیری از احتمال حمل قاچاق سلاح به عراق بازرسی کند. ضمناً، با انتقال نفت از خط لوله به دریای

سند تلقی خود را از متن داشته باشد.

هدف نگارنده، حرکت و بازآفرینی سند در امتداد خود اسناد بوده است. این که جنگ چه مسیری را طی کرد و چرا بدان جا رسید و چرا امریکا به سمت عراق چرخید، بحث کارشناسی دیگری است که در جای خود نیز قابل بررسی است. اما نگارنده تا حدی که مربوط به سند بوده به روشنگری و تبیین دست زده است. بنابراین قصد نویسنده در بخش «توضیح نگارنده درباره سند» آن نیست که به همه ابعاد خارجی جنگ پرداخته شود، بلکه در چارچوب موضوعی سند به بررسی و ارزیابی آن پرداخته است. برای درک بهتر سند به فراخور موضوع سند تحركات نظامی و عملیاتی مربوط به فضای زمانی سند می‌آید و قرینه‌های تاریخی عملیاتی ایران و عراق نیز مختصر توضیح داده می‌شود.

باید توجه داشت که امریکا در نجات رژیم صدام در جنگ تنها نبود. اتحاد جماهیر شوروی، انگلیس و آلمان و بیش از همه فرانسوی‌ها هم تمام‌عیار پشت سر عراق ایستادند. ولی شوروی و امریکا در اوایل جنگ بیشتر در مواضع خود در نوسان بودند و گاه به این سو و گاه به آن سو می‌رفتند. برای پژوهشگران آینده ایران این اسناد و اطلاعات، کامل‌کننده همه اطلاعاتی است که تاکنون داشته‌ایم و می‌تواند منبع خوبی برای بررسی سیر روند خارجی جنگ در ابعاد بین‌المللی‌تر آن نیز باشد.

چه کم و یا زیاد و چه دست‌چین شده و یا گزیده‌شده، این اسناد مرجع علمی بررسی سیاست خارجی پنهان امریکا در جنگ است. می‌توان از این اسناد بهره‌های فراوان برد و به دیپلمات‌ها نشان داد که چگونه قدرت‌ها و مخالفان منطقه‌ای ایران در مراحل گوناگون به هم نزدیک می‌شوند و منافع را برای خود تعریف می‌کنند. بازی‌های پشت پرده را خوب نمایان می‌کند و می‌توان در تحلیل وقایع به عمق رویدادها نگاه کرد و دانست که چگونه امریکا از بازیگران منطقه‌ای و اشتباهات و یا

سرخ اهمیت استراتژیک خلیج فارس کاسته خواهد شد. سیاست وارونه امریکا در خلیج فارس موجب شده است که رژیم‌های دوست امریکا در منطقه یعنی مصر، عربستان سعودی، اردن و کویت از بی‌طرفی امریکا در جنگ برداشت دیگری کنند و آنها را به‌طور موقت تشویق کند تا دشمنی با عراق را کنار بگذارند و آن کشور را در جنگ با ایران غیرعرب تشویق کنند. مهم‌تر از همه کمک‌های جنگی هنگفت عربستان، کویت و شیوخ منطقه به عراق موجب نقض بی‌طرفی آنها در جنگ شده است. تحت منشور سازمان ملل ایران حق دارد که کمک نظامی و اقتصادی این کشورها را به مثابه تهدید و یک «اقدام دشمنانه» مستقیماً علیه خود تلقی کند. ایران تاکنون عاقلانه از این کار پرهیز کرده است. از سوی دیگر امریکا کاری برای منصرف کردن این کشورها نکرده، بلکه آنها را تشویق هم کرده است.^۹

بویل سپس نتیجه می‌گیرد که اینها همه اقدامات غیر بی‌طرفانه کشورهای خاورمیانه است که علیه ایران انجام داده‌اند. این سیاست امریکا که علائم بدی دارد باید فوراً برعکس شود، پیش از آن که صلح و ثبات در خلیج فارس و امنیت منطقه بر هم خورد. با وجود ادعاهای بی‌طرفی در جنگ خلیج فارس، امریکا به شدت به نفع عراق چرخیده است. ادامه این سیاست در حمایت از عراق موجب شده است که ایران از کار با شورای امنیت ناامید شود و برای پایان دادن به جنگ همکاری نکند. به همین دلیل مهم، قطعنامه‌های شورای امنیت که تاکنون درباره جنگ خلیج فارس صادر شده است، همگی به روشنی و مسلم در حمایت از عراق بوده است. ریگان باید سیاست ماکیاولیستی هیگ را کنار بگذارد و در منطقه برای مقابله با شوروی سیاست دفاع جمعی را در پیش بگیرد.^{۱۰}

نویسنده در این مجموعه از اسناد، اگرچه داوری‌هایی داشته است، اما داوری نهایی را درباره جنگ ایران و عراق به خواننده سپرده است تا خود با مراجعه به متن

تاکتیک‌هایشان سود می‌برد و آنها را بازی می‌دهد.

■ اسناد از کجا به دست آمده است؟

مجموعه اسناد پیش روی خوانندگان را آرشیو ملی امریکا در ۲۵ فوریه سال ۲۰۰۳م منتشر کرده است. عنوانی که گردآورنده این مجموعه برای ۶۱ سند آزاد شده گذاشته، این است: «دست همکاری امریکا با صدام حسین: امریکا در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۴م به سوی عراق تغییر موضع می‌دهد». اسنادی که از رده‌بندی سری بیرون آمده است کد الکترونیکی خلاصه کتاب را به‌شماره ۸۲ دارد.

طبیعی است که این اسناد دربرگیرنده همه مدارک موجود درباره روابط پشت پرده دو کشور در جنگ ایران و عراق نیست. ضمن این‌که این اسناد گلچین شده تنها تا سال ۱۹۸۴م را در بر می‌گیرد و همان‌طور که می‌دانیم همکاری‌های صدام و امریکا در سال‌های بعد از این و از زمان برقراری رابطه رسمی و سیاسی اوج گرفت. شوربختانه تاکنون سری دوم این اسناد منتشر نشده است. باید توجه داشت که این اسناد از مجموعه گوناگون دفاتر سیاسی امریکا در منطقه خاورمیانه و برخی از کشورهای اروپایی بر پایه پایگاه‌های جاسوسی و یا دیپلماتیک گردآوری شده است.

بر پایه اطلاعات، حدود ۱۹۰۰ میکروفیش سند، شامل ۱۰۰۰ برگ سند از اسناد مربوط به سیاست خارجی امریکا و عراق در دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹۹۴م وجود دارد. گردآورنده و رئیس پروژه انتشار این اسناد خانم جویس بتل (Joyce Battle) است. این اسناد بخشی از صدها سندی است که ظاهراً در کمیته دیگری در کنگره امریکا چینش شده و در برخی از جاها هم نام رابطان به دلایل امنیتی و یا سری خط خورده است. این‌که خانم جویس بتل به انتخاب خود دست به گزینش آن زده باشد چندان قطعی نیست. ولی او ناشر و ویراستار این مجموعه بوده است.

او کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه هاروارد و سپس دانشگاه کلمبیا را دارد. نام این پروژه را هم عراق گیت گذاشته بودند. این اسناد مربوط به دوره ریگان و بوش پدر است. در مقدمه انتشار اسناد آمده است که این مجموعه از منابع گوناگون امریکایی و انگلیسی تهیه شده است که منبع مهمی برای پژوهشگران است که می‌خواهند درباره رویکرد سیاست خارجی امریکا در خلیج فارس، پویایی امور نظامی بین‌المللی و برنامه‌های کمک فناوری و اقتصادی به درک بهتری برسند.

باید توجه داشت که در پی حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م، همچنین ۴۸ هزار جعبه اسناد به علاوه نوارهای صوتی و ویدئویی به دست نیروهای امریکایی افتاد و آنها همه این اسناد را از عراق خارج کردند و آنها را در اداره مطالعات نظامی خارجی نگه داری می‌کنند. همه این اسناد نوشتاری، صوتی و ویدئویی مربوط به دهه ۱۹۸۰م عراق است. در مارس سال ۲۰۰۶م، دولت امریکا با پافشاری نمایندگان کنگره این اسناد را در درگاه اینترنتی اداره مطالعات نظامی خارجی گذارد تا با ترجمه آن در اختیار همگان قرار گیرد. اما چند ماه بعد در نوامبر همان سال همه این اسناد به دلایل امنیتی از درگاه اینترنتی برداشته شد.^{۱۱}

خانم جویس بتل در مقدمه خود بر انتشار دیجیتال این اسناد، ۲۳ سند از مجموع ۶۱ سند را مورد توجه و ارزیابی بیشتر قرار داده است و توضیحاتی نیز اضافه می‌کند. سپس او نتیجه‌گیری خود را نیز در پایان مقدمه، افزوده است. این مقدمه جدای از شرحی است که خانم بتل درباره یک به یک ۶۱ سند آورده است. او شرح مختصری از هر سند آورده است. نگارنده کتاب هم به ترتیب اصل سند و سپس توضیح خانم جویس بتل و آنگاه تفسیر اصل سند را آورده است. نویسنده در بخش توضیح نگارنده (تفسیر سند) کوشش کرده است که از اسناد تکمیلی و تازه‌ترین افشاگری‌ها و اطلاعات و

از آن جمله‌اند. جنگ در پی ماه‌ها افزایش تنش میان اسلام‌گرایان ایرانی با سکولارهای ملی‌گرا در عراق، آغاز شد. در اواسط سپتامبر ۱۹۸۰م، عراق به ایران حمله کرد. این حمله در نتیجه برداشت اشتباه صدام بود که تصور می‌کرد می‌توان با بهره‌برداری از آشفتگی سیاسی در ایران به پیروزی زود هنگام رسید. سازمان ملل از هر دو طرف خواست به آتش‌بس تن دهند. از کشورها خواست از هرگونه عملی که منجر به ادامه جنگ شود پرهیزند.

اتحاد جماهیر شوروی مخالف این جنگ بود و بلافاصله ارسال سلاح به ایران و عراق را متوقف کرد. شوروی در سال ۱۹۷۲م طی قراردادی با عراق توافق فروش سلاح داشت. بعداً از سال ۱۹۸۲م دوباره فروش سلاح به عراق را آغاز کرد. آمریکا هم با سرنگونی شاه که قبلاً سلاح‌های زیادی به ایران فروخته بود، کار را متوقف کرد و در سال ۱۹۸۰ روابط دیپلماتیک خود را با تهران بر سر بحران گروگانگیری در سفارتخانه‌اش قطع کرد. عراق رسماً روابط خود را با آمریکا در سال ۱۹۶۷م بر سر جنگ اعراب با اسرائیل قطع کرده بود. آمریکا هم رسماً ادعا کرد که به هیچ یک از طرفین در آغاز جنگ سلاح نمی‌فروشد.

ایران به سلاح‌های آمریکایی وابسته بود. در تلاش بود این سلاح‌ها را از اسرائیل، اروپا، آسیا و آمریکای جنوبی تهیه کند. این نیازها همچنان که جنگ پیش رفت بیشتر نیز شد. در ابتدا عراق در خاک ایران پیشروی‌هایی داشت. اما در مدت چند ماه به عقب رانده شد. تا نیمه سال ۱۹۸۲م، عراق در برابر موج انسانی حملات گسترده ایران در موضع دفاعی قرار داشت.

امریکا به این نتیجه رسید که پیروزی ایران، بر خلاف منافع آن است. آمریکا حمایت از عراق را آغاز کرد. اقداماتی که در حال اجرا بود تا روابط دو کشور برقرار شود شتاب بیشتری گرفت. در سطح مقامات بلندپایه

مقالات روز جهان، برای تبیین ابعاد گوناگون اسناد یاری بگیرد و به خواننده کمک کند تا در فضای لازم ارزشیابی سند قرار گیرد.

جویس بتل گردآورنده این اسناد کیست؟

جویس بتل (Joyce Battle) مسئول پروژه اسناد عراق در آرشیو امنیت ملی آمریکا است. آرشیو امنیت ملی آمریکا، موسسه‌ای پژوهشی- غیرانتفاعی و غیردولتی در دانشگاه جورج واشنگتن در واشنگتن دی سی است. خانم جویس همچنین مدیر انتشارات و تحلیلگر ارشد پروژه‌های آرشیو امنیت ملی آمریکا برای جنوب آسیا و خاورمیانه است. کارشناسی خود را از دانشگاه میشیگان گرفت و زبان‌های شرق نزدیک را نیز از دانشگاه کلمبیا اخذ کرد. آنگاه کارشناسی ارشد را در هاروارد گرفت.

او روی مطالعات منطقه‌ای شرق نزدیک کار کرد. اکنون او سردبیر انتشارات دیجیتال آرشیو امنیت ملی (DNSA) است. او همچنین مسئول انتشار پرونده «عراق گیت: صدام حسین، آمریکا، سیاست، پیش‌درآمدی به جنگ خلیج فارس ۱۹۸۰-۱۹۹۴م» است. مجموعه اسناد کتاب پیش روی نیز حاصل کوشش خانم بتل است. خانم بتل اکنون بر روی دسته‌ای از مجموعه اسناد حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م کار می‌کند.

مقدمه خانم بتل ناشر آمریکایی بر انتشار اسناد

جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۸م، بخشی از بحران‌هایی بود که در دوران افول خاورمیانه به وجود آمد. انقلاب در ایران، اشغال سفارت آمریکا در تهران به دست شبه‌نظامیان دانشجو، حمله به مسجد اعظم در مکه به وسیله اسلام‌گرایان ضد پادشاهی، اشغال نظامی افغانستان به دست نیروی ارتش سرخ شوروی، جنگ‌های داخلی میان سوری‌ها، فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها در لبنان

غالب اسناد درباره همکاری تسلیحاتی امریکا با عراق طی دوره چهار ساله از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴م است. این همکاری‌ها ابعاد گوناگون داشته و ناگهان از سال ۱۹۸۲م، پس از آزادسازی خرمشهر به طرز تصاعدی افزایش داشته است و تا سند شماره ۶۰ که درباره بازگشایی روابط دیپلماتیک است، به اوج خود رسیده است. از کمک‌های اعتباری و مالی گرفته تا ارسال سلاح سنگین و سبک و همچنین انتقال جنگ‌افزارهای پیشرفته از سوی طرف‌های سوم جنگ؛ یعنی مصر، اردن و عربستان بوده است. بر پایه مجموعه این اسناد، همکاری‌ها روزانه و یا چند بار در هفته در زمینه اطلاعات نظامی ایران، هدف‌های نظامی ایران در قلمرو خاکی و دریایی ادامه داشت. در پایان جنگ ارسال اطلاعات ماهواره‌ای، تصویری و حتی آموزش مستقیم نظامی به ارتش عراق، در خصوص نحوه استفاده از جنگ‌افزارها روزانه و مرتب انجام شده بود.

وجه دیگر و هولناک اسناد این مجموعه درباره سلاح‌های شیمیایی و کاربرد آن از سوی عراق است. این اسناد نشان می‌داد که امریکا از سال ۱۹۸۱م، یعنی حدوداً کمتر از یک‌سال پس از آغاز جنگ از جزئیات کاربرد و انواع آن و محل استفاده و حتی اصلاحاتی که بر روی توپخانه‌ها و تغییراتی که در کالیبرها داده بودند تا بتوان از بمب شیمیایی بهتر استفاده کرد، آگاهی کامل داشت. امریکایی‌ها بر اساس این اسناد، رفتار دوگانه و ریاکارانه در سیاست اعلامی خود، مبنی بر محکومیت کاربرد سلاح شیمیایی داشتند. در میان اسناد این مجموعه مکرر خوانده می‌شود که امریکا به عراق پیام می‌دهد اعلامیه‌های وزارت امور خارجه امریکا را مبنی بر محکومیت کاربرد سلاح شیمیایی (به‌وسیله عراق و یا حتی بدون ذکر عراق) را جدی بگیرند. با عراق همکاری می‌کند تا مانع تصویب قطعنامه پیشنهادی ایران مبنی بر محکومیت عراق در استفاده از بمب‌های شیمیایی شود. اسناد کاملاً شفاف و بدون هیچ پیچیدگی است و نشان می‌دهد که امریکا هرگز در مدت جنگ، مباران

دو کشور دیدارهایی انجام شد. در فوریه ۱۹۸۲م، وزارت امور خارجه امریکا عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم بیرون آورد. عراق سال‌های پیش از آن، به دلیل حمایت از چندین سازمان ملی‌گرای فلسطینی در فهرست سیاه وزارت امور خارجه امریکا قرار گرفته بود. این گروه‌ها مانند القاعده گرایش اسلامی نداشتند. تنها حزب‌الدعوه گروه شیعه فعال مخالف عراق که از سوی ایران حمایت می‌شد قصد برپایی انقلاب اسلامی در عراق را داشت. آنها قصد ترور طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق را نیز داشتند.

ادامه جنگ هزینه جنگ را افزایش داد. عراق کمک مالی هنگفتی را از کشورهای عرب خلیج [فارس] و همچنین کمک مالی امریکا را از طریق اخذ وام کسب کرد. کاخ سفید و وزارت امور خارجه امریکا روی بانک صادرات و واردات امریکا فشار آورد تا به عراق اعتبار مالی بدهد. این کار موجب می‌شد تا سایر موسسات مالی بین‌المللی در ازای تضمین بانک امریکایی به عراق وام بدهند. وزارت کشاورزی امریکا وام‌هایی را تضمین کرد که عراق بتواند کالاهای کشاورزی امریکایی را بخرد. امریکا روابط خود با عراق را در نوامبر سال ۱۹۸۴م از سر گرفت. اما امریکا از چند سال قبل از آن کمک‌های اطلاعاتی و نظامی خود را آغاز کرده بود (این کمک‌ها محرمانه و بر خلاف ادعای بی‌طرفی در جنگ بود). این کمک‌ها به دستور مستقیم رونالد ریگان رئیس جمهور انجام گرفته بود. کمک‌های نظامی و اطلاعاتی به عراق، مطابق یادداشت مطالعه امنیت ملی مارس ۱۹۸۲م (سند شماره ۴-NSSM-۸۲) به اجرا در آمد. در این یادداشت خواسته شده بود که ایالات متحده امریکا در رویکرد خود به خاورمیانه تجدید نظر کند.

■ ارزیابی مجموعه اسناد ارشیو ملی امریکا درباره جنگ ایران و عراق
در یک نگاه کلی به این مجموعه باید گفت که وجه

پیشگیری از سقوط پی‌درپی نظام‌های پادشاهی عربی بود که آمریکا در آن کشورها میلیاردها دلار منافع نفتی، نظامی و سیاسی داشت.

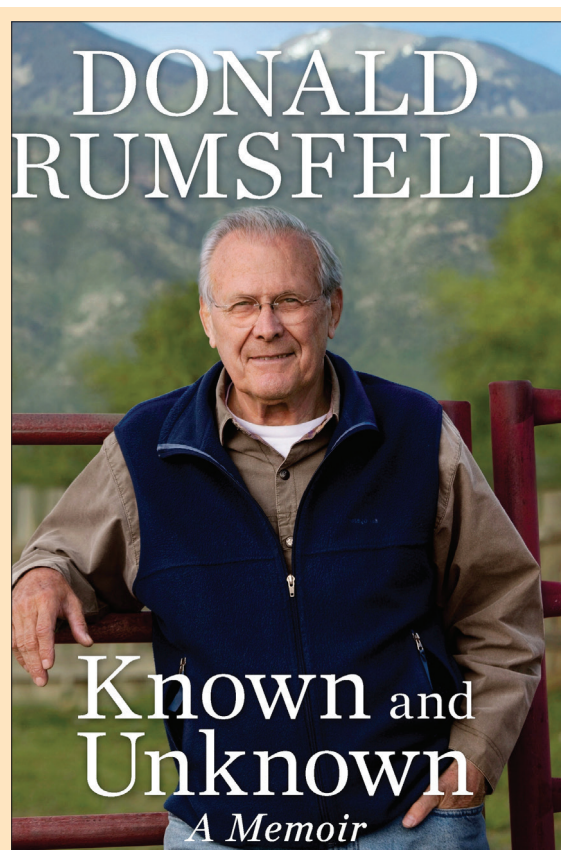
■ معرفی موضوعی اسناد مجموعه

سند شماره ۱، تلگراف ارسالی سفارت آمریکا در ترکیه از ریچارد دلبیو بوئم به اداره وزارت امور خارجه است. این سند با عنوان «کالاهای بارگیری‌شده برای عراق» در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۸۰م ارسال شده است. سند شماره ۲، تلگراف ساموئل دلبیو لوئیس از سفارت آمریکا در اسرائیل به اداره وزارت امور خارجه است که در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۰م ارسال شده است.

سند شماره ۳، تلگراف وزارت امور خارجه از طرف الکساندر. ام. هیگ به همه دواير دیپلماتیک شرق نزدیک و شمال آفریقا با عنوان «تجهیزات نظامی به ایران و عراق» است که در ۱۶ فوریه ۱۹۸۱م ارسال شده است. سند شماره ۴، تلگراف بخش منافع ایالات متحده در عراق از سوی ویلیام ال. ایگلتن به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «چشم‌اندازهایی برای دیدار دراپر معاون وزیر امور خارجه از بغداد» است که در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۸۱م ارسال شده است.

سند شماره ۵، تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا از الکساندر هیگ به بخش حافظ منافع آمریکا در بغداد است. این تلگراف مربوط به پیام وزیر امور خارجه آمریکا به وزیر امور خارجه عراق در ۸ آوریل ۱۹۸۱م است. سند شماره ۶، تلگراف ویلیام ایگلتن رئیس بخش حافظ منافع ایالات متحده در بغداد به وزارت امور خارجه در واشنگتن است. عنوان تلگراف «دیدار با وزیر امور خارجه حمادی در بغداد»، در ۱۲ آوریل ۱۹۸۱م است.

سند شماره ۷، نامه سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق به الکساندر هیگ است. در این نامه وزیر امور



"دانسته‌ها و نادانسته‌ها" عنوان کتاب خاطرات هشتصد صفحه‌ای دونالد رامسفلد، وزیر دفاع سابق آمریکا است که در ۸ فوریه ۲۰۱۱ به بازار عرضه شد. رامسفلد در کتاب دانسته‌ها و نادانسته‌ها از حدود نیم قرن فعالیت سیاسی و نظامی خود، جزئیات زیادی را بازگو کرده و به موضوعات مختلفی، از جنگ عراق گرفته تا زندان گوانتانامو اشاره کرده است.

شیمیایی را جدی نگرفت و مانع اقدامات ایران شد تا در شورای امنیت عراق را محکوم کند.

سرانجام درمی‌یابیم که آمریکا در مدت پشتیبانی از رژیم صدام حسین در جنگ با ایران، وانمود می‌کرد که در روابط با صدام صادق و واقعا حامی عراق است. سیاست آمریکا تنها مهار ایران با استفاده از صدام حسین و کوشش برای نفوذ حداکثری در عراق و برهم زدن موازنه قدرت با اتحاد جماهیر شوروی در این کشور، در مدت جنگ بود. اسناد این مجموعه نشان می‌دهد که آمریکا حفظ منافع منطقه‌ای خود را تعقیب می‌کرد. جلوگیری از شکست عراق، نه صرفاً برای حفظ خود عراق، که برای

عنوان «ملاقات وزیر امور خارجه» در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۱۷، تلگراف هیات نمایندگی وزیر امور خارجه دفتر وزیر، از طرف جورج شولتز به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «ملاقات با طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در ۱۰ ماه مه»، در ۱۱ مه ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۱۸، تلگراف اداره وزارت امور خارجه از جورج. پ. شولتز به بخش حافظ منافع در عراق، با عنوان «پیامی از وزیر امور خارجه طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق درباره حمایت از تروریسم»، در ۲۳ مه ۱۹۸۳ م است.

سند شماره ۱۹، گزارش آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا، اداره ارزیابی اطلاعات با عنوان «برنامه هسته‌ای عراق: پیشرفت برخلاف بازگشت»، در ژوئن ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۲۰، تلگراف خانم باربارا بودین از بخش حافظ منافع به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «نظامی کردن بالگردهای هیوز» در ۸ ژوئن ۱۹۸۳ م است.

سند شماره ۲۱، دستورالعمل رونالد ریگان رئیس‌جمهور، در شورای تصمیم‌گیری امنیت ملی (NSSD۹۹) با عنوان «راهبرد امنیتی ایالات متحده برای خاور نزدیک و جنوب آسیا» در ۱۲ جولای ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۲۲، یادداشت دفتر امور اطلاعات خاور نزدیک و جنوب آسیا، از جاناتان. تی. هاو، به لورنس. اس. ایگلبرگر، با عنوان «جنگ ایران-عراق: ارزیابی امکان چرخش آمریکا از وضعیت بی‌طرفی کامل» در ۷ اکتبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۲۳، گزارش سرویس اداره اطلاعات رسانه‌های خارجی با عنوان «ایرنا گزارش می‌دهد که رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی برای متوقف کردن عملیات والفجر ۴ استفاده کرده است.» در ۲۲ اکتبر ۱۹۸۳ م است.

سند شماره ۲۴، یادداشت جاناتان. تی. هاو، از دفتر امور اطلاعات سیاسی نظامی به جورج شولتز با عنوان «استفاده عراق از سلاح شیمیایی» در یکم نوامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۲۵، یادداشت اجرایی دفتر معاون

خارجه عراق از دیدار با معاون وی دراپر، در ۱۵ آوریل ۱۹۸۱ م تشکر می‌کند. سند شماره ۸ تلگراف ویلیام ایگلتون رئیس بخش حافظ منافع در عراق به اداره وزارت امور خارجه و درباره نامه حمادی وزیر امور خارجه در ۲۰ آوریل ۱۹۸۱ م است. سند شماره ۹، تلگراف الکساندر. ام. هیگ از وزارت امور خارجه به بخش حافظ منافع عراق در ایالات متحده با عنوان «دیدار با العمر رئیس امور بین‌الملل عراق» [به ایگلتون از دراپر]، ۲۲ آوریل ۱۹۸۱ م است.

سند شماره ۱۰، تلگراف بخش حافظ منافع آمریکا در بغداد از ویلیام. ال. ایگلتون به وزارت امور خارجه با عنوان «ملاقات با طارق عزیز» ۲۸ مه ۱۹۸۱ م است. سند شماره ۱۱، تلگراف وزارت امور خارجه از الکساندر هیگ به بخش حافظ منافع آمریکا در عراق با عنوان «سیاست آمریکا در فروش و ارسال سلاح به عراق و ایران» سوم ژوئن ۱۹۸۱ م است. سند شماره ۱۲، تلگراف بخش حافظ منافع آمریکا در عراق به اداره وزارت امور خارجه آمریکا، با عنوان دیدار پیلزبری عضو هیات کنگره از بغداد در ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱ م است.

سند شماره ۱۳، تلگراف الکساندر هیگ از وزارت امور خارجه به بخش حافظ منافع ایالات متحده در عراق، با عنوان «برداشتن نام عراق از [فهرست] حامیان تروریسم بین‌الملل» مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۸۲ م است. سند شماره ۱۴، رهنمودهای پژوهش امنیت ملی (NSSD۸۲-۸۲) مصوب رونالد دبلیو ریگان با عنوان «راهبرد آمریکا درباره خاور نزدیک و جنوب غرب آسیا» در ۱۹ مارس ۱۹۸۲ م است. سند شماره ۱۵، تلگراف بخش حافظ منافع آمریکا در عراق، از ویلیام ایگلتون به وزارت بازرگانی با عنوان «بالگرد و هواپیما برای وزارت کشاورزی عراق» در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲ م است.

سند شماره ۱۶، تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا از جورج شولتز به بخش حافظ منافع آمریکا در عراق با

امور خاور نزدیک و جنوب آسیا، از طرف ریچارد. دبلیو. مورفی به لورنس. اس. ایگلبرگر با عنوان «بانک اگزیم [صادرات واردات] به عراق اعتبار مالی می‌دهد.» در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۳ م است.

سند شماره ۳۴، تلگراف از کنت. دبلیو. دم به سفارت امریکا در اردن با عنوان «ماموریت رامسفلد: ملاقات با شاه حسین در لندن» در ۲۳ دسامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۳۵، تلگراف ویلیام. ال. ایگلتون جونیور از بخش حافظ منافع امریکا در عراق به وزارت امور خارجه با عنوان «در ادامه دیدار رامسفلد از بغداد»، در ۲۶ دسامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۳۶، تلگراف ویلیام. ال. ایگلتون جونیور از بخش حافظ منافع امریکا در عراق به وزارت امور خارجه با عنوان «ملاقات با طارق عزیز: گسترش تاسیسات صادرات نفت عراق» در ۳ ژانویه ۱۹۸۴ م است. سند شماره ۳۷، تلگراف ویلیام. ال. ایگلتون جونیور از بخش حافظ منافع امریکا در عراق به وزارت امور خارجه با عنوان «خط لوله عراق از راه اردن» در ۱۰ ژانویه ۱۹۸۴ م است.

سند شماره ۳۸، تلگراف جورج. پی. شولتز از وزارت امور خارجه به سرکنسول امریکا در اورشلیم با عنوان «گام‌هایی برای پیگیری جنگ ایران و عراق» در ۱۴ ژانویه ۱۹۸۴ م است. سند شماره ۳۹، یادداشت دیوید. تی. اشنایدر از دفتر معاون وزیر در امور خاور نزدیک و جنوب شرق آسیا به جورج. پی. شولتز با عنوان «کاهش محدودیت‌های صادرات به عراق» در ۳۰ ژانویه ۱۹۸۴ م است.

سند شماره ۴۰، یادداشت بخش ارزیابی ریسک کشوری بانک صادرات و واردات ایالات متحده به هیئت مدیره بخش آفریقا و خارومیانه بانک صادرات و واردات با عنوان «بررسی کشوری و پیشنهاداتی برای برنامه‌های بانک اگزیم» در ۲۱ فوریه ۱۹۸۴ م است. سند شماره ۴۱، تلگراف ویلیام. ال. ایگلتون جونیور از بخش حافظ منافع

وزیر برای شرق نزدیک و امور جنوب شرق آسیا از جانانتان. تی. هاو، به لورنس ایگلبرگر، با عنوان «استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی» [شامل تلگراف‌هایی با عنوان «بازداشتن عراق از به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی» و «پیشینه عراق در استفاده از سلاح‌های شیمیایی»] در ۲۱ نوامبر ۱۹۸۳ م است.

سند شماره ۲۶، تصمیم شورای امنیت ملی مصوب رونالد دبلیو ریگان با عنوان «سیاست امریکا در قبال جنگ ایران و عراق» در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۲۷، تلگراف وزارت امور خارجه از کنت. دبلیو. دم به دفتر حافظ منافع امریکا در بغداد با عنوان «دیدار رامسفلد از عراق» در ۷ دسامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۲۸، تلگراف از بخش حافظ منافع امریکا در عراق از ویلیام. ال. ایگلتون به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «سفر رامسفلد به عراق» در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۲۹، تلگراف حافظ منافع امریکا در عراق از ویلیام. ال. ایگلتون به سفارت امریکا در اردن با عنوان «نکات مورد بحث در دیدار رامسفلد فرستاده ویژه با طارق عزیز و صدام حسین» در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۳ م است.

سند شماره ۳۰، تلگراف از مکسول. ام. راب سفارت ایالات متحده در ایتالیا به وزات امور خارجه با عنوان «ملاقات مهم‌تر رامسفلد با معاون نخست وزیر عراق طارق عزیز در ۱۹ دسامبر» در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۳۱، تلگراف سفارت امریکا در انگلیس از چارلز. اچ. پرایس دوم به وزارت امور خارجه با عنوان «ماموریت رامسفلد: دیدار ۲۰ دسامبر با صدام حسین رئیس جمهور عراق» در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۳۲، تلگراف سفارت امریکا در انگستان از چارلز. اچ. پرایس دوم به وزارت امور خارجه با عنوان «دیدار دوجانبه رامسفلد با طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق» در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۳ م است. سند شماره ۳۳، یادداشت وزارت امور خارجه، دفتر معاون وزیر در

امریکا در عراق به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «هشدار عراق به حمله مجدد ایران» در ۲۲ فوریه ۱۹۸۴م است.

سند شماره ۴۲، تلگراف اداره وزارت امور خارجه از جورج. پی. شولتز به بخش حافظ منافع امریکا در عراق با عنوان «ارسال مواد شیمیایی به عراق» در ۴ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۴۳، یادداشت دفتر خاور نزدیک و آفریقا از جیمز. ای. پلینک، به جیمز. ام. ایلوم با عنوان [محکومیت کاربرد سلاح های شیمیایی بوسیله عراق از سوی امریکا] در ۴ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۴۴، یادداشت اداره وزارت امور خارجه با عنوان «هشدار به کنگره درباره فروش کامیون» در ۵ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۴۵، تلگراف بخش حافظ منافع امریکا در عراق از ویلیام. ال. ایگلتون جونیور به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «واکنش خشمگینانه عراق به محکومیت کاربرد CV [سلاح های شیمیایی]» در ۷ مارس ۱۹۸۴م است.

سند شماره ۴۶، سفارت ایالات متحده در اتریش تلگراف از هلن. ای. ون دم به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «زخمی های جنگی ایران در وین» در ۱۳ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۴۷، تلگراف وزارت امور خارجه از جورج. پی. شولتز به دفتر اروپایی سازمان ملل و سازمان های جهانی دیگر با عنوان «کمیسیون حقوق بشر: بخش ۱۲: قطعنامه پیشنهادی ایران درباره کاربرد سلاح های شیمیایی به وسیله عراق» در ۱۴ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۸، تلگراف اداره وزارت امور خارجه از جورج. پی. شولتز به سفارت امریکا در سودان با عنوان «خلاصه یادداشت برای سفر رامسفلد به بغداد» در ۲۴ مارس ۱۹۸۴م است.

سند شماره ۴۹، تلگراف سفارت امریکا در بحرین از دونالد چارلز سیدل به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «ماموریت خاورمیانه: کوشش های امریکا برای

متوقف کردن فروش جنگ افزار به ایران» در ۲۴ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۵۰، تلگراف هیات سازمان ملل از جین. جی. کرک پاتریک به اداره وزارت امور خارجه با عنوان «گزارش سازمان ملل درباره کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق: ملاحظات در شورای امنیت» در ۲۸ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۵۱، یادداشت محرمانه دفتر خاور نزدیک و جنوب آسیا، از آلن اورمیر به جیمز پلینک با عنوان [پاسخ شورای امنیت سازمان ملل به شکایت ایران درباره سلاح شیمیایی شامل متق تجدید نظر شده] در ۳۰ مارس ۱۹۸۴م است.

سند شماره ۵۲، تلگراف وزارت امور خارجه از جورج. پی. شولتز به سفارت امریکا در لبنان با عنوان «جلسه مطبوعاتی وزارت خارجه، ۳۰ مارس ۱۹۸۴م» در ۳۱ مارس ۱۹۸۴م است. سند شماره ۵۳، دستورالعمل شورای امنیت ملی (NSDD۱۳۹) از رونالد. دبلیو. ریگان با عنوان «اقداماتی برای تقویت موضع امریکا و آمادگی برای واکنش به تحولات جنگ ایران-عراق» در ۵ آوریل ۱۹۸۴م است. سند شماره ۵۴، تلگراف جورج. پی. شولتز به سفارت امریکا در اردن با عنوان «جنگ افزار شیمیایی: نشست با مسئول عراقی» در ۶ آوریل ۱۹۸۴م است. سند شماره ۵۵، تلگراف بخش حافظ منافع ایالات متحده در عراق از ویلیام. ال. ایگلتون جونیور به وزارت امور خارجه با عنوان «شرکت بل برای فروش احتمالی بالگرد به عراق مذاکره می کند.» در ۱۲ آوریل ۱۹۸۴م است.

سند شماره ۵۶، نامه ریچارد. دام نیکسون به نیکولای چائوشسکو با عنوان [در رابطه با سرمایه گذاری امریکا-رومانی برای فروش لباس نظامی به عراق]، در ۳ مه ۱۹۸۴م است. سند شماره ۵۷، یادداشت مشاور ویژه وزیر در امور عدم تکثیر و انرژی هسته ای از دیک گرانت به ریچارد. تی. کندی با عنوان «صادرات اقلام با کاربرد دوگانه ایالات متحده به عراق: اقدامات ویژه» در ۹ مه ۱۹۸۴م است. سند شماره ۵۸، گزارش اطلاعاتی سازمان اطلاعات دفاعی با عنوان «گزارش برآورد دفاعی:

چشم‌اندازهایی برای عراق» در ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۴ م است. سند شماره ۵۹، گزارش تفحص وزارت امور خارجه، دفتر امور سیاسی- نظامی با عنوان «استفاده غیرقانونی عراق از سلاح‌های شیمیایی» در ۱۶ نوامبر ۱۹۸۴ م است. سند شماره ۶۰، تلگراف از جورج. پی. شولتز به سفارت امریکا در عراق با عنوان «دیدار وزیر امور خارجه با طارق عزیز معاون نخست وزیر، ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴، ساعت ۱۰:۰۰ صبح» در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴ م است.

سند شماره ۶۱، آخرین سند از این مجموعه و مهم‌ترین آن است. اظهارنامه هوارد تیچر؛ عضو وقت شورای امنیت ملی امریکا برای دادگاه محلی ایالات متحده در فلوریدا است. عنوان سند «کارلوس کاردوئن [و دیگران].» [شرکت Teledyne Wah Chang Albany] متهم است به صورت غیرقانونی ماده ممنوعه زیرکونیوم را به شرکت کاردوئن ارسال کرده و او هم به عراق داده است. [است و در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۵ م نوشته شده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Francis. A. Boyle, "International Crisis and Neutrality: US Foreign Policy and the Iran- Iraq War" February 1, 1986, University of New Orleans, Global Research, or M.C.2 April 2007, International Crisis and Neutrality. <https://www.global-research.ca/us-foreign-policy-and-the-iran-iraq-war/5253/>,
2. Ibid.
3. Ibid.
4. Ibid.
5. Ibid.
6. Ibid.
7. Ibid.
8. Ibid.
9. Ibid.
10. Ibid.
11. Operation Iraqi Freedom documents, Wikipedia.



بررسی امکان جلوگیری از وقوع جنگ عراق با ایران

حسین علایی

چکیده

پیروزی از طریق برپایی جنگ شد؟ چرا حکومت عراق حمله نظامی به ایران را موفق ارزیابی می‌کرد و جنگ را کوتاه‌مدت بر می‌شمرد؟

با تحقیق انجام‌شده در این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی مشخص می‌شود که هدف صدام از شروع جنگ با جمهوری اسلامی ایران و تداوم آن، حل اختلافات مرزی خود با ایران نبوده است؛ زیرا با انعقاد معاهده ۱۹۷۵م الجزیره بین ایران و عراق، اساساً هیچ‌گونه اختلاف مرزی بین دو کشور وجود نداشته است. از طرفی بر اساس همین معاهده، ساز و کار حل اختلافات احتمالی بین دو کشور مشخص شده بود. بنابراین می‌توان گفت مسئله صدام لغو یک‌جانبه معاهده ۱۹۷۵م، به منظور یافتن بهانه‌ای برای شروع یک جنگ برنامه‌ریزی‌شده بود تا به زعم خود بتواند با استفاده از فرصت خالی‌بودن پشت ایران از ناحیه آمریکا و بهره‌گیری از فرصت خصومت شیطان بزرگ و برخی از کشورهای عربی با ایران، برای تجزیه خوزستان و نیل به رهبری کشورهای عربی اقدام کند؛ زیرا صدام تصور می‌کرد با راه‌اندازی یک جنگ تمام‌عیار می‌تواند به آن خواسته‌ها برسد. البته اگر ایران دارای «ارتشی آماده به جنگ» بود شاید می‌توانست با ترکیبی از نشان‌دادن «تهدیدات نظامی» و بهره‌گیری از

ساختار سیاسی حزب بعث که به مدت حدود ۳۰ سال حکومت عراق را در دست داشت، مبتنی بر بهره‌گیری از «قوای امنیتی» و سرکوب مخالفان در داخل کشور و استفاده از «قدرت نظامی» و به‌کارگیری زور در حل مسائل خود با همسایگان بوده است. با اتخاذ همین راهبرد بود که در دوره حاکمیت این حزب و به‌ویژه پس از روی کارآمدن صدام حسین، ارتش عراق ابتدا به ایران و سپس دو سال بعد از خاتمه جنگ با ایران، با هدف انضمام کشور کویت به عراق به آن کشور حمله نظامی کرد.

مقاله پیش رو به دنبال آنست تا با بهره‌گیری از «نظریه بازدارندگی» بررسی کند که آیا جمهوری اسلامی ایران با انجام اقدامات و ترفندهای مختلف می‌توانست جلوی تهاجم نظامی عراق را بگیرد و مانع از بروز جنگ ۸ساله شود؟ و این‌که آیا تلاشی برای جلوگیری از بروز جنگ انجام گرفته است یا نه؟ چرا صدام حسین، جنگ با ایران را آغاز کرد و چه اهداف و انگیزه‌هایی از برپایی آن داشت؟ صدام پس از تغییر نظام شاهنشاهی در ایران چه وضعیتی نظامی و سایر توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد که امیدوار به

مهم‌ترین خطری بود که انقلاب اسلامی پس از پیروزی با آن مواجه شد. با گذشت بیش از چهل سال از آغاز جنگ عراق علیه ایران و نگرارش کتاب‌ها و مقالات متعدد در این باره، هنوز هم برای بسیاری از محققان و مردم این سوال مطرح است که اساساً چرا جنگ شروع شد و چرا صدام به ایران حمله نظامی کرد و این جنگ چگونه اتفاق افتاد؟ پس از طرح این پرسش‌ها، بلافاصله سوالات دیگری نیز مطرح می‌شود. از جمله آن که آیا وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر بوده است؟ آیا اصولاً جنگ عراق علیه ایران قابل پیشگیری بود؟ آیا جمهوری اسلامی ایران به‌رغم تصمیم صدام به شروع جنگ، راهکارهایی برای جلوگیری از بروز جنگ بین دو کشور داشته است؟ آیا ایران برای جلوگیری از وقوع جنگ تلاشی کرده‌است؟ اساساً از چه زمانی می‌شد جلوی جنگ را گرفت؟ از یک سال قبل؟ از شش ماه قبل؟ از یک ماه قبل؟ از یک هفته قبل؟ آیا ایران اقدامات سیاسی، رسانه‌ای، دیپلماتیک، نظامی، بهره‌گیری از افکار عمومی و تلاش برای مذاکره را در جهت جلوگیری از وقوع جنگ انجام داده‌است؟ آیا اصولاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران ظرفیت و امکان اقدام برای ممانعت از تصمیم عراق در تحمیل جنگ را داشته‌است؟ چه راهکارهایی برای ایران در جهت جلوگیری از وقوع جنگ وجود داشته است؟ آیا دولت موقت، شورای انقلاب و رئیس‌جمهور وقت؛ «بنی صدر» و در نهایت رهبری انقلاب می‌توانستند تمهیداتی فراهم کنند و فعالیت‌هایی را انجام دهند تا صدام نتواند تصمیم خود به جنگ را عملی کند؟ اگر فعالیت‌ها و تلاش‌های لازم برای اجتناب از جنگ انجام شده‌است، چرا نتیجه‌ای حاصل نشده‌است و چرا آن اقدامات موفق نبوده‌اند؟

هدف از نگرارش این مقاله پاسخ‌دادن به سوالات فوق است تا بتوان به عنوان یک تجربه تاریخی از آن بهره برد؛ در این مقاله سعی می‌شود با بهره‌گیری از «نظریه بازدارندگی» امکان جلوگیری از وقوع جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران بررسی و تحقیق شود.

«گزینه‌های دیپلماتیک» از بروز جنگ جلوگیری کند.

کلیدواژه‌ها

جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی ایران، صدام حسین، بازدارندگی، عراق

مقدمه

با سقوط نظام شاهنشاهی در ایران، توسعه قدرت نظامی و خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی ایران از آمریکا و سایر کشورها متوقف شد. این در حالی بود که اولویت حکومت عراق گسترش توان نظامی و توسعه ارتش خود بود. همین امر باعث شد تا توان رزمی ایران به تدریج تحلیل رود، ولی در عوض قدرت ارتش عراق به‌طور مرتب از نظر تسلیحاتی و تداوم تمرین‌های نظامی افزایش یابد، به‌طوری که عراق در آن ایام قوی‌ترین نیروی نظامی خلیج فارس به‌شمار می‌رفت. (نیکسون، ۱۳۶۲: ۱۴۰) چنین قدرتی این تصور را در ذهن رئیس‌جمهور مغرور عراق به وجود آورد که «موازنه قوا» بین ایران و عراق به نفع آن کشور تغییر یافته‌است. صدام و حامیانش می‌پنداشتند جنگیدن با ایران آسان است و سریع به نتیجه می‌رسند. (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۲۶۵) بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولت عراق به هوس افتاد تا با بهره‌گیری از ارتش مجهز و منسجم خود و با استفاده از زور، به دنبال تحقق آرمان‌های حزب بعث و تسلط بر منطقه برآید. با شروع جنگ، جمهوری اسلامی ایران در مقابل یک عمل انجام‌شده قرار گرفت و ابتکار عمل به دست صدام افتاد، ولی عراق فرصت همکاری و تعامل با ایران را از دست داد و خود را درگیر جنگی کرد که منابع آن کشور را به باد داد و مردم عراق و ایران را از پیشرفت بازداشت.

جنگ رخ داده بین عراق و ایران یک جنگ ژئوپلیتیکی و دارای ابعادی چند وجهی و در عین حال بسیار پیچیده و از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر مولفه امنیت ملی ایران بوده است. جنگ عراق با ایران بزرگ‌ترین بحران و

دور شدن از اقدامات خصمانه دشمن صورت می‌گیرد.

نظریه بازدارندگی بر «اصالت قدرت» در روابط انسان‌ها و دولت‌ها تأکید دارد و مسلح بودن کشورها و برخورداری از توان نظامی اثربخش را عامل آرامش و برقراری صلح می‌داند. بنابراین بازدارندگی در حوزه دفاعی به مفهوم استفاده یک طرف از نشان دادن و نمایش قدرت نظامی و طرح مجموعه‌ای از تهدیدها برای قانع کردن طرف مقابل به خودداری از تهاجم نظامی برای نیل به اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی است.

به این ترتیب که:

- ۱- رسماً به دشمن اعلام شود که چنان‌چه جنگی را شروع کند چه عواقبی در انتظار وی خواهد بود.
- ۲- با نمایش آمادگی نیروهای مسلح و قدرت نظامی به دشمن نشان داده می‌شود که با شروع جنگ به اهداف مورد نظر نخواهد رسید و در نهایت پیروز نخواهد شد.
- ۳- راهکارهایی جلوی پای دشمن گذاشته شود که بسیار کم‌هزینه‌تر از درگیر شدن وی با جنگ باشد.
- ۴- با دشمن گفت‌وگو و مذاکره شود تا بتوان او را به مصالحه و سازش تشویق کرد و از تصمیم به شروع جنگ بازداشت.
- ۵- از طریق حامیان دشمن به وی فشار آورده شود تا وی از تصمیم به آغاز جنگ منصرف شود.

بازدارندگی در ساده‌ترین شکل آن، نوع ویژه‌ای از روابط دیپلماتیک، نظامی و سیاسی است که در آن یک طرف سعی در نفوذ بر رفتار طرف دیگر در جهت مطلوب خود دارد. به عبارت دیگر بازدارندگی، تأمین توانمندی‌های نظامی و سیاسی لازم در کشور بازدارنده با هدف متقاعد کردن طرف مقابل یا مجبور ساختن او به چشم‌پوشی و صرف‌نظر از رفتاری خصمانه یا وادار ساختن دشمن به صرف‌نظر از اهدافی است که وی تعقیب می‌کند. پس بازدارندگی صرفاً به معنای بهره‌گیری و استفاده از نیروهای مسلح و قدرت نظامی

بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که گرچه از دیدگاه نظری امکان جلوگیری از وقوع جنگ وجود داشته‌است، ولی با توجه به «روحیات صدام حسین» که اصولاً شخصیت ماجراجو و جنگ‌طلبی داشته است و نیز «ایدئولوژی حزب بعث» حاکم بر عراق و شدت یافتن «خصوصیت آمریکا و شوروی» با ایران و فقدان یک «حاکمیت منسجم» و یکپارچه در جمهوری اسلامی و نیز نبود یک دستگاه «سیاست خارجی فعال» در ایران، احتمال این که می‌شد جلوی جنگ را گرفت خیلی ضعیف بود.

■ چارچوب نظری و مفهومی

از دیدگاه نظری و تئوریک امکان جلوگیری از وقوع جنگ‌ها وجود دارد. هر کشوری اگر بتواند به مرحله و توان «بازدارندگی» نائل آید و نسبت به حریف به شرایط «تعادل قوا» یا «موازنه قدرت نظامی» برسد، به احتمال زیاد می‌تواند از وقوع جنگ جلوگیری کند. شرکت در پیمان‌های امنیتی و نیز همکاری و همراهی با قدرت‌های بزرگ و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز می‌تواند یک کشور را در حاشیه امن نگه دارد و از احتمال وقوع جنگ دور کند. پیوند زدن امنیت کشور با دولت‌های قدرتمند دوست نیز به بازدارندگی و دوری از جنگ کمک می‌کند. یکی از اهداف پیمان‌هایی مانند ورشو، سنتو و ناتو شرکت کشورهای عضو در یک نوع امنیت دسته‌جمعی بوده‌است.

نظریه بازدارندگی «Deterrence theory»، نظریه‌ای دفاعی در حوزه امنیت بین‌الملل است. این نظریه که از حدود دو قرن پیش مطرح شده، به این مفهوم است که توسعه توان نظامی و قدرت رزمی موثر می‌تواند از حمله نظامی یک کشور قدرتمندتر جلوگیری کند. بنابراین بازدارندگی اقدامی است که هدف از آن بازداشتن دولت‌های دیگر از تهاجم نظامی به کشور خودی است. (Freedman, 2009, p.32) پس می‌توان گفت بازدارندگی مجموعه‌ای از اقدامات است که برای پیشی‌جستن و

قابلیت‌ها و توانایی‌های بازدارنده حریف است. کشور مورد تهدید باید توانایی مقابله و دفع تهاجم نظامی دشمن را داشته باشد و حتی باید بتواند او را تعقیب و تنبیه کند. به گونه‌ای که مهاجم به این تصمیم برسد که منافع حمله نسبت به هزینه‌های آن کمتر است. برای تحقق بازدارندگی، شرایط و فرضیه‌های متعددی در نظر گرفته می‌شود که نخستین مورد، غلبه خردگرایی بر بی‌باکی در نزد تصمیم‌گیرندگان رقیب است. فرض وجود حداقل عقلانیت در اندیشه و رفتار رقیب، مفروض اساسی در به‌کارگیری راهبرد بازدارندگی است، زیرا عقل در مقایسه با منافع به‌دست آمده، هزینه‌های گزاف را نمی‌پذیرد. (عسکرخانی، ۱۳۷۷: ۸۹)

با وجود چنین عقلانیتی است که رقیب می‌تواند با ارزیابی و سبک-سنگین کردن هزینه و فایده و برقراری توازن میان هزینه‌ها و فرصت‌ها، به حسابگری پردازد و تصمیم‌گیری کند و در صورتی که تهدید ارزش‌های خود را به اندازه کافی جدی و مؤثر ببیند، برای حفظ بقای خود مجبور به تغییر رفتار و تصمیم خود خواهد شد. توانایی و قابلیت ممانعت از تهاجم، یکی دیگر از مفروض‌های تحقق بازدارندگی و ممانعت از حمله است. در صورتی که طرف مقابل اقدام به حمله‌های مکرر و ایجاد وحشت نماید، بازدارندگی به وجود نخواهد آمد. توانایی تحمیل هزینه سنگین، ستون سوم بازدارندگی علیه بازیگر مقابل است. بازیگر مقابل باید این اطمینان را داشته باشد که بازیگر بازدارنده در صورت نیاز، حتماً عوامل بازدارنده را به کار گرفته و او را به شکلی سنگین متضرر خواهد ساخت. از سوی دیگر تعهد وی به حفظ موجودیت خود به عنوان دولت-ملت، عامل اساسی در بازدارندگی است. اعتماد بیش از اندازه نسبت به محاسبه هزینه-فایده از سوی طرف مقابل، بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها و نگرش‌ها، خطاست. از نظر هالستی، نقش مسائل ایدئولوژیک و ایثارگرانه گاه چنان بر تصمیم‌گیری‌ها غلبه پیدا می‌کند که امکان محاسبه عقلانی را تضعیف می‌کند و موجب شکست

برای نشان دادن تهدید به طرف مقابل نیست، از این رو نباید آن را فقط به عنوان یک راهبرد برای پیشگیری از جنگیدن به حساب آورد، بلکه به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، بازدارندگی نوعی راهبرد برای حفظ وضع موجود عدم درگیری و «اجتناب از جنگ» و در نهایت دست‌یابی به سازش و نیل به صلح است. فرض بازدارندگی بر این است که دشمن با عقلانیت تصمیم‌گیری می‌کند و با محاسبه هزینه و فایده از ورود به جنگی که در آن پیروزی را در دسترس نمی‌بیند خودداری می‌کند. بنابراین، تعریف دیگر بازدارندگی، متقاعد کردن حریف نسبت به این حقیقت است که هزینه‌ها و خطرات برپایی جنگ و اتخاذ خط‌مشی خصمانه، بیشتر از منافع حاصله از آن است. (دوئرتی، ۱۳۸۴: ۵۹۶) برای تأمین توان بازدارندگی، در اختیار داشتن میزانی از قدرت و توانایی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فناوری لازم است و بدون آن، رسیدن به مرحله بعدی که اثرگذاری بر ذهن و باور طرف مقابل است، میسر نخواهد بود.

اما بازدارندگی به مثابه یک «راهبرد» درصدد آن است تا دشمنان و متخاصمان را از قدرت تصمیم‌گیری برای کاربرد نیروی نظامی بازدارد و عزم آنها را برای شروع یک جنگ، خنثی و سست سازد. بر همین اساس نشان دادن توان نظامی به طرف مقابل و نمایش قدرت تسلیحاتی برترساز و اجرای رزمایش‌های آمادگی برای نیل به بازدارندگی بسیار مهم تلقی می‌شود. بنابراین بازدارندگی به تعاملی اشاره دارد که در آن یک بازیگر، حریف خود را تهدید می‌کند تا به تهاجم نظامی دست نزند و به وی نشان می‌دهد که آمادگی مقابله با وی وجود دارد و دشمن در صورت اقدام به جنگ شکست خواهد خورد. در واقع هر کشوری با اتخاذ «راهبرد بازدارندگی» برای تجدید نظر در تصمیم و اراده طرف مقابل برای شروع جنگ تأثیر می‌گذارد و در افکار و رفتار و اعمال حریف نفوذ می‌کند.

یکی از شرایط موفقیت بازدارندگی، تصور دشمن از

در استراتژی می‌شود. (Colin, 1990: 10)

در منظومه جهانی به شدت

درهم تنیده امروز، چگونه می‌توان از تجربیات دوره جنگ تحمیلی بیشتر آموخت تا در آینده غافلگیر نشد و با جنگ مواجه نگردید؟

چگونه می‌توان یک نوع قدرت بازدارندگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی از طریق گسترش همکاری با سایر کشورها ایجاد کرد تا مردم بتوانند با امنیت خاطر برای خود آسایش، ثروت و رفاه به وجود آورند و زندگی راحت و با کمالی داشته باشند؟

دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران نیز بلافاصله پس از پیروزی انقلاب به منطقه مهاباد بازگشت و به سازماندهی حزب دموکرات پرداخت. برخی گروه‌ها بازگشت او را در راستای تحریک جوانان گرد به مبارزه مسلحانه با حکومت مرکزی ارزیابی می‌کردند. حکومت عراق از قاسملو که سرسپرده رژیم بعثی و کمونیست بود، حمایت می‌کرد. (پژمان، ۱۳۹۱: ۲۱۲)

حزب دموکرات در اول فروردین ۱۳۵۸ ساختمان صداوسیما را سنج را تصرف کرد و برنامه‌های خود را از آن پخش کرد و رسماً علیه دولت مرکزی وارد عمل شد. من خود صدای «صدیق کمانگری» را از رادیو سنج که علیه حکومت جدید در ایران برنامه پخش می‌کرد، در آن ایام می‌شنیدم و برای اهالی و ساکنان کردستان احساس خطر می‌کردم. از طرفی حکومت عراق جریان خلق عرب در خوزستان را مسلح نمود و علیه حکومت مرکزی فعال کرد. رژیم بعثی عراق ادعاهایی را نیز نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس مطرح می‌کرد و به دنبال برقراری حکومت اعراب بر آنها بود. از طرفی

در مجموع می‌توان گفت بهره‌گیری از «نظریه بازدارندگی» یکی از سازوکارهایی است که با مشخص کردن هزینه جنگ برای دشمن، می‌تواند با نشان دادن آمادگی‌ها و قدرت واکنش مناسب از وقوع یک جنگ جلوگیری کند.

■ رفتار عراق با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال ساواک و تضعیف رکن ۲ ارتش، دستگاه اطلاعاتی و کسب خبر ایران در عراق از بین رفت و ایران امکان دریافت اطلاعات از حکومت و ارتش عراق را از دست داد. حتی ایران مسئول وقت اطلاعات عراق در اداره دوم ارتش را به جرم «کسب اطلاعات از کشور دوست و برادر عراق» دستگیر کرد و به زندان انداخت، البته این طبیعت انقلاب است. (بختیاری، ۱۳۹۵: ۷ مهر) ولی دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی عراق علیه ایران فعال بود و تقویت هم شد و رژیم بعثی عراق اطلاعات گسترده‌ای را از درون ایران با کمک عوامل خود جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌کرد. لذا عراق برای تصمیم به شروع جنگ به ضعف‌های نظامی و امنیتی و مشکلات ساختاری و اداری و بین‌المللی ایران پی برده بود.

به محض بروز علائم سقوط نظام شاهنشاهی، دولت عراق رفتار خصمانه خود با ایران را آغاز کرد. عراق تلاش کرد تا گسل‌های قومی را در ایران، به‌ویژه در استان‌های همجوار با آن کشور فعال کند. دولت بعثی عراق بلافاصله حزب دموکرات کردستان ایران را در مناطق کردنشین علیه نظام جمهوری اسلامی فعال کرد؛ به‌طوری که این حزب درست یک‌هفته پس از پیروزی انقلاب، پادگان ارتش در مهاباد را در روز ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ به اشغال خود درآورد و سلاح‌های آن را غارت کرد. (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۶۵) «عبدالرحمن قاسملو»

نفر از ایرانیان به شهادت رسیدند و تعداد ۵۴۸ نفر نیز زخمی شدند و ۱۱۹ نفر هم اسیر گردیدند. همچنین تا قبل از شروع جنگ، تعداد ۷ فروند هواپیمای نظامی ایران سرنگون شد و تعداد ۳۵ خلبان هواپیمای جنگی هم در درگیری‌های مرزی با عراق و نیز در حوادث و درگیری‌های کردستان به شهادت رسیدند. (غمکی، ۱۳۹۱) از طرفی روزنامه‌های عراق، استان خوزستان را عربستان و عرب‌های خوزستان را «مواطنین عرب» یعنی هموطنان عرب می‌خواندند. (یزدی، ۱۳۹۳: دوم مهرماه) عراق جریان خلق عرب را در ایران فعال کرد و آنها به‌طور مرتب لوله‌های نفت خوزستان را در سال ۱۳۵۸ منفجر می‌کردند. «عزیزالله پالیزبان» [استاندار نظامی کرمانشاه در آخرین ماه‌های حکومت پهلوی] که یکی از دستیاران شاه بود، بین ایران و عراق و ترکیه رفت‌وآمد می‌کرد و با فرستادن پول، افراد خود را برای مقابله با دولت ایران تجهیز می‌کرد. عراق در حمله حزب دموکرات به پاره‌ها از شهرهای کرمانشاه دخالت داشت و اعضای حزب و پیشمرگه‌ها پس از شکست به عراق فرار کردند.

با کنارزدن حسن البکر و رئیس‌جمهور شدن صدام حسین در ۲۵ تیر ۱۳۵۸ تنش‌ها بین عراق با ایران افزایش یافت. در مجموع سیر رفتار عراق با ایران نشان می‌دهد که آن کشور با ظهور علائم پیروزی انقلاب در ایران تصمیم به استفاده از فرصت طلایی پیش‌آمده گرفته و برای جنگ با ایران برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی کرده است. عراق ضعف ایران را ناشی از بروز انقلاب تلقی می‌کرد و آن را فرصتی مناسب برای اثبات برتری خود در خلیج فارس می‌دانست. (Cordesman, 1990: 5) دولت عراق اولین بار در ۸ آبان ۱۳۵۸ یعنی حدود یازده ماه قبل از آن‌که معاهده ۱۹۷۵م الجزیره را رسماً لغو کند، لزوم تجدیدنظر در آن را از طریق رسانه‌ها اعلام کرد. (Ar-thur, 1980: 154). همچنین سفیر عراق در بیروت هم در مصاحبه‌ای با روزنامه النهار در آبان ۱۳۵۸ اظهار داشت که «معاهده الجزیره باید اصلاح شود و ایران باید کلیه حقوق عراق در شط العرب را به‌طور داوطلبانه

صدام معاهده ۱۹۷۵م را نیز قبول نداشت. (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۶۶)

بالگردها و هواپیمای عراقی دو هفته پس از پیروزی انقلاب در روز ۸ اسفند ۱۳۵۷ به منطقه مرزی سیرین که بین شهر مرزی بانه در کردستان ایران و آبادی شورطه عراق واقع شده است، حمله کردند که بر اثر آن ۱۵ نفر از مردم کشته شدند. سیرین یک منطقه داد و ستد برای گُردهای ساکن در هر دو سوی مرز است که دقیقاً در پنج کیلومتری پاسگاه ژاندارمری آبخینه قرار دارد. (روزنامه اطلاعات، ۸ اسفند ۱۳۵۷) ایران در برابر این حمله واکنش نظامی از خود نشان نداد و ساکت ماند. در مجموع ایران ۶۳۶ مورد تجاوز زمینی، هوایی و دریایی؛ شامل ۴۸۰ مورد تجاوز مرزی زمینی و ۱۵۰ مورد تجاوز مرزی هوایی و ۶ مورد تجاوز دریایی نیروهای عراقی را قبل از آغاز جنگ ثبت و به سازمان ملل اعلام کرده است. (ولایتی، ۱۳۸۷: ۴۱) در ۳۰۰ درگیری مرزی و تجاوزات زمینی، هوایی و دریایی قبل از آغاز جنگ، حدود ۱۰۵



احمد حسن البکر (۱۹۸۲-۱۹۱۴)

به آن برگرداند و با اقلیت‌های خود رفتار عادلانه داشته باشد.» (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۷۷)

صدام به‌طور آشکار در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود شرایطی نشدنی را برای توقف مخاصمات عراق با ایران اعلام می‌کرد. او در مصاحبه‌ای در آوریل سال ۱۹۸۰ م سه شرط زیر را مطرح کرد: (Anvari, 1993: 1)

- ۱- خروج بی قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی
- ۲- اعاده وضعیت اروندرود به پیش از معاهده ۱۹۷۵ م الجزیره
- ۳- شناسایی خوزستان به عنوان استان عربستان از سوی ایران

طبیعی بود که هیچ دولتی در ایران نمی‌توانست تقاضاها و شروط فوق را بپذیرد، یا بر سر آنها با حکومت عراق مذاکره کند. حجت‌الاسلام دعایی اولین سفیر جمهوری اسلامی در عراق در این باره می‌گوید: «نکته دیگری که اصرار دارم بگویم این است که یک بار وزیر خارجه عراق (در اواسط سال ۱۳۵۸) مرا خواست و گفت صدام حسین برای شخص رهبری ایران، امام خمینی، پیغامی دارد و آن این است که ایشان نماینده تام‌الاختیاری را از طرف خودشان برای مذاکره و حل مسائل فی‌مابین دو کشور به عراق بفرستند. حُب طبیعتاً این پیشنهادی بود که در آن به‌ظاهر حسن‌نیت بود. من به محضر امام در قم آمدم و پیغام را رساندم. پیشنهاد خود من برای نماینده تام‌الاختیار امام، آقای هاشمی رفسنجانی بود. امام وقتی پیغام را شنیدند، فرمودند: «من باید فکر کنم.» البته خواسته‌هایی که عراقی‌ها می‌توانستند در مذاکرات‌شان داشته باشند چند چیز بود: یکی از آن‌ها طبیعتاً توقف تبلیغاتی بود که در ایران وجود داشت. دوم مسئله جزایر سه‌گانه، سوم مسئله اروندرود و چهارم مسئله رسمیت تشکیلات مدعی حقوق اعراب در خوزستان بود. اگر مذاکرات به انجام می‌رسید طبیعتاً یک حکومت نوپای اسلامی تسلیم خواسته‌هایی می‌شد

که به ضرر مردم و میهن‌فروشی بود، اگر هم تسلیم نمی‌شد می‌گفتند در مذاکرات شکست خورده است. من روز بعد که خدمت امام رسیدم، استنباط ایشان این بود که پیشنهادهایی که اعراب مطرح می‌کنند قابل پذیرش نیست و گفتند: «به عراقی‌ها بگویید که ما در آینده نزدیک انتخابات مجلس شورای ملی و ریاست جمهوری داریم، من ترجیح می‌دهم که نمایندگان منتخب ملت ایران، نماینده قانونی و رسمی خودشان را برای مذاکرات با شما راهی (بغداد) کنند. شما تا زمانی که انتخابات مجلس و ریاست جمهوری ما انجام شود و نمایندگان قانونی کشور ما انتخاب شوند از خودتان حسن‌نیت نشان دهید و فعالیت‌های تحریک‌آمیز علیه ایران را متوقف کنید.» من پیغام امام را به مسئولین عراقی رساندم و گفتم «امام از حسن‌نیت شما تشکر کردند و از طرف دیگر ایشان نمی‌خواهند که به تنهایی خودشان در مذاکرات تصمیم بگیرند و اراده کرده‌اند که نماینده رسمی و منتخب ملت ایران از طرف رئیس‌جمهوری که توسط ملت ایران انتخاب خواهد شد برای مذاکره نزد شما بیاید.» خب این پیغام امام بسیار منطقی، معقول و جهان‌پسند بود. من قاطعانه می‌گویم تنها موردی که عراقی‌ها پیغام مذاکره به امام دادند همین مورد بود که من در خاطراتم آورده‌ام.» (دعایی، ۱۳۹۵: ۷ مهر)

شاید یکی از علت‌هایی که عراق جنگ را حدود ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب شروع کرد این بوده است که آن کشور ارتش خود را برای جنگیدن با ایران تسلیح و تجهیز و آماده کند.

عراق در ۲۰ فروردین ۱۳۵۱ شمسی مطابق با ۹ آوریل سال ۱۹۷۲ م، معاهده دوستی و همکاری با اتحاد جماهیر شوروی امضا کرده بود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷: ۳۴۷) بر اساس پیمان دوستی ۱۵ ساله عراق با شوروی، عمده نیازمندی‌های تسلیحاتی، آموزشی، تدارکاتی و سازماندهی ارتش بعثی از شوروی تأمین می‌شد. (کارول سیوتز، ۱۳۸۶: ۲۲۰) بنابراین عراق هیچ‌گونه نگرانی و

بنابراین می‌توان گفت زمانی جنگ از سوی رژیم بعثی عراق بر ایران تحمیل گردید که منافع دولت آمریکا با منافع رژیم بعثی عراق همسو گردید و شوروی نیز نه تنها از بروز چنین جنگی نگران نبود، بلکه آن را عاملی برای توسعه بیشتر نفوذ خود در عراق و افغانستان و خلیج فارس ارزیابی می‌کرد.

■ نگرانی‌های عراق و ایران از یکدیگر

با تغییر رژیم در ایران و با رفتاری که عراق در دوره مبارزات مردم ایران علیه شاه در حمایت از نظام سلطنتی ایران انجام داده بود، هر دو کشور نسبت به هم ظنین و بدگمان شده بودند. از سخنانی که صدام حسین در دیدار با وزیر امور خارجه ایران در روز دهم شهریور ۱۳۵۸ یعنی یک‌سال و ۲۰ روز قبل از شروع جنگ داشته است، بر می‌آید که رئیس‌جمهور عراق نگرانی‌های زیر را از ظهور انقلاب اسلامی در ایران داشته است: (یزدی، ۱۳۹۳: دوم مهرماه)

۱- تبلیغات ایران در صداوسیما و مطبوعات علیه حزب بعث و حکومت عراق؛

۲- حمایت ایران از جنبش‌های آزادیبخش درون عراق و دخالت در امور داخلی آن کشور؛

۳- بازگشت ادریس و مسعود بارزانی به ایران، علی‌رغم آن‌که خانه و زندگی ملامصطفی بارزانی و خانواده و فرزندان پس از امضای معاهده ۱۹۷۵م الجزیره و از سال ۱۳۵۴ در ایران بود؛

۴- شروع فعالیت‌های آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در حمایت از انقلاب اسلامی و امام خمینی؛

۵- نگرانی از بازگشت ایران به سیاست‌های زمان شاه برای فشار به عراق،

۶- مخالفت با دخالت دین در حکومت و حکومت در دین و مخالفت با نظر امام خمینی در این زمینه که دین از سیاست جدا نیست؛

۷- ایران، عراق را اولین دشمن خود می‌داند.

البته در این دیدار وزیر امور خارجه ایران به صدام



حجت‌الاسلام سید محمود دعایی

خوفی برای تداوم تجهیز نیروهای مسلح خود نداشت و مطمئن بود که با شروع جنگ علیه ایران، روند پشتیبانی ارتش عراق از سوی شوروی ادامه خواهد یافت. از طرفی عراق می‌خواست برای تصمیم‌گیری نهایی در جهت آغاز جنگ، با کشورهای مانند شوروی و عربستان هماهنگی‌های لازم را به عمل آورد تا آنها علاوه بر حمایت سیاسی به پشتیبانی اطلاعاتی و مالی از عراق نیز بپردازند.

همچنین صدام حسین برای شروع جنگ منتظر افزایش تنش‌ها بین آمریکا و ایران، به‌ویژه پس از تسخیر لانه جاسوسی بود تا اطمینان یابد که پشتیبانی تسلیحاتی آمریکا از ایران به‌طور کامل قطع شده است. رژیم بعثی عراق، دشمنی آمریکا با ایران را در چنین شرایطی به عنوان یک فرصت مغتنم تلقی می‌کرد تا بتواند به اهداف تاریخی خود از طریق جنگ با ایران، دست یابد و به بلندپروازی‌های حزب بعث تحقق بخشد.

بازدارندگی، مجموعه‌ای از اقدامات است که برای پیشی‌جستن و دور شدن از اقدامات خصمانه دشمن صورت می‌گیرد.

این که چرا با وجود شواهد و قرائن و هشدارها ایران باور نکرد که عراق می‌خواهد جنگ را آغاز کند، سوال دیگری است که پاسخ به آن تحقیق دیگری را می‌طلبد.

گفت: انقلاب ایران قصد آن را ندارد که انقلابش را حتی به عراق و نجف نیز صادر کند. وی افزود: انقلاب ایران پایگاه دشمنان شما را در ایران از بین برد و بر شما واجب است که از آن پشتیبانی کنید و خیلی از برادران عرب (در کنفرانس هاوانا) آمدند و سؤال کردند که چه مسائلی است بین شما و بین دولت عراق؟ و در عجب بودند که می‌دیدند ایران، دشمنان اعراب و فلسطینی‌ها را از بین برده است و رابطه‌اش را با اسرائیل و مصر و آفریقای جنوبی قطع کرده است و بر حسب گفته‌های قرآن، مصر خائن است، چون در حالی که برادران ما با اسرائیلی‌ها در جنگند، او با آن‌ها پیوند دوستی می‌بندد و در عجبیم و برخی از رهبران عرب در همین کنفرانس از ما می‌پرسند و در عجبند که چرا عراقی‌ها با ایران رفتار خصمانه دارند؟ سیاست شما در مورد ایران فقط دشمنان ما را خوشحال می‌کند و شما از تحریکاتی که در خوزستان می‌کنید بهره‌ای نخواهید برد و به این جهت سؤال ما این است که چرا دست به چنین کارهایی می‌زنید؟ سامرائی معتقد بود که ما می‌باید مشکل خوزستان و کردستان را در آن واحد حل کنیم و من از این جواب تعجب کردم برای این که شما منافعی در خوزستان ندارید و حق هیچ‌گونه دخالتی را ندارید. شما با شاه توانستید به اتفاق نظر برسید چرا نمی‌توانید با ما نیز به اتفاق نظر برسید؟ از حمایت جبهه آزادیبخش عربستان دست بردارید، از ارسال اسلحه به خوزستان دست بردارید. (یزدی، ۱۳۹۳: دوم مهرماه)

در همین دیدار رئیس جمهور عراق به آقای یزدی گفت که جزییر سه‌گانه بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در

زمان شاه ایران اشغال شده‌اند و شما باید آن‌ها را تخلیه کنید و به امارات برگردانید. صدام در ادامه گفت: مگر شما با باورهای حزب بعث آشنا نیستید؟ ما معتقدیم هر مسأله عربی، مسأله حزب بعث است. وزیر امور خارجه ایران از او پرسید: حزب بعث چند سال است تأسیس شده است؟ صدام (با نوعی از تبختر و غرور) گفت: نزدیک به ۵۰ سال است. در پاسخ او دکتر یزدی گفت: حزب بعث با یک سابقه ۵۰ ساله هر مسأله عربی را مسأله خود می‌داند. حوزه علمیه نجف بیش از ۹۰۰ سال سابقه دارد و با منطقی که حزب بعث دارد، امام خمینی هم می‌گوید هر مسأله اسلامی، مسأله ماست. حال اگر می‌خواهید وارد این چالش بشوید، فکر عواقب آن را هم بکنید. (یزدی، ۱۳۹۳: دوم مهرماه)

از سوی دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت عراق فشار بر شیعیان آن کشور را افزایش داد. حکومت عراق در خرداد ۱۳۵۸، آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر را تحت بازداشت خانگی قرار داد و تظاهرات مردم عراق در حمایت از ایشان را با تیراندازی واحدهای ارتش سرکوب کرد و ده‌ها تن از آنان را کشت و حدود ۳۰۰۰ نفر را نیز دستگیر کرد. (دیلیپ هیرو، ۱۳۹۱: ۵۶) از طرفی عراق در خرداد ۱۳۵۸، تعداد ۱۶ هزار نفر از عراقی‌های ایرانی‌تبار را از آن کشور اخراج کرد و کمک‌های خود را به عناصر جدایی‌طلب در بین عرب‌های خوزستان و گردهای ایران افزایش داد. (دیلیپ هیرو، ۱۳۹۱: ۶۷) بنابراین جمهوری اسلامی ایران نیز نگرانی‌های زیر را از حکومت بعثی عراق داشت:

۱- برانگیختن گسل‌های قومی در ایران و تسلیح احزاب ضدانقلاب گُردی و عربی برای جنگ مسلحانه با دولت مرکزی؛

۲- برنامه عراق برای جداسازی خوزستان از ایران و تبدیل آن به عربستان؛

۳- نادیده‌گرفتن معاهده مرزی ۱۹۷۵م و تلاش برای ملغی کردن آن

۴- به‌کارگیری ارتش عراق برای ناامن‌سازی مرزها؛

به داخل عراق را به مثابه فروپاشی نظام بعث حاکم بر عراق می‌دانست. (مسعودی، ۱۳۸۸: ۱۵) وجود این نگرانی‌ها هر دو کشور را به تدریج از یکدیگر دور کرد و بروز هر حادثه‌ای باعث افزایش تخاصم بین دو کشور گردید.

■ راهکارهای تئوریک و اجرایی برای جلوگیری از وقوع جنگ

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حزب بعث عراق به این نتیجه رسید که ظرفیت برانگیزندگی این انقلاب در همسایگی آن کشور این امکان را دارد تا اندیشه‌های ضد استبدادی به مردم عراق نیز سرایت کند و آنها را به الگوگیری از قیام مردم ایران وادارد. بنابراین ممکن است که با بروز التهاب سیاسی در عراق، حزب بعث قدرت خود را در آن کشور از دست بدهد و با حمایت ایران حکومت صدام ساقط شود. پس عراق به دنبال برنامه‌ریزی برای برپایی یک جنگ تمام عیار با ایران برآمد تا بدین وسیله جلوی گسترش اندیشه ضد ظلم انقلاب اسلامی را بگیرد. البته عراق جنگ با ایران را ساده و آسان می‌پنداشت و تصور نمی‌کرد که مقابله با پیامدهای ناشی از یک جنگ فراگیر کار دشواری باشد. به هر حال ایران کشور بزرگی است و طبیعی است که با بروز جنگ، عرق اسلامی و ملی ایرانیان توان بازسازی نیروهای مسلح و توسعه توان رزمی را به دولتمردان کشور خواهد داد. اما صدام شاید فکر می‌کرد که می‌تواند با درخواست آتش‌بس بلافاصله پس از اشغال بخشی از سرزمین‌های ایران، خود را درگیر اقدامات تلافی‌جویانه ایران نکند و فقط از مزایای جنگ بهره‌بردار.

در هر صورت راهکارهای جلوگیری از بروز جنگ را می‌توان در سه حوزه «دیپلماسی»، «نظامی» و تلاش برای «مصالحه» خلاصه کرد. البته مصالحه به مفهوم تمرکز بر منافع مشترک و امتیازدادن و امتیازگرفتن است. مصالحه از طریق مذاکره و گفت‌وگوی مستمر با طرف مقابل

۵- مطرح کردن مداوم لزوم واگذاری جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس به اعراب؛

۶- نامیدن خلیج فارس با اسم جعلی خلیج عربی؛

۷- اخراج عراقی‌های ایرانی‌تبار از عراق؛

۸- تبدیل شدن عراق به پایگاهی برای بعضی از مقامات نظام شاهنشاهی و کمک عراق به آنها؛

۹- تبدیل عراق به پایگاه احزاب دموکرات و کومله و نیز جبهه‌التحریر الاحواز؛

۱۰- فشار بر حوزه علمیه نجف اشرف و اعدام علمای شیعه؛

۱۱- تبلیغات علیه انقلاب اسلامی و نسبت دادن مخالفت مردم آن کشور با دیکتاتوری حزب بعث به خارج و به جمهوری اسلامی ایران؛

۱۲- اندیشه حزب بعث که خود را یک حزب ملی عراق نمی‌دانست، بلکه می‌خواست به عنوان امت عربی واحد عمل کند و مدافع اعراب باشد و توسعه طلب بود.

بنابراین نوع نگرانی جمهوری اسلامی ایران با نوع نگرانی دولت عراق تا حد زیادی متفاوت بوده است. ایران نگران آن بود که با اقدامات و تحریکات حکومت عراق بخش‌هایی از سرزمین کشور از ایران جدا شوند و تمامیت ارضی کشور مخدوش شود، در حالی که عمده نگرانی عراق به احتمال فعال شدن مخالفان آن کشور برای مخالفت با استبداد و دیکتاتوری، با الهام از مبارزات مردم ایران بر می‌گشت. صدام هر نوع مخالفت مردم آن کشور با رژیم بعثی را به ایران نسبت می‌داد و به درون‌زا بودن مخالفت اکثر شیعیان و کردها با حکومت دیکتاتوری بعثی اعتقادی نداشت. صدام، تصویری از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در ذهن خود خلق کرده بود که با واقعیت‌های جاری در ایران تفاوت فاحشی داشت.

بنابراین می‌شود گفت که رژیم عراق نسبت به تهدید ناشی از رادیکالیسم ایران و هویت شیعی حاکم بر آن احساس نگرانی می‌کرد و امکان تسری آرمان‌های انقلاب

حاصل می‌شود و معمولاً هیچ کشوری با مذاکره نکردن برای خود محدودیت ایجاد نمی‌کند.

بنابراین قبل از بروز هر جنگی، در گام اول دستگاه دیپلماسی است که می‌تواند با فعالیت‌های گسترده جلوی وقوع آن را بگیرد. بدین منظور دستگاه سیاست خارجی ایران از طریق وزارت امور خارجه می‌توانست با اتخاذ راهبرد «دیپلماسی پیشگیرانه» اقدامات زیر را انجام دهد:

- ۱- مذاکره مستقیم با دولت عراق و صدام حسین؛
 - ۲- انجام تلاش‌های دیپلماتیک، به‌ویژه از طریق شورای امنیت سازمان ملل؛
 - ۳- بهره‌گیری از ظرفیت سازمان آزادی‌بخش فلسطین که با هر دو کشور روابط خوبی داشت؛
 - ۴- بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و بسیج افکار عمومی علیه قصد عراق برای جنگ؛
 - ۵- حل مشکلات با آمریکا و جلوگیری از کاهش سطح روابط سیاسی و سپس قطع رابطه با آن کشور با توجه به اشغال افغانستان از سوی شوروی؛
 - ۶- برقراری روابط خوب با عربستان؛
 - ۷- بی‌توجهی به اشغال افغانستان از سوی شوروی؛
 - ۸- بی‌توجهی به سازش مصر و اسرائیل؛
 - ۹- قطع نکردن رابطه با اسرائیل.
- مشخص است که جمهوری اسلامی ایران که برآمده از یک انقلاب ضد ظلم بود، نمی‌توانست برخی از موارد فوق مثل بندهای ۷ و ۸ و ۹ را اجرا کند.

از سوی دیگر چنانچه ایران می‌توانست اقدامات نظامی زیر را انجام دهد شاید می‌توانست در تصمیم عراق به شروع جنگ تأثیر بگذارد:

- ۱- تشکیل ستاد فرماندهی جنگ؛
- ۲- اعزام تمام یگان‌های ارتش به خطوط مرزی؛
- ۳- تبدیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به یک نیروی نظامی؛
- ۴- برگزاری رزمایش‌های عملیاتی در محورهای احتمالی

تهاجم؛

همچنین ایران می‌توانست اقدامات مصالحانه‌جویانه زیر را نیز انجام دهد تا از شدت تنش بین دو کشور بکاهد:

۱- قطع تبلیغات علیه حکومت بعثی و تلاش برای رفع نگرانی‌های عراق؛

۲- مذاکره مستمر و گفت‌وگو با مقامات عراقی برای کاهش اختلافات بین دو کشور و گرفتن بهانه‌ها از دست صدام حسین.

البته صدام با تصویری که از ضعف اقتدار ایران داشت به دنبال آن بود که از موضع قدرت و با بهره‌گیری از زبان تهدید با جمهوری اسلامی ایران مذاکره کند، تا ایران از ترس شروع جنگ تمامی خواسته‌های عراق را بپذیرد و حداقل با الغای معاهده ۱۹۷۵ م موافقت کند. بنابراین مشخص نیست که با توجه به روحیات شخص صدام که فردی «ازخودرازی» و «ریسک‌پذیر» بوده است، اگر تمامی راهکارهای ذکرشده در فوق مورد توجه قرار می‌گرفت و تلاش‌های ایران برای تأمین نظرات صدام انجام می‌گرفت، آیا به نتیجه درستی می‌رسید و ایران می‌توانست با حفظ «تمامیت ارضی» از جنگ جلوگیری کند یا خیر. و آیا صدام زیر بار تداوم معاهده ۱۹۷۵ م می‌رفت و یا این‌که از طریق مذاکره به دنبال تغییر مفاد آن، به‌ویژه برهم‌زدن خط تالوگ به عنوان مرز اروندرود بود؟

■ اقدامات ایران برای جلوگیری از جنگ

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران سعی در تداوم روابط خوب با عراق داشت. گرچه احمد حسن البکر رئیس‌جمهور عراق، ۵۴ روز پس از سقوط حکومت شاهنشاهی و در ۱۶ فروردین ۱۳۵۸، پیروزی انقلاب اسلامی را به امام خمینی تبریک گفت، ولی رهبر انقلاب پاسخ آن را بلافاصله دادند. (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۶۳) از طرفی ایران حجت‌الاسلام سید محمود دعایی را که سال‌ها به همراه امام خمینی در نجف تبعید بود، به عنوان سفیر خود در عراق انتخاب کرد که این اقدام نشانه حسن

هستم؛ به همین دلیل تأثیرات منفی خواهم داشت؛ اما حسن البکر معتقد بود که انتخاب من نشان دهنده حسن نیت امام است، به همین دلیل به عنوان مانع انتقام گیری صدام حسین در مقابل شرایط فعلی ایران به شمار می رفت؛ بنابراین صدام حسین ناگزیر به کودتا و برکناری وی شد.» (دعایی، ۱۳۹۵: ۷ مهر)

در اسفند ۱۳۵۷ که عراق درگیری های مرزی را شروع کرد و دهکده ای در استان آذربایجان غربی را بمباران کرد، ایران سفیر عراق در تهران آقای الیاسین را احضار کرد. آقای دکتر ابراهیم یزدی می گوید: من در نخست وزیری بودم. من و مرحوم بازرگان با الیاسین صحبت کردیم. بعد از مذاکره، دولت عراق به دولت ایران یادداشت رسمی داد و از وقوع این حادثه اظهار تاسف کرد. پذیرفت که اشتباه کرده و موافقت کرد خسارات وارد شده را جبران کند. پس از آن آقای دکتر جمشید حقگو، استاندار وقت آذربایجان غربی به عنوان نماینده دولت ایران، با استاندار سلیمانی به نمایندگی از دولت عراق، دیدار کرد و در بازدید از دهات مرزی آسیب دیده، خسارت وارده را برآورد کردند. استقبال عراق از آقای دکتر حقگو، به عنوان نماینده ویژه ایران بسیار محترمانه بود. این برخورد آشتی جویانه بود. حتی او را از سلیمانی به ماشین های خودشان به کربلا و عتبات بردند و زیارت کرد و برگشت. این کارها انجام شد، اما آیا دولت عراق علی الاطلاق دنبال جنگ بود یا نه، ارزیابی ما آن بود که بله، در پی آن بود. (یزدی، ۱۳۹۳: ۶ مهر)

همچنین دکتر ابراهیم یزدی در روز دهم شهریور ۱۳۵۸ در هاوانا با صدام حسین رئیس جمهور عراق در حاشیه اجلاس غیرمتعهدها دیدار و درباره روابط دو کشور گفت و گو کرد. وی حمایت عراق از جریان های ایرانی را برای صدام حسین تشریح کرد و به بمباران های روستاهای مرزی ایران از سوی هواپیماهای عراقی اعتراض کرد و از دیدارهایش با مقامات عراقی برای



نیت جمهوری اسلامی ایران و بیانگر علاقه امام خمینی به داشتن حسن رابطه با عراق بود. آقای دعایی در این رابطه می گوید: «با پیروزی انقلاب، عراقی ها ناچار به پذیرش رسمی جمهوری اسلامی ایران شدند. یکی از برنامه های جدی امام بعد از پیروزی انقلاب، رفع تنش بین ایران و همسایگان بود و تا آنجایی که من می دانم در جهت وصول به این هدف، دو عنصر را در ابتدای امر به سرعت انتخاب کردند، یکی آقای دکتر شمس اردکانی برای کویت و یکی هم عراق که پیشنهادشان برای عراق به من بود. من ابتدا نمی پذیرفتم، اما امام دلایلی آوردند که من را قانع کرد. ایشان گفتند من برای نشان دادن حسن نیت به مسئولین عراقی پیشنهادم این است که کسی که در زمان اقامت من در عراق، رابط ما بوده همان شخص الآن هم نماینده و رابط ما با حکومت عراق باشد. حسن البکر به دلیل پختگی این حسن نیت امام را درک کرد و مرا پذیرفت؛ اما صدام از کسانی بود که در تشکیلات حکومتی عراق به شدت مخالف انتخاب من بود؛ اما چون در اقلیت بود ناگزیر از تسلیم شد. او مدعی بود که من با محیط عراق و امام آشنا



ابوالحسن بنی‌صدر

را فقط به تو می‌گویم. خودت را به عنوان نماینده عراق در سازمان ملل متحد آماده کن. من می‌روم ضربه‌ای را بر آن‌ها بزنم که صدایش در تمام کره زمین شنیده شود. تمام حقوق‌مان را پس می‌گیرم.» (صلاح عمر العلی، ۱۳۸۳: ۱۳ تا ۱۷) محور اصلی سیاست دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با عراق این بود که از جنگ پیشگیری کند، ولی این تلاش‌ها پس از کناررفتن دولت بازرگان به صورت جدی ادامه نیافت.

از سوی دیگر امام خمینی (ره) پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران، با تشکیل بسیج مردمی از ۵ آذر ۱۳۵۸ سعی کردند تا یک نیروی مسلح مردمی را برای «دفاع همه‌جانبه» در کشور تشکیل دهند؛ ولی سازمان بسیج مستضعفان بیشتر برای مقابله با حمله احتمالی نظامی آمریکا برای نجات گروگان‌های آمریکایی شکل گرفت و هنگامی که جنگ عراق با ایران شروع شد، هنوز این سازمان شکل نظامی به خود نگرفته بود.

به هر حال، صدام حسین به حسن نیت ایران و نیز رفتارهای ناشی از بروز انقلاب و اقدامات بازدارنده ایران توجهی نکرد و تصمیم خود را که از تابستان سال ۱۳۵۸ برای شروع به جنگ با ایران گرفته بود، در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ عملی ساخت.

حل این نوع مشکلات صحبت کرد و برای بهبود روابط اعلام آمادگی کرد، ولی توجهی نشد. (یزدی، ۱۳۹۳: دوم مهرماه)

صلاح عمر العلی نماینده عراق در سازمان ملل طی مصاحبه‌ای با تلویزیون الجزیره در سال ۱۳۸۳ گفته است: «پس از رفتن ابراهیم یزدی احساس من این بود که این انسان، بسیار علاقه‌مند است بحران بین دو کشور همسایه تمام شود. در این جلسه وزیر امور خارجه ایران پیشنهاد کرد هیئت‌هایی بین دو کشور رد و بدل شوند. یزدی پیشنهاد کرد اگر می‌خواهید هیئتی را بفرستید. ما حاضریم چه به صورت علنی یا مخفی یا به هر شکل و طریقی که می‌پسندید با شما گفت‌وگو کنیم، چون مهم این است که نگذاریم بحران بین دو کشور تشدید شود. پس از رفتن یزدی من نزد صدام برگشتم، دیدم که منتظر من است. با من به خارج از سالن ملاقات آمد و به حیاط بزرگی که در آن یک استخر بزرگ بود رفتیم و روی صندلی در کنار آن استخر نشستیم. صدام از من پرسید به چه فکر می‌کنی؟ به او گفتم من به خاطر این دیدار خیلی خوشحالم و نسبت به حل بحران خوشبین هستم. او ساکت بود و چیزی نمی‌گفت. چند لحظه بعد روبه من کرد و پرسید: چند سال است کار دیپلماتیک می‌کنی؟ گفتم تقریباً ده سال و ادامه داد تو اصلاً می‌دانی دیپلماسی یعنی چه؟ چه چیزی مغز تو را خراب کرده؟ با این صحبت احساس نوعی ناامیدی کردم. به من گفت: چه صلحی! چه مشکلی بین ما و ایران حل شد؟ ای صلاح این مسئله یک فرصت است که شاید در یک قرن یک بار اتفاق می‌افتد. ایرانی‌ها اهواز را از ما گرفتند، شط‌العرب را از ما گرفتند، طبعاً حالا فرصت برای ما دست داده‌است. الان خودشان آمده‌اند، در حالی که کشورشان از هم پاشیده‌است. ارتش آن‌ها از هم گسیخته شده و نیروهایشان پراکنده گشته است. بین خودشان جنگ و دعواست. گروهی، گروهی دیگر را می‌کشند. پس الان این فرصت تاریخی ماست تا بتوانیم تمام حقوق‌مان را به‌طور کامل بازگردانیم. این موضوع

غیرنظامی در حاشیه مرز حمله می‌کرد و مرزهای دو کشور ناآرام بود.

یک روز پس از قطع رابطه آمریکا با ایران، در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹، بلافاصله صدام حسین در روز ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ اعلام کرد که: ما آمادگی داریم تا تمام اختلافاتمان با ایران را از طریق زور حل کنیم. چنین سخنی بیانگر تصمیم عراق برای جنگ با ایران بود. در همین ایام بنی‌صدر رئیس جمهور و فرمانده کل قوا بود. آقای هاشمی رفسنجانی در این باره می‌گوید: «وزارت امور خارجه در دست بنی‌صدر بود و اصلاً راضی نبود که کسانی در کارش دخالت کنند. معمولاً هم بنی‌صدر دو جور اطمینان می‌داد. می‌گفت داریم با دنیا حرف می‌زنیم و نمی‌گذاریم عراق حمله کند و عراق کوچک‌تر از این است که به ایران حمله کند. نظر بنی‌صدر این بود که عراق می‌خواهد باج‌گیری کند و یا جواب تحرکات شیعیان را بدهد.» (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۲۶۵) بنابراین به نظر می‌رسد که بنی‌صدر احتمال وقوع جنگ را بعید می‌دانسته است. از نظر اجتماعی و سیاسی هم اولویت فعالیت اکثر مسئولان ایرانی در زمستان سال ۱۳۵۸ و بهار سال ۱۳۵۹ که تنش عراق با ایران افزایش یافته بود، رقابت‌های انتخاباتی برای تشکیل اولین مجلس شورای ملی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

از طرفی با وقوع کودتای نقاب در ۲۲ تیر ۱۳۵۹، مشخص شد که ایران نمی‌تواند خیلی به ارتش اعتماد کند و این اقدام به مفهوم مواجه‌شدن جمهوری اسلامی با تهدید براندازی از سوی ارتش ایران تلقی می‌شد. بر همین اساس احساس می‌شد که ارتش توان گسترش‌یافتن و آرایش‌گرفتن در مرزها برای جلوگیری از جنگ احتمالی عراق را ندارد. بنابراین وقتی که جنگ آغاز شد، ایران آمادگی لازم را برای درگیرشدن در آن نداشت و ناخواسته مجبور به دفاع در برابر تهاجمی شد که تمایلی به آن نداشت. ایران درگیر پیامدهای ناشی از تغییر رژیم و

■ آمادگی نداشتن ایران در آغاز جنگ تحمیلی

صدام از آبان ۱۳۵۷ پایگاه تشکیلات خود را در بصره برپا و برادر خود را مأمور آن کرد. او در واقع برای انتقام از خفت ناشی از امضای معاهده ۱۹۷۵ با شاه، قرارگاه خود را در بصره برپا کرد و دو پایگاه نیرومند دیپلماتیکش را در خرمشهر و کرمانشاه به شدت فعال کرد. آغاز جنگ در حقیقت از آبان ۵۷ بود، یعنی از لحظه‌ای که رژیم شاه ترک برداشت، ساواک منحل شد و بدنه ارتش داشت از دست می‌رفت. (دعایی، ۱۳۹۵: ۷ مهر) تا آغاز رسمی جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عراق به‌طور مکرر به پاسگاه‌های مرزی و بعضی از اهداف



برداشت حمله نظامی به ایران را موفق ارزیابی می‌کرد. در مجموع به نظر می‌رسد که تصور دولت عراق از «مساعدبودن محیط بین‌المللی»، «ضعف‌های قدرت نظامی ایران»، «توانایی‌های ماشین جنگی ارتش بعثی» و «اطمینان از پیروزی»، موجب شد که صدام حسین به آغاز یک جنگ ویرانگر و خونین علیه ایران وسوسه شود تا ظرف چند روز به اهداف طرح‌ریزی شده خود برسد که البته نرسید.

■ اقدامات انجام نشده

برای جلوگیری از جنگ

وجود زمینه‌های متفاوت تاریخی، جغرافیایی، مذهبی دو کشور، موجب بروز اختلاف سیاسی بین دولت‌های آن کشورها خواهد شد. در صورتی که این اختلافات به شکل مناسبی حل نشود، مناقشه بین دو کشور شکل خواهد گرفت. مناقشه‌ها بایستی از راه سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل گردند، ولی چنانچه مناقشه‌ها ادامه یابند، ممکن است به منازعه تبدیل شوند. چنانچه منازعه ادامه یابد و از سوی طرفین کنترل نشود، امکان دارد به تهدید یک طرف از سوی طرف دیگر، منجر گردد. معمولاً طرفی که در خود احساس قدرت و توانایی بیشتری می‌کند سعی دارد تا با استفاده از تهدید و زور، خواسته‌های خود را بر طرف مقابل تحمیل نماید. چنانچه تهدید، کنترل و مدیریت نشود می‌تواند موجب بروز بحران در روابط دو کشور گردد. در واقع بحران، خروج از یک وضعیت عادی و رفتن به سوی ناپایداری و عدم تعادل در روابط بین دو کشور است. بحران‌ها بایستی به سرعت مدیریت و از توسعه و گسترش آنها، جلوگیری شود. چنانچه به هر علتی، بحران‌ها کنترل نشوند زمینه‌ساز بروز و آغاز جنگ خواهند شد. بنابراین می‌توان گفت که همه جنگ‌ها سیر تاریخی و معینی را طی می‌کنند و تا زمینه‌ای وجود نداشته باشد به سادگی جنگی رخ نمی‌دهد. تغییر از وضعیت بحرانی به جنگ می‌تواند يك امر محتوم نباشد بلکه هر دولتی می‌تواند

استقرار نظام جدید جمهوری اسلامی در کشور بود و درگیر ایجاد سازوکارهای قانونی برای شکل‌دهی به حکومتی با ساختار جمهوری بود.

بسیاری از کسانی هم که در رأس حکومت جدید قرار گرفته بودند، از جمله رئیس جمهور، تجربه‌ای از حکمرانی و مدیریت در سطح کلان نداشتند و عملی‌شدن تهدیدات عراق را باور نمی‌کردند و نسبت به آماده‌شدن ارتش عراق برای جنگ متعجب بودند. تصور بعضی از مسئولان ایرانی بر این بود که تعداد زیادی از مردم عراق با مردم ایران همراه و همسو هستند و همین همدلی مانع از تصمیم حکومت عراق برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

از سوی دیگر صدام تصور می‌کرد که جنگ با ایران هدف آسانی است و می‌تواند با تهاجم نظامی به ایران به پیروزی سریع و شکوهمندی نائل آید؛ زیرا ایران در آشفتگی و هرج و مرج ناشی از انقلاب به سر می‌برد. (Field, 1994: 82)

اوضاع ارتش ایران هم آشفته و نابه‌سامان بود. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ، پنج رئیس عوض کرد. (علایی، ۱۳۹۵: ۲۵) فرماندهان نیروهای مسلح نیز به‌طور مرتب تغییر می‌کردند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز تا شروع جنگ پنج فرمانده عوض کرد. بنابراین نیروهای مسلح دارای ثبات مدیریت و فرماندهی نبودند. به هر حال، جمهوری اسلامی ایران در شرایط قبل از آغاز جنگ، از نظر نظامی در وضعیت «نابسامان» و عدم آمادگی، از نظر سیاسی «متشتت» و دچار چنددستگی‌های حزبی و اختلاف‌های داخلی، از نظر اقتصادی در حال «آشفته‌گی» و مشکلات کارگری و از نظر بین‌المللی نیز در شرایط نسبتاً «منزوی» به سر می‌برد. طبیعی است که در چنین شرایطی، ایران خواستار جنگ نبود و آن را به ضرر خود می‌دانست و از آن اجتناب می‌کرد و صدام هم با همین

حاکمیت ملی و تغییر ساختار اداره عراق و برگزیدن حاکمان خود از طریق انتخابات آزاد خواهند رفت.

از طرفی پس از تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ که دولت موقت کنار رفت و شورای انقلاب اداره کشور را به دست گرفت، شاهد دیپلماسی فعالی از سوی ایران در ارتباط با جلوگیری از شرارت‌های عراق نیستیم. از ۱۸ آبان تا ۸ آذر ۱۳۵۸، ابوالحسن بنی‌صدر و سپس از ۸ آذر ۱۳۵۸ تا ۱۹ شهریور ۱۳۵۹، صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه بوده‌اند. از پنجم بهمن ۱۳۵۸، بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد و تشکیل و تکمیل اعضای دولت جدید تا مهر ۱۳۵۹ به طول انجامید. به نظر می‌رسد که در این ایام بیشتر تلاش‌های وزارت امور خارجه ایران بر حل و فصل مسائل مربوط به گروگان‌های آمریکایی متمرکز بوده و مقابله با تهدیدات عراق در اولویت دستگاه سیاست خارجی ایران نبوده‌است. به هر حال، ایران می‌توانست درهای دیپلماسی را باز نگهدارد و فعالیت‌های دیپلماتیک را برای جلوگیری از بروز جنگ افزایش دهد. اما ایران در آن زمان، دارای وزارت امور خارجه حرفه‌ای و دستگاه دیپلماسی فعالی نبود که بتواند از تمامی ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و سایر منابع ممکن برای جلوگیری از وقوع جنگ استفاده کند.

از نظر قدرت‌نمایی نظامی هم، رئیس‌جمهور ایران که فرمانده کل قوا بود، یگان‌های ارتش را قبل از شروع جنگ به مرزها اعزام نکرد. رزمایشی هم برای نشان دادن قدرت دفاع در برابر تهاجم احتمالی ارتش عراق در نزدیکی مرزها برگزار نکرد. وقتی جنگ شروع شد، اکثر واحدهای ارتش در پادگان‌های خود بودند و یگان‌هایی مثل لشکرهای ۱۶، ۲۱، ۸۱، ۷۷ و ۸۸ و تیپ نیروی مخصوص و گروه‌های توپخانه عمل کلی [دوربرد] و هوانیروز پس از شروع جنگ عازم جبهه‌ها شدند. به سپاه پاسداران هم اعلام آمادگی‌اش نشد و هیچ تلاشی برای تبدیل سپاه یا حداقل سپاه‌های استان‌های مرزی به

با دیپلماسی، مذاکره و روابط دوستانه، وضعیت‌های بحرانی را به شرایط عادی تبدیل کند. به هر حال با مدیریت درست، می‌توان بر مبنای سیاست برد-برد، از صعود به مرحله تشدید منازعه، پرهیز کرد و شرایط را به گونه‌ای مدیریت کرد که وضعیت بحرانی به جنگ تبدیل نشود و حتی منجر به روابط منطقی بین دو کشور گردد. درباره تشدید بحران عراق با ایران طی چند ماه پس از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ، به نظر می‌رسد که ایران نتوانسته و یا نخواسته است به رئیس‌جمهور عراق این اطمینان را بدهد که گسترش اندیشه انقلاب اسلامی که مبارزه علیه ظلم و استبداد است، دامن دیکتاتوری عراق را نخواهد گرفت. شاید صدام احساس می‌کرد که اگر در سال‌های اول تشکیل جمهوری اسلامی که هنوز ساختارهای نظام جدید قرص و محکم نشده‌اند، معاهده ۱۹۷۵م را تغییر ندهد و قدرت خشن خود را به رخ ایران نکشد و جلوی سرایت انقلاب را به کشور خود نگیرد، طبیعتاً حزب بعث قابلیت بقا، در حاکمیت عراق را نخواهد داشت و مردم آن کشور هم به دنبال

خواهیم ماند. این حزب برای جذب توده‌های روشنفکر جهان عرب ادعاهایی داشت؛ از جمله این که خلیج فارس را به عنوان خلیج عربی مطرح کرد، نسبت به جزایر تنب بزرگ، کوچک و بوموسی مدعی شد و فراتر از آن برای سازماندهی اعراب ایرانی و جداکردن بخش عرب‌نشین کشور ما یعنی خوزستان برنامه‌ریزی کرد. (دعایی، ۱۳۹۵: ۷ مهر) امام خمینی (ره) درباره ماهیت حزب بعث در ۲۷ مرداد ۱۳۶۰ می‌فرماید: «این حزب (بعث) آمدند و زمام امور کشور (عراق) را به دست‌شان گرفتند و با زور و فشار و حبس و زجر و اینها دارند یک حکومت جابرانه می‌کنند و تا حالا که مدت چندین سال، بیست سال بیشتر است که اینها آمده اند، باز یک قانون اساسی ندارند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۳)

با فرصت پدیدآمده ناشی از سقوط نظام شاهنشاهی و تغییر رژیم در ایران، حکومت عراق تصور می‌کرد می‌تواند به شعارهای حزب بعث در باره ایران تحقق بخشد. بر همین اساس، ادعاهای سابق عراق درباره «اروندرو» و «جزایر سه‌گانه» ایرانی در خلیج فارس و «خوزستان» دوباره با شدت مطرح شد و عراق به دنبال اعمال فشارهای بی‌سابقه سیاسی، تبلیغاتی، عملیاتی و نظامی بر ضد ایران برآمد. این سیاست باعث شد تا به تدریج تنش بین عراق و ایران افزایش یابد. البته ایران در ماه‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی تهدید راهبردی و امنیتی خود را حمایت آمریکا از بازگرداندن شاه به قدرت می‌دانسته است و به نظر می‌رسد که عراق را یک تهدید نظامی تلقی نمی‌کرده است. تسخیر سفارت آمریکا در تهران از سوی دانشجویان نیز به دلیل همین نگرانی انجام شد. بنابراین اولویت رهبری جمهوری اسلامی، مقابله با برنامه‌های آمریکا برای بازسازی نظام سلطنتی در ایران بود. اما عراق به این واقعیات توجه نداشت و به دنبال استفاده از فرصت برای نیل به اهداف خود بود و به‌طور مرتب بر طبل اختلافات می‌کوفت. به هر حال، با کوتاه‌نیامدن عراق و ایران از مواضع تبلیغاتی علیه یکدیگر و انعطاف‌ناپذیری هیچ‌یک از طرفین، اختلافات

یگان‌های نظامی رزمی نشد. از طرفی ستاد فرماندهی جنگ نیز در مرکز و در استان‌های مرزی ایجاد نشد تا بتواند ظرفیت‌های کشور را برای دفاع و مقابله با تجاوز احتمالی ارتش عراق به کار گیرد. حتی تا روز شروع جنگ تردد کشتی‌ها در اروندرود ادامه داشت و گمرگ خرمشهر نیز تخلیه نشد و استان‌های خوزستان و ایلام و کرمانشاه حالت دفاعی به خود نگرفتند.

از سوی دیگر، گرچه ایران تمامی تجاوزات مرزی عراق را به شورای امنیت سازمان ملل متحد منعکس کرده است، اما برای بهره‌گیری از ظرفیت شورای امنیت در جلوگیری از جنگ به سازمان ملل اقدامی نکرده است. بنابراین می‌توان گفت که در ماه‌های منتهی به شروع جنگ، معرفت لازم و ادراک کلی از تحولات محیطی و نیت حزب بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در بین دستگاه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی کشور برای پیش‌بینی احتمال وقوع جنگ، وجود نداشته است. بنابراین درک صحیحی از تهدیدات جدی عراق که ممکن بود به بروز یک جنگ وسیع منجر گردد در ستاد مشترک ارتش و در شورای عالی دفاع و در ذهن بنی‌صدر به عنوان جانشین فرمانده کل قوا به وجود نیامد تا اقدامات بازدارنده لازم در ابعاد سیاسی، حقوقی، نظامی، دیپلماسی، بین‌المللی و حتی افکار عمومی و آمادگی مردم و دولت و استانداری‌ها و فرمانداری‌های حاشیه مرز با عراق انجام گیرد.

■ یافته‌های تحقیق، درس‌ها و تجربیات

با بررسی‌های انجام شده در این تحقیق مشخص می‌شود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به سال‌های قبل از ۱۳۵۳ و به شیوه‌های قبل از توافق دو کشور بر سر معاهده الجزیره برگشت. حزب بعث عراق به شدت «ضد ایرانی» و «ضد شیعی» و به دنبال «آقایی بر اعراب» بود. حزب بعث در منطقه کودتاخیز عراق روی کار آمد و شعارش «جئنا و نبقی» (ما آمده‌ایم که بمانیم) بود؛ یعنی ما به هر قیمت

از طرفی عراق از ماه‌ها قبل از شروع جنگ، برخی از لشکرهای خود را در نزدیک مرزهای ایران آرایش داده بود و رزمایش‌هایی را نیز برگزار کرده بود.

در ایران هم هیجان به وجود آمده در بین مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به گونه‌ای بود که انتظار همراهی مردم عراق به‌ویژه شیعیان و گردهای آن کشور را با مبارزات ضد استبدادی خود داشتند و کنترل این فضا از سوی زمامداران وقت جمهوری اسلامی کار ساده و امکان‌پذیری نبوده است. با افزایش تنش‌ها هیچ‌یک از دو کشور حاضر به کوتاه آمدن و انعطاف در مواضع خود نبوده‌اند و برای کاهش تنش دست به هیچ‌گونه اقدام جدی زده‌اند. در واقع به نظر می‌رسد که هر دو طرف راهبرد «تهدید در برابر تهدید» را در سیاست خارجی خود در قبال یکدیگر اتخاذ کرده بوده‌اند. در چنین شرایطی احتمال وقوع جنگ از سوی عراق و عواقب آن را کسی از جمله زمامداران تازه‌کار ایران جدی نمی‌گرفتند و با تحلیل خود آن را نمی‌پذیرفتند. این روحیه از رئیس جمهوری وقت (بنی‌صدر) به پایین، حتی در میان برخی بزرگان سیاسی و در اغلب مدیران کشور وجود داشت. آنها به دلیل شور انقلابی نمی‌پذیرفتند که امکان دارد جنگی تمام‌عیار به وقوع بپیوندد، تا بخواهند بروند و جلوی آن را بگیرند. اما این‌که چرا با وجود شواهد و قرائن و هشدارها ایران باور نکرد که عراق می‌خواهد جنگ را آغاز کند، سوال دیگری است که پاسخ به آن تحقیق دیگری را می‌طلبد.

به هر حال، دولت‌های ایران و عراق مشکلات پدیدآمده بین دو کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مدیریت و حل نکرده‌اند. با توجه به ماهیت شناخته‌شده رژیم بعثی عراق، دولت‌های مختلف ایران باید طوری رفتار می‌کردند که هیچ بهانه‌ای به دست آن رژیم شرور ندهند تا نتواند حمله نظامی خود علیه ایران را توجیه کند و باید تمهیداتی را به کار می‌گرفتند تا مانع حمله عراق به ایران می‌شدند و یا حداقل زمان حمله را هرچه بیشتر به

افزایش یافت و در نهایت «تشدید منازعات» منجر به جنگ شد.

عراق بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، در کردستان و خوزستان جنگ مسلحانه به راه انداخت و جنگنده‌های عراقی به کُرّات اهدافی را در داخل خاک ایران و در حواشی نوار مرزی هم‌باران می‌کردند. (زیبا کلام، ۱۳۸۷: ۲۷۲) از طرفی صدام هم در یک سخنرانی در جمع فرستادگان «حزب‌الوفد» مصر به بغداد در بیستم تیر ۱۳۶۳، مدعی بود که در هفته‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بمب‌گذاری‌ها و انفجارها در هر نقطه از عراق شروع شده بود. (احمد بن عبدالله، ۱۳۶۶: ۷۹)

آن‌چه مشخص است این که عراق از اواخر تابستان ۱۳۵۸، برنامه حمله به ایران را در دستور کار خود داشته است. به‌طوری که مقامات آمریکایی به دلیل آنکه عراق متحد شوروی بود، مسئولان دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را از این برنامه مطلع کرده‌اند.

آقای درودیان در این باره می‌گوید: عراق برای نخستین بار در آبان ۵۸، یعنی پیش از تصرف سفارت آمریکا قصد داشت به ایران حمله کند. خبر این حمله را نیز آمریکایی‌ها در اردیبهشت ۵۸ به ایران دادند. اما جمع‌بندی‌شان این بود که عراق در فکر حمله به ایران نیست و اگر احتمال جنگ هم باشد، صرفاً برای نشان دادن یک ضرب شست به ایران است؛ اما بعد از شهریور، آمریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که عراق می‌خواهد به ایران حمله کند؛ بنابراین در مهرماه آقای کیو مأمور سازمان سیا CIA در سفر به ایران، درخواست ملاقات با مقامات ایران کرد؛ این خبر را من از دو منبع کنترل کردم: یکی از طریق آقای مارک گازپروسکی که با رئیس ایستگاه سیا در فرانسه مصاحبه کرده بود و این اطلاعات را به من داد و منبع دیگر مصاحبه‌ای است که با ابراهیم یزدی انجام دادم و ایشان هم این خبر را تأیید کردند. (درودیان، ۱۳۹۵: ۷ مهر)

است. گرچه سیاست ایران در قبال عراق، پرهیز و اجتناب از ورود به جنگ بوده است، ولی این سیاست مانع بروز جنگ از سوی دولت عراق نشده است. بنابراین با وجود این که جمهوری اسلامی ایران تلاش‌هایی را در حوزه‌های مختلف برای جلوگیری از بروز جنگ انجام داده است، ولی اقدامات انجام‌شده برای پیشگیری از تصمیم‌گیری عراق برای تهاجم نظامی و جلوگیری از وقوع جنگ کافی نبوده است. برای مثال مذاکره مستمر با عراق و یا بهره‌گیری از ظرفیت سازمان ملل و یا فراخوان قوای نظامی به سمت مرز نیز برای جلوگیری از بروز جنگ انجام نشده است. بنابراین اقدامات جمهوری اسلامی ایران، بازدارنده عراق برای ممانعت و پیشگیری از وقوع جنگ نبوده است.

حال با توجه به بحث‌های انجام شده در این مقاله سوال این است که در منظومه جهانی به شدت درهم‌تنیده امروز، چگونه می‌توان از تجربیات دوره جنگ تحمیلی بیشتر آموخت تا در آینده غافلگیر نشد و با جنگ مواجه نگردید. چگونه می‌توان یک نوع قدرت بازدارندگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی از طریق گسترش همکاری با سایر کشورها ایجاد کرد تا مردم بتوانند با امنیت خاطر برای خود آسایش، ثروت و رفاه به وجود آورند و زندگی راحت و با کمالی داشته باشند؟

فهرست منابع

الف: فارسی

- احمدبن عبدالله شهاب‌الدین؛ (۱۳۶۶)، ستیز با صلح، تهران، شورای عالی دفاع، ستاد تبلیغات جنگ.
- امام خمینی روح‌الله؛ (۱۳۷۸)، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۵.
- بختیاری مسعود؛ (۱۳۹۵)، آغاز جنگ از آبان ۵۷ بود، تهران، تاریخ ایرانی، به نشانی: <http://tarikhirani.ir/fa/news/5609>
- پارسادوست، منوچهر؛ (۱۳۶۹)، نقش عراق در شروع جنگ، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- پژمان، عیسی؛ (۱۳۹۱)، تندباد حوادث، مصاحبه کننده: عرفان قانعی فرد، تهران، نشر علم.
- درویدیان، محمد؛ (۱۳۹۵)، آغاز جنگ از آبان ۵۷ بود، تهران، تاریخ ایرانی، به نشانی: <http://tarikhirani.ir/fa/news/5609>

تعویق می‌انداختند تا شرایط داخلی کشور به آن چنان انسجامی برسد که بتواند در برای تهاجم یک ارتش مجهز خارجی مقاومت و آن را دفع کرد. پس می‌توان گفت که دولت‌های ایران و عراق برای جلوگیری از بروز جنگ از روش «مدیریت تنش» بهره کافی نگرفته‌اند.

وزارت خارجه ایران قبل از شروع جنگ یک وزارت خارجه فشل بود. سه سازمان مهم کشور؛ یعنی وزارت امور خارجه، ساواک و ارتش بعد از انقلاب دچار درهم‌ریختگی شدند، سازمان‌هایی که در عرصه داخلی و خارجی امنیت ملی نقش داشتند، هر سه به هم ریختند. (بختیاری، ۱۳۹۵: ۷ مهر)

از اواخر سال ۱۳۵۸ که سفرای دو کشور اخراج شدند، تنش بین دو کشور به‌طور مرتب افزایش یافته است و در این ایام دو کشور با یکدیگر ارتباط سازنده برقرار نکرده‌اند و نتوانسته‌اند از طریق مذاکره و گفت‌وگو از دامنه تنش‌ها بین یکدیگر بکاهند. بنابراین بحران بین طرفین بالا گرفته و در نهایت منجر به شروع جنگ از سوی عراق شده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آنست که جمهوری اسلامی ایران نتوانسته اقداماتی بازدارنده‌ای را در حوزه دیپلماسی و نظامی انجام دهد تا مانع از بروز جنگ بین دو کشور همسایه شود.

نتیجه‌گیری

بررسی چگونگی آغاز جنگ عراق علیه ایران مشخص می‌سازد که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه آمادگی برای مواجه شدن با یک جنگ سراسری و گسترده را نداشته است. ایران تصور نمی‌کرده است که عراق با وجود معاهده مرزی ۱۹۷۵م الجزیره و نداشتن هیچ‌گونه اختلاف مرزی با ایران، دست به یک جنگ پرهزینه برای حل مشکلات خود با بزرگ‌ترین همسایه خویش بزند. ایران هیچ‌گونه ادعای ارضی علیه کشور همسایه خود عراق نداشته است و نیاز به حسن هم‌جواری برای تحکیم و تثبیت نظام جدید جمهوری اسلامی داشته

Politics, Foreign Policy and Security Challenges U.S.A West View Press.

-Gray Colin, Definitions and Assumptions of deterrence, Journal of Strategic Studies, 1990, Vol. 13.

-دعایی سیدمحمود؛ (۱۳۹۵)، آغاز جنگ از آبان ۵۷ بود، تهران، تاریخ ایرانی، به نشانی: <http://tarikhirani.ir/fa/news/5609>

-دوئرتی، جیمز و دیگران؛ (۱۳۸۴)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، نشر قومس.

-دیلیپ، هیرو؛ (۱۳۹۱)، طولانی‌ترین جنگ، ترجمه علیرضا فرشچی و دیگران، تهران، نشر مرز و بوم.

-روزنامه اطلاعات، مورخ ۸ اسفند ماه ۱۳۵۷.

-زیباکلام، صادق و فرشته‌سادات اتفاق‌فر؛ (۱۳۸۷)، هاشمی بدون روتوش، چاپ سوم، تهران، روزنه.

-صلاح، عمر العلی؛ (۱۳۸۳)، مصاحبه با شبکه الجزیره، به نقل از فصلنامه فرهنگ پایداری، تهران، سال اول شماره دوم، زمستان ۱۳۸۳، ص/۱۳ تا ۱۷.

-عسکرخانی، ابومحمد؛ (۱۳۷۷)، سیری در نظریه‌های بازدارندگی خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، تهران، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۵.

-علایی، حسین؛ (۱۳۹۵) تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد اول، تهران، نشر مرز و بوم.

-کارول، سیوتز؛ (۱۳۸۶)، اتحاد شوروی و خلیج فارس در دهه ۱۹۸۰، ترجمه بیژن اسدی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

-مسعودی، حیدرعلی؛ (۱۳۸۸)، جنگ تحمیلی از منظر نظریه سازه‌انگاری، تهران، فصلنامه نگین، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سال هشتم، شماره ۲۹.

-نمکی، علیرضا؛ جلسه بررسی موضوعات جنگ، تهران، باغ موزه دفاع مقدس با حضور نگارنده، مورخه یکشنبه ۱۳۹۱/۹/۱۲.

-نیکسون، ریچارد؛ (۱۳۶۲)، جنگ حقیقی، ترجمه جعفر ثقه‌الاسلامی، تهران، انتشارات نوین.

-ولایتی، علی اکبر؛ (۱۳۸۷)، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

-هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ (۱۳۷۷)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، انتشارات پیکان.

-یزدی، ابراهیم؛ (۱۳۹۳)، جنگ ایران و عراق قابل پیش بینی و پیشگیری بود، تهران، سایت تاریخ ایرانی، ششم مهرماه ۱۳۹۳، به نشانی: <http://7834/tarikhirani.ir/fa/news>

-یزدی، ابراهیم؛ (۱۳۹۳)، متن کامل مذاکرات ابراهیم یزدی با صدام حسین در هاوانا، تهران، سایت تاریخ ایرانی، دوم مهر ماه ۱۳۹۳، به نشانی: <http://7832/tarikhirani.ir/fa/news>

ب: غیر فارسی

-Anvari Tehrani, I. (1993), "Iraqi Attitudes and Interpretation of the 1975 Agreement, In Rajaei, F, The Iran-Iraq War: The Politics of Aggression, Miami: University Press of Florida.

-Arthur Campbell, Turner, (1980), Nationalism & Religion, Iran & Iraq at War

-Cordesman, A., Wagner, A.R. (1990), The Lessons of Modern War: The Iran-Iraq War, Boulder, CO and San Francisco, CA: Westview Press.

-Field, M. (1994), Inside the Arab World, Harvard: Harvard University Press.

-Freedman Robert, (2009), Contemporary Israel: Domestic

پیدا و پنهان یک تهاجم هماهنگ تاریخ شفاهی سر لشکر محسن رضایی

یعقوب پناهی / زهرا گل محمدی

چکیده

در یادداشت حاضر، ابتدا تعریفی اجمالی از تاریخ شفاهی و اهمیت آن در تاریخ‌نگاری معاصر ارائه و سپس به اختصار، یکی از مراکز پیشگام تاریخ شفاهی در ایران معاصر، یعنی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس معرفی خواهد شد. در ادامه، ضرورت ضبط و ثبت جلسات تاریخ شفاهی فرماندهان دفاع مقدس در این مرکز و اهمیت و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران تبیین و ویژگی‌های منحصر به فرد تاریخ شفاهی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بر شمرده می‌شود. در نهایت نیز با توجه به موضوع تخصصی این شماره از فصلنامه نگین، نظرات فرماندهان عالی دفاع مقدس در خصوص علل و زمینه‌های وقوع جنگ ایران و عراق در دو ساحت نظامی و سیاسی و در سه منظر وضعیت داخلی ایران، اهداف و انگیزه‌های عراق و دلایل همراهی نظام بین‌الملل با این جنگ بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

تاریخ شفاهی دفاع مقدس، فرماندهان ایرانی، جنگ عراق و ایران، دفاع مقدس، تهاجم عراق، زمینه‌ها، اهداف، نظام بین‌الملل.

اهمیت تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر

اهمیت‌یافتن «روایت‌ها» در سه دهه اخیر، سبب شکل‌گیری سبک نوینی از تاریخ‌نگاری تحت عنوان

تاریخ شفاهی شده است. این سبک چنان شتاب گرفته و پیشرفت کرده است که برخی معتقدند در صورتی که برخی چارچوب‌های علمی و روش‌های تحقیقاتی در برگزاری و تدوین جلسات مصاحبه تاریخ شفاهی لحاظ شود، آثار تولید شده در این حوزه می‌تواند دستاوردهای پژوهشی نیز قلمداد شود. بر همین اساس، تاریخ شفاهی در دهه اخیر در ایران نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته و برخی مراکز پژوهشی و گروه‌های تاریخ دانشگاه‌ها، آثار قابل‌توجهی در زمینه تاریخ معاصر ایران در قالب این سبک تولید کرده‌اند. این آثار، هم از حیث اعتبار علمی و هم از نظر چارچوب‌های روش‌شناسی ذومراتب‌اند و همه آنها را می‌توان علمی قلمداد کرد.

در مورد تاریخ شفاهی معاصر ایران و به‌ویژه مقطع جنگ نیز توجه به نکته پیش‌گفته بسیار مهم و اساسی است. به بیانی دیگر، اگر توجه به این سبک تاریخ‌نگاری روش‌مند و مبتنی بر مطالعه دقیق موضوع باشد، شاید بتواند خلأها و کمبودهای تاریخ‌نویسی کلاسیک را تا حدودی تکمیل و نقاط تاریک آن را روشن کند. با توجه به این اهمیت در تعریفی کلی فلسفه اصلی تاریخ شفاهی می‌تواند بیان ناگفته‌ها و بخش‌های مغفول‌مانده تحولات تاریخی معاصر و پرداختن به ابعاد گوناگون آن، از زبان عاملان آن رویدادها باشد. در این شیوه، مصاحبه‌کننده می‌کوشد که اطلاعات مهم و مورد اعتنا را از گُنه حافظه مصاحبه‌شونده با مطالعات پیشینی و پژوهش‌هایی که انجام داده است، استخراج

و تحقیقات جنگ (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس) طبقه‌بندی و سازماندهی شد. از زمان جنگ تاکنون، آثار متعددی بر اساس این اسناد تدوین و منتشر شده است. با گذشت زمان، به تدریج تجربه نشان داد که اسناد و آثار پژوهشی منتج از آنها به تنهایی بیان‌کننده همه ابعاد، دامنه و عمق وقایع جنگ نیستند. به همین دلیل، برای پرکردن این خلأ، پروژه گفت‌وگو با فرماندهان مطمحنظر قرار گرفت و از سال ۱۳۸۸ آغاز شد. این گفت‌وگوهای تخصصی با محوریت مجریانی برگزار می‌شود که خود راوی یا فرمانده یا پژوهشگر عرصه جنگ بوده‌اند.

■ چستی و چرایی تاریخ شفاهی فرماندهان دفاع مقدس

تاریخ شفاهی فرماندهان و مسئولان دفاع مقدس از این نظر اهمیت دارد که در گفت‌وگو با آنان اطلاعات سودمند و دقیقی درباره جزئیات و فراز و فرود مهم‌ترین رویداد تاریخ معاصر ایران، یعنی جنگ عراق علیه ایران به دست می‌آید. منابع مکتوب اعم از گزارش‌های رسمی، اسناد و مدارک مکتوب نظامی، نقشه‌ها و کالک‌ها، ابلاغیه‌ها، فرمان‌ها و... و نیز پژوهش‌ها و تحقیقات مستقلی که در موضوعات جنگ انجام شده است، عموماً محدود و ناقص است و تاریخ شفاهی فرماندهان دفاع مقدس می‌تواند پژوهش‌های مکتوب و اسناد موجود در زمینه جنگ را تکمیل کند و در حوزه‌هایی که شواهد و مدارک مستند اندک است یا با تمایلات و گرایش‌های یک‌جانبه نوشته شده است، به بسط و گسترش دانش تاریخی کمک کند.

ذهن فرماندهان جنگ آکنده از اطلاعاتی در خصوص گذشته‌ای نزدیک و قابل لمس است که اگر ثبت و ضبط نشود، از بین می‌رود. بنابراین، گفت‌وگو با فرماندهان با اهدافی همچون، استخراج اطلاعات و انتقال دستاوردهای تاریخی فرماندهان، بازیابی بایگانی ذهن فعالان و شاهدان عینی آن برهه تاریخی و در نهایت تبدیل کردن اطلاعات شفاهی به منابع مکتوب صورت

کند و با ادبیاتی نو بازمیانند. مهم‌ترین ویژگی این روش، بیان رویدادها از زبان کسی است که خود شاهد وقایع بوده یا در شکل‌گیری آنها نقش داشته است. از این رو، می‌تواند از جزئیات و لایه‌های درونی و پنهان حوادث، اطلاعاتی دقیق ارائه دهد. علاوه بر این، در تاریخ شفاهی، احساسات جمعی و فردی فرصت ظهور و بروز می‌یابد، خردورزی نهفته در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌شود و چگونگی و چرایی رخدادها، زمینه‌ها و پیامدهای آنها و جزئیات و پیچیدگی‌هایشان که تجربه زیسته راوی است، به تصویر کشیده می‌شود. شاید به همین دلایل، برخی مورخان معتقدند که هیچ نگارشی در خصوص تاریخ معاصر اهمیت و ارزش نمی‌یابد، مگر این‌که با افرادی که در وقایع و رویدادها نقش داشته‌اند، گفت‌وگو شده باشد، چرا که زبان اسناد و روایات رسمی و کلاسیک در تاریخ‌نگاری معاصر به دلیل افشاندن کامل اطلاعات تاریخی، ناقص و محصور در محدودیت‌های آن عصر است و این تاریخ شفاهی است که می‌تواند با عبور از این محدودیت‌ها تاحدودی ابعاد تحولات و ناگفته‌های آنها را از زبان کنش‌گران رویدادها و بی‌واسطه روشن سازد.

■ نقش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در ثبت و ضبط تاریخ شفاهی جنگ

یکی از مراکز پیشگام در تهیه آثاری در چارچوب این سبک تاریخ‌نگاری در ایران معاصر، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. سابقه تأسیس این مرکز که از اولین مراکز تاریخ شفاهی در ایران محسوب می‌شود، به آغاز حمله عراق به ایران برمی‌گردد. در فاصله کوتاهی پس از شروع جنگ، راویان دفتر سیاسی سپاه پاسداران که بعدها به مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تغییر نام یافت، با حضور در کنار فرماندهان و رزمندگان به ثبت و ضبط رویدادها و ضبط مکالمات فرماندهان در لحظه وقوع حوادث پرداختند و اسناد دست‌اولی تولید کردند. در کنار این اسناد متقن، اسناد مکتوب هر عملیات نیز جمع‌آوری و در آرشیوهای مرکز مطالعات

می‌گیرد.

» محسن رضایی:

«عقدۀ حقارت و ضعف در برابر ایران،
یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های روانی
در شخصیت صدام حسین
برای شروع جنگ با ایران بود...»

نبرد و پرس‌وجو دربارهٔ ابعاد آنها سبب می‌شود که لایه‌های پنهان و ناشناختهٔ جنگ آشکار گردد و در نهایت اثری تولید شود که با دیدی تحلیلی، اطلاعاتی دقیق، مفید و همراه با جزئیات در اختیار علاقه‌مندان این حوزه قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، مجری پروژه که خود از راویان یا پژوهشگران مرکز است و بعد از اتمام جنگ نیز در زمینهٔ دفاع مقدس پژوهش‌های متعددی انجام داده است، تلاش می‌کند با تکیه بر اندوخته‌های خود در خلال مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، سؤالات اساسی، چالشی و بسیار دقیق و جزئی مطرح کند. تکیه بر این پشتوانه و میراث پژوهشی سبب می‌شود که در جلسات مصاحبه، مجریان تحت تأثیر شخصیت، جایگاه یا دانسته‌های مصاحبه‌شونده قرار نگیرند و هر کجا لازم ببینند، با پرسش‌های چالشی، ابعاد دقیق‌تری از رویداد را بازنگاری کنند. آنها همچنین به مصاحبه‌شونده از نظر ذهنی برای بازیابی اطلاعات یاری می‌رسانند. در واقع، تجربه‌های زیستهٔ مجریان پروژه‌ها که خود با جوانب گوناگون انقلاب اسلامی و تاریخ جنگ آشنایی کامل دارند و در رویدادهای آن دوره حضور داشته یا درخصوص آنها تحقیقاتی انجام داده‌اند و نزد اهل فن، پژوهشگر این عرصه محسوب می‌شوند، کمک بسیاری به آنها در بازنگاری لایه‌ها و ابعاد مختلف و فضا و مکان جنگ می‌کند.

۳. برای بازنگاری دقیق و جزئی‌تر وقایع، در هر جلسهٔ مصاحبه، شماری از کارشناسان و راویان نیز حضور دارند که پیش از جلسهٔ اصلی، زوایای گوناگون موضوعی را که قرار است در مصاحبهٔ اصلی، مورد پرسش و بحث

اگر این گفت‌وگوها به‌لحاظ روشی و محتوایی، چارچوب‌مند و مبتنی بر روش‌ها و دستاوردهای جدید علم تاریخ باشد و در هر موضوع و متناسب با هر شخص، منابع و اسناد متقن و معتبر مبنای طراحی سؤالات و طرح گفت‌وگوها و رفع پرسش‌ها و ابهام‌ها قرار گیرد، نتایج سودمندی به دنبال خواهد داشت.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس آرشیوی غنی و گسترده از منابع مکتوب و سندهای دست‌اول تاریخی دربارهٔ ابعاد گوناگون جنگ دارد، اما این اسناد و مدارک به‌تنهایی همهٔ ابعاد جنگ را پوشش نمی‌دهند و گره‌گشای پیچیدگی‌های آن نیستند. علاوه‌براین، محتوای اسناد را باید افراد متخصص واکاوی کنند. بهترین افراد برای گویاکردن اسناد و تبیین زوایای پیدا و پنهان آنها فرماندهان دوران دفاع مقدس هستند.

■ برخی ویژگی‌های تاریخ شفاهی فرماندهان و مسئولان دفاع مقدس در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

۱. اولین ویژگی مهم و یکی از ضرورت‌های تاریخ شفاهی فرماندهان دفاع مقدس در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس این است که پیش از برگزاری هر جلسهٔ گفت‌وگو، مصاحبه‌کننده یا مجری پروژه دربارهٔ موضوع و ابعاد اقدامات، تصمیمات، سرگذشت و شخصیت فرد یا فرمانده‌ای که می‌خواهد با او مصاحبه انجام دهد، تحقیقات گسترده و مطالعات پیشینی انجام می‌دهد و حاصل آن تحقیقات را در اختیار فرمانده یا راوی نیز می‌گذارد تا فضای ذهنی او آماده شود.

۲. مصاحبه‌گر با درپیش‌گرفتن رویکرد منتقدانه و واکاوی و بررسی چندبارهٔ موضوعات گفت‌وگوها، می‌کوشد تا اطلاعات ارائه‌شده و تاریخ بازگوشده متقن و دقیق باشد. به این ترتیب، تکیه بر اسناد و واقعیات صحنه‌های

می‌افتند و می‌کوشند که تصویری مثبت و بدون عیب و نقص از خود برای ثبت در تاریخ ارائه بدهند. همان‌طور که قبلاً بیان شد، برای جلوگیری از این آسیب‌ها در تاریخ شفاهی مرکز، در کنار تحقیقات پیشینی و استفاده از اسناد مرکز در بازنمایی رویدادها و طرح پرسش‌ها، از فرماندهان و هم‌زمان راوی در سطوح مختلف، در جلسه‌های مصاحبه دعوت می‌شود تا در مواجهه مستقیم و نقد سخنان و خاطرات نقل‌شده در همان جلسه، مانع از هرگونه تحریف، اغراق یا خلاف‌واقع‌گفتن روایت‌کننده شوند. علاوه بر این، روایت‌های راوی و افراد حاضر در جلسه بررسی و با اسناد معتبر موجود در مرکز مطابقت داده می‌شوند. اگر تناقضی در مطالب باشد، مصاحبه‌کننده به افراد تذکر می‌دهد تا روایت‌شان را اصلاح کنند. این امر سبب می‌شود تا در بیان خاطرات و نظرهای خود دقت به خرج دهند و تا حد ممکن واقعیت‌ها را بازگو کنند.

۶. مهم‌ترین نکته درباره شیوه و محتوای سؤالات طرح‌شده آن است که قبل از برگزاری جلسات، اسناد دست اول مرکز شامل مکالمات ضبط‌شده فرماندهان، دفترچه‌های راویان، گزارش‌های عملیات و... برای اتقان مباحث استفاده می‌شود و در طول گفت‌وگوها، بر اساس اطلاعات مندرج در آنها از راوی سؤال می‌شود تا هم مطالب مطرح‌شده در جلسات مستندتر شود و هم روایت‌کننده موضوعات فراموش‌شده را به یاد آورد.

باتوجه به مطالب بیان‌شده می‌توان گفت که تاریخ شفاهی فرماندهان و مسئولان جنگ که در این مرکز برگزار می‌شود، حاصل گفت‌وگویی مستند در حوزه جنگ برای کشف چیستی و چرایی جنگ، سیر تحولات آن دوره و فراز و فرود آن در ساحت‌های گوناگون است، زیرا فرماندهان سطوح مختلف، از فرمانده عالی و فرماندهان قرارگاه مرکزی تا فرماندهان لشکر، تیپ و گردان و نیز مسئولان مرتبط با جنگ، عملیات‌های گوناگون را طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا می‌کردند و



قرار گیرد، واکاوی می‌کنند. از درون این پیش‌جلسه‌ها، داده‌ها، نکات و سؤالات فراوانی بیرون می‌آید که مجری آنها را تنقیح می‌کند و در جلسه اصلی از راوی می‌پرسد.

۴. در هر مصاحبه، به فراخور بحث، افراد مطلع و آگاه از موضوعاتی که قرار است در جلسه درباره آنها صحبت شود، دعوت می‌شوند تا در طول گفت‌وگو به راوی در یادآوری رویدادها و حوادث کمک کنند. در نتیجه این گفت‌وگوها با حضور فرماندهان یا افرادی که از دوستان و نزدیکان راوی هستند، ابعاد هر رویداد از زوایای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد سبب می‌شود که روایت‌ها سنجیده و باهم مقایسه شود و ابهام‌ها یا تناقض‌های آنها برطرف شود. برای نمونه، در جلسات تاریخ شفاهی محسن رضایی، فرماندهان سپاهی و ارتشی و برخی مسئولان جنگ حضور پیدا می‌کنند و هر یک روایت خود را درباره یک موضوع واحد بیان می‌کنند و نظرات آن‌ها باهم مقایسه و سپس با اسناد تطبیق داده می‌شود. به تعبیری، خرد جمعی در تشریح موضوعات تاریخی مبنا قرار می‌گیرد تا لایه‌های زیرین و محرمانه جنگ از گنه ذهن فرماندهان استخراج شود.

۵. از دیگر فواید این روش جلوگیری از بیان غیرواقعی یا توأم با اغراق حوادث است. یکی از نقدهایی که به تاریخ شفاهی معاصر وارد است و سبب شده که برخی این شیوه تاریخ‌نگاری را به چالش بکشند این است که راویان گاه در ورطه داستان‌سرایی و خاطره‌گویی

دستاوردهای هر عملیات در سطوح سیاسی داخلی و بین‌المللی، نقش جامعه در پیشبرد جنگ و... را بیان کنند. همچنین خاطرات، احساسات و عواطف فرماندهان و سایر روایت‌کنندگان، با این سبک تاریخ‌نگاری فرصت ظهور و بروز پیدا می‌کند. تجربیات تلخ و شیرین آزموده‌شده این فرماندهان و مسئولان و چالش‌ها و تدابیری که هنگام طراحی و اجرای عملیات‌های گوناگون پیش رو داشته‌اند، ضمن درس‌هایی که برای نسل‌های آینده دارد، می‌تواند پاسخ مناسبی به برخی شبهات مطرح‌شده و چالش‌های فکری موجود در حوزه تاریخ جنگ تحمیلی نیز باشد. همچنین به‌عنوان منابعی تکمیلی و کمکی به پژوهش‌های تاریخی یاری رساند.

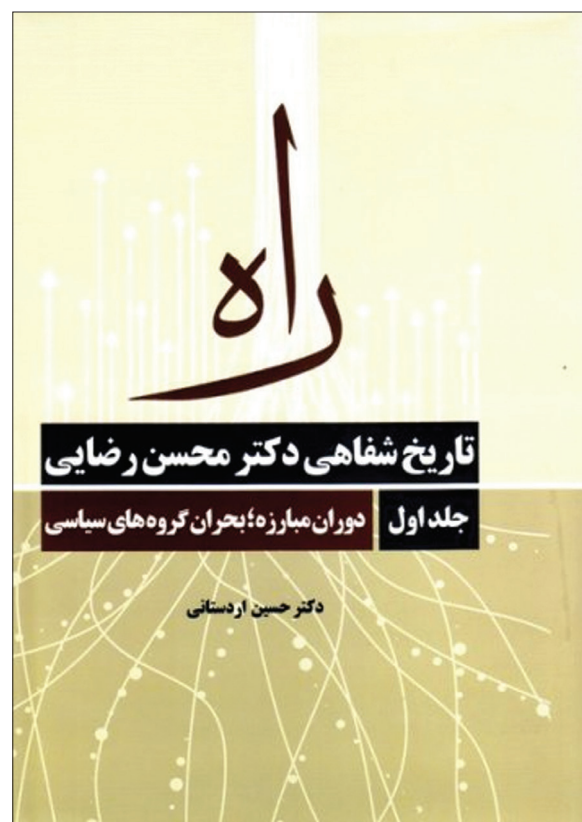
■ تاریخ شفاهی سرلشکر محسن رضایی

تاکنون جلسات گفت‌وگوهای بیش از نود پروژه از سید پروژه تاریخ شفاهی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس آغاز شده است. بیش از پانزده اثر به چاپ رسیده و چند اثر نیز در آستانه چاپ است. یکی از اصلی‌ترین این پروژه‌ها، تاریخ شفاهی سرلشکر محسن رضایی، فرمانده سپاه در هشت سال جنگ تحمیلی است که بالغ بر ۱۴۵ جلسه مصاحبه آن انجام شده است. یادداشت پیش رو، برگرفته‌شده از بخش‌هایی از جلد دوم این پروژه ملی و تحقیقاتی است که قسمت‌هایی از آن به‌طور مشخص به مسئله علل و انگیزه‌های رژیم بعث عراق برای حمله به ایران، وضعیت داخلی ایران و نیروهای مسلح آن و نیز موضع‌گیری نظام بین‌الملل درقبال این تهاجم پرداخته است.

محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران در دوران جنگ، جزو نفرات اصلی تصمیم‌گیرنده و از مشاوران فرمانده کل قوا در دوران دفاع مقدس بود. وی با حضور دائم خود در صحنه‌های نبرد نقشی مؤثر در جنگ ایفا کرد. روایت‌های وی از آن دوران، بی‌تردید جزو منابع دست‌اول جنگ به‌شمار می‌رود و به بسیاری از ابهامات

اطلاعات‌شان در این زمینه دست‌اول محسوب می‌شود. پس از برگزاری جلسات مصاحبه، با پژوهش‌های پسینی، چند مرحله تدوین، تنقیح، تدقیق و بازبینی مطالب، درج عکس، نقشه و سند، و بازنگری نهایی کارشناسان به متن، گفت‌وگوها به‌صورت مکتوب و در قالب کتاب‌های تاریخ شفاهی منتشر می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی این نوع از تاریخ‌نگاری، بیان رخدادها و تولید انبوهی از اطلاعات تاریخی از جانب شخصیت‌هایی است که بی‌واسطه در متن حوادث تاریخی معاصر شرکت فعال داشته و خود جزئی از آن بوده‌اند. این افراد می‌توانند با مددگرفتن از ذهن و زبان خود، جزئیات مسائلی همچون فرماندهی جنگ در بخش‌های متفاوت، نظام تصمیم‌گیری و خرد نهفته در عملیات‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در برهه‌های حساس جنگ، سختی‌های اداره صحنه‌های نبرد، راهبرد نظامی و عملیاتی کشور، راهبرد نظامی و اهداف کشور متخاصم، سیر کلی جنگ و علل و عوامل پیروزی‌ها و شکست‌ها، نتایج و



نیز آخرین مراحل بازبینی و اصلاح را طی می‌کند، از چند بخش تشکیل شده است. در جلد اول، مباحث مربوط به خانواده و دوران نوجوانی تا مبارزات قبل از انقلاب ایشان، مواضع گروه‌های سیاسی در مقابله با نظام جدید، بحران‌های سیاسی و امنیتی و مواجهه واحد اطلاعات سپاه با آنها طرح شده است. در جلد دوم، دربارهٔ نشانه‌های وقوع جنگ، تجاوز عراق در جبهه‌های جنوب و غرب، مقاومت در برابر تجاوز، شکل‌گیری محورها در جبهه‌ها، دلایل پیشروی عراق، عملکرد ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در مقابل تجاوز عراق و... صحبت شده است. در جلسه‌های گفت‌وگوی این مقطع، از فرماندهان بسیاری؛ از جمله آقایان غلامعلی رشید، علی شمخانی، احمد غلامپور، حسین علایی، عباس محتاج، مرتضی قربانی، جعفر اسدی، سیف‌الله رهنما، قاسم محمدی و علی شادمانی دعوت شد تا مشاهدات، خاطرات و نقش خود را بیان کنند. روش دعوت از فرماندهان صاحب نقش در هر موضوع، محور به محور بوده است. جلد سوم نیز ادامهٔ شکل‌گیری مقاومت‌ها در برابر تجاوز عراق تا دی‌ماه ۱۳۵۹ در سایر جبهه‌های جنوب است.

■ علل و زمینه‌های تهاجم عراق
در جلد دوم تاریخ شفاهی محسن رضایی
در ابتدای مباحث جلد دوم کتاب تاریخ شفاهی سرلشکر محسن رضایی و قبل از پرداختن به دلایل و انگیزه‌های هجوم رژیم بعث عراق به ایران، به پیشنهاد سرلشکر رضایی و سرلشکر غلامعلی رشید، پیشینهٔ تنازعات ایران و عراق بررسی شده است. محور تمرکز ما در این یادداشت، نظرات محسن رضایی و جمعی از فرماندهان حاضر در مصاحبه‌های وی درخصوص علل و انگیزه‌های تهاجم عراق به ایران است. در ادامه، نظرات و آرای فرماندهان در تاریخ شفاهی سرلشکر محسن رضایی در چهار بخش ارائه خواهد شد؛ در بخش اول، به صورت اجمالی، پیشینهٔ منازعات ایران و عراق بررسی می‌شود. در بخش دوم، علل و انگیزه‌های تهاجم عراق به ایران واکاوی می‌شود.

فرماندهان دفاع مقدس

در میانه سه ضلع مثلث «رهبری، مردم و نقش هدایتگر و انگیزه‌بخش دین»، به‌عنوان اتصال‌دهنده این سه ضلع به یکدیگر ایفای نقش می‌کردند.

آنان ترجمان مکنونات رهبری و الگوی جوانان و آحاد مردم در شهادت‌طلبی بودند و بسیاری از آنها همچون رزمندگان تحت امر خود به مقام شهادت نائل آمدند. از این رو آنان بهتر از هر منبع دیگری می‌توانند به چرایی‌های جنگ پاسخ دهند.

پاسخ می‌دهد. دکتر رضایی با درک این رسالت مهم، به همراه عده‌ای از فرماندهان جنگ، وقایع آن دوران را شرح داده است. فرماندهان دفاع مقدس در میانه سه ضلع مثلث «رهبری، مردم و نقش هدایتگر و انگیزه‌بخش دین»، به‌عنوان اتصال‌دهنده این سه ضلع به یکدیگر ایفای نقش می‌کردند. آنان ترجمان مکنونات امام خمینی و الگوی جوانان و آحاد مردم در شهادت‌طلبی بودند و بسیاری از آنها همچون رزمندگان تحت‌امر خود به مقام شهادت نائل آمدند. از این رو، آنان بهتر از هر منبع دیگری می‌توانند به چرایی‌های جنگ پاسخ دهند. در میان این فرماندهان، محسن رضایی سرآمد است. شاید بتوان گفت که در بستر پویا و قابل‌رشدی که رضایی در جبهه‌ها ایجاد کرد، ده‌ها رزمنده به بلوغ فرماندهی رسیدند و از سال دوم جنگ، عرصهٔ نبرد را به ضرر عراق دگرگون کردند و شکست‌های سنگینی به ارتش عراق که از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار بود، وارد آوردند. در تاریخ شفاهی رضایی دربارهٔ این تحولات گفت‌وگو شده است. (اردستانی ۱۳۹۹: ۱۷)

تاریخ شفاهی محسن رضایی که یک جلد آن چاپ شده، دو جلد آن در آستانهٔ انتشار است و سه جلد دیگر آن



درمقابل یکدیگر آرایش نظامی گرفتند و در اواخر زمستان ۵۴، شورش گردهای عراق به کمک ارتش ایران به اوج رسید. ... ارتش ایران توانست با کمک بارزانی‌ها بخش‌های بسیار زیادی از شمال عراق را با ارتش عراق درگیر کند. ... لذا عراق از ترس برتری ارتش ایران که می‌توانست جبهه مستقیمی را روبه‌روی بغداد علیه عراق باز کند، به قرارداد ۱۹۷۵ م تن داد.» (همان: ۶۰ و ۶۱)

۱-۱ اشتیاق صدام برای امضای توافقنامه ۱۹۷۵ م همان‌طور که اشاره شد، با اوج‌گیری تنش‌ها در سال ۱۳۵۳ و ترس رژیم عراق از شورش‌های داخلی و همچنین افزایش قدرت ایران، رژیم بعث به قرارداد ۱۹۷۵ م تن داد. پس از امضای توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر، مدتی دو کشور در آرامش به سر بردند و عراق نیز نوعی خویش‌داری به خرج داد. به نظر رضایی: «دولت عراق نوعی دوستی و دشمنی توأمان را با ایران عصر پهلوی حفظ کرده بود.» (همان: ۶۰) وی می‌گوید: «حتی فکر می‌کنم رادیو صدای روحانیت در عراق به مبارزان ایرانی داده شد که حجت‌الاسلام محمود دعایی رادیو را اداره می‌کرد. دولت عراق در دوران تبعید امام در نجف اشرف هم برای امام محدودیتی به وجود نیاورد، اما از حدودی جلوتر نمی‌رفت و مثلاً اسلحه یا مهمات به مبارزان نمی‌داد. ... می‌توان گفت نوعی همکاری با مبارزان ایران داشتند تا این‌که مبارزه و انقلاب اسلامی جدی‌تری شد.» (همان: ۶۰ و ۶۱) وی در جای دیگری درمورد پیامدهای این توافقنامه می‌گوید: «قرارداد ۱۹۷۵ م منجر شد به این‌که هفتاد هزار نفر از بارزانی‌ها

بخش سوم، بر مسائل داخلی ایران و تاثیر آنها بر تهاجم عراق متمرکز است و بخش چهارم، بازتاب‌دهنده موضع نظام بین‌الملل و کشورهای منطقه در قبال این تجاوز است. شایان ذکر است از آنجا که مطالب این یادداشت، برگرفته‌شده از متن کتاب و منقطع هستند، تلاش شده است که با اندکی جرح و تعدیل معنای مستقل پیدا کنند. این نقل‌قول‌ها بیشتر جنبه تحلیلی دارند و خبر صرف توصیفی نیستند. فرض بر این نهاده شده است که چون در مقالات دیگر این فصلنامه، خوانندگان اطلاعات کافی درباره موضوع مورد بحث را به دست آورده‌اند، نیازی به بازگویی جزئی اطلاعات نیست.

۱. پیشینه تنازعات ایران و عراق

سابقه درگیری‌ها و تنازعات ایران و عراق به دوره عثمانی برمی‌گردد. این درگیری‌ها سال‌ها و پس از تشکیل حکومت عراق در سال ۱۹۳۲ م نیز ادامه داشت. اختلافات دو کشور در دوران حسن البکر و صدام حسین شدت یافت و به برخورد نظامی انجامید. محسن رضایی در این باره می‌گوید: «در دوران حسن البکر و صدام حسین، اختلافات ایران و عراق شدت یافت و بعد از پیروزی انقلاب، مسئله سه جزیره جدی‌تر مطرح شد. این چالش منجر به آرایش نیروهای دو کشور درمقابل هم شد و حتی در سال ۵۲، برخورد نظامی بین ایران و عراق به وجود آمد.» (اردستانی ۱۳۹۹: ۶۰)

این وضعیت سبب شد تا حکومت ایران به فکر اقدامات پیشگیرانه بيفتد. از این‌رو، در بعضی مناطق، مانورهای اجرا کرد و آمادگی‌هایی کسب کرد. همچنین به طرف عراقی نشان داد که آماده است و توان مقابله با تجاوز را دارد. اما این پایان ماجرا نبود و تنش و درگیری‌های دو کشور ادامه داشت تا این‌که در سال ۱۳۵۳، قوای نظامی دو کشور در مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

به گفته رضایی: «سال ۵۳، عملاً ارتش‌های ایران و عراق

و امکانات در اختیار آنها قرار داده بود، کم‌کم بدرفتاری با مبارزان ایران را شروع کرد. اوج این بدرفتاری در همراهی صدام با غرب در محدودسازی امام و اخراج و تبعید ایشان از عراق بود.» (همان: ۶۴)

وی می‌افزاید: «بالاخره صدام در همراهی با شاه و آمریکایی‌ها کارش را عملاً از اخراج امام شروع کرد. فاصله انقلابیون ایران با صدام روزبه‌روز بیشتر می‌شد و در مقابل، صدام و آمریکایی‌ها نزدیک‌تر می‌شدند. هرچه به روزهای پیروزی انقلاب نزدیک می‌شویم، لحن عراقی‌ها علیه انقلاب تندتر می‌شود، طوری که چند هفته قبل از پیروزی انقلاب، سفیر عراق در پاکستان می‌گوید: "اگر آخوندها در ایران حاکم شوند، ما بی‌تفاوت نخواهیم ماند." بعد هم که انقلاب به پیروزی رسید و مردم و امام پیروز شدند و نظام شاهنشاهی سقوط کرد، شورش‌هایی در برخی استان‌ها شکل گرفت و در هر حادثه‌ای رد پای دولت عراق مشاهده می‌شد که بارزترین آنها حوادث خلق عرب خوزستان و حوادث کردستان بود.» (همان: ۶۴) این تحولات در تحلیلی عمیق‌تر نشان می‌دهد که اندیشه حمله به ایران به تدریج برای صدام جدی‌تر شده است. به اعتقاد محسن رضایی: «عقدۀ حقارت و ضعف در برابر ایران یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های روانی در شخصیت صدام حسین [برای شروع جنگ با ایران] بود.» (همان، ۱۸۸)

۲. اهداف سیاسی - نظامی عراق از

حمله به ایران

صدام و رژیم بعث با وجود برخی مخالفت‌های داخل حزبی با دو هدف نظامی و سیاسی به فکر حمله به ایران افتادند. در ادامه این اهداف تشریح می‌شود و نظر فرماندهان که در تاریخ شفاهی محسن رضایی ابراز شده است، بیان می‌شود.

۲-۱ اهداف سیاسی

از نظر سیاسی مهم‌ترین دلایلی که سبب شد عراق به

به ایران آمدند و عمدتاً هم در کرج مستقر شدند و از عملیات دست کشیدند. درحقیقت، هر دو طرف، مبارزان علیه همدیگر را کنترل می‌کردند و در فسادادن به آنها مراقب بودند که از حدودی خارج نشوند، ولی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۵۶، رفتار دولت عراق عوض شد.» (همان: ۶۲)

درمورد قرارداد ۱۹۷۵م میان ایران و عراق دو نظر وجود دارد؛ نظر اول حاکی از نارضایتی صدام از این قرارداد و تلاش وی برای احقاق حقوق ازدست‌رفته عراق به‌ویژه در اروند است. بر اساس نظر دوم، ترس نظام عراق از گردهای بازرانی و حمایت ایران از آنها که همواره موجب دل‌نگرانی حکومت مرکزی بود و همچنین ترس آن حکومت از برتری ارتش ایران در صورت وقوع جنگ، موجب شد که صدام با تمایل و نه تحمیل، آن قرارداد را امضا کند؛ چراکه وضعیت داخلی و امنیتی عراق بسیار نامناسب بود. از این‌رو، طارق عزیز امضای قرارداد ۱۹۷۵ به‌دست صدام را تدبیر، شجاعت و فهم و درک خواند و از آن به بزرگی یاد کرد.

۱-۲ ترس رژیم عراق از شورش‌های داخلی به تبع انقلاب ایران

اوج‌گرفتن مبارزات برضد رژیم پهلوی، موجب ترس حاکمان عراق شد، چراکه شیعیان بسیاری در عراق زندگی می‌کردند که ممکن بود انقلاب ایران را الگو قرار دهند و آنها نیز علیه حاکمان این کشور قیام کنند. به همین دلیل، به تدریج، رفتار رژیم بعث با ایرانیان تغییرکرد و از سال ۵۶، اندیشه مقابله با ایران در این رژیم شکل گرفت، طوری که صدام با اخراج امام و بدرفتاری با مبارزان ایرانی عملاً مخالفت خود را با انقلاب در حال پیروزی و مبارزان رژیم پهلوی نشان داد. این رفتارها در راستای سیاست‌های غرب که آنها نیز نگران تحولات داخلی ایران و وضعیت منطقه بودند و نیز در همراهی با شاه ایران انجام می‌شد. رضایی در همین خصوص می‌گوید: «از سال ۵۶، صدام که مدتی خودش را طرفدار مبارزان ایران نشان می‌داد و رادیو

است. حسین علایی در این باره می‌گوید: «به نظر می‌رسد یکی دیگر از موضوعات مهم [در تصمیم رژیم عراق به جنگ با ایران] احساس تهدید صدام از جانب شیعیان عراق و تحرک آنها بود. به دلیل ارتباط مذهبی میان شیعیان ایران و عراق، امکان داشت شیعیان عراق هم در پی انقلاب ایران تحرکاتی را آغاز کنند. شاید راه چاره و مؤثرترین شکل پاسخ و مقابله با این تهدید، آغاز جنگ علیه ایران بود.» (همان: ۱۶۶)



فکر حمله به ایران بیفتد، عبارت‌اند از:

الف) مقابله با انقلاب ایران.

ب) جلوگیری از شورش احتمالی شیعیان عراق که جمعیت زیادی را تشکیل می‌دادند.

ج) دورکردن خطر تهدید گُردها و اقدامات آنان برضد حکومت مرکزی عراق با همدستی ایران.

به گفته رضایی: «با شروع انقلاب اسلامی ایران، نوعی چرخش و هم‌جهتی با آمریکا در دولت عراق، در مقابله با انقلاب اسلامی پدید آمد که نشان‌دهنده پیوستگی تجاوز عراق با اقدامات قبلی علیه انقلاب اسلامی ایران و تجاوزات مرزی قبل از آغاز جنگ بود. رد پای حضور استخبارات عراق در حوادث کردستان در سال ۵۸ یا کمک به [گروهک] خلق عرب خوزستان و همکاری‌های استخبارات با این جریان و موضوعات دیگر، حاکی از همراهی عراق با آمریکا در مقابله با انقلاب اسلامی و پیامد آن به وجود آمدن محیط امنیتی جدیدی میان ایران و عراق بود. هدف از این همکاری، مقابله با انقلاب اسلامی قبل از پیروزی و مقابله با جمهوری اسلامی پس از پیروزی بود.

محسن رضایی معتقد است، حمله به پادگان مهاباد و حوادث خوزستان و دیگر رویدادها در همین چارچوب قابل تحلیل است و ژست صدام برای دیدار با امام بیشتر نمایشی برای تبریته رژیم بعث از این اقدامات بود. رضایی می‌گوید: «اهداف حکومت عراق از دست‌زدن به این

نگرانی و ترس رژیم عراق از انقلاب اسلامی سبب شد تا حاکمان عراق قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی دست به اقداماتی بزنند و با ایجاد ناامنی در ایران، از همان ابتدا به مقابله با انقلاب بپردازند تا مانع از تهدیدهای احتمالی علیه خودشان شوند. پس از انقلاب اسلامی، شعارهای انقلاب اسلامی ایران، به‌ویژه موضوع صدور انقلاب به عراق - با توجه به جمعیت شیعه بالای شصت درصدی عراق - این ترس را در دل حاکمان این کشور ایجاد کرده بود که با ادامه این روند، مشکلات جدی امنیتی برای عراق به وجود می‌آید و تهدید و فروپاشی حزب بعث عراق با تحرکات مردمی به وقوع می‌پیوندد. سران رژیم عراق احساس می‌کردند که در عراق یک فضای فراگیر فکری و فرهنگی در طرفداری از انقلاب اسلامی ایجاد شده

ایجاد کرد، می‌گوید: «ناامنی‌های داخلی ایران در ابتدای انقلاب نشانه‌های مخالفت عراق با رویکرد و اهداف انقلاب اسلامی تازه شکل گرفته است. این مخالفت‌ها در ایجاد شورش‌ها و ناامنی‌های استان‌های ایران بعد از پیروزی انقلاب خود را نشان می‌دهد. این ناامنی‌ها در چند زمینه صورت گرفته است:

(الف) پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از [گروهک] خلق عرب برای ایجاد ناامنی در خوزستان و انفجار خطوط انتقال نفت، همچنین در حوادث خلق عرب. کنسولگری عراق و مدرسه عراقی‌ها در خرمشهر به آموزشگاه نظامی برای کسانی تبدیل شده بود که پس از آموزش و گرفتن اسلحه و مهمات از عراقی‌ها می‌رفتند انفجارهایی انجام می‌دادند.

(ب) پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از شورشیان کردستان ایران (حزب دمکرات، کومله و..).

(ج) حمایت از انفجارها، آدم‌ربایی، ترور و حتی تجاوزات محدود مرزی.

(د) همراهی با کودتای نقاب یا نوژه.

(ه) حمله به پاسگاه‌ها و عبور ضدانقلاب مسلح. (همان: ۷۸ و ۷۹)

بنابراین، می‌توان گفت که از همان ابتدای پیروزی انقلاب، حضور دولت عراق در حوادث داخلی ایران دیده می‌شود. به باور رضایی، در ابتدای پیروزی انقلاب



حمله نظامی آمریکا در طبس

اقدامات، گرفتن امتیاز از ایران بود. اما از طرف ایران چنین رفتاری مشاهده نشد و امام حاضر نبود امتیاز بدهد. صدام فکر می‌کرد با تشدید فشار می‌تواند از انقلاب اسلامی امتیاز بگیرد، ولی امام مقاومت کرد. در نتیجه صدام شروع‌کننده بود و عجله داشت زودتر از ایران امتیاز بگیرد. (همان: ۱۶۸ و ۱۶۹)

رضایی در مورد موضع هم‌پیمان اصلی عراق، یعنی شوروی نیز بر این باور است که اتحاد جماهیر شوروی به عنوان رهبر بلوک شرق در نظام بین‌الملل آن عصر، مخالفتی با حمله عراق به ایران نداشت. به نظر وی: «مقامات عراق حتماً باید نظر روس‌ها را جلب می‌کردند یا حدس قوی می‌زدند که اگر بدون نظر روس‌ها حمله کنند، روس‌ها برای آنها مانعی به وجود نمی‌آورند. عراقی‌ها این مانع را هم هنگام حمله به ایران در مقابل نداشتند، زیرا بعد از حمله شوروی به افغانستان، ایران در آذر ۵۸، در برابر شوروی موضع‌گیری کرد، در مقابلش ایستاد و تجاوز به افغانستان را محکوم کرد. این اقدام سبب شد که روس‌ها در قبال حمله عراق به ایران از خود واکنش جدی نشان ندهند. (همان: ۱۶۰)

بنابراین، هر توافقی که صدام نیاز داشت، قبل از جنگ صورت گرفته بود. حاکمان عراق نیز قبل از حمله با توجه به توافقات صورت گرفته و برآوردشان، از چند موضوع خیال‌شان راحت بود: یکی این که در ارتش ایران تحولی صورت نخواهد گرفت و فکر نمی‌کردند ارگان‌هایی مانند سپاه هم کارایی داشته باشند. آنها سپاه را عمدتاً نیرویی داخلی می‌دانستند که متشکل از تعدادی نیروهای انقلابی است که در جنگی شرکت نداشته است و بیشتر حافظ امنیت شهرهاست. دوم، اطمینان آنها از آمریکایی‌ها بود که نه تنها به ایران کمک نخواهند کرد، بلکه بالعکس کمک‌هایی هم به ارتش عراق خواهند داشت. (همان: ۱۵۹)

محسن رضایی در خصوص ناامنی‌هایی که عراق در ایران

عرب خوزستان و سازمان‌هایی مانند مجاهدین خلق (منافقین) که با انقلاب اسلامی سر ستیز داشتند، بسیار دلگرم بود. اغلب فرماندهان معتقدند که اوج حضور عراق در حوادث ایران، در زمان کودتای نوژه (نقاب) است. به گفته رضایی: «عامری، از افراد اصلی کودتا، می‌گفت میان رهبران کودتا با فرماندهان ارتش عراق در بغداد جلساتی گذاشته شد. افسران کودتای ایران می‌گفتند که ما راضی نمی‌شویم شما به ایران حمله کنید. بگذارید اول ما کودتا کنیم. اگر موفق نشدیم، آن موقع شما حمله کنید.» (همان: ۶۵) همچنین در برخی اسناد آمده که رژیم عراق قصد داشت با نیروی هوایی از کودتاچیان حمایت کند.

در تبیین مصادیق این دخالت‌ها و نظریه جنگ پیش از جنگ، آمار سردار غلامپور قابل توجه است. وی معتقد است که به تدریج و پیش از شروع رسمی جنگ، عراق درگیری با ایران را آغاز کرد. به گفته غلامپور، تا قبل از شروع جنگ، بیش از ۳۰۰ مورد درگیری زمینی در داخل مرزهای ایران با عراقی‌ها رخ داد که در این درگیری‌ها، ۸۲ نفر شهید و ۴۲۲ تن مجروح شدند. این درگیری‌ها در داخل خاک ایران بود. همچنین ۴۹۱ مورد درگیری مرزی صورت گرفت که در آنها ۱۰۶ نفر به شهادت رسیدند و ۱۰۰ نفر اسیر شدند. از نیمه اول سال ۵۹ (خرداد ۱۳۵۹) که در مقطع بندی جنگ از آن به عنوان "زمینه سازی" یا "جنگ ماقبل جنگ" یاد می‌کنند، درگیری‌های مرزی فوق‌العاده زیاد شد و تقریباً هر دو هفته یک بار، یکی از پاسگاه‌های مرزی ایران محاصره می‌شد. (همان: ۸۶)

۲-۲ اهداف نظامی

از جنبه نظامی نیز اهداف پیش رو سبب حمله رژیم عراق به ایران شدند.

(الف) تسلط بر شمال خلیج فارس.

(ب) ایفای نقش موثر و بارز در میان کشورهای عربی برای تأمین توسعه طلبی‌های حزب بعث.

اسلامی، در قواره نظامی، جنگ پاسگاه‌ها در نمی‌گیرد. قبل از جنگ پاسگاه‌ها، جنگ سفارتخانه‌ها صورت می‌گیرد. عراقی‌ها به کنسولگری ایران در بصره حمله می‌کنند و در ایران به کنسولگری عراق در خرمشهر حمله می‌شود؛ یعنی لحظه به لحظه تقابل بین ایران و عراقی‌ها تشدید می‌شود. (همان: ۶۶) سال ۱۳۵۸ درگیری‌های سیاسی دو کشور با حمله به سفارتخانه‌ها و اتخاذ مواضع تند سیاسی اوج می‌گیرد. گرچه ابتدا حسن البکر پیروزی انقلاب را به امام تبریک می‌گوید، اما به تدریج در بعد دیپلماسی، روابط دو کشور رو به سردی می‌رود و دولت موقت به دلیل ارتباط عراق با شوروی از این کشور فاصله می‌گیرد. (همان) در ادامه، از روز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران و بعد از قطع ارتباط کارتر رئیس‌جمهور آمریکا با ایران، عراق مواضعش را علیه ایران تندتر و رادیکال‌تر می‌کند و آشکار و از موضع قدرت موضوع سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی و همچنین دخالت ایران در بحرین را مطرح می‌کند. در بیستم فروردین، صدام به صراحت بیان می‌کند که سه جزیره [تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی] متعلق به اعراب است و دشمن مجوس آنها را گرفته و باید به اعراب برگرداند. این موضع‌گیری، دخالت بیش از حد در امور همسایگی است. درحقیقت، عراقی‌ها منافع ایران را در خلیج فارس تهدید کردند و در عمق خلیج فارس، در تنگه هرمز که هیچ ربطی به آب‌های سرزمینی عراق ندارد، عملاً روحیه تهاجمی و جنگ طلبانه در پیش گرفتند. این موضوع، فراتر از اختلافات مرزی است و می‌تواند به درگیرکردن همه کشورهای عربی با ایران تعبیر شود. (همان: ۸۸)

به باور فرماندهان، مجموعه این عوامل موجب شده بود که عراق امید بسیار زیادی به ارتش نوسازمان یافته و تسلیح شده خود ببندد و از طرف دیگر، به پشتیبانی عناصر خارجی که از مرز عراق به ایران وارد می‌شدند و همچنین به همراهی ضدانقلاب کردستان (دمکرات و کومله)، اشرار سیستان و بلوچستان و [گروهک] خلق

به دست آورند. صدام حسین پس از انقلاب اسلامی، احساس کرد ایران ضعیف شده و خوب است سناریوی خوزستان را عملی سازد. برای تحقق این هدف راهبردی و مهم لازم بود که مانعی بر سر راه او نباشد. مهم‌ترین مانع، آمریکایی‌ها بودند که از بخت آنها، درمقابل انقلاب اسلامی قرار گرفته بودند. بنابراین، صدام حسین و حزب بعث به این نتیجه رسیدند که باید از این فرصت تاریخی استفاده کنند. لذا درصدد برآمدند که حمله به ایران را به‌عنوان یک امتیاز به آمریکایی‌ها بفروشند و از آنها این امتیاز را بگیرند که در شمال خلیج فارس مسلط شوند.» (همان: ۱۵۹ و ۱۶۰) وی همچنین معتقد است: «صدام به چیزی بیش از فشار یا تضعیف ایران می‌اندیشید. اگر آمریکا، شوروی و عربستان در جنگ در پی تضعیف ایران بودند، صدام دنبال این بود که بخش‌های بسیار وسیعی از خوزستان را تصرف کند و با کمک نیروهای ناراضی در میان عرب‌های خوزستان، اگر ممکن شود، خوزستان آزادشده و مستقل از ایران تأسیس کند. ... بنابراین، اگر صدام موفق می‌شد، به چند هدف مهم دست پیدا می‌کرد: اول، قرارداد ۱۹۷۵م را برای همیشه لغو می‌کرد و با دولت مرکزی یا دولت دست‌نشانده در خوزستان قرارداد جدیدی می‌نوشت و مرزهای ایران و عراق را تغییر می‌داد؛ دوم، با تسلط بر شمال خلیج فارس می‌توانست نقش بیشتری در منطقه و نسبت به مصر و عربستان نقش مؤثرتری در جهان عرب بازی کند؛ سوم، دسترسی بیشتری به شمال خلیج فارس از نظر تردد و حمل و نقل دریایی، که جزء اهداف اقتصادی عراق بود، پیدا می‌کرد. حمله به ایران سرآغاز دو طرح بود: یکی طرح صدام حسین در شمال خلیج فارس که بعد از ایران حتماً سراغ کویت می‌رفت. طرح دوم، طرح آمریکا بود. بنابراین، حمله عراق به ایران سرآغاز راهبرد درازمدت حزب بعث در خلیج فارس بود. آمریکایی‌ها هم حمله عراق به ایران را سرآغاز راهبردی طولانی‌تر در مواجهه با جمهوری اسلامی و اجرای برنامه‌های دیگر برای حل مسائل‌شان با جمهوری اسلامی می‌دانستند.» (همان: ۱۸۸ و ۱۸۹)



ج) تصرف اروندرود و جداکردن استان خوزستان. همچنین پس از تحقق این اهداف اشغال کویت نیز جزء استراتژی عراق بود که در راستای توسعه قدرت سیاسی و اقتصادی عراق انجام می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عراقی‌ها احساس می‌کردند که ایران ضعیف شده است و آنها باید در شمال خلیج فارس موقعیت بهتری نسبت به گذشته کسب کنند و نقش بیشتری در خلیج فارس ایفا کنند.

رضایی اهداف نظامی عراق از حمله به ایران را این‌طور تشریح می‌کند: «بعثی‌ها زمانی که روی کار آمدند، همواره خوزستان یا کویت را نقطه پرش منطقه‌ای خود می‌دانستند و به همین دلیل، دنبال این بودند که یا کویت را بگیرند یا خوزستان ایران را. آنها درصدد آن بودند بتوانند در کل کشورهای عربی مقام اول یا دوم را به دست آورند و در کنار مصر و عربستان قرار بگیرند یا با این دو کشور رقابت کنند. لازمه رقابت با مصر و عربستان این بود که در شمال خلیج فارس جایابی

۳. وضعیت سیاسی-نظامی ایران در آستانه تهاجم رژیم عراق

موضوع دیگری که در جنگ عراق علیه ایران باید به آن توجه کرد، اوضاع داخلی ایران است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مخالفان نظام که انقلاب مردم را شکننده می‌دانستند و به دنبال سهم‌خواهی و حتی سقوط نظام و به دست گرفتن قدرت بودند، تحرکاتی را آغاز کردند. برخی از گروه‌ها حتی وارد مرحله مسلحانه شدند. زنجیره حوادث در دوره گذار انقلاب به‌روشنی از چالش‌های اساسی نظام نوپا درمقابل جریان‌ها و گروه‌های بعضاً مسلح مخالف نظام حکایت می‌کند. این حوادث می‌توانست زمینه‌ساز آغاز یک جنگ تمام‌عیار شود. این اوضاع، بالطبع بهترین فرصت برای بهره‌برداری بیگانگان برای تحقق خواسته‌های سیاسی و مطامع ارضی‌شان بود. از ابتدای انقلاب، در درگیری‌های مسلحانه و شورش‌ها و ناامنی در برخی شهرهای ایران، ازجمله سیستان، گنبد کاووس، کردستان و خوزستان، ردپای عراق دیده می‌شود. تسلیح [گروهک‌های] خلق عرب و حزب دمکرات از دیگر نشانه‌های رویکرد رژیم عراق برای دست‌یافتن به اهداف و تصرف بخش‌هایی از ایران است. در این میان، حوادثی مانند تسخیر لانه جاسوسی، حادثه کودتا و در نهایت واقعه طبس و سپس رویارویی گروهک منافقین با نظام تازه‌تأسیس اسلامی و همراهی بنی‌صدر با آنها، عراق را بیش‌ازپیش به موفقیت در رسیدن به اهدافش امیدوار کرد. به گفته رضایی: «حمله طبس در پنجم اردیبهشت‌ماه ۵۹، در روند حوادث داخل ایران قابل تامل است. حمله آمریکا به طبس به صدام اطمینان داد که آمریکا کاملاً از ایران جدا شده و این مهم‌ترین علامتی بود که آمریکایی‌ها به عراق دادند که در صورت حمله به ایران پشتیبانی‌های لجستیکی و تسلیحاتی از ایران نخواهیم کرد.» (همان: ۸۹) به جز این حوادث، وضعیت آشفته ارتش ایران و برهم خوردن سازمان آن نیز این ذهنیت را در عراقی‌ها تقویت کرد که درمقابل خود رقیبی نمی‌بینند.

غلامعلی رشید می‌گوید: «حوادث داخلی ایران از جمله شورش‌ها و تقابل مسلحانه منافقین علیه جمهوری اسلامی نیز [در حمله عراق] خیلی تأثیرگذار بود. در نیمه دوم سال ۵۸ و نیمه اول سال ۵۹ که بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد، اختلافات داخل ایران افزایش یافت و صدام با امیدواری بیشتر به حمله نظامی فکر کرد.» (همان: ۹۰) رضایی نیز بر این باور است: «چالش و اختلافات شدید بنی‌صدر با بقیه حاکمیت، یعنی مجلس و قوه قضائیه، تصویری از ضعف تصمیم‌گیری در ایران را به نمایش می‌گذاشت که برای صدام حسین و ارتش او مطلوب بود. از طرف دیگر، کودتا در ارتش ایران و قبل از آن، فرار سران ارتش ایران به دلیل وقوع انقلاب اسلامی و قطع ارسال تسلیحات نظامی و مهمات ازسوی آمریکا و اروپا به ایران از مهم‌ترین انگیزه‌های صدام به حساب می‌آمد.» (همان)

درباره حوادث داخل ایران چند مسئله حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد؛ رژیم عراق قبل از تصرف لانه جاسوسی قصد حمله به ایران را داشت. درواقع، عراقی‌ها برای حمله به ایران عجله داشتند، اما وقتی حادثه سفارت اتفاق افتاد، صدام دید که این قضیه هم به سود آنهاست. بنابراین، کمی این کار را به تأخیر انداخت. به گفته حسین علایی: «برخی تحقیقات از جمله تحقیق آقای درودیان قائل به آن است که آمریکایی‌ها قبل از تسخیر لانه جاسوسی، به ایران اطلاع دادند که عراق می‌خواهد به ایران حمله کند.» (همان: ۶۳) که این مسئله در چارچوب راهبرد بلندمدت آمریکا برای بازگشت مجدد به ایران قابل تحلیل است. نکته قابل‌توجه در نظرات فرماندهان آن است که تا ابتدای سال ۱۳۵۹، اغلب دولتمردان ایران، به این‌که جنگی اتفاق بیفتد، اعتقادی نداشتند. حتی تصور روشنی از جنگ و دامنه و ابعاد و علل شکل‌گیری آن وجود نداشت.

موضوع دیگری که در این مقطع قابل‌بحث است، حقوق بین‌الملل و سیاست خارجی است، چون یک جنبه تجاوز

موضع منفعل صادر کردند. در قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت هم متجاوز محکوم نشده و صرفاً دو طرف دعوت به آرامش شده‌اند؛ یعنی صدام می‌تواند به تجاوز ادامه بدهد و آنها مداخله‌ای نمی‌کنند و اعلام بی‌طرفی می‌کنند.

کشورهای غربی، منطقه خلیج فارس را از آن خود می‌دانند، چون منافعی دارند. منافع آنها انرژی، امنیت و ژئوپلیتیک است. بنابراین، اقدامات مقامات آمریکایی و شورای امنیت مؤید آن است که مانع تجاوز صدام نشدند و از توانایی‌های شورای امنیت و مسئولیت‌های جهانی‌شان چشم‌پوشی کردند تا صدام هر کاری می‌خواهد، انجام بدهد. (همان: ۱۸۴)

رضایی در تشریح وضعیت نظام بین‌الملل پس از پیروزی انقلاب اسلامی و وضعیت ابرقدرت‌ها در این مقطع می‌گوید که حلقه کنترل امنیت جهانی و تأمین انرژی دنیا بر اثر انقلاب ایران پاره شده بود و توازن امنیت بین آمریکا و شوروی به هم ریخته بود. نشانه بارز آن حمله شوروی به افغانستان بود. امام نیز به این امر واقف بود. بنابراین، چون انقلاب ایران آرایش راهبردی یا موازنه آمریکا و شوروی را در منطقه به هم زده بود، فضای بین‌المللی هم در تقویت انگیزه‌های صدام برای حمله به ایران بسیار تأثیرگذار بود و صدام می‌توانست از محیط بین‌الملل حداکثر استفاده را کند. (همان: ۶۷) به گفته رضایی: «امام قائل به این بودند که دو ابرقدرت با هم برای جنگ ایران توافق کرده‌اند، ولی محور، آمریکایی‌ها هستند. یعنی ابزار روسی، ولی اراده آمریکایی است.» (همان: ۶۷)

سردار حسین علایی مواضع رسمی کشورها در نظام بین‌الملل را با آنچه مکنونات و اهداف پنهان آنهاست متفاوت می‌داند. در این باره وی معتقد است: «با شروع جنگ، آمریکا اعلام بی‌طرفی می‌کند و می‌گوید مسیر جنگ را ادامه ندهید و به مراجع بین‌المللی رجوع کنید. شوروی اعلام بی‌طرفی می‌کند و به صدام به صورت

مرزی، به حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل برمی‌گردد و بخش دیگر، به سیاست خارجی. فهم این دو موضوع هم در ایران ضعیف بود، چون شروع درگیریهای مرزی کاملاً معنا دارد. (همان: ۹۰)

۴. اهداف سیاسی- نظامی کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل با محوریت آمریکا و شوروی

به باور فرماندهان، معمولاً جنگ‌ها با توافق ابرقدرت‌ها انجام می‌شود. کشوری که قصد دارد در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و منابع غنی انرژی آن جنگ به راه بیندازد، باید موافقت قدرت‌های برتر نظام بین‌المللی را جلب کند. درخصوص ایران، به نظر می‌رسد که حوادث داخلی ایران در دو سال ابتدای انقلاب و ناکامی ابرقدرت‌ها در توقف حرکت انقلاب موجب همراهی نظام بین‌الملل با عراق برای برداشتن آخرین گام سخت برضد ایران، یعنی جنگ شد.

هدف اصلی آمریکا از این همراهی، بازگشت مجدد به ایران بود، چون بعد از ناکامی در مقابل اراده جمهوری اسلامی به‌خصوص در وقایعی مانند تسخیر لانه جاسوسی، حادثه طبس و شکست کودتا، آمریکا از بازگشت به ایران و وابسته کردن این کشور به خود ناامید شده بود. شوروی نیز به این دلیل که به همراهی آمریکا و مخالفت نکردنش با اشغال افغانستان نیاز داشت و از طرفی، هم‌پیمان و متحد عراق بود، موضع سکوت برگزید که این سکوت عملاً به معنای موافقت بود. کشورهای منطقه نیز نگران صدور انقلاب اسلامی بودند. بنابراین، تمایل داشتند که با ایران برخورد شود تا قدرت‌ش مهار گردد. شورای امنیت و سازمان ملل نیز که تحت نظر ابرقدرت‌ها اداره می‌شود، حمله رژیم عراق را محکوم نکردند و اقدامی در جهت شناساندن متجاوز انجام ندادند و صرفاً بر خویشتن‌داری دو طرف تاکید داشتند. به بیان دیگر، آنها در عمل، با این اقدام متجاوزانه مخالفت نکردند، بلکه مجوز آن را با اتخاذ



کشورهای قدرتمند در نظام بین‌الملل با حمله نظامی رژیم عراق به ایران موافق بودند و هر یک اهدافی را دنبال می‌کردند. اهداف دو ابرقدرت و کشورهای منطقه از درگیر شدن دو کشور ایران و عراق در این جنگ به این ترتیب بود:

۴- ۱ اهداف آمریکا

امریکایی‌ها از به‌راه‌افتادن جنگ بین ایران و عراق اهداف متعددی را دنبال می‌کردند. به نظر محسن رضایی: «در جریان حمله نظامی به ایران، هدف آمریکایی‌ها از این جنگ بازگشت مجدد به ایران و اعاده نظم پیشین بود تا از طریق جنگ، دوباره دولت ایران را حتی به اسم جمهوری اسلامی به خودشان وابسته کنند و اگر نتوانستند، آن را ساقط کنند تا یک جمهوری اسلامی وابسته شکل بگیرد که استقلال نداشته باشد و در خارج از مرزها در چارچوب نظام بین‌الملل و در چارچوب قواعد موردنظر آمریکا عمل کند. هدف دیگر آمریکا این بود که از طریق جنگ وارد صحنه عراق شود؛ جنگ می‌توانست راهی برای ورود آمریکا به داخل عراق فراهم کند.» (همان: ۱۷۹)

رسمی اعلام می‌کند که جریان ارسال سلاح به عراق متوقف شده است. با این‌که ایران فعالیت دیپلماتیک انجام نمی‌دهد و درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت و محکوم کردن متجاوز را دنبال نمی‌کند، خود شورای امنیت جلسه تشکیل می‌دهد و بدون ذکر وضعیت جنگی و اسم بردن از متجاوز، در یکی از بندهای قطعنامه ۴۷۹ از طرفین می‌خواهد که از مسیر جنگ و درگیری نظامی کارشان را جلو نبرند، بلکه بنشینند با مذاکره مسائل‌شان را حل کنند.» (همان: ۱۸۳)

در نهایت به باور اغلب فرماندهان: «از سال ۵۹ و با گذشت چهار ماه از تصرف سفارتخانه آمریکا در تهران و همچنین قطع رابطه آمریکا با ایران در ۱۹ فروردین ۵۹، عراق رفتار جدیدی را پیش می‌گیرد. از اینجا به بعد، صدام حسین احساس می‌کند که نظام بین‌الملل درمقابل انقلاب اسلامی جهت‌گیری جدیدی را اتخاذ کرده است.» (همان: ۶۸ و ۶۹) بنابراین، پس از این‌که اراده مقابله با انقلاب اسلامی در سطح جهانی اتخاذ شد، صدام در این چارچوب به تصمیم رسید، زیرا می‌بایست مطمئن می‌شد که آمریکا به ایران کمک نظامی نخواهد کرد. ازسوی دیگر، آمریکا و صدام برای مقابله با جمهوری اسلامی به اشتراک نظر رسیدند. رهبران عراق می‌بایست نظر روس‌ها را نیز جلب می‌کردند، که مخالفت ایران با حمله نظامی شوروی به افغانستان به آنها کمک کرد. حکام عراق نگران نفوذ انقلاب اسلامی در کشور خود بودند. صدام با درک این موضوع، مقابله با جمهوری اسلامی را بهانه‌ای برای به‌قدرت‌رسیدن خود قرار داد و با توجه به نگرانی جهانی و منطقه‌ای و نگرانی در داخل کشور عراق، محیط بین‌المللی را برای به‌راه‌انداختن جنگ مدت‌ها پیش از جنگ، آماده کرد. صدام پیش از آغاز جنگ، نظر کشورهای عربی را هم جلب کرد. در مقابل، امام هم حاضر نبود به حزب بعث امتیاز بدهد.

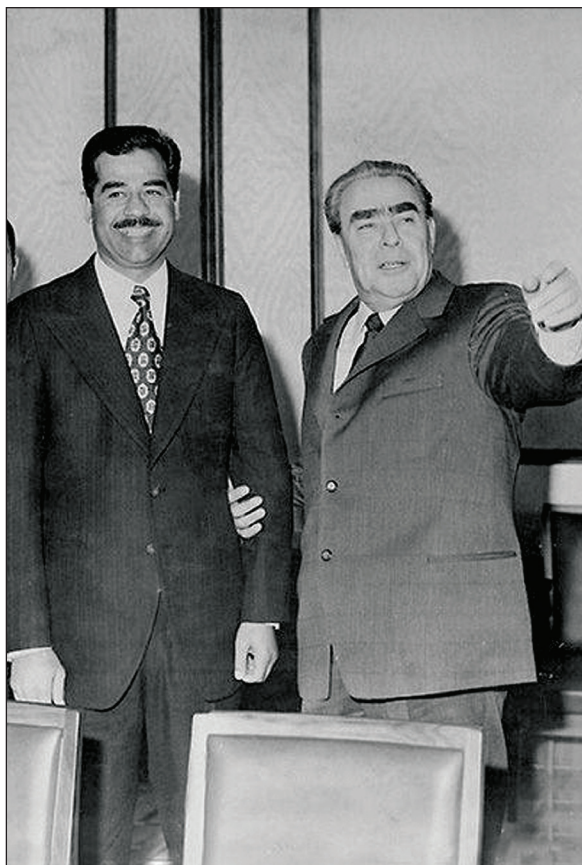
باتوجه به مطالب بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت که

بنا به گفته رضایی: «موضوع مهم دیگر برای آمریکایی‌ها، کنترل صدام و ایران بود. صدام یک مهره وابسته به شوروی بود و با این جنگ دستش زیر سنگ قرار می‌گرفت. آمریکا هر دو کشور را از طریق جنگ می‌توانست کنترل کند و مانع دخالت‌های صدام در کشورهای منطقه مثل کویت و عربستان شود.» (همان: ۱۸۰)

[illegible]

رضایی می‌افزاید: «در جنگ عراق علیه ایران، صرف‌نظر از وضعیتی که انقلاب در منطقه پدید آورد و واکنش‌هایی که آمریکا و کشورهای منطقه از خود نشان دادند و حتی اوضاع داخلی ایران و فشارهایی که از بیرون وارد می‌شد و تأثیر آنها بر جنگ انفکاک‌ناپذیر است، روندی به چشم می‌خورد که در آن ارادهٔ بازگشت آمریکایی‌ها به ایران، صحنه‌گردان اتفاقات و رویدادهایی مهم است؛ از جمله بحران‌ها و شورش‌های داخل تهران دو سه ماه بعد از انقلاب، ناامنی‌های قومی در کشور، موضوع سفارت آمریکا و اوج این حوادث که کودتاست. هدف کودتا فشار بر ایران نبود، بلکه براندازی و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. آنها امیدوار بودند که با کودتا یا با شورش‌های داخلی مانع از شکل‌گیری جمهوری اسلامی شوند و نگذارند [این نظام] پا بگیرد و قانون اساسی داشته باشد. اما در نهایت به جنگ چراغ سبز نشان دادند، با این امید که سرآغاز سلب استقلال از ایران و بازگشت آمریکا به سیاست خارجی ایران شود. پس از جنگ و پیروزی‌های ایران، آمریکا [اندیشه] براندازی جمهوری اسلامی را کنار گذاشت؛ چرا که اگر چنین قصدی داشت باید خیلی واضح‌تر و علنی‌تر در جنگ ظهور و بروز پیدا می‌کرد. اما برخورد آنها نشان می‌دهد که همواره در پی آوردن ایران پای میز مذاکره بودند که از طرق دیگری غیر از براندازی وارد ایران شوند؛ از طریق لیبرال‌ها، از طریق مذاکرات و از طریق جریان‌های وابسته. ... کودتا آخرین تلاش آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی و جنگ سرآغاز موج جدیدی همراه با پذیرش جمهوری اسلامی و تلاش برای سلب استقلال آن بود.» (همان: ۱۸۹ و ۱۹۰)

باید توجه داشت که آمریکایی‌ها وقتی در منطقه‌ای مثل خلیج فارس درگیری ایجاد می‌کنند، احساس ناامنی همه کشورهای منطقه را فرا می‌گیرد و در پی آن، تقاضا برای خرید سلاح در کل منطقه افزایش می‌یابد و چون اکثر کشورهای منطقه به آمریکا وابسته‌اند، قاعدتاً یک خرید بزرگ تسلیحاتی از آمریکا انجام می‌شود. این موارد،



را با ما حل نکنید، در آینده مشکلاتی خواهید داشت که دیگر ما طرف شما نیستیم.» (همان: ۲۸۶)

۲-۴ اهداف شوروی

درمورد شوروی نیز می‌توان گفت که با عراق برای راه‌اندازی جنگ مخالف نبود و با آن کشور همراهی کرد.

رضایی در تشریح این موضوع اظهار می‌کند: «شوروی نیز به دلیل تجاوز به افغانستان، ناچار بود با آمریکایی‌ها همراهی کند. در افغانستان بین آمریکا و شوروی نوعی سازش صورت گرفت و آمریکایی‌ها فشار خود را بر شوروی کاهش دادند. عملاً یک موازنه منافع صورت گرفت. ... از طرف دیگر، ایران انقلابی در حادثه افغانستان نشان داده بود که در آینده زیر سیطره شوروی نخواهد رفت و مخالفت جدی ایران با اشغال افغانستان حاکی از آن بود که ایران سیاست مستقلی را دنبال می‌کند. بنابراین شوروی هم در این جنگ منافع داشت.» (همان: ۱۸۶)

۳-۴ اهداف کشورهای منطقه

کشورهای عربی، به‌ویژه در منطقه خلیج فارس از انقلاب اسلامی و صدور آن می‌ترسیدند و وحشت کرده بودند. به نظر می‌رسد صدام موافقت آنها را قبل از حمله گرفته بود. برخی از آنها نه تنها موافق بودند، بلکه مثل عربستان مشوق صدام هم بودند. عربستان مایل بود به طریقی با ایران برخورد صورت بگیرد و قدرت ایران در ورای مرزها مهار شود و از صدور انقلاب دست بردارد. همچنین شعارهای پان‌عربیستی و ناسیونالیسم عرب بر ضد ایران که در نشریه‌ها و سخنرانی‌های برخی حکام عرب ازجمله خود صدام به وفور استفاده می‌شد، در همین ساحت قابل‌تحلیل است. فرماندهان حاضر در جلسات محسن رضایی متعقدند که کشورهای عربی در ابتدای جنگ، شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند، اما عمده منابع مالی که این کشورها در اختیار صدام حسین گذاشتند، به بعد از عملیات بیت‌المقدس برمی‌گردد.

■ نتیجه‌گیری

جنگ برآیند و نتیجه تغییر وضعیت داخلی و خارجی کشورهاست. با تغییر وضعیت داخلی و خارجی، بستر و زمینه برای چالش و تهدید و جنگ فراهم می‌شود. از مطالب بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت که زمینه‌های وقوع جنگ در سه محور «اهداف و انگیزه‌های عراق، مسائل داخلی ایران، و مواضع نظام بین‌الملل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس» قابل‌بررسی است.

به باور فرماندهان جنگ، به‌ویژه محسن رضایی، این جنگ بدون چراغ سبز قدرت‌های مطرح جهانی در آن روزگار، یعنی دو بلوک شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا و نیز پشتیبانی بسیاری از کشورها از رژیم صدام امکان‌پذیر نبود. این همراهی‌ها و وضعیت داخلی آشفته ایران موجب شد که صدام هوس و خیال تصرف خوزستان و محوریت‌یافتن در میان کشورهای عربی با

تصرف شمال خلیج فارس را در سر بیروان و تهاجم سراسری به ایران را آغاز کند. کشورهای عربی منطقه و نظام بین الملل به ویژه آمریکا نیز واکنشی جدی در برابر این اقدام نشان ندادند و با آن مخالفتی نکردند؛ چراکه نقطه تلاقی همه این قدرت ها و هدف اصلی آنها مقابله با انقلاب تازه تأسیس ایران بود که نظم بین الملل را متلاطم و آشفته کرده بود. این قدرت ها جز با جنگ نمی توانستند به اهداف شان یعنی توقف ایران برسند. روش های قبلی مثل کودتا، اقدامات ضدانقلاب و احزاب و گروه های مخالف، شورش های داخلی، محاصره اقتصادی، انزوای سیاسی و فشارهای غیرنظامی بین المللی همگی آزمون شده بودند و جواب نداده بودند. از این رو با توجه به زنجیره این حوادث و ناکامی آن ها و همچنین دخیل بودن برخی کشورها در انجام این اقدامات، می توان آخرین حلقه این رویدادها را چراغ سبز به جنگ قلمداد کرد. جنگی که کشورهای اصلی در نظام دوقطبی و کشورهای منطقه، در یک هماهنگی ناگفته با آغاز آن از جانب عراق موافقت کردند و هر کدام متناسب با موقعیت و خواسته های خود هدف های متفاوتی را از این حمایت دنبال می کردند.

منبع

اردستانی، حسین؛ (۱۳۹۹)، مقاومت در برابر تجاوز - بخش اول (تاریخ شفاهی جنگ ایران و عراق؛ روایت محسن رضایی)، جلد دوم، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، (در آستانه انتشار).

*شایان توجه است که برای مطالعه منشأ، اهمیت و جایگاه تاریخ شفاهی، چیستی و چرایی آن و روش و بینش در این سبک تاریخ نگاری، منابع متعدد و قابل توجهی به زبان فارسی و انگلیسی موجود است. در بخش ابتدایی این یادداشت نیز به تناسب بحث از برخی مفاهیم مورد استفاده در این کتاب ها استفاده شده است، اما چون جملات به تناسب موضوع تخصصی بحث در ساحت جنگ و فرماندهان آن، زاینده ذهن نگارندگان و حاصل محفوظات آنها بوده، از ارجاع مستقیم به این کتاب ها اجتناب شده است.

فرستی برای جبران حقارت

(روندشناسی و انگیزه‌شناسی حمله صدام به خاک ایران)

حسین احمدی

چکیده

تبلیغات رکن اساسی و حیاتی در جنگ روانی است که در ذیل عملیات روانی با هدف تأثیرگذاری بر احساسات و رفتار گروه‌های خاص طراحی و اجرا می‌شود. از گذشته تا امروز عملیات روانی مقدمه عملیات نظامی به‌شمار آمده و گاه کشوری با برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌گیری از تاکتیک‌های جنگ روانی، مانع از حمله دشمن شده است. برخی مواقع نیز کشور مهاجم تنها با بهره‌مندی از روش‌های جنگ روانی، کشور دیگری را بدون جنگ وادار به تسلیم کرده است. در جنگ عراق علیه ایران نیز صدام حسین ماه‌ها قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از همه ابزارها و اسباب عملیات روانی استفاده کرد تا خواسته‌های غیرقانونی خود را بر ایران اسلامی تحمیل کند.

استخبارات حزب بعث نیز برای ایجاد ترس و ارعاب، گروهک‌های تجزیه‌طلب مخالف نظام جمهوری اسلامی را تجهیز کرد و علاوه بر دشمن‌سازی، تحریف تاریخ، شیوع شایعات خزنده و تفرقه‌افکنانه در قالب جنگ رسانه‌ای، بارها کشور ایران را از هوا، زمین و دریا مورد حمله قرار داد و از نظر روانی بستر لازم را برای هجوم نظامی گسترده ارتش عراق فراهم کرد. در میان علل و انگیزه‌های حمله صدام به خاک ایران نیز بررسی ابعاد روانی شخصیت دیکتاتور معدوم عراق حائز اهمیت است و می‌توان گفت صدام برای تسکین احساس حقارتی که از زمان انعقاد قرارداد الجزیره در وجودش

شکل گرفته بود، سقوط نظام شاهنشاهی و عدم حمایت ایالات متحده آمریکا را بهترین فرصت برای فرونشاندن آتش کینه تاریخی خود قلمداد کرد.

■ **واژگان کلیدی:** عملیات روانی، تبلیغات، قرارداد الجزیره، حقارت تاریخی، تهاجم و تجاوز.

۱. مقدمات: استراتژی تبلیغاتی و

عملیات روانی دشمن

تبلیغات^۱ نوعی تلاش برای تأثیرگذاری بر دیگران با هدف اقتناع ذهنی آنان و تغییر دیدگاه‌شان در قبال مسائل معین است. وقتی تبلیغات با مسئله‌ای مانند جنگ گره می‌خورد، بُعد پیچیده‌ای پیدا می‌کند و در دو قالب تبلیغات سیاه^۲ و تبلیغات جنگی^۳ زمینه عملیات روانی را مهیا می‌سازد که به مثابه مقدمه عملیات فیزیکی و نظامی است و تا حد زیادی بر روان‌شناسی اجتماعی متکی است. در واقع طراحان عملیات روانی بر پایه تبلیغات، نقشه عملیات خود را طراحی می‌کنند و از همه تاکتیک‌های موجود بهره می‌گیرند تا باورهای افراد یک جامعه را - در زمان جنگ یا زمان صلح- تحت تأثیر قرار دهند^۴.

به نظر صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل جنگ، عملیات روانی^۵ تأثیر بسیار زیادی در شروع، تداوم و پایان یافتن یک جنگ تمام‌عیار دارد. به علاوه تفاوت مهم جنگ



تصویر ۱: قوس النصر. به دستور صدام نماد قوس النصر (شمشیرهای قادیسیه) برای نشان دادن پیروزی بر ایران در مرکز شهر بغداد ساخته شد.

خود به صورت همزمان از تاکتیک‌های ترکیبی تهدید و تطمیع برای درهم‌شکستن مقاومت روحی مردم مرزنشین استفاده می‌کرد.^۱

عملیات روانی دولت بعثی عراق بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، ولی به سبب نگرانی از احتمال حمایت آمریکا از جمهوری اسلامی، در ابتدا سیاست دولت بعثی عراق مبتنی بر سیاست هویج و رعایت حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی ایران بود و این مطلب در نامه‌ای که به مهندس بازرگان نوشته شد، منعکس گردید^۲ اما اولین مورد جدی سیاست چماق در ۸ اسفندماه ۱۳۵۷ به وقوع پیوست و هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی حریم هوایی ایران را نقض و منطقه مرزی سیرین را بمباران کردند که در جریان آن دو نفر از هم‌وطنان کُرد کشته و ۷ نفر دیگر نیز در جریان ورود غیرقانونی نیروهای عراقی ربوده شدند. این اتفاق در ۱۲ اسفند ۱۳۵۷ تکرار شد و بعثی‌ها در مقابل حوزه استحفاظی مرزبانی بانه، نیرو پیاده کردند. با این حال مقامات رسمی عراق هرگونه دخالت در امور ایران را به شدت تکذیب و اعلام کردند که عراق

نظامی با جنگ روانی در این است که در نبرد نظامی، معمولاً فرصت مقابله به‌مثل و عقب‌راندن دشمن وجود دارد، اما در بسیاری از شیوه‌های عملیات روانی کسی که حرکت اول را انجام می‌دهد و ضربه اول را می‌زند، پیروز میدان نبرد است؛ زیرا جنگ روانی عقل و روان سرباز دشمن را نشانه گرفته و به دنبال شکستن اراده و روحیه او در کوتاه‌ترین زمان ممکن است.^۳ صدام حسین نیز بر اساس توصیه کارشناسان و مستشاران نظامی، مدت‌ها قبل از هجوم سراسری به خاک ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، تبلیغات دوگانه‌ای را در راستای اجرای یک عملیات روانی^۴ منسجم و مستمر علیه مردم ایران آغاز کرد. البته از آنجا که شناخت چندانی از نیروهای انقلابی مثل سپاه پاسداران و اعضای بسیج مستضعفین نداشت^۵، جامعه هدف خود را از میان نیروهای ارتشی و دولتمردان سیاسی لیبرال‌مسلك انتخاب کرده بود و استخبارات^۶ عراق - به عنوان مرکز فرماندهی عملیات روانی- با ابزار و تاکتیک‌های مختلف- شایعه‌سازی، ایجاد تفرقه و القای تضاد، شیوع ترس و دلهره، اغراق در بیان، سانسور و...- مردم عرب‌زبان خوزستان را در کانون عملیات روانی قرار داده و در استراتژی نبرد روانی

جدول تجاوز هوایی، زمینی و دریایی نیروهای عراقی به خاک ایران
در سال ۱۳۵۸

ردیف	تاریخ روز و ماه	نوع تجاوز و تهاجم عراق
۱	۱۷ فروردین ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان خوزستان
۲	۱۰ خرداد ۵۸	تجاوز نیروی دریایی عراق به منطقه خسروآباد در آبادان
۳	۱۸ خرداد ۵۸	تجاوز نیروهای عراقی در منطقه میله مرزی خرمشهر
۴	۲۰ خرداد ۵۸	تجاوز هوایی عراق به آسمان اروندکنار در حومه خرمشهر
۵	۲۷ خرداد ۵۸	تجاوز هوایی عراق به فضای پاسگاه مرزی طلائیة
۶	۱۳ و ۱۶ تیر ۵۸	تجاوز نیروی زمینی عراق به منطقه عمومی خرمشهر
۷	۲۴ تیر ۵۸	درگیری در خرمشهر و پرتاب نارنجک به داخل مسجد جامع
۸	۲۷ تیر ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان حومه شوش
۹	۲۹ تیر ۵۹	تجاوز نیروی هوایی عراق به مناطق مرزی فکه و بستان
۱۰	۵ و ۶ مرداد ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان سوسنگرد
۱۱	۲۵ شهریور ۵۸	تجاوز به خاک ایران در کوشک و تیراندازی به پاسگاه فکه
۱۲	۴ مهر ۵۸	بمباران و گلوله‌باران خرمشهر و آبادان و انهدام اسلکه ۱۱ و ۱۲ آبادان
۱۳	۲۶ مهر ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان فکه
۱۴	۶ آبان ۵۸	گلوله‌باران جزیره مینو در ایام محرم
۱۵	۷ آبان ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان حومه خرمشهر
۱۶	۱۵ آبان ۵۸	تجاوز نیروهای عراقی به منطقه اروند کنار
۱۷	۱۶ آبان ۵۸	حمله مزدوران عراقی به روستای قصبه در خسروآباد آبادان
۱۸	۲۳ آبان ۵۸	تیراندازی مزدوران عراقی به یک ناوچه ایرانی در اروند رود
۱۹	۳ آذر ۵۸	تجاوز نیروی دریایی عراق به خرمشهر
۲۰	۱۳ آذر ۵۸	تجاوز به آسمان کوشک و حمله دو هلی کوپتر به پاسگاه مرزی مومنی
۲۱	۲۱ آذر ۵۸	تجاوز عراقی‌ها به منطقه دشت آزادگان و درگیر شدن با پاسداران و عشیره سعیدیه
۲۲	۲۲ آذر ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان شوش
۲۳	۲۴ آذر ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان بستان و فکه
۲۴	۱۰ دی ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان سوسنگرد و فکه
۲۵	۱۳ دی ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان حومه سوسنگرد
۲۶	۲۰ دی ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان بستان
۲۷	۲۳ دی ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان بمنطقه سوسنگرد
۲۸	۹ بهمن ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان شوش
۲۹	۱ اسفند ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان حومه خرمشهر
۳۰	۱۲ اسفند ۵۸	شدت گرفتن درگیری مرزی
۳۱	۱۳ اسفند ۵۸	تجاوز نیروهای عراقی به منطقه دشت آزادگان
۳۲	۲۷ اسفند ۵۸	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان شوش و آبادان
۳۳	۳۰ اسفند ۵۸	تجاوز به پاسگاه طلائیة قدیم

جدول تجاوز هوایی، زمینی و دریایی عراق به خاک ایران
در نیمه اول سال ۱۳۵۹

ردیف	تاریخ روز و ماه	نوع تجاوز و تهاجم عراق
۱	۶ فروردین ۵۹	توقیف یک قایق گشتی ایران در مرز آبی جزیره مینو
۲	۹ فروردین ۵۹	تجاوز زمینی و هوایی عراق به دشت آزادگان و بستان
۳	۱۰ فروردین ۵۹	تیراندازی عراقی‌ها به صیادان ایرانی در هورالعظیم
۴	۲۱ فروردین ۵۹	تجاوز نیروی دریایی عراق به منطقه خرمشهر
۵	۲۴ فروردین ۵۹	حمله مزدوران عراقی به پاسگاه‌های سعیدیه و جزابه
۶	۵ اردیبهشت ۵۹	حمله به تأسیسات نفتی ایران در دهلران
۷	۷ اردیبهشت ۵۹	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان و سوسنگرد
۸	۸ اردیبهشت ۵۹	تجاوز نیروی هوایی عراق به چنانه و سرنگونی یک هلی‌کوپتر عراقی در بستان
۹	۱۱ اردیبهشت ۵۹	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان خسروآباد آبادان
۱۰	۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ۵۹	تجاوز هوایی و زمینی به خرمشهر و پل بستان در کرخه‌کور
۱۱	۲۰ اردیبهشت ۵۹	گلوله‌باران پاسگاه ژاندارمری بستان و تجاوز هوایی به شلمچه
۱۲	۲۱ اردیبهشت ۵۹	تجاوز نیروهای عراقی به دشت آزادگان
۱۳	۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ۵۹	تجاوز هوایی به حریم آسمان آبادان و خرمشهر
۱۴	۲۴ اردیبهشت ۵۹	تجاوز نیروی دریایی عراق به منطقه خرمشهر
۱۵	۲۸ اردیبهشت ۵۹	تجاوز نیروی دریایی عراق به جزیره مینو در جنوب آبادان
۱۶	۱ خرداد ۵۹	گلوله‌باران پاسگاه‌های خسروآباد و حیدرآباد در آبادان
۱۷	۳ خرداد ۵۹	تجاوز نیروهای عراقی به منطقه خرمشهر
۱۸	۸ خرداد ۵۹	تیراندازی به نیروهای پاسدار مستقر در پاسگاه خَین خرمشهر
۱۹	۱۳ خرداد ۵۹	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان منطقه عمومی دزفول
۲۰	۱۵ خرداد ۵۹	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان منطقه عمومی اندیمشک
۲۱	۱۶ خرداد ۵۹	تجاوز هوایی عراق به آسمان حومه اهواز
۲۲	۱۷ خرداد ۵۹	تجاوز نیروهای عراقی به منطقه خرمشهر
۲۳	۱۸ خرداد ۵۹	تیراندازی به پرسنل گشت پاسگاه شوش و مقر سپاه در جزیره مینو
۲۴	۲۱ خرداد ۵۹	درگیری در پاسگاه مومنی و خَین و شهادت ۲ پاسدار و مجروحیت ۲ سرباز ژاندارمری
۲۵	۲۴ خرداد ۵۹	تجاوز نیروهای عراقی به آسمان منطقه خرمشهر
۲۶	۴ و ۵ تیر ۵۹	تجاوز هوایی به آسمان خسروآباد آبادان و تیراندازی به گمرک خرمشهر
۲۷	۷ تیر ۵۹	تجاوز نیروی دریایی عراق به منطقه خسروآباد
۲۸	۲۳ تیر ۵۹	حمله به خرمشهر و پاسگاه مومنی
۲۹	۲۵ تیر ۵۹	تجاوز هوایی و دریایی به خرمشهر و آبادان
۳۰	۱ مرداد ۵۹	حمله به پاسگاه طلائیه قدیم و منطقه هورگان
۳۱	۲ مرداد ۵۹	تجاوز نیروی هوایی عراق به آسمان سوسنگرد
۳۲	۶ مرداد ۵۹	حمله به پاسگاه‌های سابله در سوسنگرد و مومنی در خرمشهر
۳۳	۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ مرداد ۵۹	تجاوز هوایی عراق به منطقه خسروآباد آبادان و خرمشهر
۳۴	۱۶ و ۱۸ و ۲۱ مرداد ۵۹	تجاوز هواپیماهای عراق به آسمان آبادان و خرمشهر
۳۵	۲۱ مرداد ۹۵	حمله به پاسگاه‌های بندر جوق و برار عزیز در قصرشیرین و شهادت ۲۱ مدافع ایرانی

ادامه جدول تجاوز هوایی، زمینی و دریایی عراق به خاک ایران
در نیمه اول سال ۱۳۵۹

ردیف	تاریخ روز و ماه	نوع تجاوز و تهاجم عراق
۳۶	۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۸ و ۳۱ مرداد ۵۹	تجاوز هوایی عراق به آسمان آبادان، خرمشهر و شلمچه
۳۷	۱ و ۲ شهریور ۵۹	تجاوز نیروی دریایی و هوایی عراق به منطقه دریایی خرمال و خرمشهر
۳۸	۳ شهریور ۵۹	حمله نیروی دریایی عراق به بندر خرمشهر و گرفتن ۴۳ فروند ناوچه گارد ساحلی
۳۹	۴ شهریور ۵۹	گلوله باران هویزه و شهادت یک نفر توسط نیروهای عراقی
۴۰	۶ و ۷ شهریور ۵۹	تیراندازی به پاسگاه طلائییه قدیم و تجاوز هوایی به آسمان سوسنگرد و مهران
۴۱	۸ شهریور ۵۹	حمله هوایی به آبادان و بمباران بهمن شیر
۴۲	۹ و ۱۰ شهریور ۵۹	تجاوز نیروی دریایی و هوایی عراق به منطقه خرمال خرمشهر
۴۳	۱۱ و ۱۴ شهریور ۵۹	حمله نیروهای عراقی به پاسگاه های حدود، دهلران و نفت شهر
۴۴	۱۵ و ۱۶ شهریور ۵۹	تجاوز زمینی، هوایی و دریایی به خسروآباد، خرمشهر و هورالعظیم و پاسگاه های ایلام، قصر شیرین، سومار و نفت شهر و اشغال خان لیلی
۴۵	۱۷ شهریور ۵۹	اشغال پاسگاه زین القوس و مناطق اطراف آن
۴۶	۱۸ شهریور ۵۹	حمله زمینی و هوایی به خرمشهر، نفت شهر، قصر شیرین و پاسگاه های جنوب و غرب
۴۷	۱۹ شهریور ۵۹	حمله زمینی و هوایی به پاسگاه طلائییه و جاده ۶ در ۳۰ کیلومتری اهواز - خرمشهر، درگیری با پاسگاه های مرزی صالح آباد، ایلام، مهران، نفت شهر و میمک
۴۸	۲۰ و ۲۱ شهریور ۵۹	حرکت تعداد زیادی تانک و نفربر به مرز دهلران و حمله به پاسگاه های حدود، مومنی، خین، سومار، بازرگان، سرپل ذهاب و تصرف میمک و تجاوز هوایی به آبادان و خرمشهر
۴۹	۲۲ و ۲۳ شهریور ۵۹	شروع درگیری در پاسگاه های مرزی قصرین شیرین و خرمشهر
۵۰	۲۴ شهریور ۵۹	حمله به پاسگاه های نفت شهر، شلمچه، خین، خرمال و بیات و شهادت ۷ تن
۵۱	۲۵ شهریور ۵۹	تصرف پاسگاه های انجیره، طاوسییه و رشیدییه و درگیری شدید میان مدافعان ایرانی با مزدوران عراقی در پاسگاه های مومنی، صفریه و دویرج
۵۲	۲۷ شهریور ۵۹	محاصره و تصرف قصر شیرین بعد از چهار روز مقاومت
۵۳	۲۸ شهریور ۵۹	حمله زمینی به فکه، دشت آزادگان و آبادان و تجاوز دریایی به ساحل آبادان
۵۴	۲۹ شهریور ۵۹	درگیری شدید دریایی و زمینی در دهانه اروند و تصرف پاسگاه شیخان در منطقه نوسود توسط نیروهای عراقی
۵۵	۳۰ شهریور ۵۹	درگیری دریایی در آبادان و خرمشهر و حمله به کشتی تجاری در خور موسی به علاوه تصرف پاسگاه های گیسکه، چغامام و چیلان در مرز سومار، نفت شهر و دهلران

ساکن و در دوران تبعید امام(ره) در عراق رابط ایشان با حکومت بعث بود^{۱۳}.

سید محمود دعایی که از نزدیک شاهد اقدامات و فعالیت های ستیزجویانه صدام بوده، تأکید دارد که دیکتاتور معدوم عراق چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی- آبان ۱۳۵۷- عملیات روانی خود علیه کشور ایران را آغاز کرده و برادرش «برزان تکریتی» را فرمانده اولین قرارگاه اطلاعاتی و عملیاتی جنگ در بصره نموده بود تا به زعم خود در نبود تشکیلات امنیتی و نابسامانی

به ثبات ایران و پیشرفت این کشور در جهت سیاست عدم تعهد و برقراری روابط حسنه میان ایران و سایر کشورهای عرب علاقه مند است، به شرطی که ایران در امور داخلی عراق مداخله نکند و از سیاست برتری طلبی در خلیج فارس اجتناب کند. حسن البکر رئیس جمهور وقت عراق نیز بعد از یک تأخیر تأمل برانگیز دو ماهه، در فروردین ۱۳۵۸ برای حضرت امام(ره) پیام تبریک فرستاد و بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز با محتوایی انقلابی به آن پاسخ داد و آقای سید محمود دعایی^{۱۴} را به عنوان سفیر ایران به عراق فرستاد که قبلاً در عراق

مرحله اجرا گذاشت و بر خلاف مفاد قرارداد الجزیره کمتر از چهارماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در انواع و اقسام مختلف به کارشکنی و توطئه پرداخت و قبل از شروع رسمی جنگ، تقریباً همه تمهیدات و اقدامات لازم را برای هجوم به مرزهای ایران به انجام رسانید.^{۱۵} صدام، علاوه بر تجاوز و تعدی پنهان و آشکار به حریم و خاک ایران^{۱۶}، از طریق قرارگاه اطلاعاتی و عملیاتی در بصره با عناصر عرب‌زبان و گروه «خلق عرب»^{۱۷} در خوزستان ارتباط برقرار کرد و برای پیشبرد سناریوی تفرقه‌افکنانه خود در ابتدا شش مرکز اطلاعاتی و آموزشی را از مرز دهلران تا شلمچه راه‌اندازی کرد تا به کار جمع اطلاعات از داخل ایران و آموزش اعراب مخالف ایران بپردازند.

اعضای «جبهه‌التحریر»^{۱۸} که هدف خود را آزادکردن خوزستان از تحت حاکمیت دولت جمهوری اسلامی از طریق جنگ مسلحانه می‌دانستند، نیز در عراق آموزش دیده و در آستانه حمله صدام، علاوه بر اقدامات تدارکاتی برای ورود نیروهای عراقی و اجرای عملیات خرابکاری در نقاط مختلف استان خوزستان، هر از چند گاهی تظاهرات خیابانی به راه می‌انداختند و اوضاع عمومی را آشفته و متشنج می‌کردند^{۱۹} و در قالب تبلیغات و جنگ نرم در داخل دانشگاه‌ها و شهرها به دنبال مایوس‌کردن و پاشیدن بذر ناامیدی در میان مردم بودند.^{۲۰}

دولت بعثی عراق نیز در راستای ایجاد ناامنی در استان خوزستان، انبارهای چند پاسگاه مرزی خود را با سلاح‌های سبک مانند کلاشینکف و نارنجک دستی انباشته کرد و آن‌ها را در اختیار گروه‌های ناراضی و مخالف ایران قرار داد.^{۲۱} روابط گسترده و روزافزون دولت صدام با گروه‌ها و شیوخ عرب‌زبان خوزستان وی را امیدوار کرده بود که بتواند با استفاده از یک ارتش بومی در کوتاه‌مدت خوزستان را از ایران جدا سازد.^{۲۲} بر همین مبنا صدام ابتدا جنگ تبلیغاتی و روانی علیه ایران و انقلاب اسلامی طراحی و اجرا کرد و در قالب سخنرانی



گزارش مرزبانی‌هنگ (تیپ) آبادان در تاریخ ۵۸/۲/۹ نیز گویای تجمع سربازان عراقی در مقابل مرز خرمشهر و پرواز شناسایی هواپیماهای این کشور بر روی پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری خسروآباد است. بازخوانی سند دیگری نیز بیانگر این نکته است که افسران ارشد عراقی در تاریخ ۵۸/۴/۲۵ به‌منظور طراحی نقشه حمله در محور شلمچه مبادرت به عکس‌برداری و فیلم‌برداری از مناطق مرزی ایران کرده و با وجود اخطار مرزبانان ایرانی همچنان به فعالیت خویش ادامه می‌دادند.

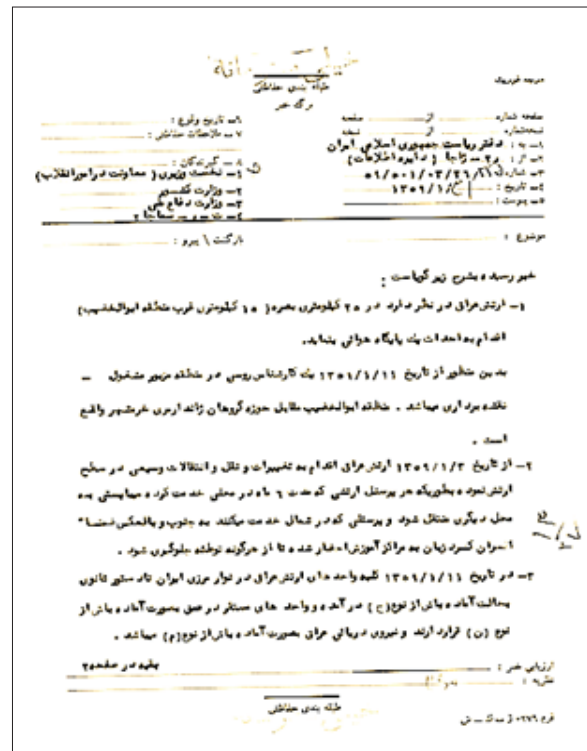


سیاسی در ایران، انتقام خویش را از ایرانی‌ها بگیرد.^{۲۳} اقدامات خرابکارانه و عملیات روانی دولت بعثی عراق در سال ۱۳۵۸ شدت بیشتری پیدا کرد. در واقع با آغاز ریاست جمهوری صدام در ۲۶ تیر ماه ۵۸ روابط ایران و عراق وارد مرحله جدیدی شد و وی با آنکه شرایط را برای حمله به ایران آماده می‌کرد، در ابتدا به‌ظاهر از راه مصالحه و دوستی در آمد.

اما هنگامی که متوجه شد ماهیت اصلی اعمال او برای رهبر انقلاب برملا شده است، سناریوی دیگری را به

خود نزد مردم عراق، در قالب عملیات روانی متمرکز و منظم برای برانگیختن روح ملی‌گرایی، به یادآوری حقوق تاریخی عراق در شط‌العرب و خوزستان و... پرداخت و در کنار تبلیغ و ترویج ناسیونالیسم عربی به عنوان مهم‌ترین رکن هویتی عراق جدید^{۳۶}، از ملت ایران دیو هراسناکی ترسیم کرد که به‌زودی مردم عراق و سایر کشورهای منطقه را مورد تعرض و تجاوز قرار خواهد داد. به‌علاوه وی برای همراه‌کردن سایر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس مدعی شد که می‌خواهد جزایر تنب کوچک و بزرگ و بوموسی را از سیطره ایرانی‌ها خارج کند و به آغوش اعراب بازگرداند.^{۳۷}

سناریوی بعدی که فضای روانی را برای شروع جنگ در آینده نزدیک هموار کرد، حمله به پاسگاه‌های مرزی ایران از ابتدای سال ۱۳۵۸ بود.



صدام برای تحقق اهداف شیطانی خویش به تقویت پاسگاه‌های مرزی، ایجاد مواضع تدافعی در مرز، استقرار توپخانه و تقویت نیرو در مرز خود با ایران و اجرای عملیات شناسایی و ورود غیرقانونی به مرزهای هوایی ایران مبادرت ورزید.^{۳۸}

گزارش مرزبانی هنگ (تیپ) آبادان در تاریخ ۵۸/۳/۹ نیز گویای تجمع سربازان عراقی در مقابل مرز خرمشهر و پرواز شناسایی هواپیماهای این کشور بر روی پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری خسروآباد است. بازخوانی سند دیگری نیز بیانگر این نکته است که افسران ارشد عراقی در تاریخ ۵۸/۴/۲۵ به‌منظور طراحی نقشه حمله در محور شلمچه مبادرت به عکس‌برداری و فیلم‌برداری از مناطق مرزی ایران کرده و با وجود اخطار مرزبانان ایرانی همچنان به فعالیت خویش ادامه می‌دادند.

در همان ایام، در راستای محک‌زدن قدرت جمهوری اسلامی به فاصله کوتاهی پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، سرکنسول‌گری ایران در بصره

و ساخت فیلم قادسیه، به تخریب چهره ایرانیان در میان افکار عمومی جهان پرداخت و به مردم عراق هشدار داد که نژادپرستان ایرانی در راستای خیالات باستانی خویش بار دیگر چشم طمع به خاک عراق دوخته‌اند.^{۳۹}

اداره توجیه سیاسی عراق نیز با توسل به دروغ از یک طرف به تحریک افکار نیروهای نظامی خود پرداخت و از سوی دیگر در کنار افزایش ۵۰ درصدی حقوق و دادن درجات نظامی، تعداد زیادی از افسران مخالف دیدگاه صدام را به بهانه انجام کودتا^{۴۰} علیه حاکم عراق اعدام کرد و از هر لحاظ بدنه ارتش را آماده اجرای اوامر صدام نمود.^{۴۱}

همچنین استخبارات عراق حدود ۵۰ هزار تن از شیعیان ایرانی‌الاصل عراق را با مصادره اموال اخراج کرد و برای علما و روحانیت شیعه در نجف و کربلا مزاحمت ایجاد نمود و با یورش به مدارس ایرانی واقع در آن کشور، تعدادی از معلمان آن مدارس را دستگیر کرد. صدام حسین قبل از آغاز جنگ با ایران، به‌منظور موجه‌ساختن اقدام

و روبه‌روی حوزه گروهان ژاندارمری خرمشهر، مبادرت به احداث یک پایگاه هوایی کرده و نیروی زمینی و دریایی را به حالت آماده باش در آورده بود. از اواخر تیر ۱۳۵۹ حملات عراق به پاسگاه‌های مرزی ایران تشدید شد و با افزایش فزاینده تا مرداد ۱۳۵۹ ادامه پیدا کرد، تا به نوعی چشم دیده‌بانی نیروهای ژاندارمری را از بین برده و در زمان حمله نهایی و سراسری نزدیک‌ترین خط خیز را با ما داشته باشند. در واقع گزارش‌های مرزی گویای این مطلب است که از خرداد ۱۳۵۹ درگیری‌های مرزی میان مرزبانان ایرانی و مهاجمان عراقی زیادتر شده و تقریباً هر دو هفته یکی از پاسگاه‌های مرزی ایران مورد حمله قرار می‌گرفت و گاه از طریق توپ و خمپاره بمباران می‌شد و ژاندارمری مستقر در منطقه برای مقابله با تجاوز نیروهای بعثی، از نیروی هوایی تقاضای کمک می‌کرد.

با شکست کودتای سازمان نقاب (کودتای نوژه) و گرفتار شدن بیشتر عناصر و بازی‌گردانان این واقعه، صدام حسین که انتظار داشت با حمایت ضمنی از افسران شورشی ایران به اهداف و مقاصد سیاسی- نظامی خود نائل آید، این سناریو را نیز بی‌نتیجه یافت و با شدت بخشیدن به تحرکات مرزی، به دنبال تحقق نقشه بعدی بود.^{۳۳} در مرداد ۱۳۵۹ نیز برخی از پاسگاه‌های مرزی بر اثر اجرای آتش شدید ارتش بعث عراق ویران شد. اطلاعاتی‌های ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در آن ایام نیز از درگیری‌های خونین در مناطق مرزی حکایت می‌کند.^{۳۴} بررسی روند تجاوز نیروهای عراقی به مرزهای ایران بیانگر این نکته است که هر قدر به تاریخ شروع حمله گسترده صدام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نزدیک تر می‌شویم، تعداد این حملات و تجاوزات افزایش پیدا می‌کند.^{۳۵}

در نتیجه این حملات نزدیک به ۲۴۱ تن از هموطنان مرزنشین به شهادت رسیدند و حدود ۶۳۰ تن مجروح و ۱۴۴ تن نیز به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. در

به دست مأموران عراقی اشغال شد و سفیر ایران در بغداد رسماً خواستار بسته‌شدن سرکنسول‌گری‌های عراق در خرمشهر و کرمانشاه و سرکنسول‌گری‌های ایران در بصره و کربلا شد.^{۳۶}

دو ماه بعد نیز «برزان ابراهیم حسن تکریتی» وزیر اطلاعات عراق اعلام کرد که تمديد قرارداد الجزیره برای عراق مطلوب نیست و ایران باید درباره آن تجدید نظر کند. آن‌گاه نه تنها خواهان پس‌گرفتگی کامل اروندرود شد، بلکه از جانب دولت امارات درخواست بازپس‌گیری جزایر سه گانه- بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک- را مطرح کرد.

صدام، سپس در اقداماتی غیرعقلانی سوء قصد به «طارق عزیز» در فروردین ۵۹ را به ایرانی‌ها نسبت داد و به هنگام عیادت از وی سخنان زشتی در استهزای ایران و امام خمینی(ره) بر زبان راند.^{۳۷}

سپس دولت بعثی عراق در فروردین ۱۳۵۹ خواستار به رسمیت شناخته‌شدن خوزستان ایران به عنوان یک منطقه عربی شد و در مجمع شورای ملی عراق در مظلومیت زنان اعرابی که در خوزستان به سر می‌برند، اشک تمساح ریخت.^{۳۸} سپس تصریح کرد که آماده است اختلافات مرزی خود با ایران را به زور حل کند. عمال حزب بعث عراق به کمک دولت انگلیس، در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ سفارت ایران در لندن را اشغال کردند و به مدت ۶ روز آن را در کنترل خود گرفتند و ضمن اذیت و آزار افراد حاضر در سفارت دو تن از گروگان‌ها را کشتند.^{۳۹}

در کنار تبلیغات مسموم‌کننده و اجرای تکنیک‌های جنگ روانی، تحرکات و مهیاشدن برای حمله گسترده در ابتدای سال ۱۳۵۹ نیز با شدت و حدت بیشتری ادامه پیدا کرد و بر مبنای گزارش دایره اطلاعات (رکن دوم ارتش) به دفتر ریاست جمهوری و نخست‌وزیری، ارتش بعث عراق در منطقه ابوالخصیب در ۲۵ کیلومتری بصره

وی برای نیل به اریکه قدرت، از هیچ تلاش و جنایتی فروگذار نبوده و از زمان ورود به حزب بعث به دنبال کنارزدن مخالفان و رقیبان، برجسته کردن نقش خویش در تحولات محلی و منطقه‌ای و در ادامه قهرمان جهان عرب شدن بوده است.

تأمل روان‌شناسانه در شخصیت صدام نیز ما را به سوی این نکته رهنمون می‌کند که دامنه جاه‌طلبی و گستره سلطه‌جویی وی محدود به خاک عراق نبوده و حمله به ایران، تجاوز به خاک کشور کویت و هجوم به عربستان نشانه‌های بارزی از خوی جهان‌گشایی این فرد است. بنابراین به نظر نگارنده در بررسی علل و عوامل شروع جنگ، علل و انگیزه‌های روانی صدام در اولویت بررسی و تأمل قرار می‌گیرند. واقعیات تاریخی نیز به ما کمک می‌کند تا پرده از این راز برداریم و در سایه روندشناسی مناسبات ایران و عراق در چند دهه، به‌ویژه در زمان حضور صدام در کانون قدرت و جدال ناکام حزب بعث با حکومت پهلوی دوم، به این نتیجه برسیم که یکی از علل آغاز جنگ تحمیلی هشت‌ساله صدام علیه ایران، احساس سرخوردگی عراق و شخص صدام از مناسبات خود و نوع روابطش با ایران در دهه‌های پیش از انقلاب بود.

همان‌گونه که می‌دانیم دولت عراق، به‌ویژه پس از استقرار حکومت بعثی، اختلافات زیادی با ایران پیدا کرد و از آنجا که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران مورد حمایت شدید سیاسی و نظامی آمریکا بود، دولت‌های حاکم بر عراق قادر نبودند اهداف خود را در مورد تهدید یا تحقیر ایران تحقق بخشند و در نهایت مجبور به قبول معاهده الجزیره^{۳۹} در اسفند ۱۳۵۳/ مارس ۱۹۷۵ م. شدند که حاصل آن یک توافق کلی بر سر اختلافات مرزی دو کشور به‌خصوص در مورد مسئله اروندرود بود^{۴۰}. نکته جالب این توافق، حضور صدام حسین به عنوان معاون رئیس‌جمهور عراق احمد حسن البکر^{۴۱} برای امضای این قرارداد بود.

واقع می‌توان گفت قبل از شروع تهاجم گسترده صدام، مهاجمان عراقی نزدیک به هزار تن از شهروندان ایرانی را کشته و مجروح و اسیر کرده بودند. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ نیز عراق، پس از دادن دو یادداشت به کاردار جمهوری اسلامی ایران در بغداد، پاسگاه زین‌القوس و مناطق اطراف آن را اشغال کرد؛ این مناطق به موجب پیمان ۱۹۷۵م الجزایر به ایران واگذار شده بود. عراقی‌ها چند روز بعد، کنترل پنج پست مرزی را در دست گرفتند و درگیری‌ها را تشدید کردند. صدام حسین نیز چند روز قبل از حمله گسترده، اعلام کرد که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر میان ایران و عراق لغو شده است^{۴۲} و در چند روز مانده به حمله سراسری ارتش بعث عراق به مرزهای ایران، درگیری‌ها در نقاط مرزی به‌ویژه خرمشهر شدت بیشتری پیدا کرد.

در حقیقت - و بر خلاف آنچه در محافل رسمی و آکادمیک مطرح است-، صدام حسین مدت‌ها قبل از تهاجم سراسری به ایران در فاصله زمانی ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ تا شروع تهاجم گسترده در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، بیش از ۷۸۱ بار از راه زمین و هوا به میهن ما تجاوز کرد^{۴۳} و بیش از ۳۰۰ مورد با مدافعان ایرانی در زمین، هوا و دریا درگیر شد.

۲. توجیهات:

انگیزه‌های حمله صدام به خاک ایران

اولین پرسشی که به ذهن محقق و مورخ جنگ تحمیلی می‌رسد، این است که صدام حسین با چه انگیزه‌ای جنگی خونین علیه ایران را آغاز کرد؟ در یک پاسخ کلی و اجمالی می‌توان گفت بخش عمده‌ای از انگیزه‌ها و اهداف صدام در حمله به ایران جنبه روانی داشته و برخاسته از شخصیت قدرت‌طلب و خوی خشونت‌گرایی دیکتاتور عراق بوده است^{۴۴}. روند به قدرت رسیدن صدام در عراق و مجموعه اقدامات وی برای تثبیت و تحکیم ارکان قدرت خویش نیز گویای این نکته است که

در ایران را محفوظ داشت، اما واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تصرف سفارت ایالات متحده و افشای توطئه‌ها و برنامه‌های شیطانی آمریکا، روابط ایران و آمریکا را کاملاً تیره کرد و این ضریب اطمینان را برای صدام حسین ایجاد کرد که در صورت تهاجم به خاک ایران با مخالف و مقابله ایالات متحده روبه‌رو نخواهد شد.^{۴۶}

ناکامی آمریکا در صحرای طبس و به دنبال آن کودتای ناکام افسران و دولت‌مردان فراری شاهنشاهی در قالب «کودتای نقاب»^{۴۷} نیز، عزم صدام برای حمله به خاک ایران را راسخ‌تر کرد.^{۴۸} نکته دیگری که از نظر روانی در حمله صدام به خاک ایران تأثیر داشت، وقوع انقلاب اسلامی و ظهور دولتی برخاسته از آموزه‌های شیعی در ایران بود.^{۴۹}

این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که حدود ۷۰ درصد از مسلمانان ساکن در عراق شیعه‌مذهب هستند. با توجه به شناختی که صدام از امام خمینی (ره) داشت، تأثیرپذیری شیعیان عراق از رهنمودهای ایشان و گسترش فعالیت «حزب‌الدعوه» را یک خطر بالقوه برای دولت بعثی عراق می‌دانست.^{۵۰} حضور «آیت‌الله محمدباقر صدر» و تعریف و تمجید وی از امام خمینی (ره) - چیرگی موسی بر فرعون - و برپاشدن تظاهرات در شهرهای شیعه‌نشین عراق علیه نظام بعثی نیز ترس و هراس صدام از انقلاب اسلامی را دوچندان نمود.^{۵۱}

بنابراین می‌توان گفت تهاجم صدام به مرزهای ایران، نوعی پیش‌دستی برای مقابله با شعائر و آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. ذات تجاوزگرایانه، طبع جهان‌گشایانه و تمایلات زیاده‌طلبانه صدام نیز یکی دیگری از انگیزه‌های روانی مهم در ترغیب وی برای حمله به سرزمین ایران بود. او می‌خواست رهبر جهان عرب و ژاندارم خلیج فارس باشد و به زانو در آوردن جمهوری اسلامی، نردبان خوبی برای رسیدن به قله آرزوهای شیطانی او بود.^{۵۲} بدون تردید اگر صدام در جنگ تحمیلی پیروز می‌شد،

اما برای صدام امضای این قرارداد که نشانگر ضعف و زبونی دولت بعث عراق بود، چنان حقارت‌آمیز بود که به محض آنکه فرصتی یافت، مفاد قرارداد الجزیره را ملغی اعلام کرد تا عقده‌گشایی خویش را عیناً به نمایش بگذارد.

در حقیقت با پیروزی انقلاب اسلامی و تیره‌شدن روابط ایران و قدرت‌های بزرگ - به‌ویژه ایالات متحده آمریکا - صدام ترغیب و تشویق گردید تا این احساس حقارت را با حمله به خاک ایران تسکین دهد. او کانون رهاشدن تمام قدرتی بود که طی سال‌های گذشته با رفتار تحقیرآمیز محمدرضاشاه با دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس به حقارت تاریخی تبدیل‌شده و در چارچوب ذهنی زمامداران عراقی انباشته شده بود.^{۴۲}

در واقع صدام بعد از سقوط نظام شاهنشاهی در ایران با درک این عقده تاریخی سوار بر موج ضدایرانی شد و جنگ تحمیلی خود را نبرد عرب با عجم خواند، تا علاوه بر جلب نظر سران کشورهای عربی، توان مالی و نظامی اعراب را برای تحقق این هدف شوم بسیج کند.^{۴۳} نکته دیگری که باز از بُعد روانی به صدام کمک کرد تا خود را برای حمله به ایران مهیا کند، اطمینان از حمایت‌نکردن قدرت‌های بزرگ جهان به‌ویژه آمریکا از جمهوری اسلامی ایران بود. بعد از تصرف لانه جاسوسی آمریکا در تهران و برملا شدن دسیسه‌ها و توطئه‌ها، ایالات متحده آمریکا برای انحراف یا سقوط نظام اسلامی ایران در قالب عملیات «پنجه عقاب»^{۴۴}، ملاقات پنهانی «زیگنیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی «کارت» با صدام در مرز اردن در ۲۱ تیر ۱۳۵۹ به مثابه چراغ سبزی بود که آمریکا به دیکتاتور عراق برای تهاجم به خاک ایران داد تا با حمله نظامی، جمهوری اسلامی را در شرایطی قرار دهد که باز به دامن ایالات متحده بازگردد.^{۴۵} به بیانی دیگر روی کار آمدن دولت موقت در ایران این امیدواری را برای دولت‌مردان آمریکا به وجود آورده بود که می‌توان با جمهوری اسلامی مصالحه کرد و بخشی از منافع خود

و نیروی جیش‌الشعبی معطوف شد و «نائب المبرر السياسي» (معاونت توجیه سیاسی) برای ترغیب و تشویق سربازان خود برای ایستادگی در برابر حملات رزمندگان ایرانی، استراتژی جدیدی را تعریف کرد.

۱۱. حجت‌الله کریمی، «بررسی روند روابط ایران و عراق از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کناره‌گیری حسن البکر (بهمن ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۸)»، نگین ایران، شماره ۳۸، پائیز ۱۳۹۰، ص ۲۶.

۱۲. سیدمحمود دعایی در سال ۱۳۲۰ به دنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد حوزه علمیه کرمان و سپس قم گردید و برای فرار از دستگیری توسط ساواک به عراق مهاجرت کرد و علاوه بر رابط امام خمینی با مسئولان عراق، سخنگوی نهضت روحانیت مبارز در ایران و ارتباط با تشکیلات مبارز خارج بود. دعایی بعد از انقلاب سفیر ایران در عراق شد ولی در اعتراض به رفتار بد حاکمان حزب بعث در اسفند ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و سرپرست روزنامه اطلاعات و نماینده مجلس شد.

۱۳. کریمی، پیشین، ص ۸-۲۷.

۱۴. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. سیدمحمود دعایی، گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، به اهتمام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۷، ص ۷۷-۱۷۴.

15. Anthony Cordesman, The Iran- Iraq war and western secartiy, London, Janes publishing, 1987, p.44

۱۶. برای آگاهی از روند رو به افزایش تجاوز دولت بعثی عراق به خاک ایران از ابتدای سال ۱۳۵۸ تا شروع رسمی جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹؛ ر.ک. سند شماره ۱۲۱۶۶۷، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

۱۷. به روایت سردار «غلامعلی رشید» اعضای سازمان خلق عرب در قبل از پیروزی انقلاب تحت فشار ساواک به خدمت نظام شاهنشاهی در آمده بودند و بعد از فروپاشی دولت بعث در عراق با حمایت سه کشور آمریکا، انگلستان و هلند و بهره‌گیری از شرایط فقر اقتصادی مناطق جنگ‌زده فعالیت‌های خود را ادامه می‌دادند. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. «صخره سخت»، روزنامه ایران، شماره ۲، ۹ خرداد ۱۳۸۹، ص ۱۴.

۱۸. «جبهه‌التحریر» همزمان با تولد حزب بعث در کشورهای عربی توسط سازمان‌های جاسوسی غرب، در ایران راه‌اندازی شد. «حسین فردوست» در این زمینه نوشت: «بدون تردید جبهه‌التحریر یک طرح درازمدت بود که اگر در شرایط فرضی، محمدرضا پهلوی نتواند منافع غرب را در خوزستان تأمین کند، بتواند از طریق این تشکیلات وارد عمل شده و خوزستان مستقل را به نام عربستان و بر پایه ناسیونالیسم عربی ایجاد کند. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۱۹. نشریه تاریخ جنگ، شماره ۱، مهر ۱۳۷۰، ص ۳۵

۲۰. احمد دهقان، ناگفته‌های جنگ: خاطرات سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت سوره مهر، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹.

۲۱. حسین علایی، «بررسی نقش عوامل مؤثر بر آغاز جنگ تحمیلی»، نگین ایران، دوره ۱۱، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۷

۲۲. گذری بر دو سال جنگ، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بی‌تا، ص ۵۸.

۲۳. مرتضی منطقی، نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۸.

۲۴. قبل از آن در ۴ مرداد ۱۳۵۸ کودتایی علیه صدام صورت گرفته و به شکست انجامیده بود. سه ماه بعد تعداد زیادی از مقامات عراقی از جمله «غانم عبدالجلیل» مدیر دفتر صدام، «عدنان الحمدانی» معاون نخست وزیر، «محمد محبوب» وزیر آموزش عالی، «محمد عایش» وزیر صنایع، «محم‌الدین المشهدی»، مدیر کل شورای رهبری انقلاب، به جرم شرکت در کودتا دستگیر و اعدام شدند.

۲۵. مصطفی ایزدی، جواد استکی و مسعود یاران، تاریخ بیست‌ساله پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور: تهاجم عراق و مقابله با متجاوزین، کتاب پنجم، تهران، چاپخانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵.

۲۶. کامران طارمی، «تحلیلی بر نقش گروه‌های معارض کرد در روابط

اهداف جدیدی را در برنامه تجاوزگری تعریف می‌کرد؛ کاری که بعد از پذیرش شکست در مقابل اراده ملت ایران نیز به انجام رساند و با حمله به کویت و اشغال این کشور، آشکال دیگری از جباریت خود را به نمایش گذاشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. در زبان فارسی اصطلاح تبلیغات گاهی در مقابل واژه Propagation قرار می‌گیرد که به معنای ترویج، تکثیر و رساندن صحیح يك مطلب است و بار ارزشی مثبت دارد. گاهی نیز در مقابل واژه Propaganda قرار می‌گیرد که به معنای پیام توخالی و هیاهوی بی‌محتواست و بار ارزشی منفی دارد. گاهی هم در مقابل واژه Advertisement قرار گرفته و به معنای آگهی‌های بازرگانی است.

۲. تبلیغات سیاه یکی از روش‌های زیرکانه تبلیغاتی است که به القا وابستگی زیادی دارد و متکی بر پخش رادیویی است که به‌ظاهر از يك ایستگاه مخفی رادیویی در خاک دشمن پخش می‌شود.

۳. تبلیغات جنگی به مجموعه حیل‌های تبلیغاتی اطلاق می‌شود که برای تضعیف روحیه جنگی سربازان دشمن به کار می‌رود.

۴. جمعی از نویسندگان، تبلیغات و جنگ روانی (مجموعه مقالات)، به کوشش حسین حسینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۷، ص ۴۱.

۵. جنگ روانی Psychological operations که در مقابل جنگ فیزیکی Physical operations قرار می‌گیرد، کوششی آگاهانه و نظام‌مند برای تخریب یا تضعیف روحیه حریف در شرایط خاص است. شاید یکی از مشکلات عمده در تعریف عملیات روانی ناشی از قرابت معنایی این واژه با برخی واژه‌ها مانند: جنگ روانی، قدرت نرم، جنگ نرم، جنگ افکار، جنگ اعصاب، جنگ فکری، جنگ ایدئولوژیک، جنگ سیاسی، جنگ تبلیغات، جنگ کلامی، مبارزه اطلاعاتی و... باشد. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. صلاح نصر، جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۰، ص ۸۹.

۶. باید توجه داشت که جنگ سیاسی یا جنگ سرد میان دولت‌های متخاصم صورت می‌گیرد، اما جنگ روانی برضد ملت‌ها انجام می‌شود و در زمان جنگ، مکمل نبرد نظامی است و در زمان صلح، جنگ استراتژیک یا تهاجم فرهنگی خوانده می‌شود.

۷. تفاوت عملیات روانی با جنگ روانی در این است که عملیات روانی اعم از جنگ روانی تعریف شده و به مجموعه فعالیت‌های روانی و اعمال سیاسی، نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیک اطلاق می‌شود که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروه‌های هدف- دوست یا دشمن- برای رسیدن به اهداف ملی برنامه‌ریزی می‌شود. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. محمدرضا مصطفوی، رضا محمودی و مجید جلالی نیا، کلیات و مفاهیم جنگ روانی، تهران: انتشارات سیب سبز، ۱۳۹۱، ص ۱۶.

۸. بعدها با برجسته‌شدن نقش فرماندهان جوان سپاه و حضور مؤثر نیروهای بسیجی، سمت و سوی تبلیغات و جنگ روانی دشمن به سوی آنان تغییر پیدا کرد و با بهره‌گیری از همه ابزار عملیات روانی به سیاه‌نمایی و ترور شخصیت بسیجی‌ها پرداخت.

۹. استخبارات نام سازمان حفاظت اطلاعات نیروهای نظامی و انتظامی عراق بود که مشهورترین بازوی سیستم امنیتی دولت عراق در دوره صدام به‌شمار می‌رفت و «برزان ابراهیم حسن تکریتی» برادر ناتنی دیکتاتور عراق آن را اداره می‌کرد.

۱۰. البته با طولانی‌شدن جنگ تحمیلی و ناتوانی روزافزون صدام در مقابل نیروهای ایرانی، بخشی از توان طراحان عملیات روانی حزب بعث به ارتش

Embattled, Washington, D. C: Preager, 1982, p.30.

۴۴. آمریکا بر طبق یک برنامه فوق سری، عملیات «پنجه عقاب» را طراحی کرد و بر اساس روایت مشهوری که در تاریخ معاصر ثبت شده، ۱۳۲ کماندو مأموریت داشتند تا در صحرای طبس فرود آیند و بعد از انجام هماهنگی‌های لازم و استفاده از مهره‌های نفوذی در داخل ایران، به محل نگهداری گروگان‌های آمریکایی هجوم ببرند و آنان را به همراه تعدادی از دانشجویان پیرو خط امام به خارج از ایران منتقل کنند، اما عملیات در نیمه شب ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، به علل مختلفی با شکست مواجه شد و آمریکایی‌ها با بر جای گذاشتن تجهیزات و اجساد سوخته ۹ تن از افراد خود از ایران خارج شدند. برای آگاهی بیشتر؛ ر.ک. یوسف مازندی، ایران ابرقدرت قرن، تهران، البرز، ۱۳۷۳، ص ۱۸-۱۷.

۴۵. آمریکا نه تنها از حمله صدام به خاک ایران حمایت کرد، بلکه از طریق مستشاران نظامی خود که زمانی در ارتش شاهنشاهی بودند، آخرین اطلاعات در خصوص توانایی نظامی و راهبردهای دفاعی ما را در اختیار فرماندهان عراقی گذاشت و در ادامه با ارسال اطلاعات آواکس‌های مستقر در عربستان به صدام، او را در جهت ضربه‌زدن به تسلیحات نظامی و امکانات اقتصادی ایران یاری داد. حمایت شیطان بزرگ از دیکتاتور عراق بعد از رسوایی ایران گیت علنی‌تر شد و به مداخله نظامی علیه نیروهای ایرانی در خلیج فارس انجامید. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. مارک پری، کسوف: آخرین روزهای CIA؛ اسناد دخالت مستقیم آمریکا به نفع صدام حسین در جنگ عراق با ایران، ترجمه ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵، ص ۷۰۸-۶۹۸.

۴۶. دولت عراق متحد سنتی اتحاد جماهیر شوروی به‌شمار می‌آمد و از بابت او دغدغه و نگرانی نداشت.

۴۷. طرح کودتا با محوریت «شاپور بختیار» و تعدادی از افسران وفادار به شاه در مرحله اجرا قرار گرفت و دولت بعث نیز یکی از مهم‌ترین تدارک‌کنندگان این کودتا بود. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. کودتای نوژه، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۷.

۴۸. دیکتاتور عراق از قدرت نیروی هوایی ایران واهمه داشت و این کودتا می‌توانست تا اندازه‌ای نگرانی صدام را که در اندیشه تهاجم به ایران بود، برطرف سازد. برای آگاهی بیشتر؛ ر.ک. محمد درودیان، آغاز تا پایان: سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱، ص ۲۳.

۴۹. صاحب‌نظران غربی بیم داشتند که بر مبنای نظریه «هاگر استرن» باورها و شعارهای انقلاب اسلامی در کشورهای همسایه ایران، به‌ویژه در دو کشور عراق و بحرین که میزان شیوع اعتقادات شیعی در آنها بیشتر است، سرایت و گسترش یابد. برای آگاهی بیشتر؛ ر.ک. ابراهیم برزگر، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال ۳، شماره ۸، بهار ۱۳۸۱، ص ۵۷.

۵۰. کامیل کریمیان، «بحران ملت سازی در عراق و آغاز جنگ هشت ساله»، جنگ ایران و عراق: ریشه ها و علل وقوع، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶.

۵۱. صدام که از نزدیک شاهد مبارزه امام خمینی (ره) با رژیم پهلوی بود، برای جلوگیری از ظهور خمینی دیگری در عراق، بلافاصله آیت‌الله محمدباقر صدر و خواهرش «بنت الهدی صدر» را در ۲۴ فروردین ۱۳۵۹ در زندان به شهادت رساند و تعداد زیادی از ایرانیان ساکن عراق، به‌ویژه دو شهر نجف و کربلا را اخراج کرد. برای مطالعه بیشتر؛ ر.ک. مسعود کوهستانی نژاد، «بررسی تحولات داخلی عراق در آستانه جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه دفاع مقدس، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۱، ص ۱۳۹.

۵۲. این پیش‌بینی توهّم نبود و رویدادهای بعد از سقوط صدام در عراق و ظهور جریان مقاومت در منطقه جلوه‌های باشکوهی از تأثیرپذیری سایر ملت‌ها از افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) را به نمایش گذاشت.

۵۳. جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، گروه مترجمان پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، تهران انتشارات شکیب، ۱۳۸۷، ص ۵۱۵.

ایران و عراق در عصر پهلوی»، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱، پائیز ۱۳۸۲، ص ۱۴۹.

۲۷. عبدالحلیم ابوزاله، جنگ ایران و عراق، ترجمه نادر نوروزشاد، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۴۹

۲۸. مهدی انصاری و حسین یکتا، روزشمار جنگ ایران و عراق: هجوم سراسری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۲، ص ۱۹.

۲۹. روزنامه اطلاعات، مورخه ۵۸/۱۶/۵۸.

۳۰. منطقی، پیشین، ص ۲۱.

۳۱. چمران بویه، «ژئوپلیتیک و استراتژی جنگ طلبانه عراق»، نگین ایران، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۰، ص ۴۵.

۳۲. از آنجا که اشغال سفارت ایران در لندن پنج روز پس از شکست حمله نظامی آمریکا در صحرای طبس رخ داد، برخی خبرگزاری‌ها آن را اقدام تازه آمریکا و بریتانیا برای تحت فشار قرار دادن ایران برای آزادی گروگان‌های آمریکایی ارزیابی کردند.

۳۳. سه اتاق فرماندهی در ایران، عراق و پاریس، کودتای «سازمان نقاب» را هدایت و رهبری می‌کرد و تعدادی از افسران و خلبانان سلطنت‌طلب شرکت‌کننده در این کودتا، با حمایت ضمنی قدرت‌های بزرگ- آمریکا، فرانسه و... و پشتیبانی نیروی هوایی عراق، قصد بمباران مراکز مهم نظامی و امنیتی در ایران را داشتند.

۳۴. امین داوری، «گزارش هجوم هوایی ارتش عراق به فرودگاه مهرآباد در آغاز جنگ تحمیلی»، مجله نگین ایران، دوره ۱۱، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۰۲.

۳۵. جنگ ایران و عراق: ریشه‌ها و علل وقوع (مجموعه مقالات)، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران ۱۳۹۰، ص ۳۹-۱۳۸.

۳۶. علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۴۲.

۳۷. کیث مک لکلان، «تحلیل خطرات جنگ: اختلافات ایران و عراق»، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، ص ۱۳۷.

۳۸. البته تأکید بر این مطلب به معنای نادیده‌گرفتن سایر انگیزه‌ها و اهداف سیاسی، نظامی، جغرافیایی، اقتصادی و... تجاوز صدام حسین به خاک ایران نیست.

۳۹. بر طبق این قرارداد، مقرر شد که طرفین مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل ۱۹۱۳م و صورت‌جلسات ۱۹۱۴م تعیین کنند، مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند، از هرگونه اقدام خرابکارانه پرهیز نمایند و ناقض مفاد قرارداد الجزیره نباشند. برای آگاهی بیشتر؛ ر.ک. وزارت امور خارجه، روابط خارجی ایران در سال ۱۳۵۳، تهران، انتشارات مدارک، ۱۳۵۴، ص ۱۵۸.

۴۰. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران دوره پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۴، ص ۴۳۵.

۴۱. احمد حسن البکر در سال ۱۹۱۴م به دنیا آمد و پس از شرکت ناموفق در یک شورش نظامی و کناره‌گیری از ارتش، دوباره به صحنه بازگشت و به عنوان چهارمین رئیس جمهور عراق تا سال ۱۹۷۹م حکومت کرد و با کودتای صدام از کار برکنار و مسموم شد و در ۴ اکتبر ۱۹۸۲م از دنیا رفت. در زمان حسن البکر اختلافات مرزی ایران و عراق شدت پیدا کرد و ایران با تصرف سه جزیره بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در ۹ آذرماه ۱۳۵۰ و سپس حمایت ضمنی از کردهای اقلیم کردستان عراق سطح اختلافات خود را با عراق و کشورهای عربی افزایش داد. برای آگاهی بیشتر؛ ر.ک. کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ: ناگفته‌های جنگ عراق و ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۷۰.

۴۲. قدرت‌الله قربانی، «تأملی فلسفی در علل وقوع جنگ ایران و عراق»، در مجموعه مقالات جنگ ایران و عراق: ریشه‌ها و علل وقوع، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳.

43. Stephen S Grummon, The Iran Iraq War, Islam

جنگ قبل از جنگ

جنگ در منطقه مرزی استان کرمانشاه / بخش اول

اسدالله احمدی

مقدمه

استان کرمانشاه در منطقه میانی غرب کشور واقع شده است. عوامل وابسته به رژیم ستمشاهی پهلوی این استان را نیز همچون بسیاری از استان‌های مرزی، دستخوش حوادث تلخی کردند.

مردمان نیمه غربی این استان بیشترین آزار و اذیت را از جانب ضدانقلاب سلطنت‌طلب و ارتش عراق و افراد فرصت‌طلب تجربه کردند. در واقع مردم منطقه مرزی استان کرمانشاه به‌خصوص مردم مقاوم و نجیب شهرستان قصر شیرین و سرپل ذهاب بیشترین آسیب‌ها را از عناصر فریب‌خورده سران سلطنت‌طلب متحمل شدند.

مردمان نجیب و متعهد پاوه و اورامانات و جوانرود را نیز عناصر دموکرات و کومله دچار آسیب‌های شدیدی کردند. اما آنچه در این نوشته به‌صورت فشرده به آن پرداخته می‌شود، حوادث مربوط به پیروزی انقلاب تا تهاجم گسترده ارتش صدام در منطقه مرزی سرپل ذهاب و قصر شیرین است.

حوادث شهرها و مناطق شمال غربی استان یعنی پاوه، جوانرود، نوسود، نودشه، اورامانات و همچنین تهاجم گسترده و همه‌جانبه ارتش تا بن دندان مسلح صدام حسین در این استان، در قسمت‌های بعدی بیان خواهد شد.

نگاه اجمالی به استان کرمانشاه

جغرافیای طبیعی

استان کرمانشاه در منطقه میانی نیمه غربی کشور پهناور ایران قرار دارد. شهر کرمانشاه مرکز استان از شرق ۵۲۶ کیلومتر با تهران فاصله دارد. همچنین شهر سرپل ذهاب در منطقه میانی نوار مرزی استان در ۱۳۷ کیلومتری مرکز استان واقع شده است. شهر قصر شیرین در غرب شهرسرپل ذهاب نیز در ۱۶۷ کیلومتری مرکز استان قرار دارد. شهر و پایانه مرزی خسروی نیز در ۱۵ کیلومتری جنوب قصر شیرین واقع است. از آنجا که این محور از گذشته‌های دور یکی از محورهای اصلی ارتباطی دو کشور ایران و عراق برای تردد زائران عتبات عالیات به شمار می‌رود، برای مسلمانان کشورهای همسایه ایران نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین فاصله نزدیک این محور با شهر بغداد مرکز حکومت کشور عراق، از منظر سیاسی و نظامی اهمیت راهبردی به منطقه بخشیده است. استان کرمانشاه علاوه بر این محور با دو محور دیگر از جمله محور پاوه، نوسود و حلبچه در شمال و محور سومار و مندلی در جنوب با استان دیاله عراق ارتباط دارد. گفتنی است دو کشور ایران و عراق در این استان ۲۶۳ کیلومتر مرز مشترک دارند.^۱

آب و هوا

استان کرمانشاه با داشتن کوهستان‌های مختلف که بخشی از سلسله جبال زاگرس را تشکیل می‌دهند، دارای آب‌وهوای متفاوتی است. مناطق شمالی استان دارای

زمستان‌های سرد و نزولات آسمانی فراوان است و مناطق میانی و جنوبی در غرب استان آب‌وهوای گرم و خشک دارد. همچنین آب‌وهوا در منطقه مرکزی و نواحی آن با مناطق شمالی و جنوبی متفاوت است.

جمعیت

استان کرمانشاه در سرشماری جمعیتی در سال ۱۳۵۵ دارای یک میلیون و ۳۰ هزار و ۷۱۴ نفر جمعیت بوده است.^۲ ساکنان استان را اغلب عشایر تشکیل می‌دهند و از این جهت جمعیت این استان دارای بافت عشایری بوده است. ایل‌های معروفی چون کلهر، سنجابی و همچنین گورانی، ذوله، ترکاشوند، قلخانی، ولدبیگی، بالوند (زردلان)، جمیر (اجمور یا جمور)، باباخانی ساکنان استان کرمانشاه را تشکیل می‌دهند.^۳

دین اکثریت مردم استان کرمانشاه اسلام است که در مناطق شمالی به خصوص در مناطق پاوه و جوانرود اهل سنت اکثریت دارند و در مناطق میانی و جنوبی استان شیعیان دارای اکثریت هستند. علاوه بر مسلمانان، اهل حق و برخی ادیان دیگر از جمله یهودیان نیز از ساکنان استان هستند.^۴

■ بحران امنیت در استان

عملکرد ضدانقلاب

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی گروه‌های مسلح وابسته، با اهداف خاصی که داشتند و با برنامه‌ریزی قبلی به غارت پادگان‌ها و اسلحه‌های پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها پرداختند. حزب دموکرات کردستان در یورش، پادگان لشکر ۲۸ کردستان را با تمام تجهیزات سبک و سنگین غارت کرد و بلافاصله کنترل بخش‌های زیادی از مناطق کردنشین را در اختیار گرفت. در استان‌های دیگر همچون خوزستان، سیستان و بلوچستان و... نیز گروه‌های مسلح با اقدامات مسلحانه به دنبال اهداف تجزیه طلبانه خود بودند. گرچه فعالیت گروه‌های مسلح

در هر یک از مناطق تحت عناوین مختلفی همچون خلق کردستان، خلق ترکمن، خلق عرب، خلق مسلمان و... شروع شده بود، اما همه آن‌ها یک فصل مشترک داشتند و آن تجزیه کشور پهناور ایران بود. در همین راستا، اقدامات گروه‌های مسلح سلطنت طلب در منطقه مرزی استان کرمانشاه نیز در جهت تجزیه بخشی از خاک کشور و تشکیل «ایران آزاد»^۵ صورت می‌گرفت.

سران ضدانقلاب

در استان کرمانشاه افرادی چون سالار جاف و سردار جاف و سپهد پالیزبان که از وابستگان به رژیم پهلوی و عشایر منطقه بودند، با استفاده از تعلقات عشایری و همچنین تطمیع افراد بانفوذ، از جمله بعضی از کدخداها و بعضی از سران عشایر به جذب مزدور پرداختند.

در همین زمینه، ارتش عراق که با شروع انقلاب مانع میله‌گذاری مرزی بر اساس قرارداد ۱۹۷۵م الجزایر شده بود،^۶ پس از پیروزی انقلاب در اقدامی مداخله جویانه با اعزام سه فروند هلی‌کوپتر و ورود به خاک ایران خانواده سالار جاف را از داخل خاک ایران در استان کرمانشاه به «چارکلاو» در داخل خاک عراق انتقال داد.^۷

«چارکلاو» نزدیک مرز ایران در شمال شهرهای قصر شیرین و سرپل ذهاب قرار داشت. همزمان گروهک‌ها، سازمان‌ها و همچنین عناصر وابسته به ضدانقلاب تبلیغات سوء علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران



را آغاز کردند. ضدانقلاب با استفاده از خلاء اعتقادی و همچنین فقر فرهنگی و اقتصادی ضمن شایعه‌پراکنی در خصوص سقوط نظام نوپای جمهوری اسلامی، چنین القا می‌کردند که حکومت شیعی در صورت استقرار، پیروان سایر مذاهب و فرق را مجبور به پذیرش مذهب شیعه خواهد کرد.

از سوی دیگر، عناصر ضدانقلاب و بعضاً با همکاری عناصر ژاندارم، بخش عمده‌ای از پاسگاه‌های ژاندارمری در منطقه مرزی به‌خصوص در غرب دشت ذهاب واقع در شمال شهر سرپل ذهاب را خلع سلاح کردند. افراد مختلف با اهداف خاصی از این منطقه بدون هیچ مشکلی به داخل خاک عراق تردد می‌کردند. در مدت کوتاهی ساکنان چندین روستا خانه‌های خود را تخلیه کردند و به عراق رفتند. گفتنی است کدخداهای روستاها که اغلب از وابستگان به سران ضدانقلاب و عوامل ساواک و نظام سلطنتی پهلوی بودند، نقش ویژه‌ای در تطمیع و کوچاندن ساکنان روستاها داشتند.

در فاصله چند ماه، چندین هزار نفر جذب سران ضدانقلاب شدند. فرماندهان و عناصر فراری ارتش شاهنشاهی و ساواکیان، آموزش و سازمان‌دهی نیروهای جذب‌شده را بر عهده داشتند. شایعات وجود رفاه و همچنین دادن حقوق و اسلحه به افراد در اردوی ضدانقلاب، هرروز پررنگ‌تر می‌شد، این در حالی بود

که عناصر ضدانقلاب و همچنین افراد فرصت‌طلب با غارت اموال و احشام دامداران و مردم، دامنه ناامنی را هرروز گسترده‌تر می‌کردند. در همین ارتباط، درحالی‌که مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب گذشته بود، سرکرده یک گروه ۳۷ نفره پس از دستگیری، در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ به چندین فقره سرقت، قتل‌عام و تجاوز به عنف اعتراف می‌کند.^۸ درحالی‌که مردم بی‌دفاع منطقه در بحران امنیت به سر می‌بردند و جان و مال‌شان پیوسته در معرض خطر بود، در بخشی از شهر سرپل ذهاب بازار فروش انواع اسلحه و مهمات ایجاد شده بود. از مناطق مختلف کشور افرادی برای خرید و فروش اسلحه به این شهر وارد می‌شدند. انواع سلاح‌های سازمانی نیروهای مسلح ایران به همراه مهمات که از پادگان‌ها، پاسگاه‌ها و مراکز نظامی غارت شده بود در کنار انواع سلاح‌های شکاری و همین‌طور انواع کلاشینکف که از کشور عراق وارد شده بود، به‌راحتی و با قیمت اندک خرید و فروش می‌شد. انواع کلت کمری بین ۴۵۰۰ تا ۸ هزار تومان و انواع تفنگ برنو، ام یک و ژ ۳ نیز بین ۴ تا ۱۰ هزار تومان قیمت داشت. انواع فشنگ‌های کالیبر کوچک به‌صورت فله‌ای، با گونی به فروش می‌رسید.^۹ علاوه بر سلاح‌های سبک و انواع تفنگ شکاری، انواع تیربارها و خمپاره‌اندازهای سازمانی ارتش و همچنین انواع سلاح‌های کلاشینکف و نارنجک‌ها نیز با قیمت نازل خرید و فروش می‌شد. خمپاره‌انداز ۸۱ میلی‌متری با چهار گلوله ۴۰۰۰ تومان، نارنجک ۲۵۰ تومان و نارنجک

ارتش عراق که با شروع انقلاب مانع میلۀ گذاری مرزی بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ م الجزایر شده بود، پس از پیروزی انقلاب در اقدامی مداخله جویانه، با اعزام سه فروند هلی کوپتر و ورود به خاک ایران خانواده سالار جاف را از داخل خاک ایران در استان کرمانشاه به «چارکلاو» در داخل خاک عراق انتقال داد.

در بین جاده‌های مواصلاتی و با غارت اموال مسافران و حتی گروگان‌گیری غیرنظامیان و در مواقعی نیز با قتل آن‌ها، چنان وحشتی در میان مردم منطقه و حتی مردم مناطق مرکزی استان ایجاد کرده بود که کمتر کسی جرئت تردد در جاده مواصلاتی کرمانشاه به منطقه قصر شیرین را داشت. درواقع مردم مصمم بودند در صورت ضرورت حتماً در زمان روشنایی روز تردد کنند، گرچه در روز روشن نیز بارها عناصر ضدانقلاب با اجرای کمین اقدام به راهبندان، دستبرد، گروگان‌گیری و قتل می‌کردند. در جریان حمله به خودروها، حتی آمبولانس‌های حمل بیمار نیز در امان نبودند. برای مثال، برای حمل خانم بارداری از سرپل ذهاب به بیمارستان قصر شیرین، راننده بهداری به خاطر ترس از کمین ضدانقلاب حاضر به انجام وظیفه خود نبود. همسر این خانم به‌ناچار به سپاه پاسداران سرپل ذهاب مراجعه می‌کند و یکی از پاسداران داوطلب رساندن خانم باردار به بیمارستان قرنطینه قصر شیرین می‌شود. در بین راه و در نزدیکی قصر شیرین عناصر ضدانقلاب که کمین کرده بودند، آمبولانس را به رگبار می‌بندند. راننده در دم شهید و آمبولانس واژگون می‌شود. در این حمله خانم باردار سالم می‌ماند، ولی همسر وی و یکی دیگر از همراهان به شدت مجروح می‌شوند. نیروهای سپاه پاسداران قصر شیرین بلافاصله خود را به منطقه کمین در نزدیک پل شیرازی می‌رسانند و افراد را نجات می‌دهند و مجروحان را به بیمارستان منتقل می‌کنند.

آمریکایی نیز ۳۰۰ تومان قیمت داشت.

مقاومت مردمی

با وجود بروز ناامنی‌ها در جاده‌ها، روستاها و شهرها، افراد متعهد و متدین با تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی شبانه‌روز زندگی خود را وقف برقراری امنیت در منطقه کرده بودند. در همین زمینه، تعدادی از درجه‌داران لشکر ۸۱ زرهی ارتش، به همراه یکی از افسران متعهد که در جریان انقلاب انقلابیون پیوسته بود، با تشکیل گروه ضربت^۱ و به‌کارگیری افراد کمیته‌های انقلاب اسلامی به مبارزه با ضدانقلاب و تأمین امنیت مناطق مرزی، جاده‌ها، روستاها و شهرهای مرزی پرداختند و توانستند ضربات مهلکی به ضدانقلاب بزنند.

علاوه بر نیروهای بومی، نیروهای دیگری نیز از شهرهای مختلف از جمله کرمانشاه، تهران، کرج، همدان، یزد و دیگر شهرهای ایران به منطقه مرزی استان کرمانشاه اعزام شدند. نیروهای انقلاب توانستند با برخورداری قاطع با فروشندگان، بازار خرید و فروش اسلحه را که علاوه بر شهر سرپل ذهاب به شهرهای دیگری چون سومار نیز توسعه یافته بود، جمع کنند.^۲ اما ضدانقلاب همچنان به دنبال اهداف شوم خود بود و با اجرای کمین



پاسگاه‌های مرزی و همزمان به ساختمان سپاه پاسداران و شهر قصر شیرین شروع شد. فرماندهان نیروهای مهاجم با بسیج عمومی حدود ۱۴۰۰ نفر را سازمان‌دهی کرده و با سلاح‌هایی همچون تیربار آرپی‌جی و خمپاره‌انداز به‌طور هم‌زمان شلیک می‌کردند.^{۱۲} اندک نیروهای متعهد و مدافعان انقلاب که چند ساعت قبل از یورش ضدانقلاب از حمله آنان مطلع و آماده‌شده بودند، حملات ضدانقلاب را دفع کردند. در جریان دفع حمله مهاجمان تعدادی از فرماندهان و افراد آنان کشته شدند و آنها بدون دستیابی به اهداف خود مجبور به عقب‌نشینی شدند. فرماندهان ضدانقلاب با این حرکت به دنبال نشان دادن قدرت خود و ضرب شست به مدافعان انقلاب به‌خصوص سپاه پاسداران جدیدالتاسیس بودند، ولی با هوشیاری و عکس‌العمل به‌موقع نیروهای سپاه پاسداران با نتیجه معکوس روبه‌رو و دچار شوک شدند. ضدانقلاب پس‌ازاین شکست چند روزی بدون نشان دادن اقدامی، به برگزاری مراسم سوگواری کشته‌شدگان خود گذراند. تعداد زیاد مراسم تدفین و مجالس کشته‌شدگان بیانگر ضربه کاری به ضدانقلاب بود. سرسپردگان سلطنت طلب پس از مدتی بار دیگر با برگزاری جلسات و سخنرانی مزدوران‌شان را به اجرای اقدامات ضد امنیتی وادار کردند. در واقع هرروز که از استقرار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قصر شیرین می‌گذشت، توان مدافعان انقلاب و حافظان امنیت با اعزام نیروهای سپاه پاسداران و مردم تقویت می‌شد و ضدانقلاب نیز مصمم به ادامه



ایجاد کمین، گروگان‌گیری و سرقت دام‌ها از سوی ضدانقلاب و افراد فرصت‌طلب، به امری تکراری و قابل پیش‌بینی برای مردم تبدیل شده بود. ضدانقلاب حتی پا را فراتر گذاشته بود و افرادی را که حاضر به همکاری با آنها نبودند، مورد آزار و اذیت قرار می‌داد و حتی ترور می‌کرد. در بعضی از موارد با حمله به منازل افراد انقلابی آنان را در مقابل همسر و فرزندان به شهادت می‌رساندند.

■ تشکیل سپاه پاسداران قصر شیرین

در چنین شرایطی با اقدامات مسئولان، در چهاردهم آبان ۱۳۵۸ سپاه پاسداران قصر شیرین با تعدادی از افراد گروه ضربت و جوانان متعهد بومی تشکیل شد.

چند روز از تشکیل سپاه پاسداران و استقرار آنها در ساختمان دانشسرای مقدماتی دختران می‌گذشت که عوامل اطلاعاتی سپاه پاسداران خبر توطئه ضدانقلاب برای حمله گسترده به پاسگاه‌های مرزی و ساختمان سپاه پاسداران را به فرماندهی سپاه پاسداران ارائه کردند. ستوان یکم آذربون که پس از تشکیل گروه ضربت واحد اطلاعات را نیز در این گروه تشکیل داده بود و به همراه سایر همقطاران به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتقل شده و اکنون به فرماندهی سپاه پاسداران قصر شیرین منصوب شده بود، با تعدادی از جوانان بومی و متعهد اداره سپاه پاسداران قصر شیرین را بر عهده داشت.

طبق گزارش، نیمه‌های شب حملات ضدانقلاب به



مین‌گذاری جاده‌های مواصلاتی بین روستاها و جاده‌های مرزی اقدام جدیدی بود که فرماندهان سلطنت‌طلب در دستور کار خود قرار دادند. مین‌گذاری در مسیر حرکت خودروهای نظامی و غیرنظامی موجب انهدام تعداد زیادی از خودروهای نظامی از قبیل تانک، نفربر و خودروهای غیرنظامی شد.^{۱۳} در همین رابطه تعداد زیادی از خودروهای شخصی از قبیل کامیون، خودرو سواری وانت و جیپ شخصی بر روی مین‌های کاشته‌شده ضدانقلاب منهدم شدند. ضدانقلاب برای رسیدن به هدف شوم خود، به هر اقدامی دست می‌زد. عوامل ضدانقلاب با مین‌گذاری در جاده‌های خاکی بین روستاها که اغلب خودروهای غیرنظامی تردد می‌کردند عملاً مردم غیرنظامی را که حاضر نبودند به آن‌ها بپیوندند مورد هدف قرار می‌دادند. در یکی از حوادثی که بر اثر برخورد خودروی شخصی با مین رخ داد، ۱۴ نفر از اعضای خانواده‌ای که با یک خودروی سیم‌رغ در جاده بین دو روستای «پرویزخان» و «برارعزیز» در حرکت بودند بر اثر انفجار مین ضدتانک تکه‌تکه شدند و در دم جان باختند.^{۱۴} گفتنی است در میان سرنشینان خودرو خانم بارداری بود که با متلاشی‌شدن بدن این خانم جنین هشت‌ماهه وی به حدود ۵۰ متر دورتر از مکان انفجار پرتاب‌شده بود. تکه‌های بدن سرنشینان تا ده‌ها متر دورتر از مکان انفجار پراکنده‌شده بودند. فرماندهان ضدانقلاب با اتخاذ تاکتیک جدید توانستند با هدف قرار دادن مردم بار دیگر جوّ رعب و وحشت را در میان مردم منطقه شعله‌ور کنند.

روستاها و جاده‌های مواصلاتی روستاها که عموماً خاکی بودند مراقبت و کنترل راه‌ها را برای نیروهای نظامی و مدافعان انقلاب سخت کرده بود، به‌خصوص که امکانات کنترل جاده‌ها و مین‌یابی و پاکسازی جاده‌ها نیز پاسخگوی نیاز گسترده این منطقه از مرز نبود. ضدانقلاب از فقر اقتصادی و فرهنگی برخی از افراد بومی، نهایت سوءاستفاده را می‌کرد. آن‌ها با پرداخت مبلغی پول به افراد بومی، آن‌ها را تشویق به مین‌گذاری

عوامل ضدانقلاب با مین‌گذاری در جاده‌های خاکی بین روستاها که اغلب خودروهای غیرنظامی تردد می‌کردند، عملاً مردم غیرنظامی را که حاضر نبودند به آن‌ها بپیوندند مورد هدف قرار می‌دادند.

ضدانقلاب با برخورداری از حمایت‌های مالی سلطنت‌طلبان وابسته به دربار و رژیم پهلوی و افرادی همچون بختیار، پالیزبان، اویسی و سردار جاف از یک سو و حمایت‌های نظامی ارتش عراق از سوی دیگر، توانسته بودند ۱۲ هزار مزدور را استخدام و با پرداخت ۱۲۰۰ تومان حقوق آن‌ها را برای ایجاد ناامنی در مناطق مسکونی به داخل مرزها هدایت کنند.

اقدامات ضد امنیتی خود بود.

■ مین‌گذاری، تاکتیک جدید ضدانقلاب

ویژگی‌های جغرافیایی طبیعی و انسانی منطقه از یک سو و جذب چند هزار نیرو از عناصر فریب‌خورده از سوی دیگر، شرایط مناسبی را برای عملیات‌های کمین، گروگان‌گیری و حمله به پاسگاه‌های مرزی ایجاد کرده بود. عناصر تحت امر ضدانقلاب، همچنان در میان کوه‌های مشرف به جاده‌های مواصلاتی کمین کرده و به راهزنی، قتل، گروگان‌گیری و غارت ادامه می‌دادند. اما حضور قدرتمندانه سپاه پاسداران در قالب گشت در جاده‌ها در بسیاری از مواقع عملیات ضدانقلاب را با ناکامی مواجه می‌ساخت.

ضدانقلاب در برابر عملکرد موفق مدافعان انقلاب و امنیت و ناکامی خود تاکتیک دیگری را برگزید.

یک سو و حمایت‌های نظامی ارتش عراق از سوی دیگر، توانسته بودند ۱۲ هزار مزدور را استخدام و با پرداخت ۱۲۰۰ تومان حقوق آن‌ها را برای ایجاد ناامنی در مناطق مسکونی به داخل مرزها هدایت کنند.

ضدانقلاب سلطنت‌طلب توانسته بود با آموزش افراد تحت نفوذ خود و استفاده از شرایط اقلیمی خاص منطقه، دامنه ناامنی‌ها را به مناطق دورتر و حتی شهرهای مرکزی ایران از جمله تهران گسترش دهد. در همین خصوص انفجار مهیب خودروی خاور در میدان امام خمینی (توپخانه) [۹ مهر ۱۳۶۱]، از جمله اقدامات ضدانقلاب بود. حدود ۷۰ کیلومتر مرز در منطقه باویسی، ازگله و شمال دشت ذهاب فاقد نیروهای جمهوری اسلامی بود و عناصر ضدانقلاب از همین خلاء موجود برای انجام عملیات‌های هم‌گذاری به راحتی به داخل مناطق کوهستانی وارد می‌شدند و به هر نقطه از کشور نفوذ می‌کردند. نیروهای انقلاب برای بستن مرز و تأمین امنیت، بارها در این منطقه وارد عمل شدند و ضدانقلاب با آگاهی از موقعیت تعیین‌کننده منطقه به راحتی حاضر به از دست دادن آن نبود و سرسختانه مقاومت می‌کرد. برای همین، منطقه باویسی و ازگله شاهد درگیری‌های شدید و ایثار مثال‌زدنی مدافعان انقلاب در پاسگاه‌های باویسی، تنگه هوان، ازگله و مناطق اشغال‌شده ضدانقلاب بود.

پاسگاه‌های باویسی، تنگ هوان، ازگله و به‌طور کلی منطقه شمالی دشت ذهاب بارها بین نیروهای انقلاب

در بین جاده‌ها کرده بودند و این افراد با شناخت کافی از مسیرها، اقدام به مین‌گذاری می‌کردند.

■ تدبیر و ابتکار سپاه پاسداران

فرماندهان با پدیده نوظهوری به نام مین‌گذاری روبه‌رو بودند که بیش از جان و تجهیزات نظامیان، جان و مال غیرنظامیان را هدف گرفته بود. بر همین اساس پس از بررسی‌های فراوان، تاکتیکی بر ضد تاکتیک ضدانقلاب بر گزیدند. مسئولان سپاه قصر شیرین به خوبی دریافته بودند، فقر اقتصادی مهم‌ترین عامل کشاندن افراد برای عملی کردن اهداف ضدانقلاب است. از همین رو، سپاه قصر شیرین اعلام کرد به افرادی که از جاده‌ها مین یافته و آن را تحویل سپاه بدهند، به ازای هر مین مبلغ ۵۰۰ تومان جایزه پرداخت خواهند کرد.^{۱۵} با اجرای این تدبیر، وضعیت خنثی‌سازی مین به شکل محسوسی تغییر کرد و تا حد زیادی امنیت در جاده‌های مرزی و جاده‌های بین روستاها برقرار شد. در واقع مین‌گذار پس از دریافت وجه از ضدانقلاب و کار گذاشتن آن در جای معینی به اقوام خود گرامی‌داد تا وی نیز با برداشتن مین درآمدی کسب کند. تا مدتی هرروز صبح تعدادی از افراد با مین‌هایی که در دست داشتند به سپاه مراجعه می‌کردند و با دریافت جایزه مین‌ها را تحویل سپاه می‌دادند. البته اگرچه تعداد زیادی از مین‌های کاشته شده در مسیرها به این شکل خنثی می‌شد، اما گاهی در بعضی از مسیرها همچنان مین‌هایی در مسیر خودروهای شخصی و نظامی منفجر می‌شد که تعداد آن‌ها نسبت به قبل کاهش چشمگیری یافته بود.

■ هم‌گذاری ضدانقلاب در شهرهای مرکزی

با گذشت زمان و اعزام نیروهای انقلابی به مناطق بحرانی، انسجام و قدرت مدافعان انقلاب و امنیت نیز بیشتر می‌شد، اما ضدانقلاب با برخورداری از حمایت‌های مالی سلطنت‌طلبان وابسته به دربار و رژیم پهلوی و افرادی همچون بختیار، پالیزبان، اویسی و سردار جاف از



این کشور ضمن علنی‌تر کردن حمایت و پشتیبانی از ضدانقلاب، اقدامات دیگری در ایجاد استحکامات در نوار مرزی، احداث جاده‌های جدید به طرف مرز، برگزاری رزمایش‌های نظامی و همین‌طور انتقال یگان‌هایی از ارتش به مناطق مرزی را آغاز کرد.

در واقع هر چه توانمندی‌های نیروهای انقلابی در برخورد با ضدانقلاب مورد حمایت ارتش عراق و ناکامی‌های سلطنت‌طلبان و مزدوران‌شان در برابر پاسداران انقلاب و نیروهای مدافع مرز نمایان‌تر می‌شد، حمایت‌های ارتش عراق از ضدانقلاب نیز آشکارتر می‌گردید. در صفحات قبل بیان شد که در زمستان ۱۳۵۸ در جریان چندین نبردی که بین مدافعان انقلاب و عناصر ضدانقلاب در منطقه شمال دشت ذهاب و پاسگاه‌های باویسی، ازگله و... روی داد و تا فروردین ۱۳۵۹ طول کشید، ارتش عراق با آتش خمپاره‌اندازهای خود نیروهای ایرانی را زیر آتش قرار داد تا از شکست ضدانقلاب جلوگیری کند.

می‌توان گفت از اواخر زمستان ۱۳۵۸ ناکامی و ناتوانی مزدوران سلطنت‌طلب در اجرای مأموریت‌ها برای سران خارج‌نشین و همین‌طور فرماندهان ارتش عراق کاملاً روشن شد و تجاوزات آشکار نیروهای ارتش عراق با حملات مستقیم به پاسگاه‌های مرزی و سپس تجاوزات هواپیماهای جنگی به منطقه مرزی استان کرمانشاه، از اواخر سال ۱۳۵۸ و اوایل فروردین ۱۳۵۹ علنی‌تر شد.

نیروهای ارتش عراق سعی داشتند با آتش‌های سنگین و نیمه سنگین خود، ضمن انهدام پاسگاه‌های مرزی ایران، نیروهای تحت سلطه سلطنت‌طلبان را که بر اساس اسناد تعداد آنان به ۱۲ هزار نفر می‌رسید، حمایت کنند.^{۱۸} فرماندهان ارتش صدام با برگزاری جلسات به فرماندهان مهاجمان ضدانقلاب وعده کمک با آتش توپخانه را می‌دادند. آن‌ها به صراحت اعلام می‌کردند هر نقطه‌ای که با پاسداران و نیروهای انقلابی ایران درگیر شوند، در صورت نیاز به کمک، ارتش عراق با آتش توپخانه و حتی

نبود سیستم مخابراتی واحد و ارتباط و هماهنگی بین نیروهای ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران از جمله مشکلاتی بود که به سایر مشکلات و ناامنی‌های موجود در منطقه اضافه شده و واحدهای نظامی موجود در منطقه آشوب‌زده در نوار مرزی را برای اجرای مأموریت‌های محوله با دشواری بیشتری مواجه ساخته بود.

و ضدانقلاب دست‌به‌دست شد، ولی این مناطق تا زمستان ۱۳۵۸ در اشغال ضدانقلاب بودند.^{۱۶} در اواخر زمستان ۱۳۵۸، نیروهای انقلابی برای آزادسازی مناطق اشغالی در شمال دشت ذهاب عملیاتی را آغاز کردند. درگیری‌ها به شدت ادامه یافت و چندین بار مناطق اشغالی پس از آزادسازی به اشغال ضدانقلاب درآمد، ولی در ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ با هجوم مجدد نیروهای انقلاب، ضدانقلاب که از حمایت آتش خمپاره‌اندازهای ارتش عراق نیز بهره می‌برد، ناچار به ترک مناطق اشغالی شد و نیروهای انقلاب در پاسگاه‌ها و نوار مرزی شمال دشت ذهاب مستقر شدند.

■ اقدامات مشترک سلطنت‌طلبان و ارتش صدام

در چند ماه ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، برخورد برخی از مرزبانان عراقی با مرزبانان جمهوری اسلامی مسالمت‌آمیز و توأم با احترام بود. در مواقعی نیز برخی از مرزبانان عراقی ضمن تبریک پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران ابراز خشنودی کرده و آرزوی استقرار جمهوری اسلامی در کشور خود را بیان می‌کردند. این روال با استعفای احمد حسن البکر رئیس‌جمهور عراق و به قدرت رسیدن صدام حسین در تیر ۱۳۵۸ چرخشی ۱۸۰ درجه یافت.^{۱۷} با استقرار صدام حسین بر مسند ریاست جمهوری عراق، ارتش

گرچه برخی از فرماندهان ارتش در این جلسه اعتقاد به ناتوانی ارتش عراق برای تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران را داشتند، اما «تیمسار ولی‌الله فلاحتی» با شنیدن اطلاعات و نظرات فرماندهان سپاه، با اشاره به قراردادهای کلان خرید تجهیزات نظامی ارتش عراق و این که آن ارتش با «قرارداد خرید ۶۰ میلیارد دلار» تجهیزات نظامی بازسازی شده است و این بازسازی نمی‌تواند برای دفاع باشد، نظر هم‌قطاران خود را به چالش کشید.

هوایی‌های جنگی از آنان حمایت خواهد کرد.

■ استقرار یگان ارتش در نوار مرزی

عملیات مشترک ضدانقلاب و ارتش عراق، فصل جدیدی در برابر نیروهای مدافع انقلاب گشوده بود. هر روز که می‌گذشت تحرکات و تجاوزات مرزی ارتش عراق بیشتر می‌شد. کمتر روزی بود که یک یا چند پاسگاه ژاندارمری و سپاه در نوار مرزی، از ازگله در شمال دشت ذهاب تا ارتفاعات بازرگان و کانی شیخ در جنوب شهر مرزی سومار، مورد حمله قرار نگیرد. برای همین، با هماهنگی‌های انجام شده، فرماندهی نیروی زمینی ارتش با صدور دستور به فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه مأموریت داد تا منطقه مرزی از باووسی تا سومار را تقویت کند. بر همین اساس فرمانده لشکر به یک تیپ تحت امر خود دستور داد تا در موقعیت سرزمینی خود مستقر شود. تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی، با شرایط به وجود آمده پس از پیروزی انقلاب، همچون سایر یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، با استعداد کمتر از ۵۰ درصد سازمان خود، در منطقه‌ای نزدیک به نوار مرزی مستقر گردید. این تیپ برای اجرای مأموریت و

پوشش منطقه، مجبور به تجزیه سازمان خود بود و این امر از کارایی و قدرت تیپ هم تا حدود زیادی کاست. واقعیت موجود در منطقه مرزی استان کرمانشاه حاکی از این بود که نیروهای مستقر در منطقه فاقد هماهنگی فرماندهی و سازمان واحد بودند و همین مسئله نیز موجب بروز مشکلاتی بین واحدها شده بود و نبود سیستم مخابراتی واحد و ارتباط و هماهنگی بین نیروهای ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران از جمله مشکلاتی بود که به سایر مشکلات و ناامنی‌های موجود در منطقه اضافه شده و واحدهای نظامی موجود در منطقه آشوب‌زده در نوار مرزی را برای اجرای مأموریت‌های محوله با دشواری بیشتری مواجه ساخت بود.^{۹۱}

استقرار واحدهای نظامی، گرچه تا حدودی موجب قوت قلب مردم و سایر مدافعان انقلاب شده بود، اما درحالی‌که تحرکات ضدانقلاب با حمله به پاسگاه‌های مرزی، مین‌گذاری جاده‌ها، اجرای کمین و گروگان‌گیری ادامه داشت، از اوایل سال ۱۳۵۹ حمله توپخانه‌ها و خمپاره‌اندازهای ارتش عراق به مناطق مسکونی شهر قصر شیرین و روستاهای اطراف اضافه شد. با شروع حملات به مناطق مسکونی، مردم حتی در خانه‌های خود نیز در امان نبودند و فشار روانی زیادی به مردم حاضر در شهر و روستاها وارد می‌شد.

■ حملات ارتش عراق به مناطق مسکونی

در واقع ارتش عراق از آغاز نیمه اول سال ۱۳۵۹ مستقیماً تهاجم به نیروهای نظامی و غیرنظامی در منطقه مرزی استان کرمانشاه را آغاز کرده بود. دیگر مردم مقاوم حتی در خانه‌های خود نیز احساس آرامش و امنیت نمی‌کردند. در فواصل زمانی مختلف صدای شلیک و انفجار گلوله‌های سنگین در مناطق مسکونی ادامه داشت. عده‌ای از مردم تصمیم گرفتند برای حفظ جان،

هرروز که می‌گذشت شرایط سخت‌تر می‌شد. شهادت زن و بچه و حتی نوزادان شیرخوار در آغوش مادران و تکه‌تکه شدن افراد در داخل خانه بر رعب و وحشت مردم می‌افزود.

با دستور فرماندهان، نیروهای نظامی خودی مأموریت یافتند تا برای خاموش کردن آتش توپخانه‌ها و خمپاره‌اندازهای ارتش بعثی اقدام کنند. نیروهای خودی مواضع توپخانه‌ها را در مناطقی همچون «خرناصرخان» و «تنگاب» که نزدیک شهر بودند انتخاب کرده بودند که البته چاره دیگری نیز نداشتند. مردم غیرنظامی که شناختی از شلیک‌های خودی و دشمن نداشتند، با صدای شلیک توپخانه‌های خودی نیز مضطرب می‌شدند. علاوه بر این، در برابر شلیک‌های خودی، واحدهای نظامی ارتش صدام چندین برابر خودی پاسخ می‌دادند. به‌هرحال قریب ۶ ماه پاسگاه‌های مرزی و مناطق مسکونی و مردم قصر شیرین زیر آتش مستقیم توپخانه و خمپاره‌اندازهای ارتش عراق قرار داشتند. گاهی هم برخی از اهالی، ناامید از اقدام مؤثر و بازدارنده مسئولان و فرماندهان شهر و دیار خود را ترک می‌کردند، اما عده‌ای به‌هیچ‌وجه حاضر به ترک شهر نبودند.

■ بررسی احتمال حمله ارتش عراق

در ۲۴ مرداد ۱۳۵۹، جلسه‌ای در ستاد لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه با حضور بنی‌صدر که علاوه بر ریاست جمهوری، جانشینی فرماندهی کل قوا را نیز بر عهده داشت تشکیل شد. این جلسه پس از آن تشکیل شده بود که فرماندهان مستقر در منطقه مرزی استان کرمانشاه بارها تهاجم قریب‌الوقوع ارتش صدام را متذکر شده بودند. در همین زمینه ابراهیم مالکیان^{۲۱} مسئول عملیات سپاه پاسداران قصر شیرین در ۲۰ مرداد ۱۳۵۹ ضمن مصاحبه با خبرنگار کیهان، اعلام کرده بود «۳۰۰ دستگاه تانک» ارتش عراق در آن سوی مرز مستقر شده و آماده حمله به خاک ایران هستند.



خانه و کاشانه خود را رها و به مناطق و شهرهای امن مهاجرت کنند. اما عده‌ای هم با وجود تمکن مالی برای تهیه مسکن در شهرهای امن، حاضر به ترک شهر نبودند و در برابر توصیه اقوام ساکن در کرمانشاه و همچنین اقوام ساکن در قصر شیرین، حتی حاضر به انتقال خانواده خود به کرمانشاه نیز نبودند. در واقع این افراد ماندن در شهر و مقاومت در برابر ضدانقلاب، اشرار و ارتش عراق را ضرورت دفاع از انقلاب می‌دانستند و معتقد بودند بنا به توصیه امام خمینی(ره) و با تأسی به سالار شهیدان امام حسین (ع) باید در شهر ماند و مقاومت کرد.^{۲۲}

با شروع گرما، آن‌هم در این منطقه گرمسیری و برحسب سنت همیشگی، اکثر قریب به اتفاق مردم به پشت‌بام‌های منازل خود برای استراحت و خوابیدن می‌رفتند. شلیک‌های گاه‌وبیگاه سلاح‌های سنگین ارتش صدام و اصابت آن به ساختمان‌های شهر موجب هراس مردم می‌شد. به همین خاطر باقی‌ماندگان در شهر ماندن در درون اتاق‌ها و تحمل گرمای شدید تابستان را به خنکی نسبی پشت‌بام‌ها ترجیح می‌دادند.

درحالی که نیروهای خودی و مردم شهر قصر شیرین و روستاهای اطراف زیر شدید حملات توپخانه، هلی کوپتر و بمباران هواپیماهای ارتش عراق قرار داشتند، بنی صدر؛ رئیس جمهور و جانشین فرمانده کل قوا، روز ۱۷ شهریور در میدان شهدا، بدون در نظر گرفتن موقعیت خطیر کشور و تجاوز ارتش عراق به خاک جمهوری اسلامی، با سخنرانی جنجالی خود ضمن انحراف اذهان عمومی از درگیری های مرزی به تشدید اختلافات داخلی پرداخت.

در منطقه، به حضور ۲ گردان از تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی آن هم هر گردان با استعداد ۲۰، ۳۰ دستگاه تانک اشاره کرده و ضعف های نیروهای خودی را برشمرد. وی ناهماهنگی بین واحدهای مستقر در منطقه، نبود سیستم ارتباطی منظم و منسجم، فقدان فرماندهی متمرکز و همچنین کمبود نیروی یگان های قوی در منطقه مرزی را از جمله اشکالات و ضعف های نیروهای خودی برشمرد. مالکیان سپس طرح سپاه پاسداران قصر شیرین را که در ۲۳ بند تهیه شده بود ارائه داد. از جمله موارد این طرح، که بعدها به طرح ۲۳ ماده ای معروف شد، مین گذاری گذرگاه ها و انتقال استعدادی از لشکر ۷۷ خراسان که یگان قدرتمند نیروی زمینی ارتش شمرده می شد به منطقه خان لیلی بود.^{۲۵} ایجاد فرماندهی متمرکز و همچنین آسفالت جاده های مرزی نیز از موارد دیگر طرح مذکور بود. گفتنی است فقط در یک مسیر حدود ۷ کیلومتر جاده مرزی که خاکی بود، بالغ بر ۳۰ دستگاه تانک، نفربر و خودروهای ارتش و سپاه پاسداران بر اثر انفجار مین منهدم شده بودند.^{۲۶}

■ نادیده گرفتن توان ارتش عراق

اغلب فرماندهان ارتشی نزدیک به بنی صدر معتقد

به هر حال، جلسه با حضور تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران و همچنین فرماندهان نیروهای زمینی و هوایی ارتش تشکیل شد. در این جلسه بنی صدر رئیس جمهور، شهید محمدعلی رجایی نخست وزیر و همچنین شهید تیمسار فلاحی از ستاد مشترک ارتش، زنده یاد تیمسار قاسمعلی ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی ارتش، شهید سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوایی ارتش، سرهنگ عطاریان فرمانده قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در غرب کشور، شهید سپهبد علی صیاد شیرازی فرمانده قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در کردستان و از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مرتضی رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سردار رحیم صفوی فرمانده عملیات سپاه پاسداران، سردار شهید محمد بروجردی فرمانده سپاه منطقه ۷، جاوید الاثر سردار احمد متوسلیان فرمانده سپاه پاسداران مریوان، سردار شهید ناصر کاظمی فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران پاوه، سردار هدایت لطفیان مسئول اطلاعات سپاه پاسداران منطقه و زنده یاد ابراهیم مالکیان مسئول واحد عملیات سپاه پاسداران قصر شیرین حضور داشتند.^{۲۷}

با شروع جلسه یکی از افسران لشکر ۸۱ با حضور در پای نقشه به تشریح وضعیت نیروهای خودی و ارتش عراق پرداخت. با پایان یافتن گزارش افسر اطلاعات در خصوص استعداد نیروهای خودی و ارتش عراق در نوار مرزی، مطالب وی با چالش های جدی از سوی فرماندهان سپاه پاسداران روبه رو شد. به خصوص که وی در گزارش خود مدعی بود در برابر «لشکر ۶ زرهی»^{۲۸} ارتش عراق که در منطقه مرزی خانقین عراق مستقر است، «لشکر ۸۱ زرهی»^{۲۹} ارتش جمهوری اسلامی نیز در منطقه قصر شیرین، سرپل ذهاب و سومار استقرار دارد.

ابراهیم مالکیان به نمایندگی از سپاه پاسداران قصر شیرین مطالبی در خصوص ضعف های نیروهای خودی ارائه داد. مالکیان ضمن گزارش واقعیت های موجود

داد. پیشنهاد خوبی بود و مورد توافق واقع شد.

اما این پیشنهاد تصمیمی برای این جلسه را در پی نداشت. «شهید محمدعلی رجایی» پیشنهاد داد که منطقه مرزی با هلی‌کوپتر و از نزدیک مورد بازدید قرار گیرد. این پیشنهاد پذیرفته شد و بعد از ظهر بود که چند تن از فرماندهان و مسئولان به همراه بنی‌صدر با یک فروند هلی‌کوپتر و با اسکورت دو فروند هلی‌کوپتر کبرا، به منطقه مرزی قصر شیرین رفتند. پاسگاه قلعه سفید و پاسگاه برار عزیز^{۳۱} در شمال جاده سرپل ذهاب به قصر شیرین از نزدیک مورد بازدید قرار گرفتند. پاسگاه‌های ایران در این سوی بر اثر اصابت گلوله‌های توپ و خمپاره‌اندازهای ارتش عراق منهدم و تخریب شده بودند. در مقابل، در آن سوی مرز پاسگاه‌های بتونی و سنگرهای مستحکم و همچنین استقرار ادوات زرهی ارتش عراق مشاهده می‌شد. بنی‌صدر پس از بازدید از مرز با هلی‌کوپتر در محوطه هنگ ژاندارمری قصر شیرین پیاده شد و برای مردم سخنرانی کرد^{۳۲} و وعده اعزام قوای کمکی و مقابله با تجاوزات ارتش عراق را داد و همچنین وعده داد بار دیگر برای «احیای قصر شیرین» مراجعه خواهد کرد. وی سپس سوار هلی‌کوپتر شد و به سوی کرمانشاه پرواز کرد.^{۳۳}

■ کوتاهی در اقدامات پیشگیرانه

برخلاف انتظار فرماندهان مستقر در منطقه اتفاق خاصی که موجب تقویت اساسی منطقه مرزی استان کرمانشاه باشد نیفتاد و با وجود بازگ کردن ضعف‌ها و ارائه پیشنهادها در طرح ۲۳ ماده‌ای، نیروهای خودی در منطقه مرزی استان کرمانشاه همچنان دچار ضعف‌های شدیدی بودند.

■ مقاومت در اوج مظلومیت

ساکنان روستاها و به خصوص شهر قصر شیرین کماکان در معرض حملات توپخانه‌ها و خمپاره‌اندازهای ارتش صدام قرار داشتند و گاهی نیز به خاطر اصابت گلوله‌های

بودند که ارتش عراق قادر به تجاوز نظامی به خاک جمهوری اسلامی ایران نیست. آنها به صراحت اعلام می‌کردند، تحلیل فرماندهان سپاه مبنی بر قصد ارتش صدام حسین برای حمله به ایران از روی فقدان دانش نظامی و بی‌تجربگی آنان است. سرهنگ عطاریان که قبلاً گزارش‌هایی را برای جانشین فرماندهی کل قوا ارسال کرده بود، از جمله افرادی بود که معتقد بود تحلیل فرماندهان سپاه، ناشی از اخبار هدایت‌شده از سوی ضدانقلاب است. وی ضمن تأکید بر نظر خود مبنی بر نادرست بودن گزارش‌ها و تحلیل‌های فرماندهان سپاه پاسداران خطاب به بنی‌صدر می‌گوید:

«قربان گزارش‌ها همان است که خدمت‌تان ارسال شد.»^{۳۴} در همین زمینه فرمانده نیروی زمینی ارتش «تیمسار ظهیرنژاد» که از فرماندهان متعهد است، ضمن تأکید بر «ناتوانی ارتش عراق برای حمله به خاک ایران»^{۳۵}، با احساسی خواندن گزارش‌ها و تحلیل‌های فرماندهان سپاه، ناخشنودی خود از گزارش و نظر ابراهیم مالکیان را با این جمله نشان داد: «قربان! کار ارتش به کجا رسیده که از یک استوار نظر بگیرد؟!»^{۳۶} گرچه برخی از فرماندهان ارتش در این جلسه اعتقاد به ناتوانی ارتش عراق برای تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران را داشتند، اما «تیمسار ولی‌الله فلاحتی» با شنیدن اطلاعات و نظرات فرماندهان سپاه، با اشاره به قراردادهای کلان خرید تجهیزات نظامی ارتش عراق و این‌که آن ارتش با «قرارداد خرید ۶۰ میلیارد دلار»^{۳۷} تجهیزات نظامی بازسازی شده است و این بازسازی نمی‌تواند برای دفاع باشد، نظر هم‌قطاران خود را به چالش کشید. بحث‌ها همچنان به هم گره خورده بود و تصمیم‌گیری برای بنی‌صدر به‌عنوان جانشین فرماندهی کل قوا که فاقد هرگونه دانش و فهم نظامی بود، مشکل بود. پس از بحث‌های طولانی، «سرهنگ فکوری» فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد عکس‌برداری هوایی برای بررسی دقیق‌تر و سپس تصمیم‌گیری بر اساس واقعیت‌های منطقه را



سنگین، با قطع برق آب و سوخت روبه‌رو بودند. گرمای طاقت‌فرسا نیز همچنان با شدت هرچه بیشتر در چنین شرایطی مقاومت مردم را به چالش کشیده بود، اما مردم همچنان در برابر گرمای طاقت‌فرسا و گلوله باران ارتش صدام حسین در خانه‌های خود مانده و شاهد تکه تکه شدن عزیزان و همشهری‌های خود بودند. قطع آب و برق و تعطیل شدن ناوایی‌های شهر نیز بر مشکلات افزوده بود، اما بازماندگان نیز اصرار بر ماندن در خانه‌های خود و مقاومت در برابر همه مشکلات داشتند.

■ اشغال خان لیلی

۱۵ شهریور ۱۳۵۹، حملات هوایی و زمینی به پاسگاه‌های مرزی، مناطق مسکونی، قصر شیرین و نفت شهر، پمپ‌بنزین، شرکت نفت و ساختمان فرمانداری و ساختمان سپاه پاسداران و هنگ ژاندارمری با شدت بیشتری شروع شد.^{۳۵} در ۱۶ شهریور، واحدهای زرهی ارتش عراق که در منطقه پاسگاه قلعه‌یهودی در مقابل منطقه خان لیلی مستقر بودند، پس از اجرای آتش تهیه روی منطقه، پیشروی خود را آغاز کردند. شدت اجرای آتش موجب شد که نیروهای ژاندارمری پاسگاه‌های این منطقه را تخلیه کنند و بدون مقاومت و درگیری با مهاجمان به عقب برگردند. ۷ فروند هلی‌کوپتر جنگی و حمل نفرات عراقی نیز با پرواز بر روی منطقه خان لیلی به پشتیبانی نیروهای مهاجم پرداختند.^{۳۶} همزمان با اقدام ارتش عراق، ستون پنجم دشمن نیز به پخش شایعات و جنگ روانی پرداخت. عوامل ستون پنجم در شهر شایعه کردند که نیروهای عراقی قصد اشغال شهر را دارند. به‌هرحال روز ۱۶ شهریور در حالی به پایان رسید که تانک‌ها و نفربرها و نفرات پیاده ارتش عراق بدون برخورد با مقاومت و بدون تلفات در پاسگاه‌های مرزی منطقه خان لیلی مستقر شدند.^{۳۷}

بعدازظهر روز شانزدهم شهریور همچنان در سراسر نوار مرزی، حملات ارتش عراق با سلاح‌های سنگین بر روی نیروهای خودی به‌خصوص در منطقه تنگ هوان در شمال دشت ذهاب ادامه داشت.^{۳۸} علاوه بر این حملات

شهریور ۱۳۵۹، تحرکات و اقدامات ارتش عراق افزایش چشمگیری یافت. حمله به پاسگاه‌های مرزی، زیر آتش قرار دادن مواضع استقرار واحدهای نظامی و همچنین گلوله‌باران‌های مناطق مسکونی و زیرساخت‌های شهر قصر شیرین شدیدتر شد. مراکزی همچون پست برق، مخازن سوخت و مخازن انتقال آب که در گذشته نیز مورد اصابت گلوله‌های سنگین قرار می‌گرفتند با حجم بیشتری از گلوله‌های توپخانه و خمپاره‌اندازهای ارتش صدام مواجه شدند. اغلب اوقات برق شهر قطع می‌شد و با قطع برق ناوایی‌های شهر نیز قادر به پختن نان نبودند و از سوی دیگر قطع آب که به خاطر قطع برق و در مواقعی نیز هدف‌گرفتن تأسیسات آب‌رسانی صورت می‌گرفت، مشکلات ساکنان این شهر را دوچندان کرده بود. با وجود این، اغلب بازماندگان شهر با خرید آرد و با استفاده از رودخانه الوند با پختن نان همچنان در شهر مانده بودند و برخی از کسبه سعی می‌کردند با تهیه مایحتاج مردم تا حدودی نیازهای مردم را تأمین و حس زنده‌بودن و مقاومت را در شهر تقویت کنند.^{۳۹}

هر روز که می‌گذشت اوضاع امنیتی و معیشتی مردم باقی‌مانده در شهر مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌شد. با توطئه ضدانقلاب و ارتش صدام حسین در به خاک و خون کشیدن غیرنظامیان، عده‌ای از مردم از شهر خارج می‌شدند و عده‌ای نیز همچنان با ماندن در شهر به مقاومت خویش در برابر مشکلات و ناامنی‌ها ادامه می‌دادند.

شیرین، تیمسار ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی و سرهنگ فروزان فرمانده ژاندارمری، برای بررسی میدانی اوضاع به منطقه تنگاب در جنوب قصر شیرین رفتند. در حین حرکت، خودروهای آنها به شدت زیر حملات سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین ارتش عراق قرار گرفتند و یکی از خودروهای آنها نیز با اصابت گلوله آتش گرفت. دو فرمانده و همراهان در زیر پلی پناه گرفتند. نیروهای سپاه پاسداران یزد در رادیو- تلویزیون قصر شیرین مستقر بودند. فرمانده این نیروها پس از اطلاع از موضوع بلافاصله با تعدادی از نیروهای خود به کمک آنها رفت و دو فرمانده را به منطقه امن انتقال داد.^{۳۹} فرماندهان نیروی زمینی ارتش و ژاندارمری پس از متوقف شدن شلیک گلوله‌های سنگین، به نوار مرزی رفتند و با بررسی میدانی وضعیت نیروهای خودی و مشاهده ضعف‌ها و نیازمندی‌های آنها با قول سروسامان دادن به اوضاع و تقویت نیروهای خودی منطقه را ترک کردند. اما توان نیروهای ارتش جمهوری اسلامی به‌خصوص نیروی زمینی با شرایط به وجود آمده پس از پیروزی انقلاب به‌شدت تحلیل رفته بود و اغلب یگان‌های این نیرو با توان سازمانی کمتر از ۵۰ درصد در مناطق ناامنی همچون آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه در حال اجرای مأموریت سرکوب تجزیه‌طلبان بودند. این مأموریت در حالی انجام می‌شد که برای حفاظت از مرزهای شمالی، شرقی و جنوبی کشور پهنای ایران نیز یگان‌هایی منظور شده بودند. از همین رو، با وجود نیاز مبرم منطقه ملتهب به یگان‌های جدید، توان قابل‌ملاحظه‌ای به منطقه اعزام نشد.

■ تدبیر امام خمینی(ره) تشکیل ارتش بیست میلیونی

امام خمینی(ره) در ۵ آذرماه ۱۳۵۸ دستور تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی را با بسیج نیروهای مردمی و انقلابی صادر کرد. با توجه به سخنرانی‌های امام(ره) پس از تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که یکی از اهداف ایشان از تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی ایجاد



۶ فروند هلی‌کوپتر ارتش عراق، ضمن پخش اعلامیه بر روی شهر قصر شیرین مواضع نیروهای خودی در نصرآباد واقع در شهر قصر شیرین را نیز موردحمله قرار دادند. همچنین ساختمان رادیو تلویزیون قصر شیرین در کنار جاده قصر شیرین به گیلانغرب در جنوب شرقی قصر شیرین با توپخانه ارتش عراق مورد حمله واقع شد. فقط در جریان حملات چهاردهم پانزدهم و شانزدهم شهریورماه بیش از یکصد تن شهید و مجروح شدند که قریب به ۶۰ تن از آنان از غیرنظامیان بودند و سه شهید و ۲۱ مجروح نیز از نیروهای پاسداران بودند که مسئولیت حفاظت از رادیو تلویزیون قصر شیرین را بر عهده داشتند.

گفتنی است درحالی‌که نیروهای خودی و مردم شهر قصر شیرین و روستاهای اطراف زیر شدید حملات توپخانه، هلی‌کوپتر و بمباران‌های هواپیماهای ارتش عراق قرار داشتند، بنی‌صدر؛ رئیس‌جمهور و جانشین فرمانده کل قوا، روز ۱۷ شهریور در میدان شهدا، بدون درنظرگرفتن موقعیت خطیر کشور و تجاوز ارتش عراق به خاک جمهوری اسلامی، با سخنرانی جنجالی خود ضمن انحراف اذهان عمومی از درگیری‌های مرزی به تشدید اختلافات داخلی پرداخت.

■ بررسی میدانی فرماندهان نظامی

چند روز پس از تهاجم ارتش عراق به مناطق مسکونی، نظامی، پاسگاه‌های مرزی و رادیو- تلویزیون قصر

ما، قیام ما برای ما هدیه آورده است و از اهداف انقلاب اسلامی و از کشور اسلامی خودمان و از تمام چیزهایی که مربوط به اسلام و مربوط به کشور است در حال دفاع هستیم و در حال دفاع، بسیج باید عمومی باشد. یعنی قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع یک قضیه دیگر، قضیه جهاد یک شرایط دارد و برای یک اشخاص خاصی است و برای گروه معینی است، لکن قضیه دفاع عمومی است. مرد، زن، بزرگ، پیر، جوان، همان‌طوری که عقل انسان هم حکم می‌کند که اگر کسی هجوم آورد برای گرفتن منزل کسی، اهالی منزل هر که هست از خودشان دفاع می‌کنند و دیگر اینجا هیچ شرطی نیست، همه باید دفاع کنند و اگر به کشور اسلامی ما هجوم کنند و بخواهند تعدی کنند یا تجاوز کنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور چه زن، چه مرد، چه بزرگ، دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند. علی‌هذا حال دفاع فرق دارد با این جهاد. حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد، فقط دفاع کنند.»

■ ایجاد بازدارندگی

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با استناد به آیات قرآن کریم فرمودند:

«چنانچه قرآن کریم دستور داده است و مهیا شدن ما یک‌طوری باشد که با این مهیا شدن بترسند از قوه شما. اگر نباشد که در یک کشوری سی‌وچند میلیونی، بیست میلیون قیام کردند برای این‌که مهیا کنند خودشان را برای دفاع ولو تنه هم در وقتی که مقتضی شد و محتاج به دفاع شد، آن‌ها هم باید (دفاع) کنند. لکن حالا ما می‌خواهیم مهیا شویم، مهیا شویم باید همین بیست میلیون جوانی که اشخاصی که کاری از دست‌شان برمی‌آید باید خودشان را مهیا کنند. آن روزی را ملاحظه کنند که یک‌وقت دشمن هجوم آورد به طرف‌شان، هم باید تجهیزات مهیا شود که دشمن را بترساند و هم باید قوای افراد و قوای نظامی، قوای چریکی و قوای پارتیزانی باید مهیا شود و هم قوای ایمان باید زیاد شود.»

بازدارندگی اساسی در برابر تهاجمات دشمنان انقلاب اسلامی است. البته بررسی اهداف تشکیل و ویژگی‌های ارتش ۲۰ میلیونی از دیدگاه امام خمینی(ره) بحث جداگانه‌ای می‌طلبد که از موضوع این نوشته خارج است. اما با مروری به سخنرانی‌های ایشان که مدتی پس از صدور بسیج عمومی برای تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی انجام شده است می‌توان دریافت که امام خمینی(ره) با شناخت کافی از ماهیت استکبار جهانی به‌خصوص آمریکا، تهدیدهای نظامی را فرض محال نمی‌دانستند و به نظر می‌رسد ایشان با این فرمان قصد ایجاد بازدارندگی در برابر حمله نظامی دشمنان انقلاب و نظام اسلامی را داشته‌اند.

■ تهدیدات نظامی دشمن

امام خمینی(ره) در ۲۸ فروردین ۱۳۵۹ در دیدار با اعضای ستاد بسیج شهرستان‌ها با ایشان، ضمن تشریح شرایط موجود جهان، تهدیدهای ابرقدرت‌ها علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را این‌گونه تبیین کردند: «ما الآن که با قدرت‌های بزرگ دنیا مواجه هستیم، حال دفاعی داریم، یعنی ما مدافع از آن چیزهایی که نهضت

● در مجموع می‌توان گفت

نیروهای جمهوری اسلامی، متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ رزمنده، یعنی حدود یک تیپ و نیروهای ارتش و ژاندارمری نیز حدود یک تیپ با شرایطی که قبلاً توضیح داده شد، در منطقه‌ای به وسعت حدود ۲۰۰ کیلومتر در نوار مرزی استان کرمانشاه گسترش یافته و مستقر شده‌بودند.

در مقابل، سه لشکر پیاده زرهی ارتش عراق با سازمان کامل و مواضع مستحکم در آن سوی مرز استقرار داشتند. ●

اسباب این می‌شود که لشکر بزرگ آنها هم شکست بخورد. اشخاصی که آنجا بودند گفتند این نمی‌شود و ۳۰ نفر با ۶۰ هزار نفر، بالاخره قرار شد که ۶۰ نفر آدم برود و آنها مهیا شدند و ۶۰ نفر از جوانان شیخون به اردوی ۶۰ هزارنفری زدند، یعنی هر نفر در مقابل هزار نفر و آنها را شکست دادند و این اسباب این شد که لشکر روم که تهیه دیده بود ۸۰۰ هزار نفر هم دنبالش بود آنها هم شکست بخورند.^{۴۰}

■ نقش فرماندهان ارتش

دو روز پس از سخنرانی امام خمینی (ره)، تیمسار سرلشکر شادمهر رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ پس از ملاقات و گفت‌وگو با ایشان اعلام کرد: «تمام امکانات ارتش جمهوری اسلامی ایران را برای دفاع از مرزهای کشورمان در خدمت ملت گذاشته‌ایم.»^{۴۱} وی ضمن تأکید بر قدرت نیروهای خودی در منطقه مرزی غرب کشور؛ به توانایی‌نداشتن هیچ قدرتی برای تجاوز به مرزهای ما متذکر شد: «این قدرت ما را عراق هم می‌داند و اگر فعالیت‌هایی هم در آن جا می‌کند به خاطر نهضتی است که در داخل کشورشان برای سرنوشتی رژیم (عراق) به وجود آمده و می‌خواهند توجه مردم عراق را به سوی مرزها جلب کنند.»^{۴۲} تیمسار شادمهر با اشاره به ناتوانی دولت عراق برای مقابله با ایران متذکر شد: «ما اگر در مقابل تجاوزات مرزی این دولت فقط دفاع می‌کنیم، برای این است که می‌دانیم آن سوی مرز هم مردم مسلمانی هستند که به اجبار پشت سلاح نشسته‌اند و ما رغبتی به گشودن آتش بر روی هم‌دینان و هم‌مذهبان خود نداریم و فقط به دفع حملات آنها اکتفا می‌کنیم.»^{۴۳}

گفتنی است در ۲۴ فروردین ۱۳۵۹، شهید تیمسار فلاحی اعلام کرده بود: «نیروی زمینی با گسترش وسیع‌تر و تراکم بیشتر، نیروی قابل‌ملاحظه‌ای را تقریباً در سرتاسر نوار مرزی ایران و عراق از نفت شهر تا مستقر خواهد کرد.»^{۴۴}



■ تاکتیک جنگی

امام خمینی (ره) در ادامه سخنان‌شان، به جنگ میان مسلمین و رومیان، نقش ایمان و تدبیر درست در به‌کارگیری نیرو و پیروزی مسلمین، به عده کم قوای مسلمین در جریان لشکرکشی رومیان برای جنگ، اشاره کرده و فرمودند:

«در جنگ‌هایی که برای مسلمین پیش آمد و مسلمین عده کمی بودند تمام قوای‌شان برحسب آنچه که ظاهراً در تاریخ است، ۳۰ هزار نفر بوده و پیش‌قراول لشکر روم ۶۰ هزار نفر بود و دنبالش ۸۰۰ و یا ۷۰۰ هزار نفر جمعیت با سازوبرگ‌هایی که آن وقت روم و ایران داشتند. این پیش‌قراول‌های آنها که ظاهراً ۶۰ هزار نفر بود، یکی از سردارهای عرب گفت من با ۳۰ نفر با آنها مقابله می‌کنم و اگر این‌ها را ترساندیم و ۳۰ نفر ما توانست ۶۰ هزار نفر را عقب بنشانند، این چشم‌زخم

در آستانه تجاوز گسترده دشمن

در مباحث گذشته بیان شد با شروع ناآرامی‌ها در مناطق مرزی، یگان‌هایی از ارتش جمهوری اسلامی ایران و همچنین ژاندارمری که در مناطق بحرانی از جمله منطقه مرزی استان کرمانشاه مأموریت ذاتی داشتند و یا مستقر بودند، به کارزار با مهاجمان پرداختند. از سوی دیگر سیل جوانان انقلابی به همین مناطق روان شدند تا به کمک نیروهای نظامی که با توجه به شرایط پس از انقلاب قادر به تأمین امنیت نبودند، مناطق بحرانی را از وجود ضدانقلاب پاکسازی کنند. با تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آموزش و سازمان‌دهی اولیه، پاسداران این دو نهاد انقلابی نیز از اولین روزهای پیروزی انقلاب برای دفاع از انقلاب اسلامی و ایجاد امنیت به مناطق بحران‌زده استان کرمانشاه اعزام شدند.

تعداد قابل توجهی از پاسگاه‌های مرزی رها شده و یا ضدانقلاب اشغال کرده بود. نیروهایی از ژاندارمری، پاسداران انقلاب اسلامی؛ اعم از کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران و همین‌طور نیروهای داوطلب مردمی بومی، در تعداد دیگری از پاسگاه‌ها مستقر شده بودند.

با گذشت زمان و تقویت نیروهای انقلابی، قریب ۳۰ پاسگاه مرزی ژاندارمری تحویل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای اجرای مأموریت‌های محوله، نیروهای سپاه را از شهرهای یزد، همدان، کرج، تهران و برخی شهرها و استان‌های شمالی ایران به منطقه اعزام کرد. سپاه پاسداران علاوه بر نوار مرزی، در مناطق و مراکز حساس نیز مستقر بود و حفاظت آن‌ها را بر عهده داشت.

بر همین اساس، در پاسگاه‌های حساسی همچون پاسگاه ازگله حدود ۱۰۰ الی ۱۱۰ تن و پاسگاه و گذرگاه مرزی خسروی حدود ۴۰ تن از پاسداران مستقر بودند

که در آستانه تجاوز به ۱۰۰ تن افزایش پیدا کردند و در بقیه پاسگاه‌ها نیز بین ۱۲ تا ۶۰ تن از پاسداران مستقر بودند. سلاح اغلب افراد شامل تفنگ‌های ام ۱، برنو، ژ ۳ بود و در برخی از پاسگاه‌ها نیز سلاح‌هایی همچون خمپاره‌اندازهای ۶۰ و ۸۱ میلی‌متری و آرپی‌جی ۷ وجود داشت.^{۴۵}

گفتنی است سپاه پاسداران نفت‌شهر نیز با حدود ۲۰۰ نیرو، ضمن دفاع از مرز، حفاظت از تأسیسات نفتی را نیز بر عهده داشت. در واقع پس از آن‌که ارتش عراق خان‌لیلی را اشغال کرد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین جاده مواصلاتی از گیلانغرب به سمت نفت شهر بسته شده بود.

علاوه بر نیروهای تحت امر سپاه پاسداران، نیروهایی از هنگ ژاندارمری قصر شیرین نیز در پاسگاه‌های مرزی مستقر بودند. همچنین تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی و واحدهای تحت امر، از منطقه باویسی تا سومار گسترش یافته بود. واحدهای این تیپ در محدوده تنگ هوان در دشت ذهاب، خرناصرخان و کلانتر و تنگاب در حومه قصر شیرین و همچنین در نفت شهر و سومار مستقر شده بودند.^{۴۶}

درمجموع می‌توان گفت نیروهای جمهوری اسلامی، متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ رزمنده، یعنی با استعداد یک تیپ و نیروهای ارتش و ژاندارمری نیز با حدود یک تیپ با شرایطی که قبلاً توضیح داده شد، در منطقه‌ای به وسعت حدود ۲۰۰ کیلومتر در نوار مرزی استان کرمانشاه گسترش یافته و مستقر شده بودند. در مقابل، سه لشکر پیاده زرهی ارتش عراق با سازمان کامل و مواضع مستحکم در آن‌سوی مرز استقرار داشتند. علاوه بر چند برابری یگان‌های ارتش صدام حسین در منطقه مرزی استان کرمانشاه، فرماندهی ارتش عراق اطلاعات دقیقی از همه توانمندی‌های نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران داشت و می‌دانست هیچ «یگان ناشناخته‌ای»^{۴۷} در

۱۹. سند شماره ۳۲۸۵۷ و سند شماره ۶۳۳۰۸ و سند ۴۸۴۶۹ و ۴۸۴۶۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
۲۰. مصاحبه با حسین افشاری ساکن قصر شیرین
۲۱. وی از فرماندهان سپاه پاسداران قصر شیرین بود.
۲۲. اطلاعاتی از سایر افراد شرکت‌کننده در دست نبود.
۲۳. نوار مصاحبه ۳۳۰۲ و ۳۳۱۰ - مرکز اسناد - ابراهیم مالکیان فرمانده سپاه پاسداران قصر شیرین، ۱۳۶۰
۲۴. نوار مصاحبه ۳۳۰۲ و ۳۳۱۰ - مرکز اسناد - ابراهیم مالکیان فرمانده سپاه پاسداران قصر شیرین، ۱۳۶۰
۲۵. به این سند دسترسی نبود و مطالب مذکور توسط ابراهیم مالکیان در سال ۱۳۶۰ بیان شد.
۲۶. نوار مصاحبه ۳۳۰۲ و ۳۳۱۰ - مرکز اسناد - ابراهیم مالکیان فرمانده سپاه پاسداران قصر شیرین، ۱۳۶۰
۲۷. محمد مسیح کردستان، جلد ۲، نصرت‌الله محمودزاده، ص ۳۷۵
۲۸. نوار مصاحبه شماره ۳۳۰۲ - ابراهیم مالکیان
۲۹. استوار ابراهیم مالکیان به همراه چند تن دیگر از درجه‌داران لشکر ۸۱ در جریان انقلاب به ستوان یکم غلامرضا آذربون پیوسته و پس از پیروزی انقلاب نقش به‌سزایی در مبارزه با ضدانقلاب داشتند.
۳۰. محمد مسیح کردستان جلد ۲ - نصرت‌الله محمودزاده، ص ۳۷۵
۳۱. برادر نصر فرمانده سپاه پاسداران نفت شهر - روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۹/۵/۲۸
۳۲. مصاحبه با هوشنگ رضایی از ساکنان قصر شیرین - سال ۱۳۵۹
۳۳. در مسیر بازگشت، هلی‌کوپتر حامل بنی‌صدر دچار نقص فنی شد و سقوط کرد، ولی سرنشینان هلی‌کوپتر به جز ابراهیم مالکیان که مجروح شد، سالم ماندند.
۳۴. مصاحبه با هوشنگ رضایی، ساکن قصر شیرین
۳۵. سند شماره ۲۷۷۱۹۹، ۱۵/۶/۵۹ و ۲۷۷۱۹۱، ۱۶/۶/۵۹ و ۷۹۱۰۱، ۱۶/۶/۵۹ و ۷۹۱۱۹، ۱۶/۶/۵۹
۳۶. سند شماره ۲۷۷۱۲۹، ۱۶/۶/۵۹ و سند ۲۷۶۷۴۲، ۱۶/۶/۵۹
۳۷. بر اساس قرارداد ۱۹۷۵م الجزایر یکی از مناطقی که به عراق واگذار شده بود، منطقه خان‌لیلی بود، اما با شروع انقلاب در ایران، دولت عراق با میله گذاری جدید در مرز مخالفت کرد و به بهانه پس گرفتن این منطقه دست به تعرض نظامی زد.
۳۸. سند شماره ۷۹۱۱۹، ۱۶/۶/۵۹
۳۹. نوار مصاحبه شماره ۳۳۳۳ محمد رضا ناطقی ص ۲۱، ۱۳۶۰
۴۰. صحیفه امام خمینی- جلد ۱۲ - ۱۳۵۹/۱/۲۸ صفحه ۲۳۹-۲۴۷
۴۱. روزنامه جمهوری اسلامی- ۱۳۵۹/۱/۳۰
۴۲. روزنامه جمهوری اسلامی- ۱۳۵۹/۱/۳۰
۴۳. روزنامه جمهوری اسلامی- ۱۳۵۹/۱/۳۰
۴۴. روزنامه کیهان- ۱۳۵۹/۱/۲۴
۴۵. نوار مصاحبه ۳۲۷۳ الماس فرجی، ۱۳۶۲
۴۶. نوار مصاحبه ۳۳۱۰ ابراهیم مالکیان ص ۲۷، ۱۳۶۰
۴۷. وفیق سامرایی - ویرانی دروازه‌های شرقی

سازمان نیروهای مسلح ایران وجود ندارد که با ورود آن، موازنه قوا تحت تأثیر قرار گیرد. می‌توان گفت سازمان اطلاعاتی ارتش عراق، با توجه به تعریفی که از نیروهای نظامی داشت، از محاسبه توان نیروهای مردمی تحت عنوان ارتش ۲۰ میلیونی و بسیج عمومی عاجز بود. با وجود شدت یافتن حملات توپخانه و بمباران‌های هوایی ارتش عراق در شهریور ۱۳۵۹، در روزهای پایانی این ماه، همچنان عده‌ای از مردم به امید اقدامات مناسب مسئولان در شهرها و روستاهای اطراف حضور داشتند و برخی از مردم در فکر اول مهر و بازگشایی مدارس و حضور معلم‌ها و دانش‌آموزان در مدارس و کلاس درس بودند.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱. حسن دری، اطلس راهنما، جلد ۷ (کرمانشاه در جنگ) تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس- سال ۱۳۸۳
۲. چون بحث در خصوص سال‌های ۵۸ و ۵۹ است، از آمار مرکز ایران در سال ۱۳۵۵ بهره‌برداری شده است.
۳. ایرج افشار سیستانی-مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، تهران نسل دانش، سال ۶۸ صفحات ۲۵۸، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰
۴. در شهر قصر شیرین عده‌ای از یهودیان ساکن بودند که پس از پیروزی انقلاب و با شروع ناآرامی‌ها از شهر کوچ کرده و به مناطق امن رفتند.
۵. نوار مصاحبه ۳۳۰۲ - ابراهیم مالکیان سال ۱۳۶۰ - فرمانده سپاه پاسداران قصر شیرین
۶. نبرد طریق‌القدس-امیر رزاق زاده
۷. ماهنامه رنجبران ارگان حزب کمونیست ایران-فروردین ۱۳۵۸
- سالار جاف نماینده انتصابی منطقه پاوه در جریان اعتراضات مردمی با تظلم‌چماق‌داران موجب شهادت تعدادی از مردم پاوه شده بود. وی پس از پیروزی انقلاب در دادگاه انقلاب محاکمه و اعدام شده بود.
۸. روزنامه جمهوری اسلامی- ۲۴/۳/۵۸
۹. نوار مصاحبه شماره ۳۲۷۲ الماس فرجی سال ۱۳۶۲ و تیمور دوست محمدی سال ۱۳۹۵
۱۰. مصاحبه اختصاصی با سردار سرتیپ دوم پاسدار منوچهر مهجور - سال ۱۳۹۵
۱۱. الماس فرجی، عضو سپاه پاسداران کرمانشاه- سال ۱۳۶۲
۱۲. نوار مصاحبه ۳۳۴۵ ابراهیم مالکیان ۱۳۶۰
۱۳. نوار مصاحبه شماره ۳۳۰۲، ۱۳۶۰
۱۴. سند شماره ۵۰۲۴۱، ۱۴/۲/۵۹
- در برخی اسناد تعداد سرنشینان ۱۷ نفر ذکر شده است. ولی ابراهیم مالکیان که بلافاصله در صحنه حاضر شده، تعداد را ۱۴ نفر ذکر کرده است.
۱۵. نوار مصاحبه شماره ۳۳۱۰، ۱۳۶۰
۱۶. نوار مصاحبه ۳۳۳۳ محمد رضا ناطقی مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران قصر شیرین، ۱۳۶۱
۱۷. نوار مصاحبه ۳۳۲۶ مرتضی رفیعی اهل قصر شیرین، ۱۳۶۱
۱۸. نوار مصاحبه ۳۳۱۰ فرمانده سپاه پاسداران قصر شیرین ۱۳۶۰

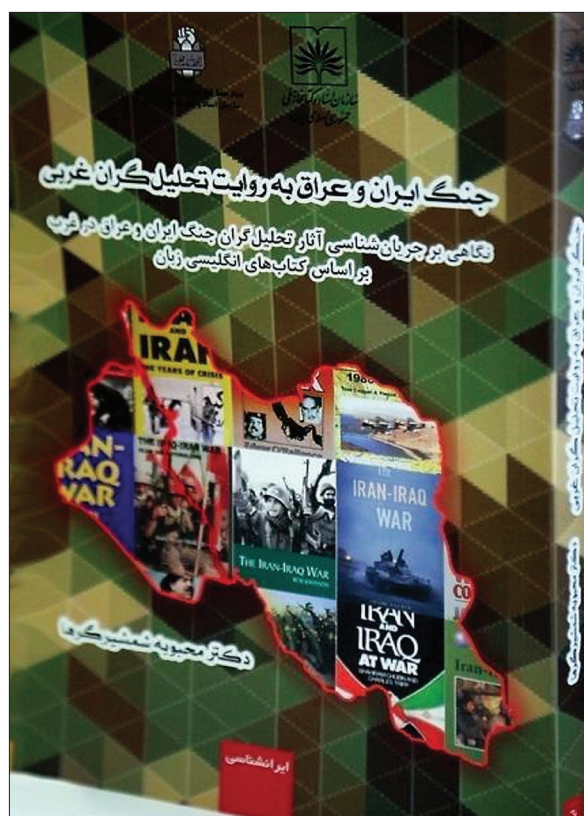
نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق به روایت تحلیل گران غربی محبوبه شمشیرگرها^۱

از جنگ و بهره‌مندی از آن، به ترجمه فارسی تعدادی از کتاب‌های منتشر شده^{۲۹} و نیز تهیه و انتشار چند کتاب‌شناسی غیر روزآمد^{۳۰}، محدود مانده است. به عبارت دیگر با وجود آن که امروزه چهار دهه از آغاز بررسی‌های تاریخی جنگ ایران و عراق در خارج از کشور می‌گذرد، کوششی جدی، اثربخش و کارگشا برای درک چیستی، چگونگی و چرایی روایت غیرایرانی و گاه ضدایرانی از جنگ ایران و عراق، ملاحظه نمی‌شود. به نظر می‌رسد با وجود ضرورت توجه به آثار مذکور، یکی از عوامل مهم کم توجهی به این مهم، نبود ترسیمی از چشم‌انداز کلی و جغرافیای تاریخی تولید و انتشار منابع مورد نظر باشد. از این نظر نگارنده سعی کرده تا با تألیف جنگ ایران و عراق به روایت تحلیل گران غربی؛ نگاهی بر جریان‌شناسی آثار تحلیل گران جنگ ایران و عراق در غرب، بر اساس کتاب‌های انگلیسی‌زبان، گامی نخست، ناچیز و البته ضروری در این مسیر بردارد. این کتاب که به تازگی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی، با همکاری سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس آن را چاپ کرده، تلاشی است که نخستین بار در مسیر شناخت کلیات و ترسیم چشم‌اندازی از آثار غربیان درباره جنگ ایران و عراق با تکیه بر کتاب‌های انگلیسی‌زبان صورت گرفته است.

نگارنده، با توجه به جایگاه و زمینه فعالیت شغلی خود در گروه پژوهشی منابع ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی کتابخانه ملی، رسالت خویش را پژوهشی میان‌رشته‌ای

جنگ ایران و عراق، از همان آغاز تاکنون، تنها به دو کشور ایران و عراق محدود نشده است. بلکه آثار و پیامدهای آن از وجوه متعدد استراتژیک، سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دیپلماتیک و حقوقی بر مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی اثری پایدار و گسترده برجای گذاشته است. از این رو، فراتر از مرزها و محدوده جغرافیایی ایران و عراق، برخی ایران‌شناسان، پژوهشگران نظامی و استراتژیست‌های مراکز دانشگاهی و مؤسسات علمی و پژوهشی خارجی از جمله استیون پلتیر^۲، نایجل اشتون^۳، ادگار اوبالانس^۴، جان بولاک^۵، کنت پولاک^۶، آدام تاروک^۷، عبدالمجید تراب زمزمی، چارلز تریپ^۸، کنت تیمرمن^۹، کریستوفر جویئر^{۱۰}، شهرام چوبین، پدرام خسرونژاد، فرهنگ رجایی، پیر رازو^{۱۱}، آندرتا دگوتری^{۱۲}، ساسکیا گیلینگ^{۱۳}، گری سیک^{۱۴}، کاوه فرخ، آلن فریدمن^{۱۵}، افرائیم کارش^{۱۶}، آنتونی کردزمن^{۱۷}، گرومن استیون^{۱۸}، برایان گیبسون^{۱۹}، کامران مفید، ویلیامسون موری^{۲۰}، مارتین ناویاس^{۲۱}، توماس نف^{۲۲}، آبراهام واگنر^{۲۳}، تام ورکمن^{۲۴}، کوین وودز^{۲۵}، دیلیپ هیرو^{۲۶}، یوست هیلترمان^{۲۷} و کمرون هیوم^{۲۸}، از همان سال‌های آغازین جنگ، این واقعه مهم را در ابعاد متنوع آن مورد ملاحظه و تحلیل قرار داده و چندی یک بار، نتایج بررسی‌های خود را در قالب نوشتارهای متعدد اعم از کتاب و مقالات و نیز سخنرانی در محافل دانشگاهی، سمینارها و کنفرانس‌های عمدتاً بین‌المللی، ارائه کرده‌اند.

در ایران، تلاش در مسیر فهم و تحلیل روایت غیرایرانی



صدام و اشغال ممتد سرزمین‌های ایران همزمان است، تا اوایل ۱۹۸۲ م. ادامه می‌یابد. وسعت این رویداد بزرگ از ابتدا مشخص نبود. از طرف دیگر با توجه به انتظار پیروزی قاطع ارتش نظام‌مند و مجهز عراق در برابر ایران نابسامان، پرداختن به آن در ماه‌های اول مورد کم‌اعتنایی تحلیل‌گران قرار گرفت. از این رو، این دوره را می‌توان به لحاظ کم و کیف آثار به وجود آمده، در مقایسه با سایر مراحل تاریخ‌نگاری جنگ، کم‌مایه‌ترین آنها به‌شمار آورد. مضمون اصلی آن، پیشینه پژوهی و بررسی خاستگاه‌ها و زمینه‌های آغاز جنگ با رویکرد غالب تحلیل حقانیت عراق در آغازگری حمله به ایران است.

■ مرحله دوم مطالعات تاریخی جنگ، در پی خویشتن‌یابی و ایستادگی ایران در برابر پیشروی ارتش عراق و آزاد سازی بیش از ده هزار کیلومتر مربع از خاک اشغال شده این کشور از کف نیروهای صدام طی چندین عملیات گسترده، شکل گرفت و تا جدالی طاقت‌فرسا موسوم به نبرد فرسایشی و شکل‌گیری

در حیطه‌های کتاب‌شناسی و تاریخ جنگ تعریف کرده تا از طریق کتاب‌شناسی آثاری مشتمل بر روایت بین‌المللی از جنگ ایران و عراق، به ارائه کلیاتی از جریان تاریخ‌نگاری این جنگ در خارج از کشور بپردازد. به تعبیر دیگر، این اثر با هدف ترسیم چشم‌اندازی از مطالعات تاریخی غربیان درباره جنگ ایران و عراق، پژوهشی کتاب‌شناختی با اتخاذ روش بررسی تاریخی به‌شمار می‌آید که در جایگاه اثری مرجع، سهولت و سرعت‌بخشی به مطالعه روایت غیرایرانی را برای محققان و علاقه‌مندان آتی در نظر دارد.

نگارنده پس از مقدمه‌ای مفصل و گویا، مطالب کتاب را در دو بخش اصلی و بخشی در تکمیل آنها تنظیم کرده است. در بخش اول، کلیاتی از جریان تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق در غرب شامل اهداف، ابعاد، رویکردها، موضوعات، مشکلات و کاستی‌ها، روش‌ها و منابع و مآخذ اطلاعاتی مشاهده می‌شود. در بخش دوم که قسمت عمده این اثر را تشکیل می‌دهد، کتاب‌های منتشر شده به زبان انگلیسی در پیوند با رخدادها و تحولات بزرگ منطقه‌ای، ذیل پنج دوره تاریخی، طبقه‌بندی و معرفی شده‌اند. نگارنده بر آن است که تحولات و وقایع مهم غرب آسیا و حوزه خلیج فارس، از حیث موارد متعدد نظیر اهداف، رویکردها، روش‌ها، نقاط اتکا، و بهره‌مندی از منابع و مستندات، بر مطالعات جنگ در غرب اثر گذاشته است؛ به‌طوری‌که می‌توان به وجوهی همسان و اشتراکاتی قابل توجه در اغلب آثاری پی برد که به‌طور همزمان در یکی از دوره‌های تاریخی به نگارش درآمده‌اند. از این رو می‌توان کتاب‌هایی را که تاکنون پدید آمده‌اند، ذیل پنج دوره یا مرحله تاریخ‌نگاری، مورد بررسی قرار داد:

■ مرحله اول فعالیت‌های پژوهشی غرب درباره جنگ ایران و عراق، با به صدا درآمدن طبل جنگ و در پی ظاهر شدن پیامدهای فوری نظامی و سیاسی آن آغاز شد. این مرحله که با هجوم و پیشروی ارتش

متعدد و متنوع با مضمون اصلی بازاندیشی علل آغاز و ادامه و ارزیابی نحوه حل و فصل جنگ و تأمل ویژه بر درس‌ها و عبرت‌های آن برای سیاست‌های غرب، در این مرحله و به‌طور خاص در سال ۱۹۸۹ یعنی تنها یک سال پس از پایان جنگ، از این واقعیت حکایت دارد.

■ مرحله چهارم تاریخ‌نگاری نیز پس از تشکیل ائتلاف بزرگ غربی به رهبری آمریکا در برابر عراق و عقب راندن نیروهای حزب بعث این کشور از داخل کویت طی عملیاتی موسوم به «توفان صحرا» در ژانویه ۱۹۹۱ آغاز می‌شود. این دوران که با انزوای عراق و تحریم‌های سخت بین‌المللی علیه این کشور همراه است تا هجوم آمریکا به این کشور در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ ادامه می‌یابد. مقابله صدام با منافع آمریکا در این دوره، مطالعات جنگ را در پرتو مناسبات جدید این ابرقدرت با دیکتاتور عراق تعریف کرد و گفتمان تاریخی جنگ را با تأکید بر استفاده عراق از سلاح‌های کشتار جمعی و تهدید این رژیم برای صلح و امنیت جهان شکل داد. می‌توان سال ۱۹۹۱ را اولین نقطه عطف در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق به‌شمار آورد که این مسیر را به سمت و سویی متفاوت، در جهت تبیین رفتارهای صدام در دهه ۱۹۸۰ به قصد توجیه سیاست‌های جدید غرب در راستای مهار افسار گسیختگی‌های او و زمینه سازی برای حمله آمریکایی پیش برد. در این راستا، بسیاری از واقعیت‌های پشت پرده جنگ درخصوص چند و چون حمایت‌های غرب از صدام در طول جنگ هشت ساله افشا شد.

■ مرحله پنجم بررسی‌های تاریخی جنگ ایران و عراق که همزمان با تحولات بزرگ منطقه خلیج فارس تاکنون نیز ادامه دارد، در پی حمله نظامی آمریکا به عراق و سقوط حاکمیت سیاسی رژیم بعث در این کشور آغاز شد. این واقعه به منزله دومین نقطه عطف در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق، با فراهم کردن بستر بهره‌مندی از گنجینه‌ای عظیم و غنی از مدارک و شواهد دست

جنگی تمام عیار در سایه حمایت اغلب کشورهای منطقه و دنیا از عراق، و در نهایت بین‌المللی شدن آن با مداخله نظامی ابرقدرت‌ها به‌ویژه آمریکا در خلیج فارس و سرانجام، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در جولای ۱۹۸۸ طول کشید. پیروزی‌های قاطع ایران در ۱۹۸۲ و سپس رویارویی سخت دو جبهه، جنگ را به معنای واقعی رقم زد. در پی این اتفاق، دانشگاه‌ها، مؤسسات و مجامع علمی و اندیشمندان غرب بر آن شدند تا به قصد تحلیل چرایی و چگونگی تغییر مناسبات، به این رویداد نظر کنند. مضمون عمده بررسی‌های تاریخی و تحلیل‌های کارشناسان در این مرحله در کنار توجه به خاستگاه‌ها، به مسائل نظامی و استراتژیک و سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای دو کشور و گاه بین‌المللی مربوط می‌شود که به مرور، وجه اخیر آن پُررنگ‌تر می‌شود. در این مرحله به‌ویژه از اواخر ۱۹۸۶، همزمان با برجستگی چالش منافع ابرقدرت‌ها به‌ویژه آمریکا در خلیج فارس و تشدید جنگ نفتکش‌ها، تحلیل‌گران با رویکرد ارائه تحلیلی جامع از وجهه بین‌المللی جنگ، بیش از پیش به این مقوله توجه کردند. از این حیث، این مرحله خصوصاً اواخر آن را می‌توان یکی از دوره‌های پُر بار تاریخ‌نگاری غرب با تمرکز بر تهدیدات جنگ برای امنیت غرب به‌ویژه سیاست خارجی آمریکا و نیز موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس به قصد ارائه راهکارهایی برای خروج از بُن‌بست و خاتمه آن، دانست.

■ مرحله سوم مطالعات تاریخی جنگ ایران و عراق از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد و همزمان با رویدادهای کوچک و بزرگ پس از اتهام جنگ تا حمله ارتش بعث عراق به کویت در آگوست ۱۹۹۰ ادامه یافت. برطرف شدن بسیاری از تردیدها و نگرانی‌های پس از جنگ و فراهم شدن فرصت و امکان بازخوانی و بازاندیشی درباره آن، بیش از پیش پژوهشگران را به تحلیل انتقادی این رویداد مهم یعنی استقرار صلح و امنیت در جهان در جهت تأمین منافع غرب ترغیب کرد. انتشار آثار

کلیات و اشاراتی کوتاه و گذرا از برخی اطلاعات مهم و برجسته در این گستره موضوعی، نظیر کلیاتی از جریان تاریخ‌نگاری غربیان و سیر تحول تاریخی آن، محورهای موضوعی، نویسندگان، گردهم‌آیی‌ها، ناشران، گروه‌های آموزشی و پژوهشی و طرح‌های پژوهشی را در خود جای داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. محبوبه شمشیرگرها، دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی، گروه پژوهشی منابع ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی
mah.shamshirgarha@yahoo.com

2. Pelletiere, Stephen C.
3. Ashton, Nigel John
4. O'balance, Edgar
5. Bulloch, John Angel
6. Pollack, Kenneth Michael
7. Tarock, Adam
8. Tripp, Charles
9. Timmerman, Kenneth R.
10. Joyner, Christopher C.
11. Razoux, Pierre
12. De Guttry, Andrea
13. Gieling, Saskia
14. Sick, Gary G.
15. Friedman, Alan
16. Karsh, Efraim
17. Cordesman, Anthony H.
18. Grummon, Stephen R.
19. Gibson, Bryan R.
20. Murray, Williamson
21. Navias, Martin S.
22. Naff, Thomas
23. Wagner, Abraham R
24. Workman, Thom
25. Woods, Kevin M.
26. Hiro, Dilip
27. Hiltermann, Joost R
28. Hume, Cameron R

۲۹. برای مثال رک. رابطه زهرآگین: آمریکا، عراق و مباران شیمیایی حلبچه، یوست هیلترمان، ترجمه نعمتی بروجنی، یعقوب، تهران: مرز و بوم، ۱۳۹۳؛ جنگ صدام: جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق، کوین وودز و ویلیامسون موری و توماس هولادی، ترجمه علمایی کوپایی، داود، تهران: مرز و بوم، ۱۳۹۰؛ جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام، کوین وودز و ویلیامسون موری و الیزابت ناتان و لیلی

اول در عراق، مرحله جدیدی از فعالیت‌های پژوهشی را رقم زد. با دستیابی کارشناسان به مراکز آرشیوی و مستندات محرمانه و نیز فراهم شدن امکان مصاحبه با افسران و سردمداران ارتش بعث عراق، واقعیت‌های بسیاری از این موضوع رخ نمود و به این ترتیب تحولی در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق به وجود آمد. در این دوره با تحولات منطقه و تهدید منافع غرب به‌ویژه در سال‌های اخیر، یکی از رویکردهای اصلی در آثار، فهم عمیق جنگ هشت ساله به منزله کلیدی برای کشف حقیقت رویدادها و مبارزات منطقه‌ای جاری است.

معرفی نویسندگان آثار مذکور به منزله اثرگذارترین تاریخ‌نگاران جنگ ایران و عراق در غرب با لحاظ اطلاعات شخصی، سوابق تحصیلی، علایق علمی و زمینه‌های پژوهشی و شغلی و نیز مشخصات سایر کتب منتشر شده از آنها در بخش سوم و تکمیلی کتاب گنجانده شده است. گفتنی است در کنار این، آشنایی با مهم‌ترین ناشران و مراکز پژوهشی و آموزشی فعال و نیز همایش‌ها و گردهمایی‌های برگزار شده در موضوع جنگ ایران و عراق، در خلال مباحث کتاب و ضمن معرفی منابع، محقق شده است. از ویژگی‌های ارزنده کتاب، درج نمایه‌هایی مفصل اعم از نمایه ناشران، موضوع، کشورها، گردهم‌آیی‌ها، نهادها، مراکز علمی و پژوهشی و اشخاص به زبان فارسی و انگلیسی در صفحات پایانی آن است که رجوع سهل و سریع به آثار و مباحث آن را ممکن می‌سازد.

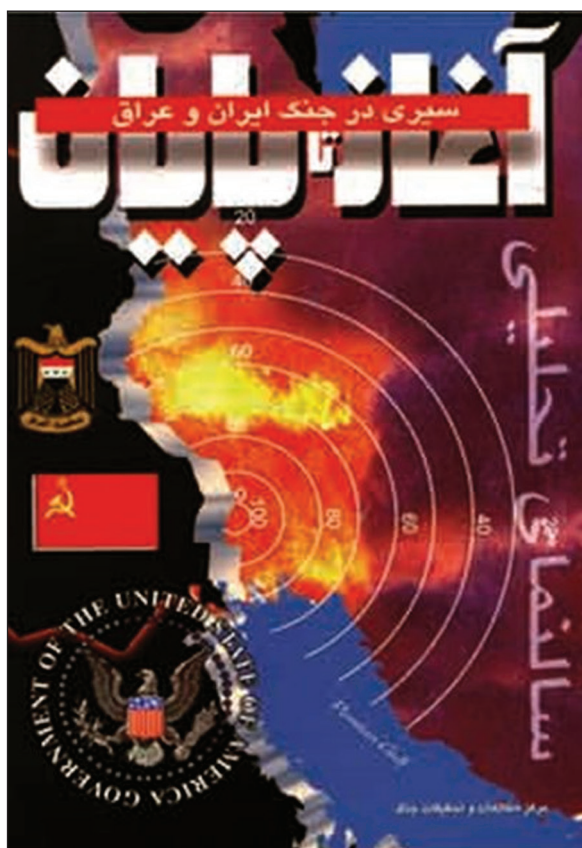
در پایان، تکرار این مطلب مفید تأکید است که اثر مورد بحث به منزله قطره‌ای از دریا و آغازی بر مسیری طولانی فراروی علاقه‌مندان و پژوهش‌گران، مدیران و اندیشه‌وران حوزه سیاست خارجی، و نیز اساتید و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی است تا بتوانند با مروری بر این کتاب، در مسیر پژوهش درباره انبوهی از موضوعات بایسته قرار گیرند. به عبارت دیگر، می‌توان از کتابی که به تازگی منتشر شده، به منزله اثری یاد کرد که

صباره و آنا ونگاس، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران: مرز و بوم، ۱۳۹۳؛
 جنگ ایران و عراق؛ پیشینه‌ها و روند تشدید تعارض، جاویدزاده، حمیدرضا،
 تهران: مرز و بوم، ۱۳۹۵؛ جنگ ایران و عراق عبدالمجید تراب زمزمی،
 ترجمه مژگان نژند، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۸؛ اتحاد شوروی و خلیج [فارس]
 در دهه ۱۹۸۰: ترجمه بیژن اسدی: تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه
 پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰؛ جنگ ایران-عراق: پیامدهای سیاسی،
 تحلیل نظامی، الف کینگ و افرائیم کارش، ترجمه سیدسعادت حسینی
 دماهی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،
 ۱۳۸۷؛ درس‌هایی از راهبرد، حقوق، دیپلماسی؛ در جنگ ایران و عراق،
 کریستوفر جویز، ترجمه داود علمایی کوپایی، تهران: مرز و بوم، ۱۳۹۰؛
 سوداگری مرگ: غرب چگونه عراق را مسلح ساخت. کنت آر. تیمرمن،
 ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳؛ خانه عنکبوت،
 آلن فریدمن، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳؛ جنگ
 ایران و عراق (۱۹۸۰ - ۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی، مجموعه اسناد و
 شرح و تفسیرهای مربوطه در رویه دریایی. آندره گاتری و ناتالینو رونیستی،
 ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری و سعید تائب و احمد سالاری، تهران:
 وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴؛ جنگ نفت‌کش‌ها:
 حمله به کشتی‌رانی تجاری در جنگ ایران و عراق، ۱۹۸۰-۱۹۸۸، ادوارد
 هوتن و مارتین ناویاس، ترجمه پژمان پورجباری و رحمت قره به فارسی،
 تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۱؛ قوی‌ترین
 شریک جرم: مواضع جانب‌دارانه آمریکا در جنگ ایران و عراق. نویسنده
 مارین ویلمس، [استاد راهنما داکو هلمبا]؛ ترجمه محمدعلی خرمی. تهران:
 مرز و بوم، ۱۳۹۲؛ آنچه گذشت: درس‌هایی از جنگ ایران و عراق. کنت
 مایکل پالک، ترجمه مهدی خسروی‌نژاد، [برای] هیأت معارف جنگ شهید
 سپهبد علی صیادشیرازی، تهران: ایران سبز، ۱۳۸۹؛ اسکادران‌های F-۱۴:
 تامکت ایران در جنگ، تام کوپر، فرزاد بیشاپ، ترجمه و تألیف [صحیح:
 ترجمه] سیدحسین فرقانی، تهران: نیاز دانش، ۱۳۹۳.
 ۳۰. رک. منبع شناسی دفاع مقدس در زبان انگلیسی، محسن شیرازی زاده،
 تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس: پژوهشگاه علوم و
 معارف دفاع مقدس، ۱۳۹۲؛ مأخذ شناسی جنگ ایران و عراق، علی اکبر
 مرتضایی قهرودی، تهران: فرهنگ گستر، ۱۳۸۴؛ و

Khanbagi, Ramin, Iran -Iraq war: a selected bibliography,
 Tehran: Sepeed Payaam, 2003

کتاب‌هایی که از آغاز جنگ گفته‌اند

شیما دنیادار رستمی



یکی از راه‌هایی که می‌توان از طریق آن به ریشه‌های وقوع طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم یا همان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پی برد، مرور آثار مکتوب و کتابخانه‌ای است. در این زمینه، پس از ۴۰ سال از وقوع جنگ تحمیلی آثار پرشماری در شاخه‌های متعددِ خاطره‌نگاری، تاریخ سیاسی، تاریخ نظامی، اسنادی، پژوهشی، داستانی و ... نوشته شده‌اند.

اما شاید یکی از سودمندترین شاخه‌ها برای پی‌بردن به اصل ماجرا، توجه به آثار پژوهشی باشد. این آثار که بیشتر آن‌ها از یک دهه پس از آغاز جنگ تحمیلی نوشته و منتشر شده‌اند، به تدریج و طی سالیان، با کشف و افشای اسناد جدید غنای بیشتری یافته‌اند و می‌توانند ما را در رسیدن به مقصود یاری کنند. از این رو، به مرور شماری از این آثار پرداخته‌ایم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ «آغاز تا پایان؛ سالنامه تحلیلی»

محمد درودیان

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

کتاب «آغاز تا پایان؛ سالنامه تحلیلی» که به همت محمد درودیان منتشر شده، جلد ششم از مجموعه سیری در جنگ ایران و عراق است. این کتاب که به بررسی و تجزیه و تحلیل وقایع سیاسی - نظامی جنگ، از زمینه‌سازی تهاجم نظامی عراق تا آتش‌بس می‌پردازد تا کنون ۱۸ بار تجدید چاپ شده است. اگرچه این

کتاب در تقسیم‌بندی آثار مرکز مطالعات، ششمین جلد از مجموعه سیری در جنگ ایران و عراق محسوب شده، اما کتابی است مستقل که کل دوران جنگ، از زمینه‌سازی هجوم ارتش عراق تا آتش‌بس را شامل می‌شود.

در فصل اول این کتاب که سخن از زمینه‌های تهاجم است تنها به استدلال معمول و هرچند درستی که وقوع جنگ را فقط تهاجم به یک انقلاب تلقی می‌کند؛ بسنده

«اطلس جنگ ایران و عراق» نزدیک به دو سال قبل از آغاز رسمی جنگ را در ۱۱۷ صفحه به همراه متن و امارو تصویر بررسی کرده است. فصل اول کتاب با عنوان «حملات عراق؛ پیروزی انقلاب اسلامی» به همین موضوع می‌پردازد. سیر تجاوزات مرزی ارتش عراق قبل از آغاز رسمی جنگ و هجوم سراسری عراق و اشغال مناطق مرزی ایران بخش‌های این فصل هستند.

ظهور انقلاب اسلامی ایران عکس‌العمل عراق و نظام بین‌المللی

انقلاب اسلامی مردم ایران پس از پی‌گیری آن در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۵۷، در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و سبب حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در ایران شد که وضعیت تازه‌ای در منطقه و جهان پدید آورد و به تبع آن عواقبی را در پی داشت. خروج ایران از زیر سایه بلوک غرب در نظام دو قطبی و اعلام استقلال کامل در نظام بین‌المللی به خروج از دایره وابستگی آمریکا در همسایگی شوروی محسوس‌ترین تبعات این انقلاب بود. علاوه بر این استقلال یکی از کشورهای منطقه خلیج فارس، آن هم کشوری که دارای بیشترین ساحل در این منطقه است و تاثیرگذاری قطعی این امر در سرنوشت نفت، ارائه یک الگوی جدید برای مبارزه با استبداد و رهایی یک ملت از وابستگی و کسب استقلال و آزادی در مهم‌ترین منطقه نفت خیز جهان، ارائه ایدئولوژی جدید برای مبارزه با اسرائیل در وضعیتی که ایدئولوژی‌های گذشته ناتوانی خود را برای مقابله با اسرائیل نشان داده بودند، بخشی از عواقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که نظام بین‌الملل نمی‌توانست در مورد آن بدون واکنش باقی بماند؛ خصوصاً از آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در خاورمیانه بیشترین برخوردها انتظار می‌رفت.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «بروز بحران‌های متعدد و گسترده و پی در پی داخلی افزایش حضور ناوهای آمریکایی در خلیج فارس و تشکیل ناوگان پنجم دریایی آمریکا به منظور پرکردن خلاء قدرت در این

نکرده و دلایلی از قبیل سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، دست‌یابی عراق به نقش جدید در منطقه و چرخش تدریجی رژیم عراق به سمت غرب را به استناد منابعی که معرفی شده نیز مورد بررسی قرار داده‌است. در حقیقت نویسنده در این فصل موفق شده‌است اوضاع و احوال بین‌المللی و محیط منطقه را در آستانه شروع جنگ بررسی و اجتناب‌ناپذیری آن را دست‌کم در مرحله شروع به اثبات برساند. در مباحث منافع و امنیت ملی ضمن این‌که عوامل گوناگونی بر شمرده می‌شود، تجاوز به پایتخت یک کشور در حقیقت تهدید مستقیم و اعلان جنگ تلقی می‌شود و هیچ کشوری در برابر تجاوز حساب شده و وسیع همانند آنچه در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ توسط عراق به وقوع پیوست، دست روی دست نخواهد گذاشت

■ «اطلس جنگ ایران و عراق»

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

این کتاب، با یک مقدمه و هفت فصل، آمار و تصاویر هشت سال دفاع مقدس و دو سال قبل از آغاز رسمی جنگ ارائه شده است. در ابتدا خلاصه‌ای درباره انقلاب اسلامی ایران و عکس‌العمل عراق و نظام بین‌الملل نسبت به انقلاب بیان شده است. سپس، تجاوز همه جانبه‌ی ارتش عراق، بن‌بست در جنگ، آزادسازی مناطق اشغال شده، عبور از مرز برای تعقیب دشمن، گذر از موانع عبورناپذیر، پیشروی در شرق بصره و در آخر، پایان جنگ تشریح شده است. در ادامه کتاب و پس از مقدمه مذکور فشرده‌ای درباره نبردهای زمینی همراه با نقشه، نمودار و جزئیات نام مناطق، نام عملیات، تاریخ و هدف و وسعت منطقه‌ی آزادشده، همراه شرحی مختصر در زیر هر نقشه ارائه شده است. هفت فصل کتاب، مقاطع مختلف جنگ را (از قبل از انقلاب تا پایان جنگ) در برمی‌گیرند. فهرست مندرجات و مقدمه به زبان انگلیسی و فارسی و نمونه‌ی قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد به زبان انگلیسی ارائه شده است.

تحمیلی عراق علیه ایران، دلایل آغاز آن و چگونگی انجام عملیات‌های مختلف در این زمینه است.

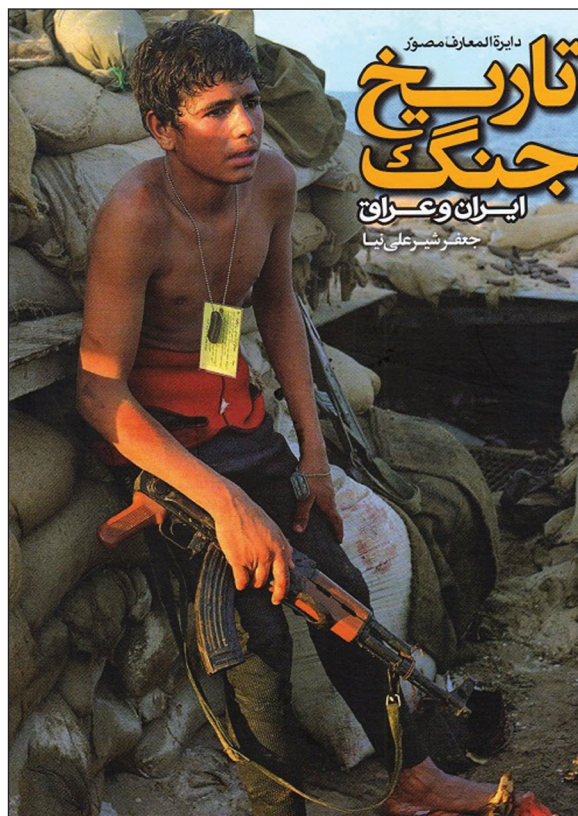
جعفر شیرعلی‌نیا به عنوان سروراستار این اثر در مقدمه کتاب پس از اشاره به کوشش‌های نهادها و سازمان‌هایی که دغدغه بیان آن‌چه را در جنگ هشت‌ساله تحمیلی عراق علیه ایران گذشت داشته‌اند مانند نهادهای مطالعاتی وابسته به ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و نیز با اشاره به مصاحبه‌ها، خاطرات و یادداشت‌هایی که از مسئولان دوران دفاع مقدس ثبت شده است، می‌نویسد: «روایتی از جنگ که در آن تمام این آثار گوناگون استفاده شده باشد، بدون آن‌که متن پاره پاره به نظر برسد و مخاطب را در شرایط زمان واقعه قرار دهد، دغدغه‌ام در این سال‌ها بوده است... جنس این کتاب نیز روایت است. روایت کسی که در موضوع جنگ ایران و عراق ورود پیدا کرده و سعی دارد آن‌چه را که دریافتی برای مخاطبش از زوایای گوناگون شرح دهد.»

وی در ادامه یادآور شده است: «سعی نموده‌ام آن‌جا که بناست از جبهه عراق چیزی گفته شود حتماً روایتی هم از زبان عراقی‌ها داشته باشیم. اگر درباره دخالت‌های آمریکا در جنگ ایران و عراق نوشته‌ایم، روایتی هم از نویسندگان و محققان آمریکایی آمده است.»

■ تاریخ سیاسی و نظامی جنگ عراق با ایران

علی اکبر ولایتی، اصغر صادقی یکتا و محمود یزدان‌فام انتشارات کتاب مرجع

کتاب تاریخ سیاسی نظامی جنگ عراق با ایران، نوشته علی اکبر ولایتی، اصغر صادقی یکتا، محمود یزدان‌فام، می‌کوشد به بیان ریشه‌های تاریخ سیاسی هجوم عراق به ایران بپردازد و از این رو جنگ عراق با ایران را به عنوان مهم‌ترین جنگ‌های دوره معاصر، مورد ارزیابی



منطقه بعد از سقوط ژاندارم منطقه (شاه ایران) تشکیل «نیروی یکصد و ۱۰ هزار نفره واکنش سریع» در ارتش آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌منظور حضور سریع در مناطق ویژه فعالیت جدید نیروهای آمریکایی در پایگاه‌های نظامی کشور ترکیه در همسایگی ایران و پذیرش شاه در آمریکا، هر کدام تهدیدی از طرف آمریکا علیه ایران اسلامی محسوب می‌شد. جدی بودن این تهدیدات به‌خصوص با حمله آمریکا به ایران در صحرای طبس - که به شکست آمریکایی‌ها انجامید - و با حمایت از کودتای نوژه - که در آستانه وقوع کشف گردید آشکار شد....

■ «دایره‌المعارف مصور تاریخ جنگ ایران و

عراق»

جعفر شیرعلی‌نیا

انتشارات سایان

این دایره‌المعارف در واقع تلفیقی از کتاب‌های متنی، تصویری، اطلس‌گونه و اسنادی درباره تاریخ جنگ

مرزی را تشدید نمود، به طوری که تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹/ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰م، ۶۳۶ بار مرزهای ایران مورد تجاوز عراق قرار گرفت. عراق در صحنه بین‌المللی نیز برضد جمهوری اسلامی ایران تبلیغات گسترده‌ای کرد. هم‌زمان، دولت عراق در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹/ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰م، با تسلیم یادداشتی رسمی به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد، اعلام کرد که اعلامیه الجزایر و عهدنامه‌های مربوط به مرز مشترک و حسن هم‌جواری و سه پروتکل و پیوست‌های آن و دیگر موافقت‌نامه‌ها و یادداشت‌های انضمامی به این عهدنامه را یکجا و یک‌جانبه فسخ کرده‌است.»

کتاب متشکل از دو بخش اصلی است: در بخش اول با عنوان «تاریخ سیاسی» تألیف آقایان علی اکبر ولایتی و اصغر صادقی یکتا، که به ریشه‌ها و زمینه‌های شروع جنگ، بازپس‌گیری خرمشهر، صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، عملکرد ایران قبل و بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و همچنین به بررسی تلفات انسانی و زیان‌های اقتصادی ایران در این جنگ پرداخته شده‌است.

بخش دوم «تاریخ نظامی جنگ» است که به قلم محمود یزدان‌فام پی گرفته می‌شود. در بخش دوم، مؤلف گزارشی از تاریخ نظامی جنگ ارائه می‌کند و به بررسی وقایع مربوط به آغاز جنگ و مقاومت‌های مردمی، تجدید سازمان نیروهای مسلح، عملیات‌های سرنوشت‌ساز و رخداد‌های سال‌های پایانی جنگ از جمله درگیری‌ها در خلیج فارس و تشدید جنگ نفتکش‌ها می‌پردازد.

■ ما و عراق، از گذشته دور تا امروز

منوچهر پارسادوست

شرکت سهامی انتشار

این کتاب با عنوان فرعی «تجاوز عراق، پیامدها، و رویدادهای پس از آن» تلاشی است برای یافتن علت تنش‌هایی که بیش از ۱۰۰۰ سال میان ایران و همسایه

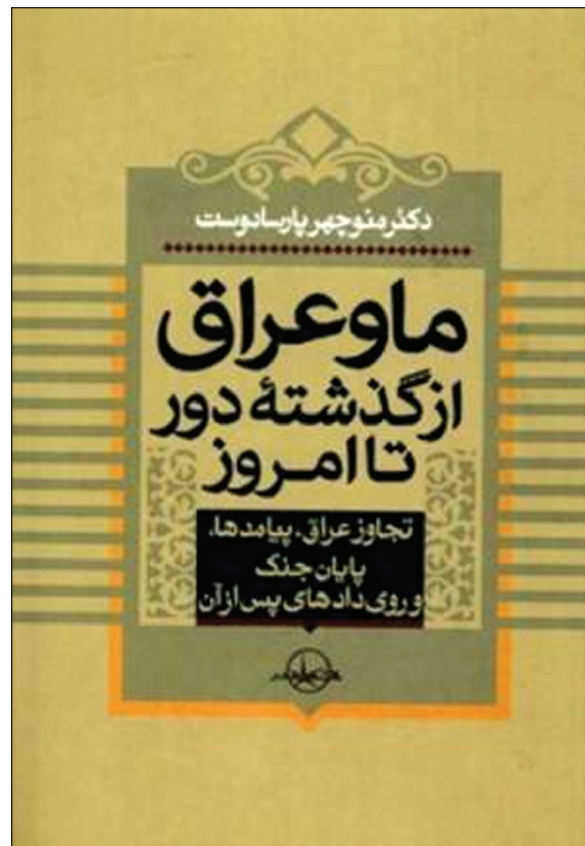
سیاسی و تاریخی قرار داده است. کتاب «تاریخ سیاسی و نظامی جنگ عراق با ایران» در حقیقت مقاله‌ای تحقیقی است که در دانشنامه جهان اسلام و زیر نظر غلامعلی حداد عادل آماده و تهیه شده؛ اما بعداً از قالب دایره‌المعارف خارج شده و بی‌کم‌وکاست از نظر تحقیقی و استنادی، تغییراتی پذیرفته است. مؤلفان در نگارش کتاب از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده‌اند و ضمن شرح و توصیف واقعه به بررسی علل و عوامل بروز آن نیز توجه کرده‌اند. از جمله تحلیل‌هایی که مؤلف در خصوص علل صدور هر یک از قطعنامه‌های شورای امنیت ارائه می‌دهد، ابعاد و زمینه‌های مختلف بروز و تداوم جنگ و مناقشه‌های فزاینده سیاسی - نظامی که منجر به این جنگ شد تا بازپس‌گیری مناطق اشغالی ایران و در نهایت پذیرفتن مجدد قرارداد الجزایر از سوی عراق، به قلم و پژوهش نویسندگان در این کتاب بازتاب یافته است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط حکومت پهلوی در بهمن ۱۳۵۷ و متعاقب آن وقوع تغییرات اساسی در موقعیت امریکا در منطقه، مناسبات ایران و عراق نیز - که در سال‌های پایانی حکومت پهلوی، با میانجی‌گری الجزایر، در قالب سازوکار معروف به قرارداد الجزایر (۱۳۵۴ ش/ ۱۹۷۵م) به صورت همزیستی مسالمت‌آمیز همراه با رقابت نیمه‌پنهان در عرصه‌های سیاسی و نظامی و تسلیحاتی درآمده بود - دستخوش دگرگونی و تیرگی شد. از سوی دیگر، با کناره‌گیری حسن البکر از ریاست جمهوری عراق و روی کارآمدن صدام حسین، در ۲۵ تیر ۱۳۵۸ ه.ش/ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹م، فعالیت‌های دولت بعث در خوزستان و کردستان افزایش یافت و گروه‌ها و جریانات سیاسی وابسته به عراق سازماندهی شدند و تشکیلات خود را به داخل ایران منتقل کردند. دولت عراق تبلیغات گسترده‌ای بر ضد ایران، مبنی بر ضرورت خروج نیروهای ایران از سه جزیره ایرانی بوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک آغاز کرد و نیز درگیری‌های

معمول و عمومی شاهان عثمانی برای جنگ با ایران و مردم ایران بود. سلطان سلیم اول در ۲ رجب ۹۲۰ هجری قمری در دشت چالدران نزدیک خوی، با شاه اسماعیل اول به نبرد پرداخت و او را شکست داد، ولی موفق به تسخیر ایران و یا بخشی از آن نشد. او در تدارک حمله دیگری به ایران بود که مرگ به او فرصت نداد و او پس از هشت سال پادشاهی درگذشت. جنگ‌ها و اختلاف‌های ایران و عثمانی از زمان جنگ چالدران در ۲۳ اوت ۱۵۱۴م تا پروتکل ۴ نوامبر ۱۹۱۳م و کمیسیون تحدید حدود مرزی ۱۹۱۴م، به مدت ۴۰۰ سال ادامه داشت.

پس از جنگ جهانی اول و شکست دولت عثمانی از انگلستان و متفقان آن، دودمان عثمانی بر افتاد و دولت جمهوری ترکیه به جای آن اداره امور کشور را به دست گرفت، ولی کشورهای فاتح، به‌ویژه انگلستان و فرانسه، بخش بزرگی از متصرفات عثمانی را زیر استیلای خود قرار دادند. دولت انگلستان برای تامین منابع گوناگون خود در منطقه خلیج فارس در ۱۰ اوت ۱۹۲۰م، کشوری به نام عراق را به وجود آورد. از آن تاریخ، کشور نوبنیاد عراق میراث‌دار عثمانی و همسایه غربی ایران شد و مزاحمت‌ها به گونه دیگری ادامه یافت. عراق از ابتدای تاسیس تا سرنگونی صدام و برافتادن حاکمیت حزب بعث، عموماً همسایه مزاحمی برای ایران بود و دشواری‌های مکرر به وجود آورد.

در این کتاب سرزمین فعلی عراق از گذشته دور، و بعد در رابطه‌های ایران و عثمانی و ایران و عراق تا سرنگونی صدام و پایان گرفتن حاکمیت حزب بعث بر عراق مورد بررسی قرار گرفته است. قراردادهای مهم ایران و عثمانی و سپس ایران و عراق، به‌ویژه قرارداد ارزروم دوم و پیامدهای آن و قراردادهای ۱۹۳۷م و قرارداد الجزیره، لغو قرارداد الجزیره، انگیزه‌های آن و اثبات بی‌اعتباری لغو قرارداد بر اساس موازین حقوق بین‌المللی به صورت مشروح مورد بررسی قرار گرفته است.



غربی آن وجود داشته است.

در مقدمه این کتاب به قلم دکتر منوچهر پارسادوست می‌خوانیم: «به گواه تاریخ، مردم ایران بیشترین تعداد جنگ‌ها را در میان همسایگان، چه در دوران پیش از اسلام و چه در دوران پس از آن با همسایه غربی خود داشته‌اند. جنگ‌های مکرر ایران و امپراتوری رم شرقی در پیش از اسلام و صدمه‌هایی که به مردم ایران وارد شد، نسل‌های زیادی از مردم کشور را با مرارت‌ها و آوارگی‌ها روبه‌رو ساخت. پس از اسلام و پس از آن‌که دولت عثمانی عملاً در آخرین سال‌های قرن سیزدهم میلادی، با حکومت غازی سلطان عثمان در همسایگی غربی ایران تشکیل شد، ایران با کشوری در همسایگی خود مواجه شد که در آرزوی گشودن مرزهای غربی ایران بود.

اختلاف مذهبی، افزون بر تمایلات کشورگشایی، بهانه



چهار مقاله است: ۱. بررسی اختلافات عراق با کویت و سوریه ۲. بررسی ادعاهای ارضی عراق نسبت به کویت از آغاز تا اشغال کویت در اوت ۱۹۹۰م ۳. عوامل موثر در ارتباط با اشغال کویت ۴. بررسی اختلافات مرزی و ارضی میان سایر کشورهای خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه. کتاب با دو پیوست: «اسناد و قراردادهای» و «اطلاعاتی درباره کانونهای بحران در خلیج فارس» پایان می‌پذیرد

عناوین فصل‌های این کتاب عبارتند از: فصل اول: ایران و عثمانی تا تشکیل کشور عراق؛ فشرده ای از گذشته دورعراق، بغداد پایتخت خلیفه‌های عباسی، میان‌رودان در تصرف ایران و عثمانی، عثمانی و انگیزه‌های انگلستان و روسیه برای نفوذ در ایران، رابطه‌های ایران و روسیه، تسلط روسیه بر گرجستان.

■ کانونهای بحران در خلیج فارس

اصغر جعفری ولدانی

انتشارات کیهان

این کتاب حاوی مقالاتی است درباره کانونهای بحران‌زا یا اختلافات مرزی در میان کشورهای منطقه خلیج فارس. مقالات کتاب در دو بخش تنظیم شده است: در بخش اول مقالات مربوط به ایران و عراق و اختلافات ارضی دو کشور، آمده است و بخش دوم به مقالات مربوط به سایر کشورهای خلیج فارس اختصاص دارد که شامل این

■ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

انتشارات سمت

هدف این کتاب، توصیف و تبیین علمی و روشمند سیاست خارجی جمهوری اسلامی به صورت یک متن آموزشی است. بنابراین، از یک سو بر پایه اصول تدوین کتب درسی تلاش شده است تا از ادبیات

محسوب می‌شود. آغاز به کار مجلس شورای اسلامی، تشکیل دولت شهید رجایی و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در کنار چالش‌های سیاسی ناشی از اختلافات درونی مسئولان نظام، رویدادهای مربوط به این سال را از سال‌های

دیگر متمایزتر ساخته است. گفتنی است که در کتاب، علاوه بر متن خاطرات و تعدادی از عکس‌ها و اسناد مرتبط، روزشمار وقایع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ نیز درج گردیده است.

■ تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه

جمهوری اسلامی ایران

علی‌اکبر ولایتی

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نگارنده طی ۱۱ فصل این کتاب، چگونگی شکل‌گیری جنگ ایران و عراق و تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ و جریان عادی‌سازی روابط دو کشور را بررسی می‌کند. فصل اول به ریشه‌ها و زمینه‌ها و دلایل آغاز جنگ اختصاص دارد. نویسنده در همین فصل از نبرد چالدران و قرارداد صلح زهاب و ادعاهای ارضی نیز سخن می‌گوید و در فصل دوم، چگونگی اشغال و باز پس‌گیری خرمشهر بررسی می‌شود. فصل سوم و چهارم به تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی فتح خرمشهر و واکنش سازمان ملل متحد و جنبش عدم تعهد و کنفرانس اسلامی و اجلاس سران عرب و کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق تخصیص یافته است. در سه فصل بعدی از سیاست‌های آمریکا، شوروی، فرانسه و انگلستان، زمینه‌های صدور قطع‌نامه ۵۹۸ و تحریم تسلیحاتی و اقدام نهایی برای آتش‌بس سخن به میان می‌آید. نویسنده در فصل هشتم درباره مذاکرات ژنو و ملاقات با دبیرکل سازمان ملل متحد در ژنو، در



موجود در حوزه مطالعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استفاده بهتری شود، به‌طوری که یافته‌ها و داده‌های علمی سایر اندیشمندان، نویسندگان و تحلیلگران سیاست خارجی ایران نقشی برجسته در تألیف این کتاب داشته است. اما از سوی دیگر، بر مبنای سنت علم انباشتی سعی بر آن بوده است تا با پردازش داده‌های موجود، در قالب یک چارچوب نظری و مفهومی چند متغیره، متن متفاوت و متمایزی ارائه شود. از این رو، مهم‌ترین ویژگی این اثر، جامع‌نگری آن است. به گونه‌ای که در توصیف و تحلیل سیاست خارجی ایران هر دو حوزه نظری و عملی را پوشش می‌دهد. بر این اساس، کتاب در دو بخش و ۹ فصل تنظیم شده است. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در نظریه» عنوان بخش نخست کتاب است و در فصل‌های ۵ گانه این بخش، موضوعاتی با عناوین «رویکردهای نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «اصول، منافع، اهداف و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» و «ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم کتاب، با عنوان «تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در ۴ فصل به موضوعاتی مانند «از دولت موقت تا بیانیه الجزایر»، «دوران دفاع مقدس» و ... پرداخته شده است.

■ انقلاب در بحران

اکبر هاشمی‌رفسنجانی، محسن هاشمی، عباس بشیری

دفتر نشر معارف انقلاب

این کتاب، دربرگیرنده خاطرات آیت‌الله «هاشمی رفسنجانی» از سال ۱۳۵۹ است که با هدف آگاهی مخاطبان از حوادث و رویدادهای آن زمان تدوین شده است. سال ۱۳۵۹ در تاریخ انقلاب اسلامی از سال‌های بسیار مهم و قابل توجه در تحولات بعدی انقلاب،

توضیح ماهیت انقلاب اسلامی و تهدید منافع قدرت‌های بزرگ و تغییر موازنه قدرت در منطقه و پیدایش خلأ قدرت تحلیل و تبیین می‌شود. اما رویکرد دوم بیشتر درونی و بر ساختارها و نحوه تصمیم‌گیری و رفتارهای ایران در برابر عراق متمرکز است. یکی از ویژگی‌های کتاب «اجتناب‌ناپذیری جنگ» را می‌توان نوع نقد و بررسی پاسخ به سوال اجتناب‌ناپذیری جنگ دانست، به‌طوری‌که در این کتاب با تاکید بر تعهد به حقایق تاریخی و احترام به افکار و پرسش‌ها، به‌ویژه نسل جوان، با بازبینی مجدد و از زاویه پاسخ به امکان‌پذیری ممانعت از وقوع جنگ، مجدداً شرایط زمینه‌ساز جنگ را بررسی کرده‌است.

در این بازبینی، بررسی علل وقوع جنگ و سپس نتیجه‌گیری برای اجتناب‌پذیری یا اجتناب‌ناپذیری آن مورد توجه نیست؛ بلکه نحوه وقوع جنگ، به صورت تدوین حوادث و روندها در یک بررسی تاریخی، مدنظر است. به این ترتیب که موضوع وقوع جنگ در چارچوب مناسبات ایران و عراق و در بستر موقعیت زمانی، با بررسی رخدادها و وقایع، مورد توجه قرار می‌گیرد و در این مسیر قضاوت نهایی بر عهده خوانندگان گذاشته خواهد شد تا خود این پرسش را پاسخ دهند. در این کتاب این سوال مطرح و به آن پاسخ داده می‌شود که اگر ایران انقلابی منشأ نگرانی عراق بود و عراق، تنها با شعارهای ایران، تحریک شد؛ پس عراق در موضع برتر نظامی به چه دلیل حاضر به مذاکره با ایران بود و در مذاکره چه اموری باید تأمین می‌شد. به عبارت دیگر، با توجه به این‌که مذاکره به معنای گفت‌وگو و نوعی چانه‌زنی سیاسی برای تأمین اهداف موردنظر است، آیا ایران در موقعیت مناسبی برای مذاکره قرار داشت؟ در این صورت ایران با وضعیت نظامی، سیاسی و اجتماعی خاص خود و با توجه به خواسته‌ها و اهداف عراق در مذاکرات چه مواضعی را باید اتخاذ می‌کرد؟ آیا مذاکره با عراق، حتی با حضور شخص صدام در هاوانا، پایتخت کوبا، در زمان دولت موقت نتیجه‌ای داشت؟

فصل نهم درباره تحریک دیپلماتیک دبیرکل، در فصل دهم در باب تبادل نامه بین روسای جمهوری دو کشور ایران و عراق و بالاخره در فصل یازدهم درباره اجرای قطعنامه ۵۹۸ گفت‌وگو می‌کند. وی در پایان نتیجه می‌گیرد: «تنها حسن نیت و درک و تفاهم می‌تواند این بازمانده‌های ناشی از جنگ تحمیلی را نیز برطرف کند.»

■ تصمیم صدام به جنگ علیه ایران

نعمت‌الله سلیمانی خواه

نشر مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس

«تصمیم صدام به جنگ علیه ایران» کتاب نهم از مجموعه روزشمار جنگ ایران و عراق است که به موضوع تصمیم صدام به جنگ علیه ایران می‌پردازد.

مجموعه روزشمار جنگ ایران و عراق در طول شش سال تحقیق و مطالعه پژوهشگران در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. این مجموعه دربرگیرنده مهم‌ترین وقایع و اقدامات سیاسی و نظامی و گزیده‌ای از وقایع مهم اقتصادی و اجتماعی در دوران هشت سال دفاع مقدس است. این مجموعه شامل ۵۷ کتاب است که برخی از آنها منتشر شده و برخی در دست انتشار است. متن کتاب‌ها بر اساس روزها تقسیم شده و هر فصل کتاب یک روز را تشریح کرده است. هر روز شامل مجموعه‌ای از گزارش‌ها است و هر گزارش یک شماره دارد.

■ اجتناب‌ناپذیری جنگ

محمد درودیان

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

جلد دوم از مجموعه «نقد و بررسی جنگ ایران و عراق» که بر اساس اوضاع و ضرورت‌های جدید نگارش شده است، «اجتناب‌ناپذیری جنگ» نام دارد. این اثر، دو رویکرد کلی درباره جنگ بین ایران و عراق را بررسی می‌کند. در رویکرد اول، تجاوز عراق به ایران بر پایه

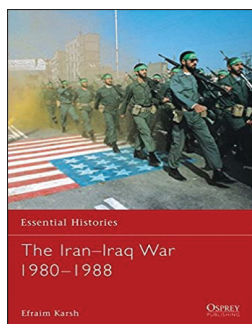


ده منبع خارجی در زمینه علل آغاز جنگ ایران و عراق

علی بروجردی

Published by: osprey
publishing

جنگ ایران و عراق که
یک ماه پیش از هشتمین
سالگردش در ماه اوت ۱۹۸۸م
تمام شد، یکی از خونین‌ترین،
طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین



جنگ‌های قرن بیستم است. پروفیسور کارش با بررسی
دلایل بروز جنگ و با برشمردن اهداف طرفین درگیر،
این سوال را مطرح می‌کند که اهداف‌شان تا چه حد با
راهبرد جنگی آنها انطباق داشت. او همچنین به ارزیابی
درس‌هایی از جنگ در زمینه مهارت‌های رزم‌آرایی و
راهبردی می‌پردازد. فصل‌های آخر کتاب به استفاده از
نیروهای مسلح به عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های
خارجی اختصاص دارد.

بررسی علمی کارنامه جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری
اسلامی ایران، علاوه بر کاوش و جست‌وجو در آثار و اسناد
داخلی و بهره‌وری از آنها، مطالعه فراگستر و همه‌جانبه
و دقیق آثار محققان و مولفان و بازیگران خارجی به
روش استقرایی را می‌طلبد تا بتوان بهتر و موشکافانه‌تر،
فرآیند پیدایش و شکل‌گیری زمینه‌های تهاجم عراق،
آغاز آن، گسترش و افزایش دامنه و سرانجام پایان آن
را نشان داد. یادآور می‌شود که شمار زیادی از این آثار
از منظر متفاوت و گاه ضد ایرانی به رشته تحریر در
آمده‌اند و معرفی آنها به معنای تایید جهت‌گیری‌های
نویسندگان‌شان نیست. این معرفی صرفاً با هدف آشنایی
پژوهشگران ایرانی با این آثار صورت گرفته است.

کتاب‌هایی که در ادامه معرفی شده‌اند، از جمله آثار
چاپ و منتشرشده با این ویژگی هستند:

■ جنگ ایران و عراق: سیاست تهاجمی

نویسنده: فرهنگ رجایی

ناشر: یونیورسیتی پرس در فلوریدا، ۱۹۹۳م

Edited by Farhang Rajaei

University Press of Florida

فرهنگ رجایی با به یاد آوردن یکی از پندهای مشهور
«کارل فن کلاوویتز»، نظریه‌پرداز نظامی که گفته بود:

■ جنگ ایران و عراق ۱۹۸۰-۱۹۸۸

(تاریخ‌نگاری اساسی)

نویسنده: افرایم کارش

ناشر: آسپری پابلیشینگ، ۲۰۰۴م

Essential Histo- The Iran-Iraq War 1980-1988

ries

Efraim karsh

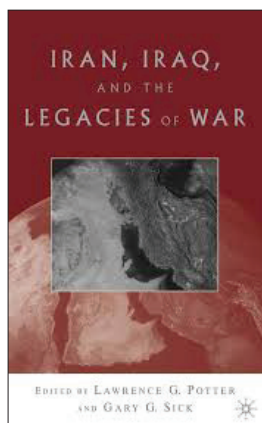
چطور ابرقدرت‌ها نتوانستند عراق را برای شروع جنگ مقصر اصلی اعلام کنند و در دوسال اول جنگ، عراق را وادار به خروج نیروهای خود از خاک ایران نکردند و بالاخره این‌که عراق را برای پذیرفتن آتش‌بس تحت فشار قرار ندادند.

■ ایران، عراق و میراث جنگ

نویسندگان: لارنس جی پاتر، گری جی سیک
ناشر: پالگریو مک میلان، ۲۰۰۶م

Iran, Iraq, and the Legacies of War
Lawrence G. Potter, Gary G. Sick
Palgrave Macmillan

این کتاب با نگاه به زوایای تاریخی، درک ما را از رابطه حساس و پر تنش بین ایران و عراق بالا می‌برد و با برشماری دلایل وخامت روزافزون آن، در سال‌های آخر قبل از جنگ، که نهایتاً به آتش جنگ دامنه زد، به تاثیر این جنگ ۸ ساله می‌پردازد. نویسندگان به موضوعاتی مهم چون استفاده هر طرف از گروه‌های مخالف در کشورهای یکدیگر برای تضعیف دولت مرکزی، اختلاف‌های قومی، نقش آمریکا و کشورهای غربی و تاثیر جنگ بر روی نسل‌های آینده دو کشور پرداخته‌اند.



■ جنگ ایران و عراق از دیدگاه ایران

گردآورنده و ویراستار: فرهنگ رجایی
ناشر: نشر دانشگاه فلوریدا، ۱۹۹۷م

Iranian Perspectives on the Iran-Iraq War
Edited by Fahang Rajaiee
Publisher University Press of Florida

این اثر، مجموعه مقالات پژوهشگران و کارشناسان سیاسی تحصیل‌کرده غرب است که بعدها (حداقل

«جنگ ادامه سیاست به طریق دیگر است»، این پرسش را مطرح می‌کند که عراق با حمله متجاوزانه و سلطه‌جویانه خود به خاک ایران قصد داشت چه سیاستی را پیش ببرد؟ بخش اول این کتاب به دلایل بروز جنگ، ادامه و دلایل به

پایان رسیدن آن می‌پردازد و به تفصیل صدماتی را که عراق نه تنها به ایران بلکه به کشور خود و همسایگان و متحدانش وارد آورده، شرح می‌دهد. استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی و صدماتی که به میراث فرهنگی دو کشور وارد شده نیز در این بخش آمده. بخش دوم به تاثیر جنگ بر منطقه و بررسی دیدگاه و واکنش مجامع بین‌المللی اختصاص دارد و بخش سوم به تاثیر آن در قوانین بین‌المللی و مفهوم آن از نظر تاریخی می‌پردازد.

■ درگیری ابرقدرت‌ها در جنگ ایران و عراق

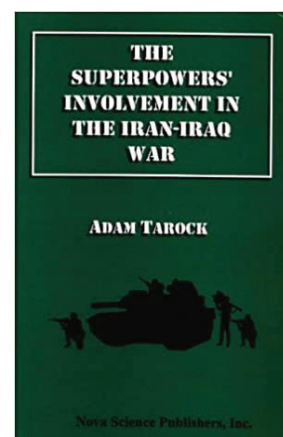
نویسنده: آدام تاروک

ناشر: نووا بایومدیکال، ۱۹۹۸م

The Superpowers Involvement in the Iran -
Iraq War
By Adam Tarock

Publisher: Nova Biomedical

این کتاب نقش کشورهای ابرقدرت در جنگ ایران و عراق را شرح می‌دهد و بیان می‌کند که چگونه این کشورها به‌ویژه آمریکا، آتش جنگ را برافروختند و در بعضی موارد حتی صدام حسین را در سیاست‌های تجاوزگرانه و تهاجمی‌اش ترغیب می‌کردند. نویسنده در کتاب توضیح می‌دهد که



آن نبودند، شور انقلابی مردم ایران بود که آن‌ها را وادار کرد در برابر حمله عراق مقاومت کنند. به همین دلیل تنها یک ماه پس از آغاز جنگ، آن را یک جنگ فرسایشی به بن‌بست رسیده خواندند.»



کتاب «بررسی جنگ ایران و عراق: دیدگاه اساتید دانشگاه‌های ایران» در سال ۱۳۸۹، با ترجمه مرضیه روشن‌علی در قطع رقعی و ۲۸۰ صفحه و با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و بهای ۳۰ هزار ریال، به همت نشر مرز و بوم چاپ شده است.

ایالات متحده و ایران:

تحریم‌ها، جنگ‌ها و سیاست مهار دوگانه

نویسنده: ساسان فیاض‌منش

ناشر: انتشارات روتلج، ۲۰۰۸م

The United States and Iran: Sanctions Wars and the Policy of Dual Containment (Routledge Studies in

(Middle Eastern Politics

Sasan Fayazmanesh By

Publisher: Routledge

ساسان فیاض‌منش استاد اقتصاد و سرپرست مطالعات خاورمیانه در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در فرزنو است. کتاب «آمریکا و ایران: تحریم‌ها، جنگ و سیاست مهار دوگانه» نوشته او است که انتشارات روتلج آن را در سال ۲۰۰۸م چاپ کرده است. در بخشی از این کتاب درباره دلایل آغاز جنگ ایران و عراق آمده است: «آمریکا به دنبال سرنگونی حکومت ایران بود و به همین دلیل صدام را تحریک کرد... بختیار و اویسی نقش مهمی در تقویت نیروهای عراقی برای حمله به ایران ایفا کردند... جنگ ایران و عراق به چشم امریکایی‌ها یک فرصت بود تا موجب شود مقامات ایرانی گروگان‌ها را با لوازم یدکی

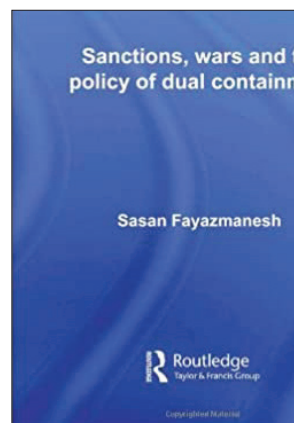
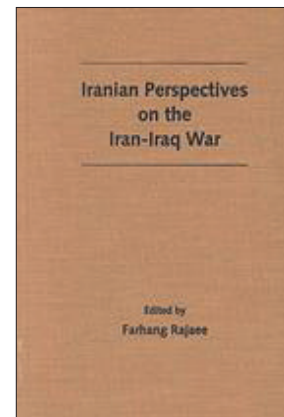
در زمان تدوین و نشر این مقالات) در ایران اقامت گزیدند و بعضی از آنها حتی در جنگ شرکت داشتند. این کتاب مجموعه نادری است از دیدگاه پژوهشگران ایرانی که به بررسی نتیجه نامطلوب جنگ، هزینه‌ها

و تاثیر آن روی هر دو کشور و همین‌طور عواقب آن از جمله حمله عراق به کویت، می‌پردازد.

این کتاب را با عنوان «Iranian Perspectives on the Iran-Iraq War»، به کوشش فرهنگ رجایی انتشارات دانشگاه فلوریدا، در سال ۱۹۹۷م منتشر کرده است.

«قدرت‌های منطقه‌ای و جنگ: عدم بی‌طرفی» نوشته سعیده لطفیان، «لغو قرارداد ۱۹۷۵م از طرف عراق: واقعیت‌ها و ادعاها» به قلم جلیل روشندل، «موضوعات ملی، قومی و طایفه‌ای در جنگ» اثر نگین یاوری و «تجاوز مداوم؛ تصمیم عراق برای تجاوز به کویت» نوشته داریوش اخوان زنجانی، نمونه‌ای از مقالات مندرج در این کتاب‌اند.

در قسمتی از مقاله «آمریکا و جنگ: سیاست تحدید نفوذ و دشمنی» نوشته رضا رییس طوسی درباره دلایل شروع جنگ آمده است: «صدام معتقد بود با به دست آوردن نقش پلیس خلیج فارس، یعنی نقشی که از زمان عقب‌نشینی انگلیسی‌ها، ایران آن را برعهده داشت، می‌تواند رهبری جهان عرب را به دست گیرد... به نظر می‌رسد آخرین اقدام عراق در این خصوص نیز حمله به ایران بود، به این امید که بتواند به سرعت انقلاب نوپا را نابود کند ... آن‌چه تحلیل‌گران نظامی غرب قادر به پیش‌بینی



جنگ ایران و عراق

نویسنده: پیر رازو (فرانسوی)

ترجمه: فرهاد طباطبایی

نشر: چپکش، ۲۰۱۶م

La Guerre Iran-Irak

by Razoux Pierre

Published November 3rd 2015 by Belknap

Presss

کتابی به نام «جنگ ایران و عراق» به قلم پی‌یر رازو نویسنده و پژوهشگر فرانسوی که به بازار آمده است.

کتاب بر مبنای مصاحبه

با افسران عراقی و

گاهی مقامات ایرانی،

دولتمردان غربی و از

همه مهم‌تر اسنادی

نوشته شده است که با

سقوط حکومت بعثی

درعراق در آرشیو وزارت

دفاع آمریکا نگهداری

می‌شود. بسیاری از این

اسناد به صورت صوتی یا تصویری است؛ چرا که تقریباً

همهٔ اماکن دولتی عراق همواره زیر شنود بود.

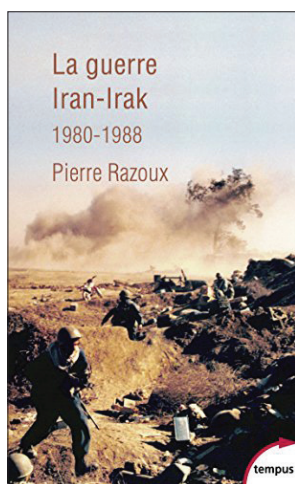
کتاب تلاش می‌کند به چرایی وقوع این جنگ، به درازا

کشیدن آن که تبدیل به طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم

نمود، برندگان و بازندگان اصلی آن و پرسش‌هایی مانند

آن بپردازد. کتاب آمار دقیقی از استعداد ارتش دو کشور

و تلفات مالی و جانی هم ارائه می‌دهد.



جنگ صدام

دیدگاه فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق

نویسندگان: کوین وودز و همکاران

مترجم: داود علمایی کوپایی

ناشر: مرز و بوم، چاپ اول ۱۳۹۱

Saddam s war

Kevin M. WOODS

نظامی عوض کنند... سیاست مهار دوجانبه ایران و عراق را دولت کارتر آغاز کرد و طراحش شخص برژینسکی بود... عربستان سعودی ناظری معصوم و بی‌طرف در جنگ نبود، شریکی فعال بود...»

جنگ ایران و عراق

مولف: عبدالحلیم ابوغزاله

مترجم: نادر نوروزشاد

ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۹۰

اسم کتاب: الحرب العراقية الإيرانية

اسم المؤلف: المشير عبدالحلیم ابوغزاله

التصنيف: علوم سياسية وعسكرية

کتاب جنگ عراق و ایران نوشته ابوغزاله (وزیر دفاع

اسبق مصر) از جهاتی

متفاوت اهمیت دارد.

اگرچه مصر در این جنگ

به‌طور علنی در سمت عراق

قرار گرفت و نیروی نظامی

در اختیار ارتش عراق قرار

داد، اما موضع نویسنده

این کتاب بیشتر موضع یک



نظامی حرفه‌ای است و او تحلیل‌های خود را با توجه به

دسترس‌های منحصر به فردی که به گزارش‌های محرمانه

داشته عرضه کرده است. البته روشن است که نویسنده

تمایل بیشتری به سمت عراق داشته، اما متن نوشته به

شکلی است که نشان می‌دهد نویسنده تا حدودی تلاش

کرده تا این تمایل قلبی خود را مهار و پنهان کند، اما برای

یک خواننده ایرانی شاید با وجود این ملاحظه نکات

جالب و نقطه نظرهای جالبی نسبت به جنگ هشت

ساله وجود داشته باشد. نویسنده تلاش کرده است تا

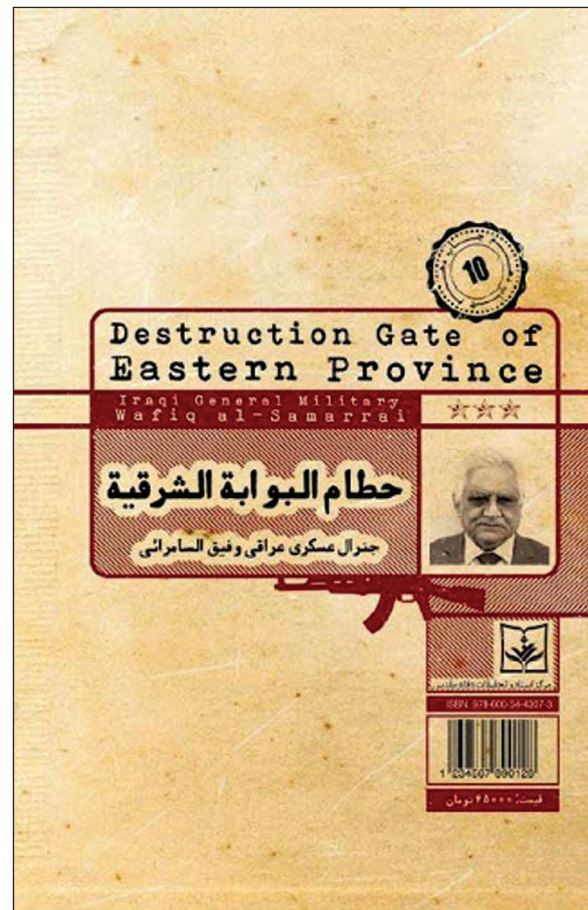
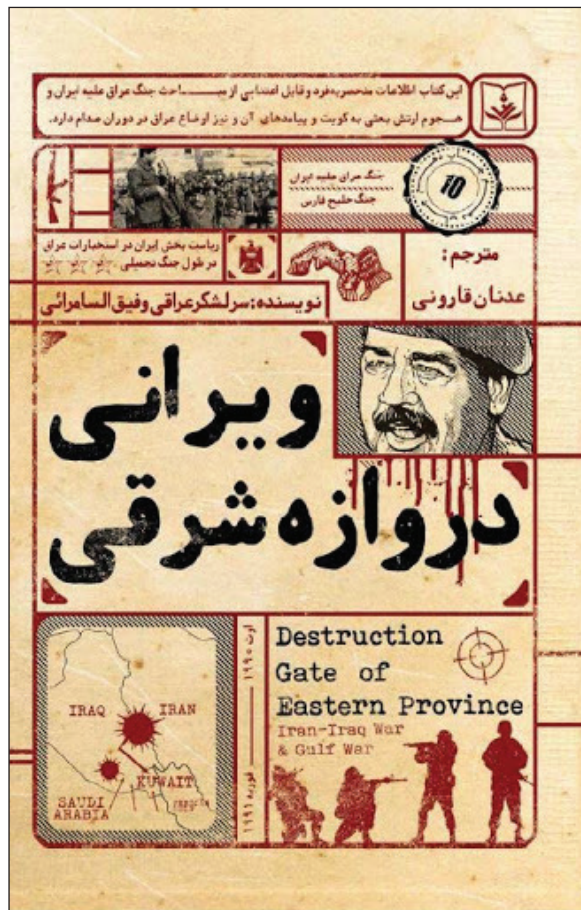
اشکالات اقدامات نظامی دو سمت درگیری را به صراحت

یادآوری کند و گهگاه نشان دهد که تحولات بین‌الملل

چگونه بر مسیر این جنگ تاثیر داشته است. نویسنده

کتاب در چند بخش ابتدایی کتاب به ریشه‌های اختلاف

دو کشور و دلایل شروع جنگ پرداخته است.



تجربه چندین جنگ را از سر گذرانده باشد. کتاب «جنگ صدام» حاصل شانزده جلسه مصاحبه با ژنرال راعد مجید حمدانی است. وی یک نظامی عراقی است که از جنگ عراق با اسرائیل در ارتش عراق بوده و نهایتاً با فروپاشی حکومت صدام در حمله دوم آمریکا به اردن پناه می‌برد. وی سابقاً خاطرات خود را در کتابی با عنوان before the history left us منتشر کرد. همین امر انگیزه‌ای شد تا کارشناسان موسسه مطالعات دفاعی آمریکا که وابسته به دانشگاه عالی جنگ آمریکاست، به سراغ وی بروند و این مصاحبه‌ها را تنظیم کنند. در مصاحبه شاید اهمیت مصاحبه‌کننده کمتر از مصاحبه‌شونده نباشد؛ زیرا این سوال‌کننده است که با سوالات مناسب می‌تواند مصاحبه‌شونده را به بیان خوب مطالب سوق دهد. در این کتاب هم می‌توان موفقیت مصاحبه‌کننده‌ها در استخراج اطلاعات از ژنرال حمدانی را متوجه شد.

WILLIAMSON MURRAY

THOMAS HOLADAY

PUBLISHER: Institute for National Strategic Studies / INSS

National Defense University

Washington, D.C., 2009

برای کسانی که

همواره روایت یک

سویه‌ای از جنگ را

شنیده‌اند، شنیدن

روایت طرف مقابل

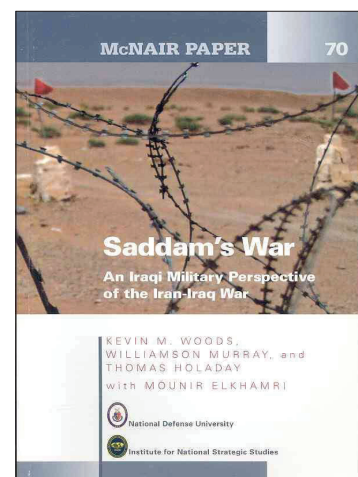
باید بسیار جذاب

و آموزنده باشد؛

خصوصاً اگر راوی

عراقی یک نظامی

حرفه‌ای باشد و



■ ویرانی دروازه شرقی

نویسنده: سرلشکر عراقی و فیک سامرای

مترجم: عدنان قارونی

ناشر: مرکز اسناد دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)

مؤلف، این کتاب را در سال ۱۹۹۷ میلادی (۱۳۷۶ شمسی) به زبان عربی تدوین و مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز این اثر را در سال ۱۳۷۷ ترجمه و منتشر کرد و سه سال بعد، به چاپ دوم رساند.

نویسنده، پس از بازگویی زندگی نامه‌اش در کتاب «ویرانی دروازه شرقی»، مطالب خود را در ۵ بخش؛ «جنگ‌های عراق با ایران»، «بعد از جنگ با ایران»، «اشغال کویت و جنگ عراق و متحدین»، «صدام و امنیت او در عراق» و «حرکت‌های مردمی و مخالفان علیه صدام» تنظیم کرده است.

آشنایی با حزب بعث، تبیین علل وقوع جنگ عراق و ایران، وضعیت نیروهای دو طرف، استفاده از سلاح‌های شیمیایی در برابر نیروهای ایرانی، تحلیل عملیات‌های ایران در صحنه نبرد، کمک‌های خارجی به عراق در طول جنگ، ساختار حکومتی عراق، روند برکناری‌ها و اعدام‌ها در عراق، نارضایتی مردم، اهداف عراق بعد از جنگ با ایران و تشریح جنگ کویت و عراق، از جمله مباحث مطرح‌شده در کتاب حاضرند. و فیک السامرای، در طول جنگ تحمیلی و در دستگاه اطلاعات نظامی ارتش صدام، به درجه سرلشکری و ریاست بخش ایران در استخبارات عراق، رسید. اما در روزهای پایانی سال ۱۹۹۴م از عراق فرار کرد.

مقالات



قدرت ملی ایران و عراق در جنگ تحمیلی با تاکید بر قدرت نظامی و اقتصادی

سید هادی زرقانی

چکیده

اصلی «بومی بودن» به‌ویژه در عرصه‌های موشکی، ناو و زیردریایی و پهپاد و ... موجب برتری ایران شده است. همچنین در مجموع متغیرهای مولفه اقتصادی، ایران به‌جز در دو سال (۱۹۸۰ و ۱۹۸۷)، در سال‌های دیگر در رتبه و جایگاه بالاتری قرار داشته است. در نهایت این‌که مقایسه امتیاز و رتبه ایران و عراق در سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ با سال‌های دفاع مقدس نشان از برتری ایران در شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی دارد.

واژگان کلیدی

قدرت ملی، سنجش، ایران، عراق، دفاع مقدس

۱) مقدمه و بیان مساله

توانایی تحصیل هدف از قِبل دیگران در روابط بین‌الملل، قدرت نامیده می‌شود که هسته اصلی مباحث سیاسی، داخل و خارجی را تشکیل می‌دهد. (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶۹) اهمیت قدرت و حضور آن در جهان سیاست، به اندازه‌ای است که عده‌ای مانند «ولفرز» آن را به «نقش پول» در روابط اقتصادی تشبیه می‌کنند و معتقدند قدرت همان کاری را در سیاست بین‌الملل می‌کند که پول در اقتصاد جهانی انجام می‌دهد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۰) گروهی دیگر قدرت را در حکم «خورشید» در

قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند که برآیند توانایی‌ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود. در طی دهه‌های گذشته پژوهش‌های مختلفی در مورد ماهیت، ابعاد و کارکردها، مبانی و سرچشمه‌ها و در نهایت محاسبه و سنجش قدرت ملی کشورها صورت گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به کتب و منابع معتبر، خصوصاً گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، به دنبال پاسخ به این سوال است که قدرت ملی ایران و عراق در طی سال‌های دفاع مقدس، به‌ویژه در عرصه قدرت نظامی و اقتصادی، در چه وضعیتی قرار داشته است. الگوی ارزیابی قدرت ملی دو کشور ایران و عراق در این پژوهش، الگوی جامع سنجش قدرت ملی مبتنی بر ۹ مولفه اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی... است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایران نسبت به عراق، در متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی ابتدا در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در جایگاه بالاتری قرار داشته است و در طی دوران جنگ و به‌خصوص در سال‌های پایانی جنگ این برتری به نفع عراق تغییر یافته است، اما در سال‌های اخیر شاخص‌های قدرت نظامی ایران با مزیت

و دارای اعتبار جهانی صورت گرفته است. مدل ارزیابی قدرت ملی دو کشور ایران و عراق که در این پژوهش استفاده شده است، مدل نسبتاً جامع سنجش قدرت ملی است که در قالب رساله دکترای نگارنده طراحی شده است. این مدل مبتنی بر ۹ مولفه اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی، فرامرزی و سرزمینی است و هر کدام از مولفه‌ها نیز دارای چندین شاخص و متغیرند. این متغیرها به شیوه‌های مختلفی از جمله «روش سهم درصدی یا نسبت درصدی، روش شاخص‌سازی، روش قراردادی و روش استفاده از امتیاز خود شاخص‌ها» به امتیاز تبدیل شده است و بر اساس آن قدرت ملی ایران و عراق در دو مولفه نظامی و اقتصادی در سال‌های دفاع مقدس و سال‌های اخیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۳-۱) مبانی نظری

۳-۱) مفهوم و تعریف قدرت:

مفهوم قدرت هنوز یکی از بحث‌انگیزترین مفاهیم در حوزه جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و سایر رشته‌های مرتبط با مبحث قدرت است؛ به نحوی که در مورد مفهوم و تعریف قدرت دیدگاه‌های گوناگون و نظرات متعددی وجود دارد؛ گاهی آن را طوری به کار می‌برند که گویی ریشه در روان‌شناسی دارد و گاهی آن را مشخصه‌ای در قلمروهای سیاسی، اقتصادی و نظامی محسوب می‌کنند. (Tellis, 2000: 12) برای نمونه، از دیدگاه صاحب‌نظرانی چون «برتراند راسل»، قدرت در علوم اجتماعی همان مفهوم انرژی در علم فیزیک را تداعی می‌کند. این گروه از اندیشمندان معتقدند که قدرت مانند انرژی اشکال گوناگون، همچون ثروت، سلاح، نفوذ معنوی، مقام و اقتدار ناشی از شکل و موقعیت اجتماعی وغیره دارد. (گالبرایت، ۱۳۶۶: ۲۱) برخی نیز معتقدند قدرت در روابط انسانی به‌طور کلی به‌مثابه پدیده‌ای ناشی از روابط فهمیده می‌شود، نه چیزی که کسی دارد. (نبوی، ۱۳۷۹: ۹) تعبیر «جوزف

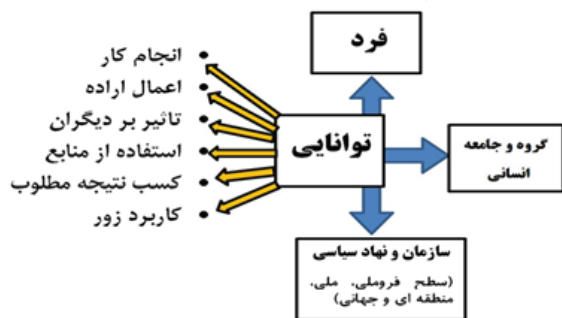
منظومه شمسی می‌دانند و اظهار عقیده می‌کنند که تمام جلوه‌ها و جنبه‌های سیاست خارجی و روابط بین‌المللی کشورها، بر محور قدرت دور می‌زند؛ زیرا کشورها دائماً در تلاش برای کسب قدرتند و قدرت برای بقا و حفظ موجودیت آنها ضروری است. به عبارت دقیق‌تر، هم‌چنان که «مورگنتا» تاکید می‌کند، کشورها به‌طور دائم برای کسب قدرت، حفظ قدرت و یا نمایش قدرت در حال مبارزه هستند. (عالم، ۱۳۷۶: ۸۸)

قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، به مجموعه توانایی‌های مادی و معنوی گفته می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. اندیشمندان در طی دهه‌های گذشته، در مورد ماهیت و تعریف قدرت ملی، منابع، مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی و به‌ویژه محاسبه و سنجش قدرت ملی، مطالب و نظریات مختلفی مطرح کرده‌اند. مجموعه این تلاش‌ها به تولید نظریه‌ها، مدل‌ها و الگوهایی منتج شده است که در آن، ضمن بررسی و طرح مهم‌ترین منابع مادی و معنوی قدرت ملی کشورها، الگوهای تک‌متغیره و چند متغیره‌ای برای سنجش قدرت ملی کشورها ارائه شده است. در قالب این مدل‌ها قدرت ملی کشورها و ابعاد مختلف آن بررسی شده و به صورت مقایسه‌ای مورد محاسبه قرار گرفته است؛ موضوعی که این پژوهش به دنبال بررسی آن در مورد دو کشور ایران و عراق است.

۲) روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. سوال اصلی پژوهش این است که در طی دوران دفاع مقدس قدرت ملی ایران و عراق در ابعاد مختلف، به‌ویژه در دو بُعد نظامی و اقتصادی در چه وضعیتی بوده است؟ گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر و خصوصاً گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی

نمودار ۱: مفهوم قدرت در غالب نظریه ها (منبع: زرقانی، ۱۳۹۸: ۶).



روش دیگران به وجهی که مطابق مقاصد خاص صاحب قدرت باشد تعبیر کرده است. (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۱۴۸) مروری بر تعاریف و تعبیر متفاوت اندیشمندان در مورد مفهوم قدرت نشان می‌دهد همچنان که «دال» گفته است؛ نمی‌توان به یک توافق جامع و برداشت مشترک در مورد این واژه مهم و پرکاربرد دست یافت. به اعتقاد وی «واقعیت نخستین و مهمی که باید درباره قدرت دانست این است که نه در زبان روزمره و نه در علم سیاست توافقی درباره دانش‌واژه‌ها و تعریف‌های قدرت وجود ندارد». (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۲) اگر قدرت را به مفهوم توانایی انجام دادن کار یا اعمال اراده در نظر بگیریم مصادیق آن را می‌توان از پایین‌ترین سطح اجتماع یعنی فرد تا یک جامعه منسجم سازمان‌یافته مانند ملت در نظر گرفت، اما قدرت در عالم سیاست بیشترین مصداق، کاربرد و اهمیت را دارد. (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۲۵)

۳-۲) ماهیت و تعریف قدرت ملی:

با این‌که مفهوم قدرت ملی، متمایز از قدرت به معنای عام است و صفت ملی باعث شکل‌گیری مبانی متفاوتی برای آن شده است، اما به هر حال قدرت ملی را نمی‌توان و نباید کاملاً متمایز از قدرت به معنای عام تلقی کرد. در واقع، قدرت ملی، هم متأثر از معنای عام این مفهوم است و هم باعث شکل‌گیری مبانی نظری و مفهومی جدیدی شده است که بدون درک و شناخت جامع و دقیق آنها نمی‌توان مدعی شد شناخت کاملی از این پدیده وجود دارد. (خلیلی و مرادیان، ۱۳۹۷: ۴۴) قدرت، وقتی

نای» نیز در مورد مفهوم قدرت قابل تأمل است. به گفته «نای» قدرت مشابه عشق است، از این حیث که تجربه آن از تعریف یا سنجش آن ساده‌تر است. به اعتقاد او، قدرت در سیاست بین‌الملل، مشابه آب و هوا است که همه در مورد آن حرف می‌زنند، اما تعداد معدودی آن را درک و فهم می‌کنند. همان‌طور که درک و پیش‌بینی تحولات جوّی برای گروه‌هایی چون کارشناسان هواشناسی و کشاورزان اهمیت ویژه‌ای دارد، درک و فهم تحولات قدرت نیز برای گروه‌هایی چون تحلیل‌گران امور سیاسی و سیاستمداران مهم‌تر است. (نای، ۱۳۹۳: ۱۶) در واقع قدرت جوهر سیاست است، زیرا به سیاستمدار و رهبر سیاسی توانایی تولید نتایج مورد نظرش را می‌دهد. تنوع گسترده مصادیق و کاربردهای قدرت در سطوح مختلف موجب شده است که اندیشمندان، با توجه به ماهیت، کارکرد، ابعاد و ویژگی‌های قدرت تعاریف متفاوتی از آن داشته باشند.

«تیلور» از جغرافی‌دانان سیاسی، قدرت را توانایی کسب پیروزی در یک منازعه، چه به صورت کاربرد آشکار زور و یا تهدید به زور و چه به صورت پنهانی و از طریق خودداری از تصمیم‌گیری و یا مزیت‌های ساختاری می‌داند. (Tylor & Flint, ۲۰۰۳: ۳۷۴) «مورگنتا» معتقد است قدرت توانایی انسان بر اذهان و اعمال دیگران است. (عالم، ۱۳۹۰: ۸۹) «گلاسنر» دیگر جغرافی‌دان سیاسی، قدرت را مجموعه عواملی می‌داند که یک بازیگر را قادر می‌سازد تا رفتار بازیگران دیگر (حکومت‌ها، ملت‌ها، کشورها و سایر گروه‌ها) را تحت نفوذ خود قرار دهد. (Glassner, ۲۰۰۴: ۲۱۶) «بشیریه» قدرت را مجموعه منابع و ابزارهای اجبارآمیز و غیر اجبارآمیزی می‌داند که حکومت‌ها برای انجام کارویژه‌های خود از آن بهره‌مندند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۳) «جابلینسکی» قدرت را معادل استطاعت، توانایی یا قابلیت می‌داند که به دارنده آن قوه تأثیرگذاری بر رفتار سایر بازیگران را در جهت اهدافش می‌بخشد. (Jablonsky, ۱۹۹۷: ۳۴) «ارگانسکی» قدرت را توانایی نفوذ و تأثیر در راه و

جدول ۱: سطوح و ابعاد قدرت کشورها و نوع راهبرد آنها
(منبع: سیف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

نوع قدرت	توان قدرت تغییر در نظام	دسترسی قدرت نظامی اقتصادی تکنولوژیک فرهنگی	ابعاد قدرت نظامی اقتصادی تکنولوژیک فرهنگی	ماهیت نفوذ قدرت ایجابی-سلبی اندایی	استراتژی بلند مدت مناسب	تعامل محدورات و مقدورات
۱- ابر قدرت	مطلق	جهانی	متنوع	متنوع	حفظ وضع موجود	مقدورات زیاد - محدورات کم
۲- قدرت بزرگ	نسبی	جهانی	متنوع	متنوع	حفظ وضع موجود	مقدورات زیاد - محدورات کم
۳- قدرت متوسط	نسبی	منطقه‌ای	متنوع	متنوع	تغییر وضع موجود	مقدورات متوسط و محدود
۴- قدرت کوچک	نسبی	داخلی	متنوع	متنوع	تغییر وضع موجود	مقدورات کم - محدود
۵- ریز قدرت	نسبی	داخلی یا کم دیگران	متنوع	متنوع	تغییر وضع موجود	زیاد - محدورات کم - فاقد

و وضعیت‌ها به منظور تاثیرگذاری بر دیگران ملاک قرار می‌گیرد. در واقع «توان استفاده از منابع» مطرح است و برای نمونه، دولت قدرتمند به دولتی گفته می‌شود که بتواند از منابع موجود خود به بهترین نحو برای رسیدن به اهدافش استفاده کند. در نهایت گاهی قدرت به مفهوم «نتایج» به کار می‌رود. در این رویکرد، ادعای قدرت به‌طور ساده در این امر نهفته است که آیا شخص یا دولت قدرتمند توانسته است موجود مورد نظر را به عمل کردن به نحو مطلوب وادارد یا خیر؟ (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

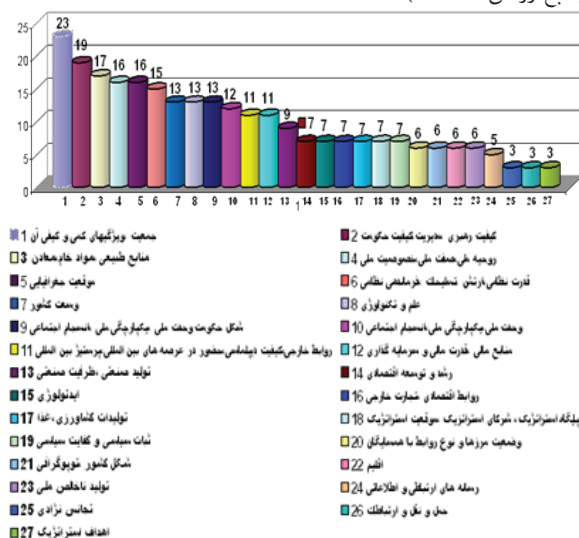
اندیشمندان هم غالباً در این رویکردهای سه‌گانه تعاریف قدرت ملی را مطرح کرده‌اند؛ چنان‌که «کالینز» قدرت ملی را با رویکرد «قدرت به مفهوم منابع» تعریف کرده است و آن را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور می‌داند. (کالینز، ۱۳۸۴: ۲۴) «تهامی» نیز همین برداشت از قدرت ملی را دارد و آن را مجموعه توانایی‌ها و قابلیت‌های یک کشور برای نفوذ در رفتار سایر کشورها، در جهت نیل به منافع ملی آن کشور بر می‌شمارد. (تهامی، ۱۳۷۴: ۴۶) «هانگ شوفن»، دانشمند مشهور چینی نیز تا حدی همین نگرش را داشته است و در کتاب خود با عنوان «قدرت ملی جامع»، قدرت ملی را قدرت کامل و نفوذ بین‌المللی یک ملت، هم در عرصه قدرت مادی و هم معنوی می‌داند که ملت از آن برای بقا و توسعه استفاده می‌کند. (Suofeng, 1992: 102)

در مقابل «حافظ‌نیا» در تعریف خود از قدرت ملی،

در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود و برآیندی از توانایی‌های مادی و معنوی آن ملت به‌شمار آید، جنبه‌ای ملی پیدا می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل داده‌اند که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند، قدرتی دارند که از برآیند قوای ترکیب‌شده آنها به دست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور است که با برخورداری از پویایی، نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. (احمدی، ۱۳۹۶: ۸۹) در این چارچوب، قدرت ملی در مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند که برآیند توانایی‌ها و مقدورات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۳۷۸) به تعبیر دیگر، «قدرت ملی» اساساً به مجموعه توانایی‌های مادی و معنوی در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت، گفته می‌شود. (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۷۰)

با توجه به رویکرد سه‌گانه به مفهوم قدرت، اندیشمندان هم در این قالب تعاریف مختلفی از قدرت ملی مطرح کرده‌اند. برای قدرت، حداقل سه مفهوم مختلف وجود دارد؛ اول قدرت به مفهوم «منابع»، دوم قدرت به مفهوم «راهکارها و توان استفاده از منابع» و سوم قدرت به مفهوم «نتایج». (Tellis, 2000: 15) بر این اساس، گاهی قدرت مترادف با «منابع» تعریف و تفسیر می‌شود. قدرت وقتی به عنوان منبع درک شود، اساساً به مجموع توان‌مندی‌های هر موجودیت برای نفوذ به دیگران گفته می‌شود. تعداد زیادی از دانشگاهیان، برای این منابع و توان‌مندی‌ها مقیاس‌هایی مانند منابع طبیعی، جمعیت، نیروهای مسلح و تولید ناخالص ملی را در مقایسه با سایر کشورها در نظر گرفته‌اند. در رویکرد دوم به جای تاکید بر توان‌مندی‌ها و منابع مشهود و غیر مشهود آن، قدرت نوعی «راهکار» دانسته می‌شود؛ یعنی تلاش موجودیت برای استفاده از فرایندها، روابط

نمودار ۲: مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی در نظرات اندیشمندان مختلف (منبع: زرقانی، ۱۳۸۹: ۲۵).



«مجتهدزاده»، «سیف‌زاده»، «کاظمی»، «روشندل»، «قوام» و... در قالب نمودار ۲ به تصویر کشیده شده‌است.

هم‌چنان‌که در نمودار مشخص است، در مورد بسیاری از عوامل موثر بر قدرت ملی در بین صاحب نظران اشتراک نظر وجود دارد و در واقع این عوامل در الگوهای مختلف تکرار شده‌اند. از طرفی تقریباً در تمامی الگوهای مذکور، در کنار عوامل و متغیرهای کمی، عواملی نیز ذکر شده است که کیفی محسوب می‌شوند و قابل اندازه‌گیری نیستند و یا حداقل برای بسیاری از آنها هنوز شاخص خاصی تعریف نشده است که از جمله می‌توان به یکپارچگی و انسجام ملی، خرد رهبری یا کیفیت فرماندهی، کیفیت حکومت، اراده ملی، ایدئولوژی و اعتقادات، روحیه و اخلاق ملی و... اشاره کرد. مهم‌ترین عوامل موثر بر قدرت ملی بر اساس نظریه‌های مذکور، شامل: الف) جمعیت، ویژگی‌های کمی و کیفی آن، ب) کیفیت رهبری، مدیریت، کیفیت حکومت و ج) منابع طبیعی، مواد خام، معادن است و در مقابل تجانس نژادی، حمل و نقل-ارتباطات و اهداف استراتژیک، دارای کمترین درصد فراوانی بوده‌اند. (زرقانی، ۱۳۸۹: ۲۷)

بر نگرش به قدرت به مفهوم راهکار و توان استفاده از منابع تاکید کرده‌است و قدرت ملی را توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور، برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود، با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی می‌داند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۸) «تلیس» و همکاران نیز در تعریف خود از قدرت ملی، بر رویکرد توان استفاده از منابع تاکید داشته‌اند. (تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۶) بر مبنای میزان قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کشورها، می‌توان آن‌ها را به چند سطح؛ شامل ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت متوسط، قدرت کوچک و ریزقدرت تقسیم کرد. هم‌چنان‌که در جدول ۱ مشخص است، اساساً راهبرد و رفتار کشورها برگرفته از میزان و سطح قدرت آنها در سطح ملی تا جهانی است.

۳-۳) منابع و سرچشمه‌های قدرت ملی:

قدرت ملی منشاءها و مبادی گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت می‌پردازند. عوامل اصلی شکل‌دهنده به قدرت ملی کشورها، در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، علمی و... قرار دارند. برخی از عوامل قدرت نقش اساسی و مبنایی دارند و برخی به‌طور ثانوی مطرح می‌شوند. متغیرهای هر یک از عوامل مزبور نیز ممکن است جنبه کمی و یا کیفی داشته باشند. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۶۰) از آنجا که موضوع قدرت ملی مورد توجه و نظر جغرافی‌دانان، متخصصان ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، متخصصان علوم سیاسی و روابط بین الملل، استراتژیست‌ها و سیاستمداران و حتی نظامیان بوده است، هر یک از آنها سعی کرده‌اند فهرست عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی را ارائه دهند. (روشندل، ۱۳۹۵: ۷۰) بر این اساس هر کدام از اندیشمندان چند عامل را به عنوان مهم‌ترین منابع و سرچشمه‌های قدرت ملی در نظر گرفته‌اند که برآیند نظر حدود ۳۰ صاحب‌نظر داخلی و خارجی از جمله «گلاستر»، «جابلینسکی»، «مویر»، «گیدو فیشر»، «ارگانسکی»، «مورگنتا»، «سوئل کوهن»، «حافظ‌نیا»،

جدول ۲: رویکرد تک متغیره به سنجش قدرت ملی (منبع: زرقانی، ۱۳۹۸: ۳۰۰).

ردیف	طراح مدل	نوع شاخص	نام شاخص
۱	کینزلی دیویس	اقتصادی	درآمد ملی
۲	چارلز هیش و رونالد مک کین	اقتصادی	تولید ناخالص ملی
۳	بروس راست و اسکار مورگسترن	اقتصادی	کل مصرف سوخت و انرژی
۴	جوشا گلد اشتاین	اقتصادی	تولید ناخالص ملی
۵	ارگانسکی	اقتصادی	تولید ناخالص ملی
۶	آی نیس کلاد و کارل دیوش	نظامی	نیروی نظامی
۷	نورمن آلکوک و آلن نیو کمب	نظامی	هزینه نظامی و نیروی نظامی
۸	جورج مدلسکی و ویلیام تامپسون	نظامی	اندازه نیروی دریایی

در جغرافیای سیاسی می‌دانند. (Taylor, 1991: 29).

با وجود دیدگاه‌های متنوع و گاهی متناقض فوق‌الذکر، شگفت‌آور است اگر بدانیم که بیشترین نظریه‌پردازان در حوزه جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل و رشته‌های مشابه به طرح روش‌ها یا سایر ابزارهای محاسبه توانایی‌های ملی پرداخته‌اند. (Tellis, & Others, 2000: 25) مجموعه تلاش‌ها و اقداماتی که به نوعی به بیان منابع و عناصر یا سنجش و ارزیابی قدرت ملی پرداخته‌اند، در قالب سه دسته قابل طرح است: گروهی از صاحب‌نظران فقط به معرفی عوامل موثر بر قدرت ملی در قالب عناصر متشکله قدرت ملی پرداخته‌اند و تعدادی متغیر را مهم‌ترین عوامل موثر بر قدرت ملی کشورها معرفی کرده‌اند که در بخش قبل به‌طور خلاصه به آن اشاره شد. گروه دوم ضمن ارائه یک مدل مفهومی، سعی در اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها بر مبنای امتیازات کسب‌شده در مورد متغیرهای مفروض خود کرده‌اند و سرانجام، گروه سوم ضمن انتخاب برخی عوامل و متغیرها، با طرح یک مدل ریاضی و تعیین نوع رابطه و ترکیب بین متغیرهای مفروض، به سنجش قدرت ملی کشورها پرداخته‌اند. (زرقانی، ۱۳۹۲: ۱۱)

در ادامه مطلب نگرش‌های متفاوت در مورد محاسبه قدرت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۴-۱) رویکردهای تک‌متغیره و چندمتغیره محاسبه قدرت ملی:

به‌طور کلی دو رویکرد عمده در محاسبه قدرت ملی وجود دارد. اول رویکردهای تک‌متغیره محاسبه قدرت

۳-۴) سنجش و ارزیابی قدرت ملی:

محاسبه و اندازه‌گیری قدرت ملی و طرح فرمولی که با آن بتوان قدرت ملی کشورها را مورد سنجش قرار داد و جایگاه هر کشور را در نظام ژئوپلیتیک جهانی مشخص کرد، همواره یکی از دغدغه‌های فکری دانشمندان و صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی بوده است و البته نگرش‌های متفاوت و گاهی متناقض نسبت به این بحث نیز وجود داشته و دارد. (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) بدین ترتیب، برخی اندیشمندان مانند «پرسکات» طراحی مدلی برای سنجش قدرت ملی را یک عمل ناممکن و بیهوده می‌دانند. (پرسکات، ۱۳۵۲: ۵۲) «جوزف فرانکل» معتقد به ممکن‌نبودن اندازه‌گیری قدرت کشورها است و تصریح می‌کند که: «یکی از سفسطه‌هایی که مفهوم «قدرت» را در روابط بین‌الملل دچار ابهام می‌کند، این است که قدرت کاملاً قابل اندازه‌گیری و قابل سنجش است.» (فرانکل، ۱۳۷۱: ۴۴) «سیف‌زاده» معتقد است محاسبه توانایی‌های فیزیکی یک ملت به تنهایی نمی‌تواند مبین قدرت آن باشد و روانشناسی و اراده نیز بایستی به اندازه منابع و سخت‌افزارها به حساب آیند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۴۰) «ریچارد مویر» جغرافی‌دان سیاسی، تلاش‌ها برای محاسبه قدرت ملی را در خوش‌بینانه‌ترین حالت آن، بیانگر رویکردی پوزیتویستی می‌داند. (مویر، ۱۳۷۹: ۲۷۳) «جفری هارت» معتقد است: «با وجود امکان تجزیه و تحلیل عوامل کمی قدرت، مانند تولید ناخالص ملی، تعداد نیروهای نظامی در قالب اعداد و ارقام، عناصر کیفی قدرت، چون رهبری، ایدئولوژی و مشروعیت سیاسی به‌سادگی قابل سنجش و ارزیابی نیستند.» (Hart, ۱۹۷۶: ۳۰۰) «مطهرنیا» نیز معتقد است قدرت از جمله پدیده‌ها یا پدیدارهایی است که اندازه‌گیری آن به طریق مستقیم غیرممکن و به طریق غیرمستقیم بسیار مشکل است. (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۱۵۸) در مقابل، عده‌ای دیگر از اندیشمندان مانند «پیتر تیلور» دیگر جغرافی‌دان سیاسی، محاسبه قدرت را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و حل یک معضل مهم

جدول ۳: سنجش قدرت ملی و سطح‌بندی قدرت کشورها بر اساس مدل مویر

رده بندی	کشور	وسعت (به میلیون عابلی مربع)	جمعیت (میلیون نفر)	تولید ناخالص (میلیون دلار)	تعداد نیروهای سلاح	تعداد موشک های بالستیک ICBM
ابر قدرت	آمریکا	۳۰۲	۳۰۳	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۱۰ (در سال ۱۹۹۹)
نزدیک به ابر قدرت	روسیه	۸۰۵	۱۴۶	۱۳۳	۱۲۰ (تخمینی)	۱۳۰۰ (در سال ۱۹۹۹)
قدرت بزرگ	چین	۳۰۷	۱۳۰ (تخمینی)	۲	۲۵۰ (تخمینی)	۲۰ (در سال ۱۹۹۲)
قدرت متوسط	ژاپن	۰۰۱۴	۱۰۴	۸۲	۱۷	-
	انگلستان	۰۰۰۸	۵۴	۲۴	۱۵	۶۴
قدرت متوسط	سویا	۰۰۰۹	۸۰	۵	۰۰۱	-
	ترکیه	۰۰۰۳	۳۵	۱۳	۵۰	-
قدرت کوچک	جمهوری عالمیو	۰۰۰۰۲	۰۰۰۲	-	-	-
	آندورا	۰۰۰۰۱	۰۰۰۱	-	-	-

جدول ۴: متغیرهای ترکیبی و مفهومی سنجش قدرت ملی (منبع: زرقلانی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

مطرح مدل	تعداد متغیرهای به کار رفته در مدل	سال ارائه
کلاوس نور	۲۶ متغیر: در قالب سه عامل ظرفیت اقتصادی، صلاحیت اجرایی و انگیزه جنگیدن	۱۹۵۶
الکوک و نیوکمپ	۳ متغیر: تولید ناخالص داخلی، سرانه جمعیت و تراکم جمعیت	۱۹۷۰
دیوید سینگر	۶ متغیر: جمعیت، مصرف انرژی، تولید فولاد، هزینه و تعداد نیروهای نظامی	۱۹۷۲
ویند فریس	۶ متغیر: وسعت سرزمین، جمعیت، درآمد حکومت، هزینه های دفاعی، حجم تجارت بین المللی و اندازه نیروهای مسلح	۱۹۷۲
ریچارد مویر	۵ متغیر: وسعت، جمعیت، تولید فولاد، تعداد نفقات ارتش و تعداد موشک های قاره پیم	۱۹۷۵
سوتل کوهن	۱۰ متغیر: میزان پس انداز، تولید کشاورزی، تولید صنعتی، درصد صادرات، تحقیق و توسعه، تعداد دانشمندان، تعداد مهندسان، تعداد اختراعات	۱۹۹۱
تلیس و بلی	۲۵ متغیر: در سه دسته منابع، نیروی انسانی و ...	۲۰۰۰
اعظمی، حافظ نیا، احمدی پور، مجتهدزاده	۵۰ متغیر: در قالب هفت فاکتور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...	۲۰۰۴

رابطه و ترکیب متغیرها مشخص می‌شود. در نهایت بر اساس این الگوی ریاضی قدرت ملی کشورها مورد سنجش قرار می‌گیرد. برای نمونه می‌توان به الگوهایی که «کلیفورد جرمن» و «فوکس» طرح کرده‌اند، اشاره کرد. در نوع دوم یعنی الگوهای مفهومی، طراح الگو چندمتغیر را به عنوان مهم‌ترین عوامل موثر بر قدرت ملی کشورها انتخاب می‌کند و سپس قدرت کشورها بر اساس امتیازات کسب‌شده در آن گروه از متغیرها مورد سنجش قرار می‌گیرد. البته در این روش فرمول خاصی ارائه نمی‌شود که نشان‌دهنده نحوه ترکیب و نوع رابطه متغیرها باشد. برای نمونه می‌توان به مدل مفهومی ارائه‌شده «سینگر» اشاره کرد که با توجه به سهم جهانی هر کشور از متغیرهایی مانند تعداد جمعیت، تولید آهن و... به سنجش قدرت ملی کشورها پرداخته‌است. (زرقلانی، ۱۳۸۸: ۳۰۲) در حالی که الگوهای گوناگون را می‌توان بر حسب تعداد متغیرهای به کار رفته در آنها و چگونگی ارتباط داخلی آنها از همدیگر متمایز کرد، ولی آشکارترین ویژگی آنها تنوع آنهاست. یعنی هر الگو،

ملی که بر اساس یک متغیر یا شاخص واحد، قدرت ملی کشورها مورد محاسبه قرار گرفته است. دوم رویکردهای چندمتغیره (ترکیبی) محاسبه قدرت ملی، که چندین متغیر در داخل یک مدل مفهومی یا ریاضی قرار گرفته و سپس بر اساس آنها قدرت ملی مورد سنجش قرار گرفته است. در ادامه مطلب هر کدام از این رویکردها به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱-۱-۳) رویکردهای تک‌متغیره محاسبه قدرت ملی:

در ارزیابی و سنجش قدرت ملی، برخی اندیشمندان پس از بررسی عوامل مختلف بر روی یک عامل به عنوان ملاک و معیار اندازه‌گیری قدرت ملی تاکید کرده و به وسیله آن به ارزیابی قدرت ملی کشورها پرداخته‌اند. البته این عده متغیر انتخابی خود را نماینده قدرت ملی دانسته و سعی نکرده‌اند واثود کنند که متغیر انتخابی آنها در واقع، شاخص جامع قدرت ملی است و در بیشتر موارد، علت انتخاب آن متغیر، راحتی کار یا در دسترس بودن آسان داده‌های مربوط بوده‌است. (زرقلانی، ۱۳۹۸: ۲۹۹) به‌طور کلی رویکردهای تک‌متغیره سنجش قدرت ملی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول صاحب‌نظرانی که عوامل نظامی را مظهر قدرت ملی دانسته‌اند و گروه دوم افرادی که عوامل اقتصادی را مهم‌تر دانسته و آنها را معیار ارزیابی قدرت ملی کشورها برشمرده‌اند. جدول ۲، این دو نوع رویکرد را نشان می‌دهد:

۱-۲-۳) رویکردهای چندمتغیره و ترکیبی محاسبه قدرت ملی:

یکی دیگر از روش‌های محاسبه قدرت ملی، استفاده از چند متغیر و ترکیب آنها و طراحی یک الگوی چندمتغیره است. صاحب‌نظران، الگوهای ترکیبی (چندمتغیره) را به دو شکل متفاوت ریاضی و مفهومی طراحی کرده‌اند. در شکل اول یعنی سنجش قدرت ملی کشورها بر اساس یک الگوی ریاضی، ابتدا متغیرهای مورد نظر انتخاب می‌شود و سپس با طراحی یک الگوی ریاضی، نوع

نمودار ۳: فاکتورهای ۹ گانه موثر بر قدرت ملی (منبع: زرقانی، ۱۳۸۸: ۲۴۵).



نماینده میزان قدرت کشور بود. (پرسکات، ۱۳۵۳: ۵۲)

مدل «ری کلاین»

یکی دیگر از الگوهای قدرت ملی را در سال ۱۹۷۵ م «ری کلاین» مطرح کرد که خیلی زود مورد توجه خاص محافل دانشگاهی و جامعه دفاعی قرار گرفت. فرمول «کلاین» عبارت بود از:

$$Pp = (C + E + M) (S + W)$$

متغیرهای این فرمول عبارتند از: C که هسته اصلی شامل جمعیت، سرزمین است؛ E که ظرفیت اقتصادی شامل درآمد به اضافه انرژی، به اضافه معادن غیر فسیلی، به اضافه کالاهای ساخته شده، به اضافه غذا، به اضافه تجارت است. M یا ظرفیت نظامی، شامل موازنه استراتژیک، به اضافه قابلیت‌های جنگی به اضافه پاداش بابت تلاش است، S یا ضریب استراتژی ملی و در نهایت W که ویژگی‌های سطح ملی شامل سطح یکپارچگی ملی، توانایی رهبری، ارتباط استراتژی با منافع ملی را دربر می‌گیرد. (اشلی تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۰)

ب) مدل‌های ترکیبی مفهومی محاسبه قدرت ملی:

الگوهای فوق هم به معرفی متغیرهای موثر بر قدرت ملی پرداخته و هم با طرح یک مدل ریاضی نوع رابطه بین متغیرهای مفروض را مشخص کرده است. اما دانشمندان دیگری نیز هستند که فقط چند متغیر را به عنوان عوامل موثر بر قدرت ملی مشخص کرده‌اند و بدون طراحی مدل ریاضی و فقط بر اساس امتیاز کسب شده

برحسب تعداد کشورهای که مورد ارزیابی واقع شده، چارچوب زمانی مقایسه و پیچیدگی فرمول‌های مورد استفاده، با الگوهای دیگر فرق دارد. در ادامه مطلب به اختصار هر کدام از الگوهای مفهومی و ریاضی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) الگوهای ترکیبی ریاضی محاسبه قدرت ملی:

در این روش ابتدا طراح مدل متغیرهای مورد نظر موثر بر قدرت ملی را انتخاب می‌کند. سپس با طراحی یک الگوی ریاضی، نوع رابطه و ترکیب متغیرها مشخص می‌شود. در نهایت بر اساس این مدل ریاضی، قدرت ملی کشورها مورد سنجش قرار می‌گیرد. در ادامه مطلب به برخی از مهم‌ترین الگوهای ترکیبی محاسبه قدرت ملی که دارای فرمول ریاضی هستند، مختصر اشاره می‌شود.

مدل «کلیفورد جرمین»:

«کلیفورد جرمین» یکی از اولین مدل‌های پیچیده چندمتغیره غیر خطی را که تلاش کرده بود، هم متغیرهای مجزا را در نظر بگیرد و هم ارتباط بین آنها را تبیین نماید، در سال ۱۹۶۰ م مطرح کرد. او با استفاده از ۲۶ متغیر مختلف الگوی قدرت جهانی را براساس فرمول زیر طرح کرد: (Muir, 1981: 49)

$$G = N(L + P + I + M)$$

در این مدل، N بیانگر توانایی هسته‌ای، I نمایانگر سرزمین، P نشان‌دهنده جمعیت، I نمایانگر زمینه صنعتی و بالاخره M نشان‌دهنده اندازه نیروی نظامی است. هرکدام از این متغیرها به چندین مولفه جزئی‌تر تقسیم شده‌بود. مثلاً زمینه صنعتی به فاکتورهای تولید فولاد، ذغال، ذغال قهوه‌ای، نفت و هیدروالکتریسته تقسیم شده بود. سپس هرکدام از این متغیرها با توجه به معیارهای مرتبط با هر فاکتور امتیازدهی (نمره‌دهی) شده بود. سرانجام این اعداد مختلف، یعنی وسعت به کیلومتر مربع، جمعیت به نفر، ذغال به تَن، سرباز به نفر و ضریب اتمی با یکدیگر جمع می‌شد و عدد حاصل،

در مورد متغیرهای مورد نظر خود، (مثلاً میزان جمعیت) به رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها پرداخته‌اند.

برای پرهیز از طولانی‌شدن مطلب، فقط به دو الگو اشاره می‌شود:

الگوی «ریچارد مویر»:

«ریچارد مویر» در سال ۱۹۷۵م مدل ترکیبی تقریبی با پنج متغیر «وسعت، جمعیت، تولید فولاد، تعداد نفرات ارتش و تعداد موشک‌های قاره‌پیما» را ارائه داد و تلاش کرد تا قدرت ملی کشورها را به‌طور تقریبی نشان دهد. بر این اساس وی کشورها را بر مبنای قدرت ملی آنها به ۵ سطح شامل: ابرقدرت، در حال تبدیل به ابرقدرت، قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های معمولی و قدرت‌های کوچک تقسیم کرد. (Muir, 1981:150)

الگوی «سوئل کوهن»:

در دو دهه گذشته (۱۹۹۱م) «سوئل کوهن» از دانشمندان جغرافیای سیاسی نیز به طراحی مدلی برای رده‌بندی کشورها پرداخت. او بر اساس ده عامل «میزان پس‌انداز، تولید کشاورزی، تولید صنعتی، درصد صادرات، تحقیق و توسعه، تعداد دانشمندان، تعداد مهندسان، تعداد اختراعات، کاهش دیون و بدهی‌های خارجی، مبادله علمی با خارج و میزان بهره‌وری بالا»، الگویی را طراحی کرد که بر اساس آن کشورهای جهان را در سال ۱۹۹۱م بر اساس درجه انتروپی (درجه پایداری هر سیستم ناشی از ارتباطات سیستم و باز یا بسته‌بودن آن) به چهار سطح تقسیم نمود. این چهار سطح عبارت بودند از کشورهای با درجه انتروپی خیلی بالا، بالا، متوسط و پایین. (Cohen, 1994: 48) جدول ۴ مهم‌ترین الگوهای ترکیبی سنجش قدرت ملی را نشان می‌دهد.

۴ یافته‌های پژوهش

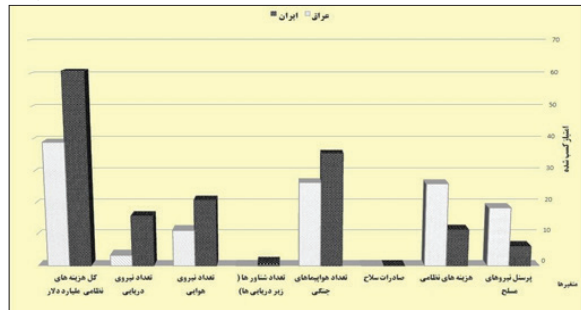
۴-۱) سنجش قدرت ملی ایران و عراق:

مقایسه ابعاد مختلف قدرت ملی ایران و عراق با

استفاده از مدل سنجش قدرت ملی که نگارنده در قالب رساله دکتری با عنوان «ارزیابی متغیرهای موثر بر قدرت ملی و طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها» طراحی کرده بود، صورت گرفته‌است. هم‌چنان که در نمودار ۳ مشخص است، در این مدل قدرت ملی دارای ابعاد ۹ گانه‌ای (شامل بُعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سرزمینی، فضایی، فرامرزی و علمی و فناوری) است و هر کدام از ابعاد قدرت نیز دارای شاخص‌ها و متغیرهای متنوعی هستند. هم‌چنان که در بخش روش تحقیق ذکر شد، این متغیرها و شاخص‌ها با مراجعه به نظر خبرگان، بر اساس روش دلفی و در قالب رساله دکتری نگارنده انتخاب شده‌اند. داده‌ها و اطلاعات هر کدام از متغیرها و شاخص‌ها با استفاده از روش‌های چهارگانه «روش سهم درصدی یا نسبت درصدی، روش شاخص‌سازی، روش قراردادی و روش استفاده از امتیاز خود شاخص‌ها» به امتیاز تبدیل شده است و بر اساس آن امتیاز قدرت ملی کشورها در ابعاد مختلف تعیین می‌شود. (زرقانی، ۱۳۸۸)

شایان ذکر است که هدف اصلی مقاله، مقایسه قدرت ملی دو کشور ایران و عراق در طی دوران جنگ تحمیلی است، اما برای سنجش دقیق‌تر وضعیت، ابعاد مختلف قدرت دو کشور و به‌ویژه ایران قبل از انقلاب، با دوران جنگ تحمیلی، مبنای ارزیابی قدرت ملی دو کشور، سال ۱۹۷۷ میلادی و تقریباً دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قرار گرفت. هم‌چنین برای مشخص‌شدن وضعیت فعلی قدرت دو کشور در زمان حال نسبت به سال‌های دفاع مقدس، مقایسه‌ای بین دو کشور در سال‌های اخیر (۲۰۱۵م تا ۲۰۱۷م) نیز صورت گرفت. با عنایت به این که این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است و بررسی همه ابعاد قدرت ملی دو کشور ایران و عراق بسیار گسترده و بیش از ظرفیت این مقاله است، در ادامه مطلب قدرت ملی دو کشور ایران و عراق فقط در دو مولفه نظامی و اقتصادی در سال‌های دفاع مقدس و سال‌های اخیر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

نمودار ۶: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۸۰م

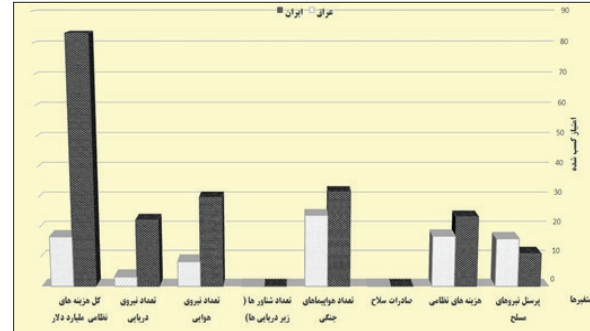


ادامه مطلب و در قالب نمودارهای مختلف، وضعیت دو کشور ایران و عراق از نظر متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی در طی سال‌های مورد نظر (۱۹۷۷م تا ۱۹۸۷م و سال ۲۰۱۷م-۲۰۱۶م) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمودار ۴ به بررسی وضعیت متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی دو کشور ایران و عراق در سال ۱۹۷۸م می‌پردازد. هم‌چنان‌که در نمودار مشخص است، تقریباً یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران تقریباً در تمام متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی، تعداد زیردریایی، تعداد هواپیما، تعداد پرسنل نظامی هوایی و دریایی، کل هزینه نظامی، هزینه نظامی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی نسبت به عراق در جایگاه بالاتری قرار داشت. فقط در مورد متغیر تعداد نیروهای نظامی به صورت نسبتی از کل جمعیت، عراق در جایگاه بالاتر قرار داشت. در واقع به نسبت جمعیت کل کشور، سهم نظامیان عراقی بیش از ایرانی‌ها بوده است.

در سال ۱۹۷۹م، مهم‌ترین رویداد در ایران، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش/۱۱ فوریه ۱۹۷۹م بود. هم‌چنان‌که در نمودار ۵ مشخص است، در سال ۱۹۷۹م نیز وضعیت شاخص‌ها و متغیرهای قدرت نظامی به گونه‌ای است که همانند سال قبل، به جز در متغیر تعداد نیروی نظامی به صورت درصدی از کل جمعیت، در سایر متغیرها ایران در جایگاه بالاتری قرار داشته است.

نمودار ۴: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۷۸م



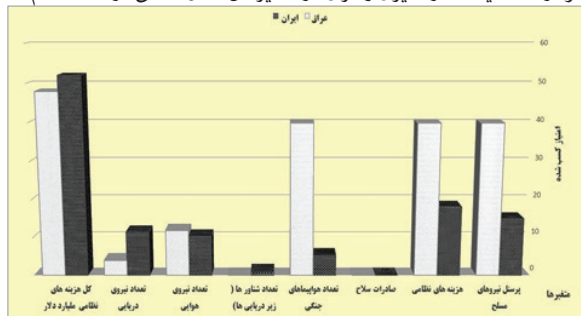
۱-۴) مقایسه قدرت ایران و عراق در بُعد نظامی:

در بُعد نظامی تعداد ۸ متغیر زیر جهت برآورد قدرت نظامی دو کشور مورد استفاده قرار گرفته است. گفتنی است که در زمینه نظامی متغیرها و شاخص‌های مناسب‌تری نیز برای سنجش قدرت نظامی کشورها وجود داشت که با توجه به محرمانه‌بودن اطلاعات آن در بسیاری از کشورها، دسترسی به داده‌های آنها ممکن نبود، از این رو ۸ متغیر زیر از مجموع ۱۲ متغیر با استفاده از روش تحلیل عاملی انتخاب شدند: ۱- تعداد هواپیماهای جنگی، ۲- تعداد پرسنل نیروهای مسلح به صورت درصدی از کل جمعیت، ۳- کل هزینه‌های نظامی، ۴- هزینه‌های نظامی به صورت درصدی از GDP، ۵- صادرات سلاح به میلیون دلار، ۶- تعداد پرسنل نیروهای مسلح (نیروی هوایی)، ۷- تعداد پرسنل نیروهای مسلح (نیروی دریایی)، ۸- تعداد شناورهای رزمی (زیردریایی). هم‌چنان‌که ذکر شد، اعداد مربوط به متغیرهای فوق براساس روش‌های مختلف (روش سهم درصدی یا نسبت درصدی، روش شاخص‌سازی، روش قراردادی و روش استفاده از امتیاز خود شاخص‌ها) به امتیاز تبدیل شده‌اند و بر اساس آن مقایسه قدرت نظامی دو کشور صورت گرفته است. (زرقانی، ۱۳۹۷: ۳۰۲) در

نمودار ۵: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۷۹م



نمودار ۱۰: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۸۶م

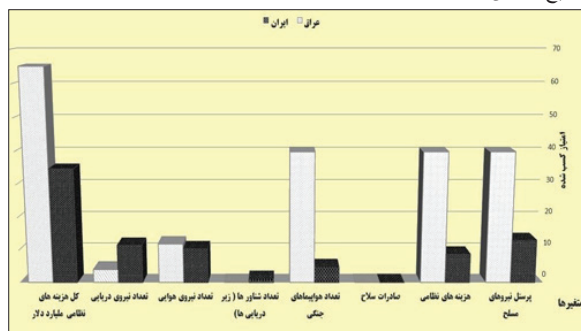


سایر متغیرها مانند تعداد هواپیمای جنگی، تعداد نیروی هوایی، تعداد نیروی نظامی به صورت درصدی از کل جمعیت، سهم هزینه نظامی از کل تولید ناخالص داخلی، عراق در جایگاه بالاتری قرار گرفت. کاهش تعداد نیروی‌های نظامی به‌ویژه در بخش نیروی هوایی، عمدتاً ناشی از این موضوع است که در آن سال‌ها هم‌چنان فرایند تصفیه برخی نیروهای نظامی به دلیل حضور در ارتش نظام شاهنشاهی ادامه داشت. (Sepehr, 1988: 289)

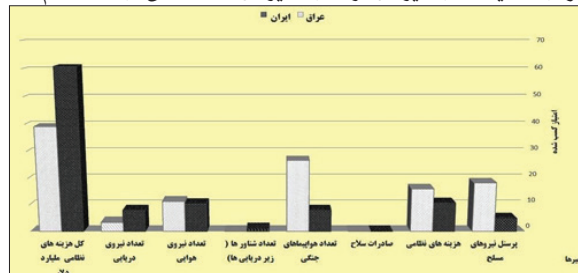
وضعیت شاخص‌ها و متغیرهای نظامی دو کشور در سال‌های ۱۹۸۲م و ۱۹۸۳م، همانند سال ۱۹۸۰م است و تغییر محسوسی وجود ندارد. نمودار ۸ متغیرهای قدرت نظامی دو کشور را در سال ۱۹۸۳م و حدود سه سال بعد از آغاز جنگ تحمیلی نشان می‌دهد

در سال ۱۹۸۴م، هر دو کشور ایران و عراق توجه ویژه‌ای به تقویت توان نظامی خود کردند. بدین ترتیب و هم‌چنان که در نمودار ۹ مشخص است، میزان کل

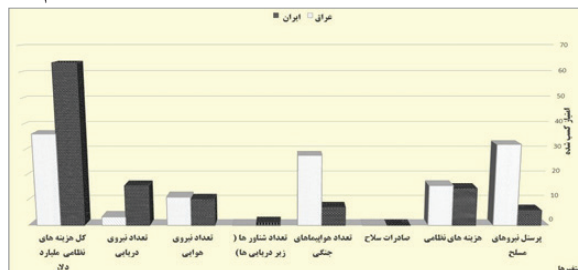
نمودار ۱۱: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۸۷م (منبع: زرقانی، ۱۳۹۷: ۳۰۹).



نمودار ۷: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۸۱م



نمودار ۸: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۸۳م

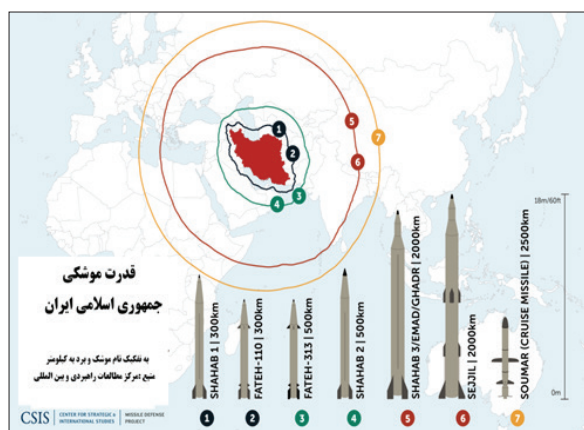


حکومت عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹.ش/۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰م، تجاوز نظامی به خاک ایران را آغاز کرد. بر اساس آمارها و هم‌چنان‌که در نمودار ۶ مشهود است، در سال ۱۹۸۰م نیز به‌جز در دو متغیر، (نسبت پرسنل نظامی به جمعیت و نسبت هزینه نظامی به تولید ناخالص داخلی)، ایران از نظر شاخص‌ها و متغیرهای قدرت نظامی در جایگاه بالاتری از عراق قرار داشت.

نمودار ۷ متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی ایران و عراق را در سال ۱۹۸۱م نشان می‌دهد. در اولین سال پس از جنگ تحمیلی، ما شاهد تغییر محسوسی در برخی متغیرهای قدرت نظامی بین دو کشور ایران و عراق هستیم. بر این اساس و هم‌چنان‌که در نمودار بالا مشخص است، به‌جز در سه متغیر کل هزینه نظامی و تعداد زیردریایی و تعداد پرسنل نیروی دریایی، در

نمودار ۹: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال ۱۹۸۴م





نقشه ۱: توان موشک‌های زمین به زمین ایران. سال ۲۰۱۷م

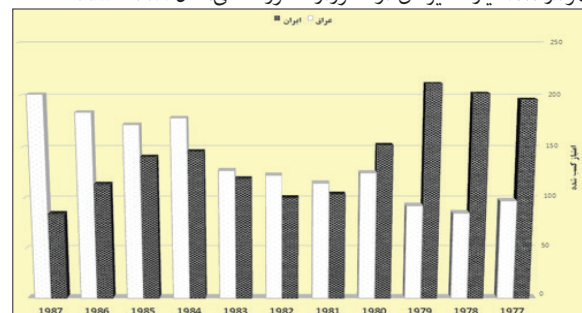
نمودار ۱۱ وضعیت شاخص‌ها و متغیرهای قدرت نظامی دو کشور ایران و عراق را در سال ۱۹۸۷م و تقریباً همزمان با سال پایان جنگ تحمیلی نشان می‌دهد. همچنان‌که در نمودار مشخص است، بر خلاف سال آغازین جنگ تحمیلی، کشور عراق در اکثر متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی در وضعیت بالاتری از ایران قرار دارد. برای نمونه، توان رزم هوایی عراق در دو سال ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ میلادی، حدود ده برابر توان رزم هوایی ایران بوده است. در زمینه هزینه نظامی و در حالی‌که میزان هزینه ایران با کاهشی سه برابری از رقم ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵م، به رقم ۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷م رسیده بود، هزینه نظامی عراق نسبت به زمان آغاز جنگ شش برابر افزایش یافته بود و با این افزایش شدید، سهم هزینه نظامی عراق از کل تولید ناخالص داخلی از کمتر از ۱۰ درصد در سال‌های آغازین جنگ، به بیش از پنجاه درصد رسیده بود. تعداد نیروهای نظامی عراق نیز در سال ۱۹۸۷م نسبت به سال قبل، با افزایش حدود ۱۵۰ هزار نفر، به یک میلیون نفر رسیده بود، در حالی‌که آمارها نشان از کاهش حدود ده درصدی تعداد نیروی نظامی ایران نسبت به سال قبل داشت.

نمودار ۱۲ امتیاز متغیرهای دو کشور ایران و عراق را در طی سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷ نشان می‌دهد. همچنان‌که در نمودار مشخص است، در مجموع امتیاز متغیرها و شاخص‌های فاکتور نظامی در طی این سال‌ها، دو کشور

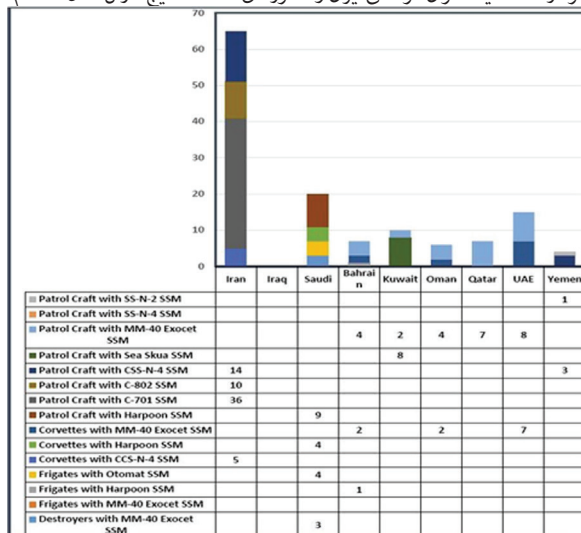
هزینه نظامی کشور ایران از مبلغ ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲م، با افزایش ۴ برابری به رقم ۱۷,۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴م رسید. همچنین هزینه نظامی عراق نیز با افزایش ۴ برابری از رقم حدود ۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲م، به حدود ۱۰,۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴م رسید.

نمودار ۱۰ وضعیت متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی ایران و عراق را در سال ۱۹۸۶م نشان می‌دهد. در سال ۱۹۸۶م، در بیشتر متغیرهای مورد بررسی، برتری نسبی از آن عراق است. برای نمونه، در حالی‌که توان رزم هوایی ایران به سبب کاهش تعداد هواپیماهای جنگی، از حدود ۴۵۰ فروند در ابتدای جنگ تحمیلی به حدود ۷۰ فروند در سال ۱۹۸۶م، به شدت کاهش یافته بود، عراق در سال ۱۹۸۶م تعداد ۵۰۰ فروند هواپیمای جنگی و مدرن در اختیار داشت. همچنین در تعداد نیروی نظامی، هر دو کشور نسبت به دو سال قبل افزایش چشم‌گیری داشتند، به نحوی که تعداد نیروی نظامی ایران از حدود ۵۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۴م، به رقم ۷۰۵ هزار نفر در سال ۱۹۸۶م رسیده بود و تعداد نیروهای نظامی عراق نیز از حدود ۶۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۴م، به رقم ۸۴۵ هزار نفر در سال ۱۹۸۶م رسیده بود. در این بین، برخلاف این‌که هزینه‌های نظامی ایران نسبت به دو سال قبل حدود ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده بود، هزینه‌های دفاعی عراق با افزایش ۳۰ درصدی همراه بود و به همین جهت بر خلاف همه سال‌های گذشته، شاهد برابری نسبی دو کشور در مجموع هزینه‌های نظامی هستیم.

نمودار ۱۲: امتیاز متغیرهای دو کشور در فاکتور نظامی. سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷



نمودار ۱۴: مقایسه توان موشکی ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس. سال ۲۰۱۵م



Source: Adapted by Anthony H. Cordesman and Garrett Berntsen from IISS, *Military Balance*, 2014, and IHS Jane's *Sentinel* series.

و متغیرهای قدرت نظامی در رتبه بالاتری قرار گرفت و اختلاف امتیاز دو کشور نیز زیاد است، ضمن این که در طی سال‌های اخیر، سایر توان‌مندی‌های نظامی ایران نیز بسیار رشد داشته است. یک نکته بسیار مهم در قدرت نظامی فعلی ایران نسبت به دوره دفاع مقدس و قبل از انقلاب مطرح است و آن هم خودکفایی در تولید بخش زیادی از تسلیحات و جنگ‌افزارهای راهبردی و مدرن است. در واقع در وضعیت فعلی و بر خلاف دوره رژیم سابق، عناصر و اجزای سامانه دفاعی و نظامی ایران در بخش‌های مختلف، به‌ویژه تولید تسلیحات و تجهیزات نظامی راهبردی و مدرن، بومی و داخلی است و از این منظر قدرت نظامی ایران در سال‌های اخیر در سطح منطقه و حتی در برخی شاخص‌ها در سطح جهان افزایش چشم‌گیری داشته است.

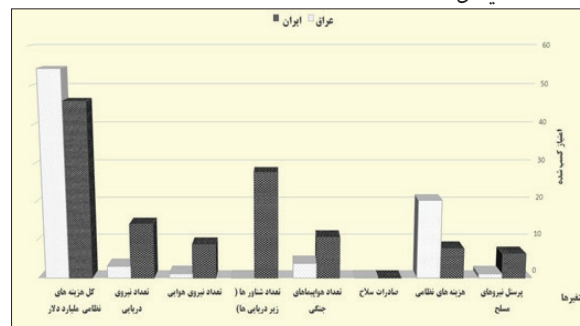
برای نمونه، یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت نظامی ایران در دو دهه اخیر، ایجاد و تقویت قدرت موشکی ایران است. به اعتراف مراکز و اندیشکده‌های راهبردی و تخصصی نظامی در کشورهای غربی، قدرت موشکی ایران در سال‌های اخیر از رشد شگفت‌انگیزی برخوردار شده است. مثلاً اندیشکده فرانسوی مطالعات راهبردی، که به‌طور تخصصی بر تسلیحات و فناوری‌های نظامی متمرکز

ایران و عراق به ترتیب در جایگاه برتر قرار گرفتند. بدین ترتیب در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ ایران در مجموع امتیازها نسبت به عراق در رتبه و جایگاه بالاتری قرار داشت و البته اختلاف امتیاز دو کشور در سال ۱۹۸۰ نسبت به سه سال قبل به حداقل رسیده است. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ عراق در مجموع امتیازمتغیرها و شاخص‌های فاکتور نظامی در رتبه و جایگاه بالاتری قرار داشت. اختلاف امتیاز رتبه عراق و ایران در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ کم بود و در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به حداکثر رسید.

با گذشت حدود سه دهه از پایان جنگ تحمیلی و به منظور ارزیابی و مقایسه ابعاد مختلف قدرت ملی ایران و عراق در وضعیت فعلی، بر اساس همان متغیرها و شاخص‌های فاکتور نظامی، مقایسه‌ای بین قدرت نظامی دو کشور در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ صورت گرفته است. نمودار ۱۳ وضعیت متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی ایران و عراق را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد. بر این اساس، همچنان‌که در نمودار مشهود است، بر خلاف سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، ایران در اکثر شاخص‌های قدرت نظامی به جز در شاخص «هزینه نظامی» در جایگاه بالاتری قرار دارد.

در واقع در طی سال‌های دفاع مقدس، ابتدا ایران در رتبه بالاتری قرار گرفت و سپس تا پایان جنگ تحمیلی، عراق در وضعیت برتر قرار گرفته بود. اما در زمان فعلی و سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی، ایران از نظر شاخص‌ها

نمودار ۱۳: مقایسه قدرت ایران و عراق در متغیرهای عامل نظامی در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۷ میلادی



[illegible][illegible]

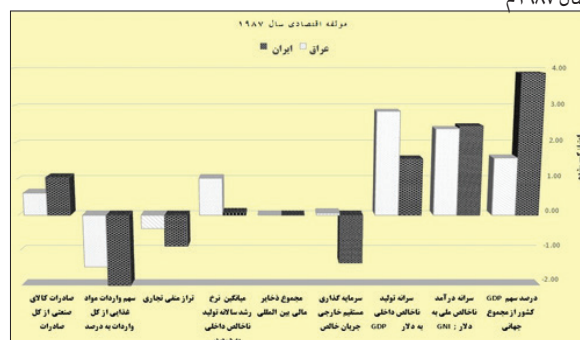
نمودار ۱۴ به مقایسه توان موشکی دریایایه ایران و کشورهای همسایه ایران در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس در سال ۲۰۱۵م می‌پردازد. این نمودار برگرفته از گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل آمریکا (CSIS) در فوریه ۲۰۱۵م است که به‌طور دقیقی به بررسی و تحلیل توان‌مندی‌های نظامی ایران برای اجرای هر گونه عملیات در خلیج فارس پرداخته است. (Cord- esman, 2015: 16) هم‌چنان‌که در نمودار مشخص است، قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تمام کشورهای منطقه مورد مطالعه در جایگاه بسیار بالاتری قرار دارد و اختلاف فاحشی بین امتیاز و رتبه ایران با کشورهای همسایه مانند عربستان سعودی وجود دارد.

بخش	درصد سهم
خدمات	~1.8%
صنایع	~1.5%
ساخت و ساز	~1.2%
تجارت عمده و خرد	~0.8%
گردشگری و خدمات غذایی	~0.5%
اطلاعات و ارتباطات	~0.3%
مالی و بیمه	~0.2%
سرمایه املاک	~0.1%
سلامت و رفاه اجتماعی	~0.1%
آموزش	~0.1%
هنر، فرهنگ و تفریح	~0.1%
مالیات بر محصولات	~0.1%

نقشه ۱ که مرکز مطالعات راهبردی بین‌المللی منتشر کرده است، انواع موشک‌های ایرانی و برد آنها را در سطح منطقه به تصویر کشیده است. بر این اساس، موشک‌های زمین به زمین شهاب یک و فاتح ۱۱۰، با برد ۳۰۰ کیلومتر و موشک شهاب ۲ و فاتح ۳۱۳، با برد ۵۰۰ کیلومتر، می‌توانند شعاع وسیعی از تهدیدات در کشورهای برامونی ایران را مورد حمله قرار دهند. علاوه

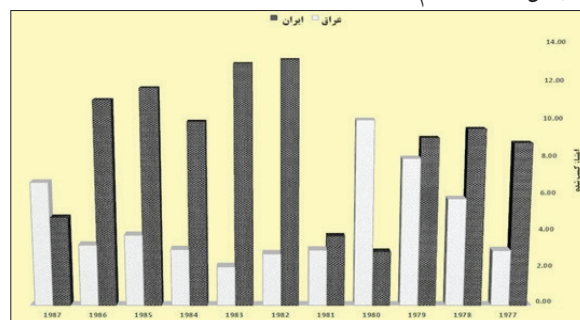
Category	Iran (Billion USD)	Iraq (Billion USD)
GDP	~220	~250
Services	~120	~100
Goods	~100	~150
Merchandise	~100	~150
Services	~100	~100
Goods	~100	~150
Merchandise	~100	~150
Services	~100	~100
Goods	~100	~150
Merchandise	~100	~150

نمودار ۱۹: امتیاز متغیرهای دو کشور ایران و عراق در عامل قدرت اقتصادی.
سال ۱۹۸۷م



علاوه بر این، ایران در سال‌های اخیر در زمینه تولید فناوریهای نظامی، زیردریایی و هواپیما نیز پیشرفت‌های زیادی داشته است. برای نمونه، ساخت ناوشکن از جمله اقدامات قابل توجه ایران در چارچوب تقویت قدرت نظامی خود، به‌ویژه در عرصه قدرت دریایی است. در این راستا اولین ناوشکن ایرانی با نام «جماران» را صنایع دفاعی ایران در سال ۱۳۸۸ ساخت و در تداوم این مسیر ناوشکن‌های دیگری نیز مانند دماوند، سهند و سینا ساخته شده‌است یا در دست ساخت است. همچنین در سال‌های اخیر ایران در زمینه ساخت زیردریایی نیز اقدامات مهمی انجام داده‌است و به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته‌است. در زمینه ساخت زیردریایی، صنایع دفاعی ایران بعد از دریافت سه زیر دریایی کلاس کیلو (به نام‌های طارق، نوح و یونس) از روسیه، بین سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۲ میلادی، تلاش کرد تا خود زیردریایی بسازد. در این راستا ابتدا زیردریایی‌های کوچک کلاس «غدير» با وزن جابه‌جایی نزدیک به ۱۲۰ تن را ساخت که تا به حال بیش از ۲۰ فروند از این

نمودار ۲۰: امتیاز متغیرهای دو کشور ایران و عراق در عامل قدرت اقتصادی.
سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷م



زیردریایی‌ها به نیروی دریایی ارتش و سپاه پیوسته‌اند. علاوه بر این، ایران در آبان ۱۳۹۷ از یک زیردریایی ساخت داخل به نام «فاتح» رونمایی کرد که ۵۲۷ تن وزن دارد و نخستین زیردریایی نیمه‌سنگین ساخت ایران است. این زیردریایی توانایی حرکت در عمق ۲۰۰ متر را به صورت عادی دارد و ژرفای قابل دستیابی برای آن نیز ۲۵۰ متر است. به گفته کارشناسان ایرانی، این زیر دریایی پیشرفته‌ترین زیردریایی ایران محسوب می‌شود که مجهز به پرتابگر موشک است. پیشرفت‌های ایران در زمینه تجهیزات و تسلیحات دریایی باعث شده است برخی مراکز و پایگاه‌هایی که به رده بندی قدرت نظامی کشورها می‌پردازند، ایران را جزو چند کشور برتر در حوزه قدرت دریایی معرفی کنند. از جمله این مراکز می‌توان به پایگاه گلوبال فایر پاور اشاره کرد که در تازه‌ترین رده بندی خود در سال ۲۰۱۸م، ایران را در زمره پنج قدرت نیروی دریایی جهان محسوب کرده است. بر این اساس، در این رتبه‌بندی مجموع دارایی‌های نیروی دریایی هر کشور از قبیل ناوها، ناوچه‌ها، کشتی‌های پشتیبانی و ناوهای هواپیمابر و قایق‌های گشت‌زنی و... مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این فهرست، جمهوری اسلامی ایران دارای ۳۹۸ کشتی نظامی، شامل ۲۳۰ قایق تندرو جنگی، ۳ ناو، ۵ ناوچه، ۳۳ زیر دریایی و ۱۰ کشتی مین‌روب است (<https://www.globalfirepower.com/>) (navy-ships.asp).

۲-۱-۴) مقایسه قدرت ایران و عراق در عامل اقتصادی: متغیرها و شاخص‌های مبین قدرت اقتصادی کشورها شامل این یازده متغیرند: ۱- سرانه تولید ناخالص داخلی، ۲- سهم GDP از مجموع GDP جهان، ۳- سرانه درآمد ناخالص ملی، ۴- میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ۵- نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، ۶- سهم صادرات کالاهای صنعتی از کل صادرات، ۷- مجموعه ذخایر مالی بین‌المللی به دلار، ۸- رتبه در شاخص آزادسازی اقتصادی، ۹- تراز منفی تجاری، ۱۰- سهم واردات مواد غذایی از کل واردات، ۱۱- میزان بیکاری (به درصد). در

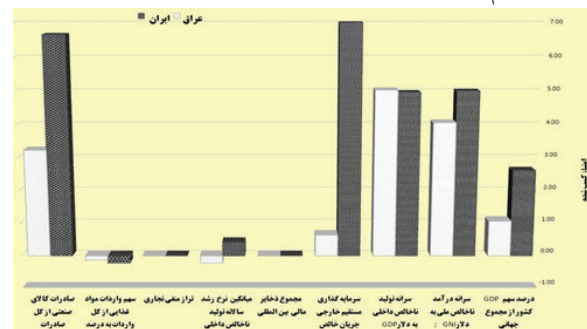
زمانی دوره دفاع مقدس (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ میلادی) و دوره فعلی (۲۰۱۷-۲۰۱۵ میلادی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمودار ۱۵ وضعیت متغیرها و شاخص‌های عامل اقتصادی را در دو کشور ایران و عراق در سال ۱۹۷۷م و تقریباً دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نشان می‌دهد. همچنان که در نمودار ۱۵ مشخص است، از مجموع متغیرها و شاخص‌های عامل اقتصادی، کشور ایران در متغیرهای سهم کشور از مجموع تولید ناخالص جهانی، سرانه تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سهم صادرات کالاهای صنعتی از کل صادرات، سهم واردات به درجه صادرات، میزان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، مالی بین‌المللی، مجموع ذخایر ارزی، سهم واردات مواد صنعتی از کل صادرات، و واردات به درجه صادرات، نسبت به کشور عراق در امتیاز و رتبه بالاتری قرار دارد. اما در مورد شاخص سرانه درآمد ناخالص ملی، میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و سهم واردات مواد غذایی از مجموع واردات، عراق وضعیت مناسب‌تری دارد.

نمودار ۱۶، وضعیت شاخص‌های عامل اقتصادی دو کشور ایران و عراق را در سال ۱۹۷۹م و تقریباً همزمان با شروع جنگ تحمیلی نشان می‌دهد. در سال ۱۹۷۹م، نسبت به دو سال قبل تغییراتی در متغیرها و شاخص‌ها ایجاد شده است. بر این اساس، ایران در متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی نسبت به قبل روند نزولی داشته است و عراق در جایگاه بالاتری قرار گرفته است. در مقابل، عراق در متغیر منفی «سهم واردات مواد غذایی از مجموع واردات» از ایران پیشی گرفته است. در مورد متغیرهای دیگر مانند سرانه درآمد ناخالص ملی تغییر محسوسی وجود نداشته است.

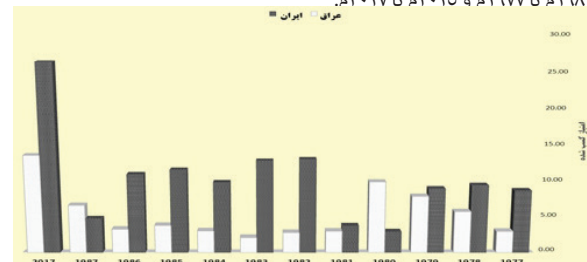
سال ۱۹۸۰م و همزمان با سال اول جنگ تحمیلی، وضعیت شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی ایران نسبت به عراق وضعیت نامناسبی داشته است. بر این اساس و همچنان که در نمودار ۱۷ مشخص است، در بیشتر شاخص‌ها عراق امتیاز و رتبه بالاتری را دارد. میزان «درآمد سرانه ناخالص

نمودار ۲۱: امتیاز متغیرهای دو کشور ایران و عراق در عامل قدرت اقتصادی. سال ۲۰۱۷-۲۰۱۵ م.

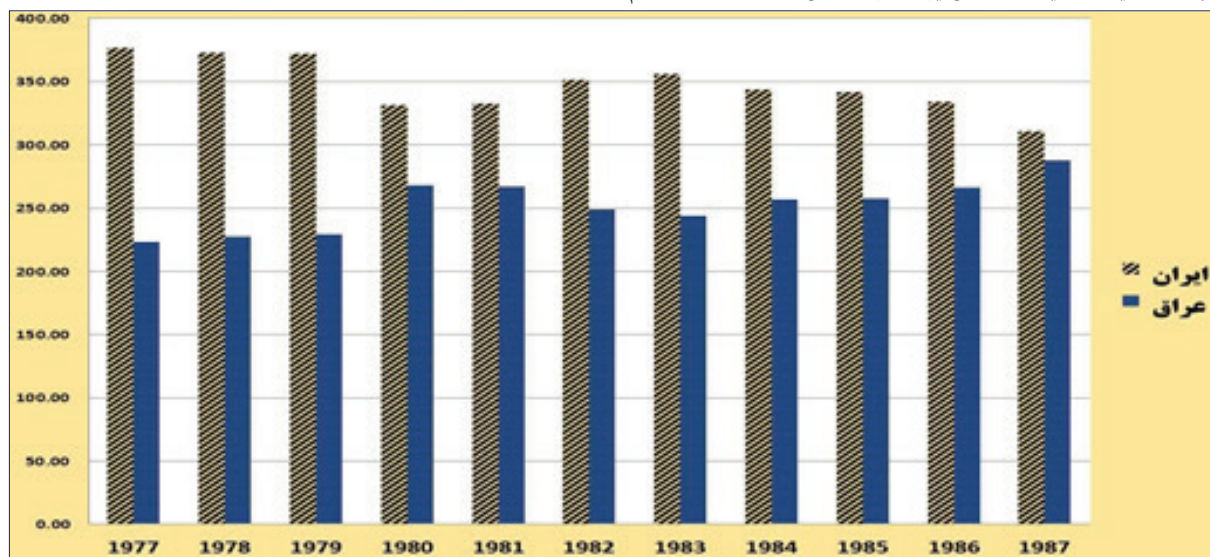


بعد اقتصادی نیز برخی متغیرها مانند تراز منفی تجاری، سهم واردات مواد غذایی از کل واردات وجود دارند که تاثیر تضعیف‌کننده بر قدرت اقتصادی دارند و از این رو در محاسبه امتیازات قدرت اقتصادی دارای نمره منفی هستند. در این بخش، برخی متغیرها و شاخص‌ها همانند سرانه درآمد ناخالص ملی و سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتر به حوزه اقتصاد ملی مرتبط هستند و متغیرهایی چون مجموعه ذخایر مالی بین‌المللی کشور، وضعیت صادرات و و واردات و تراز تجاری کشور، وضعیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صدد ارزیابی توان کشور در عرصه اقتصاد فراملی و بین‌المللی هستند. برخی متغیرها و شاخص‌های این عامل، مانند «شاخص آزادسازی اقتصادی» به سبب این که در مقطع زمانی مورد بررسی فاقد اطلاعات و آمار هستند و یا اساساً طراحی نشده بودند، از جمع متغیرها حذف شده است. شاخص «آزاد سازی اقتصادی» کشورها، از سال ۱۹۹۵م را بنیاد هریتیج سالانه ارزیابی می‌کند. در ادامه مطلب، وضعیت دو کشور ایران و عراق در متغیرها و شاخص‌های اقتصادی در قالب نمودارها در دو مقطع

نمودار ۲۲: امتیاز متغیرهای دو کشور ایران و عراق در عامل قدرت اقتصادی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۷۷ م و ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ م.



نمودار ۲۳: مقایسه وضعیت قدرت ملی ایران و عراق در طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷ م



و نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی نسبت به عراق در مرتبه بالاتری قرار دارد. البته در مورد برخی متغیرها مانند سهم کشور از مجموع جهانی تولید ناخالص داخلی و سهم صادرات کالاهای صنعتی اختلاف امتیاز و رتبه دو کشور بیشتر است و در متغیرهای دیگر مانند نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و تراز منفی تجاری اختلاف امتیاز و رتبه کمتر است.

نمودار ۱۹ وضعیت متغیرهای عامل اقتصادی دو کشور ایران و عراق را در سال ۱۹۸۷ م و تقریباً مقارن با سال پایانی جنگ نشان می‌دهد. بار دیگر در این سال شاهد افت برخی شاخص‌های اقتصادی در ایران هستیم. برای نمونه «میانگین نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی» ناچیز و نسبت به عراق خیلی پایین‌تر است. ایران بار دیگر با «تراز منفی تجاری» روبه‌رو است و بخش بیشتری از بودجه کشور به واردات مواد غذایی اختصاص یافته‌است. در شاخص «درآمد سرانه ملی» برتری محسوس ایران نسبت به عراق از بین رفته‌است و حتی در شاخص «سرانه تولید ناخالص داخلی» عراق، بار دیگر به جایگاه برتر رسیده‌است. مجموع ذخایر مالی بین‌المللی ایران و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز وضع نامناسبی دارد. در واقع در سال پایانی جنگ

ملی» و «سرانه تولید ناخالص داخلی»، در کشور عراق تقریباً دو برابر ایران است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران نسبت به سال‌های قبل کاهش چشم‌گیری نشان می‌دهد و ایران برخلاف سال‌های قبل دارای تراز منفی تجاری است. همچنین بر خلاف عراق، میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی همانند سال‌های قبل منفی است و به رقم منفی ۲۷ درصد رسیده است و سهم صادرات صنعتی از مجموع صادرات نیز نسبت به عراق کاهش داشته است. مجموع این شاخص‌ها بیانگر این است که سال ۱۹۸۰ م، ایران از نظر اقتصادی نسبت به قبل و در مقایسه با عراق وضعیت مناسبی نداشته است. شایان ذکر است، شاخص‌های اقتصادی عمدتاً به صورت یک روند چندساله عمل می‌کند و از این‌رو سال ۱۹۸۰ م، در واقع بروز و ظهور وضعیتی است که از سال‌های گذشته آغاز شده‌است.

نمودار ۱۸ امتیاز متغیرهای اقتصادی دو کشور را در سال ۱۹۸۵ م و تقریباً پنج سال بعد از شروع جنگ تحمیلی نشان می‌دهد. هم‌چنان‌که در نمودار مشخص است، ایران در پنج متغیر و شاخص درآمد سرانه ملی، سرانه تولید ناخالص داخلی، سهم جهانی از تولید ناخالص داخلی، سهم صادرات کالای صنعتی از مجموع صادرات

یک منبع معتبر بین‌المللی و مشترک برای گردآوری داده‌های دو کشور وجود داشته باشد.

در نهایت، نمودار ۲۲ مجموع امتیاز متغیرها و شاخص‌های عامل اقتصادی را در دو مقطع زمانی، دوره دفاع مقدس و دوره اخیر نشان می‌دهد. هم‌چنان‌که در نمودار مشخص است، در مجموع امتیاز متغیرهای عامل اقتصادی، ایران به‌جز در دو سال (۱۹۸۰ و ۱۹۸۷م)، تقریباً هم‌زمان با شروع و پایان جنگ تحمیلی، در سال‌های دیگر در رتبه و جایگاه بالاتری قرار داشته است. به‌ویژه مقایسه امتیاز و رتبه ایران و عراق در سال ۲۰۱۷م، با سال‌های دفاع مقدس، نشان از برتری قاطع ایران در شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی دارد. در واقع، گرچه دو کشور در زمان کنونی نسبت به دوره دفاع مقدس رشد داشته‌اند، چنان‌که برای نمونه سرانه درآمد ناخالص ملی از میانگین حدود ۳۰۰۰ دلار در سال‌های دفاع مقدس، به حدود ۵۰۰۰ دلار در سال‌های اخیر رسیده است. اما این تغییر مثبت در متغیرهای اقتصادی در مورد ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر نمود بیشتری دارد، برای نمونه می‌توان به رقم حدود سه‌ونیم میلیارد دلاری جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۶م اشاره کرد که بیش از ۱۰ برابر میانگین این رقم در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷م است. هم‌چنین می‌توان به افزایش قابل توجه سهم کالاهای صنعتی از مجموع صادرات به‌خصوص در مورد صادرات کالاهایی با فناوری سطح بالا و کاهش قابل توجه سهم واردات مواد غذایی در مجموع واردات اشاره کرد.

۵) نتیجه‌گیری

مفهوم «قدرت ملی» همانند خود واژه «قدرت» از جمله مفاهیم جذاب و پرکاربردی است که اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی نظیر علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل مباحث و دیدگاه‌های مختلفی در مورد آن طرح کرده‌اند. قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا

بار دیگر شاخص‌های اقتصادی وضعیت مناسبی را برای اقتصاد ایران به تصویر در نمی‌آورند.

نمودار ۲۰ مجموع امتیاز متغیرها و شاخص‌های عامل اقتصادی را در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷ میلادی در دو کشور ایران و عراق نشان می‌دهد. هم‌چنان‌که در نمودار مشهود است، به‌جز در دو سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷ میلادی، ایران نسبت به عراق از نظر امتیاز و رتبه در جایگاه بالاتری قرار دارد. برتری جایگاه و رتبه ایران نسبت به عراق از منظر قدرت اقتصادی در برخی سال‌ها همانند سال ۱۹۷۷، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۵ میلادی، بسیار مشخص و برجسته است و البته در برخی سال‌ها مانند سال ۱۹۷۹م و سال ۱۹۸۱م این اختلاف رتبه زیاد نیست.

همانند سایر عامل‌ها، علاوه بر دوره دفاع مقدس، وضعیت دو کشور ایران و عراق در متغیرها و شاخص‌های عامل اقتصادی در دوره اخیر (سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ میلادی) نیز مورد بررسی قرار گرفته است، تا مقایسه بهتری نسبت به وضعیت دو کشور در دوران دفاع مقدس و زمان کنونی صورت گیرد. نمودار ۲۱ وضعیت شاخص‌های عامل اقتصادی را در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۵م نشان می‌دهد. هم‌چنان‌که در نمودار ۲۱ مشخص است، از مجموع ۹ متغیر، در ۵ متغیر شاخص ایران در جایگاه برتر قرار گرفته است. اختلاف امتیاز و رتبه دو کشور به‌خصوص در مورد متغیرهایی مانند «سهم صادرات کالاهای صنعتی از کل صادرات» و «جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» مشهود است. اما در مورد شاخص‌هایی چون «سهم واردات مواد غذایی از کل واردات»، «تراز تجاری» و «سرانه تولید ناخالص داخلی» اختلاف امتیاز و رتبه دو کشور ناچیز است. یادآور می‌شود که در مورد شاخص «میزان ذخایر مالی بین‌المللی» با وجود جست‌وجو در منابع معتبر بین‌المللی چون بانک جهانی، برای سال‌های اخیر و به‌ویژه برای ایران، اطلاعات دقیق و بین‌المللی وجود ندارد. البته داده‌های ملی وجود دارد، اما چون هدف مقایسه شاخص‌های دو کشور است، لازم است

متنوع و متعدد قدرت ملی توجه کرده‌است. بر اساس این مدل و در قالب یک طرح پژوهشی، ابعاد ۹ گانه قدرت ملی ایران و عراق در طی سال‌های دفاع مقدس و دوره اخیر به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به گستردگی داده‌ها و نمودارها در ابعاد ۹ گانه قدرت ملی، در این مقاله به مقایسه قدرت ملی ایران و عراق فقط در دو بعد اقتصادی و نظامی پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی، ایران نسبت به عراق ابتداً در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در جایگاه بالاتری قرار داشته است و در طی دوران جنگ و به‌خصوص در سال‌های پایانی جنگ این برتری به نفع عراق تغییر یافته است. اما در سال‌های اخیر شاخص‌های قدرت نظامی ایران با مزیت اصلی بومی‌بودن به‌ویژه در عرصه‌های موشکی، ناو و زیردریایی و پهپاد و ... موجب برتری ایران نسبت به کشورهای منطقه شده است.

در مورد قدرت اقتصادی نیز وضعیت دو کشور ایران و عراق بدین ترتیب بوده است که، در مجموع امتیاز متغیرهای عامل اقتصادی، ایران به‌جز در دو سال (۱۹۸۰م و ۱۹۸۷م، تقریباً همزمان با شروع و پایان جنگ تحمیلی)، در سال‌های دیگر در رتبه و جایگاه بالاتری قرار داشته است. در نهایت این‌که مقایسه امتیاز و رتبه ایران و عراق در سال ۲۰۱۷م با سال‌های دفاع مقدس نشان از برتری قاطع ایران در شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی دارد. همچنین می‌توان به افزایش قابل توجه سهم کالاهای صنعتی از مجموع صادرات به‌خصوص در مورد صادرات کالاهایی با فناوری سطح بالا و کاهش قابل توجه سهم واردات مواد غذایی در مجموع واردات اشاره کرد.

در مورد مجموع قدرت ملی دو کشور و بر اساس جمع جبری امتیاز همه شاخص‌ها، متغیرها و عامل‌ها، نیز وضعیت بدین ترتیب است که در سال‌های مورد بررسی (۸۷-۱۹۷۷م) در مجموع قدرت ملی ایران بیش از

ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند و به مجموعه توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد، گفته می‌شود. در طی دهه‌های گذشته تا امروز، در مورد منابع و سرچشمه‌های قدرت ملی و به‌ویژه سنجش و ارزیابی قدرت ملی کشورها تلاش‌های متعددی صورت گرفته‌است. این تلاش‌ها در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی و همزمان با دوره جنگ سرد، نمود و ظهور بیشتری داشته است و بعد از یک دوره فترت، مجدداً در طی یکی دو دهه اخیر مطرح شده‌است.

در مورد مهم‌ترین منابع و سرچشمه‌های قدرت ملی، اندیشمندان نظریات مختلفی را طرح کرده‌اند و غالباً بر منابع عینی و ملموس قدرت، همچون سرزمین، وسعت، نیروی نظامی، جمعیت، منابع زیستی و معدنی و ... تاکید کرده‌اند و در کنار آن برخی اندیشمندان نیز منابع کیفی قدرت، همچون همبستگی ملی، خرد رهبری، روحیه ملی و ... را مهم تلقی کرده‌اند. شناخت منابع و سرچشمه‌های قدرت ملی کشورها از آن روی اهمیت بسیاری دارد که مبنای اصلی برای محاسبه و سنجش قدرت کشورها با یکدیگر محسوب می‌شود. در این چارچوب، برخی اندیشمندان نیز از دهه ۶۰م تا کنون اقدام به طراحی مدل‌ها و الگوهایی برای سنجش و ارزیابی قدرت ملی کشورها کرده‌اند. این مدل‌ها برخی بسیار ساده و تک‌متغیری است و برخی پیچیده و چندمتغیری، اما مشکل اکثر این مدل‌ها این است که نتوانسته‌اند به ارزیابی جامع و کاملی از قدرت کشورها بپردازند؛ به‌ویژه، در مورد متغیرهای کیفی که تاثیرگذاری بسیار زیادی بر قدرت ملی کشورها دارند، اما بسیار مشکل قابل ارزیابی و سنجش هستند. یکی از الگوهای نسبتاً جامع سنجش قدرت ملی، الگویی است که نگارنده در قالب رساله دکتری طرح کرده است. این الگو، مبتنی بر ۹ مولفه اقتصادی، سیاسی-حکومتی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، علمی، فرامرزی، فضایی و سرزمینی است و به حدود ۹۰ متغیر و شاخص مختلف به ابعاد

سنجش و تحلیل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
روشندل، جلیل؛ (۱۳۹۵)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: انتشارات سمت.
زرقانی، سیدهادی؛ (۱۳۸۵)، ارزیابی عوامل و متغیرهای موثر بر قدرت ملی و طراحی مدل سنجش قدرت ملی، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
زرقانی، سیدهادی؛ (۱۳۸۹)، نقد و تحلیل مدل‌های سنجش قدرت ملی، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱، پیاپی.
زرقانی، سیدهادی؛ (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر قدرت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
زرقانی، سیدهادی؛ (۱۳۹۲)، سنجش ورته‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۲.
زرقانی، سیدهادی؛ (۱۳۹۷)، ارزیابی مبانی جمعیتی قدرت ملی، طرح پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد.
زرقانی، سیدهادی؛ (۱۳۹۸)، درآمدی بر قدرت ملی همراه با مقایسه تطبیقی قدرت ملی ایران و عراق در دوره دفاع مقدس، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
سیف‌زاده، حسین؛ (۱۳۸۲)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
سیف‌زاده، حسین؛ (۱۳۹۳)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالب‌های فکری، تهران: سمت.
عام، عبدالرحمن؛ (۱۳۷۶)، بنیادهای علم سیاست، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
فرانکل، جوزف؛ (۱۳۸۲)، نظریه معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزگی، تهران: انتشارات اطلاعات.
کاظمی، علی‌اصغر؛ (۱۳۹۳)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
کاظمی، علی‌اصغر؛ (۱۳۷۳)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، چاپ ششم، تهران: نشر قومس.
کالینز، جان ام؛ (۱۳۸۴)، جغرافیای نظامی، ترجمه محمدرضا آهنی و بهرام محسنی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
کوهن، سوتل.ب؛ (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه علی کردان، چاپ اول، موسسه ابرار معاصر تهران.
مطهرنیا، مهدی؛ (۱۳۷۸)، تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
مورگنتا، هانس جی؛ (۱۳۷۴)، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
مویر، ریچارد؛ (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
نای، جوزف؛ (۱۳۹۳)، آینده قدرت، ترجمه محمد حیدری، آرش فرزاد، تهران: نشر فرزاد روز.
نبوی، عباس؛ (۱۳۸۸)، فلسفه قدرت، تهران: چاپ چهارم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.

ب) منابع لاتین:

Cohen, Saul, (1994), Geopolitics in the new world Era, In Reor-

قدرت ملی عراق است. به عبارت دقیق‌تر، با وجودی که ممکن است در یک یا چند متغیر یا حتی در یک یا چند عامل، عراق در برخی مقاطع زمانی امتیاز و رتبه بیشتری از ایران کسب کرده باشد، اما در مجموع متغیرها و عامل‌ها و در تمام سال‌های مورد بررسی، ایران رتبه و جایگاه بالاتری دارد. اختلاف امتیاز و رتبه قدرت ملی ایران نسبت به عراق در برخی سال‌ها مانند سال‌های ۱۹۷۷م تا ۱۹۷۹م زیاد است و در برخی سال‌ها نیز کمتر است. تقریباً در سال ۱۹۸۷م، اختلاف امتیاز دو کشور در مجموع قدرت ملی به کمترین حد خود رسیده است. نمودار ۲۳ وضعیت قدرت ملی دو کشور را در طی سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷ میلادی نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر و در مقایسه با سال‌های دفاع مقدس، قدرت ملی ایران به بالاترین حد خود نسبت به سال‌های گذشته رسیده است و ایران همچنان در مجموع متغیرها و فاکتورهای قدرت ملی برتری کاملی دارد.

*دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد
h-zarghani@um.ac.ir

■ منابع و مآخذ

منابع فارسی

احمدی، سید عباس؛ (۱۳۹۶)، آراء و نظریه‌های علمی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، مشهد: انتشارات پاپلی.
ارگانسکی، ای اف؛ (۱۳۵۵)، سیاست جهان، ترجمه دکتر حسین فره‌ودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
بشیریه، حسین؛ (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی، تهران: موسسه نگاه معاصر.
پرسکات، جی؛ (۱۳۵۲)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، انتشارات دانشگاه تهران.
تلیس، اشل و دیگران؛ (۱۳۸۳)، سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی، نظارت و ترجمه موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
تهامی، مجتبی؛ (۱۳۷۴)، امنیت ملی و سیاست‌های دفاعی، تهران: چاپ دانشگاه عالی دفاع ملی.
حافظ‌نیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی.
حافظ‌نیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۹)، قدرت و منافع ملی (مبانی، مفاهیم و سنجش)، تهران: نشر انتخاب.
حافظ‌نیا، محمدرضا؛ (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ دوم، مشهد: انتشارات پاپلی.
خلیلی، رضا، مرادیان، محسن؛ (۱۳۹۷)، قدرت ملی چارچوبی نوین برای

- dering in the world ,USA :west view press
- Glassner, Martin.(2004), Political Geograohy, John wieley and sons, INC, New York
- Goldstein, Joshua s,(1999). International Relations. New York, Longman,
- Hart, Jeffrey ,(1976). Three Approaches to the Measuement of power in international Relation .International Organisation
- Jablonsky. Divid,(1997)National power .parameters, Spring
- Muir,Richard,(1981).Modern Political Geography .Mac Millan Education: London and Hong Kong, 1981
- Modelski ,George,(1987),long cycles in world politics.seattle university of Washington press
- Suofeng, Huang, (1992).Comprehensive National Power Studies, Chinese Academy of Social Sciences Press
- Taylor, Peter,(2004), Political Geography,Longman Scientific
- Tellis,Ashley J .& Others.(2000). Measuring National Power in the Post industrial Age .Rond :New York
- Zarghani,h,(2010),measurement of national power, Germany: LAMBERT Academic Publishing
- Sepehr. Zabih ,(1988),The Iranian military in revolution and war. London: Routledg



مبانی حقوقی دریافت غرامت جنگ تحمیلی از عراق

دکتر یعقوب نعمتی و روجنی^۱، دکتر لیلا نعمتی^۲

چکیده

پرداخت غرامت از سوی متجاوز، به مثابه مجازاتی که در جهت تحدید استعداد جنگی کشور متخاصم و تسهیل بازسازی کشور آسیب دیده صورت می پذیرد، یکی از رویه های رایج حقوق بین الملل و اصل پذیرفته شده در نظام جهانی است. بر اساس حق دریافت غرامت که نه مشمول مرور زمان می شود و نه ربطی به تغییر دولت ها دارد، هر کشوری اقدامی انجام دهد که منجر به ضرر و زیان کشور دیگر شود، می بایست به میزان مسئولیت خویش غرامت بپردازد. بنابراین طبق مقررات حقوقی بین المللی، حق دریافت غرامت و جبران خسارت از جمله حقوق بی بدیل کشور ایران به عنوان قربانی جنگ تحمیلی است. لذا این نگاشته در پی آن است که با استفاده از روش تحقیق اسنادی به بررسی ابعاد و مبانی حقوقی حق دریافت غرامت از سوی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی بپردازد.

واژگان کلیدی

تجاوز عراق به ایران، حق دریافت غرامت، جبران خسارات جنگی، منشور سازمان ملل، جنگ تحمیلی.

مقدمه

جنگ ایران و عراق یکی از بزرگترین جنگ های قرن بیستم بود که صدها هزار کشته و زخمی به بار آورد و لطمات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای طرف های درگیر در جنگ به همراه داشت.

سوال اصلی مقاله حاضر این است که «حق دریافت غرامت ایران بابت خسارات وارده در جنگ عراق علیه ایران با توجه به گذر زمان و تغییر رژیم سیاسی در عراق، بر چه موازین و مبانی حقوقی استوار است؟» فرضیه تحقیق بدین صورت است که بر مبنای پروتکل های قانونی بین المللی، منشور ملل متحد و دیوان دادگستری

مباحث فوق، با مقایسه تطبیقی عملکرد عراق و سازمان ملل در پرداخت غرامت جنگی به کویت و ایران، در پایان نیز راهکارهای حقوقی برای پیگیری پرونده مطالبه غرامت جنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

■ چارچوب مفهومی

۱- معنا و مفهوم غرامت: غرامت، مجازاتی است که در مورد دولت‌های شکست‌خورده، به منظور کاهش استعداد جنگی آن‌ها برای سال‌های متمادی به کار برده می‌شود و کمکی است به بازسازی کشورهای پیروز در جنگ. به عبارت دیگر، غرامت تاوانی است که کشورهای پیروز، از کشورهای شکست‌خورده به خاطر خطاها و بی‌عدالتی‌هایی که آن‌ها پیش از جنگ یا در جنگ مرتکب شده‌اند، مطالبه می‌کنند. غرامت غالباً به صورت کالاهای سرمایه‌ای (کارخانه، ماشین‌آلات، لکوموتیو، تراکتور، کامیون و ...) پرداخت می‌شود که از خاک ملت شکست‌خورده منتقل می‌شود و جانشین کالاهایی می‌گردد که در جنگ نابود شده‌اند، اما ممکن است که به صورت پول نقد هم دریافت شود. (درویشی، ۱۳۸۶: ۲۹) بر اساس ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول و ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه، دولت ستیزه‌جویی که مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را اجرا نکند، مسئول پرداخت غرامت شناخته می‌شود. لذا این دولت مسئول همه اعمال ارتكابی اعضای نیروهای مسلح خویش است. (زمانی و ساعد، ۱۳۹۱: ۷۱۰)

۲- اصول و مبانی غرامت جنگی: لزوم جبران خسارت‌های جنگی و پرداخت غرامت به کشور زیان‌دیده در عرصه حقوق بین‌الملل دارای اصول و مبانی ارزشی، فلسفی و بشردوستانه‌ای است که در ذیل به سه مبانی مهم و بنیادی اشاره می‌گردد:

الف) اصل مسئولیت بین‌المللی

مفهوم و انواع مسئولیت دولت: مسئولیت بین‌المللی،

(مسعودی و خان‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۳) بر اساس حقوق بین‌الملل، می‌بایستی شورای امنیت سازمان ملل بی‌درنگ اقدامات غیرانسانی رژیم بعثی عراق در آن سال‌ها را پیگیری و صدام را به عنوان نقض‌کننده صلح بین‌المللی تنبیه می‌کرد. اما حتی پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ و اعلام «خاویر پرز دکوئیار» دبیرکل وقت سازمان ملل مبنی بر متجاوزبودن دولت عراق، پرونده این تجاوز عملاً تا سقوط صدام و دستگیری و محاکمه و اعدام وی مسکوت ماند (یحیوی، ۱۳۹۰: ۳۸). در این جنگ ناخواسته، ایران متحمل حداقل ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت مالی و بیش از ۲۰۰ هزار شهید و جانباز و مصدوم شد. (درویدیان، ج ۲، ۱۳۸۲: ۱۲۳) در کنار این خسارات مادی، تبعات نامطلوب فرهنگی، اجتماعی و زیستی نیز بر ملت ایران تحمیل شد؛ آثار زیانباری که تا مدّت‌های مدیدی به شدّت محسوس و مشهود بود. بر اساس عرف جهانی و حقوق مدون بین‌الملل و نیز بر اساس اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قاعده جبران خسارات و نیز مفاد اصل لاضرر و قاعده سنتی اعاده شئ به وضع اولیه، لزوم جبران خسارات وارده به ایران در طول جنگ تحمیلی مبرهن و پرواضح به نظر می‌رسد. همچنین الزام کشور متجاوز و متخاصم به پرداخت غرامت جنگی، در حقوق نوشته‌ای چون معاهدات بین‌المللی، پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون لاهه، قرارداد صلح ورسای و دیگر قطعنامه‌های سازمان ملل، مستتر و تصریح شده است. لذا از منظر مبنای حقوقی و اخلاقی، تردیدی در الزام دولت عراق به پرداخت غرامت جنگی به ایران باقی نمی‌ماند. با وجود اهمیت این انگاره حقوقی و به تبع اقتصادی، در ادبیات پژوهشی جنگ تحمیلی چندان به صورت علمی و دقیق به این مسئله پرداخته نشده است. لذا این نگاشته در پی آن است که ضمن ارائه دقیقی از مفاهیم و مبانی غرامت جنگی، به‌ویژه اشاره به رویه حقوق بین‌الملل و قواعد و قوانین فراملی حول این مفهوم، به بررسی حقوقی ارکان و عناصر مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در لزوم جبران خسارات جنگی تحمیل‌شده به ایران مبادرت ورزد. بنابراین ضمن تحلیل

مسئولیت بین‌المللی، یکی از نهادهای مهم حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌آید که برای تداوم حیات بین‌المللی کشورها و تثبیت صلح و امنیت و در نتیجه استقرار عدالت و انصاف ضروری است. در هر نظام حقوقی، اصلی به نام «اصل مسئولیت» وجود دارد که تضمینی برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و اجرای مقررات است. این اصل برای جبران خسارت ناشی از نقض آن مقررات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به‌شمار خواهد رفت.

۳) مسئولیت ساده و مرگب؛ منظور از مسئولیت ساده این است که طرف مسئول واقع شده تنها یک عضو از تابعان حقوق بین‌الملل باشد. اغلب صاحب‌نظران حقوقی تنها مسئولیت ساده یا دوجانبه را مدنظر قرار داده‌اند و در بررسی موضوع مسئولیت مرگب یا چندجانبه سخنی به میان نیاورده‌اند؛ با این حال، در عالم واقعیت چنین مسئولیتی به وقوع می‌پیوندد و به‌خصوص در محیط زیست دریایی احتمال وقوع آلودگی از سوی چندین دولت و سازمان بین‌المللی زیاد می‌شود. (همان: ۸۴-۸۲)

مبانی نظری مسئولیت بین‌المللی: در خصوص چرایی الزام دولت‌ها به قبول مسئولیت خویش و در نتیجه قبول جبران خسارت از سوی آنان دو نظریه در حقوق بین‌الملل مطرح است:

۱) نظریه خطر یا ریسک^۲: مطابق با این اصل هر گونه تخلف و تعرض نسبت به یک قاعده حقوقی بین‌المللی (عرفی و معاهده‌ای) موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌گردد و بایستی خسارت وارده را جبران نماید؛ خواه

یکی از نهادهای مهم حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌آید که برای تداوم حیات بین‌المللی کشورها و تثبیت صلح و امنیت و در نتیجه استقرار عدالت و انصاف ضروری است. در هر نظام حقوقی، اصلی به نام «اصل مسئولیت» وجود دارد که تضمینی برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و اجرای مقررات است. این اصل برای جبران خسارت ناشی از نقض آن مقررات مورد استفاده قرار می‌گیرد. (بازیاری شورابی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱) مسئولیت بین‌المللی زمانی مطرح می‌گردد که یک تعهد بین‌المللی نقض شود. هدف از آن هم، این است که خسارت وارده بر زیان‌دیده جبران شود؛ خسارت یکی از شرایط اصلی وقوع مسئولیت بین‌المللی است و هر گونه تخلف از تعهدات بین‌المللی باعث مسئولیت می‌شود. (همان: ۱۴-۱۲) مسئولیت بین‌المللی دولت از حیث موضوعی و مفهومی به شرح ذیل است:

۱) مسئولیت مستقیم و غیرمستقیم؛ چنانچه یکی از ارکان، نمایندگان یا افراد عادی مقیم سرزمین آن دولت به‌طور مستقیم مرتکب نقض تعهد بین‌المللی شود و ثابت گردد که دولت مزبور در خصوص این نقض تعهد مسئول است، چنین مسئولیتی را مسئولیت مستقیم گویند. در صورتی که دولتی به دلیل رابطه خاص با دولت دیگری، در برابر نقض یک تعهد بین‌المللی به وسیله دولت دوم، مسئول قلمداد گردد، این نوع مسئولیت را مسئولیت غیرمستقیم خوانند.

۲) مسئولیت مدنی و کیفری؛ این نوع تقسیم‌بندی در ماده ۱۹ «طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی» مشاهده می‌شود. اگر رعایت یک تعهد بین‌المللی آنچنان برای حفظ صلح جامعه بین‌المللی حیاتی باشد که این جامعه نقض آن را بالاتفاق جنایت به‌شمار آورد، تخلف مذکور جنایت بین‌المللی محسوب خواهد شد، مانند کشتار دسته‌جمعی. مسئولیت ناشی از هر عمل خلاف دیگری غیر از موارد فوق مشمول مسئولیت کیفری نیست و از مصادیق مسئولیت مدنی

بر اساس حقوق بین‌الملل، می‌بایستی شورای امنیت سازمان ملل بی‌درنگ اقدامات غیرانسانی رژیم بعثی عراق در آن سال‌ها را پیگیری و صدام را به عنوان نقض‌کننده صلح بین‌المللی تنبیه می‌کرد. اما حتی پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ و اعلام «خاویر پرز دکوئیار» دبیرکل وقت سازمان ملل مبنی بر متجاوزبودن دولت عراق، پرونده این تجاوز عملاً تا سقوط صدام و دستگیری و محاکمه و اعدام وی مسکوت ماند.

مستقیم و غیرمستقیم قابل تقسیم است که در زیر به تعریف و بیان آنها پرداخته می‌شود:

خسارات مادی و معنوی؛ خسارت مادی می‌تواند در نتیجه عمل مستقیم نمایندگان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل به بار آید. خسارت‌های مادی می‌تواند بر اموال و دارایی‌ها و یا بدن اشخاص وارد آید. خسارت معنوی، خساراتی است که بر اموال یا اجسام اشخاص، دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی وارد نمی‌آید، بلکه بر حیثیت و اعتبار این اشخاص حقیقی یا حقوقی زیان می‌رساند. هر نوع نقض تعهدی اگر از روی قصد و نیت باشد و جزو موارد رافع مسئولیت نیز نباشد، می‌تواند خسارت معنوی به بار آورد. حقوق بین‌الملل جبران هر دو نوع خسارت مادی و معنوی را لازم می‌داند.

خسارت مستقیم و غیرمستقیم؛ خسارت مستقیم، خسارتی است که با نقض تعهد به وقوع پیوسته رابطه سببی نزدیک و مستقیم دارد. حال آن‌که خسارت غیرمستقیم از ضنائم و ملحقات خسارت اصلی به‌شمار می‌آید. اگر بین نقض تعهد و خسارت مزبور رابطه علی وجود داشته باشد، این رابطه بسیار بعید است که عقل

ایجاد این مسئولیت متضمن عنصر خطا باشد یا نباشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۴۷۱-۴۷۲) در واقع فقط کافی است که عمل ارتكابی از سوی دولت بر خلاف مقررات و تعهدات بین‌المللی باشد، تا مسئولیت محرز گردد و تقصیرداشتن و یا بی‌تقصیربودن دولت شرط نیست. این نظریه تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک و حوادث و خطرات ناشی از آن‌ها شکل گرفته است.

(۲) **نظریه خطا یا مسئولیت ذهنی:** طبق این نظریه، علت لزوم جبران خسارات، تقصیر عامل ورود زیان است. در واقع تحقق مسئولیت منوط به خطا و یا سهل‌انگاری مرتکب است و صرف نقص تعهد بین‌المللی، موجب ایجاد مسئولیت نمی‌شود. (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷: ۲۴) پس تقصیر عنصر اصلی ایجاد مسئولیت است. باید اذعان داشت هر دو نظریه تحت تأثیر وقایع و رویدادهای زمان خود شکل گرفته‌اند؛ هر دو در کنار هم و در عرض هم رشد کرده‌اند و عمل به یکی به معنای طرد دیگری نیست. رویه قضایی در مواردی مطابق با نظریه خطا و در مواردی مطابق با نظریه خطر عمل نموده است. به عبارتی هر دو نظریه معتبر و قابل اجرا هستند.

(ب) اصل جبران خسارت

اصل یا قاعده عرفی جبران خسارت یکی از قواعد عام و مسلّم در حقوق بین‌الملل است که بر لزوم ترمیم زیان‌ها و جبران خسارت‌های وارده دولت دلالت دارد. به عبارتی در عرصه جهانی زمانی که دولتی تعهدی بین‌المللی را نقض می‌کند، متعهد است همه نتایج عمل غیرقانونی را تا حد ممکن از میان بردارد و جبران خسارت در شکل مناسب را بر عهده بگیرد. در واقع تصمیمات و آرای دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی سنگ بنای حقوق بین‌الملل عرفی درباره جبران خسارت تلقی می‌گردد. (حدادی، ۱۳۹۳: ۳۷۱)

در حقوق بین‌الملل، خسارت‌ها به اقسام مادی، معنوی،

وارد شده وجود نخواهد داشت. (همان: ۱۴۵-۱۴۳) بیان صریح «بریتانیا» در «دعای آلاباما» مبنی بر این که جبران خسارت، نه تنها باید با خسارت ناشی از یک عمل غیرقانونی هم خوان، بلکه باید با اهمیت آن عمل نیز متناسب باشد، یکی دیگر از مصادیق توسل به معیار قابلیت مسئولیت است. (همان: ۱۵۹)

ماده سوم طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت نیز مفهوم مشابهی را در بر دارد. بر اساس این ماده، مسئولیت بین‌المللی زمانی پدید می‌آید که الف- رفتار به وقوع پیوسته (فعل یا ترک فعل) بر طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت باشد. ب- رفتار مزبور موجب نقض تعهد بین‌المللی را موجب مسئولیت می‌داند. می‌توان نتیجه گرفت که دو عنصر اساسی در خلق مسئولیت بین‌المللی مؤثرند؛ عنصر اول این که نقض تعهد بین‌المللی باید به وقوع پیوسته باشد (عنصر مفعولی). عنصر دوم این که عامل نقض تعهد باید از اتباع حقوق بین‌الملل باشد (عنصر فاعلی). (بازیاری شورابی، ۱۳۸۱: ۳۴)

ج) قاعده اعاده شیء به وضع اولیه^۶:

قاعده «لزوم بازگرداندن اوضاع به ما قبل فعل» یا «اعاده شیء به وضع اولیه» دارای اهمیتی اساسی و ریشه‌دار در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است. بر اساس ماده ۳۵ مصوبه کمیسیون حقوق بین‌الملل، بازگرداندن به وضع سابق عبارت است از «برقراری مجدد وضعیتی که پیش از ارتکاب عمل غیرقانونی وجود داشته است». دکترین موجود در این زمینه نیز بیان می‌دارد که در صورت بروز لطمه شدید به سبب جرایم بین‌المللی، بازگشت به وضع سابق، جنبه آمرانه و غیرقابل مذاکره به خود گرفته و تمامی توافق‌نامه‌ها و قراردادهای میان دولت مسئول و دولت بزه‌دیده را، که مانع اجرای این اصل باشد، بلا اثر می‌نماید. (عمرانی، ۱۳۸۴: ۶۳-۵۸ و ن.ک. به: Graefrath, 1989: 165)

و منطق نمی‌پذیرد جبران آن بر عهده ناقض تعهد قرار گیرد. به بیان دیگر تأثیر سایر علل خارجی آنچنان مهم است که نقض مورد بحث را می‌پوشانند و رابطه آن را با خسارت بسیار ضعیف می‌گردانند. در حقوق بین‌الملل جبران خسارت غیرمستقیم بر خلاف جبران خسارت مستقیم پذیرفته نشده است. (بازیاری شورابی، ۱۳۸۱: ۱۴۲-۱۴۱)

اشکال جبران خسارت؛ اشکال جبران خسارت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. **اعاده به وضع سابق:** تعهدی است که بر اساس آن، دولت مسئول باید تمام آثار نقض تعهد را از بین ببرد و وضعیت را به حال سابق برگرداند.
۲. **جبران خسارت مالی:** زمانی مطرح می‌شود که صورت اول خسارت یعنی اعاده به وضع سابق ناکافی یا غیرممکن باشد.
۳. **تحصیل رضایت:** زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نقض تعهد، زیان غیرمادی به بار آورده باشد.

جبران خسارت مالی^۷ زمانی مطرح می‌شود که صورت اول جبران خسارت، یعنی اعاده به وضع سابق ناکافی یا غیرممکن باشد. البته همان گونه که در زمینه مسئولیت مدنی حقوق داخلی دیده می‌شود، موضوعات رابطه علیت، چگونگی رابطه علت و معلول قابل پیش‌بینی بودن عمل غیرقانونی از جمله عواملی هستند که در ارزیابی خسارت قابل جبران و منتسب به دولت ناقض، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هر گاه خسارت وارد شده معنوی باشد، یا تنها خسارت‌های «اخلاقی» یا «سیاسی» ناشی از نقض تعهد، موضوع رسیدگی باشد، ارزیابی خسارت به منظور صدور حکم با مشکلات خاصی مواجه خواهد شد. برای مثال هر گاه نقض تعهد در اثر تجاوز به قلمرو کشوری یا قصور در مجازات، به وقوع پیوسته باشد و هیچ نوع خسارت مادی نیز وارد نیامده باشد، اصول چندانی برای تعیین میزان خسارت

■ غرامت جنگی در حقوق بین‌الملل

از نظر سابقه تاریخی، نخستین بار در سال ۱۹۱۹م در جریان کنفرانس صلح پاریس مسأله پرداخت غرامت جنبه قانونی یافت. این کنفرانس برای بررسی مسائل مورد نظر خود، ۵۲ کمیسیون تخصصی تشکیل داد و یکی از این کمیسیون‌ها بررسی مسئولیت بانیان جنگ را عهده داشت. کمیسیون مسئولیت بانیان جنگ، در جریان کار نتیجه گرفت که دولت‌های متفق جنگ جهانی اول، یعنی آلمان، اتریش، بلغارستان و عثمانی به پیروی از سیاستی تجاوزکارانه، جنگ را آغاز کرده‌اند و مسئول عواقب آن نیز می‌باشند. نظر این کمیسیون در ماده ۲۳۱ قرارداد صلح ورسای (۱۹۱۹م) گنجانده شد، بر اساس این ماده، آلمان مسئولیت زیان‌ها و خسارات ناشی از تجاوز خود و متفقانش را بر عهده گرفت. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۳۴۳) طبق ماده مزبور «دولت‌های متفق و دولت‌های وابسته به آنها تأیید می‌کنند و آلمان مسئولیت خود و متحدانش را در قبال صدمات و زیان‌های وارده بر متفقین و دولت‌های هم‌پیمان آنان و اتباع آنها در نتیجه جنگی که با تجاوز آلمان و متحدینش بر آنها تحمیل گردید، می‌پذیرد...». بر طبق ماده ۲۳۲ نیز «متفقین و دولت‌های وابسته... خواستار می‌شوند و آلمان متعهد می‌گردد که تمام خسارات وارده به جمعیت غیرنظامی متفقین و قدرت‌های وابسته و به اموال آنها را در طول مدت مخاصمه با هر یک از آنها به علت تجاوز زمینی، دریایی یا هوایی آلمان پرداخت کند...».

پس از پایان مخاصمات در جنگ جهانی دوم، تقاضای پرداخت غرامت جنگی با شدت بیشتری از گذشته انجام گرفت. در ایالات متحده به منظور جبران ادعاهای مربوط به جنگ، با بررسی لوایح جداگانه در کنگره، حتی پیش از وارد شدن این کشور به جنگ جهانی دوم، تلاش‌هایی صورت گرفت. با توجه به تعداد و تنوع ادعاهای مربوط به جنگ که نیاز به توجه داشت، کنگره «قانون ادعاهای جنگی» را در سال ۱۹۴۸م به تصویب رساند. غرامت

جنگی تحت چهار گروه کلی درخواست گردید:

(۱) زیان‌ها یا خرابی‌های وارده به اموال در برخی از کشورهای اروپایی و در مناطقی که مورد حمله ژاپنی‌ها قرار گرفته و خرابی‌هایی که به علت عملیات نظامی در جنگ یا اقدامات ویژه‌ای که علیه چنین اموالی در این کشورها یا سرزمین‌ها به خاطر خصوصیت دشمن بودن صاحبانشان صورت گرفته است.

(۲) صدمات یا خرابی‌های وارده به کشتی‌ها یا محموله کشتی در نتیجه اقدام نظامی آلمان یا ژاپن.

(۳) خالص زیان‌های وارده به بیمه‌گران بر طبق بیمه‌نامه‌های خطرات جنگ کشتی‌ها.

(۴) زیان‌ها یا صدمات وارده به علت فوت، جراحت یا معلولیت دائم شهروندان غیرنظامی. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۹۴)

پس از جنگ جهانی دوم، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز ضمن محکوم کردن صریح اعمال تجاوزکارانه، وظیفه جبران خسارت یا پرداخت غرامت را یادآور شده است. برای مثال در قطعنامه ۲۶۲ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۸م. شورای امنیت بدون آن‌که هجوم هوایی رژیم صهیونیستی به فرودگاه بیروت را تجاوز بنامد، لبنان را مستحق جبران خسارت مناسب از بابت خرابی‌های به بارآمده دانست. همچنین قطعنامه ۲۹۰ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۷۰م. در مورد تهاجم پرتغال به گینه، از دولت پرتغال می‌خواهد که به جمهوری گینه غرامت بپردازد. همچنین در قطعنامه ۳۸۷ مورخ ۳۱ مارس ۱۹۷۶م. در مورد تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا، از آفریقای جنوبی خواست که تقاضای عادلانه جمهوری خلق آنگولا در مورد پرداخت غرامت کامل را، از بابت زیان‌ها و خرابی‌های وارد شده به این دولت و مسترد داشتن تجهیزات و وسایلی که نیروهای مهاجم ربوده بودند، برآورده سازد. شورای امنیت همچنین در قطعنامه ۴۵۵ مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۷۹م پس از محکوم کردن تجاوز رودزیای جنوبی به زامبیا، خواستار پرداخت غرامت کامل و مناسب به

دیوان دائمی بین‌المللی (ICC) نیز در ذیل رأی خود در قضیه کارخانه کورزوف^۶ اشعار می‌دارد: جبران خسارت باید تا جایی که ممکن است، چنان وسیع باشد که آثار عمل غیرقانونی را مرتفع سازد. (محبی، ۱۳۸۵: ۲۱) در این رویه قضایی دیوان لاهه اظهار نظر می‌کند که بنا به اصلی یا حتی مفهومی کلی از حقوق بین‌الملل، هر نوع نقض عهد، پرداخت غرامت را ایجاب می‌کند. جبران زیان وارده می‌تواند شامل پرداخت غرامت معادل زیان‌های وارده به اتباع کشور آسیب‌دیده باشد که در نتیجه اقدامی مغایر با حقوق بین‌الملل رخ داده است. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۹۸) رویه قضایی منبعث از رأی کارخانه شهر کورزوف در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی کاملاً روشن می‌سازد که عراق مسئول پرداخت غرامت است.

■ غرامت جنگی

در جنگ عراق علیه ایران

مبانی مسئولیت دولت عراق و جبران خسارات وارده به ایران:

در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت عراق و لزوم جبران خسارات وارده در جنگ تحمیلی می‌توان به موارد ذیل استناد جست:

نقض قرارداد ۱۹۷۵م؛ در سال ۱۹۷۵م در الجزایر، قراردادی بین ایران و عراق منعقد و خط‌القعر ارون‌درد مرز مشترک آبی ایران و عراق شد، اما مدتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صدام نخستین عمل ضدحقوقی یعنی پاره‌کردن قرارداد ۱۹۷۵م را انجام داد و عملاً خود را مهیای جنگ با ایران نمود. این مسئله یعنی پاره‌کردن قرارداد رسمی و بین‌المللی الجزایر، اولین دلیل ایران برای درخواست غرامت جنگی است؛ زیرا صدام بود که به قرارداد بین‌المللی ۱۹۷۵م پشت پا زد. بعد از جنگ نیز، گرچه شورای امنیت سازمان ملل متحد با تأنی و تا حدود زیادی جانبدارانه به قضیه جنگ ایران و عراق نگاه می‌کرد؛ ولی سرانجام براساس قطعنامه ۵۹۸

بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ بر این سه محور استوار شده است:

- ۱- اذعان به بزرگی خسارات ناشی از جنگ
- ۲- تحمیلی اعزام هیأت کارشناسی از طرف دبیرکل سازمان ملل به ایران و عراق برای بررسی خسارات وارده و پژوهش در باب مسأله بازسازی و گزارش مراتب به شورای امنیت
- ۳- ضرورت کمک‌های مناسب بین‌المللی برای بازسازی. بنابراین قطعنامه ۵۹۸ به عنوان یک سند الزام‌آور حقوقی، یکی از مهم‌ترین ارکان و دلایل لزوم پرداخت غرامت تلقی می‌گردد.

جمهوری زامبیا شد. همین فرمول در قطعنامه ۴۷۵ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۰م نیز به کار رفت که در آن ادعای آنگولا علیه آفریقای جنوبی در مورد جبران خسارت تأیید گردید. همین موضوع بار دیگر در قطعنامه ۵۲۷ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۲م شورای امنیت تکرار شد که در آن اعمال تجاوزکارانه آفریقای جنوبی علیه لسوتو محکوم گردید و از آفریقای جنوبی خواسته شد که به خاطر زیان‌های وارده شده به جان و مال مردم، ناشی از این عمل تجاوز، به پادشاهی لسوتو، غرامت کامل و مناسب بپردازد. در قطعنامه ۴۸۷ مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱م نیز، حمله اسرائیل به مرکز تحقیقات هسته‌ای عراق محکوم و عراق مستحق جبران خسارت مقتضی به خاطر خرابی‌های به وجود آمده دانسته شد.

در همه این قطعنامه‌ها شورای امنیت تصمیمات خود را بر این فرض استوار ساخت که تجاوز به‌طور خودکار موجب وظیفه جبران خسارت است و وجود آن موکول به توافق متجاوز نیست، با وجود این، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شورای امنیت عملکردی متفاوت داشته است. (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۳۶)

هر گونه تخلف و تعرض نسبت به

يك قاعده حقوقی بین‌المللی (عرفی و

معاهده‌ای) موجب مسئولیت بین‌المللی

دولت می‌گردد و بایستی خسارت وارده

را جبران نماید؛ خواه ایجاد این مسئولیت

متضمن عنصر خطا باشد یا نباشد.

بین‌المللی جنگ مسئول شناخته می‌شود. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۹۴)

عراق با این تهاجم دو ماده منشور ملل متحد را به‌طور آشکار نقض کرد که عبارتند از: ماده (۳): «تمام دولت‌های عضو، اختلافات بین‌المللی خود را از طرق مسالمت‌آمیز، به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل و فصل خواهند کرد.» ماده (۴): «تمام دولت‌های عضو، از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر امتناع خواهند ورزید.» (اسکندری، ۱۳۸۰: ۱۲). طبق منشور سازمان ملل متحد، نخستین اصل قطعنامه بیانیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان کشورها A/Res. 2625 (XXV) که در ۴ نوامبر ۱۹۷۰ م صادر شد، نیز منع کاربرد زور را همان گونه که در ماده ۲ (۴) آمده مورد تأکید قرار می‌دهد. (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۳۵)

مفاد قاعده لاضرر: در حقوق داخلی و نیز در عرف و حقوق بین‌الملل، اصل یا قاعده‌ای به نام «قاعده لاضرر» وجود دارد و مقصود از آن این است که هر کس یا هر دولتی که زیانی بر دیگران یا دیگر دولت‌ها زده باشد، ملزم به جبران زیان وارده است. همه نظام‌های حقوقی و قضایی، جبران زیان را در این دانسته‌اند که همه آثار عمل ارتكابی و خلاف قانونی که موجب خسارت شده است، از میان برود و وضعی به وجود

و گزارش دبیرکل سازمان ملل عراق را متجاوز شناخت. (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۳)

نقض حاکمیت ایران؛ حملات رژیم عراق به خاک ایران، نقض آشکار حاکمیت ایران است. عراق پس از چند ماه درگیری‌های کوچک در مرزهای دو کشور در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به صورت گسترده به سرزمین ایران حمله کرد و با عبور از مرزهای بین‌المللی بخشی از سرزمین آن را تصرف کرد. این حمله از مصادیق نقض حاکمیت یک کشور مستقل می‌باشد. لذا دولت عراق به دلیل ارتكاب تخلف بین‌المللی یعنی توسل به زور علیه یک دولت، نقض حاکمیت یک کشور مستقل، تجاوز و نقض قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه مسئول است. (پوره‌اشمی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۶) این در حالی است که طبق ماده ۲ منشور ملل متحد، اصل تساوی حاکمیت ملی به عنوان حق اساسی پذیرفته شده است و کلیه اعضا ملزم گردیده‌اند که در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مباینیت داشته باشد، خودداری کنند.

فحوای اسناد و معاهدات بین‌المللی: معاهدات و اسناد بین‌المللی کشورها را به رعایت اصول و قوانینی ملزم می‌دارد که در صورت تخطی از این قواعد، کشور خاطی دارای مسئولیت بین‌المللی و جبران خسارات ارتكابی خواهد بود. کنفرانس چهارم ۱۹۰۷ م لاهه در ارتباط با «مقررات حاکم بر جنگ زمینی»، مقرر می‌دارد: «طرف متخاصمی که مفاد مقررات مربوط را نقض می‌کند، بر حسب مورد مسئول جبران خسارت خواهد بود. دولت خاطی مسئول تمام اقداماتی است که افرادی که بخشی از نیروهای مسلح آن را تشکیل می‌دهند، مرتکب می‌شوند.» حداقل تا آنجا که از کنوانسیون لاهه مستفاد می‌گردد و می‌تواند به مثابه یک قاعده عرفی عمومی حقوق بین‌المللی مورد استناد قرار گیرد، طرف درگیر در جنگ در قبال زیان‌های ناشی از اعمال مغایر با حقوق

۲. اعزام هیأت کارشناسی از طرف دبیرکل سازمان ملل به ایران و عراق برای بررسی خسارات وارده و پژوهش در باب مسأله بازسازی و گزارش مراتب به شورای امنیت
۳- ضرورت کمک‌های مناسب بین‌المللی برای بازسازی. (زمانی، ۱۳۷۶: ۲۴) بنابراین قطعنامه ۵۹۸ به عنوان یک سند الزام‌آور حقوقی، یکی از مهم‌ترین ارکان و دلایل لزوم پرداخت غرامت تلقی می‌گردد.

نقض قواعد آمره بین‌المللی: علمای حقوقی معتقدند که در عرصه بین‌الملل قواعدی الزام‌آور به وجود آمده‌اند که تخطی از آن با تراضی دولت‌ها ممکن نیست. این قواعد که برتر از اراده دولت‌ها است، به قواعد آمره^۱ موسوم است. (پوره‌اشمی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۶۷) حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و اجتناب از تهاجم مسلحانه به کشورها از بنیادی‌ترین قواعد آمره بین‌المللی است که متکی بر اسناد بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد و دیگر معاهدات فراملی است. ماده ۱ معاهده مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی، مصوب ۲۰۰۱م مقرر می‌دارد «هر عمل متخلفانه بین‌المللی یک کشور، مسئولیت بین‌المللی آن کشور را به دنبال دارد». ماده ۳۱ نیز اذعان دارد «کشور مسؤول، متعهد است تا در برابر زیان ایجاد شده ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی، خسارت کامل بپردازد. طبق بند ۲ ماده مذکور، زیان عبارت است از هرگونه ضرر مادی یا معنوی که توسط عمل متخلفانه بین‌المللی ایجاد می‌گردد». بند ۲ ماده ۵ قطعنامه تعریف تجاوز، جنگ تجاوزکارانه را جنایتی علیه صلح بین‌المللی تلقی می‌کند و مبادرت به تجاوز را موجب مسئولیت بین‌المللی بر می‌شمارد. (مستقیمی و دیگران، ۱۳۶۶: ۴۰) بنابراین تهاجم عراق به مرزهای ایران، نقض آشکار قواعد آمره بین‌المللی است که مطابق معاهده مذکور، مسئولیت بین‌المللی این کشور را در پی دارد.

برآورد دبیرکل سازمان ملل و گزارش هیأت اعزامی از

آید که در صورت عدم عمل خلاف، وجود می‌داشت. به دیگر سخن جبران زیان و خسارت نتیجه منطقی یا عوض ضرر تلقی می‌شود. به لحاظ عرف و حقوق بین‌الملل نیز نقض تعهدات بین‌المللی و تخلف از اصول حقوق بین‌الملل، موجب مسئولیت جبران خسارت در برابر دولت زیان دیده می‌شود و دولت ناقض و متخلف باید به شکل مناسب زیان وارده بر دولت دیگر را جبران کند. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۳۴۳)

■ ارکان و عناصر مسئولیت عراق در پرداخت غرامت جنگی به ایران

تجاوز عراق به خاک ایران و تحمیل جنگ هشت‌ساله به مثابه یک جرم بین‌المللی است که به عنوان یک پدیده مجرمانه نیازمند تحلیل حقوقی است. مسئولیت عراق در جبران خسارات وارده به کشور ایران و پرداخت غرامت دارای عناصر و ارکان ذیل است:

الف- عنصر قانونی: در ذیل این مبحث عناصری که به عنوان نص قانونی در حقوق بین‌الملل پرداخت غرامت را دارای وجاهت و الزام دانسته، مورد اشاره قرار می‌گیرند. قطعنامه ۵۹۸: قطعنامه ۵۹۸ یکی از مهم‌ترین مبانی مسئولیت دولت عراق و لزوم پرداخت غرامت جنگی است. «شورای امنیت سازمان ملل در بند هفتم قطعنامه ۵۹۸، که اولین بار در طول هشت سال جنگ بین ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰م) بر اساس مواد سی و نه و چهل از فصل هفتم منشور ملل متحد در بیستم ژوئیه ۱۹۸۷م (بیست و نهم تیر ۱۳۶۶) در جلسه ۲۵۷۰ شورا به تصویب رسید؛ مقرر می‌دارد «با تصدیق ابعاد عظیم خساراتی که در طول منازعه وارد شده و ضرورت تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه منازعه، از دبیرکل درخواست می‌کند، گروهی از کارشناسان را برای بررسی مسأله بازسازی، تعیین و به شورای امنیت گزارش کند». (شیرودی، ۱۳۸۴: ۷۸) بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ بر این سه محور استوار شده است: ۱- اذعان به بزرگی خسارات ناشی از جنگ تحمیلی

خسارات: به دنبال حمله عراق به کویت، دبیرکل وقت سازمان ملل، «خاویر پرز دکوئیار» صراحتاً دولت عراق را آغازگر جنگ با ایران معرفی کرد. حداقل از این تاریخ ایران نیازی نداشت تا برابر قطعنامه ۵۹۸ ثابت کند که عراق آغازگر جنگ است. با این دلیل متقن و بیان قانونی از ناحیه سازمان ملل، ایران باید درخواست غرامت خود را که بعضی از مسئولان هزار میلیارد دلار برآورد کرده‌اند، در دادگاه بین‌المللی مطرح می‌کرد. (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۳) مطابق بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ تعیین ابعاد خسارت‌های وارده و پرداخت غرامت به هیئت کارشناسی که از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد انتخاب می‌شوند، واگذار شد و در اجرای این بند هیأت کارشناسی در خردادماه و آبان ۱۳۷۰ وارد ایران شدند و پس از تعیین ابعاد خسارت‌های ایران در جنگ تحمیلی تحقیق و بررسی‌های به عمل آمده را به صورت دو گزارش به دبیرکل سازمان ملل تسلیم نمودند. (منصوری، بی‌تا: ۱۸۵-۱۸۶) این هیأت دوبار در سی و یکم مه تا بیست و یکم ژوئن ۱۹۹۱م (خرداد ۱۳۷۰) و هفتم نوامبر تا اول دسامبر ۱۹۹۱م (آبان ۱۳۷۰) به ایران سفر کرد. سفر اول به منظور دستیابی به اطلاعاتی «درباره ماهیت و ابعاد خسارات وارده به زیربنای کشور در جریان جنگ. جمع‌آوری اطلاعات به منظور بررسی مسأله بازسازی و تحقیق و تأیید اطلاعات به دست آمده تا حد امکان، از طریق بازدید از محل» انجام شد. در این سفر، اطلاعاتی درباره استان‌هایی که صحنه عملیات‌های جنگی و یا هدف حملات هوایی و موشکی بوده‌اند؛ مراکز شهری و روستایی که با خاک یکسان شده و یا خسارت کلی دیده، خانه‌های مسکونی که کاملاً منهدم شده و یا آسیب جدی دیده‌اند، غیرنظامیانی که کشته، مجروح و یا برای همیشه از کار افتاده شده‌اند و میلیاردها ریال خسارات‌های سنگینی که مستقیم یا غیرمستقیم به بخش‌های اقتصادی، از جمله در بخش کشاورزی و به‌ویژه نابودی باغ‌های نخل ایران وارد شده، در اختیار هیأت قرار گرفت. تیم اعزامی پس از بازگشت از سفر اول، در گزارشی به دبیرکل نوشت:

«میزان خسارات وارده به زیرساخت‌های ایران چنان گسترده است که بازسازی آن سال‌ها طول می‌کشد. صنایع نفتی و اقتصاد ملی ایران خسارات گسترده دیده و پالایشگاه آبادان و بزرگ‌ترین تأسیسات بارگیری نفت جهان در جزیره خارک و همچنین بندر تجاری-مسافرتی خرمشهر کاملاً منهدم شده‌اند.» سفر دوم هیأت در آبان ۱۳۷۰، در راستای پیگیری دقیق اطلاعات حاصله از سفر اول انجام گرفت. در این سفر، هیأت با مسئولان نهادها و سازمان‌ها در ایران مذاکرات حضوری داشت تا خسارات وارده را به‌طور دقیق برآورد کند و حتی‌الامکان از مراکز و تأسیسات آسیب‌دیده به‌طور مستقیم بازدید به عمل آورد. نتایج تحقیق و بررسی‌های به عمل آمده در گزارشی با شماره ۳۶۸۲۲/س مورخ سی و یکم ژوئیه ۱۹۹۱م تسلیم دبیرکل سازمان ملل شد و در آن اطلاعات کاملی از ماهیت و میزان خسارات وارده، برآوردهای دولت ایران از هزینه بازسازی‌های گذشته و حال در بخش‌های خانه‌سازی، صنایع نفت، حمل و نقل، صنایع سبک و سنگین، کشاورزی و سیستم آب‌رسانی، انرژی و نیرو، ارتباطات دور و مخابراتی، آموزش و پرورش، بهداشت و میراث فرهنگی ارائه گردید. در نتیجه‌گیری گزارش، میزان خسارات مستقیم وارده به ایران، ۹۷/۲ میلیارد دلار و خسارات غیرمستقیم، ۳۴۵۳۵ میلیارد ریال برآورد شده بود. دبیرکل در گزارش ۱۹۱ صفحه‌ای خود به شورای امنیت، در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۹۱م، موضوع را به اطلاع اعضای شورا رساند. به این ترتیب بخشی از بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ که برآورد خسارات جنگی توسط کارشناسان سازمان ملل بود، انجام شد. (شیرودی، ۱۳۸۴: ۷۸) گزارش این هیأت، در حقیقت توصیفی از وسعت خرابی‌ها و برآوردهای مالی خسارت‌های وارده به ایران بود. قسمت‌هایی از گزارش هیأت بدین شرح است: «از ۲۴ استان کشور، ۵ استان صحنه نبرد بود و ۱۱ استان دیگر هدف حمله‌های هوایی و موشکی مکرر قرار گرفت. این ۱۶ استان، دو سوم جمعیت ۵۰ میلیونی کشور را در خود جای می‌داد.

بین‌المللی آن دولت می‌گردد. (زمانی، ۱۳۸۱: ۲۸) از آنجا که بر طبق حقوق بین‌الملل کشورها مسئول اعمال خود هستند، منطقی به نظر می‌رسد که خطای یک طرف، یعنی اقدامات تجاوزکارانه عراق، باید به عنوان ضابطه‌ای برای احراز مسئولیت یا غرامت به کار گرفته شود. بر طبق ماده ۳ کنفرانس ۱۹۳۰ م لاهه، برای تدوین قوانین حقوق بین‌الملل «مسئولیت بین‌المللی یک دولت به معنی این است که دولت‌ها بابت صدمات و زیان‌های وارده ناشی از قصور در رعایت تعهدات بین‌المللی باید غرامت پرداخت کنند.» در موضوع تحت بررسی ما، رژیم عراق منشور ملل متحد و معاهده ۱۹۷۵ م الجزیره، را با حمله به ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ م نقض کرده (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۹۸) و تجاوز آشکار و گسترده‌ای را علیه ایران آغاز نموده است. بنابراین نشانه اولیه اقدام تجاوزکارانه، یعنی پیش‌دستی در تهاجم نیروهای مسلح عراق به ایران مشاهده می‌شود. لذا مصداق بارز ماده ۲ قطعنامه تجاوز نیز می‌باشد. (پوره‌اشمی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۶۷). بدین ترتیب مبادرت کشور عراق به توسل به زور و تجاوز به خاک ایران، در جهت مسئولیت بین‌المللی عراق و لزوم جبران خسارات مادی و پرداخت غرامت جنگی کاملاً مشهود و مستند به اسناد بین‌المللی است.

نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه: دولت عراق در طول دوران جنگ تحمیلی به کرات به نقض حقوق بشر مبادرت ورزید. استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی یکی از موارد اصلی نقض حقوق بشر دوستانه در جنگ عراق علیه ایران بود. (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۲۲۳) در حوزه نبرد دریایی نیز اقدام عراق به قطع صدور نفت ایران، حملات هوایی به پایانه‌های نفتی، سکوهاستخراج و نفت‌کش‌های حامل نفت ایران به کرات صورت می‌گرفت که از موارد نقض حقوق بشر دوستانه تلقی می‌گردد. (ممتاز و شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۳: ۴) همچنین کشتن اسیران در اردوگاه‌های اسیران جنگی، بدرفتاری با اسیران جنگی، غارت اموال عمومی و خصوصی، انهدام



منطقه نبرد به طول ۱۲۰۰ کیلومتر در امتداد مرز و به عمق ۸۰ کیلومتر، عمدتاً در خاک ایران است. طبق اظهارات مقامات ایرانی، بیش از ۵۰ شهر و شهرستان و نزدیک به ۴ هزار روستا در این جنگ به میزان مختلف متحمل خسارت گردیدند و تعداد بسیاری نیز با خاک یکسان شده‌اند که می‌بایست آن‌ها را به این تعداد اضافه کرد. هیأت سازمان ملل تعداد قابل ملاحظه‌ای از این محل‌ها را مورد بازدید قرار داد و خسارات وارده را تایید کرد. (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۳۲) بدین ترتیب گزارش دبیرکل و هیأت اعزامی یکی دیگر از متون و نص لزوم پرداخت غرامت تلقی می‌گردد.

ب- عنصر مادی: منظور از عنصر و رکن مادی مسئولیت عراق در پرداخت غرامت به افعال و اعمال فیزیکی و مادی اشاره می‌گردد.

ارتکاب تجاوز و توسل به زور؛ در سطح بین‌المللی هر عمل خلاف مقررات یک کشور، سبب مسئولیت

تلاش می‌کردند ایران هم‌چنان در برابر هزینه‌های بازسازی خسارات جنگ، درگیر و ضعیف باقی بماند. ثانیاً، به بازسازی عراق که قدرت متعادل‌کننده ایران بود، توجه کردند. به همین سبب، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تأکید داشتند که یک صندوق مشترک تشکیل شود که پول آن را کشورهای مختلف تأمین کنند و به تناسب میان ایران و عراق تقسیم شود. (همان: ۲۱۰) در این بین کارشناسان ایرانی جمع خسارات وارده بر ایران در جریان جنگ تحمیلی را معادل ۷۶۵,۳۵۳ میلیارد ریال برآورد کرده‌اند. از این مبلغ ۴۳۰,۸۱۱ میلیارد ریال خسارت‌های مستقیم و میزان ۳۳۴,۵۴۲ میلیارد ریال خسارت‌های غیرمستقیم جنگ است. در مورد خسارت‌های مستقیم انسانی این جنگ تاکنون برآوردی منتشر نشده است. اقتصاد ایران در طول ۸ سال جنگ جمعاً ۳/۲۷ درصد از تولید ناخالص خود را از دست داد. تنها جبران خسارت‌های غیرمستقیم جنگ به تلاش و کوششی معادل تأمین رشد سالانه ۶ درصد در تولید ناخالص داخلی در حداقل ۴/۵ سال نیاز دارد. (مردوخ، ۱۳۸۹)

محاسبه خسارات جنگی از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول، خساراتی است که ایران در نتیجه تجاوز عراق و اشغال سرزمینش متحمل شده است و بخش دوم خساراتی است که عراق با حملات هوایی شهرها و استفاده از سلاح شیمیایی در خارج از صحنه نبرد، به ایران وارد کرده است. مجموع خسارات جنگی میلیاردها دلار تخمین زده شده است. سازمان برنامه و بودجه ایران در سال ۱۹۸۶م این رقم را ۳۰۹ میلیارد دلار اعلام کرد. شکی وجود ندارد که عراق مسئولیت خسارات بر شهرها و تاسیسات زیربنایی ایران را بر عهده دارد، زیرا مهاجرت مردم از مناطق جنگی فشار زیادی بر دولت ایران تحمیل کرده که باید در پرداخت غرامت جنگی، این موضوع در بخشی از مذاکرات گنجانده شود. (گروه مترجمین، ۱۳۷۹: ۱۴) حمله به بیمارستان‌ها، مدارس و اماکن عمومی علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین

شهرها و روستاها، از جمله اعمالی است که ارتش عراق بارها در طول جنگ انجام می‌داد. بر همین اساس و به استناد بند «ب» ماده‌ی ۶ اساس‌نامه دادگاه نورنبرگ، که مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۴۶م در قالب قطعنامه‌ای اصول آن را مورد تأکید قرار داد، اعمال یادشده از مصادیق بارز جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند. (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۳۲) در دومین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۰۷م، تلاش‌های بین‌المللی خلع سلاح به اولین قرارداد بین‌المللی که از نظر حقوقی تعهدآور بود، نایل آمد. در این کنوانسیون، منع قبلی استفاده از سلاح‌های سمی در جنگ تأیید شد. در ماده ۲۳ بندهای (الف) و (ر) این کنوانسیون در مورد جنگ‌های زمینی تصریح شده که حق هر دو طرف متخاصم در به کارگیری وسایلی که به دشمن صدمه بزنند، نامحدود نیست و به کارگیری جنگ افزارها، پرتاب‌کننده‌ها یا مواد با هدف ایجاد آسیب غیرعقلایی، به‌ویژه استفاده از سم یا جنگ‌افزارهای سمی ممنوع است. طبق ماده ۳ این کنوانسیون، در صورتی که طرف مقابل مقررات کنوانسیون را نقض کند، با توجه به اقتضای مورد، موظف به پرداخت غرامت است. (زمانی، ۱۳۷۶: ۲۵) بنابراین با اتکا به این اسناد بین‌المللی و ملحوظ داشتن نقض حقوق بشردوستانه عراق، عنصر فیزیکی و مادی مسئولیت بین‌المللی عراق در پرداخت غرامت محرز و مستند است.

■ برآورد ایران از خسارات جنگ

پس از آزادی خرمشهر، مسئله مهم برای ایران در زمان تصمیم‌گیری، دفع تهدیدات احتمالی عراق و جبران خسارت از سوی عراق بود و این مهم با عقب‌نشینی کامل عراق از خاک ایران و اعلام متجاوز بودن عراق و پرداخت غرامت به ایران تأمین می‌شد. (درویان، ۱۳۸۲: ۲۰۹) اما قدرت‌های بزرگ برای پرداخت غرامت مایل بودند، اولاً مبلغ پرداختی به میزانی نباشد که ایران در مرحله‌ی بازسازی به موقعیتی جدید دست یابد؛ بنابراین

خساراتی که در نتیجه خسارت اصلی وارد شده‌اند و نمی‌توان از آنها صرف‌نظر کرد. از زمره این خسارت‌ها می‌توان به خسارات ناشی از تقلیل تولید ملی، کاهش بهره‌برداری از منابع طبیعی، وارد شدن لطمه به تولید کشاورزی، کاهش صدور کالاها و زیان ناشی از خارج‌شدن بازارهای فروش صادرات ایران از دسترس این کشور و نیز می‌توان به سودهایی اشاره کرد که در نتیجه اقدام مستقیم دولت عراق در تجاوز به ایران از دست رفته است و طبق قاعده عدم‌النفع موجد و موجب تعهد جبران خسارت بر عامل و سبب آن می‌شود که دولت عراق است. سوم، از راه برآورد هزینه‌هایی که برای موارد درمانی و نگاهداری مجروحان و پرداخت مستمری به خانواده‌های شهدای جنگ صرف شده است. (همان: ۳۴۴-۳۴۳)

بنا به گزارش وزارت جهاد کشاورزی، ۸۵ هزار هکتار از جنگل‌های طبیعی در نتیجه جنگ نابود شدند. بخش کشاورزی در پنج استان مجاور عراق نه تنها به‌طور گسترده‌ای از بین رفت، بلکه در زمینه نوین‌سازی نیز عقب ماند. (پورهاشمی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۹) این در حالی است که طبق ماده ۳۵ بند ۲ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون ژنو، استفاده از شیوه‌ها یا وسایل جنگی که به منظور واردآوردن خسارات شدید و گسترده و درازمدت بر محیط زیست طبیعی به کار برده می‌شود یا امکان دارد چنین آثاری داشته باشد، منع شده است. کنوانسیون مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۷۷ م موسوم به کنوانسیون منع استفاده نظامی و یا هر استفاده خصمانه دیگر از تکنیک‌های تعدیل محیط زیست نیز، دول متخاصم را از هر اقدامی که چنین عواقبی برای محیط زیست به دنبال داشته باشد، باز می‌دارد. (ممتاز، ۱۳۷۱: ۱۰۷)

در شش‌ماه آغازین جنگ؛ یعنی نیمه دوم سال ۱۳۵۷، ۴۱۳ بار به شهرهای ایران حمله شد. این تعداد حملات در سال‌های بعدی به شرح زیر است: ۵۷۱ بار در سال ۱۳۶۰، ۴۷۶ بار در سال ۱۳۶۱، ۲۶۰ بار در سال ۱۳۶۲،

بازسازی بر دولت در بسیاری از زمینه‌ها، فعالیت‌های مولد را نیز مختل نمود. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۶۲)

به‌طور کلی، هزینه‌های جنگ ایران و عراق را می‌توان به دو قسمت هزینه‌های اقتصادی و هزینه‌های انسانی و همچنین، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. (مفید و قنبری، ۱۳۸۲: ۹۸) در ارزیابی خسارات جنگی دو مرحله وجود دارد: ۱) خساراتی که ایران در زمان اشغال سرزمینش متحمل شد. این خسارات، صدمات وارده نیروهای مسلح عراق به صنایع، غیرنظامیان و سایر بناهای غیرنظامی را شامل می‌شود، ۲) خسارات وارده به علت بی‌احترامی کامل به قوانین جنگ مانند بمباران شهرهایی که خارج از محدوده جبهه جنگ قرار دارند و کاربرد گازهای شیمیایی که کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو و دیگر اسناد حقوقی آن را ممنوع اعلام کرده است. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۹۹)

به‌طور کلی زیان‌های ناشی از تجاوز عراق به ایران را می‌توان به خسارات مالی، خسارات غیرمالی و خسارات معنوی تقسیم کرد:

-خسارات مالی: زیان‌های مادی را می‌توان از راه‌های زیر برآورد کرد: نخست از راه مستقیم، که بر پایه اصل جبران کامل خسارت، میزان خسارت‌های وارده دقیقاً محاسبه و جبران می‌شود و وضع کاملاً به حالت پیش از واردآمدن زیان بر می‌گردد. راه‌های محاسبه خسارت وارده از تجاوز عراق به ایران را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- تخمین خرابی‌ها و ویرانی‌های ناشی از عملیات جنگی، موشک‌اندازی‌ها، بمباران‌ها و گلوله‌باران مواضع غیرنظامی در شهرها و مراکز اقتصادی و انهدام مؤسسات عام‌المنفعه. ۲- برآورد خسارات ناشی از اشغال مناطقی از سرزمین ایران و تخریب و غارت اموال. ۳- برآورد هزینه‌های تخلیه و اسکان و نگاهداری آوارگان جنگی و رانده‌شدگان از سرزمین عراق و نیز محاسبه هزینه‌هایی که برای بازگردانی آنها به مناطق بازسازی‌شده صرف خواهد شد. دوم، از راه غیرمستقیم، یعنی با برآورد

اشاره کرد: بیماری‌ها و مرگ و میر زودرس، معلولیت‌ها، هزینه‌های تأمین اجتماعی و کهنه سربازان جنگ، افزایش تورم، موقعیت‌های از دست رفته برای توسعه، هزینه فرصت‌های نیروهای مسلح و واردات نظامی، از دست رفتن درآمدهایی که قرار بود از طرح‌های ویران‌شده، صدمه‌دیده یا به اتمام نرسیده حاصل شود و نابسامانی طرح‌ریزی‌ها. هزینه‌های آشکار نیز عبارت بودند از: مخارج و واردات نظامی، هزینه‌ی جایگزینی اموال تخریب‌شده، از دست رفتن درآمد نفت، هزینه تغییر مسیر تجاری، و کاهش تولید ناخالص داخلی. (النصراوی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

- خسارات غیر مادی: خسارات غیر مادی عبارت است از تلفات و آسیب‌های جسمانی به افراد مانند قتل و ضرب و جرح، از کار انداختن کامل یا ناقص بدن و خسارات ناشی از سلب آزادی فرد مانند زندانی کردن، توقیف، اخراج و تبعید از محل سکونت و مانند آنها که احتساب میزان غرامت در قبال این گونه خسارات کاری دشوار است. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۳۴۴) به‌طور کلی ۷۶۸۷۳ نفر در اثر حملات هوایی عراق به شهرهای مختلف ایران به شهادت رسیده و یا زخمی شدند. در حملات هوایی، مراکز مسکونی، صنعتی، حمل و نقل، دولتی، سیاسی، خدماتی، درمانی، آموزشی، مراکز ارتباطات رسانه‌ای، مراکز کشاورزی و دامداری، مراکز مذهبی و فرهنگی هدف قرار می‌گرفتند. ۶۳ درصد حملات عراق با هواپیما، ۴/۹ درصد با موشک و ۳۱/۹ درصد با توپ‌خانه انجام شد. تعداد شهدا و زخمی‌های برخی از شهرهای ایران در اثر حملات هوایی ارتش عراق به شرح زیر است: آبادان ۵۰۷۳ نفر، اراک ۸۹۵ نفر، ارومیه ۱۸۲۷ نفر، اسلام‌آباد غرب ۱۲۰۳ نفر، اصفهان ۱۶۵۰ نفر، اندیمشک ۲۴۸۴ نفر، اهواز ۸۲۵۳ نفر، بانه ۱۲۷۰ نفر، بروجرد ۱۹۲۲ نفر، بهبهان ۱۵۳۵ نفر، پاهو ۶۹۶ نفر، پیرانشهر ۱۰۲۶ نفر، تبریز ۹۰۵ نفر، تهران ۲۵۹۷ نفر، خرم‌آباد ۲۳۵۴ نفر، دزفول ۵۳۲۶ نفر، سردشت ۱۴۴۴ نفر، سنج ۱۴۴۶ نفر، شیراز

۲۴۶ بار در سال ۱۳۶۳، ۷۹۰ بار در سال ۱۳۶۴، ۹۶۲ بار در سال ۱۳۶۵، ۷۴۵ بار در سال ۱۳۶۶ و ۳۰۶ بار در ۵ ماه پایانی جنگ در سال ۱۳۶۷. در کل هواپیماهای عراقی ۴۷۶۹ بار شهرهای ایران را بمباران یا موشک‌باران و گلوله‌باران کردند. از آغاز تا پایان جنگ شهرها، بالغ بر ۱۲۷ شهر (به علاوه جزایر جنوبی کشور) مورد تهاجم قرار گرفتند. در بین این شهرها، آبادان با ۱۰۱۷ بار، بیش از همه مورد تهاجم واقع شد که در واقع این تعداد معادل ۲۱/۳ درصد از کل مجموع حملات به کلیه شهرهای ایران است. شهر اهواز با ۳۱۶ بار حمله و ۶/۶ درصد از کل حملات به شهرها در درجه دوم قرار گرفته و سپس دزفول ۲۴۱ تهاجم یا ۵/۱ درصد از کل حملات را متحمل شده است. برخی دیگر از شهرهای ایران به این تعداد هدف حملات هوایی قرار گرفتند: تبریز ۷۶ بار، اراک ۵۷ بار، ارومیه ۷۷ بار، اسلام‌آباد غرب ۱۱۲ بار، اصفهان ۱۹ بار، اندیمشک ۵۲ بار، بانه ۷۶ بار، بروجرد ۵۱ بار، بوشهر ۴۲ بار، پاهو ۳۵ بار، پیرانشهر ۷۸ بار، تهران ۹۲ بار، خرم‌آباد ۱۴۰ بار، خرمشهر ۱۲۸ بار، جزایر مختلف خلیج فارس ۱۹۵ بار، زنجان ۳۲ بار، سرپل ذهاب ۶۷ بار، سردشت ۹۹ بار، سنندج ۶۱ بار، قم ۶۷ بار، گیلانغرب ۸۳ بار، مریوان ۱۱۷ بار، همدان ۱۰۹ بار، ایلام ۱۷۷ بار، میاندوآب ۱۰ بار و نهاوند ۴۴ بار. (یحیوی، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۷) بدین ترتیب دامنه درگیری نظامی ایران و عراق در ۸ سال جنگ تحمیلی، با بمباران و پرتاب موشک به درون شهرها کشیده شد و تلفات انسانی و خسارات قابل توجهی به بار آورد. در سال پایانی جنگ این حملات با حمله هوایی به پالایشگاه تهران آغاز شد و پس از آن برای اولین بار چند شهر کشور از جمله تهران مورد اصابت موشک‌های دور بُرد عراق قرار گرفت و به بسیاری از شهرها نیز حملات هوایی شد. (ایزدی، ۱۳۹۲: ۷۷)

جنگ عراق علیه ایران علاوه بر تلفات انسانی، برخی هزینه‌های اقتصادی آشکار و قابل محاسبه و نیز هزینه‌های پنهان و غیر قابل محاسبه هم به بار آورده است. از جمله هزینه‌های پنهان می‌توان به این موارد

عراق موظف است بر حسب مسئولیت حقوقی ناشی از تجاوز، خسارات وارده بر ایران را جبران کند، چگونگی تعیین میزان غرامت، دشواری چندان ندارد و بنابر آنچه که گفته شد، می‌توان غرامتی را که باید از دولت عراق گرفت، تعیین کرد. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۳۴۴)

■ دیدگاه‌های مطرح‌شده و مقارنه و تطبيق رویه‌های عملی

- دیدگاه‌های ابرازی حول ارزیابی خسارات توسط
سازمان ملل

واکنش طرفین درگیری در قبال انتشار گزارش برآورد دبیرکل سازمان ملل و گزارش هیأت اعزامی از میزان خسارت‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ با عراق، بسیار متفاوت بود؛ جمهوری اسلامی انتشار گزارش را «پیروزی بزرگ ملت» دانست و آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در پیام نوروزی سال ۱۳۷۱ خود این پیروزی را به ملت ایران تبریک گفت. با وجود این، جمهوری اسلامی ایران میزان خسارت برآورد شده در گزارش دبیرکل را نادرست خواند و میزان آن را یک تریلیون دلار اعلام کرد. دفتر اقتصادی کشور خسارات وارده به صنعت و معدن، نفت، کشاورزی، ساختمان و خدمات را ۳۰,۸۱۱,۴۲۳ میلیارد ریال برآورد کرد که ۳۲/۸ درصد (معادل ۹۹۲۸/۳ میلیارد ریال) این خسارت‌ها به بخش ساختمان و تأسیسات، ۳۱ درصد (معادل ۹۵۵۱/۹ میلیارد ریال) به ماشین‌آلات و تجهیزات و ۳۶/۸ درصد (معادل ۱۱۳۳۱/۲ میلیارد ریال) به بخش مواد و کالا مربوط می‌شود. از بین چهار گروه عمده کشاورزی، صنایع و معادن، نفت و خدمات، بیشترین خسارت به ترتیب به گروه خدمات به مبلغ ۲۲۸۲۷ میلیارد ریال، نفت با ۲۰۷۹۹ میلیارد ریال، کشاورزی با ۱۵۹۵۷/۳ میلیارد ریال و صنایع و معادن ۵۷۶۹ میلیارد ریال وارد شده است. این در حالی بود که عراق گزارش دبیرکل را «نظرات کاملاً شخصی» اعلام کرد که «فاقد هر گونه ارزش حقوقی است» و «ریشه در نقشه‌های امریکایی-

۸۵۸ نفر، قم ۱۸۴۱ نفر، گیلان غرب ۷۲۵ نفر، مریوان ۱۲۶۹ نفر، مسجدسلیمان ۱۸۰۳ نفر، میانه ۷۶۸ نفر و ایلام ۳۳۳۴ نفر. (یحیوی، ۱۳۹۰: ۳۸) از آمارهای متفاوتی که تاکنون از تلفات انسانی ایران در جنگ منتشر شده است، برمی‌آید که در حوادث انقلاب و جنگ، ۲۳۳ هزار و ۵۹۱ نفر ایرانی به شهادت رسیده‌اند، ۵۱۹ هزار و ۸۰۹ نفر جانباز شده‌اند و ۴۲ هزار و ۶۱۸ نفر نیز به اسارت عراق درآمده‌اند. (روزنامه ملت ما، ۱۳۹۱: ۸) تعداد ۱۱ هزار و ۶۹۷ نفر نیز از مجموع شهدا مفقود هستند. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۹: ۱۴) البته با تلاش‌های کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح تعداد مفقودین در سال ۱۳۹۳ به ۶۰۰۰ نفر کاهش پیدا کرده است که پیکر اکثر آن‌ها در خاک عراق باقی مانده است.^۱ گفتنی است ۲۱ هزار تن از اسرا هم پرونده جانبازی دارند. همچنین در این جنگ به محیط زیست و کشاورزی استان‌های مرزی ایران خسارات فراوانی وارد آمد. از جمله ۹۶ هزار کیلومتر مربع زمین قابل کشت نابود شد. تنها در استان خوزستان حدود ۳ میلیون اصله نخل خرما به آتش کشیده شد و از بین رفت. (روزنامه شرق، ۱۳۸۹: ۱۹)

- **خسارات معنوی:** خسارات معنوی تجاوز عراق به ایران نیز قابل ارزیابی نیست. افزون بر آثار فرهنگی گران‌بها و پرارزشی که در جریان تجاوز عراق، بر خلاف مقررات عهدنامه ۱۹۵۴م لاهه درباره حفاظت از میراث فرهنگی، از میان رفته است، لطامات روحی ناشی از جنگ و رنج معنوی و روحی مجروحان و خانواده‌های آنان و اضطراب‌های ناشی از موشک‌اندازی‌ها و بمباران‌های هوایی، خسارات بسیار زیادی بر ایران و ایرانی وارد آورده است، باید در عمل تشخیص داده شود که کدام‌یک از خسارت معنوی وارده جبران‌پذیر است و از دولت عراق که مسئولیت خسارات وارده را بر عهده دارد، خواسته شود آنها را جبران کند. بدین سان، مسئولیت دولت عراق در برابر دولت زیان‌دیده؛ یعنی جمهوری اسلامی ایران، پرداخت غرامت تجاوز خود به این کشور است و دولت

آتلانتیکی و صهیونیستی علیه عراق دارد». (شیرودی، ۱۳۸۴: ۷۸) «مجید الشیخ» سفیر عراق در ایران، زمانی که موضوع دریافت غرامت جنگ از عراق مطرح بود در گفت‌وگو با رسانه‌های ایرانی، پرداخت غرامت جنگی به ایران را هم‌رده تبادل اسرا دانسته و گفته بود: همان‌طور که مسأله اسرا، مفقودالاثرها و میله‌های مرزی آبی و خشکی حل شد، مسئله پرداخت غرامت جنگی به ایران نیز باید حل شود.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران علاوه بر از بین بردن هزاران نفر از سرمایه‌های انسانی دو کشور، در مجموع برای ایران یک‌هزار و ۲۷۱ میلیارد دلار هزینه مستقیم و غیرمستقیم به همراه داشت که ۶۲۷ میلیارد دلار آن هزینه مستقیم ناشی از هشت سال جنگ و ۶۴۴ میلیارد دلار آن هزینه بازسازی ناشی از خرابی‌های جنگ برای ایران بود. بر اساس آمارهای اعلام شده عراق در طول جنگ ۷۴ تا ۹۱ میلیارد دلار برای هدایت جنگ و ۴۲ میلیارد دلار نیز برای واردات اقلام نظامی خرج کرده است؛ ایران هم حدود ۹۴ تا ۱۱۲ میلیارد دلار برای هدایت جنگ و ۱۲ میلیارد دلار برای واردات نظامی هزینه کرده است. هزینه غیرمستقیم ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و تولیدات کشاورزی دو کشور هم حدود ۵۶۱ میلیارد دلار برای عراق و ۶۲۷ میلیارد دلار برای ایران برآورد شده است.^{۱۰}

«کامران مفید» در بررسی جامع زیان‌های اقتصادی ایران و عراق، زیان‌های اقتصادی ایران را ۶۴۴/۳ میلیارد دلار برآورد کرد. (النصراوی، ۱۳۹۲: ۱۱۷) طی یک ارزیابی، کل خسارات ایران در طول هشت سال جنگ حدود ۶۴۴/۳ میلیارد دلار و خسارات عراق ۴۵۲/۶ میلیارد دلار برآورد شده است.^{۱۱} این در حالی بود که میزان خسارتی که برای ایران تعیین شده بود، ۹۹ میلیارد دلار خسارت مستقیم و ۱۵۰ میلیارد دلار خسارت غیرمستقیم بود و جمعاً ۲۴۹ میلیارد دلار بود. (خرّم، ۱۳۸۸: ۱۱۴) «آقای ولایتی» وزیر امور خارجه سابق نیز می‌گوید: ما به دنبال اتمام جنگ

بودیم، ولی به شکل عادلانه و رعایت دو شرط، یکی عقب‌نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی و دیگری پرداخت غرامت. یکی از عللی که عراقی‌ها و حامیان‌شان زیر بار غرامت نمی‌رفتند، این بود که اگر قبول می‌کردند، ولو یک مقدار خیلی کم غرامت بپردازند، معنایش این بود که قبول کرده‌اند، آنها در جنگ مقصرند. (درویدیان، ج ۵، ۱۳۸۲: ۱۹۳) اظهارات مقامات و مسئولان عراقی در قبال پذیرش خسارات وارده رژیم بعثی عراق به ایران کاملاً واضح و روشن است. تقاضا و تمایل آنها برای مذاکره در خصوص بخشش این غرامات از سوی ایران، حاکی از به رسمیت شناختن این حق از سوی آنها بود؛ از سوی دیگر رویه دولت جدید عراق نسبت به جبران خسارات وارده به کویت، مبتنی بر پرداخت، جلب رضایت و گرفتن بخشودگی، قابل توجه است و این که طی سال‌ها پس از سرنگونی صدام هیچ‌گاه مشی انکار را اتخاذ نکرده و رویه این دولت مبتنی بر تعامل سازنده بوده است که از نظر حقوقی مهم ارزیابی می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به این که دولت جدید عراق عملاً و بدون هیچ شرطی خود را نسبت به تعهدات دولت قبلی متعهد و مسئول می‌داند، دولت ایران با عنایت به روابط حسنه با عراق در خصوص تعیین تکلیف غرامت ناشی از جنگ اقدام کند. (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۴۰) راهکارهای حقوقی این مسئله در پایان این مبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

■ رویه عراق و سازمان ملل در پرداخت غرامت به کویت و ایران

تجاوز عراق به کویت و مسئولیت بین‌المللی ناشی از آن را از دو دیدگاه مسئولیت کیفری و مدنی می‌توان مورد توجه قرار داد. «اندیشه طرح مسئولیت عراق یا زمامداران عراقی در محافل مختلف عنوان شد، برای مثال توسط دوازده کشور عضو بازار مشترک اروپا، در اعلامیه مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۱ یا به وسیله گروهی از روشنفکران یا توسط کمیسیون امور خارجه سنای امریکا، که در ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ لایحه قانونی را از تصویب

بود و سومین غرامت که مهم‌ترین آنها بود، صرف حمله به کویت و توهین به این کشور بود و به همین اعتبار، خسارات مردم از پول نفت عراق در همان ماه‌های اول پرداخت شد. خسارات دولت کویت به اقساط هنوز پرداخت می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۳) در این راستا تشکیل «کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد» از پیامدهای حمله عراق به کویت بود که کمیسیون برای رسیدگی به دعاوی ناشی از حمله عراق به کویت و پرداخت غرامات جنگ ایجاد گشت. از ویژگی‌های مهم کمیسیون به عنوان نهاد جدیدی در حقوق بین‌الملل، این بود که فعالیت آن در چارچوب سازمان ملل صورت می‌گیرد. (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۱۰-۱۰۹)

شایان ذکر است کمیسیون مزبور رکن فرعی شورای امنیت بود که برای بررسی و پرداخت دعاوی علیه عراق تشکیل شده و نتیجتاً ماهیت آن متأثر از رابطه سازمانی آن با شورای امنیت محسوب می‌شد. وظیفه اصلی کمیسیون به عنوان رکنی سیاسی، بررسی صحت دعاوی، ارزیابی خسارات و تعیین مبالغی است که باید پرداخت شود. (همان: ۱۱۴) همچنین «تأسیس کمیسیون جبران خسارات میان عراق و کویت که مأموریتش در شرف اتمام است، بر پایه احقاق حقوق افراد حقیقی نیز متکی بود. خواهان می‌توانست از این طریق با ارائه دادخواست به مقامات دولت متبوع خود و سپس ارائه دولت مذکور به کمیسیون، به خواسته خود دست پیدا کند. این کمیسیون با استناد به دکترین موجود، به صورت بسیار منحصربه‌فرد، نسبت به جبران خسارات افراد حقیقی بر پایه مسئولیت دولت‌ها اقدام کرد؛ اقدامی که کاملاً مبتنی بر یک سیاست از پیش طراحی شده در این ماجرا بود! در مجموع، نزدیک به ۲،۶ میلیون شکایت به کمیسیون واصل شد: تا فوریه ۲۰۰۴ حدود ۴۶۰،۰۰۰ شکایت مورد رسیدگی قرار گرفت که موجب پرداخت ۱۸،۲ میلیارد دلار غرامت به این افراد شد. (عمرانی، ۱۳۸۴: ۶۳-۵۸)

یادآور می‌شود که تنها خسارات مستقیم وارده عراق

گذراند و به موجب آن از رئیس‌جمهور آمریکا خواست تا از سازمان ملل متحد تقاضا کند، صدام حسین را برای محاکمه به یک دادگاه کیفری بین‌المللی فرا خواند. البته این راه‌حل در قطعنامه ۶۸۷ مورد استفاده قرار نگرفته است، زیرا در سیاستی واقع‌بینانه معلوم نبود، چگونه می‌تواند صدام حسین را وادار کرد در همان حالی که روند حوادث به وی اجازه می‌داد در کشور خود بر سر قدرت باقی بماند، خود را به چنین دادگاهی معرفی کند. (استرن، ۱۳۷۵: ۱۹۹)

همچنین بسیاری از اقدامات شورای امنیت علیه عراق ویژگی کیفری دارد و بسی فراتر از هدف مسأله اعاده به وضع سابق و جبران خسارت قرار می‌گیرد. در واقع با قبول شرایط آتش‌بس از سوی عراق و قطعنامه ۶۸۶ مورخ ۳ مارس ۱۹۹۱م، مرحله مهمی از بحران کویت پایان یافت، ولی شورای امنیت با وجود پایان تجاوز عراق به کویت، اقدامات خود را متوقف نکرد و با صدور قطعنامه‌های دیگر محدودیت‌های جدیدی را بر عراق تحمیل کرد که ماهیتاً مجازات به‌شمار می‌آمد. اقدامات شورای امنیت در این عرصه حول محور قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱م قرار دارد. «این قطعنامه از دو جهت برجسته است: اولاً تعهدات وسیع و بی‌سابقه‌ای را در مورد مرزهای عراق و کویت، تخریب سلاح‌های انهدام جمعی و جبران خسارات ناشی از تهاجم بر عراق تحمیل کند و ثانیاً در پی این است که عملکرد آینده عراق را تحت کنترل درآورد.» (زمانی، ۱۳۷۶: ۲۶)

از حیث مسئولیت مدنی و پرداخت غرامت جنگی به کویت که نزدیک به ۶ ماه تحت اشغال عراق بود؛ غرامت مزبور شامل چند بخش بود. نخست، غرامت مردم کویت که طی ۶ ماه ضرر دیده بودند، حال یا اموال آنها به غارت رفته بود یا منزل آنها تخریب شده بود. حتی بسیاری از ایرانیان مقیم کویت هم توانستند غرامت اموال خود را بگیرند. دومین غرامت، ضرری بود که به تأسیسات زیربنایی و روبنایی کویت وارد شده

گردد، ضرورتاً گروه خاص دیگری تنظیم دادخواست و سایر اقدامات مربوط را عهده‌دار خواهد بود و لذا شرح وظایف کمیته بازسازی صرفاً به بند ۷ قطعنامه محدود شد. (زمانی، ۱۳۷۶: ۲۴) از این طریق شورای امنیت به صورتی مغرضانه نه تنها مسئولیت کیفری دولت عراق به لحاظ ارتکاب جرم بین‌المللی تجاوز، بلکه کل موضوع مسئولیت بین‌المللی عراق را نادیده گرفت. جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به صندوق بین‌المللی پول خواستار دریافت ۹۷/۲ میلیارد دلار غرامت جنگ از عراق و اضافه‌شدن مبالغ مذکور به بدهی‌های خارجی این کشور شد. با این که سند درخواست مذکور در دسترس عموم قرار نگرفت، اما تحلیل رسانه‌های گروهی این بود که مبلغ شامل هزینه‌های نظامی جنگ تحمیلی نیست. (ساعد، ۱۳۸۳: ۶۷)

در واقع، تفکیکی بین هزینه‌های نظامی و صدمات جنگ بر بخش‌های غیرنظامی صورت گرفته است. بی‌شک، چنین اقدامی هر چند ممکن است، نوعی استفاده از فرصت به‌وجودآمده برای فراهم کردن امکان استیفای حق مشروع و مسلم ایران تلقی شود، اما به نظر نمی‌رسد که راه صحیح مطالبه این حق باشد. زیرا اولاً: تفکیک غرامت جنگ بر هر مبنا و اساسی که باشد، موجب برهم‌زدن جامعیت غرامت قابل پرداخت به ایران می‌شود. در واقع، حتی اگر چنین درخواستی از سوی صندوق بین‌المللی پول نیز پذیرفته شود، معلوم نیست که مطالبه هزینه‌های نظامی جنگ به چه سبک و سیاقی صورت خواهد گرفت. ثانیاً: صندوق بین‌المللی پول تنها در صورتی چنین درخواستی را اجرا می‌کند که مبنای حقوقی روشن و دقیقی برای آن وجود داشته باشد. فقدان قطعنامه مشخص شورای امنیت که مسئول انحصاری تعیین ابعاد این غرامت است، گزینه‌ای جز ردّ این درخواست را باقی نمی‌گذارد. در این صورت، درخواست‌های مکرر ایران از مراجع غیرصالح و رد مکرر این درخواست‌ها نه تنها موجب لو‌شدن موضوع می‌گردد، بلکه ممکن است موجب شکل‌گیری رویه‌های

به کویت ۲۴۰ میلیارد دلار برآورد شده بود؛ که به هیچ عنوان قابل مقایسه با تعیین غرامت ۹۷ میلیارد دلاری برای ایران نیست. در حالی که کویت در قیاس با ایران کشوری بسیار کوچک‌تر بود و در مقایسه با ایران، زیرساخت چندان‌ی نیز نداشت که از بین رفته باشد. «علی‌رغم این که شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توانست به خاطر نقض حقوق بشردوستانه توسط دولت عراق بر اساس فصل هفتم با دولت متخلف برخورد نماید، ولی هرگز چنین نکرد و اجرای قانون را فدای منافع و مصالح اعضای ذی‌نفع نمود.» (پورهاشمی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۰) قطعنامه ۵۹۸ با طرح مسئله جبران خسارت بعد از بند ۶ راجع به تعیین متجاوز، به صورتی زیرکانه از زیر بار خواسته مشروع ایران برای مجازات عراق شانه خالی کرده و مسئولیت بین‌المللی را صرفاً در قالب سنتی آن؛ یعنی مسئولیت مدنی (آن هم صرفاً جبران خسارت) مورد توجه قرار داده است. جای تأسف این که مسئله جبران خسارات نیز به جای این که بر دولت متجاوز (عراق) تحمیل شود، به‌طور مبهم تحت لوای کمک‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. (حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

بر طبق بند ۶ قطعنامه مذکور از دبیرکل درخواست می‌شود که ضمن مشورت با ایران و عراق مساله تفویض کار تحقیق در باب مسئولیت مخاصمه به هیأتی بی‌طرف را بررسی کند و در حداقل مدت ممکن به شورا گزارش دهد. ابتدا چنین استنباط می‌شد که موضوعات مندرج در بندهای ۶ و ۷ قابل تلفیق است و وظایف کمیته بازسازی می‌تواند بر دو مقوله استوار گردد؛ الف- برآورد خسارات ناشی از جنگ تحمیلی ب- تدارک روش‌هایی که نهایتاً منجر به اخذ غرامت از مسئول جنگ شود؛ ولی بعداً در پی بحث‌هایی که در کمیته هماهنگی با حضور وزیر امور خارجه صورت گرفت، روشن شد که اولاً مسائل مربوط به بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ قابل تلفیق نیست و اگر اقدامات مربوط به بند ۶ به گونه‌ای جریان یابد که امکان غرامت‌طلبی جمهوری اسلامی ایران میسر

حقوق دانان با سیاسی‌پنداشتن این موضوع به‌طور مطلق امکان بررسی حقوقی اختلافات مربوط به استفاده از زور را نمی‌پذیرند، دیوان همواره با احراز صلاحیت خود در قالب اعلامیه‌ها به عنوان یک رکن قضایی جنبه‌های حقوقی هر موضوع و اختلاف بین‌المللی از جمله توسل به زور را رسیدگی کرده است. با توجه به این‌که در موارد نقض قواعد آمره بین‌المللی صلاحیت دیوان اجباری است و دیوان در موارد نقض حاکمیت یک عضو سازمان ملل متحد توسط دولت دیگر، دولت متجاوز را «مسئول» قلمداد می‌نماید و دولت اخیرالذکر بایستی جبران خسارات نماید. (همان: ۶۵) بنابراین می‌توان پرونده مطالبه غرامت جنگی ایران را با ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری و با اتکای بر مستندات تاریخی و حقوقی، پیگیری و احقاق حق کرد.

ترمیم خسارات از طریق دیپلماتیک: در عرصه حقوق بین‌الملل، مطالبه غرامت و جبران خسارات جنگی معمولاً از طریق دیپلماتیک مانند توافق و ارجاع موضوع به کمیسیون مشترک یا ارجاع امر به دیوان دآوری بین‌المللی است. در صورت به توافق نرسیدن دو دولت، ایران می‌تواند با به‌کارگیری دیپلماسی پویا و کسب نظر مثبت دبیرکل و اعضای شورای امنیت به منظور اجرایی‌کردن بندهای ۴ و ۶ و ۷ و ۸ قطعنامه ۵۹۸ اقدام کند. (رجب‌پور: ۱۳۸۸) در حقوق بین‌الملل به‌طور کلی، دو روش برای حل و فصل ادعاهای ناشی از جنگ وجود دارد، نخست، روش پرداخت خسارات به صورت یکجا و دوم از طریق «کمیسیون حل و فصل ادعاهای خارجی»، روش اول شامل مذاکره برای حل و فصل به صورت یک مبلغ کلی و توزیع این مبلغ به دولت یا افراد از طریق یک عامل بی‌طرف است. روش دوم برابر مقررات «کمیسیون حل و فصل ادعاهای خارجی» ایالات متحده است. این کمیسیون یک سازمان داخلی است که در سال ۱۹۵۴م جایگزین «کمیسیون ۱۹۴۹م ادعاهای بین‌الملل» گردید. برابر این روش، دولت کشوری که خواستار غرامت است، یک سازمان دائمی تأسیس می‌کند که معمولاً شامل ۳

بین‌المللی گردد که مطالبه حق مشروع ایران را با موانع حقوقی روبه‌رو سازد. (فقیه حبیبی، ۱۳۹۴: ۱۳۵)

■ بایسته‌های ایران برای دریافت غرامت (پیشنهادها و راهکارها)

به استناد قوانین بین‌المللی، رژیم عراق مسئولیت پرداخت غرامت جنگی را به عهده دارد و تغییر حکام یا نظام سیاسی، تغییری در پرداخت غرامت به دولت ایران ایجاد نمی‌کند. (پوره‌اشمی و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۰) بنابراین به لحاظ حقوقی تردیدی در لزوم پرداخت غرامت دولت عراق به ایران، در عرصه حقوق بین‌الملل باقی نمی‌ماند. اما به لحاظ اجرایی و مدیریتی باید اذعان داشت «در لزوم مطالبه غرامت جنگ به عنوان یکی از برنامه‌های در دستور کار دستگاه سیاست خارجی کشور چندان تردیدی وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که در این خصوص عزم راسخی، آن‌گونه که لازمه استیفای حق یک کشور زیان‌دیده است، وجود ندارد و این موضوع تحت‌الشعاع دیگر مسائل بین‌المللی شده ایران قرار دارد. در هر حال، جست‌وجوی راه‌های احیای روند مندرج در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت که به هر دلیل مدتها معلق مانده است، مناسب‌ترین گزینه برای مطالبه حق مذکور است. (همان: ۱۳۶-۱۳۵)

به‌طور کلی راهکارهای حقوقی ایران برای دریافت غرامت جنگی به شرح ذیل است:

مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری: کشورها می‌توانند اختلافات خود با کشور دیگر را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهند. نه اساسنامه و نه آیین دادرسی دیوان هیچ‌کدام دربرگیرنده مقرراتی نیستند که کشورهای غیرعضو اساسنامه را از ارجاع اختلافات به صلاحیت دیوان منع کند. پذیرش صلاحیت دیوان توسط کشورهای عضو اساسنامه، خود مشمول ماده ۳۶ اساسنامه و وقایع و شرایط پیش‌بینی شده در آن است. آنچه از رفتار دیوان در پرونده‌های توسل به زور نتیجه‌گیری می‌شود، این است که با این‌که بسیاری از

نقض حقوق بین‌الملل از سوی عراق مطرح سازد. با توجه به اثبات این موارد نقض از سوی سازمان ملل متحد، کاملاً ممکن به نظر می‌رسد که ایران بتواند خساراتی از طریق نوعی دادگاه یا کمیسیونی که برای این منظور تشکیل خواهد شد و در هر توافق مخصوصی که در نتیجه مذاکرات طرفین متخاصم به وجود خواهد آمد، دریافت کند. (همان: ۳۲۴) با توجه به این که دولتی که به دنبال دریافت غرامت است، می‌تواند يك نهاد مستقل را به وجود آورد که بر ادعاهای دولت و افراد حقیقی قضاوت کند، در پرونده مطالبه غرامت جنگی نیز می‌توان از این روش استفاده کرد. شکی وجود ندارد که عراق مسئولیت خسارات بر شهرها و تاسیسات زیربنایی ایران را برعهده دارد، زیرا مهاجرت مردم از مناطق جنگی فشار زیادی بر دولت ایران تحمیل کرده که باید در پرداخت غرامت جنگی، این موضوع در بخشی از مذاکرات گنجانده شود. (گروه مترجمین، ۱۳۷۹: ۱۴) اقدام حقوقی دیگری که می‌توان مورد لحاظ قرارداد تلاش در جهت اجرایی کردن بندهای ۴ و ۶ و ۷ و ۸ قطعنامه ۵۹۸ است که بر لزوم جبران خسارت جنگی و پرداخت هزینه‌های بازسازی کشور دلالت دارد. به هر حال پرواضح است با توجه به شرایط کنونی، تلفیق روش‌های دیپلماتیک سیاسی و اقدامات حقوقی است که از رهگذر هر دو می‌توان با سرعت بیشتر و دقت نظر بهتر به پرداخت غرامت جنگی عراق به ایران نائل آمد. در هر حال با ملحوظ داشتن تمامی ابعاد خسارات و مستندسازی و عینی‌ترکردن میزان خسارات و بهره‌گیری از سوابق و رویه‌های مذکور می‌توان به ارزیابی مقرون به واقع خسارات و احقاق حق دولت و ملت ایران مبادرت ورزید.

■ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس کنوانسیون لاهه و پروتکل‌های الحاقی، دولت متخاصمی که مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کند، مسئول جبران خسارات و پرداخت غرامت شناخته می‌شود. در حقوق بین‌الملل، لزوم جبران

یا ۴ نفر است که از طرف رئیس کشور تعیین می‌شود. ادعاهای مطرح‌شده دولت و اتباع آن در حوزه اختیارات قانونی این سازمان قرار می‌گیرد. (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۷: ۹۹) با اتکای به روش‌های مذکور، پرونده مطالبه غرامت جنگی را می‌توان از رهگذر مذاکرات پویای سیاسی، میانجی‌گری، سازش و یا مراجعه به مرجع بی‌طرف یا نهاد داوری مرضی‌الطرفین پیگیری و تعقیب کرد. استناد به ماده ۳۳ منشور ملل متحد در این زمینه راهگشا است که در فصل ششم اشعار می‌دارد: «طرفین هر اختلاف، که دوام آن ممکن است باعث تهدید نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی گردد، باید قبل از هر چیز، حل آن را از مجرای مذاکرات بازرسی، میانجی‌گری، آشتی، داوری، تصفیه قضایی، مراجعه به مؤسسات یا قراردادهای محلی و یا به وسایل مسالمت‌آمیز دیگری، به‌انتخاب خود جست‌وجو کنند.» همچنین ایجاد کمیسیون مشترک که منافع دو طرف را ملحوظ دارد، نیز روش دیگری است که به صورت حقوقی و به‌ویژه دیپلماتیک می‌توان به پرونده مربوطه رسیدگی کرد.

درخواست صدور قطعنامه جدید: یکی دیگر از راهکارهای حقوقی پرونده غرامت جنگی ایران، درخواست صدور قطعنامه جدید در این زمینه است. در این راستا طبق فصل ششم و هفتم منشور ملل متحد می‌توان مستنداتی از قبیل گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل، نتایج قطعنامه پیشین و درخواست‌های خود را به شورای امنیت فرستاد و درخواست قطعنامه جدیدی کرد که در آن صورت با موافقت ۹ عضو دائم یا غیردائم، می‌توان به احقاق حق مبادرت کرد.

ارجاع در چارچوب سازمان ملل و اجرایی کردن قطعنامه ۵۹۸: به نظر می‌رسد که حل و فصل درگیری بین ایران و عراق در چارچوب سازمان ملل متحد، بهتر انجام خواهد شد. این امر فرصتی را برای ایران فراهم خواهد کرد تا ادعاهای خود را برای دریافت خسارات جنگی بر اساس

پیشنهاد می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی (دانشگاه تهران)
پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
yaqub.nemati@gmail.com, yaqub.nemati@ut.ac.ir
۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا (دانشگاه خوارزمی)، وکیل دادگستری.
3. Theory of Risk
4. Theory of fault
5. Pecuniary Compensation
6. restitutio in intiegrum
7. Chorzow
8. jus cogens
۹. اظهارات سردار باقرزاده رئیس کمیته جست‌وجوی مفقودین در بیست و سومین همایش پیش‌کسوتان جهاد و شهادت در باغ موزه دفاع مقدس با حضور دکتر حسین علایی، تهران: چهارشنبه ۱۳۹۳/۷/۹.
۱۰. مقاله «آیا دیپلماسی ایران برای دریافت غرامت از عراق فعال می‌شود؟ دریافت غرامت جنگ از عراق؛ حقی که فراموش شد.» محمد مهدی جلیلی - جام جم آنلاین. <http://jamejamonline.ir>
۱۱. رجوع شود به:
Kamaram Mofid, Iran: War. Destruction and Restruction, In davis.
Ch (ed), A ter the War: Iraq, Iran and the Arab Gulf, Cardon Publication Limited, 1990, p.130.
Johnstonel. I, Aftermath of the Gulf War: An Assessment of UN
action International onal Peace Academy Occasional Paper Series,
1993, p. 9.

منابع

- احمدی، نعمت (۱۳۸۶)، ایران و غرامت جنگ ۸ ساله، مجموعه مقالات: نشریه داخلی، شماره ۴۶.
- استرن، پریژیت (۱۳۷۵)، مسائل به مسئولیت ناشی از بحران و جنگ خلیج (فارس)، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۰.
- اسکندری، مجید (۱۳۸۰)، جنگ تحمیلی از دیدگاه حقوق بین‌الملل، تهران: به‌دید؛ قلم آشنا.
- ایزدی، یدالله (۱۳۹۲)، دوره چهارم جنگ شهرها علیه ایران، نگین ایران، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۱۲، شماره ۴۵.
- بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع (۱۳۶۸)، مقالات ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، جلد دوم: ابعاد سیاسی و مسائل حقوق بین‌الملل، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- بازیاری شورابی، علی (۱۳۸۱)، مسئولیت بین‌المللی، شیراز: زر.
- پورمحمدی، نعمت‌الله (۱۳۸۵)، حقوق بشر دوستانه در جنگ ایران و عراق: مرور رفتار عراق؛ نظارت مجید نداف؛ ویرایش مهدی انصاری، مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- پی‌یر ریتز، رئیس نمایندگی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در ایران، گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۳۸۹/۸/۲۳.

خسارت‌های جنگی بر اساس اصول و مبانی مختلفی از قبیل اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قاعده جبران خسارات و اصل عرفی لزوم بازگرداندن اوضاع به ماقبل، تدوین و تنسيق گشته است. از نظر پیشینه تاریخی، نخستین بار در جریان کنفرانس صلح پاریس مسأله پرداخت غرامت جنبه قانونی یافت و سپس در معاهدات و قراردادهای بین‌المللی از جمله قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متجلی گشت. با ابتدای بر مبانی حقوق بین‌الملل، مسئولیت دولت عراق در خسارات جنگ هشت ساله تحمیلی، محرز است. بنابراین، درخواست غرامت جنگی از حقوق مسلم دولت و ملت ایران تلقی می‌شود. مبانی مسئولیت دولت عراق و جبران خسارات وارده به ایران عبارتند از نقض قرارداد ۱۹۷۵م، نقض حاکمیت ایران، مفاد قاعده لاضرر و فحوای اسناد و معاهدات بین‌المللی. همچنین ارکان و عناصر قانونی و مادی مسئولیت عراق و لزوم پرداخت غرامت جنگی بر مبانی حقوقی چون نص قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، نقض قواعد آمره بین‌المللی، برآورد دبیرکل سازمان ملل و گزارش هیأت اعزامی از خسارات، ارتکاب تجاوز و توسل به زور، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه استوار است. از منظر مقارنه و مقایسه تطبیقی نیز تأسیس کمیسیون جبران خسارات میان عراق و کویت و ارزیابی ۲۴۰ میلیارد دلار فقط برای خسارات مستقیم به کویت در مقایسه با با تعیین غرامت ۹۷ میلیارد دلاری برای ایران در خور تأمل است. در حالی که نه مدت و نه ماهیت این دو جنگ با هم قابل مقایسه است. با وجود آن‌که این مواضع دوگانه نشان از برتری گفتمان سلطه و فشار در عرصه سیاست بین‌المللی است، ولی در پرونده مطالبه غرامت جنگی توسط ایران می‌توان از این پیشینه تاریخی و حقوقی در لزوم ارزیابی دقیق خسارات وارده به ایران مدد جست. در این راستا جهت دریافت غرامت جنگی، راهکارهای حقوقی از قبیل مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری، ترمیم خسارات از طریق دیپلماتیک، درخواست صدور قطعنامه جدید و ارجاع در چارچوب سازمان ملل و اجرایی نمودن قطعنامه ۵۹۸

محمبی، محسن (۱۳۸۵)، رویه داوری بین‌المللی درباره غرامت، نشریه حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۵.

مردوخو بایزید (۱۳۸۹)، آثار اقتصادی جنگ، روزنامه آرمان، شماره ۱۴۵۰، سه‌شنبه ۱۳ مهر.

مسائلی، محمود؛ ارفعی، عالیہ (۱۳۷۱)، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، تهران: وزارت امور خارجه.

مستقیمی، بهرام و دیگران (۱۳۶۶)، مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل، زیرنظر جمشید ممتاز، نشریه حقوقی بین‌المللی، شماره ۸.

مستقیمی، بهرام؛ طارم، سری، مسعود (۱۳۷۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران (زیر نظر جمشید ممتاز) تهران: دانشگاه تهران انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

مسعودی، حیدرعلی؛ خان‌بیگی، سمانه (۱۳۸۹)، بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر جامعه‌شناختی، دوره ۸، شماره ۳۲.

مفید، کامران؛ داریوش قنبری (۱۳۸۲)، هزینه اقتصادی جنگ ایران و عراق؛ فصلنامه نگین ایران؛ دوره ۲، شماره ۵.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۱)، تخریب محیط زیست در جنگ عراق و کویت و حقوق مخصصات مسلحانه، مجله سیاست خارجی، شماره ۳-۲.

ممتاز، جمشید؛ شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۷۳)، حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۲.

منصوری، اسماعیل (بی‌تا) بررسی حقوقی -سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، تهران، تابان.

النصراوی، عباس (۱۳۹۲)، جنگ ایران و عراق و نقش آن در فروپاشی روند توسعه اقتصادی عراق، فصلنامه نگین ایران، مترجم: سهراب گنجی مراد، سال ۱۲، شماره ۴۴.

یحیوی، سیدحسین (۱۳۹۰)، جنگ شهرها، نگین ایران، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، سال دهم، شماره ۳۶.

Johnstonel. I, Aftermath of the Gulf War: An Assessment of UN action International onal Peace Academy Occasional Paper Series, 1993, p. 9.

Graefrath, Bernhard (1989) "International Crimes – A specific regime of international responsibility of States and its legal consequences", ed., By Joseph Heiler, Antonio Cassese, Marina Spinedi.

حدادی، مهدی (۱۳۹۳)، تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت، نشریه حقوق خصوصی، ش ۲.

خرم، علی (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران طی جنگ تحمیلی (مصاحبه با دکتر علی خرم)، فصلنامه نگین ایران، دوره ۷، شماره ۲۸.

درودیان، محمد (۱۳۸۲)، پرسش‌های اساسی جنگ: نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

درویشی، فرهاد (۱۳۸۶)، جنگ ایران و عراق: پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

رادن، کتلین؛ شلی، فرد (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمید رضا رهنما، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ: تهران.

رجب‌پور، سهیلا (۱۳۸۸)، جبران خسارت در پرتو مسئولیت دولت عراق در تجاوز و اشغال جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور؛ مرکز تهران.

رحیمی، زهرا (۱۳۸۸)، بررسی آثار و تبعات جنگ شهرها در ایران، مجله نگین ایران، دوره ۸، شماره ۳۱.

روزنامه شرق، سخنان اسماعیل کهرم در همایش بین‌المللی اثرات مخرب جنگ بر محیط زیست، سه‌شنبه ۱۳۸۹/۸/۱۸.

روزنامه ملت ما، شهدای انقلاب اسلامی به روایت آمار، شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۱، سال سوم، شماره ۶۶۴.

زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۶)، تاملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۱ و ۲۰.

زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل و کاربرد و سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.

زمانی، سیدقاسم؛ ساعد، نادر (۱۳۹۱)، حقوق بشردوستانه در مخصصات مسلحانه، تهران: شهردانش.

ساعد، نادر (۱۳۸۳)، بازگروهی جنگ تحمیلی و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در پرتو موازین حقوق بین‌الملل، فصلنامه دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴)، نویسندگان ۵۹۸ جنگ ایران و عراق و سازمان ملل متحد، نشریه زمانه، سال چهارم، شماره ۳۶.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم.

عمرانی، سلمان (۱۳۸۴)، رای مشورتی دیوار حائل فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری و حق جبران خسارات بزه‌دیدگان، فصلنامه حقوقی گواه، ش ۴-۵.

فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۴)، راهبردهای احراز مسئولیت بین‌المللی دولت فعلی عراق در تأدیه خسارات زیست محیطی جنگ تحمیلی به ایران از طریق اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، سال بیست و یکم، شماره ۵۷.

کزاز، مجتبی (۱۳۷۲)، کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد، نشریه حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۶ و ۱۷.

گروه مترجمین (۱۳۷۹)، ابعاد حقوقی جنگ ایران و عراق، فصلنامه نگاه، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، شماره ۶.



فهرست نویسی حوادث جنگ

حسن علایی فعال

مقدمه

بیانات و سخنان حکیمانه رهبری، در طول نزدیک به سه دهه زعامت و زمامداری، با الهام از قرآن کریم، احادیث، روایات و سیره ائمه معصومین (ع) و با اقتداء به مقتدای صالح خویش؛ حضرت امام خمینی (ره)، همواره مشحون از بیم و امید، انذار و تبشیر، توصیف و تبیین، هشدار و مراقبت و تعیین خطوط کلی انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است. این بیانات شامل عرصه‌ها، ابعاد و شئون گوناگون جامعه اسلامی با موضوعات متنوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، تربیتی و... ناظر بر مسائل داخلی و خارجی است.

مخاطب این بیانات، مردم و مسئولان، گروه‌ها و احزاب، سازمان‌ها و دوائر دولتی، نهادهای انقلابی، اقشار مختلف جامعه، دوستان و دشمنان انقلاب و نظام در داخل و خارج از کشور، عوام و خواص، شهری و روستایی، زن و مرد، پیر و جوان، تحصیل کرده و غیرتحصیل کرده و... بوده و هست. ویژگی بارز این بیانات، جامعیت، آینده‌نگری، واقع‌گرایی، استدلالی، قابل فهم، روشن، صریح، شجاعانه، آرمانی، انقلابی، به‌هنگام و برخاسته از ضمیری روشن و مستظهر به نورالهی است.

از سوی دیگر، این بیانات نتیجه و ثمره نزدیک به هفت دهه مجاهدت در مسیر علم و فقاقت و اجتهاد؛ با تلمذ در محضر اساتید مذهب و شخصیت‌های الهی همچون امام خمینی (ره)، بهره‌مندی معنوی و سرشار از دعای خیر والدین، مبارزه و انقلابی‌گری، زندان و شکنجه و تبعید، تهذیب نفس و مجاهدت، عهده‌داری سال‌ها مسئولیت در عرصه‌های مختلف حکومتی، مرجعیت و زعامت مسلمین و... است. این ویژگی‌ها موجب شده است که بیانات ایرادشده همواره مؤثر و تعیین‌کننده باشد؛ تا جایی که برخی سیاستمداران تراز اول جهانی و صاحبان فکر و اندیشه بین‌المللی، بدون هرگونه تعصب خاصی، این بیانات را راهگشا و به‌عنوان چهارچوب فکری و نظری خود تلقی می‌کنند و چه‌بسا تنها راه خروج جوامع بین‌المللی از بن‌بست‌های ناامیدکننده پیش‌رو را تأسی به این بیانات می‌دانند.

از دیگر ویژگی‌های بارز بیانات رهبری، تعیین خط‌مشی برای خیزش‌های مردمی در اقصی نقاط عالم و نقش برآب کردن و ناکام گذاشتن نقشه‌های استکبار جهانی به رهبری آمریکا، در سطح منطقه و فرامنطقه است.

اما آنچه در این مقال و مجال مطمح نظر است، توجه

به بُعد دیگری از بیانات و سخنان حکیمانه ایشان است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ درحالی که دقیقاً این بخش از بیانات است که می‌تواند راهگشای مشکلات و معضلات کشور در عرصه‌های گوناگون باشد. این قسمت از بیانات، که جنس و ساختارش متفاوت از مطالب توصیفی و تبیینی است و متأسفانه اکثر اوقات نیز مغفول واقع می‌شود، مطالبات، انتظارات، بایدها و نبایدهایی است که معظم‌له در خلال سخنان خویش عنوان فرموده‌اند و انتظار دارند بدان توجه و عمل شود. «ما در دیدارهای دانشجویها معمولاً مطالباتی را مطرح می‌کنیم... اگر انسان مجموعه عریضی که من در دیدارهای دانشجویی، شرکت کردم، جمع کند، یک فهرست طولانی از مطالبات این حقیر از مجموعه دانشجویان به وجود می‌آید» (۱) پرواضح است که این ویژگی، غیر از تبیین و توصیف، تحسین و تحمید و یا انذار و هشدار است. مع‌الأسف اغلب دست‌اندرکاران، اعم از مردم و مسئولان، صرفاً بخش‌هایی از بیانات را مورد توجه و عنایت قرار داده‌اند که ناظر بر تعریف و تمجید و یا توصیف و تبیین بوده است! درحالی که همچنان که عنوان شد ایشان در بیانات خویش خواسته‌ها و مطالباتی را مطرح می‌کنند که مخاطبان اولاً باید خود را در قبال آن عامل و ثانیاً پاسخ‌گو ببینند.

حال که به این نقطه از بحث رسیدیم باید ببینیم چه فواید و آثاری بر این مهم مترتب است. آثار سازنده گزینش و گردآوری مطالبات و خواسته‌های رهبری از خلال بیانات ایشان چیست؟

پاسخ اجمالی این است که مطالبات مقام معظم رهبری، در جایگاه و کسوت امام‌المسلمین، که در بطن خود حاوی مصالح کشور، نظام و مردم است، نباید روی زمین بماند؛ بلکه باید زمینه‌های تحقق و اجرایی‌شدن آن، با تلاشی که از سوی مردم و مسئولان و دستگاه‌های ذی‌ربط انجام می‌گیرد فراهم شود و این مهم، زمانی محقق خواهد شد که ابتدا به گفتمان عمومی در سطح

جامعه تبدیل شود. بدیهی است در آن بخش از بیانات که به تعریف و تمجید از یک سازمان یا نهاد و یا قشری از اجتماع پرداخته می‌شود ظرفیت تبدیل‌شدن به گفتمان عمومی وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد دارای اثر چندانی نیست، اما در مطالبات و انتظاراتی که عنوان می‌شود، ظرفیت گفتمان‌شدن وجود دارد و اگر هم وجود ندارد ذاتش اقتضاء می‌کند که به وجود آید؛ زیرا خواست و انتظار رهبری است و خواست و انتظار رهبری نمی‌تواند بدون مصالح عالی‌ه باشد. به عبارت دیگر، با توجه به اشرافی که رهبری به مسائل جامعه در بخش‌های مختلف کشور دارند، انتظاراتی را مطرح می‌کنند که یقیناً به مصلحت آن بخش از جامعه است؛ بنابراین همه افراد ذی‌ربط باید تلاش کنند که خواست ایشان که در واقع مصلحت آن بخش است محقق شود. برای این منظور، تتبع و استخراج مجموعه مطالبات از دستگاه‌های مختلف، می‌تواند کاری ارزشمند، ضروری و حیاتی تلقی شود. درواقع با این اقدام، قوای سه‌گانه، نهادهای انقلابی، نیروهای مسلح، اقشار مختلف مردم و در یک کلام همه کسانی که مخاطب مطالبات ایشان هستند، ضمن آشنایی با مطالبات و خواسته‌ها، اولاً حجت را بر خود تمام‌شده می‌بینند و در ثانی تلاش خواهند کرد که مجموعه مطالبات محقق گردد. ضمن آن‌که مغرور و مسرور به تعریف‌ها و تمجیدها نیز نخواهند شد؛ زیرا ملاحظه خواهند کرد که رهبری در کنار تعریف‌ها و تمجیدها از یک‌سو و انذارها و تبشیرها از سوی دیگر، مطالبات جدی و منطبق با توانایی‌ها، از دستگاه‌ها و افراد حقیقی و حقوقی دارند؛ بنابراین مسئولیت شرعی و قانونی اقتضاء می‌کند که افراد و دستگاه‌ها با امعان نظر قراردادن مجموعه مطالبات رهبری درباره موضوع مرتبط، سعی و تلاش خود را برای تحقق آن‌ها مصروف دارند.

پس از این مقدمه، اذعان می‌کنیم که موضوع «دفاع مقدس» اولاً یکی از موضوعات حائز اهمیت برای مقام معظم رهبری در طول سالیان گذشته تاکنون بوده

است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم!»

■ در این مطالبه چند نکته قابل تامل است:

-نکته اول این است که فهرست‌نویسی حوادث جنگ چه ضرورتی دارد؟ پاسخ به این پرسش نیاز به تامل و درنگ ندارد؛ زیرا دوره هشت ساله جنگ ضرورتاً به بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ این کشور تبدیل شده است و بررسی تاریخ این کشور بدون ملاحظه جدی این دوران کامل نخواهد بود. این در حالی است که این مقطع تاریخی، از جهات گوناگونی، به اوراقی درخشان در تاریخ سیاسی، اجتماعی کشور تبدیل شده است. ایستادگی و مقاومت در برابر تجاوزی ناجوانمردانه، بین‌المللی و طولانی‌مدت که نهایتاً به پیروزی مطلق انجامید، به‌قدر کافی ظرفیت و موضوعیت دارد که مورد توجه و کاوش قرار گیرد. این مهم آن‌گاه مورد توجه بیشتر قرار خواهد گرفت که نیم‌نگاهی به جنگ‌های به وقوع پیوسته در سده‌های اخیر کشور داشته باشیم؛ جنگ‌هایی که ضمن وارد ساختن خسارت‌های جبران‌ناپذیر مادی و معنوی، موجب سرشکستگی و حقارت ملی طی قرون گذشته شده است! بنابراین فهرست‌نویسی حوادث و اتفاقات جنگ هشت ساله در واقع فهرست‌نویسی حوادثی است که باعث غرور ملی و اعتماد به نفس ملی شده است. این حقیقتی است که دشمنان این مرز و بوم نیز بدان معترف‌اند. مضافاً این که دوره هشت ساله جنگ مشحون از تجربیات ذی‌قیمتی است که در خلال حوادث و اتفاقات مهم رقم خورده است؛ تجربیاتی که هر یک سرفصل مهمی از تاریخ این کشور محسوب می‌شود. حتی شکست‌ها هم در این جنگ که با پیروزی به پایان رسیده است، خود تجربه بزرگ و قابل‌اعتنایی است که بی‌توجهی به آن خسارت بزرگ‌تری است.

-نکته بعدی این است که مخاطب این مطالبه و انتظار،



است. معظم‌له به‌کرات و در مناسبت‌های مختلف بدین موضوع پرداخته و مطالب مبسوطی بیان کرده‌اند. ثانیاً ایشان در خلال بیانات خویش درباره دفاع مقدس، مطالبات و انتظارات قابل توجه و تاملی برای همه اقشار، اعم از مسئولان، آحاد ملت و دستگاه‌های ذی‌ربط مطرح کرده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع دفاع مقدس که سرفصل این فصلنامه است سعی می‌شود طی چند شماره اساسی‌ترین مطالبات و انتظارات رهبری در حوزه دفاع مقدس مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

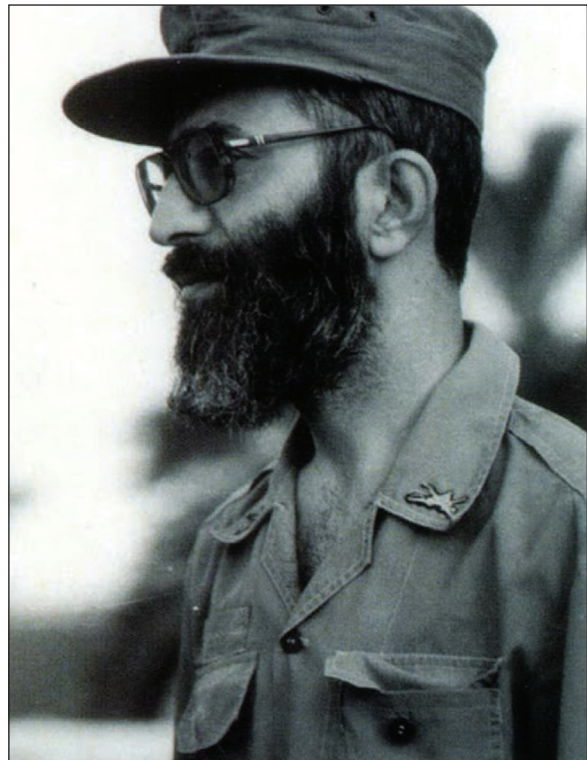
■ فهرست‌نویسی حوادث جنگ

یکی از مهم‌ترین و در عین حال با اولویت‌ترین مطالبات در حوزه دفاع مقدس، «فهرست‌نویسی حوادث جنگ» است. این مطالبه در تاریخ ششم مهر سال ۱۳۷۹ و در دیدار با جمعی از هنرمندان و اصحاب فرهنگ بیان شده است. متن کامل مطالبه چنین است: «این هشت سال دوره دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است. من می‌خواهم این را از جامعه فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این هزاران هزار حادثه، لااقل یک فهرست تهیه کنند. بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندان به خرج دهند؛ یک فهرست از این حوادث به وجود آورند؛ بعد این را بگذارند در قبال کارهای هنری‌ای که تا امروز درباره جنگ شده است - که البته بسیار هم ارزشمند است - ببینند که چقدر از این فهرست را ما پرکرده‌ایم. من اعتقادم این

پرداختن به حوادث جنگ است. معظم‌له در زمینه رشد و بالندگی ادبیات و هنر می‌فرمایند:

«...یکی از عواملی که هنر و ادبیات را در هر کشوری به شکوفایی می‌رساند، حوادث سخت، از جمله جنگ است. زیباترین رمان‌ها، بهترین فیلم‌ها و شاید بلندترین شعرها، در جنگ‌ها و به مناسبت جنگ‌ها نوشته شده، به تصویر کشیده شده، سروده شده و به وجود آمده است. در جنگ ما هم همین‌طور بود.» (۲)

«این پدیده (جنگ) در تاریخ ایران ما یک پدیده حقیقتاً بی‌نظیر؛ یا اگر احتیاط کنیم، بگوییم کم‌نظیر بود. این پدیده به این بزرگی، آن‌هم با این همه شکوه و با این همه زیبایی. چه موضوعی برای یک هنرمند از این جذاب‌تر؟ آثار بزرگ هنری دنیا را نگاه کنید؛ بسیاری از آنها بر روی قهرمانی‌های ملت‌ها متمرکزند؛ حتی آن جایی که شکست خوردند.» (۳)



و نکته دیگر در این مجال، حکمت و فلسفه‌ی فهرست‌نویسی از هزاران هزار حادثه جنگ است. بدون شک درباره جنگ و دفاع مقدس، چه در زمان جنگ و چه پس از پایان جنگ، آثار کمی و کیفی قابل توجهی تولید شده است که شایان تحسین و ستایش است، اما آنچه می‌تواند زمینه بیان این انتظار و مطالبه، آن‌هم مطالبه و انتظار حداقلی باشد، معطوف به عظمت دفاع مقدس است؛ عظمتی که به اذعان دوست و دشمن، قدرت و اقتدار امروز نظام جمهوری اسلامی، قدرت بازدارندگی و تاثیرگذاری انقلاب اسلامی در اقصی نقاط عالم مرهون آن است. بنابراین جا دارد که کارهای انجام‌شده و تولید محصولات در هر عرصه‌ای، با عظمت و بزرگی دفاع مقدس سنجیده و ارزیابی شود که اگر چنین مقایسه‌ای صورت گیرد خواهیم دید که کارهای انجام‌شده در برابر عظمت و بزرگی دفاع مقدس عشری از اعشار هم نیست! لذا می‌فرمایند: «من اعتقاد این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک‌هزارم آنچه را که درباره این جنگ می‌باید تبیین کرد و می‌توان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم.»

جامعه فرهنگی و هنری کشور است؛ چرا که جامعه فرهنگی و هنری با عنایت به مراتب فرهیختگی و ابزار و شیوه‌های تاثیرگذاری که در اختیار دارد؛ بهتر و مناسب‌تر می‌تواند از عهده این مسئولیت برآید، ضمن این که در دوران پس از جنگ، زمینه‌های بهره‌برداری از فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس بیشتر صبغه فرهنگی و هنری دارد و بیشترین استفاده از تجربه جنگ در عرصه‌های فرهنگی، هنری خود را نشان می‌دهد؛ البته این بدین معنا نیست که سایر حوزه‌ها از دستاوردهای دفاع مقدس نمی‌توانند بهره‌برداری کنند. توضیح دیگر در این باب تاکید بر «دقت نظر هنرمندانه» است. در واقع روح حاکم بر این مطالبه تهیه فهرست حوادث جنگ، تهیه فهرستی باری به هر جهت نیست که گفته شود کاری شده است؛ بلکه باید در این فهرست‌نویسی دقت نظر هنرمندانه مدنظر باشد تا زیبایی‌ها، از جنگی که فی‌نفسه خشک و خشن و ملال‌آور است، به جامعه مخاطب عرضه شود تا ضمن ماندگاری تاثیر مطلوب خود را داشته باشد. البته این یک روی سکه است، روی دیگر سکه بالندگی و رشد ادبیات و هنر در سایه‌سار

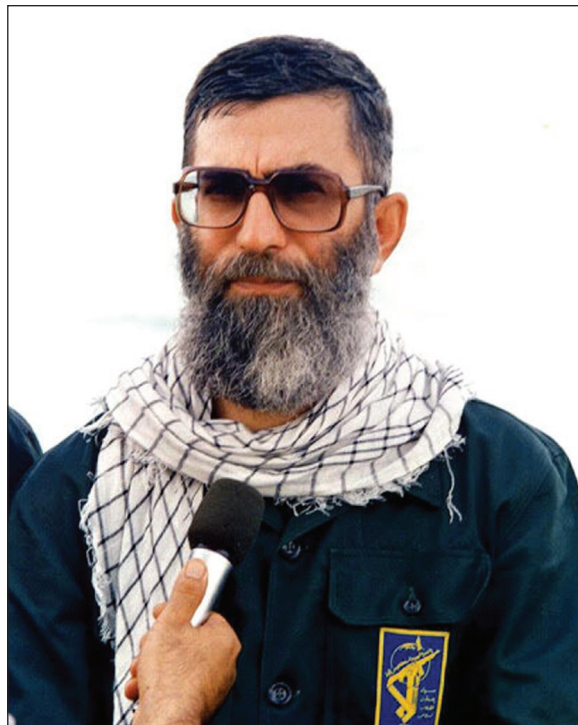
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

۲- بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2580&npt=1&p=2>

۳- بیانات در دیدار مدیران و هنرمندان دفاع مقدس، ۱۳۷۹/۷/۶

<https://www.leader.ir/fa/speech/1987>



با فراهم‌آوری و تدوین فهرست هزاران هزار حادثه جنگ، نظام موضوعات دفاع مقدس به‌مثابه نقشه راه قابل استخراج و ارائه به هنرمندان، اصحاب فرهنگ، نویسندگان، پژوهشگران و مراکز پژوهشی و آموزشی خواهد بود. هم اینک خلاء بانک جامع اطلاعاتی از موضوعات دفاع مقدس و جنگ هشت ساله کاملاً محسوس است!

و نکته پایانی این که با تدوین فهرست حوادث جنگ، تاریخ خون‌نگاشت جنگ از دستبرد تحریف‌کنندگان مصون و محفوظ خواهد ماند. هم اینک که فاصله چندانی از شروع و پایان جنگ گرفته نشده است، دست‌های آشکار و پنهانی درصددند تا تاریخ جنگ را آن‌گونه که باب میل‌شان است تقریر کنند و برخی برجستگی‌ها و حوادث تاثیرگذار دفاع مقدس را انکار نمایند! قطعاً با فهرست‌نویسی هزاران هزار حادثه جنگ تیر بدخواهان به سنگ خواهد خورد. ان‌شاء‌الله.

پاورقی‌ها

۱- بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶

گزارش کتاب

شکل‌گیری و توسعه

یگان جنگ الکترونیک سپاه

گزارشی کوتاه از چگونگی تدوین تاریخ شفاهی جنگ الکترونیک سپاه

یحیی نیازی

به مناسبت عروج ملکوتی و ناباورانه سردار سرتیپ، دکتر علی اصغر زارعی^۱

مقدمه

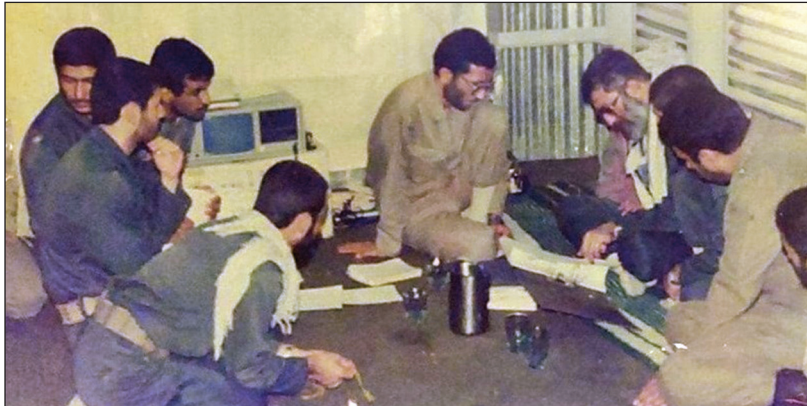
ارتباطات مخابراتی و الکترونیکی همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی در جنگ‌ها مطرح است. مخابرات و ارتباطات در عین حال که به منزله سلسله اعصاب سیستم فرماندهی و کنترل جنگ نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در صحنه نبرد دارد، می‌تواند مسیری برای نشت و هدر رفت اطلاعات بوده و فعل و انفعالات صحنه‌های نبرد را خواسته یا ناخواسته در اختیار دشمن قرار دهد. بر این اساس «جنگ الکترونیک» در ارتش‌های دنیا شکل گرفت تا بتوان از این ظرفیت ارتباطی استفاده کرد و علاوه بر کسب اطلاعات از ارتباطات دشمن در صورت لزوم عملیات اختلال، جهت‌یابی و قطع ارتباط را نیز انجام داد و در مقابل با انجام جنگ ضدالکترونیک، مانع دسترسی دشمن به اطلاعات نیروهای خودی شد. به همین دلیل امروزه موضوع جنگ الکترونیک از عناصر تاثیرگذار و کلیدی نبردهای جهانی و منطقه‌ای به حساب می‌آید.

در دوران دفاع مقدس در حالی که جمهوری اسلامی ایران با تنگناهای بی‌شماری در حوزه‌های مختلف روبه‌رو بود و دشمنان این مرز و بوم راه هر گونه استفاده از فناوری‌های نوین را بر ایران بسته بودند، ابتکارات و خلاقیت‌ها و انجام اقدامات تکلیف‌گرایانه در جبهه‌ها، توانست عملکردی را به جای بگذارد که دنیا را به حیرت واداشته است. تحریم‌های سنگین و

کمبود امکانات در این دوره با سختی‌ها و مشکلات زیادی همراه بوده است، اما تأثیر ابتکارات و خلاقیت‌ها با تکیه بر توانمندی‌های بومی به تجارب انکارناپذیری بدل شده است. یگان جنگ الکترونیک سپاه که اختصاراً «جنگال» نامیده می‌شود، از جمله ابتکاراتی است که علاوه بر تأثیر تعیین‌کننده در زمان جنگ، اکنون نیز یک تجربه قابل اتکاء برای برون‌رفت از مشکلات موجود، به‌ویژه در حوزه‌های فناوری و ارتباطات است.

زمانی که صدام از سوی شرق و غرب و به سرکردگی آمریکا، بی‌اندازه حمایت می‌شد و حدود ۱۴ گردان جنگ الکترونیک از بهترین تجهیزات مورد استفاده ناتو (ساخت انگلستان) را در اختیار او قرار دادند، نیروهای ایران در حوزه فناوری‌های نوین با دست خالی و در میان شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی و محاصره اقتصادی توانستند با اقدام ماندگار و البته بسیار موثری بر فناوری پیشرفته دشمن فائق آیند. ایده تاسیس یگان جنگال سپاه زمانی مطرح شد که دست اندرکاران این حوزه متوجه شدند باید کار را از یک شنود ساده به سطح بالاتری از دانش فنی ارتقاء دهند و یگان عملیاتی «جنگ الکترونیک» را با همه مشخصه‌هایش راه اندازی کنند. تجهیزات مورد نیاز نیز عموماً از وسایل به غنیمت گرفته شده از دشمن تأمین شده بود. یعنی جنگال سپاه توانست با استفاده از تجهیزات غربی در اختیار صدام، سیگنال‌های مورد نیاز را شناسایی و به فراخور شرایط

فرمانده فقید یگان جنگال سپاه در این گفت‌وگوها کاملاً مشهود و حسرت‌برانگیز بود، اما همکاران وی، به‌ویژه سردار زارعی تلاش مضاعف کردند تا نقش آن فقید سعید نیز در گفت‌وگوها روشن و تبیین گردد.



پس از فراهم شدن مقدمات، جلسات مذکور از ۲۵ دی ۱۳۹۷ شروع شد و

در ۲۰ خرداد ۱۳۹۹، در ۲۲ جلسه با میانگین زمان دو ساعت برای هر جلسه به پایان رسید. مطالعات مقدماتی محقق، برگزاری جلسات مصاحبه، پیاده‌سازی و تایپ، نمونه‌خوانی و مقابله، ویرایش و مجلدسازی اولیه، روند تحقیقی این پروژه بوده‌است.

از جمله وجوه تمایز تاریخ شفاهی سردار دکتر علی اصغر زارعی، اصرار ایشان به روایت جمعی بود و بر همین اساس و به منظور تدقیق اطلاعات ارائه‌شده، در عموم جلسات چند تن از رزمندگان و مسئولان وقت جنگ الکترونیک سپاه حضور داشته‌اند و به هم‌افزایی اطلاعات و غنای مطالب کمک شایانی کرده‌اند. این موضوع از صداقت و صفای درون سردار زارعی نشأت می‌گرفت که به هیچ وجه راضی نبود اقدامی را به نام خود ثبت و ضبط کند. تاریخ شفاهی این سردار پرتلاش و کم‌توقع، در برگیرنده محورها و حوادث مهمی از تاریخ دفاع مقدس است. برخی از موارد مطروحه در تاریخ شفاهی ایشان عبارتند از: ورود به دانشکده نفت آبادان و استمرار مبارزات، شهادت برادر^۲ و تاثیر آن بر استمرار مسیر مبارزه، نقش‌آفرینی سپاه آبادان در عرصه‌های مختلف، ترسیم فضای آغاز جنگ تحمیلی در شهرهای آبادان و خرمشهر، تحولات سپاه آبادان، زمینه‌سازی برای تشکیل جنگال، شکست رمز سامانه‌های ارتباطی دشمن، فرماندهی عملیات یگان جنگال، تعامل نزدیک مخابرات، اطلاعات و جنگال سپاه، تحقیق، توسعه مستمر یگان جنگال در هنگامه نبرد، جنگال سپاه در

صحنه نبرد از محتوای مکالمات آنها استفاده کند و یا در صورت لزوم ارتباطات دشمن را قطع یا مختل نماید. اقدامی که در یک تلاش مجاهدانه با کشف الگوریتم رمز دستگاه‌های مدرن و پیشرفته شرکت راکال انگلستان به ثمر رسید و نهایتاً بی آن‌که دشمن متوجه شود، رمز دستگاه‌های پیشرفته‌اش به دست فرزندان امام امت شکسته و رحمت و واسع‌ه خداوند نصیب رزمندگان اسلام شد. به نحوی که پس از این اقدام، همواره ارتباطات دشمن در دسترس نیروهای خودی بود و هر گونه فعل و انفعالات آنها رصد اطلاعاتی می‌شد.

عملکرد یگان جنگال سپاه در طول جنگ، حاوی نکات قابل توجه و منحصر به فردی است که با احصاء و تدوین آنها می‌توان شرایط را برای غلبه بر مشکلات فعلی فراهم و آن تجربه ارزشمند را به نسل‌های آینده منتقل کرد. بر این اساس، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در راستای اجرای طرح تدوین تاریخ شفاهی فرماندهان سپاه پاسداران در دفاع مقدس، تدوین تاریخ شفاهی فرماندهان رده‌های تخصصی را نیز در دستور کار خود قرار داد و پس از چاپ کتاب تاریخ شفاهی سردار علی اسحاقی مسئول واحد شنود قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص)، برای تکمیل مباحث مربوط به جنگال سپاه، گفت‌وگو با تعدادی از مسئولان و افراد تاثیرگذار در تشکیل و توسعه یگان جنگال سپاه را با محوریت سردار دکتر علی اصغر زارعی از مسئولان ارشد این یگان در دفاع مقدس آغاز کرد. اگرچه جای خالی مرحوم مهندس غفاریان

جور نبود و باید به شکلی کمک‌حال پدر می‌شدیم که بتواند معاش این خانواده پرجمعیت را تأمین کند. مرحوم پدرم اصرار داشتند من درس بخوانم. ولی باین‌حال من تابستان‌ها کار می‌کردم. تا جایی که یادم هست از دبستان تا سال پنجم دبیرستان همه تابستان‌ها را کار می‌کردم. حدود سه، چهار سال تابستان‌ها در صابون‌پزخانه کار کردم. کار در صابون‌پزخانه واقعاً کار طاقت‌فرسا و سنگینی بود. یادم هست که سال آخری که در صابون‌پزخانه کار می‌کردم اخوی کوچکم را هم با خودم برده بودم. دو نفری هفته‌ای ۵۰ تومان مزد می‌گرفتیم. که در زمان خودش پول خوبی بود. ولی در عوض کار بسیار سنگینی را انجام می‌دادیم.

تفاله‌های کارخانه‌های روغن را به آن‌جا می‌آوردند و با مواد شیمیایی به‌شدت خطرناک مثل اسید سولفوریک‌های غلیظ در کوره و با حرارت زیاد می‌پختند و بعد که پخته می‌شد در قالب‌های مخصوصی می‌ریختند و بعد از گذشت یک روز، این‌ها را به‌صورت شمش برش می‌دادیم و در ماشین دیگری تبدیل به لواشک‌های خاص می‌کردیم و بعد به پشت‌بام می‌بردیم تا خشک شود. سپس در روز بعد آن‌ها را دوباره در یک مخلوط‌کن می‌ریختیم تا خرد شوند و بعد از یک دستگاه دیگر عبور کند تا فرم و قالب مورد نظر را به خود بگیرند و تکه‌تکه شوند. بعد که حالت صابون به خودش می‌گرفت، مارک هم روی آن‌ها زده می‌شد. با این شرایط درس خواندم تا وارد دانشگاه شدم.

■ اولین نماز جمعه آبادان با پیروزی انقلاب اسلامی

بعد از این‌که آیت‌الله طالقانی نماز جمعه را در تهران شروع کردند، در خیلی از جاها برگزاری نماز جمعه شروع شد. به یاد دارم که آقای جمی به‌عنوان امام جمعه آبادان اعلام شد که احتمالاً از دفتر حضرت امام ابلاغ شده باشد و قرار شد اولین نماز جمعه هم در استادیوم ورزشی آبادان برگزار شود. فکر می‌کنم نزدیک به آخر مرداد بود

عملیات‌های والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۳، کربلای ۴، کربلای ۵، والفجر ۱۰، مرصاد و....

در ادامه بخش‌هایی از گفت‌وگوهای انجام شده با سردار زارعی را می‌خوانید.

■ گذری بر زندگی و زمانه

پدر و مادرم اصالتاً آذری هستند و من در تاریخ پنجم آبان ۱۳۳۵ در محله جوادیه تهران متولد شدم. دوران دبستان را در همان جوادیه بودم و در دبستان «ادب» درس می‌خواندم. قبل از انقلاب به جوادیه «تگزاس» می‌گفتند؛ یعنی شرایط خاص فرهنگی خودش را داشت و از انواع خرابکاری‌ها و خلاف‌کاری‌ها در آن بود. ضمن این‌که بسیاری از طبقات پایین جامعه به لحاظ معیشتی در آن قسمت شهر بودند. پدر من کارگر اداره قند و شکر بود.

من بچه آرامی بودم و سروکارم بیشتر با امور مذهبی و در مسجد بود. موقع نماز مکتب مسجد بودم. وقتی به دبیرستان حافظ رفتم با جمع بیشتری آشنا شدم. بعضی وقت‌ها از جوادیه با اتوبوس‌های دوطبقه و بعضی اوقات هم پای پیاده به دبیرستان می‌رفتم. آن زمان بلیط‌های اتوبوس دو ریالی بود و من گاهی اوقات کلی پس‌انداز می‌کردم تا بتوانم با اتوبوس بروم.

ما خانواده پرجمعیتی داشتیم. خرج و دخل خانواده



لذا حساسیت این منطقه بالا رفته بود. برای همین، سپاه یک پاسگاه در جزیره مینو ایجاد کرد. اولین شهید را در مرداد ۵۹ در جزیره مینو دادیم. دوباره بچه‌های اطلاعات خبر آوردند که امشب دشمن از جزیره مینو وارد عمل می‌شود و به پاسگاه ما در آنجا حمله می‌کند. ساختمان پاسگاه هم کامل نبود. یعنی یک اتاقک کیوسک مانند بود. دوستانی که در آنجا مستقر شده بودند خبر آوردند که این بار با آر.پی.جی حمله می‌کنند. ما آر.پی.جی را فقط دیده بودیم و هنوز کسی با آن کار نکرده بود. به دنبال این بودیم که اسلحه به آنجا بفرستیم. توی سپاه یک کالیبر ۵۰ داشتیم که این کالیبر ۵۰ را باید روی وانت نصب می‌کردیم که متحرک باشد. فهمیدیم که این سلاح یک پایه دارد که ما آن را در اختیار نداشتیم. پیگیری که کردیم، متوجه شدیم که پایه کالیبر ۵۰ در انبارهای ژاندارمری موجود است. بچه‌های ژاندارمری هم گفته بودند اگر فرماندار آبادان بگوید ما این پایه را به شما می‌دهیم که من به فرمانداری آبادان رفتم. در همین فاصله شهید جهان‌آرا هم به فرمانداری آمد و تا من را دید گفت: «جایی نروی. استاندار جدید به این‌جا می‌آید. شما باید او را به وضعیت منطقه توجیه کنی.» ارتباط ما با خود خرمشهر و شهید جهان‌آرا ارتباط تنگاتنگی بود و ما یک شبکه ارتباطی هم بین آبادان و خرمشهر داشتیم. توی همین بحث بودیم که شهید جهان‌آرا گفت: «آقای استاندار آمد» و آقای فرماندار هم بلند شد و رفت استقبالش. من اولین بار بود که آقای غرضی را از نزدیک می‌دیدم. شنیده بودم که از مبارزان قبل از انقلاب است و در سوریه و لبنان بوده و چنین سابقه‌ای دارد، ولی از نزدیک او را ندیده بودم. اطلاعاتی را که داشتم به استاندار ارائه دادم. یک کاغذ برداشتم و ارونه را کشیدم و محل استقرار سنگرهای دشمن را نشان دادم و گفتم: «این‌جاها سنگرهای توپخانه عراق است و این‌جاها سنگر نفرات است و این تحرکات را انجام می‌دهند و این هواپیماها برای گشت‌زنی می‌آیند.» در آخر هم گفتم: «آقای مهندس غرضی این‌جا جنگ می‌شود. صدام به ما حمله می‌کند



و هوا هم خیلی گرم بود. البته استادیوم فضای خیلی بزرگی داشت. ما به عنوان سپاه بیشتر در بحث امنیت نماز جمعه و نمازگزاران دخیل بودیم. علاوه بر بحث امنیت، بحث صحبت و سخنرانی برای مردم هم بود. فکر می‌کنم در نماز جمعه اول یا نماز جمعه‌های بعدی در استادیوم بود که من یک سخنرانی پیش از خطبه‌ها داشتم و در آن به موضوعات انقلاب اسلامی و نقش مردم در تداوم و حفظ نهضت اشاره کردم. البته نماز جمعه بعد از دو یا سه مرحله به دانشکده نفت منتقل شد.

■ پیش‌بینی شروع جنگ در حضور استاندار خوزستان

ما در سپاه آبادان حضور داشتیم و به‌طور شبانه‌روزی فعالیت می‌کردیم. چون این‌قدر تحولات زیاد بود که مجبور بودیم این کار را بکنیم و متوجه شدیم که منطقه آبستن حادثه بزرگی است. یک نامه نوشته شد و آن را از طریق فرمانده سپاه آبادان به سپاه استان دادیم. اگر اشتباه نکرده باشم به مرکز سپاه در تهران هم یک نسخه فرستادیم. چون آن زمان سپاه آبادان ارتباط مستقیمی با مرکزیت سپاه هم داشت. خاطره‌ای که از آن زمان به ذهن من مانده این است که با گزارشی که دوستان اطلاعات آورده بودند ما مجبور بودیم در جزیره مینو یک پاسگاه داشته باشیم. چون تردها زیاد شده بود و حمله‌های پراکنده‌ای هم از سوی نیروهای صدام شده بود و ما یک نفر شهید هم در جزیره مینو داده بودیم و

قرار بود هرکدام از ما ۵ دقیقه حرف بزنیم و وضعیت آبادان و شرایط واقعی منطقه را به حضرت امام (ره) گزارش بدهیم. من هم با عصا رفتم، اما وقتی وارد اتاق ملاقات شدم حضرت امام فرمودند: «یک صندلی برای ایشان بیاورید.» ولی من زمین نشستم. بعد هم جلسه شروع شد و ما شرایط را خدمت امام توضیح دادیم. فکر می‌کنم بیشتر از نیم ساعت طول نکشید. حضرت امام هیچ چیزی نگفت، فقط فرمودند: «شما بروید و فردا دوباره بیایید.» هیچ چیز دیگری نفرمودند. دوستان بلند شدند و یکی یکی حضرت امام را بوسیدند و من هم رفتم و دست حضرت امام را بوسیدم و جلسه تمام شد. وقتی از اتاق ملاقات با امام بیرون آمدم، چند لحظه بعد سید احمد آقا آمد و پرسید: «شما به حضرت امام چه گفتید که دستور دادند؛ جلسه شورای عالی دفاع باید فردا تشکیل شود.»



و جنگ می‌شود.» ایشان روی این جمله خیلی حساس شد. بلافاصله برگشت و گفت: «تو چه کاره هستی؟» گفتم: «من پاسدار هستم.»

■ ملاقات با امام خمینی (ره)

آن شب هم همه بچه‌هایی که از آبادان آمده بودند به منزل ما آمدند و فردا صبح دوباره به جماران رفتیم. ما در دفتر امام نشسته بودیم که گفتند: «دیروزی‌ها بیایند داخل.» دوباره رفتیم خدمت امام و مجدداً حرف‌های دیروز را در همان نیم ساعت توضیح دادیم. وقتی که ما وارد شدیم حضرت امام نشسته بودند، بنی‌صدر هم کنار حضرت امام روی کاناپه نشسته بود، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم تشریف داشتند، مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی، شهید رجایی، شهید فلاحی و مرحوم ظهیرنژاد هم بودند. یعنی اعضای شورای عالی دفاع همه بودند. جلسه ساکت بود تا ما وارد شدیم و نشستیم و دوباره حرف‌های دیروزمان را زدیم. تا حرف‌های ما تمام شد، حضرت امام جلوی ما از اعضای شورای عالی دفاع توضیحی نخواستند، وقتی صحبت‌های ما تمام شد، امام دوباره فرمودند: «شما بروید.» ما از جلسه خارج شدیم و در دفتر ایشان منتظر نشستیم. مدتی طول کشید که گفتند: «جلسه تمام شد.» جلسه که تمام شد، ما به دنبال این بودیم که بپرسیم:

وقتی در خرمشهر مجروح شدم و برای مداوا به تهران آمدم، مرحوم آقای جمی با دفتر حضرت امام هماهنگ کرد که تعدادی از مسئولان آبادان با امام ملاقات کنند. برای همین آقای ده‌دشتی، شهید جهان‌آرا، آقای رشیدیان، آقای حیاتی‌مقدم و آقای رکن‌الدین جوادی از سپاه آبادان به منزل ما در تهران آمدند و گفتند: «هماهنگ شده که فردا به ملاقات حضرت امام (ره) برویم.» آن زمان آقا محسن رضایی مسئول اطلاعات سپاه و در واقع مسئول اطلاعات کل کشور بود. چون هنوز وزارت اطلاعات نداشتیم. قبل از این که خدمت حضرت امام برسیم ابتدا آقا محسن را دیدیم. آقا محسن این بحث را داشت که حالا که هماهنگ شده و شما می‌خواهید خدمت حضرت امام بروید، به ایشان صریح و روشن بگویید «واقعیت چیست و چه اتفاقی افتاده!» چون حضرت امام هنوز نمی‌پذیرد که بنی‌صدر کمک نمی‌کند. خلاصه من هم با دو عصابی که دستم بود با دوستان به جماران رفتم. با هم هماهنگ کرده بودیم که مثلاً شهید جهان‌آرا چه بگوید! و آقای رشیدی و آقای جوادی چه بگویند!

مستقر شدیم، آقای بنی‌صدر که یک لباس نظامی هم پوشیده بود با یک تکبری گفت: «شما امروز در خدمت حضرت امام ۱۶ مورد دروغ گفتید.» ما تعجب کردیم و همه از کوره دررفتند. گفتیم: «ما دروغ گفتیم؟» گفت: «بله.» با این برخورد آقای بنی‌صدر دعوا شروع شد. پرسیدم: «ما دروغ گفتیم یا شما دروغ می‌گویید؟ عراق از رودخانه مارد وارد شده است و دیشب از کارون عبور کرده است. شما چرا این‌ها را به امام نمی‌گویید؟» گفت: «شما اصلاً نظامی نیستید. اصلاً چه کسی به شما گفته در این کارها دخالت کنید؟ شما بی‌خود آمده‌اید. چرا اجازه نمی‌دهید نظامی‌ها کارها را انجام دهند؟»

در همین اوضاع و احوال، شهید فلاحی و مرحوم ظهیرنژاد به حمایت از آقای بنی‌صدر شروع به دادو فریاد کردند. در خاطرم هست که شهید جهان‌آرا با شهید فلاحی دعوایش شد. آن‌ها روبه‌روی هم نشسته بودند و مرحوم ظهیرنژاد هم با آقای جوادی دعوا می‌کردند. مرحوم ظهیرنژاد لهجه آذری داشت و جوادی هم آذری بلد بود. یک مقدار با هم تند صحبت کردند و سر هم داد کشیدند و من هم که نشسته بودم مرتب عصا را روی میز می‌زدم و می‌گفتم: «ما دروغ نمی‌گوییم، شما دروغ می‌گویید! شما دروغ می‌گویید که کمک نمی‌کنید؟» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم روی یک مبلی نشسته بودند و ماجرا را رصد می‌کردند. اوضاع خیلی درهم‌ریخته شد و یک مقدار هم حرف‌های تند بین برخی افراد ردوبدل شد. به‌هرحال جنگ شده بود و ما تحت فشار بودیم و آن‌ها هم حرف خودشان را می‌زدند و به ما می‌گفتند: «شما بلد نیستید و می‌خواهید مملکت را به باد دهید.» و از این‌طرف هم جهان‌آرا گفت: «شما اصلاً کمک نمی‌کنید و خیانت می‌کنید.» حرف‌های این‌چنینی تند ردوبدل می‌شد. یکبار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که تا آن زمان ساکت بودند و اوضاع را رصد می‌کردند فرمودند: «شما بلند شوید و بروید تا ما جلسه خودمان را داشته باشیم و بتوانیم راه حلی پیدا کنیم.» تا ایشان این را گفت، همه ما ساکت بلند شدیم

«بالاخره چه کار کنیم؟ آیا به آبادان برویم؟» اما تا به در کوچک بیت حضرت امام (ره) رسیدیم، دیدیم بنی‌صدر و بقیه رفته‌اند و فقط آقای هاشمی در چارچوب در داشت بیرون می‌آمد. به آقای هاشمی گفتیم: «چه شد؟» آقای هاشمی گفت: «خوب شد که شما آمدید و مطالب را گفتید. حالا شما بروید.» گفتیم: «کجا برویم؟ بالاخره حضرت امام یک پیامی بدهد که ما به مردم چه بگوییم؟ به ما بفرمایند که مردم تخلیه کنند یا نکنند. ما الان به مردم چه بگوییم؟ بگوییم نظر حضرت امام چه هست؟» گفت: «نه، این که نمی‌شود. حضرت امام که این‌طور پیام نمی‌دهد. کار شما خوب بوده و اثر کرده و آقایان قول داده‌اند که اجازه ندهند حصر آبادان کامل شود و کمک کنند که این اتفاق رخ ندهد.» اما ما دست برنداشتیم و مصمم بودیم پیام مردم آبادان و خرمشهر به گوش مسئولان برسانیم. شهید جهان‌آرا خیلی اصرار کرد که ما نمی‌توانیم همین‌طور برویم و شما باید یک جوابی به ما بدهید، آقای هاشمی گفت: «پس امشب به محل شورای عالی دفاع بیایید تا آنجا یک جوابی به شما بدهیم.» این را که گفت، ما تقریباً قانع شدیم و منتظر ماندیم تا عصر که به مقر شورای عالی دفاع که آن زمان در سیدخندان بود، رفتیم. وقتی به آن‌جا رفتیم ابتدا راه‌مان نمی‌دادند و می‌گفتند: «شما برای چه آمدید؟» تا این که باز اصرار کردیم. به دژبانی تلفن کردند و گفتند: «آبادانی‌ها بیایند داخل.» در اتاق انتظار نشستیم، گفتند: «آقای میرسلیم رئیس شهربانی وقت، پیش آقای بنی‌صدر است و قرار بود که بلافاصله جلسه شورای عالی دفاع بعد از آن جلسه دوفره آن‌ها تشکیل شود.» به ما گفتند: «وقتی جلسه تشکیل شد شما هم بیایید توی جلسه.» ما که رفتیم تا مستقر شدیم دیدیم اعضای شورای عالی دفاع یعنی مقام معظم رهبری، آقای هاشمی و فلاحی و مرحوم ظهیرنژاد و اگر اشتباه نکنم آقای آذین که فرمانده هوانیروز بود و آقای غرضی آمدند. فردای آن روز کیهان عکسی از شورای عالی دفاع چاپ کرد که ما هم نشسته بودیم و آن عکس هنوز هم هست. در آن جلسه که

نظامی کار صورت گرفته است و از دشمن اطلاعات به دست می‌آوریم.

■ اهمیت تاریخ شفاهی دفاع مقدس

من معتقدم که تاریخ شفاهی دفاع مقدس کار زمین‌مانده‌ای بوده که مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس همت کرد و الآن آن را دنبال می‌کند. ما این کار را بلافاصله بعد از جنگ باید انجام می‌دادیم که هنوز اطلاعات و خاطرات بیشتر در ذهن‌ها بود و مهم‌ترین آن‌هم این است که یک لایه‌هایی از این تجربیات دفاع مقدس باید به جامعه و بالأخص نسل جوان منعکس شود. خواهش من این است در این زمینه برنامه‌ای را داشته باشید که بتوانید گسترده‌تر عمل کنید. واقعاً الآن باید یک شبکه یا یک کانالی در تراز رسانه ملی، به نشر و انتقال تجارب دفاع مقدس در سطح کشور اختصاص داده شود که مرتب افراد بیایند خاطرات‌شان را بگویند. بعضی از این خاطراتی که از شهدا و خانواده‌هایشان می‌شنویم، هنوز هم برای ما واقعاً تأثیرگذار و عبرت‌آموز است.

■ پی‌نوشت‌ها

۱. سردار سرتیپ پاسدار دکتر علی‌اصغر زارعی از مسئولان ارشد و از تأثیرگذاران تشکیل و توسعه یگان جنگال سپاه در دفاع مقدس، پس از سال‌ها مجاهدت در دوران دفاع مقدس و تلاش و خدمت در عرصه‌های مختلف، سرانجام در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۹۹ دعوت حق را لبیک گفت و آسمانی شد.

۲. شهید حسن زارعی برادر کوچک‌تر سردار زارعی در کوران مبارزات مردم ایران علیه رژیم شاه، به فرمان امام امت (ره) از سربازی فرار کرد و در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در حال دفاع از مردم بیگناه که مورد هجوم عوامل رژیم شاه قرار گرفته بودند، هدف گلوله دژخیمان پهلوی قرار گرفت و به شهادت رسید.

۳. سردار سرلشکر شهید نورعلی شوشتری از فرماندهان قرارگاهی سپاه در دوران دفاع مقدس.

و از جلسه بیرون آمدم. همین‌طور که من از جلسه بیرون می‌آمدم به آقای غرضی که استاندار خوزستان بود و در جلسه شورای عالی دفاع شرکت داشت، گفتم: «آقای مهندس! جنگ یعنی جنگ و تا بخواهی به اصولش پردازی نصف مملکت از دست رفته است.» چون ایشان می‌گفت جنگ اصول و قانون دارد. او هم به من تشر زد و گفت: «برو بیرون.» فردای آن روز هم من گچ پا را باز کردم و فکر می‌کنم پس‌فردای آن روز هم به آبادان برگشتم.

■ منافقین در چنگال جنگال سپاه

در عملیات مرصاد، ابتدا وقتی که منافقین حمله کردند ما آنجا یک سیستم تاکتیکی فجر ۲ را داشتیم که در باند VHF و UHF هم بود. با این‌که منافقین از بی‌سیم‌های V.H.F.H.B استفاده می‌کردند، اما سیستم فجر ۲ قدرت داشت که در این باند هم اطلاعات آن‌ها را دریافت کند. البته منافقین کشف هم صحبت می‌کردند یعنی رمزکننده نداشتند. آقای افشاری و آقای جعفری، بلافاصله از قرارگاه نجف در کرمانشاه به طرف تنگه چهارزبر می‌روند و آنجا هم سیستم تاکتیکی‌شان را راه می‌اندازند و ارتباطات منافقین را کنترل می‌کنند و به قرارگاه نجف و سپاه چهارم گزارش می‌کنند. اگر خاطرم باشد شهید شوشتری^۲ فرمانده قرارگاه نجف در آن محور بودند و چند تا از بی‌سیم‌های خود منافقین را هم غنیمت گرفته بودند و توانسته بودند اطلاعات خوبی از آن‌ها دریافت کنند. در واقع یکی از نقاط مقاومت در تنگه چهارزبر این اشراف اطلاعاتی رزمندگان مستقر در آن منطقه بود.

منافقین به نظر من، حماقت بزرگی را مرتکب شدند؛ چون نسبت به توانایی‌های ما بی‌اطلاع بودند و با جهالت کامل به این حمله اقدام کردند. آن‌ها هم از توان نیروی انسانی، هم انگیزه نیروی انسانی و هم توانایی فنی ما بی‌اطلاع بودند. منافقین می‌دانستند که در دنیا کسی به ما تجهیزات نداده، ولی نمی‌دانستند با ابتکار و خلاقیت و با یک تجهیزات غیرنظامی، به اندازه تجهیزات

تداوم اشغال و بحران

مروری بر روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۱۳ (نیمه اول)

فرهاد درویشی^۱/محمد محمدپور^۲

مقدمه

مخالف نظام نظیر سازمان مجاهدین خلق در آتش آن می‌دمیدند، نیز دستاورد آن در حوزه سیاسی بود.

نوشتار حاضر خلاصه‌ای از جلد نخست کتاب سیزدهم مجموعه روز شمار جنگ ایران و عراق است که به اهم رخدادها و تحولات تأثیرگذار بر جنگ در دو سطح ملی و فراملی و در محورهای نظامی، سیاسی در حفاصل ۱۳۶۰/۱/۱ تا ۱۳۶۰/۲/۱۰ بدین شرح اشاره می‌کند:

الف) تحولات نظامی

برخی از مهم‌ترین تحولات نظامی در مقطع زمانی مورد مطالعه عبارت‌اند از:

عملیات‌های محدود: بسترسازی برای ورود به راهبرد آزادسازی سرزمین‌های اشغالی

از لحاظ نظامی می‌توان این دوره تاریخی را مقطع آغازین فراهم‌سازی بستر مناسب برای تحول در راهبرد نظامی ایران در زمین‌گیرکردن ارتش عراق و اخراج آن از سرزمین‌های اشغالی ایران قلمداد کرد. درحقیقت پس از ناکامی نیروهای ایرانی در عملیات نصر در ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ که با فرماندهی بنی‌صدر و نقش‌آفرینی ارتش و مبتنی بر شیوه‌های کلاسیک نظامی اجرا شد، ضرورت تجدیدنظر در راهبرد نظامی کشور در میان فرماندهان نظامی سپاه پاسداران و برخی فرماندهان ارتش و مصطفی چمران نماینده امام در شورای عالی دفاع، احساس شد که مجموع عملیات‌های محدود اجراشده در نیمه نخست سال ۱۳۶۰، حاصل عملی‌کردن این ضرورت بود.

جلد اول کتاب سیزدهم از مجموعه عظیم روز شمار جنگ ایران و عراق، تحت‌عنوان تداوم اشغال و بحران شامل ۴۱ روز از دوران جنگ ایران و عراق است. این کتاب بازه زمانی اول فروردین‌ماه تا دهم اردیبهشت ۱۳۶۰ را در برمی‌گیرد. در این مقطع که می‌توان آن را دوره گذار نامید، نطفه‌های تحولات عمیق سیاسی و نظامی در کشور و جبهه‌ها منعقد شد که برخی در انتهای دوره و بعضی نیز ماه‌های پس از آن به نتیجه رسید. عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و متعاقب آن خارج‌شدن وی از صحنه سیاسی کشور، اوج این تحولات در عرصه سیاسی؛ و آغاز سلسله عملیات‌های موفق رزمندگان در آزادسازی مناطق اشغالی، اوج تحولات نظامی در عرصه جنگ و جبهه‌ها بود. البته همان‌گونه که در کتاب‌های بعدی خواهد آمد، تحولات مذکور ابتدا در صحنه سیاسی کشور به ثمر نشست و سپس نتایج آن در عرصه نظامی خود را نشان داد. درهرحال، باوجود این‌که به نظر می‌رسد در این ۴۱ روز، رخدادهای قابل‌توجهی در جبهه‌های نظامی رخ نداد که موازنه جنگ را بر هم زند، اما نباید از یاد برد که روند تحولات این دوره پیش زمینه ورود انقلاب اسلامی و به تبع آن جنگ ایران و عراق به مرحله جدیدی بود که نتیجه آن در حوزه نظامی برهم خوردن موازنه قوا به سود جمهوری اسلامی با شروع عملیات‌های آزادسازی مناطق اشغالی بود. رسیدن نظام جمهوری اسلامی به ثبات و عبور از بحرانی بود که توسط رئیس‌جمهور ایجاد شده بود و گروه‌های سیاسی



نشان‌دهنده حساسیت
رزمندگان درمورد
وضعیت سیاسی کشور
و حمایت آنان از امام
و نیروهای خط امام
در مواجهه با بنی‌صدر
و همفکران وی بود و
از طرف دیگر، مقدمه
و آزمونی برای آغاز

سلسله عملیات‌های آزادسازی سرزمین‌های اشغالی
محسوب می‌شد که در مهرماه سال ۱۳۶۰، به اجرای
عملیات ثامن‌الائمه (ع) و شکست حصر آبادان و اخراج
نیروهای عراقی از شرق کارون انجامید.

در ادامه به عملیات‌هایی که براساس رویکرد یادشده در
دوره زمانی کتاب حاضر (۱۳۶۰/۱/۱ تا ۱۳۶۰/۲/۱۰)
اجرا شده‌اند به اختصار اشاره می‌شود:

■ عملیات قوچ‌سلطان در منطقه مریوان

این عملیات در اول فروردین‌ماه ۱۳۶۰، به‌منظور
آزادسازی ارتفاع قوچ‌سلطان و روستاهای اطراف آن اجرا
شد. در این عملیات که حدود ۲۰۰ تن از نیروهای سپاه
پاسداران به فرماندهی احمد متوسلیان و حدود ۱۰۰ تن
از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی
سرهنگ رسول عبادت به اجرا درآمد، نیروهای خودی
ضمن آزادسازی ارتفاع قوچ‌سلطان و روستاهای اطراف
آن، ۸۷ نفر از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند.

■ عملیات ایزدایی در ارتفاعات «زیل» در منطقه ایلام

این عملیات در ۱۴ فروردین‌ماه، با شرکت یک دسته از
نیروهای سپاه ایلام و با هدف انهدام سنگرها و نیروهای
دشمن اجرا شد.

■ عملیات حضرت مهدی (عج) در منطقه غرب دزفول

این عملیات در ۱۵ فروردین‌ماه، به‌منظور تصرف کانال

درحقیقت عملیات‌های محدود اهداف دیگری نظیر؛
انهدام سلاح و تجهیزات دشمن و ازیین‌بردن توان
رزمی‌اش در منطقه مورد نظر، گرفتن اسیر و ضربه‌زدن به
روحیه دشمن و حفظ روحیه نظامی و جنگی نیروهای
خودی در مناطقی که دور از پشتیبانی آتش مستقیم
دشمن باشد را دنبال می‌کرد.

به‌نظر می‌رسد باوجود قرار داشتن بنی‌صدر در رأس
فرماندهی نیروهای مسلح در این زمان، دو عامل
در پیشبرد دیدگاه‌های فرماندهان سپاه و تغییر نظر
فرماندهان ارتش در اصرار بر اجرای عملیات به
روش‌های کلاسیک گذشته، بیشترین نقش را داشت: یکی
گردش توجه و اختصاص وقت بنی‌صدر از جبهه‌های
جنگ به مسائل سیاسی در مرکز و دیگری سرخوردگی
بنی‌صدر و فرماندهان ارتش از نتایج به‌دست‌آمده از
عملیات‌های کلاسیک مرسوم و آثار منفی آن. نقطه
آغاز تغییر این رویکرد را باید عملیات امام مهدی (عج)
در غرب سوسنگرد دانست که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۶،
اجرا شد. این عملیات گرچه از لحاظ سرزمینی دستاوردی
برای رزمندگان نداشت - یعنی عراقی‌ها پس از گذشت
۴۸ ساعت مجدد موفق به استقرار در مواضع پیشین
خود شدند - اما غافلگیرکردن دشمن و انهدام بخش
قابل‌توجهی از امکانات و نفرات آن، اعتمادبه‌نفس را
در نیروهای رزمنده احیا و امیدواری فرماندهان نظامی
را به نتیجه‌بخش بودن شیوه اتخاذی دوچندان کرد.
این روند با عملیات‌های محدود و ایزدایی همچون
آزادسازی ارتفاعات قوچ‌سلطان، ارتفاعات تته و ژالانه
در کردستان، عملیات حضرت مهدی (عج) در تپه‌چشمه
شوش و عملیات بازی‌دراز ۱ در فروردین‌ماه و دهه اول
اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۰ (مقطع کتاب حاضر) تداوم یافت.
نقطه پایانی این رویکرد جدید نظامی را می‌توان عملیات
"فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا" تلقی کرد که یک
روز بلافاصله پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای
مسلح در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱، در شمال منطقه اشغالی
عراق در شرق کارون اجرا شد. این عملیات از سویی



شهید علی اکبر قربان شیروودی (زاده ۲۵ دی ۱۳۳۴ در روستای بالاشیرود، شهرستان تنکابن - شهادت: ۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ در دشت ذهاب، در در عملیات بازی دراز).

ال (هندلی) و تپه چشمه در منطقه غرب دزفول و با استعداد ۲ گروه گشتی - رزمی از ارتش جمهوری اسلامی ایران و یک گردان از سپاه پاسداران و بسیج عشایر اجرا شد که در نتیجه آن تپه چشمه آزاد و تلفاتی بر دشمن وارد آمد.

■ عملیات امام مهدی (عج) در منطقه شوش

این عملیات در ۲۵ فروردین ماه برای تصرف بلندی‌های زغن و شلیبه و با شرکت یک گروهان تقویت شده از نیروهای سپاه و ۲ دسته پیاده از گردان‌های ۱۶۹ و ۱۴۱ از لشکر ۲۱ حمزه اجرا شد. هرچند عملیات در مراحل اولیه موفق بود، اما با افزایش فشار دشمن نیروهای خودی به مواضع خود بازگشتند. در این عملیات ۲۴ تن عراقی اسیر شدند و ۲۲ دستگاه تانک، ۲ نفربر و یک فروند بالگرد دشمن منهدم شد.

■ عملیات بازی دراز

در بامداد ۱۳۶۰/۲/۲، عملیات هماهنگ نیروهای ایران متشکل از واحدهایی از ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، بسیج و پیشمرگان مسلمان کرد با پشتیبانی هوانیروز در جبهه غرب و در ارتفاعات بازی دراز به اجرا درآمد. عملیات مذکور در حدفاصل شهرهای قصر شیرین، گیلان غرب و سرپل ذهاب، با هدایت قرارگاه مقدم سپاه و ارتش و با هدف سلب امتیاز سلطه و دیدبانی ارتش عراق بر شهرها و مناطق قصر شیرین و سرپل ذهاب طرح‌ریزی و اجرا شد.

نیروهای شناسایی سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی پس از سه ماه کار بر روی منطقه، نتایج فعالیت‌های خود را در اختیار فرماندهان قرارگاه گذاشتند و قرارگاه مقدم غرب سپاه و ارتش نیز با کمک یگان‌های مستقر در منطقه، نخستین عملیات نیمه‌گسترده را در این منطقه طرح‌ریزی کرد.

برای این عملیات، علاوه بر شناسایی زمینی، فیلم‌برداری

از منطقه و تهیه عکس‌های هوایی نیز انجام گرفت و سپس مقداری مهمات پیش از آغاز عملیات به بالای ارتفاعات انتقال داده شد.

نیروهای ایران برابر طرح عملیات، با استعداد ۲ گردان از سپاه پاسداران و ۲ گردان از ارتش و واحدهایی از بسیج و پیشمرگان مسلمان کرد در ۴ گروه رزمی (اژدر، ببر، پلنگ و شیر) سازماندهی شدند و در بامداد روز ۱۳۶۰/۲/۲، به سوی اهداف تعیین شده حرکت کردند. گفتنی است در این عملیات، هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی نقش بسزایی ایفا کرد.

استعداد نیروی پیاده عراق در ارتفاعات بازی دراز حدود یک لشکر بود و در ادامه، با افزایش تلفات، یک لشکر دیگر نیز به منطقه مأمور شد. عراق یک‌بار با ۶۰ تانک و بار دیگر با ۲۰۰ تانک سعی کرد که سرپل ذهاب را دور بزند که به دلیل انهدام تعداد قابل توجهی از تانک‌هایش به همت هوانیروز ایران ناکام ماند. شایان ذکر است که سروان خلبان علی اکبر شیروودی، از خلبان‌های برجسته

پیچیده‌ترین عملیات‌های هوایی جهان به‌شمار می‌رود و از نظر دستاوردهای نظامی نیز در رده بزرگ‌ترین و موفق‌ترین عملیات‌های نظامی جهان قرار دارد. این عملیات درواقع برتری قاطع نیروی هوایی ایران را در آن مقطع از جنگ به اثبات رساند.

وقتی منابع اطلاعاتی ایران خبر دادند که نیروی هوایی عراق تعدادی از بمب‌افکن‌های خود را برای دور ماندن از حملات هواپیماهای ایرانی به پایگاهی در دورترین نقطه غرب این کشور (یکی از پایگاه‌های سه‌گانه اچ ۳ به نام الولید) منتقل کرده است، سرهنگ جواد فکوری فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در ۱۳۵۹/۱۱/۱۵، در جلسه فرماندهان نیروی هوایی، پیشنهاد حمله به این پایگاه‌ها را مطرح کرد.

پس از طرح ایده عملیات، بخش ویژه طرح‌های نیروی هوایی اقدامات طرح‌ریزی آن را آغاز کرد و پس از پیشنهاد و رد چندین طرح، طرح نهایی بدین‌شرح تصویب شد:

تعداد ۱۰ فروند فانتوم (۸ فروند اصلی و ۲ فروند رزرو) مسلح، در وضعیت کامل حفاظتی از پایگاه شهید نوژه همدان به پرواز درآمد و به‌سوی دریاچه ارومیه پرواز کنند. هواپیماها آنجا در ارتفاع پایین از ۲ فروند هواپیمای سوخت‌رسان در هوا سوخت‌گیری کرده، بعد از سوخت‌گیری از نوار مرزی ترکیه وارد عراق شده و در آنجا از ۲ هواپیمای دیگر که برای سوخت‌رسانی جنگنده‌ها از مسیر بین‌المللی خارج شده‌اند، سوخت دریافت کنند و بعد از سوخت‌گیری مجدد به سمت پایگاه الولید بروند و پس از بمباران هدف مورد نظر از همین مسیر باز گردند. این طرح به‌صورت کاملاً محرمانه پیگیری و قرار بر این شد که عملیات مذکور در سحرگاه روز ۱۳۶۰/۱/۱۵، اجرا شود. نکته مهم در طراحی این عملیات، سبکی جنگنده‌ها و برق‌آسایی حمله بود.

در ساعت یک بامداد روز ۱۳۶۰/۱/۱۵، خلبان‌های

هوانیروز در این عملیات بر اثر اصابت گلوله به بالگردش به شهادت رسید.

در پایان این نبرد که از ۱۳۶۰/۲/۲ تا ۱۳۶۰/۲/۱۰، ادامه داشت، هرچند تسلط عراق بر قله‌های ۱۱۵۰ و ۱۱۰۰ جنوبی همچنان باقی بود، اما قله‌های ۸۵۰، ۹۰۰، ۱۰۰۰ و ۱۱۰۰ شمالی از ارتفاعات بازی‌دراز به‌همت رزمندگان ایران آزاد شد.

همچنین در عملیات یادشده، درمجموع از نیروهای سپاه پاسداران ۳۰ نفر شهید و ۱۴۵ تن مجروح، از بسیج ۱۵ نفر شهید و ۴۵ تن زخمی و از ارتش نیز ۳۰ نفر شهید و ۲۴۳ تن مجروح شدند. از نیروهای عراق هم حدود ۱۰۰۰ نفر کشته شدند و حدود ۷۰۰ تن به اسارت قوای خودی درآمدند.

■ جنگ هوایی دو طرف و بمباران آشیانه هواپیماهای عراقی در مرز اردن

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در این دوره، علاوه بر حمایت از عملیات‌های زمینی محدود ایران و مقابله با تجاوزات جنگنده‌های عراقی، در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۱۵، به یک عملیات هوایی راهبردی مبادرت ورزید. جزئیات این عملیات مهم و تأثیرگذار بدین‌شرح است:

در ۱۳۶۰/۱/۱۵، عملیات اچ ۳ که بی‌تردید بزرگ‌ترین، پیچیده‌ترین و شگفت‌انگیزترین عملیات هوایی ایران در جنگ با عراق است، در تاریخ ثبت شد. خلبان‌های ایرانی با استفاده از هواپیماهای جنگی فانتوم در یک عملیات پیچیده به پایگاه هوایی الولید در مجموعه اچ ۳ واقع در غربی‌ترین نقطه عراق و نزدیکی مرز این کشور با اردن حمله کردند و ضربات و خسارات قابل‌توجهی به آن وارد آوردند. در این عملیات بی‌نظیر بیش از ۴۸ فروند هواپیمای جنگی عراقی که بیشتر آنها بمب‌افکن‌های روسی از نوع میگ ۲۳، سوخوی ۲۰، تی‌یو ۱۶ و تی‌یو ۲۲ بودند، آسیب دیدند. حمله به اچ ۳ از لحاظ فنی از

در ارتفاع ۲۰,۰۰۰ پایی سوخت‌گیری کردند. گروه اول به فرماندهی سروان محمود اسکندری در ساعت ۷:۴۵، به پایگاه اول، گروه دوم به فرماندهی سرگرد ناصر کاظمی در ساعت ۷:۵۰، به پایگاه دوم، گروه سوم به فرماندهی سرگرد برات‌پور به پایگاه سوم (اصلی) حمله کردند. درحالی‌که هنوز گروه سوم به پایگاه اصلی نرسیده بود، دو گروه دیگر کار خود را تمام کرده بودند، زیرا آنها فاصله کمتری با این پایگاه داشتند. دود ناشی از انفجار هواپیماها و انبارها، تمامی فضا را پر کرد و پدافند و موشک‌های زمین‌به‌هوای دشمن از هر طرف برای سرنگونی فانتوم‌ها شلیک می‌کردند. سرگرد برات‌پور با دیدن این اوضاع، تصمیم گرفت به‌جای این‌که از مسیر از پیش تعیین‌شده به پایگاه سوم حمله کند، با گردش به سمت راست، از سمت مخالف به آنجا حمله کند و با این عمل، موفق به غافلگیری دشمن شد.

هنگامی‌که گروه سوم به بالای پایگاه رسید، عراقی‌ها که فکر نمی‌کردند خلبانان ایرانی جسارت و توانایی لازم برای حمله به آنجا را داشته باشند، ابتدا تصور کردند که هواپیمای خودشان است، بنابراین به‌دلیل این‌که لوله‌های توپ‌های ضد‌هوایی آنها سمت مخالف را نشانه گرفته بود و به‌اصطلاح دیوار آتش آنها در سمت دیگری بود، این تغییر مسیر هوشمندانه آنها را غافلگیر کرد. تمامی بمب‌ها بر روی هواپیماها و آشیانه‌ها با دقت فرو ریخته شد و تمام اهداف از پیش تعیین‌شده نابود شدند. سپس با گردشی به سمت مخالف، جنگنده‌ها قصد ترک آسمان عراق را کردند. در این مرحله، یکی از هواپیماها به خلبانی محمود خضرای آسیب دید که توانست به‌سرعت خود را از معرکه دور کند. در مسیر برگشت، سرگرد برات‌پور در جاده بین‌المللی عراق - اردن متوجه یک تریلی حامل محموله نظامی شد که به‌نظر می‌رسید از بندر عقبه در خاک اردن بارگیری کرده و به عراق وارد شده است. بی‌درنگ با هواپیما به سمت تریلی شیرجه رفت و با مسلسل هواپیما، تریلی مورد نظر را هدف قرار داد و منفجر کرد. سپس بلافاصله با کم‌کردن ارتفاع

منتخب بدون اطلاع قبلی به پست فرماندهی فرا خوانده شدند و با حضور در جلسه توجیهی کلیه موارد و چگونگی اجرای عملیات برای آنها تشریح شد. براساس این طرح، فانتوم‌ها باید به دو دسته ۴ فروندی تقسیم می‌شدند. راهنمای یکی از دسته‌ها سرگرد برات‌پور و راهنمای دسته دیگر سرهنگ قاسم‌پور بود. این عملیات به‌قدری دقیق پیش‌بینی شده بود که از شب قبل، هواپیماهای هر گروه پروازی مشخص شده بودند. بدین‌ترتیب ۱۰ فروند هواپیمای اف ۴ در موعد مقرر و در سکوت کامل رادیویی به پرواز درآمدند. بعد از پرواز، فانتوم‌ها به سمت دریاچه ارومیه رفتند و باوجود هوای ابری و پرواز در ارتفاع پایین از ۲ فروند تانکر سوخت‌رسان ۷۴۷ سوخت دریافت کردند. بدین‌ترتیب اولین مرحله سوخت‌گیری بعد از گذشت ۲۰ دقیقه با موفقیت کامل انجام شد و فانتوم‌ها به سمت مرز به پرواز درآمدند.

از سوی دیگر، ۲ فروند هواپیمای اف ۵ با هدف فریب دشمن از پایگاه هوایی تبریز به سمت پالایشگاه کرکوک به پرواز درآمدند و در یک حمله موفق، این پالایشگاه را بمباران کردند. در این هنگام، فانتوم‌ها در نزدیکی مرز قرار داشتند و در ساعت ۶:۵۸ صبح، با رسیدن به نقطه صفر مرزی، به دو دسته ۴ فروندی تقسیم شدند و ۲ فروند رزرو نیز بازگشتند. در همین زمان، به فرمانده پدافند عراق اطلاع داده شد که تعدادی هواپیمای ناشناس در نوار مرزی ترکیه مشاهده شده‌اند، اما او اظهار کرد هواپیماها متعلق به ترکیه هستند.

به‌هرحال، فانتوم‌ها به‌صورت آرایش جنگی ۴ تایی با فاصله ۵۰۰ پا از یکدیگر، در ارتفاع پایین از شهر مرزی زاخو گذشتند و وارد خاک عراق شدند. در این هنگام، ارتفاع خود را به پایین‌ترین سطح ممکن رسانده و به مسیر خود بر روی نوار مرزی ترکیه ادامه دادند. در آخرین حد شمال‌غرب عراق فانتوم‌ها در فاصله ۹۰ مایلی هدف، از ۲ فروند هواپیمای سوخت‌رسان ۷۰۷

چندین پناهگاه بتونی هواپیما، به طور کلی تخریب شد.

■ (ب) تحولات سیاسی

در دوره زمانی مورد مطالعه، در سطوح مختلف داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی، تحولات و رخداد‌های سیاسی مهمی به وقوع پیوست که آگاهی از آنها تا حدود زیادی خوانندگان را با فضای آن روزها آشنا می‌کند.

در ادامه به اختصار به برخی از تأثیرگذارترین وقایع سیاسی این دوره خواهیم پرداخت.

■ ۱. وضعیت سیاسی داخل و سیاست خارجی

کشور آشفتگی در سیاست خارجی:

با گذشت بیش از شش ماه از تشکیل دولت، به دلیل اختلافات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، وزارت امور خارجه ایران کماکان فاقد وزیر بود و نخست‌وزیر به‌عنوان سرپرست، آن را اداره می‌کرد، علاوه‌براین، نبود تعریف دقیق در شرح وظایف شورای عالی دفاع، زیاده‌خواهی بنی‌صدر، اعمال نفوذ برخی از شخصیت‌ها و نهادها در امور خارجه، ارتباط برخی از کارکنان وزارت امور خارجه با شخصیت‌ها و کانال‌های غیراداری، کم‌تجربگی و... از جمله مسائلی بودند که به تشتت موضع‌گیری‌ها و آشفتگی در سیاست خارجی ایران در این مقطع زمانی دامن می‌زد. موارد مهم در این زمینه بدین شرح است:

در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۲۵، وزارت امور خارجه ایران بیانیه‌ای صادر کرد و در آن سخنان منتسب به حبیب شطی دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، درباره جنگ ایران و عراق را محکوم کرد. اندکی پس از آن مشخص شد که انتساب این سخنان به شطی که برخی مطبوعات خارجی آن را منتشر کرده بودند جعلی است. رئیس‌جمهور در ۱۳۶۰/۱/۲۷، با صدور اطلاعیه‌ای بیانیه وزارت امور خارجه را غیرقانونی اعلام کرد و آن را مغایر با موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران و تخلف آشکار از بیانیه ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ امام خمینی و بخشنامه ۱۳۶۰/۱/۳ و اطلاعیه ۱۳۶۰/۱/۱۲

و تماس با فرکانس قراردادی با هواپیماهای سوخت‌رسان، به‌سوی آنها پرواز کرد.

در این لحظه، هواپیماهای سوخت‌رسان در همان منطقه (قسمت غربی خاک عراق) در ارتفاع پایین و خارج از دید رادار دشمن در حال گشت‌زنی و منتظر فانتوم‌ها بودند تا مرحله سوم سوخت‌گیری انجام شود. سرگرد برات‌پور در یک لحظه متوجه کم‌شدن سوخت هواپیمای خود شد، اما هواپیماهای سوخت‌رسان را ندید. از طرفی برای این‌که سکوت رادیویی را نشکند و دشمن را متوجه خود و دیگر هواپیماها نکند، مسیر مقرر هواپیماهای جنگنده تا رسیدن به سوخت‌رسان‌ها را در پیش گرفت و به راه خود ادامه داد تا این‌که سرانجام از دور یکی از هواپیماهای سوخت‌رسان را دید. در این لحظه سوخت هواپیمای او به حداقل رسیده بود. بدین ترتیب تمامی فانتوم‌ها به محل سوخت‌گیری رسیده و با خونسردی و احتیاط سوخت‌گیری کردند. پس از این‌که کار سوخت‌گیری تمامی شکارها به پایان رسید، سوخت‌رسان‌ها بلافاصله وارد خاک ترکیه شدند و از مسیر بین‌المللی آنکارا - تهران به ایران بازگشتند. هواپیماهای فانتوم نیز از قسمت شمالی عراق، بر روی نوار مرزی و از همان راه اولیه با تمام سرعت، به سمت ایران آمدند و بدون مشکل توانستند خود را به مرز برسانند و در محل مقرر، سوخت‌گیری چهارم را انجام دهند و به پایگاه شهید نوژه همدان برگردند؛ بنابراین تلاش عراقی‌ها برای سرنگونی آنها بی‌نتیجه ماند. خلبانان بعد از ۴ ساعت و ۴۰ دقیقه پرواز با سرعت بالا و طی مسافت ۱۰۰۰ کیلومتر با چهار نوبت سوخت‌گیری در آسمان، موفق شدند، ضمن اجرای یک عملیات بی‌نظیر هوایی ضربات مهلکی را به پیکر نیروی هوایی عراق وارد آورند. پس از عملیات مشخص شد که خسارت‌ها، بیشتر از پیش‌بینی‌ها بوده است؛ ۴۸ فروند هواپیمای شکاری - بمب‌افکن (شامل میگ ۲۱، میگ ۲۳، سوخوی ۲۰، سوخوی ۲۲، توپولف ۱۶ و میراژ) منهدم شد یا آسیب جدی دید و ۳ آشیانه بزرگ هواپیما، ۲ دستگاه رادار و

- اعلام تأمین به همه گروه‌ها، سازمان‌ها و احزابی که سلاح خود را تحویل داده و به‌طور مسالمت‌آمیز به بیان آرا و دیدگاه‌های خود بپردازند.

- نگرانی درباره کارشکنی‌های کنار گود نشستگان و دعوت از آنها برای عهده‌دار شدن مسئولیت به‌ویژه در امر قضاوت.

- توصیه مداوم به ارتش و سپاه پاسداران برای حفظ انسجام و رعایت نظم و سلسله‌مراتب نظامی.

- تأکید به شخصیت‌های سیاسی و مطبوعات در مورد پرهیز از سخنانی‌ها و انتشار مطالب شبهه‌زا و برهم‌زننده آرامش رزمندگان در جبهه‌ها.

- لزوم نظارت بر عملکرد کارگزاران دستگاه‌های مختلف و نهادهای انقلابی به‌منظور جلوگیری از دخالت‌های غیرقانونی و غیرشرعی برخی از آنها در امور غیرمرتبط.
- تأکید بر لزوم تعیین متجاوز و برخورد با آن در دیدار با هیئت‌های میانجی به‌عنوان راه‌حل خاتمه جنگ.

البته ناگفته نماند که در میان پیام‌ها و بیانات امام خمینی، موضوع دشمنی امریکا و حمله به آن به‌عنوان محرک و حامی اصلی دولت عراق و رژیم صهیونیستی و اقدامات خرابکارانه گروه‌های معاند در داخل کشور، کماکان در زمره موضوعات اصلی و پرتکرار بود.

■ اوج‌گیری اختلافات سیاسی و تشکیل کمیته حل اختلاف

ماجرای ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ و پیامدهای آن بیان‌کننده آغاز مرحله سیاسی جدیدی در کشاکش بین جریان بنی‌صدر و نیروهای پیرو خط امام بود. به‌نظر می‌رسید بنی‌صدر که از تلاش‌های خود در جبهه‌های جنگ برای تثبیت موقعیت سیاسی‌اش طرفی نبسته بود، از این تاریخ به بعد تصمیم گرفت تا با ورود جدی‌تر به عرصه سیاسی به تعیین تکلیف خود با مخالفانش بپردازد. باوجود تلاش برخی از مسئولان و دعوت از همگان برای تبدیل راه‌پیمایی ۱۲ فروردین به نمایی از وحدت و همبستگی و پرهیز از شعارهای اختلاف‌انگیز، بنی‌صدر در ستون

رئیس‌جمهور دانست و برهمین‌اساس آن را به هیئت ۳ نفره ارجاع داد. گرچه وزارت امور خارجه صدور بیانیه مذکور را در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۳۰، به‌عنوان یک اشتباه پذیرفت، اما هیئت ۳ نفره اقدام وزارت امور خارجه را برخلاف تصور بنی‌صدر تخلف از قانون ندانست و براساس قانون فقط مجلس شورای اسلامی را مجاز به خواستن توضیح از دولت اعلام کرد. علاوه‌برآن، این هیئت تصریح کرد که شورای عالی دفاع که بنی‌صدر آن را نهاد مسئول در این زمینه می‌دانست، فاقد مسئولیت در امور خارجه می‌باشد.

یکی دیگر از موارد تنش‌زا بین رئیس‌جمهور و دولت در عرصه سیاست خارجی، موضوع توافق ایران و امریکا در زمینه آزادی گروگان‌ها (بیانیه الجزایر) بود. بنی‌صدر و رسانه‌ها و گروه‌های هوادار وی دائم بر این نکته تأکید می‌کردند که به‌دلیل ناکارآمدی و کم‌تجربگی دولت و سرپرست هیئت مأمور (بهزاد نبوی)، حقوق ایران تضییع شده است.

رهنمودهای امام در راستای حفظ وحدت و انسجام ملی:

از مطالعه پیام‌های امام خمینی به مناسبت نوروز سال ۱۳۶۰ و بزرگداشت سالروز تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۲ فروردین) و نیز سخنانی‌های ایشان در دیدار با اقشار مختلف جامعه و میهمانان خارجی در دوره زمانی کتاب حاضر چندین نکته مهم قابل‌استنتاج است که به‌گونه‌ای می‌توان آنها را سنجه‌ای برای هدایت و ارزیابی سیاست‌ها و عملکرد هواداران انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و خارجی در این مقطع زمانی به‌شمار آورد. ازجمله:

- با اعلام سال ۱۳۶۰، به‌عنوان سال قانون، رحمت و برادری، امام خمینی از سویی ضمن دعوت مسئولان و مردم به تمکین در برابر قانون و پرهیز از اختلافات، متجاوزان به حریم قانون را به برخوردهای قاطع و قانونی تهدید کرده و از سویی دیگر، با رویکردی اخلاقی همگان را به عطف و برادری با یکدیگر توصیه کردند.

۳. تذکر به متخلف و در صورت بی‌توجهی وی، معرفی به مردم و گزارش به دادستان کل کشور.

۴. رسیدگی دادستانی کل کشور با بی‌طرفی کامل و طی مراحل قانونی و شرعی.

علاوه‌برآن، در این حکم قید شده بود که اعضای هیئت پس از اعلام رأی اکثریت، حق اظهار مخالفت با آن را نداشته و در صورت تخلف، دادستان کل کشور حق برخورد با فرد مخالف را خواهد داشت.

اما بنی‌صدر از همان ابتدا در حکم تعیین حجت‌الاسلام اشراقی به‌عنوان نماینده خود، مواردی را ذکر کرد که به‌نظر می‌رسید با خواست امام خمینی مبنی بر جلوگیری از سرایت اختلاف مسئولان به بدنه جامعه و در نتیجه تحت‌تأثیر قرار گرفتن جبهه‌های جنگ مغایرت داشت. وی در حکم خود آورد که اولاً راضی به تعطیلی روزنامه‌ها نیست، چون خفقان مطبوعات مقدمه استبداد است و ثانیاً تصمیمات هیئت باید به‌روشنی برای مردم تشریح شده و در معرض قضاوت آنها گذاشته شود. بر همین اساس، برخی معتقد بودند که بنی‌صدر از همین ابتدا قصد شانه خالی کردن از پذیرش احکام و تصمیمات هیئت ۳ نفره را دارد.

امام خمینی در دیدار مورخ ۱۳۶۰/۱/۳۰، هیئت ۳ نفره با ایشان تأکید کردند که هیئت فقط در اختلافات تنش‌آفرین ورود پیدا کند و در ابتدای امر باید تخلفات در مراجع قانونی پیگیری شود و در صورت ادامه مشکل و نتیجه نگرفتن، موضوع در هیئت بررسی شود.*

در همین زمینه به برخی از مهم‌ترین مسائل مورد اختلاف بین مسئولان وقت کشور و چگونگی عملکرد هیئت در دوره زمانی کتاب حاضر بدین صورت اشاره می‌شود:

۱۳۶۰/۱/۲۷: اخطار هیئت ۳ نفره به روزنامه‌های متخلف از پیام امام.

۱۳۶۰/۱/۲۷: اختلاف بین رئیس‌جمهور و وزارت کشور بر سر برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس در برخی

"کارنامه رئیس‌جمهور" روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۱۱ فروردین‌ماه، ضمن اشاره به کارنامه خود در روزهای پایانی اسفندماه، علیه مجلس شورای اسلامی، دیوان عالی کشور، حزب جمهوری اسلامی و حتی امام خمینی مطالبی را منتشر کرد. در مطلب مذکور، به اقدام مجلس در طرح دوفوریتی مربوط به وزارتخانه‌های بدون وزیر که براساس آن انتخاب سرپرست برای این وزارتخانه‌ها به نخست‌وزیر واگذار شده بود، به‌شدت حمله شد. وی همچنین رقیبان خود را به چماق‌داری و بی‌اعتنایی به قانون اساسی متهم کرد و علاوه‌برآن با ذکر این مطلب که «از رهبری سنتی کاری ساخته نیست» به‌نوعی رهبری امام خمینی را زیر سوال برد.

امام خمینی در پیامی به مناسبت سالروز تأسیس نظام جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین) بار دیگر همگان را به آرامش دعوت و متخلفان را به تعقیب قانونی تهدید کردند. در ۱۳۶۰/۱/۱۳ نیز ضمن اعلام تشکیل هیئت ۳ نفره رسیدگی به تخلفات (کمیته حل اختلاف یا کمیته حکمیت)، با تعیین آیت‌الله مهدوی کنی به‌عنوان نماینده خویش در این هیئت از رئیس‌جمهور و نیز نخست‌وزیر، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس شورای اسلامی خواستند که نمایندگان خود را معرفی کنند. فردای آن روز حجت‌الاسلام والمسلمین محمد یزدی به‌عنوان نماینده آیت‌الله بهشتی (رئیس دیوان عالی کشور)، محمدعلی رجایی (نخست‌وزیر) و حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) معرفی شد. بنی‌صدر نیز در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۱۸ حجت‌الاسلام شهاب‌الدین اشراقی را به‌عنوان نماینده خود تعیین کرد.

در حکم امام خمینی به آیت‌الله مهدوی کنی روال کار هیئت بدین شرح تعیین شده بود:

۱. رسیدگی به اقوال، اعمال و تخلف از قانون مسئولان و همچنین مطبوعات و رسانه‌های گروهی که موجب افزایش اختلاف و تشنج در جامعه می‌شوند.

۲. تعیین تخلف و متخلف با رأی اکثریت.

شهرهای کشور.

۱۳۶۰/۲/۲: مصاحبه بنی‌صدر با هفته‌نامه سوئسی ولت
وخ مبنی بر تأیید وجود شکنجه در بازداشتگاه‌های کشور
پس از تکذیب هیئت بررسی‌کننده این شایعه در تاریخ
۱۳۶۰/۱/۲۹.

۱۳۶۰/۲/۷: بررسی شکایت و اعلام جرم بنی‌صدر علیه
رجایی و نبوی درمورد چگونگی حل مسئله گروگان‌ها در
هیئت رئیسه مجلس.

۱۳۶۰/۲/۸: نامه رئیس‌جمهور به هیئت ۳ نفره حل
اختلاف مبنی بر مخالفت با مصوبه مجلس درمورد
واگذاری تعیین سرپرست وزارت امور خارجه به
نخست‌وزیر و اعلام خودداری از امضای آن.

■ زمینه‌سازی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) برای ورود به مرحله مبارزات مسلحانه

پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاهنشاهی،
ظرفیت عظیمی را در جامعه استبدادزده ایران آزاد کرد
که تجلی آن در تنوع و تکثر احزاب سیاسی و مطبوعات
قابل‌مشاهده بود. گذشت زمان و تثبیت اوضاع و
احوال هیجانی اولیه، باعث شد تا برخی از گروه‌های
سیاسی راه خود را از صف هم‌قطاران انقلابی خود که
پس از سقوط شاه به قدرت رسیده بودند جدا کرده و
به مقابله مسلحانه با نظام جدید بپردازند. گروه‌هایی
نظیر راه کارگر، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت)، پیکار
و فرقان از همان ماه‌های نخست تکلیف خود را معین
کرده و با حضور در مناطق مرزی و بحرانی کشور
(به‌ویژه کردستان) آشکارا و علنی به مبارزه مسلحانه با
جمهوری اسلامی پرداختند. برخی گروه‌های دیگر البته
با دوراندیشی بیشتر، وضعیت را برای این‌گونه اقدامات
مناسب نمی‌دیدند و مترصد فرصت مناسب برای ورود به
چنین مرحله‌ای بودند.

وقوع جنگ ایران و عراق تا مدتی گروه‌های مذکور را
دچار تردید کرد که در وضعیتی که کشور با متجاوز
خارجی روبه‌رو است، آنها چگونه می‌توانند برخلاف

جریان فضای حاکم بر جامعه، مقابله با متجاوز خارجی
را نادیده گرفته و به مبارزه با نظام موجود بپردازند.
بنابراین با ظاهرسازی خود را همگام با خلق و توده‌ها
در مبارزه با ارتش متجاوز عراق معرفی کردند. البته در
چنین بستری امکان سازماندهی نیروها، کسب تجارب
نظامی و حتی جمع‌آوری و ذخیره سلاح و مهمات مورد
نیاز برای آینده آنها فراهم‌تر بود.

با گذشت شش ماه از جنگ ایران و عراق و علنی‌تر شدن
صف‌بندی‌های سیاسی بین جریان‌های حاکم بر
کشور (تضاد بنی‌صدر با نیروهای خط امام) یکی از
پوشش‌های مناسب برای توجیه عناصر این احزاب و
گروه‌ها و آماده‌سازی آنها برای مراحل بعدی، برخاستن
به حمایت از رئیس‌جمهور قانونی در قالب مبارزه با
استبداد و انحصارطلبی بود. بنابراین مطالعه مواضع و
اقدامات این گروه‌ها، فقط در چارچوب گفتمان کلی
حاکم بر فضای سیاسی جامعه ایران در بهار ۱۳۶۰،
قابل‌فهم است. در همین زمینه سازمان مجاهدین خلق
ایران (منافقین) را می‌توان سمبل این دسته از گروه‌ها
در مقطع زمانی مورد مطالعه دانست و به‌دلیل اهمیت
اقدامات این سازمان، ضروری است تا سیر اقدامات و
مواضع سازمان مذکور بعد از حادثه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹،
مورد توجه قرار گیرد.

غائله ۱۴ اسفندماه به ظاهر درگیری بین هواداران
بنی‌صدر و حزب‌الله بود، اما درواقع آن را می‌توان
نقطه شروع و سازمان‌یافته راهبرد سازمان مجاهدین





قائم شهر، ساری، آمل، ملایر، همدان، کرمانشاه، اصفهان که به کشته شدن ۴ نفر منجر شد.

۱۳۶۰/۲/۷: برگزاری راهپیمایی هواداران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در شهرهای بابل، ساری و شهرکرد در اعتراض به درگیری‌های قائم شهر.

۱۳۶۰/۲/۷: راهپیمایی ۳۰ هزار نفری هواداران سازمان مجاهدین خلق در میدان فلسطین و خیابان آیت الله طالقانی تهران در اعتراض به کشته شدن چند هوادار سازمان در قائم شهر.

۱۳۶۰/۲/۹: هشدار شورای امنیت کشور مبنی بر ممنوعیت برگزاری هرگونه تجمع بدون مجوز گروه‌های سیاسی.

■ محاکمه معاون نخست‌وزیر دولت موقت

هم‌زمان با تشدید اختلافات جدی در درون حاکمیت که منجر به درگیری‌های خیابانی در این مقطع شد، جلسات دادگاه عباس امیرانتظام معاون و سخنگوی نخست‌وزیر دولت موقت، به اتهام جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی در دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست آیت الله محمدی گیلانی برگزار شد. امیرانتظام از اعضای نهضت آزادی ایران بود که در کابینه مهدی بازرگان سمت معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت را داشت. پس از مدتی وزیر امور خارجه دولت موقت (ابراهیم یزدی) وی را به سفارت دولت موقت در ۵ کشور اسکاندیناوی (سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند و ایسلند) منصوب کرد.

امیرانتظام در تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸، پس از افشاری

خلق (منافقین) برای آماده‌سازی افراد خود به منظور حضور در خیابان‌ها و اثبات توانمندی‌هایش دانست. بنی‌صدر آگاهانه یا ناآگاهانه در دامی افتاد که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) برای او گسترده بود. سازمان مذکور با حمایت همه‌جانبه از جایگاه قانونی بنی‌صدر در مسند ریاست‌جمهوری، تلاش می‌کرد تا از یک‌سو به تحکیم پایه‌های خود برای حرکات آتش‌پیردازد و از سوی دیگر بنی‌صدر را به موفقیت در ادامه مواضع ساختارشکنانه‌اش ترغیب کند. این سازمان با برگزاری تجمعات هواداران خود در شهرهای مختلف کشور و به‌ویژه در تهران و درگیری آنها با نیروهای حزب‌اللهی، فروردین‌ماه سال ۱۳۶۰ را به‌طور کج‌دارومریز سپری کرد، اما به‌نظر می‌رسد از اول اردیبهشت‌ماه به بعد تصمیمش برای آماده‌سازی اعضای خود با هدف ورود به مرحله جدید مبارزاتی با نظام جمهوری اسلامی جدی و عملیاتی شد. استقبال از بروز درگیری‌های آگاهانه با احتمال این‌که تعدادی از هواداران مجاهدین خلق در آنها کشته یا زخمی خواهند شد، برای سران سازمان از یک‌سو دستاویز مظلوم‌نمایی و تشدید روحیه ضدنظام در عناصر آن می‌شد و از سوی دیگر، معیاری برای ارزیابی چگونگی مقابله مراکز و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی با سازمان مذکور بود.

در ادامه به برخی از رویدادهای مهم مرتبط با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در دوره زمانی کتاب حاضر اشاره شده است. البته تأکید بر این نکته ضروری است که این اقدامات در نیمه دوم اردیبهشت و خردادماه ۱۳۶۰ که دوره زمانی جلد دوم کتاب است، تعدد و تنوع بیشتری یافت.

۱۳۶۰/۲/۱: درگیری میان نیروهای حزب‌اللهی و هواداران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در قائم‌شهر، آمل و ساری که به کشته یا زخمی شدن تعدادی از دو طرف انجامید.

۱۳۶۰/۲/۶: درگیری هواداران گروه پیکار و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با نیروهای حزب‌اللهی در

برخی مسئولان ایران، پیشنهادهایی برای تبادل اسرای غیرنظامی و کهن سال و نیز بهبود وضع اسارتگاه‌های دو کشور دادند.

برخلاف سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در دوره کتاب حاضر فعالیت‌ها و تلاش‌های مستمری را برای ترغیب ایران و عراق به منظور پایان دادن به جنگ انجام دادند. در ادامه به خلاصه مذاکرات و نتایج تلاش‌های هیئت‌های میانجی اعزامی دو سازمان مذکور اشاره می‌شود.

اعضای کمیته حسن نیت* یا کمیته صلح سازمان کنفرانس اسلامی - که به‌طور اساسی برای میانجیگری بین ایران و عراق به وجود آمده بود - در روزهای ۷ تا ۱۰ فروردین ماه، برای دومین بار به ایران و عراق سفر کردند.* این هیئت پس از دیدار با مسئولان ایرانی و شنیدن دیدگاه‌های آنها که شرط اولیه ایران را عقب‌نشینی بدون قید و شرط نیروهای عراقی به مرزهای بین‌المللی اعلام کرده بودند، در ۱۴ فروردین ماه طرح دوم خود را به ایران تحویل داد. تشکیل دادگاهی برای تعیین آغازکننده جنگ و نیز ایجاد کمیته‌ای که ضمن نظارت بر عقب‌نشینی نیروهای عراقی، مرزهای بین‌المللی بین دو کشور را تعیین کند، از جمله مفاد طرح پیشنهادی جدید آنها بود که مورد موافقت ایران و عراق قرار نگرفت.

اعضای کمیته حسن نیت سازمان کنفرانس اسلامی در سومین سفر خود به ایران در ۲۵ فروردین ماه، با امام خمینی ملاقات کردند، اما مجدد بدون اخذ نتیجه‌ای به این سفر پایان دادند. رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار به صراحت اعلام کردند: «شما به عنوان یک مسلمان وظیفه دارید تا متجاوز را آشکارا معرفی کرده و علیه آن موضع‌گیری کنید.»

هیئت میانجی دیگر در این دوره، هیئت صلح منتخب

دانشجویان پیرو خط امام به استناد اسناد به دست آمده از سفارت امریکا در تهران به اتهام جاسوسی بازداشت شد. در مقطع کتاب حاضر مشروح ۶ جلسه از جلسات دادگاه وی درج شده است. در اولین جلسه محاکمه او در دادگاه انقلاب اسلامی مرکز در ۱۳۵۹/۱۲/۲۶، مهدی بازرگان از وی دفاع کرد. امیرانتظام در این جلسات، ضمن دفاع از سابقه مبارزاتی خود و تلاش برای اشاعه انقلاب اسلامی در کشورهای حوزه اسکاندیناوی، ارتباطش با عوامل و مأموران سفارت امریکا را در حوزه روابط مرسوم دیپلماتیک دانست و اتهامات وارد شده را بی‌اساس توصیف کرد. وی همچنین اسناد به دست آمده از سفارت امریکا و ترجمه‌های آنها را فاقد اعتبار خواند. امیرانتظام محاکمه خود را در حقیقت محاکمه اعضای نهضت آزادی و دولت موقت اعلام کرد. در این جلسات، علاوه بر مهدی بازرگان افراد دیگری همچون یدالله سحابی در دادگاه حاضر شدند و از او دفاع کردند. یکی از پیامدهای جلسات دادگاه امیرانتظام سخنان حجت‌الاسلام محمد منتظری در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مبنی بر محاکمه سایر اعضای دولت موقت از جمله بازرگان و یزدی بود که منجر به تشنج در مجلس و درگیری چند تن از نمایندگان مجلس شد. این امر گویای اختلافات عمیق فکری و عملی جناح موسوم به لیبرال و پیروان خط امام بود.

۲. مجامع بین‌المللی و اعزام هیئت‌های

میانجی صلح

در دوره زمانی کتاب حاضر شورای امنیت، مجمع عمومی و دیگر ارگان‌های سازمان ملل متحد هیچ‌گونه بیانیه، اعلامیه و مصوبه‌ای را درباره جنگ ایران و عراق صادر نکردند. علاوه بر آن، دو کشور ایران و عراق نیز در مدت مذکور، مکاتبه‌ای با سازمان ملل و مجامع مرتبط با آن نداشتند. فقط در اواخر فروردین ماه، نمایندگان صلیب سرخ جهانی ضمن سفر به ایران و عراق و بازدید از اردوگاه‌های اسرای دو طرف، در ملاقات با

ایجاد نیروهای نظامی واکنش سریع در خلیج فارس را در دستور کار خویش قرار داده و موافقت برخی کشورهای اروپایی و عرب منطقه را جلب کرده بود، در این ماهها به انعقاد قراردادهای نظامی دوجانبه با برخی کشورهای جنوبی خلیج فارس مبادرت ورزید. بنابراین ایران و شوروی این سیاست را به عنوان گامی برای احیای مجدد نفوذ امپریالیسم امریکا که با فروپاشی رژیم شاه آسیب فراوانی دیده بود، قلمداد کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
۲. پژوهشگر و کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
۳. در روز ۱۴ اسفند سال ۱۳۵۹ در جریان سخنرانی سید ابوالحسن بنی‌صدر به مناسبت بزرگداشت دکتر مصدق بین طرفداران او و نیروهای حزب‌اللهی درگیری ایجاد شد و مراسم به خشونت کشیده شد. رئیس‌جمهور در سخنرانی دو ساعته خود از پاره ای از نهادهای انقلابی که گفته شده بود افرادی از آنها برای اخلاص در سخنرانی و قطع شبکه های بلندگو به دانشگاه تهران آمده بودند، نام برد. در ادامه با نمایش چند قبضه کارد و زنجیر و یک کلت از دستگیر شدگان به حضار، برخی از روزنامه های دولتی مانند کیهان و اطلاعات و... را متهم به سانسور علیه خود کرد و برخی نهادهای انقلابی را نیز مورد انتقاد قرار داد. بنی‌صدر در خلال سخنانش به حضار گفت از کسانی که می‌خواهند اخلاص کنند فاصله بگیرند و آنها را از خود دور کنند. در ادامه گارد ریاست جمهوری و میلیشیا به نیروهای انقلابی حمله کردند و در جریان این درگیری‌ها ۴ نفر کشته و تعدادی زخمی شدند.
۴. باتوجه به وضعیت جنگی و خلأ قانونی، به نظر می‌رسد امام خمینی همان شیوه‌ای که بعدها برای حل مشکل و اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان با راه‌اندازی مجمع تشخیص مصلحت به کار بردند به صورت مقطعی در آن زمان هم قصد داشتند تا از طریق تشکیل هیئت ۳ نفره به حل این اختلاف‌ها بپردازند. این سه نفر عبارت بودند از: حجت‌الاسلام مهدوی‌کنی به عنوان نماینده امام خمینی، حجت‌الاسلام اشراقی به عنوان نماینده رئیس‌جمهور و حجت‌الاسلام محمدیزدی به عنوان نماینده رئیس شورای عالی قضایی، نخست وزیر و رئیس مجلس شورای اسلامی.
۵. اعضای کمیته عبارت بودند از رؤسای جمهور کشورهای گینه، گامبیا، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، سنگال، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دبیرکل سازمان. ریاست کمیته مذکور به عهده احمد سکوتوره رئیس‌جمهور وقت گینه، بود.
۶. اولین سفر آنها در ۹ و ۱۰ اسفندماه ۱۳۵۹، انجام شد و در طرح اولیه خود، مواردی نظیر احترام به تمامیت ارضی، تصرف نکردن اراضی با اعمال زور، آتش‌بس، عقب‌نشینی، تعیین و چگونگی استفاده از ابرودرد (شط‌العرب) را گنجانده بودند.

کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها بود که در ۱۳۶۰/۱/۲۱، وارد تهران شد. اعضای این هیئت متشکل از وزیران امور خارجه کشورهای کوبا، هند، زامبیا و فاروق قدومی رئیس دایره سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و نیز نماینده این سازمان در سازمان ملل بودند. هیئت مذکور در این سفر با مقامات مختلف ایران دیدار و پیشنهادهایی دادند که مهم‌ترین بند آن ایجاد منطقه غیرنظامی در خاک ایران همراه با خروج نیروهای عراقی بود. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در یادداشت‌های روزانه خود آورده است که برخی نظامی‌ها و بنی‌صدر با تعدیلاتی با طرح آنها موافق بودند و سران حزب توده نیز زمان را برای خاتمه دادن به جنگ مناسب می‌دانستند.

۳. تحولات مهم بین‌المللی

در روزهای نخست فروردین‌ماه ۱۳۶۰، موضوع نامزدی عراق برای ریاست اجلاس آینده مجمع عمومی سازمان ملل و تقاضای این کشور برای عضویت در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با مخالفت شدید ایران روبه‌رو شد. جمهوری اسلامی ایران با ذکر تجاوز آشکار این کشور به یک عضو دیگر سازمان، با جدیت هرچه بیشتر درخواست اخراج عراق از مجمع عمومی سازمان ملل را داد که البته این تلاش راه به جایی نبرد.

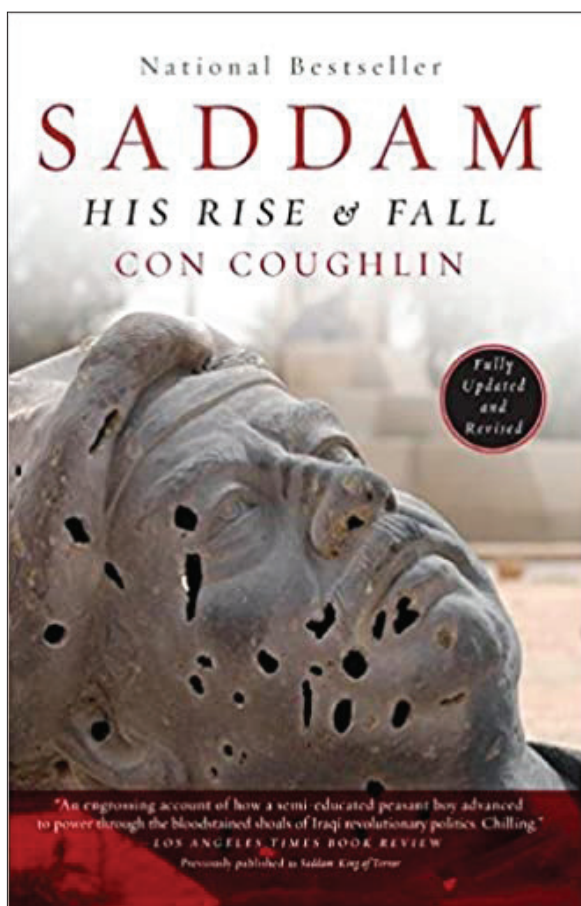
در جریان اشغال افغانستان نیز جمهوری اسلامی ایران باوجود جنگ با عراق و نیاز به همسو نشان دادن خود با شوروی، به پذیرش مهاجران افغانی و کمک به مجاهدین درحال جنگ با دولت مرکزی دست‌نشانده مسکو اقدام کرد که رهبران مسکو، رسانه‌های گروهی و احزاب طرفدار شوروی در ایران مثل حزب توده و سازمان چریک‌های فدائی خلق (اکثریت) این سیاست را غیرقابل فهم و قبول معرفی و به مضرات آن اشاره کردند.

دولت امریکا که از ماه‌ها پیش به بهانه شروع جنگ ایران و عراق و تهدید منافع خود در خلیج فارس، موضوع

هواستانه شیر

دو زندگی نامه از صدام حسین

بیژن اشتری

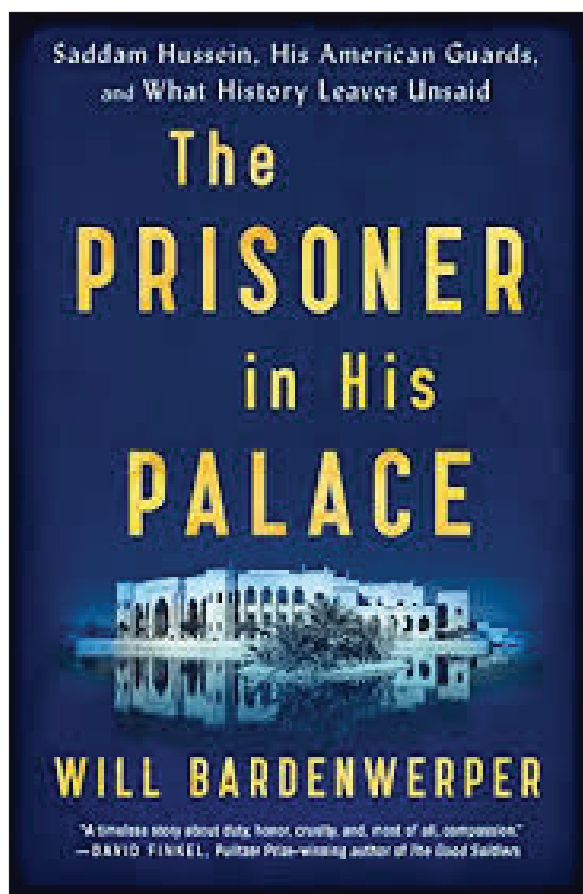


من به عنوان یک مترجم عمده فعالیت‌هایم به ویژه طی پانزده سال گذشته متمرکز بر ترجمه کتاب‌های زندگینامه‌ای درباره رهبران جهان در قرن بیستم میلادی بوده است. در راستای همین فعالیت، سال ۱۳۹۹ را صرف ترجمه دو کتاب زندگینامه‌ای درباره صدام حسین، دیکتاتور سابق عراق کردم. هر کدام از این کتاب‌ها به مقطعی از زندگی سیاسی و شخصی صدام می‌پردازد. کتاب اول را یک نویسنده انگلیسی به اسم «کن کافلین» نوشته و کتاب دوم را یک نویسنده آمریکایی به اسم «ویل باردنورپر». در کتاب کافلین، زندگی صدام از بدو تولد تا هنگام دستگیری‌اش به دست نیروهای اشغالگر آمریکایی شرح داده شده است. در کتاب دوم، که همین دو سال پیش در آمریکا چاپ شد، زندگی صدام از زمان دستگیری تا اعدامش در سی دسامبر ۲۰۰۶م شرح داده شده است. این دو کتاب، که مستقل از یک دیگر هستند، در کنار هم می‌توانند شرح کامل و دقیقی از دوران حرفه‌ای صدام و زندگی خصوصی او و نیز کلیت رژیم ترور و وحشتی که وی در عراق برپا کرده بود، به خوانندگان ارائه کنند.

با استفاده از نیروی نظامی کردها را سرکوب کند اما موقعی که شاه ایران به طرفداری از کردها نیروهای نظامی‌اش را وارد شمال عراق کرد، کار برای صدام مشکل شد. نویسنده کتاب مدعی است صدام که از دیرباز بر سر کنترل آبراهه شط‌العرب (اروند رود) با ایران اختلاف داشت، نهایتاً تصمیم گرفت با شاه قراردادی امضا کند تا وی را وادارد که از حمایت نظامی‌اش از کردها دست

کتاب کافلین به‌ویژه پر از مطالبی است که می‌تواند برای خوانندگان ایرانی جالب باشد. من در اینجا به برخی از این فرازاها اشاره می‌کنم.

صدام در مقطعی از حکومتش، در زمانی که معاون رئیس‌جمهور بود اما قدرت واقعی را در دست داشت، مامور حل قضیه کردهای عراق شد. او سعی کرد که



کتاب زندگینامه صدام حسین، در قالب دو کتاب، مجموعاً هزار صفحه را، انتشارات ثالث در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ چاپ و منتشر خواهد کرد.

■ بخشی از کتاب

نکته جالب درباره زندگی صدام حسین، تغییر یافتن او از یک آدم غیرمذهبی به یک آدم مذهبی است. صدام تا قبل از این که حکومتش ساقط و خودش اسیر آمریکایی‌ها شود، در زندگی خصوصی‌اش هیچ اعتنایی به ظواهر مذهبی نداشت. دو نوشیدنی محبوبش شراب متوس پرتغالی و ویسکی جانی واکر بود. انقلاب ایران و رشد اسلام گرایی در منطقه باعث شد که صدام حداقل در برابر انظار عمومی رعایت دین‌داران کشورش را بکند. او البته مساجد بسیاری ساخت و پرچم عراق را هم به نحوی تغییر داد که مطابق میل مسلمانان کشورش باشد و فروش مشروب را محدود کرد. با این حال، در زندگی

بردارد. به این ترتیب قرارداد ۱۹۷۵م الجزایر بین صدام و شاه امضا شد. شاه بر اساس این قرارداد کنترل شط‌العرب را در دست خود گرفت و در عوض موافقت کرد نیروهای نظامی‌اش را از شمال عراق بیرون بکشد. صدام دو هفته پس از خارج شدن ارتش شاه از کردستان عراق موفق شد شورش کردهای عراقی را سرکوب کند. اما دادن کنترل شط‌العرب به شاه ایران مایه خفت عراقی‌ها بود. طارق عزیز بعدها در این باره گفت: «ما چاره‌ای نداشتیم؛ یا باید شط‌العرب را می‌دادیم یا شمال عراق از دست‌مان می‌رفت.» باری صدام چند سال بعد با پاره کردن قرارداد الجزایر و آغاز جنگ با ایران، سعی کرد به خیال خودش جبران مافات بکند.

از دیگر نکات جالب کتاب، شرح خطری است که در جبهه جنگ از بیخ گوش صدام گذاشت. نویسنده کتاب مدعی است که صدام شخصاً همه عملیات‌های جنگی را هدایت می‌کرد و اساساً هیچ فرمانده‌ای نمی‌توانست در جنگ ابتکار عمل شخصی نشان دهد، مگر این که اول موافقت صدام را جلب می‌کرد. همین امر موجب شکست‌های سنگین عراقی‌ها در جنگ با ایران شده بود. باری، صدام در یکی از دیدارهایش از جبهه، در چند کیلومتری مرز ایران، ناگهان در محاصره نیروهای جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و عملاً فاصله چندانی با اسارت نداشته بود. البته ایرانی‌ها خبر نداشتند که صدام را در محاصره دارند. در هر حال، صدام به طرز عجیبی موفق می‌شود خودش را از این مهلکه نجات دهد.

در کتاب دوم، سه سال پایانی زندگی صدام مورد توجه قرار گرفته است. صدام در این سه سال در زیرزمین یکی از قصرهای خودش در بغداد، اسیر نیروهای آمریکایی بود. نویسنده از طریق گفت‌وگو با دوازده سرباز آمریکایی که وظیفه مراقبت از صدام را برعهده داشتند توانسته تصویر دقیقی از شخصیت صدام و پیچیدگی‌های روحی و روانی این فردی که طی دوره حکومتش موجب مرگ صدها هزار انسان بی‌گناه شد ارائه کند.

خصوصی‌اش بی دین باقی ماند تا این‌که حکومتش ساقط شد و خودش هم به دست سربازان اشغالگر آمریکایی افتاد. از این پس، صدام متفاوتی پدیدار شد. او در جلسات دادگاهش با سیمای یک مرد ریشوی مذهبی ظاهر شد. خیلی‌ها این را به حساب تحول ایدئولوژیک صدام گذاشتند، اما واقعیت چیز دیگری بود. صدام در همان هفته‌های نخست بازداشتش، موقعی که برای معاینات پزشکی به یکی از درمانگاه‌های ارتش آمریکا در مرکز بغداد برده می‌شد دلباخته پرستار آمریکایی‌ای شد که فشار خورش را می‌گرفت و دیگر خدمات پزشکی را به او ارائه می‌کرد. دوازده سرباز آمریکایی که برای تقریباً سه سال پایانی زندگی صدام از او نگهداری می‌کردند جملگی بر درستی این قضیه شهادت داده‌اند. آنها می‌گویند صدام ریش گذاشت تا چهره جذاب‌تری برای این خانم پرستار داشته باشد. او مدام از نگهبانانش می‌پرسید با ریش جذاب‌ترم براش یا بی ریش؟ صدام حتی به این فکر افتاده بود که اگر از زندان آزاد شود با او ازدواج کند. البته ریش فایده دیگری هم برای صدام داشت. او می‌توانست با این سیمای اسلامی تازه‌اش و با آن قرآن بزرگی که همیشه در دست داشت و نیز با ابراز دیدگاه‌های تند ضد آمریکایی در دادگاهش الهام بخش مبارزان مسلمان ضد آمریکایی در کشورش باشد. خیلی امیدوار بود که روزی به دست این مبارزان از زندان آزاد شود. باری صدام هر زمان که به اتاق معاینه می‌رفت و خانم پرستار به او می‌گفت می‌شه آستین پیراهن‌تان را بالا بزنید تا فشار خون‌تون رو بگیرم؟ چنین پاسخ می‌داد: اگه تو بخوای آستینم رو تا روی سرم بالا می‌کشم.... بله، دیکتاتورها هر چقدر هم جانی و بی‌رحم باشند باز دل دارند و عاشق می‌شوند، حتی در زندان، حتی در پای چوبه دار.

تازه‌های فکر

تازه‌های نشر از قدرت متعالی تا طبیب زندان دوله‌تو

نورالله جعفری

■ قدرت متعالی

کتاب «قدرت متعالی؛ الگوی قدرت جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس» به نویسندگی یعقوب نعمتی وروجنی می باشد که در سال ۱۳۹۹ توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. در این پژوهش علاوه بر استخراج مؤلفه‌های شکل‌دهنده قدرت جمهوری اسلامی ایران تلاش شده است تا یک نظریه نوین و اسلامی در دوران دفاع مقدس جایگزینی بر مکاتب موجود قدرت (اعم از سخت و نرم و هوشمند) (تئوریزه، صورت‌بندی و معرفی شود که "نظریه قدرت متعالی" نامگذاری شده است. این اثر، که برگرفته از رساله دکتری مؤلف در رشته علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است، در شش فصل سازمان یافته است. فصل نخست، به مقدمه و کلیات پژوهش اختصاص دارد. در فصل دوم، مفهوم اصلی این پژوهش یعنی قدرت تشریح شده است. در فصل سوم، شیوه رهبری امام خمینی(ره) در دوران دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفته و الگویی به نام رهبری متعالی مطرح شده است. فصل چهارم به مؤلفه‌های قدرت‌ساز دین اسلام در دوران دفاع مقدس پرداخته است. در فصل پنجم، مؤلفه‌های مردمی قدرت جمهوری اسلامی در دوران جنگ تحمیلی تشریح شده است و در فصل ششم،

داده‌های پژوهش با استفاده از رویکرد سازه‌انگاری مورد تحلیل قرار گرفته و الگوی سازه‌انگاره کنش دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس، ترسیم و تشریح شده است. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی از اثر که حاصل بررسی‌های انجام‌شده در فصول مختلف می‌باشد به همراه صورت‌بندی اولیه‌ای از نظریه قدرت متعالی ارائه شده است.

■ روزشمار ۴۶/۱

جلد اول از روزشمار چهل و ششم با عنوان «کربلای ۵؛ تلاشی دیگر برای تعیین سرنوشت جنگ» شامل بازه ۲۹ روزه از ۵ دی ۱۳۶۵ تا سوم بهمن ۱۳۶۵ است. این روزشمار شامل وقایع و گزارش‌های پس از شکست عملیات کربلای ۴ است. در این کتاب مقدمات عملیات کربلای ۵ تا پایان این عملیات بررسی شده است. همچنین وقایع این دوره عمدتاً تحت تأثیر دو رویداد مهم نظامی جنگ یعنی شکست عملیات کربلای ۴ و انجام عملیات کربلای ۵ قرار دارد. وقایع مهمی که مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر این دو رویداد به وقوع پیوسته و در فهرست موضوعات این کتاب قرار دارند شامل جنگ شهرها، جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس، سیاست آمریکا و شوروی در قبال تشدید جنگ و تشدید تلاش‌های صلح اول در چارچوب پنجمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در کویت و سپس در قالب ابتکار جدید پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل است. کاهش شدید درآمدهای ارزی ایران در سال ۱۳۶۵،



اصلی مشروعیت و مقبولیت عمومی جنگ با عراق، روحیه جنگاوری، روحیه مقاومت و استقامت، نظام سازمانی جنگ و نیروی انسانی جنگ را تأمین می‌کرد. و بعد نظام‌مند مربوط به جنبه‌های مدیریت مستقیم و حرف‌های ایشان در پیشبرد امور جنگ بوده است که ابعاد عملی و واقع‌گرایانه مدیریت نظامی امام را در جنگ در دوره‌های مختلف مدیریت و با توجه به معیارهای حاصل از شاخص‌های مطالعاتی در سه سطح استراتژی سیاسی جنگ، استراتژی نظامی و تاکتیک نظامی نشان می‌دهد.

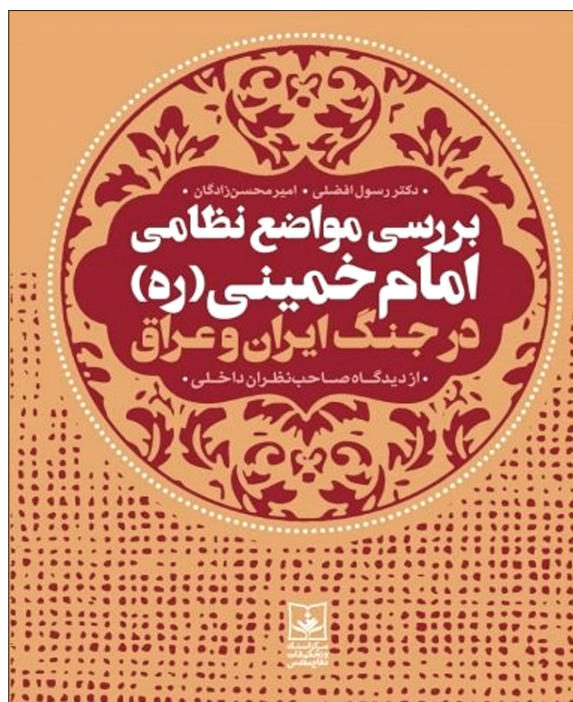
■ گیل مانا

کتاب «گیل مانا» روایت خاطرات سردار محمدعلی حق‌بین فرمانده گردان کمیل از لشکر ۱۶ قدس گیلان در دوران دفاع مقدس

است که سیده نساء هاشمیان سیگارودی تحقیق و نگارش آن را بر عهده داشته و توسط نشر مرزوبوم در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است. کتاب «گیل مانا» شامل ۱۰ فصل است؛ در این کتاب سردار



حق‌بین خاطرات خود را از آغاز جنگ شروع کرده و سپس به فضای ناامن کردستان و اقدامات در آن دوران، مأموریت‌های درون‌مرزی و عملیات‌های برون‌مرزی می‌پردازد. همچنین عملیات کربلای ۲، عملیات کربلای ۵، انتقال جبهه‌های جنگ از جنوب به غرب، عملیات والفجر ۱۰ فصول دیگر این کتاب است که سرشار از خاطرات جذاب و پر از احساسات و هیجانات آن دوره از دفاع مقدس است. فصل نهم این کتاب خاطرات سردار حق‌بین در پایان جنگ مطرح‌شده و فصل پایانی نیز آلبوم تصاویر است.

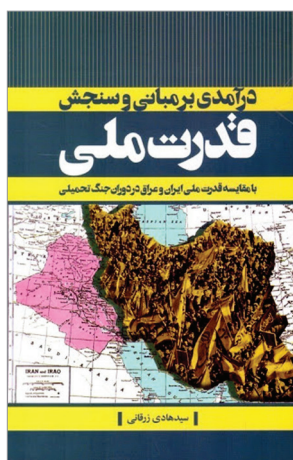


ادامه روند عادی‌سازی روابط سیاسی ایران و فرانسه و برگزاری اجلاس همیاری ملت عراق در تهران با شرکت بیش از ۲۵۰ تن از اعضای گروه‌های مخالف یا معارضین عراقی از دیگر رویدادهای غیرنظامی در این دوره است. ابوالقاسم حبیبی نویسنده بخش نظامی و دکتر ایرج همتی نویسنده بخش غیرنظامی جلد اول روزشمار چهل و ششم هستند.

■ مواضع نظامی امام خمینی

کتاب «مواضع نظامی امام خمینی در جنگ ایران و عراق» به نویسندگی دکتر رسول افضلی و امیر محسن زادگان و توسط انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بازنشر شده است. کتاب طی هفت فصل در تلاش برای واکاوی ابعاد مبانی مدیریت نظامی امام خمینی در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. یافته‌های مؤلفان نشان می‌دهد که مدیریت نظامی امام خمینی در جنگ عراق علیه ایران دارای دو بُعد کاریزماتیک و نظام‌مند بوده است. بُعد کاریزماتیک این مدیریت معطوف به تأثیر جنبه‌های شخصیتی و حب درونی جامعه نسبت به امام بوده است که پنج حوزه

ملی است و تلاش شده است تا تبیین دقیقی از ماهیت، انواع، ابعاد و کارکردهای قدرت صورت گیرد. همچنین نظریه‌ها و مدل‌های مربوط به ماهیت و سنجش قدرت ملی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم کتاب به مقایسه



تطبیقی قدرت ملی ایران و عراق در دوره دفاع مقدس در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، سرزمینی و نظامی پرداخته است. مقایسه قدرت دو کشور در قالب نمودارهای ساده به تصویر کشیده شده است و این موضوع می‌تواند برای اقشار مختلف مخاطب جذاب باشد که به بررسی و مقایسه قدرت دو کشور در سال‌های دفاع مقدس بپردازند.

■ اتحاد شوم

کتاب «اتحاد شوم؛ اسناد رسمی همکاری آمریکا با رژیم صدام در جنگ تحمیلی (سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ میلادی)» به نویسندگی خانم جویس بتل است و توسط مجید کریمی از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است و در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. در این مجموعه اسناد کوشش نگارنده بر آن بوده که هر سند را در سه دسته‌بندی موضوعی جای دهد؛ ترجمه اصل متن، توضیح خانم جویس بتل و توضیح نگارنده کتاب است به‌طوری‌که این توضیحات مبتنی بر مدارک و اسناد مکمل و برای نشان دادن اهمیت سند اضافه شده است. با بررسی مجموعه اسناد این کتاب، پژوهشگران درک بهتری از پشت پرده حامیان ارتش عراق در جنگ با ایران به دست خواهند آورد و البته مناسبات سیاسی ظالمانه و ریاکارانه آمریکا را نیز آشکار می‌گرداند. اسناد

■ روزشمار ۵۳/۲

جلد دوم کتاب پنجاه و سوم از مجموعه بزرگ روزشمار جنگ ایران و عراق به نویسندگی نویسنده یدالله ایزدی با عنوان «موشکباران تهران؛ تدارک عملیات در حلیچه (والفجر ۱۰)» می‌باشد که شامل ۴۲۶ گزارش وقایع جنگ ایران و عراق در دوره زمانی ۲۴ بهمن ۱۳۶۶ تا ۲۲ اسفند ۱۳۶۶ است. از مهم‌ترین وقایعی که در این دوره رخ داده می‌توان به آماده‌سازی دو جاده اصلی در منطقه عملیات والفجر ۱۰ در دو محور مریوان و نوسود و ارتفاعات مشرف بر سد دربندیخان و همزمان چگونگی ادامه عملیات بیت‌المقدس ۲ در منطقه عمومی ماووت که به علت شرایط نامساعد آب و هوایی و همچنین مقاومت دشمن ناقص ماند، نام برد. هدف قرار گرفتن کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در خلیج فارس و آغاز چهارمین دوره جنگ شهرها و اصابت موشک به تهران برای اولین بار و فراخوانی، آموزش و سازمان‌دهی نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از حوادث مهم نظامی در این دوره است. در موضوعات غیرنظامی، در این دوره رابطه ایران با شوروی به شدت تحت تأثیر آثار منفی ناشی از آغاز دوره چهارم جنگ شهرها قرار گرفت. ادامه مذاکرات ایران با دبیرکل سازمان ملل برای نهایی کردن طرح اجرایی دبیر کل در مورد ماجرای قطعنامه ۵۹۸ و همچنین تلاش آمریکا و متحدین اروپایی آن به‌ویژه انگلیس و فرانسه برای موافقت دیگر اعضای شورای امنیت با تحریم تسلیحاتی ایران به بهانه نپذیرفتن این قطعنامه از دیگر موضوعات سیاسی در این دوره است.

■ قدرت ملی

کتاب «درآمدی بر مبانی و سنجش قدرت ملی» به نویسندگی سید هادی زرقانی در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. این کتاب که برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکترای مؤلف است، دارای دو بخش می‌باشد. در بخش اول کتاب مباحث نظری مرتبط با قدرت و قدرت

مبهم جنگ ایران و عراق به‌ویژه بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ توسط عراق باشد. نکته مهمی که از روح کلی این اسناد دریافت می‌شود، این‌که امریکا هرگز چه در اوایل جنگ و چه در میانه و سرانجام پایان جنگ بی‌طرف نبود و برخلاف ادعاهای خود بر پایه این اسناد در مواجهه با رویدادهای جنگ ایران و عراق در شورای امنیت بی‌طرفی را نقض کرد.

■ روزشمار ۴۶/۲

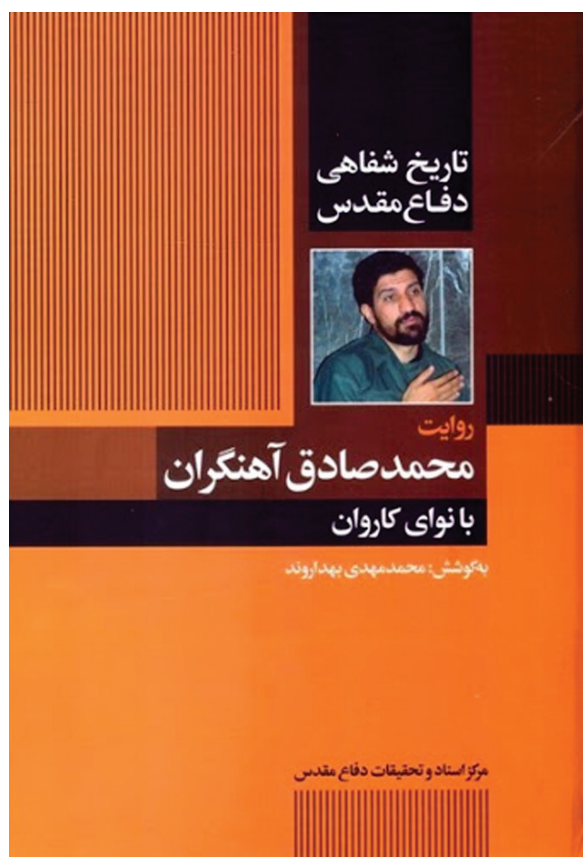
جلد دوم از روزشمار چهل و ششم جنگ ایران و عراق با عنوان «بازتاب جهانی کربلای ۵» شامل ۶۰۹ گزارش درباره جنگ و موضوعات مربوط به دوره زمانی ۴/۱۱/۱۳۶۵ تا ۳۰/۱۱/۱۳۶۵ می‌باشد. ابوالقاسم حبیبی و سعید حصاری نویسندگان این کتاب کوشیده‌اند به موضوعات مختلفی در حوزه ادامه عملیات کربلای ۵؛ جنگ شهرها و بازتاب‌های خبری و تفسیری آن، مواضع و اقدامات دولت‌ها، شخصیت‌ها و محافل سیاسی و بین‌المللی در مورد جنگ؛ رویدادهای مهم داخلی و خارجی دو کشور درگیر جنگ؛ تحولات منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذار بر روند جنگ بپردازند. اصلی‌ترین موضوعات کتاب عبارت‌اند از: روند حوادث پس از توقف عملیات کربلای ۵، جنگ شهرها و تشدید بمباران‌ها، مقاومت مردم در برابر بمباران با ساخت پناهگاه، آوارگان جنگ، عملیات کربلای ۵ در نگاه رسانه‌های بین‌المللی، اجلاس سران کشورهای اسلامی در کویت، تلاش‌های بین‌المللی برای برقراری صلح، اعزام نیرو به جبهه و تشکیل سپاه یکصد هزار نفری حضرت مهدی، کمک‌های مردمی به جبهه، پیامدهای افشای ماجرای مک فارلین، روابط ایران با کشورهای خارجی، قاچاق سلاح به ایران، گروگان‌گیری اتباع کشورهای غربی در لبنان، محاصره اردوگاه‌های فلسطینیان در لبنان از سوی جنبش امل.

■ اطلس لشکر ۱۷

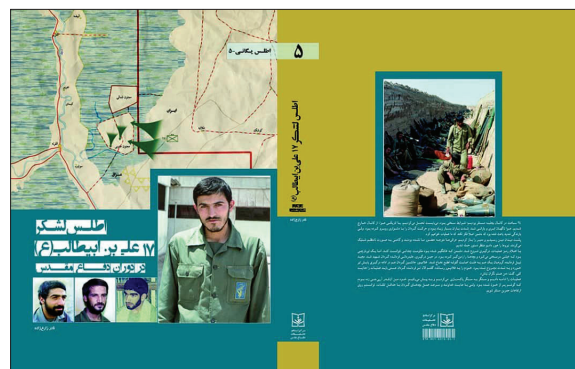
«اطلس لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) در دوران



گزیده آرشیو ملی امریکا نشان می‌دهد که چرا و چگونه امریکا و عراق به یکدیگر نزدیک شده و ایران و امریکا نیز همزمان از هم دور شدند. اسناد آرشیو ملی امریکا می‌تواند منبع خوب و تازه‌ای برای روشن شدن زوایای



نوای کاروان» در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. مجری تاریخ شفاهی حاج صادق آهنگران، حجت الاسلام والمسلمین محمدمهدی بهداروند می‌باشد. معرفی ابعاد شخصیتی و نقش مهم راوی در دفاع مقدس، تجلیل و تکریم از نقش مداحان و ذاکران در آن سال‌ها و تأکید بر نقش خانواده ایشان در همراهی و همسنگری با وی از نکات مهم و با اهمیتی است که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است. محتوای کتاب شامل شش بخش اصلی است؛ بخش اول از تولد تا آغاز جنگ تحمیلی، بخش دوم دوره رشد و بالندگی در بستر جنگ تحمیلی، بخش سوم گونه‌شناسی و مناسبت‌شناسی نوحه‌ها، بخش چهارم از شخصیت‌های تأثیرگذار در مسیر زندگی ایشان، بخش پنجم فعالیت‌های فرهنگی برون‌مرزی و بخش ششم شخصیت و عملکرد حاج صادق آهنگران از منظر مسئولان تبلیغات جبهه و جنگ آن دوره است. آلبوم تصاویر حضور ایشان در جبهه در انتهای کتاب



دفاع مقدس» به بررسی نقش و عملکرد این لشکر و حماسه‌آفرینی رزمندگان و فرماندهان آن در طول هشت سال دفاع مقدس می‌پردازد. لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) در طول هشت سال دفاع مقدس در ۱۷ نبرد مستقیم، سه نبرد تحت امر و ۲۸ عملیات پدافندی در جبهه‌های شمال‌غرب و جنوب، نقش مؤثری ایفا کرد. در این کتاب که توسط نادر زارع‌زاده در هفت فصل نوشته شده، خلاصه‌ای از عملکرد آفندی لشکر در هشت سال دفاع مقدس به تصویر کشیده شده است. در فصل‌های اول و دوم با عنوان‌های «تولد و تکامل» و «قهرین نبرد»، به چگونگی تأسیس و تولد یگان پرداخته شده است. در فصل سوم با نام «شکوفایی یگان»، گسترش یگان از عملیات محرم تا عملیات والفجر ۴ بیان شده است. فصل چهارم با عنوان «شکوه فرماندهی»، به عملکرد لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) در عملیات‌های خیبر، بدر، عاشورای ۲ و والفجر ۸ می‌پردازد و در فصل پنجم با نام «اوج قدرت»، کارنامه موفق لشکر در عملیات‌های کربلای ۱ تا ۵ به تصویر کشیده شده است. «ادای تکلیف» عنوان فصل ششم است که به مأموریت‌های لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) در عملیات‌های کربلای ۸، والفجر ۱۰ و مرصاد می‌پردازد. فصل پایانی هم «روایت حماسه» نام دارد که به فعالیت‌های پس از جنگ لشکر اشاره شده است.

■ **با نوای کاروان «تاریخ شفاهی آهنگران»**
کتاب تاریخ شفاهی حاج صادق آهنگران با عنوان «با

در خدمت جنگ با دکتر خاتمی گفت‌وگو داشته‌اند. همچنین در بخشی از کتاب به موضوعات تخصصی بهداری در جنگ مانند بهداشت در جنگ، مواجهه با عوامل ناشناخته شیمیایی، درمان مصدومان شیمیایی و تحقیقات برای کمک به مجروحان جنگ پرداخته شده است. توجه به تاریخچه تشکیل و توسعه دانشگاه علوم پزشکی حضرت بقیه‌الله (عج) و نقش دکتر خاتمی در تأسیس این دانشگاه و توسعه بیمارستان‌های وابسته به آن و نقش مرکز تحقیقات بیولوژیک در شناسایی شهدا از دیگر موضوعاتی است که در این کتاب مطرح شده است.



اضافه شده است.

■ طبیب زندان دوله‌تو «تاریخ شفاهی دکتر خاتمی»

کتاب تاریخ شفاهی دکتر سید مسعود خاتمی تحت عنوان «طبيب زندان دوله‌تو» روایت یکی از شخصیت‌های عرصه پزشکی سپاه است و به تبیین نقش معاونت بهداری کل سپاه در جنگ و نقش پزشکان در آن سال‌های پر حماسه و شکوهمند می‌پردازد. مجری کتاب دکتر محمدرضا باقری می‌باشد که طی ۲۷ جلسه در قالب ۱۴ گفت‌وگو از تولد تا انقلاب اسلامی، اسارت در زندان دوله‌تو، فرماندهی استان فارس تا عضویت در شورای عالی سپاه، مسئولیت در بهداری جنگ و کمک به شکل‌گیری ستاد امداد و درمان و چگونگی تشکیل بسیج جامعه پزشکی و بهره‌گیری از ظرفیت درمانی کشور

گزارش یک سال

مرکز اسناد و روایت‌گری جنگ

زهرا جودکی

بر ضرورت تاریخ‌نگاری مستند، ارائه روایت متقن از جنگ بعد از پایان جنگ را یادآور شد. وی گفت: «مقام معظم رهبری در دیداری با مسئولان موسسه روایت شهدا در سال ۱۳۸۹، درباره روایت‌گری سیره شهدا این ضرورت را بیش از پیش برای ما ترسیم کردند. ایشان معتقدند که در تبیین حوادث دفاع مقدس عنصری که باید بیش از همه مورد توجه قرار گیرد عنصر «اتقان» است. ایشان [نقل به مضمون] می‌فرمایند بنا را بر روایت صحیح قرار دهید و درست روایت کنید و آنچه را هست بیان کنید؛ با زبان هنرمندانه و برای تبیین حوادث دوران دفاع مقدس. نیاز نیست که افزودنی‌های مضر و رنگ‌آمیزی‌های غیرضروری را انجام دهیم.»

■ رسالت اصلی مرکز؛ تولید آثار مرجع در حوزه دفاع مقدس

رسالت اصلی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تولید آثار مرجع در حوزه دفاع مقدس، با تاکید بر عنصر تاریخ‌نگاری مستند و روایت متقن است. برای رسیدن به این هدف موانع زیادی بر سر راه است که اگر برطرف نشود، ممکن است به سمت تحریف دفاع مقدس برویم. این مشکلات بیشتر در دو حوزه است: یکی حوزه‌ای است که مربوط به داده‌ها و اطلاعات است. در این حوزه با فقدان فرماندهان و بریدگی و کسر اطلاعات و نقایص اسنادی مواجهیم و از همه مهم‌تر گاهی تناقض روایت‌ها و حتی تضاد روایت‌ها که در داده‌ها موجود است. در حوزه دوم که حوزه روش تحقیق است و اکنون

خانه کتاب و ادبیات ایران در بیست و هشتمین دوره «هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران» با شعار امسالش؛ «دانایی و مانایی»، اقدام به بررسی نقش انتشارات فعال در حوزه دفاع مقدس با حضور مدیران و متصدیان آن‌ها کرد. سومین روز از هفته کتاب با موضوع «نقش اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در روایت و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق» بود که با حضور ایوب دهقانکار؛ مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران، محمدجواد اکبرپور بازرگانی؛ مدیر مطالعات نظامی و جانشین رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، یدالله ایزدی؛ از راویان و تاریخ‌نگاران جنگ ایران و عراق و از پیش‌کسوتان و نویسندگان کتاب‌های روزشمار و تاریخ شفاهی دفاع مقدس و روح‌الله بابانژاد گتایی؛ مدیر روابط عمومی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در سرای اهل‌قلم برگزار شد. این برنامه به‌صورت مستقیم نیز در صفحه اینستاگرام خانه کتاب به نشانی: @khaneyeketab برای علاقه‌مندان پخش شد.

معرفی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و بررسی آثار مرکز در قالب روزشمار جنگ ایران و عراق و تاریخ شفاهی دفاع مقدس موضوعات اصلی بود که در این برنامه به آن‌ها پرداخته شد.

■ تأکید رهبری بر روایت صحیح

در ابتدای این نشست محمدجواد اکبرپور، تاریخچه‌ای از مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ذکر کرد و با تاکید

روایت‌نگاری شامل ثبت و ضبط کلیه مذاکرات بین فرماندهان در بازه زمانی قبل از عملیات، مانند طرح‌ریزی، شناسایی، آموزش، آزادسازی تا آستانه عملیات، ثبت و ضبط مکالمات بیسیمی در حین عملیات و جمع‌بندی و گردآوری اسناد تکمیلی، بعد از عملیات بود.

عملیات و جمع‌بندی و گردآوری اسناد تکمیلی، بعد از عملیات بود. در مرحله بعد، راویان راهی مرکز می‌شدند و بر اساس کروکی‌ها، نقشه‌ها، گفت‌وگوهای تکمیلی و دفاتر راوی و نوارهایی که ثبت و ضبط کرده بودند، گزارشی برای فرماندهی کل تهیه می‌کردند. از عملیات فتح‌المبین این کار روایت‌گری و تاریخ‌نگاری جنگ، در «بخش جنگ» دفتر سیاسی سپاه شروع شد و به درجه‌ای از بلوغ رسید تا در سال ۱۳۶۲، در آستانه عملیات خیبر، بخش جنگ دفتر سیاسی سپاه دچار تغییر و تحولاتی شد و در سال ۱۳۶۳، در قالب «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ» ادامه حیات داد و به رشد و بلوغ بیشتری رسید. بعد از پایان جنگ، این حجم انبوه اسناد بدون ساماندهی برای پژوهشگران و تاریخ‌نگاران بعد از جنگ قابل بازیابی نبود. در طول دهه ۷۰، با برگزاری جلسات زیاد و تلاش فراوان، بخش عمده‌ای از اسناد، سازمان‌دهی و دسته‌بندی و سپس گویاسازی شد. همزمان با ساماندهی اسناد، فرایند پژوهش و نگارش آثار پژوهشی در حوزه جنگ آغاز گردید و گونه‌های مختلف پژوهشی ایجاد شد.

به‌طورکلی بعد از جنگ چند گروه پژوهشی تخصصی داشتیم. یکی از گروه‌های مهم، گروه مطالعات نظامی بود که روی عملیات‌ها که مشخصه بارز هر یک از جنگ‌هاست تمرکز می‌کرد و در خصوص موضوع عملیات‌ها آثار متنوعی را با هدف تولید در حوزه تاریخ نظامی جنگ از جمله اطلس‌ها، نبردها، کارنامه‌ها و شناسنامه یگان‌ها در دستور کار داشت. حوزه دوم،

بیشتر گریبان‌گیر کسانی است که مستقیم و غیرمستقیم با حوزه مطالعات دفاع مقدس مرتبط هستند، بحث روشی است. کیفیت برداشت از اسناد و روش پژوهش و نگارش در ارائه تاریخ‌نگاری مستند و روایت متقن خیلی مؤثر است.

با آمدن سردار محسن رضایی به سپاه و بعد از آغاز جنگ، بخش جنگی در دفتر سیاسی سپاه در نیمه اول سال ۶۰ تشکیل می‌شود و چون دوره‌ای از جنگ گذشته بوده و مسئولان دغدغه ثبت و ضبط حوادث و رخدادها و جنگ را داشتند، تیم‌هایی را تشکیل دادند و با اعزام آن‌ها به نوار مرزی در مناطق کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان، شروع به ثبت و ضبط این حوادث کردند. بعد از عملیات طریق‌القدس و قبل از عملیات فتح‌المبین، با مساعدت سردار شمعانی فرمانده وقت سپاه خوزستان و تیزبینی شهید حسن باقری، اولین بار در رده‌های مختلف قوای نظامی به‌خصوص سپاه پاسداران، در عملیات‌ها افرادی به‌عنوان تاریخ‌نگار جنگ قرار گرفتند که حوادث را ثبت و ضبط می‌کردند. این روایت‌نگاری شامل ثبت و ضبط کلیه مذاکرات بین فرماندهان در بازه زمانی قبل از عملیات، مانند طرح‌ریزی، شناسایی، آموزش، آزادسازی تا آستانه عملیات، ثبت و ضبط مکالمات بیسیمی در حین

پست و هشتمین دوره
هفته کتاب
جمهوری اسلامی ایران
دوشنبه ۲۶ آبان ۹۹
ساعت ۱۲ تا ۱۳:۳۰
بخش‌زنده
سلسله
نشست‌های
هفته کتاب
در زمینه کتاب
فکته‌کتاب و
ادبیات ایران

**نقش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
در تاریخ‌نگاری جنگ**

سخنرانان
محمد جواد اکبرپور بازرگانی - یدالله ایزدی - روح‌الله بابائزاد کتابی

سرچشمه
کتابخانه

@khaneyeketab

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سعی کرده است در ثبت تاریخ شفاهی استقلال قلم، سوگیری‌ها، جهت‌گیری‌ها و درعین حال رسالتی که برای صیانت از تاریخ‌نگاری و جلوگیری از تحریف است، رعایت شود.

از این داشته‌هایمان، آثار تولید کنیم. البته لازم است تأکید کنم که آغاز تولید آثار مربوط به بعد از جنگ نیست؛ در درون جنگ شکل گرفته بود. حتی تولیدات درون‌ساختاری بود و از بعد از جنگ توسعه و تعمیم پیدا کرد.

در بحث نگهداری اسناد جمع‌آوری شده هم مطالعات بسیار جامعی صورت گرفت که چگونه این اسناد را به شکل استاندارد و قاعده‌مندی از گزند گذر زمان و آفت‌هایی که اسناد فیزیکی معمولاً به آن دچار می‌شوند حفظ کنند. از این منظر می‌خواهم بگویم که آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس یکی از مراکز مونوپل و منحصر به فرد، هم در ماهیت اسناد، هم در کیفیت‌های نگهداری و بعد از آن هم در شیوه‌های بهره‌برداری در دنیا است.

روزشمار؛ سنگ محکی برای انتشار آثار

در ادامه این مباحث، اکبرپور به روزشمارهای جنگ ایران و عراق اشاره کرد. وی گفت: روزشمارها بیشتر بر روی تحولات و حوادث و رخدادهای نظامی - سیاسی دوره جنگ، تأکید و تمرکز دارد. البته به بقیه مباحث هم توجه شده است. از طرفی در روزشمار و سایر آثار مرکز، فارغ از مجادلات سیاسی و مناقشات صنفی، کلیه حوادث یک روز از زمان جنگ، به گونه‌ای فارغ از روزها و زمان‌های دیگر، تشریح می‌شوند.

روزشمارهای طراحی‌شده در مرکز اسناد و تحقیقات

مطالعات روزشمار جنگ بود و روزانه تحولات سیاسی، نظامی و در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را مدنظر قرار می‌داد. یکی دیگر از گروه‌های تخصصی، تاریخ شفاهی فرماندهان بود. گروه دیگر مطالعات غیرنظامی یا جنبه‌های اجتماعی و یا حقوقی و سیاسی جنگ بود. در ادامه این جلسه یدالله ایزدی به جایگاه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در موضوع تاریخ‌نگاری جنگ تحمیلی اشاره کرد. ایزدی در این زمینه گفت: این حادثه‌ای که در چهار دهه گذشته در بستر یک انقلاب مردم‌پایه و مردم‌نهاد اتفاق افتاد، آن قدر مهم و سهمگین است که به راحتی قادر خواهد بود نظام را تحت تأثیر قرار دهد. جنگ پدیده بسیار کثیرالوجهی است که همه ابعاد جامعه را با خودش درگیر می‌کند؛ یعنی جنبه‌های فرهنگی، نظامی، اجتماعی، تاریخی تحت تأثیر این واقعه بزرگ هستند و هنوز این تأثیرها قابل‌مشاهده و انکارناپذیر است.

وقتی که این حادثه اتفاق افتاد، طبیعتاً مجاری رسمی کشور اطلاعات و اخبار را به آگاهی عموم می‌رساندند، ولی این‌ها به صورت جامع نمی‌توانستند و قادر نبودند تمام ابعاد جنگ را بگویند. با شکل‌پذیری اندیشه‌ای در سپاه تصمیم گرفته شد که کسانی بروند و از نزدیک حوادث و رخدادهای و وقایع جنگ را ببینند و آنها را، حداقل در سطح مسئولان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز، به صورت دسته‌بندی و جمع‌بندی شده ارائه دهند و در نهایت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس شکل گرفت. مهم‌ترین عامل این رخداد، پیشگیری از دچار آسیب شدن روایت این حادثه مهم در آینده بود.

وقتی که جنگ پایان یافت، این پرسش مطرح شد که حالا باید چه کرد؟ آیا همه مأموریت ما گردآوری این اسناد است؟ این نتیجه حاصل شد که مأموریت دیگر مرکز، یک وجه دیگر هم دارد و آن هم پژوهش‌های آن اسناد است که عنوان مرکز اسناد و تحقیقات - تحقیقاتش را دارم تأکید می‌کنم - ملهم از این اندیشه است که باید

در مرحله بعد،

راویان راهی مرکز می‌شدند و بر اساس
کروکی‌ها، نقشه‌ها، گفت‌وگوهای تکمیلی و
دفاتر راوی و نوارهایی که ثبت و ضبط کرده
بودند، گزارشی برای فرماندهی کل
تهیه می‌کردند.

۵۹۸ و حوادث مهم بعد از آن، کل دوره روزشمار رادر
بر گرفت. سپس این مدت زمان را به مقاطع مختلفی
تقسیم کردند. در ابتدا ۵۷ مجلد تعریف شد که آغاز
و پایان آن به انباشت حوادث و رخدادها به وقایع با
موضوع جنگ بستگی داشت.

البته در هر روزشماری چهار محور اصلی مدنظر بود؛
اولین اولویت جنگ ایران و عراق است که در هر روز
چه حوادثی اتفاق می‌افتد یا چه موضوعاتی، جلسات،
مذاکرات، مباحث و وقایعی پیش می‌آید. همه این‌ها
مدنظر است. اولویت دوم خود جنگ یعنی واقعه
نظامی، حوادث و وقایع امنیتی داخل کشور است.
اولویت سوم موضوع گروه‌های مسلح در داخل کشور
است که بحران‌های امنیتی ایجاد کرده‌اند و موضوع
بعدی موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛ یعنی
موضوعات مرتبط با جنگ است.»

ایزدی همچنین یادآور شد: «ارائه مطلب در روزشمار
در قالب گزارش است و خبر نیست. یعنی واقعه‌ای را
به‌عنوان خبر بازنشر نمی‌کند، به این صورت که برای مثال
مقدمه‌ای برای آن بنویسد و جمع‌بندی کند، بلکه حوادث
مشابه در قالب یک گزارش ارائه می‌شود. نویسنده کل
اسناد و منابع و مذاکرات را مطالعه، سپس دسته‌بندی
و بعد محوربندی می‌کند و با قلم خودش در قالب
یک گزارش ارائه می‌دهد. بنابراین وقتی به کتاب‌های
روزشمار مراجعه می‌کنید می‌بینید که هر کتاب شامل
۷۰۰-۸۰۰ گزارش است. البته تک‌خبرهایی هم هست که

دفاع مقدس تا دوره پایان جنگ؛ یعنی تا بازگشت اسرا
در جنگ بود و در ۵۷ مجلد دیده شد که با ریاست
سردار دکتر نائینی و گسترش مأموریت‌های مرکز، همین
سبک تاریخ‌نگاری به بعد از جنگ هم تسری پیدا کرد.
روزشمار سنگ محکی برای آثاری است که منتشر
می‌شود. در واقع می‌شود گفت به‌نوعی روزشمار مادر
و پایه اصلی پژوهش‌های جنگ است؛ چون عناصر
اصلی و ارکان کلیدی و اطلاعات پایه را در خود دارد
و سعی شده است تا از سوگیری به‌دور باشد و همه
عناصر درگیر در صحنه؛ اعم از جهاد، ارتش، ژاندارمری،
شهربانی، کمیته‌ها و همه عناصر نظامی را بیاورد. در
واقع جامعیت مخصوص خودش را دارد.

همچنین ایزدی به نحوه ورود مرکز اسناد و تحقیقات
دفاع مقدس به روزشمار پرداخت و توضیحاتی در
خصوص تولید یک اثر تاریخی با عنوان روزشمار جنگ
ایران و عراق داد و در پایان نیز به ضرورت خلق چنین
آثاری از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس اشاره
کرد. او بیان کرد: «بعد از ثبت و نگهداری اسناد، این
موضوع مطرح شد حالا که ما می‌خواهیم در موضوع
جنگ تاریخ‌نگاری کنیم، شیوه و سبکش چیست؟
روزشمار یکی از شیوه‌هایی بود که انتخاب شد؛ چون
ما بیشتر ممکن است جنگ را مترادف با عملیات‌ها
بشناسیم، درحالی‌که ما اگر جنگ را مفهوم عامی در نظر
بگیریم تعریف موسّع و گسترده‌ای دارد و ابعاد متنوع و
مختلفی را تحت پوشش قرار می‌دهد. البته بخش نظامی
آن تا حدودی خاص‌تر است. بنابراین قالب روزشمار
قابلی بود که در خیلی از شیوه‌های تاریخ‌نگاری وجود
دارد و منطق و ظرف آن ظرف زمان است. این مدلی که
کرونولوژی یا روزشمار نامیده می‌شود، می‌گوید که شما
یک مقطع تاریخی از حوادث، وقایع و رخدادها را در
قالب و ظرف زمان ببرید. در مدل روزشمار مرکز، بعد از
مطالعات مقدماتی، آغاز تا پایان جنگ را مشخص کردند
و چون جنگ تحمیلی در بستر انقلاب اتفاق افتاده بود،
آغاز آن را انقلاب اسلامی گرفتند و تا پذیرش قطعنامه

رسالت اصلی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تولید آثار مرجع در حوزه دفاع مقدس، با تاکید بر عنصر تاریخ‌نگاری مستند و روایت متقن است.

این‌ها خیلی با یک گزارش پیوند پیدا نمی‌کند و در قالب تک‌خبرهایی منتشر می‌شود. بعد از آن با تهیه خلاصه گزارش‌ها و نوشتن مقدمه‌ای نسبتاً مفصل، کتاب شکل پیدا می‌کند.»

روزشمارها؛ جزو کتاب‌های مرجع در کشور

ایزدی افزود: «به نظر من روزشمارها جزو کتاب‌های مرجع در کشور است. البته ممکن است این کتاب‌ها مخاطب عام نداشته باشد، ولی برای پژوهشگران، تاریخ‌نویسان و محققان یکی از اصلی‌ترین مراجع قابل اتکا است. پایان هر روز را هم که شما ببینید، مستند به سندهای زمان حادثه و در درون حادثه است که تقریباً خدشه‌ای به آن نمی‌توان وارد کرد.»

تاریخ شفاهی؛ وجه تکمیلی اسناد

در ادامه نشست، اکبرپور ضمن اشاره به فعالیت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در حوزه تاریخ شفاهی گفت: «یکی از وجوهی که تاریخ شفاهی مرکز را منحصربه‌فرد کرده این است که سعی شده روایتی که فرد از نقش و اندازه خودش در صحنه ارائه کرده، درست باشد. برای این کار روش‌های مختلفی وجود دارد، ولی روش اجرایی مرکز دارد که به آن پایبندیم، تطابق روایتی ارائه‌شده با اسناد است. چه در طراحی قبل از جلسه، چه در طراحی حین جلسه و حتی در تدوین به این عنصر خیلی دقت می‌شود. حتی در بعضی از حوزه‌ها این اسناد در اختیار فرمانده قرار می‌گیرد. این کار باعث می‌شود که هم مطالب برای فرمانده یادآوری شود و

توضیحات تکمیلی در خصوص ابعاد و زوایایی که در سند پنهان بوده بدهد و هم این‌که باعث می‌شود روایت آن فرد دقیق و به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

یکی از راه‌های دیگر برای اطمینان از درست‌بودن تاریخ شفاهی، خصوصاً فرماندهان عالی‌رتبه این بود که متناسب با موضوع، از فرماندهان هم‌تراز یا فرماندهان در سطح پایین‌تر برای حضور در آن جلسه بحث دعوت می‌شد. راه دیگر این بود که بعد از پایان جلسات و گردآوری و تنظیم مطالب، قبل از انتشار کتاب، محتوا از سوی فرماندهان هم‌تراز خوانده می‌شود و جاهایی که احتمال داده می‌شود روایت‌ها از واقعیت فاصله داشته باشد، تصحیح می‌شود یا نظرات مختلف در پرونده می‌آید.»

در ادامه ایزدی به صبغه تاریخ شفاهی در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و ضرورت پای نهادن در این عرصه و تفاوت روش تاریخ شفاهی و ثبت و ضبط تاریخ شفاهی در مرکز اسناد با مراکز دیگر اشاره کرد. وی گفت: «در مورد تاریخ شفاهی باید بگویم، مرکز وقتی‌که وارد حوزه تاریخ‌نگاری از جمله روزشمار شد، در طول زمان به این نتیجه رسید که اسناد جمع‌آوری‌شده، کفایت لازم را در بعضی از موضوعات ندارد. یعنی در کلیات حوادث و وقایع ثبت و ضبط شده‌اند، اما این وقایع لایه‌های دیگری را هم دارد که یا دیده نشده و یا اسنادش در مرکز موجود نیست و باید بار دیگر سراغ کسانی رفت که در آن صحنه‌ها حضور و نقش داشتند و درباره ابعاد مغفول یا مفقود موضوع با آن‌ها گفت‌وگو کرد. این تجربه در مرکز بود اما به معنای مطلق جامع نبود. به این ترتیب به این نتیجه رسیدیم که یک وجه تکمیلی وجود داشته باشد.

این پژوهشگر حوزه جنگ افزود: «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در حوزه تاریخ شفاهی مدعی است که خودش صاحب‌سبک است؛ یعنی در خروجی‌های تاریخ

اسنادی که دارای طبقه‌بندی هستند برای رعایت آن طبقه‌بندی‌ها جهاتی مدنظر قرار بگیرد.»

او در ادامه افزود: «روش ما در این مدل تاریخ شفاهی روش سندپایه است؛ یعنی روش تاریخ شفاهی مرکز خاطره‌گویی نیست که فقط فرد صرفاً دانسته‌های خودش را مطرح کند. پژوهشگر بر اساس مطالعات اسنادی طرحی را ارائه می‌دهد. آن طرح پس از بازخورد و تکمیل، نقشه راه گفت‌وگوهایی می‌شود که بر حسب سطحی که فرمانده دارد، دانسته‌های او و نقشی که در جنگ داشته، با او گفت‌وگو می‌کنند. بنابراین تاریخ شفاهی مرکز روایت فرد در نسبت با واقعه و سطحی است که آن فرمانده دارد. پژوهشگر مراقبت می‌کند که این داده‌های اطلاعاتی در روایت دوره واقعه تأثیر تعیین‌کننده نگذارد. طبیعتاً فرمانده ای که امروز استاد دانشگاه است و نسبت به جنگ تحلیل و مطالعات دارد، ممکن است وقایع گذشته را با دانسته‌های امروزش روایت کند. البته این از آسیب‌های تاریخ شفاهی جنگ است که سعی می‌شود تا حد امکان از تحریفاتی که در آن پیش می‌آید جلوگیری شود.»

ایزدی در پایان گفت: «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سعی کرده است در ثبت تاریخ شفاهی استقلال قلم، سوگیری‌ها، جهت‌گیری‌ها و درعین حال رسالتی که برای صیانت از تاریخ‌نگاری و جلوگیری از تحریف است، رعایت شود. از اغراق‌ها، زیاده‌گویی‌ها، غلوها پرهیز شود و حتی به‌نوعی مرکز خود را پاسدار بعضی از روایت‌هایی می‌داند که ممکن است فرد عامدانه و آگاهانه هم غلو نکند. چرا که کم‌کم این زیاده‌گویی‌ها به‌عنوان یک باور در قلم‌ها و در اندیشه‌ها می‌نشینند و فرد دیگر خیلی متوجه نیست که این اضافات از کجا اضافه شده است. به‌هرحال صاحبان قلم در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بر آن عهد پیشین وفادارند.»



شفاهی، ضمن این‌که از تجربه‌های موجود چه در داخل و چه در خارج از کشور نهایت استفاده را کرد، ولی هیچ‌کدام این‌ها را به روش خودش انتخاب نکرد بلکه بر اساس تجربه پیشینی خود در دوره جمع‌آوری، به سراغ فرماندهان رفت و با آن‌ها گفت‌وگو کرد. اما برای خروجی‌ها با سبک خودش دستورالعمل تهیه کرد و در اختیار فرماندهان و مجریان قرار داد. ضرورتش هم این بود که اولاً ما حفره‌های اطلاعاتی در اسناد داشتیم و دیگر این‌که روش ذکرشده خودش تولید منبع بود؛ یعنی این کار به غنای آرشیوی مرکز کمک می‌کرد. ردّ این شیوه در اسناد چندان نمایان نیست، اما در تاریخ شفاهی مشخص است، باید خاطرنشان کنم مرحوم دکتر حسین اردستانی ریاست فقید مرکز که بنیان‌گذار تاریخ شفاهی در مرکز بودند، از مسئولان اصلی تصمیم‌گیر کشور در دوره جنگ، فرماندهان نظامی و مسئولان حوزه دیپلماسی جنگ، حوزه اقتصاد جنگ و حوزه تصمیم‌سازی جنگ، فهرست تقریباً پنجاه نفره‌ای را تهیه کردند و به تأیید فرمانده وقت سپاه که آن موقع سردار جعفری بودند رساندند و آن منشور مرکز برای ورود به حوزه تاریخ شفاهی شد.»

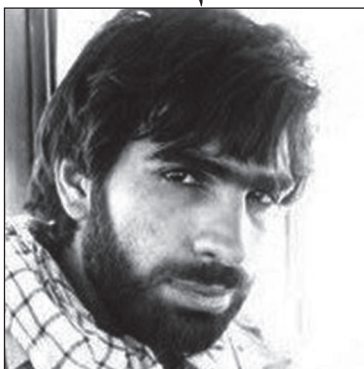
او با طرح این سؤال که آیا این مدل تاریخ‌نگاری، در حوزه تاریخ شفاهی قابل اعتماد و قابل اتکا است؟ روایتی بی‌طرفانه است؟ سوگیری در آن وجود دارد یا خیر؟ گفت: «کسانی که بنیان‌گذاران این سبک از تاریخ‌نگاری هستند، عهد کرده بودند که حقایق تاریخی را همان‌گونه که اتفاق افتاده و ثبت و ضبط شده است، بیان کنند. البته طبیعی است پاره‌ای از مصالح باعث می‌شود

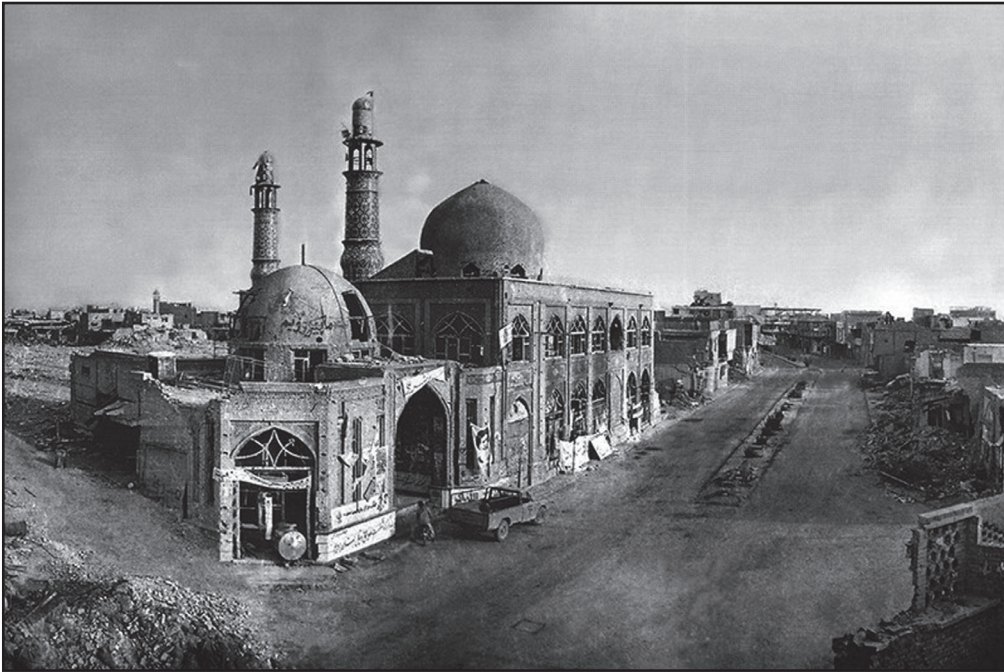
هنر و جنگ عکس‌های ماندگار

①

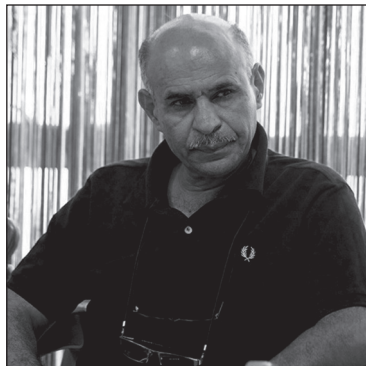


کاظم اخوان



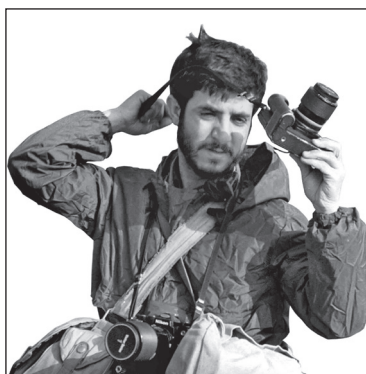


محسن راستانی



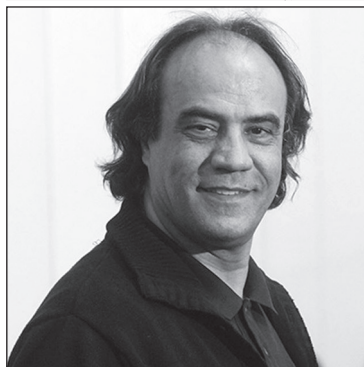


علی فریدونی





سیف‌الله صمدیان



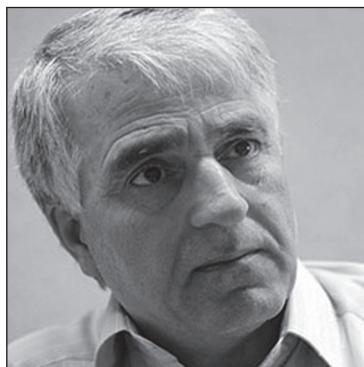


محمد حسین حیدری



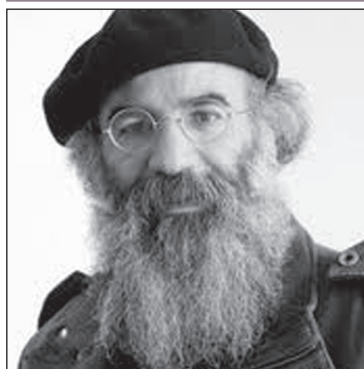


سعید صادقی



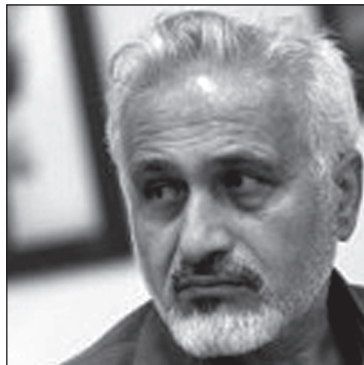


محمود عبد الحسینی



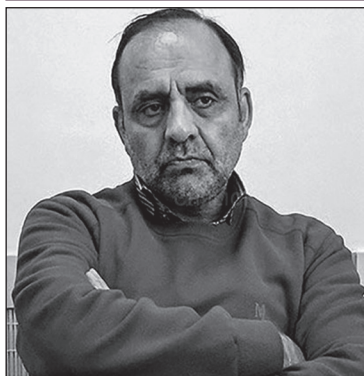


امیرعلی جوادیان





محمود بدرفر



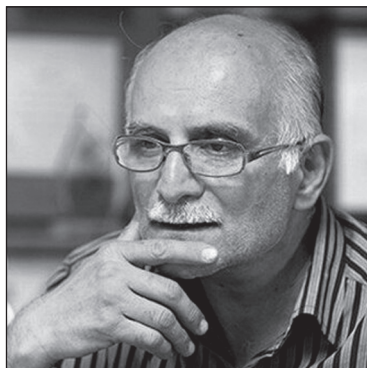


آلفرد یعقوب زاده





محمد رضا شرف الدین





جاسم غضبان پور



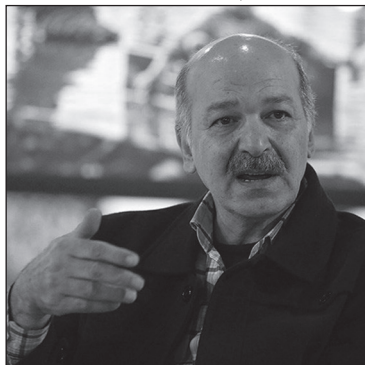


محمد رازدشت





بهرام محمدی فرد



فراخوان برای ارتقای مطالعات جنگ هشت ساله

فراخوانی برای هم‌راهی و هم‌اندیشی

جنگ هشت‌ساله با همه فراز و فرودها و کامیابی‌ها و ناکامی‌های خود، سند هویت ایران و نظام اسلامی است. این تجربه بزرگ تاریخی و این اندیشه مقاومت و جهاد، سرمایه بزرگ ایرانیان برای دهه‌ها و سده‌های پیش رو خواهد بود.

فصلنامه نگین ایران، منتشره از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، با رویکرد تاریخی- پژوهشی- اسنادی می‌کوشد روایت‌هایی مستند و مستدل از جنگ هشت‌ساله و ابعاد مختلف آن را با ادبیات علمی و تحلیلی برای پژوهشگران این حوزه عرضه نماید.

موضوعاتی همانند:

- بنیان‌های فکری و اندیشه سامان‌بخش این تجربه بزرگ تاریخی؛
 - مقاطع مختلف جنگ، زمینه‌ها و دلایل صورت‌پذیری آن‌ها؛
 - انگیزه‌ها، نقشه راه، راهبرد و گام‌های جبهه متکثر دشمن در مقاطع مختلف جنگ؛
 - نقش راهبردی و ارزش راهبردی جنگ و گام‌های عملیاتی؛
 - کامیابی‌ها و ناکامی‌های جنگ؛
 - فرماندهان و چهره‌های نخبه جنگ؛
 - نمونه‌هایی از کارهای برجسته، عملیاتی، آفند و پدافند، فرهنگی و تبلیغی؛
 - آموزه‌های این تجربه برای امروز و آینده؛
- می‌تواند دست‌مایه یک نوشته در قالب مقاله، یادداشت، سند پژوهی، معرفی و نقد کتاب و پایان‌نامه‌های تحقیقی مرتبط برای انتشار در این فصلنامه باشد.

با نوشته‌های خلاقانه خود و نیز با نقد و راهگشایی‌تان،
ما را در ارتقای مطالعات جنگ هشت‌ساله یاری دهید!

مشتاقانه چشم‌انتظار تان هستیم!
Neginiran@gmail.com



راه‌های تهیه آثار مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

۱. به صورت اینترنتی و مجازی:

مراجعه به نشانی: defamoghaddas.ir و استفاده از نرم‌افزار (APP) انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس که با همین نام در برنامه «بازار» موجود است.

۲. به صورت حقیقی از ۲ فروشگاه رسمی و ۴ نمایندگی فروش در کشور:

- فروشگاه مرکزی در تهران: خیابان انقلاب- ابتدای خیابان فخر رازی- بعد از خیابان شهدای ژاندارمری- پلاک ۵۳- فروشگاه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

- فروشگاه مرکزی در استان خوزستان: خرمشهر- جنب مسجد جامع- بازار شهید محمد جهان‌آرا- پلاک ۲۷.

- نمایندگی فروش در تهران: بزرگراه شهید حقانی- فروشگاه بزرگ «باغ‌کتاب تهران».

- نمایندگی فروش در استان زنجان: زنجان- خیابان ۱۷ شهریور- جنب درمانگاه شماره ۸- فروشگاه شهدای غواص.

- نمایندگی فروش در استان گیلان: رشت- خیابان آیت‌الله لاکانی- جنب خیابان ۱۷ شهریور- فروشگاه ستارگان درخشان.

- نمایندگی فروش در استان لرستان: خرم‌آباد- خیابان علوی- نرسیده به میدان شقایق- روبه‌روی کوچه دانش- کتابفروشی ستارگان آسمان.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

In the Name of Allah The Merciful Beneficent

فَلَا تَقْصِرْ

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا

پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید...